



اسناد می از زرتشتیان معاصر ایران

(۱۳۳۸-۱۳۵۸ ش)

به کوشش: تاج ایشی

سازمان اسناد ملی ایران
پژوهشگاه اسناد

۱۳۸۰



Publication of Iran National Archives Organization

Some Records

on

The Iranian Contemporary Zoroastrians
(1879 - 1959)

by : T. Amini

Records Research Center

Iran National Archives Organization

2001

۹۶۴-۶۱۸۹-۴۴-X
ISBN 964-6189-44-X

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

اسنادی از رشت میمان معاصران
(۱۳۳۸-۱۲۵۸ ش)

به کوشش: خورشید ائینی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
انتشار است



۱	۰۱۰
۳	۹۱

۸۵

اسرار

زرتشت

ایران‌شناسی

HZ۴۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۵۲۲۸

اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران

(۱۲۵۸-۱۳۳۸ ش)

سازمان اسناد ملی ایران

«پژوهشکده اسناد»

به کوشش: تورج امینی

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

۱۳۸۰

امینی، تورج

اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران / تورج امینی. - تهران : سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، انتشارات ۱۳۸۰.

۷۳۶ ص. : عکس، سند.

۱. زرتشتیان - ایران - تاریخ. ۲. زرتشتیان - ایران - وضع سیاسی و اجتماعی. ۳.

ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. - زرتشتیان. ۴. ایران - تاریخ -

انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ - زرتشتیان. ۵. ایران - تاریخ - قرن ۱۴ ق. - اسناد و مدارک.

الف. عنوان

۹۵۵/۹۷۳

DSR ۷۲ / ۴ الف ۸



نام کتاب: اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۲۵۸ - ۱۳۳۸ ش)

به کوشش: تورج امینی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

نشانی ناشر: میدان ولیعصر - خیابان کریم خان زند - خیابان به آفرین - پلاک ۶۶ - سازمان اسناد

ملی ایران - کد پستی: ۱۵۹۳۶ - تلفن: ۶۴۶۹۰۱۰ - ۶۴۹۱۹۴۶

نوبت چاپ و تاریخ: اول - ۱۳۸۰

تعداد: ۳۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: راین گرافیک

چاپ: سه‌پند

ISBN - 964 - 6189 - 44 - X

شابک: X - ۴۴ - ۶۱۸۹ - ۹۶۴

کلیه حقوق برای «سازمان اسناد ملی ایران» محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
هفت	پیشگفتار.....
نه	مقدمه.....
هفده	فهرست موضوعی اسناد.....
۱	فصل اول: مانکجی صاحب.....
۹۱	فصل دوم: ارباب جمشید جمشیدیان.....
۱۳۹	فصل سوم: ارباب کیخسرو شاهرخ.....
۲۰۹	فصل چهارم: مدارس، بنگاه‌های فرهنگی و موقوفات.....
۲۸۱	فصل پنجم: انجمن‌ها.....
۳۰۷	فصل ششم: مهاجرت، آمار و مسافرت.....
۳۳۹	فصل هفتم: تغییر مذهب.....
۳۸۵	فصل هشتم: حوادث و وقایع.....
۴۹۷	فصل نهم: تجار، تجارتخانه‌ها و مسائل مالیاتی.....
۵۸۳	فصل دهم: اسناد متفرقه.....
۶۳۱	گزیده تصاویر اسناد.....
۶۶۳	فهرست اعلام.....

پیشگفتار

فرهنگ و تمدن ایرانی، محصول پیوند و ارتباط و نیز تلاش و تکاپوی هماهنگ اقوام و مذاهب گوناگون است.

در میان مذاهب کهن ایرانی، زرتشتیان نه تنها از دیرباز در ایجاد و توسعه تمدن این مرز و بوم نقش داشته‌اند؛ بلکه پس از پذیرش آگاهانه دین مقدس اسلام توسط ایرانیان و گسترش آن در سرزمینهای ایرانی همواره با متانت و صداقت به همگامی و همراهی خویش با مسلمانان هموطن خود ادامه داده‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز زرتشتیان از جمله اقلیتهای دینی رسمی و مورد احترام نظام بوده و در مجلس شورای اسلامی نمایندگانی با رای مساوی داشته و دارند.

مجموعه حاضر «اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران» است که در گنجینه سازمان اسناد ملی ایران موجود می‌باشد. این اثر می‌تواند بسیاری از نکات مبهم مربوط به روابط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان ایران را در دوره معاصر توضیح دهد و زمینه مساعدی برای پژوهش‌های دیگر فراهم آورد.

امید است هموطنان عزیز زرتشتی با اهداء و ارائه اسناد با ارزش خود به این سازمان بر غنای این گنجینه ملی ارزشمند بیفزایند تا در مقالات و انتشارات آتی سازمان به آگاهی علاقمندان فرهیخته این آثار برسد.

در پایان سخن لازم می‌دانم از پژوهشگر گرامی آقای تورج امینی به خاطر تدوین این اثر سپاسگزاری کنم.

سیدحسن شهرستانی

رئیس سازمان اسناد ملی ایران

مقدمه

پس از استیلای اسلام بر گستره ایران، پیروان ادیان آسمانی که حاضر به قبول دین اسلام نگردیدند و اقامت در حیطه حکومت اسلامی را در برابر مهاجرت برگزیدند؛ زندگی در جامعه اسلامی را برطبق قراردادی به نام «قرارداد ذمه» ادامه دادند. براساس این معاهده، اهل ذمه یعنی یهودیان، زرتشتیان، صابیان و مسیحیان، موظف بودند تا: به حکومت اسلامی «جزیه»^(۱) پردازند، به آداب اسلامی احترام بگذارند، احکام قضایی و جزایی اسلام را بپذیرند، مبادرت به توطئه و عملیات خصمانه علیه مسلمانان ننمایند، به فعالیت‌های تبلیغی مذهبی علیه اسلام دست نزنند و ... و دولت اسلامی نیز موظف بود که در قبال تعهدات فوق‌الذکر شرایط زندگی مسالمت‌آمیز را برای پیروان سایر ادیان فراهم نماید، ایشان را تحت حمایت خود گیرد و از تجاوزات داخلی و خارجی برضد ایشان جلوگیری نماید.^(۲)

«قرارداد ذمه» در هر زمان براساس آیات مبارکه قرآن کریم، احادیث مأثوره از حضرت رسول اکرم (ص)، روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام و آرا و فتاوی فقهای وسیع‌النظر، بنیاد نهاده می‌شد و این قرارداد مبنی بر رفق و مدارا با پیروان ادیان آسمانی بود. اما پاره‌ای مواقع، علی‌رغم شرایط قراردادهای، حاکمان جابر یا آحاد متعصب جامعه

۱ - ر.ک: مقدمه فصل اول.

۲ - اصولی که به طور مجمل به آنها اشاره رفت در قراردادهای مختلف به اشکال گوناگون درج می‌گردد. جهت اطلاع بیشتر درباره تعهدات دوطرفه در معاهدات فوق‌الذکر، ر.ک: عمید زنجانی، عباس علی: «حقوق اقلیت‌ها بر اساس قانون قرارداد ذمه»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۰.

اسلامی، براساس مفاد آنها عمل نمی نمودند و مضاف بر آن سخت گیری های برخی از فقها علیه پیروان ادیان آسمانی، کار را بر این گروه ها سخت می نمود.^(۱)

با این وجود در سده های حضور و سلطه اسلام در ایران، موردی را نمی یابیم که اهل ادیان الهی، برای احقاق حقوق مذهبی و یا اجتماعی خود به قیام و مبارزه مسلحانه دست زده باشند. آنان همواره در هنگام بروز شرایط سخت مهاجرت را بر جنگ و جدال ترجیح داده اند.

شرایط اجتماعی پیروان ادیان آسمانی تا زمان نفوذ و گسترش فرهنگ غرب در ایران بر یک روش استوار بود. از زمانی که با حضور غربیان روابط اجتماعی در ایران پیچیده تر گردید، اوضاع اجتماعی مذاهب متنوعه نیز مانند کلیه امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روبه دگرگونی نهاد.

اولین اقدامات قانونی در رفع مشکلات اجتماعی پیروان ادیان الهی و حرکت به سوی «تساوی حقوق اجتماعی» در زمان ولایت عهدی «عباس میرزا» آغاز شد. وی با همکاری «میرزا عیسی قائم مقام» ارامنه آذربایجان را از پرداخت جزیه معاف نمود^(۲) و سپس در زمان «محمدشاه» قاجار، فرمانی مبنی بر تساهل مذهبی با مسیحیان ایران صادر گردید.^(۳)

اقدامات قابل توجه درباره مسایل اجتماعی مذاهب متنوعه، فی الواقع از زمان

۱ - جهت اطلاعات بیشتر در این زمینه، رک: الف) مطهری، مرتضی؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»، دفتر انتشارات اسلامی ب) کلانتری، علی اکبر؛ «جزیه و احکام آن در فقه اسلامی»، دفتر انتشارات اسلامی ج) زرین کوب، عبدالحسین؛ «دو قرن سکوت».

۲ - رک: فصل اول، سند شماره .

۳ - آدمیت، فریدون؛ «امیرکبیر و ایران»، خوارزمی، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۴۳۷.

صدارت «میرزا تقی خان امیرکبیر» صورت گرفت. آشوریان؛ ارمنیان؛ عیسویان کاتولیک، ارتدکس و پروتستان؛ صابیان و تا اندازه‌ای یهودیان از سیاست‌های روشنفکرانه امیرکبیر بهره بردند. در این میان زرتشتیان بیش از دیگران مورد توجه امیرکبیر واقع شدند تا از «مدارای اجتماعی»، «آزادی مذهبی» و «برابری حقوق اجتماعی» برخوردار گردند.^(۱)

اما نقطه عطف نگاه‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به پیروان ادیان الهی در «انقلاب مشروطیت» رخ داد و تساوی حقوق اجتماعی ایرانیان، از هر نژاد و مذهب در قانون اساسی درج گردید. به تحقیق تلاش‌های بی‌وقفه «ارباب کیخسرو شاهرخ» در تثبیت احکام قانونی راجع به حقوق مدنی تمامی مذاهب در ادوار مجلس شورای ملی تأثیری به سزا داشت.^(۲)

با تدقیق در تاریخ معاصر درمی‌یابیم که «عدالت اجتماعی» - در ارتباط با پیروان مذاهب آسمانی - از زمان برقراری حکومت مشروطه تا زمان حاضر، با وجود فرازها و نشیب‌ها، در مجموع حرکتی مثبت و رو به ترقی داشته است. حال دیگر برخلاف سده‌های پیشین، «مدارای اجتماعی»، «آزادی مذهبی» و «برابری حقوق اجتماعی» برای اهل ادیان در ایران دغدغه‌های اساسی به شمار نمی‌رود و تنها در برخی از موارد احکام حقوقی و جزایی همچون «دیه» و «ارث» برای ایشان نگرانی‌هایی وجود دارد.^(۳)

کتاب حاضر، تحقیقی است مختصر از نشیب و فراز این حرکت تاریخی که برای زرتشتیان معاصر ایران رخ داده است. این مجموعه که براساس اسناد موجود در آرشیو

۱ - همان جا، ص ۲۳۵ - ۲۴۱.

۲ - ر.ک: مقدمه‌های فصل دوم و سوم.

۳ - ر.ک: «پرسش آقای دکتر فرهنگ‌مهر و پاسخ آقای خاتمی در سفر رئیس جمهور محترم به امریکا (۱۳۷۷

ش)، چیست، سال هفدهم، شماره ۸ و ۹، ص ۷۹۹ - ۸۰۰.

«سازمان اسناد ملی ایران» تهیه و تنظیم شده است، محدوده زمانی اواسط حکومت ناصرالدین شاه قاجار تا اواسط دوران پهلوی دوم را دربرمی گیرد.

از آن جا که اسناد مذکور از لحاظ موضوع، گستردگی قابل توجهی را شامل می شوند، نگارنده جهت استفاده بیشتر محققین و خوانندگان، آنها را در ۱۰ فصل جداگانه طبقه بندی نمود که عبارتند از: ۱- مانکجی صاحب ۲- ارباب جمشید جمشیدیان ۳- ارباب کیخسرو شاهرخ ۴- مدارس، بنگاه های فرهنگی و موقوفات ۵- انجمن ها ۶- مهاجرت، آمار و مسافرت ۷- تغییر مذهب ۸- وقایع و حوادث ۹- تجار، تجارتخانه ها و مسائل مالیاتی ۱۰- اسناد متفرقه.

به این دلیل که مطالعه اسناد به صورت خام، جز برای کسانی که به طور تخصصی مطلبی را دنبال می نمایند، مفید فایده ای نیست، نگارنده اولاً برای هر فصل مقدمه ای کوتاه ترتیب داد تا خوانندگان پیش از مطالعه اسناد، اشرافی هر چند مختصر نسبت به موضوع هر فصل حاصل نمایند و ثانیاً برای اسناد توضیحاتی جهت استفاده بیشتر به صورت پانویست تهیه و تحریر نمود.

فصل های این کتاب، گرچه از نظر موضوعی از یکدیگر تفکیک شده اند، اما در عین حال در بسیاری از موارد، اشتراک و بستگی مناسبی با همدیگر دارند. به عنوان مثال مکاتبات انجمن های زرتشتیان در اکثر فصل ها وجود دارد اما آنچه که مستقیماً مربوط به خود انجمن ها و یا حوادث واقعه بر انجمن ها بود تحت یک عنوان و یک فصل آمد و ضمناً بنای کار نگارنده، بر توضیح و تشریح اسناد موجود قرار گرفت چرا که می توان درباره انجمن های گوناگونی که زرتشتیان داشته اند، کتابهایی جداگانه تألیف نمود، اما توضیحات و حواشی کتاب حاضر، منحصر بر موضوع و محتویات اسناد مورد استفاده است.

بیان شرحی درباره منابع و مأخذ مورد استفاده نگارنده در تحریر مقدمه فصل های

ده گانه و پانوش اسناد نیز ضروری است. مهمترین نکته‌ای که باید در این باره گفت آن است که تاکنون کتابی در خور و شایسته درباره تاریخ معاصر زرتشتیان نگاشته نشده است. آقای «رشید شهردان» دو کتاب یکی تحت عنوان «فرزانگان زرتشتی» و دیگری به نام «تاریخ زرتشتیان» تألیف و منتشر نموده است. کتاب اول در شرح احوال بزرگان، خصوصاً دانشمندان علوم دینی زرتشتی - اعم از ایرانی و غیرایرانی - از قدیم‌الایام تا زمان معاصر تألیف شده و کتاب دوم فی الواقع مجموعه‌ای است از مقالات درهم ریخته، بدون هیچ نظم خاص که در بیان تاریخ وقایع و حوادث از سقوط ساسانیان تا زمان معاصر (به همراه شرح احوال برخی از بزرگان زرتشتی که در کتاب فرزانگان زرتشتی نیز موجود است) نوشته شده است.

آقای دکتر جهانگیر اشیدری نیز دو کتاب تحت عناوین «تاریخ پهلوی و زرتشتیان» و «یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ» تألیف و تدوین نموده است. کتاب نخست گرچه بسیار مورد استفاده نگارنده قرار گرفت اما این اثر نیز مانند کتاب «تاریخ زرتشتیان» مجموعه‌ای از مقالات بدون نظم است که بسیاری از مواد آن برگرفته از دو کتاب «شهردان» و یا مقالات مندرج در ماهنامه «هوخ» است. می‌توان گفت کتاب «یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ»^(۱) با وجود اشکالاتی که بر آن وارد است، تنها اثری است که مستقلاً بخش کوچکی از تاریخ معاصر زرتشتیان را به تصویر می‌کشد.

خلاصه‌الکلام آن که عناوین کتب چاپ شده و چاپ نشده، درباره حوادث دوران معاصر زرتشتیان، از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کند و بنابراین نگارنده از مطالب مجلات زرتشتی نیز در تحریر توضیحات اسناد استفاده نمود که اهم آنها عبارتند از:

۱ - این خاطرات را «ارباب کیخسرو شاهرخ» در سال ۱۳۱۷ ش. در آلمان نگاشت و آقای اشیدری آن را در

ـ الف) ماهنامه «هوخت» که از فروردین ۱۳۲۹ تا مهرماه ۱۳۶۳ مرتباً انتشار یافت.
 ـ ب) «مهنامه زرتشتیان» از شماره ۱ در زمستان ۱۳۵۱ تا شماره ۵۹ در مردادماه ۱۳۵۶.
 ـ ج) ماهنامه «فَرَوهر» از اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ (سال هشتم) که تا حال به طور مرتب در حال انتشار بوده است.^(۱)

ـ د) فصل نامه «پیک کنکاش موبدان» از اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تا دی ماه ۱۳۶۴.
 ـ ه) مجله «چیستا» که از شهریور ماه ۱۳۶۰ تا حال بدون وقفه منتشر شده است.^(۲)
 ـ و) سال نامه های فرهنگی، یادنامه ها، مجموعه مجلات متفرقه همچون «اندیشه ما»، «پشوتن»، «نشریه سازمان جوانان زرتشتی یزد» و....

همچنین از آن جا که بعضی اسناد، خصوصاً آنچه که مربوط به وقایع و حوادث جامعه زرتشتیان یزد و کرمان بود، احتیاج به تحقیقات محلی داشت، نگارنده به دو شهر مزبور مسافرت نمود تا در صورت امکان از اسناد و دفاتر انجمن های زرتشتیان یزد و کرمان، استفاده نماید.

در یزد علی رغم همراهی و پیگیری دوست فرزانه و ارجمند آقای «سهراب یزدانی» توفیقی برای نگارنده حاصل نشد، اما در کرمان «انجمن زرتشتیان» به گرمی نگارنده را پذیرفت و تمام اسناد موجود خود را بی دریغ ارائه نمود. در بایگانی انجمن زرتشتیان کرمان تنها ۱۰ دفتر بدون نمره و مشخصه، اعم از «دفاتر خلاصه مذاکرات انجمن کرمان» و «دفاتر کپی مراسلات انجمن کرمان» وجود داشت که مورد استفاده قرار گرفت.^(۳)

۱ - «فروهر» تا سال هشتم به صورت گزارش های دو هفته ای یا ماهیانه به طور غیررسمی منتشر می شد. از سال ۱۳۵۲ به صورت ماهنامه و در چند سال اخیر به صورت دو ماهنامه انتشار می یابد.

۲ - «چیستا» به صورت ۱۰ شماره در سال منتشر می شود.

۳ - گرچه از زمانی که «مانکجی صاحب» انجمن کرمان را بنیاد نهاد و به اعضای آن انجمن آموزش داد که ←

بناء علی هذا بر راقم پوشیده نیست که کتاب حاضر گرچه گزیده‌ای از اسناد ارزشمند «سازمان اسناد ملی ایران» است، اما از لحاظ پانویشت اسناد کاستی‌هایی دارد که بیش از آنچه محصول کم‌کاری نگارنده باشد، اولاً حاصل بی‌تفاتی زرتشتیان نسبت به درج و ثبت تاریخ معاصر خود است و ثانیاً نتیجه بی‌دقتی در حفظ و نگاه‌داری اسناد انجمن‌های زرتشتیان است. بنابراین نگارنده در انتظار انتقادات و اطلاعات کلیه محققین و مطلعین می‌ماند تا در آینده ایام در رفع نقائص و کاستی‌های کتاب حاضر برآید.

نکته پایانی آن که نگارنده در رونویسی اسناد از رسم الخط پیشنهادی «پژوهشکده سازمان اسناد ملی ایران» استفاده کرد. اگر تغییری در صورت املایی لغات داد، اصل آن را در پانویس آورد. همچنین نقطه‌گذاری و علامات دستوری را مانند ویرگول، گیومه و ... که در قدیم رواج نداشته، جهت بازخوانی راحت‌تر، به متن اسناد اضافه کرد. از آن جا که اسناد کتاب حاضر، از لحاظ موضوع در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، بنابراین جهت مشخص شدن اتمام هر پرونده یا موضوع علامت (***) را به کار برد و دیگر آن که برای جلوگیری از تطویل کلام در پانویس‌ها به جای لغات «سال»، «شماره»، «جلد» و «صفحه» به ترتیب حروف «س»، «ش»، «ج» و «ص» را درج نمود.

در به انجام رسیدن این کار اشخاص بسیاری راقم را همراهی کرده‌اند - و اشخاص بسیاری نیز همراهی نکرده‌اند !! - که ذکر تمامی ایشان در این مختصر میسر نیست اما لازم است در این جا تقدیری از برخی کسان به عمل آید :

«خلاصه مذاکرات هر جلسه را ثبت نمایند و همچنین صورتی از مکاتبات خود را نگاه دارند - و بنابراین تعداد دفاتر می‌بایست بیش از ۱۰۰ مجلد می‌بود - اما در بایگانی انجمن زرتشتیان کرمان به جز «دفاتر مالی» که به تعداد زیاد موجود بود، از دفاتر خلاصه مذاکرات و کپی مراسلات بیش از همان ۱۰ عدد چیزی به دست نیامد.

– نخست از ریاست فرزانه سازمان اسناد ملی ایران جناب آقای مهندس شهرستانی که چاپ این اثر نتیجه حمایت ایشان است، تقدیر و تشکر دارم.

– از آقای دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ (معاون آرشیو و سرپرست پژوهشکده اسناد) که زحمت مطالعه این کتاب را بر خود هموار فرمودند و نیز سرکار خانم قاضی‌ها معاونت پژوهشکده اسناد، سپاس و تشکر فراوان دارم.

– از آقای علی میرانصاری (مدیریت محترم چاپ و انتشار) و آقای نصرت‌الله امیرآبادی (کارشناس فنی چاپ و انتشارات) سازمان اسناد ملی ایران و خانم الهام ویسایان که امکان فراهم آمدن و چاپ این مجموعه را باعث شدند.

– و بالاخره از مدیریت و مسئولین «اتاق تحقیق» سازمان اسناد ملی ایران سرکار خانم «هما قاضی»، «نسرین نگاهبان» و «کبری مقیمی» که حضور مداوم نگارنده را در اتاق تحقیق تحمل نمودند و همواره صمیمانه همراهی کردند.

– از آقای «شاه فریدون بنداری» مسئول کتابخانه اردشیر یگانگی که با محبت و اشتیاق تمام، حتی ساعات استراحت خود را در اختیار نگارنده نهاد.

– از تمامی اعضای انجمن زرتشتیان کرمان خصوصاً آقایان «کیومرثی»، «فرهادی»، «پیمان»، «غیبی» و همچنین سرکار خانم «حمیده منصوری» (منشی دبیرخانه انجمن کرمان) که تمامی اوقات و امکانات خود را بدون هیچ گونه توقعی نثار کردند.

– از آقایان «گوهری‌زاده» (رئیس انجمن زرتشتیان تهران)، «خادمی» و «رستمی» که در تهیه عکس‌های کتاب نگارنده را یآوری کردند.

امید است این مجموعه مقبول طبع مردمان صاحب نظر واقع شود.

تورج امینی

بهار ۱۳۸۰

فهرست موضوعی اسناد

شماره سند	موضوع	صفحه
فصل اول: مانکجی صاحب		
— مقدمه		۱۳ - ۱
— سند شماره ۱:	نامه مانکجی به انجمن زرتشتیان یزد.....	۲۹ - ۱۴
— سند شماره ۲:	نامه مانکجی راجع به کتاب آیین هوشنگ و	
	نقش مجلس اسکندر در داراب.....	۳۰ - ۲۹
— سند شماره ۳:	نامه مانکجی به وزیر مختار انگلیس درباره	
	سرقت منزلش.....	۳۲ - ۳۱
— سند شماره ۴:	نامه انجمن اکابر پارسیان به نصرت الدوله حاکم	
	کرمان.....	۳۴ - ۳۲
— سند شماره ۵-۶:	سؤالات میرزا ابوتراب حکیم از مانکجی در	
	خصوص مطالب مندرج در کتاب آیین هوشنگ	
	و جواب مانکجی.....	۳۹ - ۳۴
— سند شماره ۷-۸:	نامه های مانکجی به محمدزمان میرزا در جواب	
	خواسته ها و سؤالات او.....	۴۵ - ۳۹

- سند شماره ۹: نامه مانکجی به ملا نوذر مهربان ۴۵-۴۷
- سند شماره ۱۰: نامه مانکجی در تعزیت مرگ میرزا حسین خان
سپهسالار ۴۷-۴۸
- سند شماره ۱۱: نامه مانکجی به یک زرتشتی درباره صبر در
مقابل ظلم و تعدی ۴۸-۴۹
- سند شماره ۱۲: نامه مانکجی به یک نفر درباره مطالب کتاب
دساتیر ۵۰-۵۱
- سند شماره ۱۳-۱۸: مکاتبات درباره مسأله جزیه ۵۱-۶۲
- سند شماره ۱۹: جواب سؤالات حسن خان صنیع الدوله توسط
مانکجی ۶۲-۶۴
- سند شماره ۲۰: در ذکر عیدهای زرتشتیان ۶۵-۶۸
- سند شماره ۲۱-۲۳: مکاتبات درخصوص پارسی سره نویسی ۶۸-۸۷
- سند شماره ۲۴: نامه به پارسی سره به ابوالقاسم فرهنگ درباره
کتاب آیین هوشنگ ۸۷-۸۹
- سند شماره ۲۵: نامه به پارسی سره به اسمعیل خان زند ۸۹-۹۰

فصل دوم: ارباب جمشید جمشیدیان

- مقدمه ۹۱-۹۸
- سند شماره ۲۶: مکاتبه جهت اخذ پول از تجارتخانه جمشیدیان
برای مرمت بهارستان ۹۹

- سند شماره ۲۷-۳۷: مکاتبات ارباب جمشید، دیوان محاسبات و وزارت مالیه درخصوص طلب ارباب از ادارات دولتی و عدم رسیدگی صحیح نسبت به خواسته‌های ارباب ۱۰۰-۱۱۰
- سند شماره ۳۸-۴۹: مکاتبات ارباب جمشید و خزانه‌داری کل و وزارت مالیه درخصوص اختلاف نظر در ملک فرون‌آباد متعلق به ارباب جمشید ۱۱۰-۱۲۲
- سند شماره ۵۰-۵۶: مکاتبات دولتی درباره طلب ارباب جمشید از آصف‌الدوله درخصوص نحوه اخذ آن از وراثت آصف‌الدوله ۱۲۲-۱۲۸
- سند شماره ۵۷-۵۹: مکاتبات وزارت مالیه و وزارت جنگ در باب تهیه ملبوس زمستانی برای سربازان و کمک گرفتن از ارباب جمشید در این زمینه ۱۲۸-۱۳۳
- سند شماره ۶۰-۶۱: مکاتبه ارباب جمشید با وزارت جنگ درباره تعمیر مخزن نظامی ۱۳۳-۱۳۴
- سند شماره ۶۲-۶۳: ورقه استنطاقیه و حکم دیوانخانه عدلیه در باب اختلافات مالی ارباب جمشید با شاهزاده خانم عزیزالدوله ۱۳۵-۱۳۷
- سند شماره ۶۴: درخواست پیگیری از جانب ارباب جمشید به وزارت مالیه درخصوص وصول طلبش از پیشکار مالیه فارس ۱۳۷-۱۳۸

فصل سوم: ارباب کیخسرو شاهرخ

- مقدمه ۱۳۹-۱۴۸

- سند شماره ۶۵: دستور مجلس شورای ملی به وزارت مالیه
مبنی بر تحویل دادن ستگاه چاپ به ارباب
کیخسرو ۱۴۹
- سند شماره ۶۶-۶۷: سؤال ارباب درباره تدوین نظام نامه داخلی
وزارتخانه ها ۱۵۰-۱۵۱
- سند شماره ۶۸-۷۳: پیگیری ارباب درباره خارج شدن جواهرات
سلطنتی از ایران ۱۵۱-۱۶۰
- سند شماره ۷۴: نامه ارباب به وزیر مالیه درخصوص سفارش
میرزامهدی نام و همچنین درخواست پرداخت
طلب ارباب از هیأت وزرا ۱۶۰-۱۶۱
- سند شماره ۷۵-۷۸: مکاتبات ارباب و ادارات دولتی در خصوص
تأدیه قرض ارباب از دولت بابت پرداخت
حقوق مستخدمین مجلس در ایام تعطیلی
مجلس شورای ملی ۱۶۱-۱۶۵
- سند شماره ۷۹-۸۹: واگذاری ریاست اداره خبازخانه به ارباب و
عمل خرید گندم توسط ارباب برای دولت ۱۶۵-۱۷۷
- سند شماره ۹۰: تأدیه پول به ارباب جهت برگزاری مراسم
تاج گذاری احمدشاه ۱۷۸
- سند شماره ۹۱-۹۲: حکم انتصاب ارباب به سمت ریاست اداره
تلفن ۱۷۸-۱۸۰
- سند شماره ۹۳: سفارش نامه وثوق الدوله برای ارباب ۱۸۰-۱۸۱
- سند شماره ۹۴: اسناد مربوط به کشته شدن پسر ارباب به نام
شاهرخ ۱۸۱-۱۸۸

- سند شماره ۱۰۳ - نحوه انتخاب شدن ارباب به سمت نمایندگی
زرتشتیان در مجلس شورای ملی در سال
۱۳۰۲ش..... ۱۸۸ - ۱۹۵ : ۱۱۱
- سند شماره ۱۱۲ : انتصاب ارباب به سمت ریاست اداره مباشرت
مجلس در دوره فترت بین دوره های ششم و
هفتم مجلس شورای ملی ۱۹۵
- سند شماره ۱۱۳ - مسافرت ارباب به سوئد جهت بستن قرارداد با
کارخانجات سازنده لوازم راه آهن ۱۹۶ - ۱۹۹ : ۱۱۵
- سند شماره ۱۱۶ : تأدیه وجه به ارباب جهت مخارج جشن هزاره
فردوسی ۱۹۹ - ۲۰۰
- سند شماره ۱۱۷ - شکایت چند نفر از ارباب درخصوص احداث
قنات توسط ارباب ۲۰۰ - ۲۰۵ : ۱۲۰
- سند شماره ۱۲۱ - وضع مستمری برای بازماندگان ارباب ۲۰۵ - ۲۰۷ : ۱۲۲

فصل چهارم: مدارس، بنگاه های فرهنگی و موقوفات

- مقدمه ۲۰۹ - ۲۱۲
- سند شماره ۱۲۳ - صورت وجوه استمدادی زرتشتیان تهران به
روان شادی مرحوم فریدون خسرو اهرستانی
برای مصرف واعظ و پیشنهاد ارباب کیخسرو
شاهرخ جهت استفاده این مبلغ در راه آموزش
علم ۲۱۳ - ۲۱۹

- سند شماره ۱۲۵ - دستور مجلس شورای ملی ثبت موقوفات و درخواست زرتشتیان جهت اداره موقوفات : ۱۳۰
- زرتشتی توسط انجمن‌های زرتشتیان هر محل ۲۱۹ - ۲۲۳
- سند شماره ۱۳۱ - مکاتبات و گزارش‌هایی درباره مدارس زرتشتیان کرمان ۲۲۳ - ۲۳۶ : ۱۳۸
- سند شماره ۱۳۹ - واگذاری موقوفات به اداره اوقاف و درخواست زرتشتیان کرمان جهت اداره اوقاف زرتشتی : ۱۴۰
- توسط انجمن زرتشتیان ۲۳۶ - ۲۴۰
- سند شماره ۱۴۱ - درخواست مسئولان آموزشگاههای زرتشتی کرمان از اداره اوقاف مبنی بر تجدید نظر در اخذ حق‌النظاره سنواتی از آموزشگاههای مزبور ۲۴۰ - ۲۴۶ : ۱۴۵
- سند شماره ۱۴۶ - مکاتبات درباره نحوه دریافت کمک خرجی مدارس زرتشتیان از خزانه مملکتی ۲۴۶ - ۲۴۹ : ۱۴۹
- سند شماره ۱۵۰ - درخواست امتیاز تأسیس کلاس‌های دوره اول متوسطه از طرف سروش لهراسب ۲۴۹ - ۲۵۱ : ۱۵۱
- سند شماره ۱۵۲ - درخواست انجمن زرتشتیان تهران از وزیر معارف و اوقاف جهت واگذاری زمین برای ساخت دبیرستان انوشیروان دادگر و گزارش افتتاح آن ۲۵۱ - ۲۵۴ : ۱۵۳
- سند شماره ۱۵۴ - درخواست ارباب کیخسرو شاهرخ از ریاست وزرا مبنی بر جلوگیری از مزاحمت‌هایی که برای محصلین دختر زرتشتی به وجود می‌آمده و رسیدگی به وضع محله‌هایی که مدارس

- زرتشتی در آن واقع است ۲۵۴ - ۲۵۸
- سند شماره ۱۵۷ - اخطار به عبدالله خلعت‌بری مبنی بر تدریس او
- ۱۵۸ : در دبیرستان‌های ملی و جواب مشارالیه ۲۵۸ - ۲۵۹
- سند شماره ۱۵۹ - سؤال جلسه دانش‌پژوه بانوان زرتشتی از اداره
- ۱۶۴ : معارف در خصوص برگزاری امتحانات
- ۲۶۴ - ۲۵۹ شرعیات زرتشتی در مدارس زرتشتی
- سند شماره ۱۶۵ - اسناد مؤسسات خیریه مارکار در یزد ۲۶۵ - ۲۷۹
- ۱۷۳ :

فصل پنجم: انجمن‌ها

- مقدمه ۲۸۱ - ۲۸۷
- سند شماره ۱۷۴ - اختلاف در انجمن زرتشتیان یزد به واسطه
- ۱۷۷ : مداخلات اردشیرجی ریپورتر ۲۸۹ - ۲۹۲
- سند شماره ۱۷۸ - انحلال انجمن زرتشتیان کرمان در اثر اختلافات
- ۱۷۹ : داخلی زرتشتیان ۲۹۲ - ۲۹۵
- سند شماره ۱۸۰ - گزارش قونسولگری ایران در بمبئی راجع به
- ۱۸۱ : انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی ۲۹۵ - ۲۹۸
- سند شماره ۱۸۲ - اجازه تأسیس هیأت کنکاش موبدان تهران از
- ۱۸۴ : وزارت کشور ۲۹۸ - ۳۰۳
- سند شماره ۱۸۵ : صورت جلسه تشکیل انجمن زرتشتیان در
- شیراز ۳۰۴ - ۳۰۵

فصل ششم: مهاجرت، آمار، مسافرت

- مقدمه ۳۰۷ - ۳۱۲

- سند شماره ۱۸۶ - مهاجرت زرتشتیان یزد به بمبئی در سال ۱۳۰۰ ش، پس از واقعه تغییر لباس دانش آموزان زرتشتی و تمهیدات حکومت جهت جلوگیری از این مهاجرت ۳۱۳ - ۳۲۰ : ۱۹۴
- سند شماره ۱۹۵ - تشکیل شرکت مزدیستان توسط زرتشتیان یزد در خوزستان ۳۲۰ - ۳۲۱ : ۱۹۶
- سند شماره ۱۹۷ - مهاجرت زرتشتیان یزد به هند در سال ۱۳۰۷ ش. و تمهیدات حکومتی جهت جلوگیری از این مهاجرت ۳۲۲ - ۳۲۳ : ۱۹۸
- سند شماره ۱۹۹ - بیان موانع صدور تذکره عبور به زرتشتیان و علل مهاجرت ایشان در جواب سؤالات قونسولگری ایران در بمبئی ۳۲۳ - ۳۲۷ : ۲۰۱
- سند شماره ۲۰۲ : احصائیه زرتشتیان در سال ۱۳۰۱ ش ۳۲۷ : ۲۰۲
- سند شماره ۲۰۳ - گزارشی درباره مشکلاتی که در راه سفر دکتر کنکا به ایران رخ داده است و پیشنهادات قونسول ایران ۳۲۸ - ۳۳۰ : ۲۰۳
- سند شماره ۲۰۵ - درخواست «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» از دولت ایران مبنی بر فراهم نمودن وسایل مهاجرت زرتشتیان یزد به خوزستان در سال ۱۳۱۶ ش. ۳۳۰ - ۳۳۶ : ۲۰۹

- سند شماره ۲۱۰ - گزارشی درباره اوضاع زرتشتیان مقیم
هندوستان و تمایل ایشان به بازگشت به موطن : ۲۱۱
- اصلی خود ۳۳۶ - ۳۳۷

فصل هفتم: تغییر مذهب

- مقدمه ۳۳۹ - ۳۴۲
- سند شماره ۲۱۲: اسلام آوردن دختر اسفندیار زرتشتی در
حسین آباد میبد ۳۴۵ - ۳۴۶
- سند شماره ۲۱۳ - اسلام آوردن شیرین راتستاری، دختر خدا بخش
در مزرعه کلانتر یزد ۳۴۷ - ۳۶۲ : ۲۲۶
- سند شماره ۲۲۷ - اسلام آوردن یک دختر زرتشتی در یکی از
قرای تفت ۳۶۲ - ۳۶۳ : ۲۲۹
- سند شماره ۲۳۰ - اسلام آوردن دولت بهار دختر گشتاسب در یزد
و اعتراض پارسیان هند ۳۶۴ - ۳۷۰ : ۲۳۷
- سند شماره ۲۳۸ - اسلام آوردن بانو سرور در یزد ۳۷۱ - ۳۷۲ : ۲۳۹
- سند شماره ۲۴۰ - اسلام آوردن آدخت نمیرانیان در نصرت آباد
یزد ۳۷۲ - ۳۷۷ : ۲۴۵
- سند شماره ۲۴۶ - اظهار نگرانی زرتشتیان از اعمال خالصی زاده
مبنی بر مسلمان کردن دختران زرتشتی ۳۷۷ - ۳۸۲ : ۲۵۲

— سند شماره ۲۵۳ - اسلام آوردن روشن دختر خداداد یزدانی ۳۸۲ - ۳۸۴ : ۲۵۴

فصل هشتم: حوادث و وقایع

— مقدمه ۳۸۵ - ۳۸۷

— سند شماره ۲۵۵ - قتل رشید زرتشتی توسط رجب علی نام ۳۸۹ - ۳۹۱ : ۲۵۶

— سند شماره ۲۵۷ : هیجان عمومی علیه زرتشتیان در یزد ۳۹۱ - ۳۹۲

— سند شماره ۲۵۸ : قتل دوتن از زرتشتیان در کرمان ۳۹۲ - ۳۹۵

— سند شماره ۲۵۹ - انفصال ضیغم الدوله از حکومت یزد و دستور وزیر داخله مبنی بر مراقبت از اهالی خصوصاً : ۲۶۰

زرتشتیان ۳۹۵ - ۳۹۷

— سند شماره ۲۶۱ - مخالفت شیخ جعفر سبزواری با زرتشتیان و

تبعید او توسط حکومت یزد ۳۹۷ - ۳۹۹ : ۲۶۳

— سند شماره ۲۶۴ : استفسار حکومت یزد از وزارت داخله

در خصوص تبعید شیخ محمدرضا ۴۰۰

— سند شماره ۲۶۵ : نامه اردشیر جی مبنی بر قتل یک کودک زرتشتی

توسط محمد بن حسن ۴۰۰ - ۴۰۱

— سند شماره ۲۶۶ : سؤال وزیر داخله از حکومت یزد درباره

چگونگی موضوع آب خوردن یک زرتشتی از

- سقاخانه..... ۴۰۲-۴۰۱
- سند شماره ۲۶۷ - زخمی شدن چند زرتشتی توسط سارقین و
: ۲۷۰ اعدام یکی از سارقین توسط حکومت یزد ۴۰۵-۴۰۲
- سند شماره ۲۷۱ - قتل ماستر خدابخش رئیس توسط فریدون
: ۲۷۳ کرمانی..... ۴۱۰-۴۰۵
- سند شماره ۲۷۴ - ماجرای تغییر لباس دادن دانش‌آموزان زرتشتی
: ۳۱۵ در یزد و ایجاد هیجان عمومی علیه این
- موضوع..... ۴۴۵-۴۱۰
- سند شماره ۳۱۶ - اعتراض زرتشتیان به مطالب برخی از روزنامه‌ها
: ۳۱۹ که در اثر موضوع تغییر لباس دانش‌آموزان
- زرتشتی یزد علیه زرتشتیان قلم زده‌اند ۴۵۲-۴۴۶
- سند شماره ۳۲۰ - عملیات رذیلانه اتباع ماشاءالله نام در کرمان
: ۳۳۱ علیه زرتشتیان و دستگیری مشارالیه توسط
- حکومت..... ۴۶۴-۴۵۲
- سند شماره ۳۳۲ - سرقت از تجارتخانه طاووشانجیان و شکایت
: ۳۳۶ عامل زرتشتی آن ۴۶۸-۴۶۴
- سند شماره ۳۳۷ : گزارشی درباره غارت دکاکین کلیمی‌ها و
زرتشتیان در یزد..... ۴۶۸

- سند شماره ۳۳۸ - درخواست ارباب کیخسرو شاهرخ از دولت
مبنی بر آرام نگاه داشتن اوضاع یزد و همچنین
:۳۴۶
- سلب امنیت از زرتشتیان ساکن بارجین..... ۴۶۸ - ۴۷۴
- سند شماره ۳۴۷ : حمله به کاروان سرای زرتشتیان کرمان ۴۷۴ - ۴۷۵
- سند شماره ۳۴۸ - تشکیل کمیسیون جهت اصلاح و جلوگیری از
اختلافات بین مسلمین و زرتشتیان یزد پس از
:۳۴۹
- زخمی شدن یک زرتشتی در راه تفت ۴۷۵ - ۴۷۶
- سند شماره ۳۵۰ - شکایت زرتشتیان از ایجاد وحشت و بازرسی
منازل ایشان توسط مفتشین مالیه..... ۴۷۶ - ۴۷۷
:۳۵۱
- سند شماره ۳۵۲ - شکایت انجمن زرتشتیان از رئیس آگاهی یزد
درخصوص خارج کردن جسد یک زرتشتی از
:۳۵۳
- دخمه..... ۴۷۷ - ۴۷۸
- سند شماره ۳۵۴ - سرقت از منازل زرتشتیان یزد و شکایت ایشان
به مقامات دولتی ۴۷۸ - ۴۸۰
:۳۵۶
- سند شماره ۳۵۷ - تعرض به زرتشتیان ساکن بم ۴۸۰ - ۴۸۲
:۳۵۹
- سند شماره ۳۶۰ - انتساب قتل یک مسلمان به دو تن از زرتشتیان
در کرمان و تشکیل پرونده برای ایشان..... ۴۸۲ - ۴۸۹
:۳۶۵
- سند شماره ۳۶۶ - کتک خوردن کریم دادهرمزدی در بم از دست
موسی ناصری..... ۴۸۹ - ۴۹۱
:۳۶۸

- سند شماره ۳۶۹ - ایجاد تشنج در یزد علیه اقلیت‌های مذهبی
 ۳۷۰: جهت رسیدن به مقاصد سیاسی..... ۴۹۲- ۴۹۵
 — سند شماره ۳۷۱ - بستن دکاکین و حجرات زرتشتیان در کرمان ۴۹۵- ۴۹۶
 ۳۷۲:

فصل نهم: تجّار، تجارتخانه‌ها و مسائل مالیاتی

- مقدمه..... ۴۹۷- ۵۰۴
 — سند شماره ۳۷۳ - شکایت مالکان زرتشتی مزرعه سعیدی از
 ۳۷۷: اعمال حکومت کرمان درخصوص مطالبه
 مالیات اضافی از ایشان..... ۵۰۵- ۵۰۹
 — سند شماره ۳۷۸ - مسائل مالیاتی و مداخلات محمود نام در
 ۳۸۱: پشتکوه خبیص کرمان از املاک جهانیان..... ۵۰۹- ۵۱۴
 — سند شماره ۳۸۲ - اختلافات تجاری آقابهرام کاووس و لیون نام
 ۳۸۴: تبعه عثمانی..... ۵۱۴- ۵۱۶
 — سند شماره ۳۸۵: ضبط پنج صندوق اسلحه متعلق به تجارتخانه
 جهانیان توسط گمرک بوشهر..... ۵۱۷
 — سند شماره ۳۸۶ - درخواست انجمن زرتشتیان کرمان درخصوص
 ۳۹۲: تخفیف مالیاتی فقرای زرتشتی و مداخلات
 حکومت در عدم تمکین دستورات مرکز..... ۵۱۸- ۵۲۳
 سند شماره ۳۹۳: واگذاری خرید و حمل گندم به تجارتخانه
 جهانیان از طرف وزارت مالیه..... ۵۲۳- ۵۲۴

- سند شماره ۳۹۴: درخواست تجارتخانه جهانیان از وزارت مالیه
درخصوص ادای طلب تجارتخانه توسط
ادارات دولتی..... ۵۲۴-۵۲۵
- سند شماره ۳۹۵: پرداخت پول از جانب ارباب کیخسرو رستم
پارسی به نظمیه مازندران و تأخیر ادارات
مربوطه در بازپرداخت وجه مزبور..... ۵۲۵-۵۳۱
- سند شماره ۴۰۰: شکایت تجارتخانه جهانیان از اعمال
خسونت آمیز اکرم الممالک..... ۵۳۱-۵۳۳
- سند شماره ۴۰۲: دستور توقیف ارباب کیخسرو رستم کرمانی..... ۵۳۳-۵۳۴
- سند شماره ۴۰۳: خرید اسلحه برای خزانه داری کل توسط
شرکت یگانگی پارسیان و معطل ماندن محموله
در آلمان به علت شروع جنگ جهانی..... ۵۳۴-۵۴۹
- سند شماره ۴۱۴: سرقت مال التجاره زرتشتیان توسط اعراب
باصری و تقاضای انجمن زرتشتیان تهران مبنی
بر استرداد اموال تجار..... ۵۴۹-۵۵۰
- سند شماره ۴۱۵: اختلاف حساب دوتن از تجار مسلمان و
زرتشتی در یزد و دستور وزارت داخله
درخصوص اصلاح ذات البین..... ۵۵۰-۵۵۱
- سند شماره ۴۱۷: شکایت ملاکین زرتشتی کرمان از اجحافات
مالیاتی..... ۵۵۱-۵۵۷

- سند شماره ۴۲۱ - شکایت ارباب کیخسرو شاهرخ از جانب
: ۴۲۲ انجمن زرتشتیان یزد مبنی بر اجحافات مالیاتی
به زرتشتیان و همچنین مداخله حکومت در
مسائل ارث و میراث ایشان ۵۵۷ - ۵۵۸
- سند شماره ۴۲۳ - درخواست ارباب کیخسرو شاهرخ جهت
: ۴۲۴ رسیدگی به مطالب ارباب شهریار بهرام که از
کاشان عازم یزد بوده است ۵۵۹ - ۵۶۰
- سند شماره ۴۲۵ - سرقت مال التجاره زرتشتیان در خاک کرمان و
: ۴۲۶ دستور وزارت داخله جهت جدیت در گرفتاری
سارقین ۵۶۰ - ۵۶۱
- سند شماره ۴۲۷ - سرقت مال التجاره زرتشتیان یزد و شکایت
: ۴۲۹ انجمن یزد درخصوص عدم رسیدگی حکومت
جهت وصول و ایصال کامل مال التجاره ۵۶۱ - ۵۶۴
- سند شماره ۴۳۰ - صدور پوست بره توسط تجار زرتشتی و
: ۴۴۱ مشکلات قانونی موجود در این راه ۵۶۴ - ۵۷۴
- سند شماره ۴۴۲ : اجاره ندادن منزل مسکونی به رئیس نظمیّه
شیراز توسط ارباب فریدون و مخالفت های
رئیس نظمیّه به این واسطه با تجار زرتشتی ۵۷۴ - ۵۷۵
- سند شماره ۴۴۳ - شکایت زرتشتیان رفسنجان از اعمال مأمورین
: ۴۴۶ مالیه ۵۷۵ - ۵۷۹

- سند شماره ۴۴۷ - شکایت تجار مسلمان و زرتشتی از تجاوزات
 ۴۵۱: بلدیۀ کاشان در اخذ عوارض قانونی ۵۷۹ - ۵۸۲

فصل دهم: اسناد متفرقه

- مقدمه ۵۸۳
- سند شماره ۴۵۲: نامه دستور خدایار شهریار به سردار اسعد و
 ۵۸۷ - ۵۸۵ درخواست ارجاع شغل دولتی به وی
 – سند شماره ۴۵۳ و قرار تحویل گندم از جانب ارباب بهمن بهرام به
 ۴۵۴: انبار دیوانی ۵۸۷ - ۵۸۹
 – سند شماره ۴۵۵ و طلب اداره ارباب بهمن از اداره پست ۵۸۹ - ۵۹۳
 ۴۵۶:
 – سند شماره ۴۵۷: جمهوری خواهی زرتشتیان پیش از سلطنت
 ۵۹۴: رضاشاه
 – سند شماره ۴۵۸ - درخواست زرتشتیان درخصوص معافیت
 ۴۶۴: گمرکی اشیا و ادوات طبی که برای مطب خیریه
 ۶۰۱ - ۵۹۴ سر راتن تاتا وارد ایران می شده است
 – سند شماره ۴۵۶ - شکایت والدۀ سیدعلی نام از یک زرتشتی مبنی
 ۴۶۷: بر دزدیدن بچه اش ۶۰۱ - ۶۰۳
 – سند شماره ۴۶۸ - تقلیل مستخدمین پارسی هندوستانی از اداره
 ۴۷۰: راه آهن جنوب و اعتراض برخی به این مطلب ۶۰۳ - ۶۰۷

- سند شماره ۴۷۱ - ساخت مجسمه برنزی از فردوسی توسط
پارسیان هندوستان و دستور نصب آن در میدان
: ۴۷۲
فردوسی ۶۰۷ - ۶۰۹
- سند شماره ۴۷۳ - تحقیق وزارت دارایی درباره احکام سهم الارث
و نقل و انتقال در ادیان الهی ۶۰۹ - ۶۱۸
: ۴۷۶
- سند شماره ۴۷۷ - درخواست زرتشتیان مبنی بر معافیت گمرکی از
داروهای ارسالی پارسیان هند برای بیمارستان
: ۴۷۹
گودرز و زایشگاه بهمن ۶۱۹ - ۶۲۱
- سند شماره ۴۸۰ - سؤال استاندار دهم از وزارت داخله مبنی بر
چگونگی عضویت مذاهب سه گانه در
: ۴۸۳
انجمن های ایالتی و ولایتی ۶۲۱ - ۶۲۳
- سند شماره ۴۸۴ - درخواست زرتشتیان درخصوص تغییر اصل
۵۸ متمم قانون اساسی هنگام تشکیل مجلس
: ۴۸۶
مؤسسان ۶۲۳ - ۶۲۶
- سند شماره ۴۸۷ : اعتبارنامه ارباب رستم گیو از جانب انجمن
نظارت بر انتخابات زرتشتیان برای عضویت
مجلس شورای ملی ۶۲۶ - ۶۲۷
: ۴۸۸ - سند شماره ۴۸۸ - سخنرانی فلسفی واعظ در مسجد جامع علیه
چهارشنبه سوری و تشکیل احزاب ۶۲۸ - ۶۲۹
: ۴۸۹

فصل اول

مانکجی صاحب

به طور قطع و یقین بزرگترین و مهمترین شخصیت زرتشتی در تاریخ معاصر زرتشتیان ایران «مانکجی لیمجی هاتریا»^(۱) است که به «مانکجی صاحب» معروف و مشهور است. مشارالیه در زمانی به ایران سفر کرد که جامعه زرتشتی ایران در حال احتضار و اضمحلال به سر می برد و تنها ظهور یک شخص کاردان، مسئولیت پذیر و صبور، چاره ساز مشکلات این طایفه فروپاشیده و درهم ریخته بود. آتش عقیده ای را که زرتشتیان ایرانی، قرن ها به سختی و در شرایط نامناسب حفظ نموده بودند و تدریجاً به خاموشی می گرایید، به وسیله مساعی و پشتکار این بزرگ مرد جامعه زرتشتی شراره ای نو زد و شعله حیات جدیدی کشید.

مانکجی در سال ۱۸۱۳ م. / ۱۳۲۸ ق. در «موراسومالی»^(۲) یکی از بخش های بندر «سورات»^(۳) به دنیا آمد. اجدادش از زرتشتیانی بودند که در زمان صفویه از ایران به هندوستان مهاجرت کرده بودند. وی ۵ ساله بود که انگلیسیان فعالیت های خود را از بندر سورات به بمبئی منتقل نمودند و بنابراین زرتشتیانی که در مؤسسات اداری گمرک به کار مشغول بودند و یا فعالیت های تجاری می نمودند - من جمله پدر او - به بمبئی رفته، رحل اقامت افکندند.^(۴)

1 - Manekji Linji Hateria.

2 - Mora Somali.

3 - Surat.

۴ - پارسی نامه (پارسیان نام آور و پرآوازه هند)، فروهر، س دهم، ش ۵، ص ۱۶ - ۲۲ (پارسیان اصطلاحی است که به زرتشتیان هند اطلاق می شود).

مانکجی در جوانی وارد خدمات بازرگانی شد و پیشکاری برخی از بازرگانان را برعهده گرفت و به اقتضای شغلش به نقاط مختلفه هندوستان سفر کرد. از لحاظ جسمی مردی تنومند و قوی بنیه و از نظر خصائل اخلاقی شخصی صدیق و درست‌کردار بود. به واسطه کاری که برعهده داشت فردی بسیار منظم، کاردان، متکی به نفس و شجاع بارآمد.^(۱) در احیان سفر با ایرانیان مرتباً برخورد داشت و دلبستگی‌اش نسبت به آب و خاک اجدادی خود افزایش می‌یافت. چندین بار اراده نمود به ایران سفر کند اما هربار شرایط اجتماعی هندوستان، افغانستان و یا ایران مانع از این سفر شدند^(۲) تا این که بالاخره در سال ۱۸۵۴ م. / ۱۲۷۰ ق. وسایل و شرایط مسافرت او به ایران فراهم آمد. در این جا پیش از شرح فعالیتهای مانکجی در ایران، برای بیان بهتر مقصود خود، به ایران و اوایل زمان قاجاریه باز می‌گردیم:

در سال ۱۷۹۶ م. / ۱۲۱۱ ق. خانواده‌ای زرتشتی به علت سختی اوضاع و اغتشاشی که در مملکت پس از فوت کریم‌خان زند ایجاد شده بود و نااملائیات برای زرتشتیان صورتی علی‌حده داشت، از یزد به بمبئی مهاجرت نمود. دختر این خانواده به نام «گلستان بانو» با یکی از پارسیان ثروتمند به نام «فرامجی بیکاجی»^(۳) ازدواج کرد. گلستان بانو که به ایران عشق می‌ورزید به همراهی همسر و فرزندانش، کمک‌های مادی و معنوی فراوان به زرتشتیان ایرانی - و همچنین مهاجران هند - نمود تا آن که پسر مشارالیها به نام «مهروانجی»^(۴) با همفکری و همراهی بعضی از سران پارسی هندوستان «انجمن

۱ - بویس، مری؛ «مانکجی لیمجی هاتریا در ایران»، ترجمه هاشم رضی، چیستا، س سوم، ش ۶، ص ۴۲۶.

۲ - اشیدری، جهانگیر؛ «تاریخ پهلوی و زرتشتیان»، تهران، آبان ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ص ۴۴۱ - ۴۴۲.

3- Framji Bhikaji

4 - Meherwanji

بهبودی وضع زندگی زرتشتیان» را - که در ایران به نام «انجمن اکابر پارسیان» شناخته شده - بنیاد نهاد و بدین ترتیب اخذ و صرف وجوهات خیریه‌ای، از طریق این انجمن صورت منظم و مدوّن به خود گرفت.^(۱) انجمن مزبور یک بار مبلغی را جهت تعمیر دخمه^(۲) یزد به آن جا فرستاد، اما زرتشتیان یزد آن را تلف نمودند و سپس به عذرهای ناروا متمسک گردیدند. هنگامی که اعضای انجمن اکابر از قصد مسافرت مانکجی آگاه شدند از او درخواست نمودند که در یزد برای ساختن دخمه‌ای همت نماید و وجهی را هم برای این کار به دست او سپردند و این اتفاق در مارس ۱۸۵۴ / رمضان ۱۲۷۰ ق صورت گرفت.^(۳) بدین ترتیب نخستین کسی که به عنوان نماینده تام‌الاختیار این انجمن به سوی ایران گسیل شد، مانکجی صاحب بود.

از آن جا که مانکجی صاحب به واسطه شغلش با صاحب منصبان دولت انگلیس در هند نیز ارتباط داشت، مشارالیه ۴ سفارش نامه برای سفارتخانه‌های انگلیس در بوشهر، بغداد، استانبول و تهران نگاشتند و در آنها تأکید کردند که مسؤولان، در نهایت احترام او را در کارهایش همراهی نمایند.^(۴) مانکجی تبعه دولت بریتانیا بود و پشتیبانی سفارتخانه‌ها و وزیران مختار انگلیس از او، از عوامل مهمی است که در پیشبرد اهدافش

۱ - مری‌بویس، همان مأخذ، ص ۴۲۵.

۲ - در زمان‌های گذشته زرتشتیان اموات خود را در دخمه می‌نهادند. برای ساختن دخمه، آنها برفراز تپه‌ای دیواره‌ای به شکل استوانه می‌ساختند که از پایین راهی بر بالای آن نبود و جسد مردگان خود را از طریق داربست یا نردبان در آن می‌نهادند و به این روش از جهتی اجساد را از دست افراد شرور محفوظ می‌داشتند و از جهت دیگر، از بین رفتن جسد را دور از محیط زندگی و در فضای باز انجام می‌دادند. امروزه زرتشتیان اجساد مردگان خود را به طریقه مسلمان به خاک می‌سپارند.

۳ - شهرمدان، رشید؛ «فرزانگان زرتشتی»، تهران، ۱۳۳۰ یزدگردی، ص ۶۱۷.

۴ - پارسی‌نامه، همان مأخذ.

تأثیری به سزا داشت.

مانکجی صاحب از بمبئی با کشتی بخار به سوی ایران رهسپار گردید و از قضا در آن کشتی با میرزا حسین خان سپهسالار که از مأموریت «سرکنسولگری بمبئی» به ایران بازمی‌گشت، آشنا شد و این آشنایی به دوستی و محبت بدل یافت و سپهسالار نیز همواره ایام، پاس احترام او و زرتشتیان را نگاه داشت و از ایشان حمایت نمود.^(۱) مانکجی در آوریل ۱۸۵۴ م. / شوال ۱۲۷۰ ق. در بندر بوشهر پیاده شد^(۲) و از طریق شیراز به یزد رفت و خود را برای انجام مهمی که برعهده گرفته بود آماده ساخت.

اما در همان آغاز، سختی کار بر او دوچندان شد چرا که مشارالیه مشاهده نمود نه تنها باید به اصلاح روابط جامعه مسلمان، علما و دولت مردان ایرانی با جامعه زرتشتی پردازد، بلکه جامعه زرتشتی ایران نیز نیاز به اصلاح و تجدید ساختار دارد. بنابراین برای اصلاح مورد اول، نزد حاکم، بزرگان و علمای یزد رفت و درباره چگونگی اوضاع با آنها به گفتگو پرداخت و برای اصلاح مورد ثانی به تصحیح آداب و رسوم دینی که زرتشتیان یا به طاق نسیان زده و یا از جامعه بیرون کسب کرده بودند، دست زد. «سدره پوشی»^(۳) را رواج داد؛ عبادتگاه‌ها، آتشکده و زیارتگاه‌های زرتشتی را تعمیر نمود، دخمه‌هایی را به جهت اموات ساخت و ضمناً از تعدد زوجات، قربانی کردن و خوردن گوشت حیوانات و مراسمی چون حنابندان که داخل رسومات زرتشتی شده بود جلوگیری به عمل آورد. به ترویج کارهای خیریه نیز دست زد، به زرتشتیان یزد که اکثراً

۱ - رک: سند شماره ۱۰.

۲ - مری‌بویس، همان مأخذ، ص ۴۲۶.

۳ - سدره لباس سفیدی است که پوشیدن آن بر تازه بالغان زرتشتی واجب است. می‌توان این مراسم را از لحاظ روحانی و معنوی به غسل تعمید مسیحیان شبیه دانست.

فقیر و بی چیز بودند کمک‌های مالی نمود، برای دختران نورسیده وسایل زندگی و جهیزیه فراهم کرد تا برای ازدواج دچار محذور و عسرت نباشند. در عین حالی که از جیب پرفتوت خود در این راهها صرف می‌نمود، اکابر پارسیان را نیز بر کمک به زرتشتیان ایرانی ترغیب می‌کرد و در این زمینه صندوق خیریه‌ای نیز بنیاد نهاد.^(۱)

از اقدامات بسیار مهم او این بود که در یزد «انجمن زرتشتیان» را پایه‌ریزی کرد تا اختلافات داخلی جامعه زرتشتی به محاکم عرف و شرع راه نیابد و اختلافات در انجمن مذکور توسط ریش سفیدان این طایفه رسیدگی شود. تشکیل این انجمن از آن لحاظ اهمیت به سزا دارد که سنگ بنای استقلال حقوقی در احوالات شخصیه زرتشتیان به شمار می‌آید. سال‌ها بعد در انقلاب مشروطیت و سپس در تدوین قوانین مدنی در زمان پهلوی اول احوالات شخصیه زرتشتیان استحکام و در زمان پهلوی دوم رسمیت قانونی یافت.

از ارجمندترین خدمات مانکجی که بدواً منحصر به جامعه زرتشتی بود ولی در زمان‌های آتی غیر زرتشتیان را نیز بهره‌مند ساخت، تأسیس مدارس زرتشتی برای آموزش نونهالان و کودکان بود. مشارالیه به درستی تشخیص داده بود که مهمترین علت عقب‌ماندگی زرتشتیان ایرانی، بی‌سوادی فراگیر زرتشتیان آن زمان بوده است. خود وی در این باره نوشته: «زرتشتیان به سان‌ریگی در خرمن گندم مسلمین سرگردان بودند. مردمی که در گرداب مشکلات و بی‌سوادی غرقه بودند. جمعیتی که به زحمت از هر صد نفرشان دونفر در اجتماع شغل و مقام در خوری داشتند.»^(۲)

مانکجی صاحب پس از یک سال و دوماه به کرمان رفت و فعالیت‌های فوق‌الذکر را

۱ - شهردان، ص ۳۹۰ - ۳۹۵.

۲ - مری‌بویس، همان مأخذ، ص ۴۲۷.

در آن جا نیز صورت داد و ضمناً به ماهان رفت و با «رحمت علی شاه» - قطب دراویش نعمت‌اللهی - روابط دوستی عمیقی ایجاد نمود و از جانب رحمت‌علی شاه به «درویش فانی» ملقب گردید.^(۱) مانکجی در اکثر مکاتبات و مطالبی که پس از این نگاشته خود را به این لقب معرفی نموده است. پس از اقامت ۲ ماهه در کرمان به یزد بازگشت، توقی کوتاه نمود و سپس رهسپار تهران گردید.

گرچه در تهران مشکلات و اقدامات مذکوره به همان شکل موجود بود اما این بار این تفاوت در اقدامات او مشهود بود که مشارالیه مرکز حکومت ایران را تحت تأثیر خود قرار داد و این تأثیر، در سطح کشور اثرگذار بود. پنج سال و شش ماهی که در تهران اقامت گزید از طرفی جامعه زرتشتی یزد و کرمان را هدایت می نمود و از طرفی به امورات مذهبی زرتشتیان تهران رسیدگی می کرد. مشارالیه از لحاظ ارتباط برقرار کردن با جامعه بیرون، اولاً با بذل و بخشش تحف و هدایا در میان درباریان و همچنین برخوردی صادقانه و محترمانه با ایشان، احترام فوق‌العاده‌ای به دست آورد. حتی ناصرالدین شاه او را به لفظ «پدر» مخاطب می ساخت.^(۲) ثانیاً نزد اهل علم قرب و منزلت یافت چرا که وی گرچه عالمی مبرز نبود اما قدر علم و اهل علم را به خوبی می دانست و خصوصاً در مجالست و معاشرت با دانشمندان مولع و برگردآوری کتب خطی و کمیاب حریص بود.^(۳) ثالثاً با علما ارتباط دوستانه برقرار کرد و آنها را ارج نهاد و این رفتارها فی الجمله باعث شدند که جامعه زرتشتی رسمیتی هر چند ناچیز احراز کند و از همین طریق احکامی از مرکز حکومت، در رفع تعديات بی‌رویه علیه زرتشتیان به ولایات مربوطه صادر شد.

۱ - پارسی‌نامه، همان مأخذ، ش ۶، ص ۱۰ - ۱۵.

۲ - اشیدری، جهانگیر؛ «یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ»، تهران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ص ۸۰.

۳ - مانکجی صاحب، «اظهار سیاحت ایران» بمبئی، ۱۲۸۰ ق. ص ۲۸ - ۲۹.

وی پس از این مدت اقامت به سفر پرداخت و از طریق آذربایجان، کردستان و کرمانشاه به عتبات عالیات رفت. در عراق عرب به سیاق خلق و خوی خود - که با همگان نشست و برخاست داشت - با بایان و بهایان ارتباط برقرار کرد و تا پایان عمر با میرزا حسین علی نوری - معروف به بهاء الله - مکاتبه داشت.^(۱) از کارهای مهمی که مانکجی در عراق صورت داد، پرسش‌های ۱۴ گانه‌ای بود که از محضر فقیه عالی قدر شیعه حاج شیخ مرتضی انصاری دربارهٔ معامله و رفتار جامعهٔ مسلمین با زرتشتیان نمود. در تمام موارد شیخ مرتضی انصاری که فقهی وسیع‌النظر بود، شکستن حرمت و آزار و اذیت طایفه زرتشتیان را حرام دانست و تنها اخذ جزیه یا مالیاتهای شرعی را - با اجازهٔ فقیه هر محل - جایز شمرد.^(۲)

مانکجی پس از یک سال اقامت در بغداد به بمبئی رفت و گزارش اعمال و اقدامات خود را به انجمن اکابر پارسیان بازگفت. در همان سال - ۱۲۸۰ ق. - کتاب «اظهار سیاحت ایران» را که فی الواقع شرح مختصر ایام اقامتش در ایران بود به زبان گجراتی و فارسی چاپ کرد. انجمن اکابر نیز نامه‌ها و مکاتبات او را در ۴ مجلد انتشار داد.^(۳) در سال ۱۲۸۲ ق. به ایران بازگشت و این بار با همت و اراده‌ای قوی تر اهداف خود را دنبال نمود. در کرمان با حاجی سیدجواد امام جمعه و حاجی محمدکریم خان کرمانی - رئیس شیخیه - ملاقات نمود و روابط صمیمانه برقرار کرد. ضمناً جهت تعلیم و تربیت تعدادی از کودکان، به سختی بسیار توانست زرتشتیان کرمان را راضی کند تا ۱۲ تن از اطفال خود را به او بسپارند تا در مدرسهٔ تهران به آنها آموزش‌های لازم را بدهد. به یزد رفت و با

۱ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۲۹۵۰۰۳۲۶۶.

۲ - مانکجی صاحب، همان مأخذ، ص ۳۴ به بعد.

۳ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۴۲۸.

همین دشواری ۲۰ کودک نیز از یزد همراه خود کرد و عازم تهران گردید.^(۱) وی قانون نامه‌ای برای مدرسه وقفی و خیریه‌ای خود نگاشت و در آن متکفل شد کودکانی که به آن مدرسه بیایند ۵ سال به طور شبانه روزی در آن جا تحصیل کنند و کلیه مخارج آنها - از هر قبیل - در این مدت برعهده او باشد و حتی به میزان کاری که آنها می‌توانسته‌اند در منازل خود برای والدین خودشان انجام دهند، مقرری برای والدین منظور داشت تا عدم حضور یک کارگر در منزل، باری بر دوش دیگران نباشد.^(۲) به تحقیق او تنها کسی است که در تاریخ معاصر ایران چنین عمل ارزشمند، خیرخواهانه و فرهنگی را صورت داده است. شاگردان او اکثراً از نام‌آوران زرتشتی دهه‌های بعد گردیدند.

اما هنگامی که شرح حال مانکجی صاحب را بررسی می‌کنیم، در می‌یابیم که تمام اقدامات او فی‌الواقع در مقابل یک موفقیت بزرگ، به مثابه قطره‌ای در برابر دریاست. وی در پایان دهه ۱۲۹۰ ق. پس از ۲۹ سال تلاش شبانه روزی در ایران و خرج مبالغ هنگفت، موفق گردید فرمان لغو حکم «جزیه» را از ناصرالدین شاه اخذ نماید.

جزیه مالیات سالیانه‌ای بود که اهل کتاب به حکومت اسلامی می‌پرداختند تا مورد حمایت و حفظ و صیانت حکومت واقع شوند. گرچه قوانین فقهی درباره میزان وجه جزیه مشخص بود، اما عملاً در هر منطقه حاکمان مستبد به هر مقدار که می‌خواستند جزیه دریافت می‌کردند. اخذ جزیه در تاریخ دوره جدید و معاصر ایران از عوامل مهم تغییر مذهب و مهاجرت زرتشتیان از ایران بوده است. بنابراین از مهمترین اهدافی که انجمن اکابر پارسیان در نظر داشت و بر آن تأکید می‌نمود، سر و سامان دادن به موضوع

۱ - شهردان، ص ۶۲۶.

۲ - مانکجی صاحب، «قانون نامه دبیرستان مزدیسنان تهران»، بمبئی، بدون تاریخ (این کتاب در کتابخانه

اردشیر یگانگی به شماره ۲۹۵/۷۰ ثبت شده است).

جزیه بود. زمانی که مانکجی در تهران مسکن گرفت زرتشتیان ایران هفت هزار نفر بودند که مبلغ ۹۳۷۵ ریال جزیه از ایشان اخذ می شد^(۱) و مسؤول پرداخت جزیه «کلاتران» زرتشتی بودند.^(۲) مانکجی صاحب در کلیه ملاقات ها و مکاتبات خود، درباریان و شاهزادگان را به بذل توجهی در این مورد متذکر ساخت و درخواست همراهی نمود. اولین اقدام مفید، واگذاری مبلغ جزیه در تیول عباس قلی خان معتمدالدوله - وزیر عدلیه - بود که بدین وسیله، دست تعدی حکام محلی نسبت به عموم زرتشتیان تا حدی کاسته شد. مانکجی در دومین مرحله توانست حدود ۱۰۰ تومان از مبلغ فوق الذکر را کاهش دهد و سپس در سومین اقدام پرداخت کل مبلغ را خود برعهده گرفت تا از جانب انجمن اکابر پارسیان آن را پردازد و رسید دریافت دارد. بدین وسیله دیگر هیچ کس در هیچ جای مملکت حق اخذ جزیه را نداشت.

عباس قلی خان در سال ۱۲۷۸ ق. وفات کرد^(۳) و ناصرالدین شاه، زرتشتیان را تیول وزیر امور خارجه - میرزا سعید خان انصاری - قرار داد. او نیز مانند صاحب منصب قبلی با زرتشتیان و علی الخصوص با مانکجی به رفق و مدارای بسیار رفتار نمود. اعضای انجمن اکابر پارسیان حدود ۲۵ سال مبلغ جزیه را توسط مانکجی پرداختند و هدایا و پیش کشی های بسیاری را تقدیم شاه و درباریان نمودند تا این که بالاخره با ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم از طریق پای تخت های اروپایی، وزیران مختار انگلیس در ایران، کارمندان سفارتخانه های اروپا، مقامات عالی رتبه فرانسوی همچون «کنت دوگوبینو» و

۱ - پارسی نامه، همان مأخذ، شماره ۶، ص ۱۰ - ۱۵.

۲ - رک: پاورقی سند شماره ۱۵.

۳ - بامداد، مهدی، «شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری»، انتشارات زوار، چاپ چهارم،

۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۲۸.

علی‌الخصوص وزیر مختار انگلیس - ر.ف. تامسون - و همچنین همراهی علمایی چون آقاسید جواد امام جمعه کرمان^(۱) توانستند ناصرالدین شاه را راضی به الغای حکم جزیه نمایند. شاه مزبور در رمضان ۱۲۹۹ / جولای ۱۸۸۲ این حکم را صادر کرد.^(۲)

بدین ترتیب سنگین‌ترین باری که هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ روانی بر دوش جامعه زرتشتیان سنگینی می‌کرد، برداشته شد. مانکجی به مناسبت این موفقیت، جشن مفصلی را در تاریخ ۷ صفر ۱۳۰۰ در باغ ظهیرالدوله برپا ساخت و بسیاری از بزرگان، اعیان، علما و درباریان را دعوت کرد و خود نیز نطقی جامع و مفصل درباره اوضاع زرتشتیان ایران ایراد نمود.^(۳)

پیش از این آوردیم که خدمات مانکجی صاحب دو وجه داشت؛ یکی برقراری ارتباطی عقلانی و متین با جامعه مسلمان ایران و دیگری اصلاح جامعه زرتشتی. اگر اولین وجه مورد قبول و رضایت عموم زرتشتیان بود اما وجه ثانی مخالفت‌هایی را در جامعه زرتشتی علیه او برانگیخت. برخی از موبدان سنت‌گرا که منافع خود را با اعمال و کردار او در خطر می‌دیدند، سدی جدی در مقابل او بودند. مخالفین دست به نامه‌نگاری علیه او زدند و حتی کار را به جایی رسانیدند که انجمن اکابر پارسیان مدرسه یزد را موقوف کرد و پولی جهت مخارج آن نفرستاد. اما با این وجود مانکجی با صبر و تمام در مقابل این حرکات نابخردانه، ایستادگی نمود و از جیب خود مخارج آن مدرسه را تأمین کرد. شاگرد مانکجی - بهرام رستم - در نامه‌ای که به سال ۱۲۹۷ ق. به انجمن زرتشتیان یزد نگاشت، از اعمال ایشان گله بسیار کرد و در بخشی از آن چنین نوشت: «در

۱ - باستانی‌پاریزی، «مبانی تساهل اجتماعی در کرمان»، چیستا، س ۱۱، ش ۸ و ۹، ص ۷۱۳.

۲ - صورت حکم در «تاریخ پهلوی و زرتشتیان»، صفحه ۴۳۶ تا ۴۳۸ آمده است.

۳ - همان جا، ص ۴۳۲ - متن کامل این نطق در ماهنامه فروهر، س ۱۱، ش ۵ تا ۹ آمده است.

پنج شش سال قبل کاغذی را به اکابر صاحبان نوشتند به اسم ریش سفیدان یزد به مهر ۱۳ نفر، و هم کسی پیایی بسیار سخنان ناشایست در روزنامه چاپ نمود بدون اظهار اسم پدر خود. از ملاحظه آنها بنده از صاحب پرسیدم که در جواب اینها چه می فرمایند. فرمودند: جواب ابلهان خاموشی است، چه، میل من این بوده و هست که هر چه مصلحت خود و رضای خالق و خیر بهدینان در آن دانم، غفلت نکنم. مرا با کسی کاری نیست.»^(۱) مانکجی تجارت نیز می کرد و بالتبع از برخی مردمان طلبکار بود. یک بار دو تن از بدهکاران او، تنی از شاگردانش به نام «رستم جی» را با خود یار ساختند و به او وعده رشوه کلان دادند و رستم جی که بعضاً منشی گری او را نیز انجام می داد، اسناد او را دزدید و در اختیار بدهکاران نهاد. بار دیگر «بشوتن» نامی از شاگردانش همین کار را با او کرد، حتی مانکجی را در بستر بیماری مسموم ساخت اما مشارالیه از این خطر جان سالم به در برد.

شرح مشکلاتی که مخالفان و اطرافیانش برای او به وجود آوردند بسیار و خارج از حوصله این مقال است. مانکجی مفصلاً اعمال ایشان را در کتابی تحت عنوان «اظهار احقاق الحق» آورده است.^(۲) به هر حال زندگی پرمخاطره و پرزحمت او که تماماً صرف بهروزی زرتشتیان ایران گردید در رمضان ۱۳۰۷ ق / فوریه ۱۸۹۰ م. در تهران به پایان رسید. او ۲ بار ازدواج نمود یک بار در هندوستان با «هیرابایی» نام و ثمره این ازدواج پسری به نام «هرمزدجی» و دختری به نام «دوسی بایی» بود. پس از مرگ همسرش، در ایران با فرنگیس نام - دختر هرمزدیار بندار کرمانی - عقد نکاح بست اما از این ازدواج فرزندی به وجود نیامد. خانواده های «خراس» و «داور» در هندوستان از اخلاف

۱ - شهردان، ص ۶ - ۳۹۵.

۲ - پارسی نامه، همان جا، شماره ۷، ص ۱۳ - ۱۹؛ همچنین ر.ک: سند شماره ۱ و سند شماره ۳.

«هرمزدجی» باقی و برقرارند.^(۱)

مانکجی، آثار و تألیفاتی نیز دارد. نام کتاب‌های او در این مقاله و یا در مطاوی اسناد آمده است. کتابخانه، مکاتبات و مراسلات بسیار زیاد او در بمبئی حفظ و نگاه‌داری می‌شود. از خصوصیات خوب او این بود که حاکمان شهرها را بر تحریر تاریخ آن شهرها ترغیب و تشویق می‌کرد و از این طریق «تاریخ کاشان» توسط عبدالرحیم خان ضرابی تألیف شد. تاریخی نیز درباره کرمان به خواهش او نگاشته شده که نسخه خطی‌اش در بمبئی توسط «رشید شهردان» کشف شد و ما ختم شرح حال مانکجی را جملاتی چند از تاریخ اخیر قرار می‌دهیم: «راقم مدتها است که با ایشان [مانکجی صاحب] آشنایم و حالات ایشان را دیده و از روی بصیرت عرض می‌کنم. اولاً مردی باعفت و عصمت است و می‌توانم قسم بخورم که دامن او به لوث بعضی هرزگی‌ها که از جمله مشتهیات نفسانی است آلوده نشده و ثانی این که مردی بامروت و انصاف است و ثالث این که مردی سخی و کریم است».^(۲)

اسنادی که در این مجموعه ارائه می‌گردد، گزیده‌ای است از آنچه در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران وجود دارد و به نحوی با او مرتبط است و شامل مکاتبات او با افراد مختلف، در مواضع گوناگون از قبیل: شرح مسائل دینی، علمی، تاریخی، تظلم‌نامه‌ها به مقامات حکومتی، رسیدگی به امور زرتشتیان و لغو جزیه می‌باشد که در بخش اخیر چند نامه انجمن اکابر پارسیان به مسؤولان حکومتی نیز وجود دارد. بخشی از این اسناد نیز مربوط است به «پارسی سره» نویسی که مانکجی مشوق و مروج آن بوده است و توضیحی مختصر نیز در پایان آخرین سند درباره پارسی سره نویسی آورده‌ایم.

۱ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۳-۴۵۲.

۲ - شهردان، ص ۶۱۷ و ۶۴۳.

نکته آخر این که تمام اسناد این مجموعه به خط «میرزا ابوالفضل گلپایگانی» - منشی مانکجی - است. مشارالیه در یکی از نامه‌ها^(۱) می‌نویسد: «در چند روز پیش مانکجی لیمجی پارسی مرا بخواند و نامه [...] سرکار را که به او نوشته بودید بنمود و خواهش نگاشتن پاسخ آن را از من بنده بفرمود زیرا که خود بهره‌ای از نوشتن و خواندن پارسی ندارد». بنابراین مانکجی صاحب در طول حیات خود در ایران برای تحریر نامه‌های خود از منشیان فرهیخته کمک گرفته و میرزا ابوالفضل گلپایگانی با توجه به تاریخ نگارشها و مکاتبات او در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، حدود سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۰ ق. ضمن این که معلمی مدرسه شبانه‌روزی مزدیستان را برعهده داشته^(۲) منشی و مسئول مکاتبات مانکجی نیز بوده است.

۱ - ر.ک : سند شماره ۲۳.

۲ - مانکجی، قانون نامه‌چ؛ ص ۲۷.

[نامه مانکجی صاحب به انجمن زرتشتیان یزد]^(۱)

عالی‌شانان عزت و سعادت شانان

برادران مهربان، ریش سفیدان پنچایت^(۲) بهدیتان یزد را زحمت افزا می‌شود که دو نوشته مورخه یوم وره‌رام^(۳) از دی ماه قدیم و مورخه پنجم رجب که ارسال داشته بودید، رسید و از مضامینش اطلاع حاصل شد. اولاً شرحی که درخصوص واقعه دختر نعیم آبادی نوشته بودید زیاده از حد موجب اندوه و حزن گردید زیرا که اعتقاد این جانب این است که اگر بر یکی از هم‌کیشان ضرری وارد آید اگر چه فی‌المثل دوهزار فرسخ هم دور باشد چنان است که بر این جانب و کل طایفه وارد آمده باشد. لهذا از ورود این صدمات بر پدر و مادر دختر بیچاره و ملاحظه گرفتاری و غصه برادران، روز و شب قرین

۱ - تاریخ تحریر این نامه بین سال‌های ۱۲۹۷ ق و ۱۲۹۹ ق است زیرا در نامه، ذکر فوت ملا بهرام - شاگرد مانکجی صاحب - آمده و مشارالیه در ۱۲۹۷ ق / ۱۸۷۹ م. وفات نموده و ضمناً ذکر از میرزا حسین خان سپهسالار اعظم نیز هست که مشارالیه در سال ۱۲۹۹ ق. وفات کرده است.

۲ - پنچایت = انجمن.

۳ - در ادبیات دینی زرتشتیان هر روز ماه به اسمی مخصوص نام‌گذاری شده و روز بیستم را نام وره‌رام است و ذکر این نکته الزامی است که چون ۶ ماه از ماه‌های شمسی رابیع ۳۱ روزه است و این نامها سی عدد می‌باشد لذا تطابق این نامها با روزهای ماه‌های شمسی ثابت نیست.

اندوه و جلیس احزان است و در این باب چنان که لازم است اقدام نموده و حتی المقدور سعی و کوشش خواهد نمود. حتی این که دستورالعمل دادیم که مفصلاً این وقایع را در روزنامه عثمانی ثبت نمایند که این صدمات گوشزد خارج و داخل بشود، خصوصاً قبله عالم، که بر بهدینان این گونه تعدی وارد آمده و می آید.^(۱)

ولی البته بر برادران روشن است که این گونه وقایع از سهل انگاری و مسامحه و بی اتحادی خودِ ماها، رو می دهد. زیرا که در امثال این زمان که ملتی ضعیف و مقهور گردند و دشمن قوی در مقابل داشته باشند باید افراد ملت ضعیف اهم امور و مقصد اصلی خود را نگاه داری طایفه، از دست اندازی دشمن داند و در رعایت مراتب اتفاق و اتحاد و ترک مراسم دشمنی و نفاق کمال جد و جهد نمایند و هیچ یک به قدر قوه خود را در همراهی و اعانت هم کیشان معاف ندانند و در امورات اتفاقیه و حوادث واقعه به مشورت یکدیگر و اطاعت داناتر اقدام نمایند تا اعانت ربانی و الطاف یزدانی شامل حال آنها شود و از سطوت دشمن قوی در پناه حفظ الهی محفوظ و محروس مانند. ولی عیب این جا است که جمیع این مطالب به گفتن تنها تمام می شود چنانکه همین بیانات را هر کس بشنود تصدیق می کند ولی در مقام فعلیت هیچ کدام اجرا^(۲) داشته نمی شود، این است که این صدمات وارد می آید. چنان که واقعه ضعیفه شرف آبادی از نتایج چرخستان^(۳) شد و هنگامی که این جانب در یزد بود همین نتایج را به دیده بصیرت دیده به حضرات پنچایت آن زمان گفتیم که عمل چرخستان را موقوف کنید و همه پسندیدند ولی موقوف نداشتند تا نتیجه ناگوار آن مکرر ظهور یافت و این آخری مزید آنها گردید.

۱ - در فصل تغییر مذهب مفصلاً درباره این گونه وقایع بحث شده است.

۲ - اصل: اجرای.

۳ - چرخستان (به ضم خاء) = گرفتن آب انگور توسط دستگاهی به نام چرخست.

رحمت پناه آقا میرزا علی ترک طاب الله ثراه که از علمای یزد بودند وقتی به این جانب از راه خیرخواهی فرمودند که شما خوب کردید که سدره پوشیدن را در میان ملت ترویج دادید ولی اگر دو کار بکنید خدمتی بزرگ به ملت و همکیشان خود کرده‌اید. یکی آن که زنه‌ای طایفه از مسلمانان رو بگیرند و در کوچه‌ها^(۱) بی‌پرده نگردند، دیگر آن که طایفه شراب خورده و مست بیرون نیایند و این جانب تصدیق به درستی فرمایش آن بزرگوار کرده و همین تفصیل را به پنجایت آن زمان خاطر نشان کردیم و همه پذیرفتند^(۲) ولی هیچ کدام مجری نشد.

قطع نظر از این که مال و زن در هر ملتی موجب فتنه‌های^(۳) بزرگ شده اولاً شما این یکی را باید ملاحظه نمایید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله زن‌های اسلام را امر به حجاب و روگیری فرمودند و این از آن است که چون پیغمبران از همه امت خود داناترند از طبیعت و حالت امت خود باخبر بود و برای حفظ نوع و ظاهر نشدن فساد، زنان را امر به حجاب فرمود و این مطابق است با آنچه «شت ساسان - پنجم» در دساتیر^(۴) در بیان حالات مسلمانان فرمود که مردمی باشند آزی و درهم افتاده، و این معلوم است که آز و طمع از مال و زن پدید آید. پس در صورتی که خود اهل اسلام که زن و مال هم‌کیشان را بر خود حرام می‌دانند و با هم دوستند از بی‌حجابی در موقع این فتنه‌ها باشند، پس ماکه

۱ - اصل: کوچها.

۲ - اصل: پزیرفتند.

۳ - اصل همه جا: فتنهای.

۴ - دساتیر به مجموعه کتب دینی زرتشتی اطلاق می‌شود که ظاهراً توسط یکی از روحانیون زرتشتی در دوران صفویه گرد آمده است و دارای زبان مخصوصی است. امروزه زرتشتیان اکثراً می‌گویند که این مجموعه تحریف شده است و از کتب آسمانی نیست. (جهت اطلاع بیشتر رک: مهنامه، س ۱۳۵۲، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۱۰ - ۳۲ به قلم ابراهیم پورداود و همچنین فروهر، س ۱۴، ش ۳، ص ۱۵۶ به قلم رشید شهرمان).

هم در مقام دشمنی ما هستند و هم مال و عیال ما را بر خود مباح می‌دانند، باید در ستر و حجاب زنان خود از مسلمانان بیش از آنها سعی و کوشش نماییم. اگر چه حکم روگیری در ملت ما نیست ولی چون در زیر حکم بزرگان اسلام و رعیت آنها هستیم لهذا علاوه بر مصلحتی که گفته شد چون این حکم در میان ملت اسلام مجری است پس باید اطاعت کنیم. مثل است که اگر در شهری رفتی و همه یک چشم دارند یک چشمت را ببند والا بیرون می‌آورند. ثانیاً معلوم است که حکام از جهت طمع و ضعف طایفه از صدمه زدن به ماها باکی ندارند و همچنین نواب رضوی و علما در خیال تمام کردن ما هستند و عوام و الواط که خود همیشه مترصد و منتظر این روزها هستند ولی در صورتی که خود ما در فکر یک دیگر نباشیم دشمن چگونه ملاحظه از ما خواهد کرد.

امروز حالت بهدینان این طور مشاهده می‌شود که اگر فی‌المثل وبا بیاید و در همسایگی کسی بمیرد، گویند وبا برای او بود و دخلی به ما ندارد و حال آن که حوادث اتفاقیه از برای بهدینان که در ایرانند مثل سیل است که اگر چه دور به نظر آید ولی به اندک فرصت در رسد و فراز و نشیب را فروگیرد و کسی را فرار از او ممکن نباشد.

دولت بزرگ را که پارسیان و یونانیان باشند در یک زمان به دست یک کس به سبب بی‌اتحادی و نفاق دولت و سلطنت از دست برفت ولی یونانیان زود ملتفت شدند و در مقام اتفاق و اتحاد و ترقی برآمدند و باز دولت از دست رفته را به دست آوردند و اما ما پارسیان هنوز ملتفت جهت ذلت و گرفتاری خود نشدیم، بلکه روز به روز بر نفاق و دورویی و تفرقت می‌افزاییم، چنانچه عاقلی بصیر درست مشاهده کند در هیچ امری اتفاق در میان این ملت نمی‌بیند حتی در امور جزئی، مثلاً مکرر دیده شده که کاغذ به اسم پنجایت می‌رسد یکی صحیح تنها نوشته بی‌مهر، یکی مهر تنها کرده بی‌صحیح، یکی هم صحیح نوشته و هم مهر کرده و یکی اسم تنها می‌نویسد و یکی اسم خود و پدر و جدش را هم می‌نویسد. و همچنین در یک کاغذ تاریخ فارسی نوشته شده و در دیگری

تاریخ عربی و امثال این گونه امور و اینها نمی شود جز از این که هر یک بخواهند کاری بکنند به خلاف آنچه دیگری کرده و هیچ وقت اقدام در کاری که موجب ترقی ملت و آیین است نکرده ایم. چنان که بر هر عاقلی روشن است که بقای ملت و شکوه آیین به عبادتخانه‌ها^(۱) و اماکن مقدسه است و ابداً دیده نشده که در تعمیر عبادتخانه‌ها که موجب ترویج آیین و خشنودی خداوند است اقدامی و اهتمامی شود بلکه عبادتخانه^(۲) هم که خواستیم در تهران^(۳) که مرکز اسلام است و خیلی موجب شکوه ملت ما می شد بنا کنیم باز نظر به یکدیگر کرده، اقدامی نشد و هنوز معوق مانده است و حال آن که یک فایده عبادتخانه این است که چون در هر هفته یا روزی یک دفعه در آن جا جمع می شوند موجب محبت و اتفاق آنها می شود، چنان که سبب تشریع نماز جماعت در اسلام برای همین فایده بزرگ است و ما که در مذهب و قواعد نیکو از همه ملت‌ها اقدم و پیش تریم اقدامی در ساختن عبادتخانه که موجب اتفاق ما است بکنیم سهل است اگر دیگران هم بخواهند اقدام کنند مانع می شویم و اخلال می کنیم و این گونه اخلال را بهدینان دارالخلافه عادت طبیعی خود کرده شهرت خود می دانند.

فی المثل اگر خانه یکی از ارامنه یا یهود را کسی بخواهد اجاره کند و خم شراب بگذارد همه متفق و راضی می شوند و همه روزه می روند و چنانچه کسی اظهار دارد که عبادتخانه باید ساخت هر یک به عذری متعذر می شوند یکی می گوید من اجیرم و اختیار با ارباب است، جوانها عذر می آورند که اختیار با ریش سفیدان است، پیرمردها معذور می شوند که ما اهل این بلد نیستیم و دخمه و عبادتخانه لازم نداریم زیرا که

۱ - اصل همه جا : عبادتخانه‌ها.

۲ - ناخوانا.

۳ - اصل همه جا : طهران.

اعتقادشان این است که این جا نمی میرند بلکه گویا چنین می دانند که هیچ نمی میرند و به حکم مذهبی که هر جا کسی می میرد یا نزدیکی دخمه باید برای روشن روان سه شبانه روز چراغ روشن باشد روشنی را ترک کرده تاریکی را برای روح خود می پسندند.

باری این افعال است که ما را ذلیل دشمن کرده و چاره [ای] جز ترک این گونه اطوار و رعایت امور آیین و اتفاق و اتحاد نیست. لهذا هیچ کس نباید در امثال این موارد به قدر قوه خودداری کند زیرا که از تکاهل و سهل انگاری دشمن جری می شود. چنان که هنگامی که دختر استاد رستم مقنی نصرآبادی را به دزدی بردند و مسلمان کردند و هر چه آن بیچاره دوندگی کرد چون فقیر و دهاتی بود کسی او را امداد نکرد تا آن که فرزندش از دست رفت این بود که دشمن جری شد و ضعیفه شرف آبادی رخ داد. در آن خصوص هم چنان که باید (و شاید؟) برادران آن جا اقدامی نکردند تا او هم از دست رفت. این فقرات سبب وقوع حوادث بعدی [آن جا گردید].

چه اگر در اول که واقعه رو می دهد جمیع متفق شوند و رفع تعدی از خود نمایند دشمن مأیوس می شود و دفعه دیگر در صدد فتنه جویی بر نمی آید ولی چون در یک واقعه سهل انگاری شد و هر کس گفت به من چه، دشمن جری می شود و من بعد چاره ندارد. چه نیکو فرموده است شیخ سعدی

سرچشمه شاید گرفتن به بیل چه پرشد نشاید گذشتن به پیل

ثالثاً البته بر برادران معلوم است که واقعه [ای] که رخ می دهد خرج لازم دارد چه آن جا و چه برای برادران این جا و هنگامی که در یزد بودیم به ملاحظه این که این گونه حوادث پیوسته مترصد و مترقب است و چون واقعه [ای] رخ داد اگر وجه موجود باشد البته موجب پیشرفت کار است و اگر وجه موجود نباشد لابد موجب تعویق کار و غلبه دشمن خواهد بود لهذا قرار داده بودیم که برای این گونه مصارف در میان خود بدین گونه توزیع

نمایند که هر که گهنبار نانی^(۱) خواند یک قران و هر که گهنبار لُرکی^(۲) خواند پنج شاهی بدهد و در تزویج، شوهر دوهزار و دختر هزار دینار بدهد و این وجه در نزد شخص امینی جمع بشود و در موقع کار به صلاح دید برادران صرف نمایند که موجب پیشرفت کار آنها شود، و این قاعده را مراعات نمودند و این معلوم است که در تعویق این مصارف چه ضررها است. چنان که در این واقعه تلگراف اول که از بندگان حضرت اجل اکرم افخم سپهسالار اعظم دام اقباله العالی صادر شد و آوردند که زده شود هیچ کس قبول نکرد که بزند و با این که ما فرستادیم که پول این تلگراف را بدهید بزنند اگر از محل وصول نشد ما از عهده برمی آیم باز هم قبول نکردند و بعضی جواب گفتند که ما اجیر دیگرانیم و از خود اختیار نداریم و بعضی دیگر گفتند که هر کس از بام می افتد ساق ما می شکند یعنی یک دهاتی مسلمان....^(۳) این بود که سه روز معوق ماند و این جانب هم از شدت تغیر از ملاحظه این حالت اعتنا ننمود و پس از سه روز نمی دانیم چطور شد که تلگراف زده شد و البته بر آن برادران معلوم است که در سه روز دشمن قوی چقدر کار پیش می برد. اینها است اسباب ضعف این ملت و پرواضح است که تا این حالات در ما هست نه خداوند اعانت خواهد فرمود و نه دشمن در اذیت و عداوت کوتاهی خواهد نمود مگر آن که این حالات را ترک نماییم و خود را به صفاتی که در اول گفته شد مؤدب و متّصف سازیم.

رابعاً حضرات برادران محض دلسوزی به برادران این جا نوشته بودند که پیش فلانی

۱ و ۲ - زرتشتیان در ۶ موقع از سال جشن هایی به نام «گهنبار» یا «گاهنبار» برگزار می نمایند که در آن «اوستا» می خوانند و همچنین به خیرات و مبرات می پردازند. در شهرستان یزد معمول است که ۲ نوع گهنبار بخوانند. یکی «لُرکی» و دیگر «نانی» که در اولی ۷ نوع میوه خشک همچون خرما، سنجد، انجیر، کشمش،..... به حاضرین می دهند و در دومی علاوه بر لُرک مذکور یکی دو قرص نان نیز به مدعویین داده می شود. (برای اطلاعات بیشتر درباره گهنبار رک: سیدحسین امیدیانی، «گاهنبار در ایران باستان»، فصلنامه میراث جاویدان، س اول، ش ۳، ص ۴۶ - ۴۹).

بروید و هر چه بگویند بشنوید و معمول دارید. بلی حضرات برادران همیشه پیش ما می آیند ولیکن هر وقت مثلاً کاغذی به کسی بخواهند بنویسند یا عریضه در امور خودشان به قبله عالم یا احدی از اولیای دولت بخواهند بنویسند یا نزاعی و دعوایی میانشان اتفاق افتاده باشد یا کسی را جهت مرافعه کردن یا جعتی دیگر حبس کرده باشند و یا شب مست شده با یکدیگر کتک کاری کرده باشند یا طلبی از کسی داشته باشند بخواهند بگیرند و امثال این گونه کارهای شخصی همه روزه می آیند و می روند. در این مدت هم هیچ کس پیش ما نیامد و در کارهای ملتی ابداً نمی آیند. بلی هر وقت آنها را برای کارهایی بطلبیم می آیند و هر چه بگویم قبول و تصدیق می کنند ولی از در خانه که بیرون رفتند فوراً هر کدام کاری برای خود پیدا کرده می روند و آن همه تصدیق در کنج فراموشی نیست و نابود می شود چنان که صندوق کتابی که چند جلد کتاب «آیین هوشنگ»^(۱) و بیست جلد کتاب «اوستا»ی وقعی که از هندوستان آورده بودند در آن نهاده و دو ماه پیش از این داده بودیم که بفرستند و هنوز شما را نرسانیده باشند اثبات این مطلب را می نماید و اهتمام برادران را در امر ملت معلوم می کند و در این باب هم از هیچ کدام اقدامی مشاهده نشد مگر این روزها از نورچشمی ملادینیار بن مرحوم بهرام که ایستادگی دارند و دوندگی می کند با این که درس می خواند و شغل دارد ولی او هم از غیبت و نکته گوئی سایر برادران به تنگ آمده یکی می گوید خیال مداخل دارد و یکی می گوید به اندیشه ریاست خدمت می کند. هر کس به بهانه چه در غیاب و چه در حضور و چه شوخی یا جدی از بدگوئی در حق او کوتاهی ندارد.

و همچنین دیگران که به کار و کسب خود مشغولند و اقدامی در کارهای دیگر ننموده اند آنها هم حالتشان این است که ابداً خیرخواه یک دیگر نیستند اگر فی المثل به

یکی زبانی وارد آید و دیگران خوشحال می‌شوند و اگر نفعی به او عاید شود غمگین و اندوهناک می‌گردند چنان که دستور کیخسرو بهرام وقتی که کارش خوب بود و تجارتش رونقی داشت همه در غیاب او بد می‌گفتند و چون در این معامله‌ای که با جناب امین‌لشکر^(۱) کرد و اسباب گرفتاری او شد همه در باطن خوشحالت و این حالت در همه طایفه هست و با یک‌دیگر در این مقام هستند و از همه عجب‌تر آن هنگام که پدرزنش مرحوم دستور کیخسرو جمشید خدا بی‌امرزشد ما کاغذی به برادرِ مهربان، ملاگودرزِ مهربان و سایر برادران نوشتیم که شما الحمدالله که مرد دیندار عاقل هستید در کار مرحوم دستور جمشید و رسیدگی به امور عیالش اقدام کرده‌اید که مال آن مرحوم تلف نشود و به بازماندگانش صدمه نرسد. پس از این فقره کاغذی عیال آن مرحوم به این جانب نوشته بود بدین مضمون که شما نوشته‌اید که حساب مرحوم دستور کیخسرو جمشید با دامادش دستور کیخسرو بهرام است دخیلی به ملاگودرز ندارد. باز ثانیاً ما کاغذی به او نوشتیم و او را از مقصود خود آگاه و در جوف کاغذ ملاکیخسرو کاوس فرستادیم. عجب‌تر این جا است که با وجود کاغذ دویم و حالی کردن ملاکیخسرو باز هم این روزها همان طور مثل اول کاغذی از ایشان رسیده. این حالات فتنه‌جویی هزار سال افزون است که طبعی مرد و زن این ملت شده.

اینها است دردهایی که هزار و سیصد سال است که این ملت را فرو گرفته و افراد بهدینان را در گرداب خطرناک ایران در کام نهنگ جان شکار گرفتار هزار گونه اذیت و آزار کرده.

خامساً نوشته بودید که در میان بهدینان کسی نیست که علمی داشته باشد که از او علمی بتواند آموختن. بلی این هم از نتایج اعمال و کردار خود ماها است زیرا که ملتی که

۱ - میرزا قهرمان قمشه‌ای اصفهانی که سالها وزیر گمرکات بود (بامداد، ج ۳، ص ۱۳۲).

در خیال تربیت و تکمیل اطفال خود نباشند و اقدام در ساختن مدارس و مکتب‌ها نمایند البته عالم میان آنها پیدا نخواهد شد و علاوه بر این که باید بهدینان خود به این کار اقدام کنند اگر دیگری هم بخواهد اقدام نماید اخلال می‌کنند زیرا که مدرسه و دبیرستانی که این جانب از پول هندوستان در تهران و یزد فراهم آورده بود به تحریک گوناگون بهدینان ایران اکابر صاحبان هندوستان دل مرده شده موقوف داشتند. حال آن که اولاً چند نفر که از آن مدرسه تربیت شده‌اند در نظر هستند مانند «ملا فلاتون» که در کرمان است که از بس بهدینان به او لساناً و فعلاً اذیت کردند و کسی از او تعلم علمی نمود واحدی در اندیشه اصلاح معاش او نبود لابد شده به مسلمانان تعلیم زبان انگلیسی می‌نماید و دیگری «ملا جوانمرد شیرمرد» است که مشغول خدمت و تربیت اطفال بهدینان یزد است و با وجود این همه روزه از جهت گذران گریه و زاری دارد.^(۱)

این دو نفر که اکنون هستند گرسنگی می‌خورند فرضاً اگر دیگری هم بود آن هم گرسنگی می‌خورد و از این معلوم می‌شود که احدی از برادران طالب علم و کمال نباید باشند. البته برادران را یاد هست که هنگامی که در یزد بودیم هیجده نفر اولاد موبدان را زبده کرده و تهیه دیدیم که به بمبئی بفرستیم که آن جا کمالی حاصل کنند و مراجعت نموده برادران را تربیت نمایند، مرحوم دستور نامدار^(۲) و مرحومه دستور مهربانو و

۱ - جهت اطلاع بیشتر راجع به نحوه عمل کرد شاگردان مانکجی به مراجع زیر رجوع شود: الف) فروهر - س ۱۰ - ش ۹ - ص ۹ - ۱۵.

ب) شهردان، ذیل، اسامی ملا فلاتون و ملا جوانمرد شیرمرد. همچنین ذکری از ملا جوانمرد شیرمرد ذیل سند شماره ۲۷۱ (مربوط به قتل ماستر خدابخش) آمده است.

۲ - مانکجی در نطقی که در باغ ظهیرالدوله به مناسبت الغای جزیه نمود، درباره مشارالیه چنین گفت: «این نیک‌خواه می‌خواستیم که چند کس از خردسالان این گروه را برای دست آوردن دانش و دانایی به بمبئی روانه دارم ولی خودشان نگذاشتند. دستور بزرگشان گفت که هر کس پسر خود را برای به دست آوردن دانش و بینش»

موبد فرود آبادان و سایرین زن و مرد مدعی شده نگذاشتند. و همچنین به عالی جناب دستور شهریار^(۱) مکرر گفتیم و نوشتیم که پسر شما باید دستور بزرگ بشود او را تعلیم علم نمایید ولی به خرج ایشان رفت و حال آن که مردم دیگر ملت‌ها در طلب علم زحمت‌ها می‌برند و مشقت‌ها می‌کشند و متحمل سفرهای بعیده می‌شوند که خود را و هم ملتان خود را از ذلت برهانند چنان که باز هم البته برادران را در نظر است که به مرحوم ملامهریان رستم^(۲) گفتیم که از فرزندان خودتان چند نفر را بفرستید بمبئی که هم تجارت کنند و هم تحصیل علم نمایند، آن مرحوم اقدام ننمودند تا به رحمت ایزدی پیوستند. آفرین بر گوهر پاک فرزندش ملاکیخسرو که همان حرفهای ما را در نظر داشت و پس از وفات پدر بدون تأمل برادران خود را برداشته به بمبئی رفتند و تحصیل علم و هنر کردند و خود و برادرانش مردمان بااسم و رسمی شدند و الحق موجب چشم روشنی جمیع ما طایفه گشته‌اند و هم چنین جناب دستور تیرانداز^(۳) بن مرحوم دستور

بگمارد فرزند جوانش می‌میرد. چون خود دستور یک فرزند داشت و نمی‌خواست که این کار کرده شود از این رو دیگران نیز فرزندان خود را از فرستادن به بمبئی مانع آمدند» (شهمردان، ص ۶۳۷) دستور نامدار پسر «دستور کیخسرو» بود و پس از فوت پدر در سال ۱۲۳۴ ش. به سمت موبدان موبدی (ریاست موبدان) رسید. مشارالیه سالی ۲۰ تومان مستمری از دولت دریافت می‌کرد و مأمورین دولتی دستور داشتند که نسبت به او و زرتشتیان همراهی نمایند. وی در سال ۱۲۴۱ ش. درگذشت.

۱ - پسر دستور نامدار مذکور که پس از پدر به مقام موبدان موبدی رسید وی سالها رئیس انجمن زرتشتیان یزد بود و مستمری وی به ۴۰ تومان در سال افزایش یافت. پس از وی پسرش دستور نامدار به جای پدر نشست و وی آخرین موبدان موبد بود (ر.ک: فصل انجمن‌ها و سند شماره ۷۶).

۲ - مشارالیه عضو انجمن زرتشتیان یزد بود. پسرش - ملاکیخسرو - پس از فوت پدر به تهران آمد و به توصیه مانکجی به بمبئی رفت (شهمردان، ص ۳۹۹).

۳ - در زمانی که دستور شهریار ابن دستور نامدار سابق‌الذکر در اواخر پیری به ضعف و فتور افتاد، دستور

اردشیر چند سال در بمبئی مانده و تحصیل علم نموده کتاب اوستا را با ترجمه چاپ نمودند که باعث سرافرازی کل موبدان ایران و سرافرازی این طایفه گردید.

خلاصه مقصود این است که علم موجب عزت و بزرگی شخص و هم ملتان او است ولی بعضی به خیالات فاسده راضی به ترک این مرتبه بلند و اخلال در آن می شوند. چنان که هنگامی که اطفال دیبرستان را در تهران امتحان می کردیم در آن مجلس بزرگ که چند نفر از فضلا و دانشمندان اهل اسلام که خیرخواه بهدینان بودند هم تشریف داشتند چون دو سه نفر اطفال دهاتی خوب از امتحان بیرون آمدند همان حین یکی از ریش سفیدان بهدینان از شدت حسد نتوانست خودداری نماید، چه، در مجلس اظهار داشت که این دیبرستان که شما به پا نموده اید گناه دارد زیرا که این اطفال دهاتی که این قدر ترقی کردند اگر بدین منوال درس بخوانند چنان ترقی می کنند که من بعد اولاد ما که اهل شهر و محلاتی هستند باید زیر دست آنها بنشینند و یا آن که در پیش آنها بایستند و مثل علم آموختن بهدینان بدین گونه است که یکی گوید می خواهم به مناره نمرود بالا رفته جهان را تماشا کنم ولی به عکس در چاه بابل جهد و خود را فروتر برد.

یکی از تربیت شدگان آن دیبرستان هم مرحوم میرزا بهرام بود^(۱) که چند سال به خدمات بهدینان مشغول بود و اندیشه خدمت های بزرگ به آیین پاک مزدیسنی داشت ولی افسوس که بدبختی طایفه موجب شده اجل مهلتش نداد و به جای خدمات و

تیرانداز را مسؤول رتق و فتق امور زرتشتیان کرد. مشارالیه با جلال الدوله و علمای یزد روابط حسنه ای داشته است و به طوری که بر نگارنده معلوم شد دستور تیرانداز از سنت گرایان سرسخت تاریخ معاصر زرتشتیان بوده که با هرگونه تغییر، مخالفت شدید می ورزیده است.

۱ - فرزانه بهرام پوررستم نرسی آبادی از بهترین شاگردان مانکجی بود و در غیاب مانکجی، مدیریت مدرسه تهران را به عهده داشت، شاعر و نویسنده بود. آثاری درباره آیین زرتشتی نگاشت و در جوانی به سال ۱۸۷۹ م. درگذشت. (فروهر، س ۱۰، ش ۹، ص ۱۱-۱۲) / (شهمردان، ص ۳۹۰)

زحماتش به‌دینان این جا کاری کردند که بدن او را از دخمه بیرون آورده به صحرا انداختند و این جانب با وجود اثبات به روی آنها نیاوردم. سبب این صدمه به آن مرحوم از این جهت بود که چند رساله نوشته بود، در مجلس مکرر خوانده که از کارها [ی] بد دست بکشند و موافق آیین بهی رفتار نمایند و یک یک از امور شایست و ناشایست که در میان مجری بوده نموده بود. بدین جهت او را نپسندیده و کینه آن مرحوم را در دل نگاه داشته و پس از فوت مرحوم بدین گونه کینه‌خواهی نموده خود را خوشحال کردند و تعجب در این است که گفته بودند که از ما به‌دینان هر که در علم و معرفت اسمی بلند کند، دخمه او را برنمی‌دارد و ما سؤال کردیم که آیا از پاکی طینت آن میت و ناپاکی دخمه شما است که قبول نمی‌کند یا از ناپاکی او و پاکی دخمه شما، جواب گفتند چه عرض کنیم و این مطلب تازگی ندارد زیرا که در یک صد سال پیش از این دو نفر از ایران به بروج هندوستان رفته بودند چون در بدن سدره نداشتند و در روش مانند دروندان^(۱) بودند، لهذا دستور بزرگ آن جا «کاووس جی» نام آنها را نصیحت کرده در عبادتخانه منع کرده بود. این گفته در دل آن دو نفر بود تا این که اندک وقتی دستور مذکور مرحوم شد. بدن او را دو نفر ایرانی از دخمه بیرون آورده در یک مکان دور در میان باتلاق انداخته بودند. بعد آن حکایت در کتاب‌ها چاپ شده و از این معلوم می‌شود که چنین کارها ارثی ایشان است و تازگی ندارد. ولی این مرحله معلوم شد که با میرزا بهرام که شاگرد و دست پرورده این جانب بود چنین کردند دیگر با ما چه خواهند کرد.

باری اینها مجملی است از وضع تعلیم و دبیرستان ما طایفه و چنانچه تاکنون آن مدرسه دایر بود البته جوانان عالم کامل در هر فن تربیت شده بودند و موجب عزت و اعتبار این ملت و احتیاج مردم به ماها می‌گشتند.

سادساً تعلیقه درخصوص جناب آقای صدرالعلما خواسته بودید. هنگامی که خود حضرات بهدینان یزد طالب بودند که صدر شریف به سرپرستی و رسیدگی به امورات بهدینان منصوب^(۱) شوند، از این جانب خواهش صدور تعلیقه نمودند و ما هم اقدام کردیم و پس از آن خواستند که ایشان معزول شوند و جناب صدرالعلما منصوب گردند. این جانب بدی این کردار و سوء عاقبت آن را بر هر یک مبرهن نمود و در ضمن مثال غوک و مار، مبین داشت ولی به گوش احدی فرو نرفت و در باطن، بی اطلاع ما عریضه نمودند و جزع کردند و صدر شریف را معزول و ایشان را بدین کار منصوب داشتند و پس از آن هم چندین کاغذ شکایت از جناب صدرالعلما نوشتند و بعضی هم از ایشان هم می نالیدند و معلوم می شود که در این باب هم اتفاق ندارند. حال هم چنانچه بخواهند خود عریضه کنند و مثل سابق تعلیقه صادر نمایند زیرا که این جانب به ملاحظات چند تکلیف خود را در این امور نمی داند. چنان که در خصوص عمل تجارتی تجار بهدینان کرمان چندی قبل تعلیقه از حضرت اجل اکرم افخم سپهسالار اعظم^(۲) به اسم این جانب شرف صدور یافته بود به این مضمون که از کرمان تعلیقه خواسته اند که برای رسیدگی به امور تجار زردشتی کرمان و سرپرستی ایشان عالی جاه سلاله السادات العظام آقا میرعبدالرحیم معینالتجار معین شود آیا شما این مطلب را امضا می دارید و راضی هستید تا تعلیقه صادر شود یا نه و ما جواب عرض کردیم که امور زرتشتیان کرمان بحمدالله از توجه بندگان نواب مستطاب اشرف والا فرمانفرما روحی فداه در کمال انتظام است و در نهایت آسایش هستند ولی چنانچه خود تجار زردشتی عریضه عرض کرده باشند و راضی باشند این جانب چه حرفی دارد. حال در این مطلب هم مصلحت چنان است که شما هم

۱ - اصل همه جا : منسوب.

۲ - میرزا حسین خان سپهسالار (ر.ک : سند شماره ۱۰).

چنانچه اول جواب داده‌اید باز هم همین قسم جواب دهید که ما در جمیع امور تابع فرمایش حکومت هستیم و هیچ رئیس و بزرگی لازم نداریم چنانچه یهود و نصاری و دیگر طوایف هیچ کدام رئیس خارج از مملکت [.....] ^(۱)

[۲۹۵۰۰۳۱۶۹]

* * *

۲

[نامه‌ای از مانکجی صاحب در سال ۱۲۹۶ ق] ^(۲)

فدایت شوم

دیرگاهی است که از بعد مسافت و گرفتاری مشاغل لاطائل از فیض ملاقات عالی بی‌بهره مانده و ابواب مراسلت و مکاتبت نیز مسدود گشته. مخلص هنگامی که به ایران آمد، نخست محرک رشته‌آشنایی و مراودت با بزرگان این مملکت گشت. از جمله جناب عالی را که اول ورود قبل از آشنایی دیگران از همه اکابر این کشور اختیار نموده در مراتب خلوص عقیدت و صفای نیت ثابت و راسخ گشت و یک باره دل به ارادت سرکار عالی نهاد و تاکنون اگر چه از فیض صوری محروم است کما فی السابق بر رشته یک جهتی و وداد مستقیم است. بدین ملاحظه در این حال، سعادت ازلی همراهی نموده به عرض این مختصر مبادرت نمود و محرک رشته یادآوری مذاکرات و فاتح باب نامه‌نگاری و مراسلت آمد تا همواره مخطور خاطر لطیف باشد.

یک جلد کتاب «آیین هوشنگ» از کتب باستان و آثار پیغمبران و حکمای ایران که جمع آورده مخلص و طبع یافته همت ارادت‌مند است ارسال خدمت ذی‌موهبت [می‌نماید] که به مطالعه آن اندکی رنج برده چنانچه در مطالب آن ردی یا در غوامض

۱ - متأسفانه مابقی این نامه تاریخی و بالارزش به دست نیامد.

۲ - چون کتاب آیین هوشنگ در سال ۱۲۹۶ ق چاپ شده محتملاً این نامه را در همان سال نوشته است.

مسائل آن حلی به نظر شریف برسد مرقوم فرمایند که در کتاب دیگری که آن هم باید چاپ شود ثبت گردد.

عرض دیگر آن که اخوان الصفا که تصنیف یافته جناب عالی است و مشتمل است بر ذکر حیوانات و.... مخلص استنساخ و استکتاب نموده قدری از آن در کتابخانه مفقود شده و نسخه آن در این جا یافت نمی شود مستدعی هستم که محبت فرموده یک جلد تمام آن را به خط کامل نسخه نموده ارسال فرمایند و مخارج از مخلص بندگی می باشد. عرض دیگر آن که شهر داراب که از بلاد فارس است، در نزدیکی آن کوهی است و در طرف غربی آن کوه نقشه ای است بر قطعه سنگی که بالای چشمه است مشتمل بر صورت چند نفر سوار و پیاده و یک کالسکه، چون نقشه آن در کتابخانه مخلص مفقود شده خواهش دارم قبول زحمت فرموده چنانچه نقاش استادی یا عکاس خوبی در شیراز یافت بشود که او را بفرستید نقشه از این صورت ها بتمامها بردارد خیلی موجب اشتیاق و مزید ارادت کیشی مخلص خواهد بود و مخارج آن هم برآورد بفرمایند به زودی بندگی خواهد نمود ولی چون کوه مرتفع است و چشم از پایین درست تمیز نمی دهد باید شبیه منجیقی و چوب بست چیزی ساخت که نقاش یا عکاس بر روی آن نشیند و نقشه برداری که تمام صورت ها و اگر خطی هم باشد شبیه به اصل بدون نقصان چیزی تمام و کمال برداشته شود زیرا که اگر فی المثل چهل صورت باشد و یکی از آن سهو قلم بشود آن نقشه ناقص است و به کار نمی خورد.^(۱)

[۲۹۵۰۰۳۲۵۴]

* * *

۱ - مانجی صاحب به طوری که در کتاب «اظهار سیاحت ایران» آورده به تمام نقاط ایران که احتمال می داده است آثار باستانی وجود داشته باشد سفر کرده و از آن آثار نقشه برداری نموده است. درباره نقشی که در این سند مذکور است، در کتاب فوق الذکر از آن به «مجلس اسکندر» یاد کرده است.

۳

[نامه مانکجی صاحب به وزیر مختار انگلیس به تاریخ ۲۸ رجب ۱۲۹۷]

خدمت ذی شوکت ملازمان جناب جلالت مآب فخامت نصاب وزیر مختار

مستترطامسن صاحب دام اجلاله العالی

معروض می دارد که درخصوص سرقتی که در خانه فدوی شده بود و معروض حضور بندگان عالی داشت پس از آن که صاحب منصبان اداره نظمیه مطلع شدند و محض تفحص و تفتیش علامت آمد [و] شد دزد به خانه فدوی آمدند و علامت ردپای آدمی از خانه خواجه میکائیل که متصل است به بام خانه فدوی دیدند و پس از جزئی استنتاج و استنباط مطلب، خواجه میکائیل را مأخوذ و محبوس داشتند و پس از چند روز دیگر که وابستگان فدوی را به اداره نظمیه طلبیدند و مکرر آنچه لازمه استنتاج و تحقیق بود به عمل آوردند، معلوم شد که این سرقت به همدستی بشوتن جی و میکائیل واقع شده. بنابراین بشوتن جی را قریب یک ماه در اداره نظمیه محبوس نمودند و پس از آن از کثرت واسطه انگیزی بشوتن جی، ناچار فدوی، عالی جاه خواجه ایوانی تاجر باشی را ضامن داده که او را مرخص نمودند، مشروط که در مدت یک ماه از عهده اموال مسروقه برآید و پس از انقضای موعده یک ماه با آن که بشوتن جی اقرار به شرکت خود در این سرقت نمود او را گریزانیدند. استدعا آن که چون سفارت سنیه در همه جا وکیل الدوله دارند چنانچه مقتضی رأی انور باشد همه جا اعلام فرمایند مخصوصاً خراسان که مظنون آن است که به آن سمت گریخته باشد و هر جا او را یافتند به تلگراف اطلاع دهند و او را هم خرجی بدهند و روانه دارالخلافه نمایند و هر چه مخارج شود فدوی مضایقه ندارد زیرا که تا او حاضر نباشد استکشاف این سرقت مشکل می نماید و از جمله نوشتجاتی که همه حاکی است بر شراکت میکائیل و بشوتن جی در امر سرقت

صورت استنطاقات و حاصل استنطاقی را که رئیس اداره نظمیه خدمت حضرت اجل اکرم افخم سپهسالار اعظم عرض نموده با یک دو نوشته دیگر برای مزید استحضار در جوف ایفاد حضور انور نمود که پس از ملاحظه مسترد فرمایند. باقی امر امر بندگان جناب جلالت مآب اجل اکرم دام اقباله العالی است. فی ۲۸ رجب ۱۲۹۷

فدوی مانکجی

[۲۹۵۰۰۳۳۳۰]

* * *

۴

[نامه‌ای از انجمن اکابر هندوستان به حاکم کرمان^(۱) در اواخر

دهه ۹۰ هجری]

قربان حضور مرحمت ظهورت گردم

نخست از مان از بخشایش پاک یزدان مهربان همارگی و دوام مراتب شوکت و عظمت و بقای اجلال ابهت ذات بی مثال ملازمان حضرت قوی شوکت ارفع امیع اسعد والا روحنا فداه است. سپس در پیشگاه فلک دستگاه معروض می داریم که چون در چند سال که ایالت و فرمانفرمایی کشور کرمان و بلوچستان در کف کفایت و اقتدار بندگان حضرت اشرف والا است همواره مراسم آسایش و ترفیه حال عموم و برابری خاصه زردشتیان سکنه آن حدود را که همکیشان این بندگان اند مسموع می دارم. بخصوص جناب فضایل مآب فخامت انتساب مانکجی صاحب که چندان از روش دادگری و زیردست پروری ملازمان شت^(۲) شاهنشاهزاده کامکار نگاشته و می نگارد که دفتر این انجمن مشحون از مکارم اخلاق و محاسن اطوار بندگان حضرت اشرف والا روحنا فداه شده.

۱- حاکم کرمان در آن زمان براساس نطق مانکجی در روز جشن الغای جزیه نصرت الدوله (فیروز میرزا) بوده است.

۲- شت = حضرت.

روشن است که این همایون درخت برومند دادگر به بار دوام نیک‌نامی و ذکر خیر بارور خواهد شد و این خجسته دفتر فرخ‌اختر به نگارش بقای عزت و شوکت مرقوم خواهد گشت.

در سال سابق که یک دو فقره ظلم بسیار ناگوار بر زردشتیان ساکن یزد وارد آمد عریضه به حضور مبارک شاهنشاه جم‌جاه گردون پایگاه ارواح‌العالمین فداه معروض داشتیم و مراحم خسروانه شامل حال گشته دو طغرا فرمان مهر لمعان به منع اشرار و الواط از اذیت این طایفه فقیر شرف صدور یافت که یک طغرای آن را جناب جلالت‌مآب اجل اکرم افخم مسترطامسن صاحب، وزیر مختار دولت علیه انگلیس دام اقباله‌العالی به نظر انور رسانیدند.

اگر چه امروز بحمدالله از مراتب انصاف و بزرگواری بندگان حضرت اشرف والا زردشتیان کرمان به حدی آسوده‌اند که شکر آن در عهده دعاگویان نیست و امید است که سالیان بسیار ایالت آن دیار به ملازمان حضرت شاهنشاه‌زاده کامکار محول باشد.

ولی معلوم است که به تغییر حکومت این روش پسندیده تغییر خواهد یافت و دیگران چندان دربند نیک‌نامی خود و ترقی دولت ابد آیت نیستند بلکه در خیال مداخل شخصی خود هستند، اینست که به راستی معروض می‌داریم که دولت علیه را در میان سایر دول بدنام کرده‌اند. لهذا از مراحم خدیوانه حضرت والا استدعا داریم که بر وفق فرمان مهر لمعان همایون به اصدار رقم یا به هر نحو که صلاح دانند نوعی بفرمایند که حکام بعد هم این روش مرضیه را تبعیت و اطاعت نمایند و شرع حکومت را بر وفق بندگان حضرت والا مرعی دارند که به مقتضای «الفضل للمتقدم» نیک‌نامی ملازمان آستان عدالت بنیان حضرت والا روحنا فداه پیوسته باقی و پاینده ماند و همگی فتح باب مروت و عدالت را از مراحم آن حضرت دانند و به عنوان ابود و خلوداین طایفه بیچاره

در هر جا دعاگوی دوام عمر و عزت و بقای دولت و شوکت بندگان حضرت اشرف والا باشند.

باقی ایام اجلال مستدام باد

[۲۹۵۰۰۳۳۰۶]

* * *

۵

هو الله

صورت سؤالاتی است که جناب میرزا ابوالفضل [گلپایگانی] به اسم

جناب آقامیرزا ابوتراب حکیم از مانکجی صاحب گبر سؤال نموده:

[در تاریخ ۵ شوال ۱۲۹۹]

فدایت شوم - مدت وقتی است که می خواستم روزی شرفیاب خدمت شوم و از فیض صحبت سرکار بهره مند گردم و پاره [ای] از مطالب و مسائل کتاب مستطاب «آیین هوشنگ» را مذاکره و گفتگو کنیم زیرا بعض مطالب در این کتاب ذکر شده است که با مسائل مسلمة مبرهنه حکمای این زمان مخالفت دارد بلکه با مقام پیغمبری که طایفه فارسی در حق قائلین این مطالب معتقدند نمی سازد و چون کثرت مشاغل مانع از شرفیابی خدمت ذی مسرت شد، ناچار بعض آن مشکلات را در این ورقه نوشته ارسال داشتم که محبت فرموده زودتر جواب آن‌ها را مرقوم فرمایید.

سؤال اول: در کتاب مستطاب دساتیر بر وفق عقاید حکمای اسلام خرق و التیام را بر افلاک محال دانسته چنان که این مطلب از فقره (۳۳) از رساله زردست افشار نیز معلوم می شود ولی برهان این امتناع را بیان نفرموده است و این مسأله مبنی است بر قول به بساطت فلکیات بر وفق اعتقاد قدما و مخالف است با محسوسات متأخرین، در هر صورت محبت فرموده برهان استحاله خرق و التیام را بر اجسام فلکیه بر وفق عقاید

حکمای فرس مرقوم فرمایید.

سؤال دوم: از این مسلک اثبات فلکیات چنان مستفاد می‌شود که فارسیان نیز در افلاک بر وفق یونانیان و حکمای اسلام معتقد بوده‌اند یعنی مرکز عالم را کره خاک می‌دانسته‌اند و محیط بر آن را هوا و محیط بر هوا را نار و محیط بر نار را فلک اول و هکذا هر فلکی را محیط بر فلکی دیگر تا فلک نهم و حرکت کواکب را تابع حرکت افلاک و محرک افلاک را نفوس فلکیه می‌شمرده‌اند و افلاک را اجرام بسیطه خالیه از کیفیات اربعه می‌دانسته‌اند و به واسطه تکمیل علوم ریاضی و اجرای براهین حتی امروز بطلان این عقیده نزد اکثر حکمای دانشمند ثابت و مبرهن شده است و خطای حکمای سابق واضح و مدلل گشته و بر هر کسی که اندک از این علوم ربطی داشته روشن و واضح شده است که مرکز عالم کره شمس است و او جذّاب کرات دایره بر گرد او است و محیط بر این کرات جز هوای مرکب که آن را بعض حکمای فرنگستان (اتمسفر) می‌نامند و بعضی را «آتر» چیزی نیست.

در این صورت اسناد این اقوال به اشخاص بزرگی مانند حضرت مه‌آباد و سایر آبادیان^(۱) و حضرت گلشاه^(۲) و هوشنگ و فریدون و امثالهم که رتبه پیغمبری داشته‌اند خالی از اشکال نیست زیرا در صورتی که به براهین حسی و دوربینهای بزرگ رصدخانه‌های اروپا معلوم شده باشد که کره ماه و غیره نیز مثل کره ارض مرکب است

۱ - براساس نوشته‌های دساتیر ۱۶ پیامبر ایرانی در اعصار مختلفه زیسته‌اند که اولین ایشان «شت مه‌آباد» و آخرینشان «شت ساسان پنجم» بوده، در دساتیر آمده شت مه‌آباد صد هزار سال قبل از کیومرث و شت ساسان پنجم در زمان خسرو پرویز بوده است.

۲ - گلشاه (به فتح اول) لقب کیومرث که به اعتقاد زرتشتیان حضرت آدم ابرالبشر است و به روایت شاهنامه، نخستین پادشاه. (فرهنگ معین)

از خاک و آب و سنگ و محیط بر آن هوا است دیگر بسیط بودن اجرام فلکیه چنان که در فقره ۳۳ از کتاب زردست افشار صریحاً یادداشت شده و عدم جواز خرق و التیام بر اجرام فلکیه معنی ندارد و این بحث بر حضرت رسول و مسیح و کلیم علیهم السلام وارد نیست چه ایشان در فلکیات سخنی به نحو عقاید مذکوره نفرموده‌اند^(۱) و اغلب نام آسمان را بر جهات عالیّه اطلاق کرده‌اند فی المثل مسیح علیه السلام فرموده که «من از آسمان آمده‌ام» یعنی از آسمان امر و عالم روح و فلک ربوبیت آمده‌ام. خلاصه قول به بساطت اجسام فلکیه و عدم جواز خرق و التیام در کلمات این پیغمبران نیست تا کسی گوید خطا کرده‌اند ولی در کتاب دساتیر و رسائل آیین هوشنگ هست. بلی ما نیز اگر مثل بعضی معتقد شویم که رسائل زردست افشار و غیره و ترجمه دساتیر از مجعولات آذرکیوان است کار آسان می‌شود و بحثی بر پیغمبران آبادی و حضرت زردشت وارد نمی‌آید ولی عرض دوستدار این است که ببینیم می‌شود راه تصحیحی برای این اقوال پیدا کرد که ناچار نشویم به مجعول بودن دساتیر یا نه؟ لهذا تبیین این مقال با ذکر برهان بر روش آبادیان و پارسیان موکول به محبت سرکار است.

سئوال سیّم: در رساله زوره باستان^(۲) فرموده است: (افریدون گفته است هوشنگ در نامه گوید که روان آدم گوهریست تابناک که در سر جا دارد و از آن جا همه تن را به فرمان خود می‌دارد و من ایدون^(۳) گمانم این جا نباشد و از هامون جان این کارها کند) و نیز

۱ - لازم به ذکر است آیه کریمه قرآنیّه «الشمس تجری لمشتقر لها» دلالت بر ثبوت خورشید نسبت به زمین دارد.
 ۲ - زوره به معنای فقره و فصل است و عربی آن همان سوره است. زوره باستان یک رساله فلسفی و تناسخی است و می‌گویند کتابی است که پادشاه هند در دوران ساسانیان آن را به انوشیروان دادگر تقدیم کرده است. (برای اطلاعات کامل در این باره رک: یادنامه پشوتن جی دوسابایی مارکار، نشریه انجمن زرتشتیان بمبئی، بمبئی، ۱۳۳۵ یزدگردی، ص ۱۰۳).

۳ - ایدون = اکنون.

فرموده است (به اندیشه فریدون روان از کالبد بیرون آید تا به جای آتش رسد از خواست بالایی نکاهد و چون به آتش رسید و بیرون شدن نیافت از ناپاکی گوهر و تیرگی واکرده وانگه به خواست یزدان یا به کالبد دیگر آدمی یا به جز آدمی در رود و یا همچنین خود را به چیزی وابنده و استاده باشد یا در رفتار بود تا چون خواست ایزد یا ورگردد یا به راه یا به کالبدی درآید به اندیشه او چون روان به آتش رسد و از پای گوهر نسوزد و بالا رود اگر به همه سیرت خود داشته باشد آن فرشته است و اگر نه همه فرشته تا آنگاه که فرشته شود، و من ایدون گمانم که چگونگی این نباشد که جان اینجایی نیه و به آتش کار نداشته باشد) انتهى.

اولاً این کلمات صریح است بر این که حضرت هوشنگ و فریدون را که به اعتقاد فارسیان پیغمبران بزرگند اعتقاد این بوده که روان که آن را به عربی «نفس ناطقه» گویند جسم است زیرا که محل برای آن قائل شده‌اند و محل از لوازم جسم و جسمانی است و این عقیده به اعتقاد حضرت زردشت بلکه به اعتقاد هر کسی که دانا و آگاه از حقیقت روح است باطل است چنان که فرموده است (من ایدون گمانم که این جا نباشد) و آنچه نزد حکمای بزرگ معلوم و محقق شده این است که روح جوهری است مجرد از مادیات ذاتاً لافعلاً، و قابل محل نیست چنان که تجرد نفس ناطقه را نیز در فقره (۱۷) از کتاب زردست افشار صریحاً مذکور داشته پس چگونه می‌شود پیغمبران در امور عقلیه مخالف یک دیگر باشند وانگهی خود هوشنگ و فریدون چرا در دو کتاب مخالف هم می‌نویسند یعنی در یک کتاب به مسئله [ای] قائل شده‌اند و در کتابی دیگر به ضد آن، فی‌المثل اولاً ملتفت نشوند روح مجرد است و بنویسند در سر جا دارد و بعد در کتابی دیگر بنویسند روح مجرد است و قابل مکان نیست و اگر کسی در سراپای رساله زردست افشار و کتاب زوره باستان درست بگذرد و به دقت مطالعه کند بر صدق این اختلاف و بعد ایشان از مشرب حکمت و تحقیق آگاه می‌شود.

خلاصه مطلب آن که اگر کسی قائل شود که این بزرگان از پیغمبران بلکه حکیم و دانا هم نبوده‌اند یا آن که این کتب جعلی است و به این بزرگان به دروغ بسته‌اند چنان که اکثری می‌گویند کار سهل می‌شود ولی چون خود دوست‌دار هنوز نمی‌خواهد به مجعول بودن این کتب و پیغمبر نبودن حضرت هوشنگ و زردشت قائل شود کار مشکل شده است. لهذا چون بصیرت سرکار در این کتب بیشتر است خواهش دارم محبت فرموده زودتر جواب ورقه را مرقوم فرمایید و به برهان عقلی نوعی این مسائل را حل نمایید که دل به آن مطمئن شود و خصم ساکت گردد. زیاده چه عرض شود. امید که مزاج شریف را همواره سلامت قرین باشد.

فی ۵ شوال ۱۲۹۹

[۲۹۵۰۰۳۰۹۲]

۶

[جواب مانجی صاحب به سؤالات ابوتراب حکیم در تاریخ شوال ۱۲۹۹]

فدای وجود فرزانه روزگار و دانشمند هوشیار شوم

رقیمه شریف که مشتمل بر چند مسائل حکمتی و ایراد از کتب مقدمین بود زیارت نمودم. اولاً از صحت‌مندی مزاج به‌ه‌اج خوش‌وقتی حاصل گشت. ثانیاً بسیار بسیار مشعوف و خورسند شدم از این که داعی را از خود دانسته و این سؤالات را فرمودید که اخلاص‌مند خیلی طالب و مایل می‌باشم که در این ازمنه دانشمندانی یافت گردند^(۱) که ربطی از مسائل علمیه قدما داشته باشند و اقدام در حل مطالب آن بنمایند زیرا که

شخصی تا خودش دارای علمی نباشد نمی تواند دم از حکمت بزند. بعداً شخص سائل خود می باید حکیم باشد و علومات دیگر را هم بداند.

خلاصه درخصوص جواب مسائلی که مرقوم فرموده بودید چون این مطالب به طوری که مشروح داشته بودید از روی کتاب مستطاب دساتیر و آیین هوشنگ و زردست افشار و زوره باستان بوده و هرگاه جواب از همان کتب عرض شود اولی تر است و چون اینک داعی شمیران می باشم و کتابها هم در شهر هستند، ان شاء الله هنگام آمدن به شهر رجوع نموده هر یک را در جای خود آنچه به نظر آید به عرض خواهیم رسانید و دیگر این که چون داعی زیاد طالب مجالست کسانی می باشم که بهره ای در علوم داشته باشند و بدین جهت کمال اشتیاق را خدمت شما حاصل نمودم که ان شاء الله زمان آمدن به شهر وقتی را قرار بدهیم که ملاقات گردد و این مسائل چنانچه حضوراً گفتگو نمایم بهتر و خوبتر مطلب معلوم می شود و شخص حالی می گردد و هنگام شرف یابی گفت و شنید خواهیم نمود و اگر به نوشتن هم خواسته باشید در همان وقت هر یک را در جای خود مشروح داشته عرض خواهم داشت و الحال را چون شمیران هستم و دسترسی به کتب ندارم ان شاء الله عفو خواهید فرمود. زیاده عرضی نیست. ایام سعادت و ابهت مستدام باد.

شوال ۹۹

داعی مانکجی

[۲۹۵۰۰۳۳۰۷]

* * *

۷

[نامه مانکجی صاحب به] محمد زمان میرزا، ۳ ذی قعدة

فدای حضورت مردم، مدتی طویل بود که از مجاری حالات سعادت ذهاب نواب اشرف

اطلاعی حاصل نبوده و به زیارت تعلیقه سرافرازی دست نداد. تا این که چند یوم قبل تعلیقه رفیعۀ عالی وصول یافت و مایه بهجت و شادمانی گشت. درخصوص امپریال که جهت خریدن پوستین و چای ارسال داشته بودید پس از دریافت نمودن از چاپار خانه از قرار هر امپریالی دو تومان و دو قران و هفتصد و پنجاه دینار^(۱) جمله آنها می شود سیزده تومان و پنج ریال و پانصد دینار^(۲) وجه دریافت شد. از این جمله یک ثوب پوستین کابلی خوب ابتیاع شد به مبلغ هشت تومان ولی پوستین این ایام در تهران بسیار کم است بلکه می توان گفت که نیست زیرا که این اوقات چون در میان افاغنه جنگ و شورش هست فراغت ندارند که مثل همه ساله پوستین از هرات به تهران بیاورند لهذا پس از تجسس این پوستین که به نظر انور می رسد ابتیاع شد و دوسه جای معتبر با بصیرت نمود الحق خوب پوستین است.

پنج گیروانکه^(۳) چای «نمسه» و خوب هم که از قرار گیروانکه یک تومان با پوستین در یک توپ^(۴) کرباس لفافه دوخته تسلیم همان کربلایی حبیب تاجر روغن فروش شد با تتمه وجه که ریز آن از قرار ذیل است [...] ^(۵) امید است که همگی مطبوع حضرت والا افتد ارادتمند حاضر است که هر وقت از این گونه فرمایشات باشد بدون مضایقه مرجوع فرمایند که به منت، ارادت کیش اطاعت خواهد نمود.

[۲۹۵۰۰۳۲۳۰]

۱ و ۲ و ۵ - در اصل سند به حساب سیاق تحریر شده است.

۳ - وزنی معادل با ۴۱۰/۰ کیلوگرم.

۴ - اصل: ثوب.

۸

صورت مکتوبی است که جناب میرزا ابوالفضل [گلپایگانی] از جانب مانکجی صاحب به

نواب محمدزمان میرزا ساکن نهاوند نوشته در جواب بعض سؤالات

علمی که نواب مشارالیه از مانکجی صاحب سؤال نموده بوده

— فدای حضور مردم تعلیقۀ رفیعۀ که به یادآوری اخلاص کیش ارسال فرموده بودید زیارت شد و موجب مزید ارادت و بندگی گردید و پیوسته مترصد بود که به عرض جواب مبادرت کند ولی چون معلوم نبود که نهاوند پست داشته باشد لهذا معوق ماند تاکنون که لازم دانست که به توسط سرکار نتیجه الاعاظم والاعیان، بزرگ فرزانه دانشمند محمداسمعیل خان زند^(۱) در مقام عرض جواب برآمد. به هر حال امیدوارم که همواره وجود مسعود نواب اشرف والا را سلامت و استقامت حاصل بوده باشد. ضمناً معروض می‌دارد که در خصوص مسائلی که استفسار فرموده بودید اولاً درخصوص هیجده علم و سی‌وشش خلق و هفتادودو هنر پرسش رفته بود. بلی آنچه اساتید و دانشمندان تفحص کرده‌اند امّهایت علوم را منحصر در این عدد یافته‌اند اگر چه فروع آنها زیاده بر این‌ها است. مثلاً علم حکمت یکی از امّهایت علوم است که الهیات و طبیعیات و طب و فیزیک و شیمی از انواع و فروع آن است و همچنین ریاضی علمی است که هندسه و حساب و

۱ - میرزا ابوالفضل گلپایگانی درباره‌اش چنین می‌نویسد: «دیگری از پارسی سرایان هنرمند محمداسمعیل خان زند است، نگارنده نامۀ «فرازستان» و گردآورنده پریشان‌های باستان. از نژاد شهریار نیرومند (کریم‌خان زند) است [...] خود را به پارسی هرمز دیار خواند و نژاد خویش را به خسروان کیان رساند و در زنده کردن آیین آبادیان و تازه نمودن روش نیاکان کوشش بی‌اندازه دارد. هنوزش به روش گذشتگان گمان این است که آسمان‌ها مانند پیاز توپر توست و جنبش هر ستاره به جنبش آسمان او» (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۲۹۵۰۰۳۰۸۶).

هیأت و نجوم و امثال این‌ها در ضمن او است و همچنین علم عربیت از اجناس و امّهات علوم است که نحو و صرف و معانی و بیان و بدیع و متن و لغت در تحت او است و چون بر این قیاس تعداد رَوَد، اصول علم هیجده قسم شود و همچنین است صنایع اگر چه انواع آن از نهصد الی هزار یا بیشتر، بالغ است ولی اصول آن‌ها منحصر در هفتاد و دو جنس است مثلاً آهنگری یکی از صنایع است که چاقوسازی و شمشیرگری و نعل‌بندی و سایر اصناف حدّادی در ضمن او است و چون امّهات صنایع بر این نهج شمرده آید منحصر در هفتاد و دو جنس باشد و همچنین است اخلاق و خلق عبارتست از صفتی که راسخ در طبیعت شخص شده باشد و فروع آن بسیار است ولی اصولش از سی و شش تجاوز نمی‌کند فی‌المثل راستی یکی از اخلاق است که صدق لسان و راستی دل و درستی عقاید و امثالها در تحت او است و هکذا سایر اخلاق و چون اجناس و اصول آن بر این وجه محسوب گردد از سی و شش افزون نیاید.

ثانیاً درخصوص مهین چرخ استفسار فرموده بودید که اگر امر بر این وجه باشد که در تیمسار دساتیر فرموده جبر لازم می‌آید. بلی آنچه حضرت ساسان پنجم در تفسیر آن فرموده این است که چون مهین چرخ به پایان آید و نوبت سلطنت به نخستین شاه رسد امثال و اشیا و مردم و جانور و رستنی و کانی که در دوره اول بوده‌اند به همان اسم و رسم و بوی و رنگ و گونه و خاصیت برمی‌گردند نه اعیان آنها و روح چون به عالم بالا صعود نمود دیگر به عالم فرودین رجوع نمی‌کند و مثال این مطلب بر این گونه است که مهین چرخ را مانند سال فرض نمایید که چون بهار آید انواع ریاحین و گل و سبزه به همان نوع و رنگ و بوی و گونه و پیکر که در سال پیش بوده برمی‌گردد و ظاهر می‌شود و این معلوم است که مراد اشباه و امثال ریاحین سال قبل است نه عین آنها و به این وجه جبری لازم نمی‌آید.

ثالثاً در خصوص کشتن زندبار^(۱) و خوردن گوشت مرقوم فرموده بودید که چگونه است که پیغمبران آبادی اینها را حرام فرموده‌اند و حضرت ختمی مآب و سایر انبیا حلال دانسته و تجویز کرده‌اند. در این باب آنچه به نظر می‌رسد این است که خوردن گوشت همواره حرام بوده و چون شخص نیکو بنگرد این عمل را مخالف انسانیت و مردمیت می‌بیند و می‌فهمد که این روش درندگان است این است که اکابر هر ملت بعضی به کلی از آن مجتنب بوده‌اند مانند پیغمبران آبادی و بعضی مهما ممکن به تقلیل آن امر فرموده‌اند. چنان که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه فرمود که «لَا تَجْعَلُوا بُطُونَكُمْ مَقَابِرَ الْحَيَوَانَاتِ» یعنی شکم خود را گور جانوران مکنید و آن حضرت در مدت عمر گوشت نخوردی و مردم را از اکثار آن منع فرمودی و این که در میان مردم کشتن زندبار و خوردن گوشت تداول یافته اولاً سببش این بود که در سابق مردم از رسوم انسانیت و روش مدنیت بی‌بهره بودند و در کوه و هامون مانند وحشیان می‌زیستند و مانند تندباران^(۲) یک‌دیگر را می‌دریدند و می‌خوردند. چنان که اکنون هم برخی از وحشیان که از قواعد مدنیت بی‌بهره‌اند هنوز بدین روشند و در میان اهل تمدن سببش جنگ‌ها و محاصره‌ها بود که چون بعضی محصور می‌شدند و آذوقه نایاب می‌شد حیوانات خود را می‌خوردند تا فرجی پدید آید و راه نجاتی باز گردد و همچنین در گرانی‌ها و ایام قحطی ناچار گوشت حیوانات را خوردند و این روش اندک اندک رسم شد و شیوع یافت والا عقل خود حاکم است که انسان را گوشت خوردن از رتبه کمال باز می‌دارد. چنان که اهل ریاضت و تجرد هنگام خواندن دَعَوَات از گوشت خوردن اجتناب می‌کنند و کمال تأثیر آن را منوط به ترک حیوانی می‌دانند این است آنچه به نظر قاصر

۱ - زندبار = جانور بی‌آزار و اهلی چون گاو و گوسفند.

۲ - تندبار = حیوان درنده و مودی.

رسیده باقی بسته به ردّ و قبول نَوَاب والا است.

فدایت شوم درخصوص خوردن گوشت مجدداً آنچه به نظر می‌رسد این است که گوشت از جهت غذائیت نیز ناقص است زیرا که حکما گفته‌اند هر غذایی پنج ماده لازم دارد تا مشابه بدن شود: اول ماده مائیت که به فارسی آب گویند دوم ماده‌ای که شبیه به آرد و نشاسته است و این ماده در غذائیت برای بدن خیلی لازم است. سیم ماده دمومت که به پارسی چربی گویند چهارم ماده غرویت که عبارت از چسبندگی است پنجم ماده ملحیت و شوری و هر غذایی که این مواد مذکوره در آن به اندازه‌ای که لازم است باشد در غذائیت تمام است و اقسام گوشت چنان که حکمای فرنگستان تجزیه کرده‌اند آن ماده را که شبیه به آرد است ندارد و از این توان دانست که در غذائیت ناقص است و دیگر آن که گوشت از حبوبات سریع الهضم تر نیست و اکثر انواع لحوم از حبوبات بطی الهضم تر و کمی مساوی است و دیگر آنچه مشاهده شده کسانی که زیاد گوشت می‌خورند و در این عمل اکثار می‌کنند قسّی القلب و تندخو و درنده می‌شوند و این فقره از شدت ظهور محتاج به دلیل نیست. در این صورت که گوشت در غذائیت ناقص و در هضم بطی باشد و موجب صفات پست حیوانی شود چه بعدی دارد که پیغمبران خوردن آن را حرام فرموده باشند و چون خوردن گوشت حرام شد کشتن زندبار نیز حرام خواهد بود و امروز در بلاد فرنگستان جمعی هستند از حکما و دانشمندان که بر معایب گوشت خوردن مطلع شده‌اند و به هیچ وجه گوشت نمی‌خورند و اندک اندک زیاد گشته‌اند و ایشان را (ویزیته بلیان)^(۱) خوانند یعنی طایفه روئیدنی خواران و جمعی هم هستند که شراب نمی‌خورند و آنها را (طیطوطلیان)^(۲) نامند و از این معلوم می‌شود که روش پیغمبران آبادی معمول و

۱ - ویزیته بلیان از واژه Vegetables گرفته شده و معنی «گیاه‌خواران» می‌دهد.

۲ - طیطوطلیان معرّب لغت teetotal و به معنای «مخالفان می‌خواری» است.

حسن آن معلوم خواهد شد. زیاده عرضی ندارد مستدعی که همواره از مجاری حالات و خدمات اعلام فرماید.

[۲۹۵۰۰۳۰۷۴]

* * *

۹

[نامه‌ای از مانکجی در سال ۱۲۹۹ ه.ق.]

عالی‌شان عزت و سعادت شان

برادر مکرم مهربان، ملا نوذربن مرحوم مهربان را زحمت افزا می‌شوم که نوشته مورخه ۱۷ جمادی‌الاول^(۱) رسید و از مطالبش استحضار حاصل آمد. اولاً از فوت مرحوم عموی شما شیرمرد نوذر^(۲) خیلی افسردگی و ملالت روی داد. امیدواری چنان است که حضرت احدیت آن مرحوم و سایر گذشتگان خانواده شما را به رحمت و مغفرت سربلند و مفتخر فرماید. ثانیاً نوشته بودید که یک دوجین برندی جهت این جانب به (ارجمندی؟) منوچهر نوشته‌اید بیاورند. بلی برادر مکرم عالی‌شان ملاگودرز مرحوم مهربان هم به ما نوشته بودند. ما نزدیکی ۲۸ سال است که در ایران هستیم و پیوسته اکثر اوقات خود را در اصلاح امورات بهدینان مصروف داشته‌ایم و از معاونت مالی و زبانی هر چه مقدور بوده در حق احدی مضایقه ننموده‌ایم و چشم داشت تلافی و عوض از کسی نداشته چیزی از کسی قبول نکرده‌ایم. مع ذلک شما برای کاری که از دست ما برآمده برندی بفرستید خیلی جای تعجب است. رسم ما این است که اگر کسی

۱ - یک کلمه ناخوانا.

۲ - شیرمرد نوذر توسط مانکجی صاحب برای رسیدگی به کار مدرسه‌های یزد تعیین شده بود. (چیستا، س ۴،

ش ۹، ص ۶۷۷).

هم در حق ما دشمنی کند و در مقام عداوت و نفاق باشد اگر از دست ما برآید در حق او نیکی خواهیم کرد، شما که با ما برادر هستید و جای خود را دارید معلوم است هر کاری بتوانیم در حق شما به هیچ وجه کوتاهی نخواهیم نمود و توقعی هم نخواهیم داشت.

به هر حال برادر مهربان ملاگودرز به ما نوشته‌اند که چند صندوق دیگر برندی ارسال بوشهر داشته‌اند که به توسط (آارشم دتیکران^(۱)) به این جانب برسد و ما هم به بوشهر نوشته‌ایم که حین وصول روانه دارند و تاکنون چیزی نرسیده پس از رسیدن آن را هم به نحو سابق معمول خواهیم داشت و هر وقت از این قبیل امور از دست ما برآید کوتاهی نخواهد شد.

ثالثاً درخصوص کاغذهای جناب دستور شهریار،^(۱) این جانب تعجب در این است که هر وقت کاغذی که در او مطلبی باشد چه ما به برادران بنویسیم یا [برادران] به ما نوشته باشند نمی‌رسد چنان که هنگامی که شما نوشتید جناب دستور شهریار قبض نمی‌دهند تکلیف چیست، ما ۱۲ جمادی‌الاولی به شما کاغذی نوشتیم که حال که دستور قبض نمی‌دهند شما همان کاغذ را....^(۲) و شما در همین کاغذ نوشته‌اید چیزی بدست شما نرسیده.

نمی‌دانم سبب چیست که در رسانیدن این گونه کاغذهای مهم این قدر اختلال و اخلال واقع می‌شود چنان که جواب کاغذ پنجایت را که ۱۷ محرم نوشتیم مکرر خواستیم و هیچ جواب نمی‌رسد. لهذا حال مختصری نیز به برادران نوشته در جوف کاغذ شما ارسال داشتیم که مهربانی کرده برسانید و جواب آن را زودتر گرفته ارسال

۱- رک: سند شماره ۱.

۲- دراصل سند مطلب ناقص است.

دارید که به جای یک دوجین برندی که سهل است از یک صندوق اشرفی بیشتر از شما ممنون می‌شویم.

معلوم است در گرفتن جواب کاغذ کوتاهی نخواهند نمود که زیاده از حد از شما ممنون خواهیم شد.

[۲۹۵۰۰۳۲۵۴]

* * *

۱۰

[نامه‌ای از مانکجی صاحب در تعزیت مرگ میرزا حسین خان]

[سپهسالار اعظم]

معروض می‌دارد که اگر چه عموم افراد و اشخاص این مملکت از بزرگ و کوچک در واقعه رحلت مرحمت پناه علین آرامگاه حضرت اجل اکرم افخم سپهسالار اعظم طاب الله [ثراه] قرین اندوه و جلیس احزانند زیرا که مراتب جلالت قدر و بزرگواری و مراسم عاطفت و رعیت‌داری و زحماتی که در حفظ ملک و ملت و ترقی سلطنت اظهار فرمودند به حدی موجب جلب نفوس و جذب قلوب عموم اهالی گشت که همه مردم به ذکر محاسن اطوار و محامد اخلاق آن حضرت پیوسته شاکر و رطب اللسان‌اند و همگی خود را در این مصیبت عظمی و رزیه کبری سهیم احزان و شریک مصایب بستگان آن حضرت می‌دانند. به خصوص عموم طایفه زردشتی که از سال‌های بسیار از زمانی که در بندر معموره بمبئی تشریف داشتند و اکابر این ملت که ساکن هندوستانند شرف‌یاب حضورشان می‌شدند الی کنون عموم این طایفه در پناه لطف و مرحمتشان آرمیده و همواره به عروة الوثقی بندگی و بستگی به عاکفان آستان عدالت بنیان آن حضرت متمسک و متوسل بودند. بخصوص خود دعاگو که مراتب ارادت کیشی و عبودیت و بستگیش به ملازمان حضرت اجل اکرم مبرور مغفور طاب الله ثراه خود مستغنی از

عرض و جسارت است و بدون شایبه اغراق توان گفت که از بدبختی اهالی این ملک بود که از ظل مرحمت و عنایتش محروم و از انوار لطف و افاضاتش ممنوع شدند. قرن‌ها آید که عموم ساکنین این کشور از حرمان از عاطفت‌های آن حضرت قرین افسوس و درد باشند و سال‌ها بگذرد که از مکارم صفات و معالی ملکات آن حضرت به حسرت یاد آرند علی‌الخصوص دعاگو و عموم این طایفه که به ذکر دوام و خلود از مراتب لطف و مرحمتش و بر محرومی از ظل عنایتش متأسفیم. علی‌هذا دعاگو لازم دانست که از قبل خود و اکابر این ملت که ساکن هندوستانند، بلکه عموم طایفه زردشتی بر سیل تعزیت‌نامه، به عرض این عریضه مبادرت و جسارت نماید. امید که حضرت یزدان مهربان روح علوی فتوحش را به خلعت مغفرت و دیبای عنایت و رحمت بیاراید و در جوار قرب و کرامتش بیارامد و مراتب عزت و دوام اقبال و اجلال و شوکت بازماندگانش را یوماً فیوم بیفزاید.

[۲۹۵۰۰۳۲۴۷]

* * *

۱۱

[نامه‌ای از مانکجی به یک زرتشتی]

برادرا

رقیمه مورخه روز اورمزد^(۱) از ماه مبارک شهریور [واصل شد] و از مضامینش اطلاع آمد و از تعدیاتی که نسبت به شما وارد آمده اندوه بسیار عارض گشت البته ظالم روزی به پاداش عمل خود گرفتار آید

لب خشک مظلوم را گو بختد که دندان ظالم بخوانند کند

با ظلم و بدکاری، آسایش و نکوحالی چشم داشتن خیال بیهوده و طمع خام بردن است. گندم از گندم بروید جو زجو. و همچنین امیدوار باشید که این مظلومیت شما هم روزی اثر نیک ببخشد. باری چاره که در این باب به نظر رسید این بود که نوشته به جناب صدرالعلما نوشته و در جوف کاغذ برادر مکرم ملارستم مهربان به توسط پست ارسال داشت و نوشته هم به برادران پنچایت و ریش سفیدان نوشته که سواد هر دو در جوف ارسال شد که به نظر شما برسد. عجالتاً چاره جز این به نظر نرسید زیرا که اگر حکمی از اولیای دولت در این باب صادر و ارسال می شد لابد اسباب رنجش جناب صدرالعلما می گشت و رنجش ایشان خوب نیست کار را به گردن خود ایشان انداختن و اصلاح آن را از خود ایشان خواستن بهتر و مؤثرتر به نظر آمد. به هر حال ان شاء الله بلکه اثر خوب بکند تا اسباب آسایش برای شما فراهم آید. شما هم البته ملاحظه روش معاشرت با مردم را خواهید نمود. قسمی راه بروید که عمل شما با دستور شهریار^(۱) بگذرد و بیش از این اسباب نفاق و نقار فراهم نیاید. نوشته تعدیات دستور شهریار چیزی نیست که به کار بخورد. صورتی مثل استشهاد طوری بنویسید و خطاهای او را از پیش تاکنون یک یک مرقوم دارید و حضرات ریش سفیدان و معتبرین شهادت خود را در آن ثبت سند نموده مهر کنند تا خدمت صاحبان هندوستان ارسال شود بلکه ثمری ببخشد.

[۲۹۵۰۰۳۲۵۳]

* * *

۱۲

[نامه‌ای از مانکجی صاحب در جواب شخصی نامعلوم که ابتدای

نامه نیز موجود نیست]

و دیگر درخصوص مسائلی که مرقوم فرموده بودید اولاً در باب این که در دساتیر می‌فرماید که هر که زشت کار و بدکار است نخست در پیکر مردم رنجه دارد، حضرت زردشت و جمشید پاک و مبرا بودند از زشت‌کاری چرا آن قسم کشته شدند و اگر بگوئیم که از مبدأ مرحمتی در حق ایشان شده چرا در حق گلشاه نشده؟ بلی آنچه در این باب به نظر می‌رسد این است که مردمانی را که درجه جلالت و بزرگی به حد کمال رسیده و روحشان به عالم بالا اتصال یافته هر قدر در هدم بنیان بدن بتوانند سعی خواهند نمود این است که در حقیقت خود حضرت زردشت و جمشید راضی به پاشیدن بدن و بالا رفتن به عالم روان بودند و در دساتیر مسطور است که کسانی را که در بهشت داخل می‌کنند اگر بخواهند برگردند می‌توانند بنا [براین] می‌توان گفت که حضرت جمشید و زردشت نمی‌خواستند به این عالم رجوع کنند و حضرت گلشاه می‌خواست که به این عالم رجوع کند یا آن که اراده یزدانی به رجوع آن حضرت متعلق بود ولی به رجوع جمشید و حضرت زردشت متعلق نبود و جمیع انبیا و اولیا بر این مصلحت صحّه گذاشته‌اند که کسی که در راه [الهی] کشته شود برای او بهتر است و درجه او رفیع‌تر خواهد شد پس معلوم می‌شود که این کشته شدن به میل و رضای آنها.....^(۱) واقع شد. و اما عبارتی که در معجزات حضرت زردشت از کتاب دبستان نقل فرموده بودید لامحاله به نظر چیزی نیامد ان شاء الله من بعد به کتاب مزبور رجوع نموده عرض خواهد نمود.

و دیگر درخصوص کتاب‌هایی که استفسار فرموده بودید از این قبیل کتاب‌ها هیچ به نظر نمی‌آید که تهران آورده باشند و اگر احیاناً آورده باشند این جانب اطلاع ندارد اسم کتاب‌ها هم از تعلیقہ رفیعہ معلوم نشد در چه علم و از چه مذهب است چنانچه من بعد مرقوم دارند در صدد تفحص برمی‌آید که اگر یافت شد ایفاد حضور عالی سازد. زیاده چه عرض کند. استدعا چنان است که گاهی ارداتمند را به ارجاع فرمایشات متباهی و مفتخر فرمایند.

[۲۹۵۰۰۳۲۳۰]

* * *

۱۳

[نامه‌ای از انجمن اکابر زرتشتیان هند احتمالاً به ظل‌السلطان]

قربان حضور مهر ظهور اقدس گردم

رقم فرخنده شیم که از راه مرحمت و بنده‌نوازی به افتخار این بندگان حقیقی و دعاگویان صمیمی عزّ ارقام و شرف صدور یافته بود به زیارتش مشرف گشته موجب مزید انبساط و امیدواری به مراجع خدیوانه و مایهٔ ازدیاد و تشکر و امتنان از عواطف کریمانه آمد. زهی عنایت و خهی^(۱) موهبت که از ممکن شوکت و جلالت و مهبت اعزاز و شهامت، نسیم مرحمت بر این ذره‌های ناچیز وزد و این انجمن دعاگو، مخاطب و مورد انعام و احسان لسان مبارک گردد. امید که یگانه بخشنده بی‌منت ظلّ مرحمت و سیله مکرمت بندگان حضرت قوی شوکت شاهنشاه‌زاده اعظم اکرم والا، روح‌الافدا، آن را به جهان بگسترده و این همایون درخت برومند خسروی را به زودی از هر جهت در بسیط هفت کشور قوی دست و جلوه‌گر فرماید.

۱ - خهی = زهی، خوشا.

شرحی که در خصوص صدور ملفوفه فرمان مهر لمعان همایونی و ملحوظ گشتن طایفه دعاگوی زردشتیان ایران به لحاظ انور اقدس شهریاری مرقوم رفته بود موجب مزید دعاگویی و ثناجویی این جان نثاران حقیقی آمد. معلوم است امروز برخلاف روش سابقین اراده سنیّه بندگان حضرت اشرف والا روحنا فداه به ترفیه حال عموم رعایا و آسودگی مال تمام برآیا است و از توجهات خدیوانه به حمدالله یوماً فیوم دولت قوی شوکت روی ترقی و شهامت و نیک نامی آن سلطنت عظمی در تمام ممالک خارجه مزید انتشار و شهرت دارد. اشهد بالله دعاگویان از عابرین به این سمت همه روزه آسایش حال هم کیشان خویش را مسموع می داریم و در انتشار مکارم بندگان حضرت والا همت می گماریم. لکن در عریضه [ای] که در چندی قبل به حضور مرحمت ظهور مبارک شهریاری معروض داشتیم رفع هشت فقره ظلم را از مراحم خدیوانه خواهشمند و متمنی گشته بودیم^(۱) و مراحم شهریاری شامل حال گشته هفت فقره آن را که متعلق به اشرار و الواط بوده امر به منع و دفع فرمودند لکن در فقره هشتم که حکایت جزیه بود و آن متعلق به خود سلطنت است عرض دعاگویان را نپذیرفتند و حال آن که آن هفت فقره ظلم که از الواط بر زردشتیان وارد می آید چندان اهمیت نداشت و به توجهات اولیای حکومت رفع می شد و فقره جزیه که در حقیقت ظلم صرف و متعلق به شخص سلطنت است بیشتر طرف اهتمام و مستحق رفع و انعدام بود که مراتب عدالت گستری

۱ - این ۸ فقره عبارت بودند از الف) به بهانه مسلمانان متعزّض ناموس این طایفه می شوند ب) اگر از زرتشتیان کسی مسلمان شود اولاد این نو مسلمان وارث جمیع این خانواده می شود ج) اگر یک زرتشتی ملکی بخرد باید خمس آن را به علما بدهد تا قباله اش را مهر کنند د) مانع خانه سازی زرتشتیان می شوند ه) مانع پوشیدن لباس سفید می شوند و) به بهانه راه داری متعزّض پبله وران و فقیران این طایفه می گردند ز) ایشان را از سواری منع می کنند ح) علاوه بر مالیات دیوانی به عنوان جزیه نیز مبلغی علی حده می گیرند. (اشیدری، تاریخ پهلوی زرتشتیان، ص ۴۳۴).

اعلیٰ حضرت اقدس شهرباری مشهود کارآگهان همه ممالک گردد. و نیک‌نامی سلطنت همایونی در همه عالم مبسوط و گسترده شود زیرا که جزیت معرب گزیت پاری است و آن همان خراج و منالی است که سلاطین از رعایا و زیردستان می‌گیرند و حضرت ختمی مآب برای امتیاز اهل کتاب از بت‌پرستان و عبده اصنام مقرر فرمود که اگر اهل کتاب ترک جنگ کنند و خراج به گردن گیرند و رعیت دولت فحیمه اسلام گردند مأذونند که در دین خود باقی مانند به خلاف بت‌پرستان که ابداً آنها را اذن بقای در دین خود و رعیتی اسلام نداد و روش خلفای راشدین و ائمه دین نیز بر این گونه بودی و سرداران اسلام و بزرگان عرب نیز هر شهری را فتح می‌کردند با اهالی آن جا بر این گونه صلح می‌بستند که رعایای این شهر چون ترک جنگ کنند و خراج مقرر را به گردن گیرند دیگر در همه چیز با ما برادر و برابر باشند و اگر به کتب مغازی و لغت رجوع فرمایند صدق این عرایض واضح و مدلل می‌شود و صاحب کتاب معجم البلدان برخی از صلح‌نامه‌ها را در کتاب مذکور ایراد نموده. بلی پس از رحلت حضرت ختمی مآب چون رتبه خلافت و سلطنت که حق ولات حقیقی امر بود در غیر موضع خود قرار گرفت روش اهل اسلام با خارجه تغییر یافت و وصیت آن حضرت را که فرمود «من آذی ذمياً کنت خصمه یوم القیامة»^(۱) مهجور و متروک داشتند و با ملل خارجه که رعیت دولت اسلام بودند بنای ظلم و تعدی گذاشتند این است که تاکنون هم علاوه از مالیات دیوانی که زردشتیان از ملک و مال خود به شراکت اهل اسلام می‌دهند یک مالیات علی حده هم به اسم جزیه از آنها دریافت می‌دارند و حال آن که شخص منصف اگر تأمل کند می‌داند که حضرت رسالت پناه که یک جزو از زکات را در تألیف قلوب خارجه مصروف می‌داشته و پول از اهل اسلام گرفته و برای جذب قلوب به خارجه می‌داده و با رعایای خود به کمال

۱ - کسی که اهل کتاب را اذیت نماید من در روز قیامت دشمن او خواهم بود.

بردباری و محبت سلوک می فرموده هرگز راضی نبوده که از مردمی که در ظل رعیتی و اطاعتش درآمده و در پناه عاطفت و مرحمتش آرمیده دو مالیات بگیرند و آنها را به این طریقه غیرمرضیه پریشان و متواری گردانند. بناء علی هذا از مراحم بندگان حضرت شاهنشاهزاده امجد ارفع والا روحنا فداه استدعا داریم که چنان که حضرت خدیو مینو آرامگاه نایب السلطنه بزرگ طاب الله ثراه ارامنه آذربایجان را از جزیه معاف فرمود^(۱) و نیک نامی ابدی اندوخت بندگان حضرت والا نیز در این خصوص مرحمتی فرمایند و در پیشگاه همایون اقدس شهریاری تشفی فرمایند و این طایفه فقیر را از این قلیل جزیه که ظلم صرف است معاف دارند تا مراتب معدلت گستری و نیک نامی بندگان حضرت والا نیز در دفتر این طایفه به عنوان ابد ثبت و مرقوم گردد و در هر قرن و زمان اعقاب و اولاد آنها این همایون بزرگواری را به حکایت بازگویند و خود را آزاد کرده آن حضرت دانند و این مکرمت و عاطفت نیز در همه ممالک مشهود گردد و در کتابها منتشر و مکتوب آید. معلوم [است که] عرض این دعاگویان حقیقی در حضور انور مقبول و پذیرفته خواهد آمد و این دولت خواهی را مقرون به صدق و خلوص عقیدت خواهند انگاشت.^(۲)

[۲۹۵۰۳۱۳۷]

- ۱ - با توجه به مفاد سند شماره ۱۴ رفع جزیه ارامنه باید بین سالهای ۱۲۱۳ ق و ۱۲۳۷ ق که میرزا عیسی قائم مقام (پدر ابوالقاسم قائم مقام فراهانی) سمت پیشکاری عباس میرزا را داشته صورت گرفته باشد.
- ۲ - البته باید دقت داشت که این نحوه نگارش نامه نمی تواند از جانب انجمن اکابر هندوستان باشد، مانکجی صاحب پس از ترجمه نامه های انجمن مذکور، توسط منشی خود - میرزا ابوالفضل گلپایگانی - که به تاریخ، علوم ادبیه، عربیه و اسلامیه تسلطی وسیع داشته است نامه های انجمن فوق الذکر را به احادیث و آیات قرآن و امثال تاریخی مزین می نموده تا تأثیر بیشتری در خواننده بگذارد. به نظر نگارنده انشای مکاتبات او و استدلالش در رفع جزیه مؤثر بوده است.

۱۴

[نامه‌ای از انجمن اکابر زرتشتیان هندوستان به میرزا سعیدخان انصاری]

وزیر دول خارجه

فدای حضور مهر ظهور انورت گردیم، همایون نامه نامی و خجسته تعلیق گرامی که مورّخه شعبان المعظم ۱۲۹۸ به افتخار انجمن پارسیان هندوستان که دعاگویان حقیقی و ثناجویان واقعی دولت ابد آیتند مرقوم و ارسال فرموده بودند زیارت نموده بر مراسم امتنان و شکرگزاری^(۱) افزودیم اشهد بالله همه حاضرین این انجمن مراتب بزرگواری بندگان جناب جلالت مآب اجل اکرم عالی دام اقباله را همواره مسموع داشته و بر مراسم خلوص عقیدت و دعاگویی وجود مسعود آن جناب مستطاب ثابت و راسخ بوده و هستیم. همواره عالی جاه مقرب و به خدمت همراه «مانکجی صاحب» که به وکالت این انجمن در دربار معدلت مدار متوقف است مراتب بزرگی و جلالت و مراسم کفایت و نبالت بندگان جناب مستطاب عالی را به دعاگویان مرقوم می داشت و از حمایت های سابقه و توجهات کامله که در حفظ و نگاهداری طایفه فارسی مبذول فرموده اند یادداشت می نمود و از اقدامات آن جناب در نگاهداری و آسایش این طایفه چندان نوشته که دفتر این ملت مشحون از محامد اوصاف و مکارم اطوار بندگان جناب عالی است و این دقیقه خود روشن است که همواره مراسم عدل و انصاف و نیک نامی سلاطین نامدار از مراتب دانشوری و کفایت وزرای دانا و مشیران کافی، اظهار و اجرا^(۲) و ثابت و باقی مانده است. چنانچه ذکر ابوذر جمهر از دستوران فارسی و صاحب کافی

۱ - اصل: شکرگذاری.

۲ - اصل: اجری.

اسمعیل ابن عباد^(۱) از وزرای اسلام مصدق عرض دعاگویان است که هنوز پس از گذشتن قرن‌ها کتب و دفاتر از مآثر و مکارم ایشان مشحون است. لکن البته عریضه دعاگویان به نظر انور رسیده که از مراحم ملوکانه رفع هشت فقره ظلم را که بر زردشتیان وارد می‌آید استدعا نموده بودیم^(۲) و عواطف خسروانه شامل حال گشته فرمان مهر لمعان به رفع هفت فقره آن که متعلق به الواط و اشرار بود شرف صدور یافت و در خصوص فقره هشتم که امر جزیه و متعلق به خود سلطنت است عرض دعاگویان در محضر اقدس همایونی موقع قبول نیافته و حال آن که البته به نظر انور رسیده که در آن عریضه به دلیل و برهان در حضور آفتاب ظهور شهریاری مدلل و ثابت داشتیم که گرفتن جزیه علاوه از مالیات دیوانی بدعت و ظلم صرف و منافی تساوی امتیاز و عدالت سلاطین دادگستر است و رفع آن بیشتر اسباب نشر ذکر خیر دولت علیه می‌شد. حال از مراتب عاطفت و مرحمت جناب جلالت‌مآب عالی استدعا داریم که چنان که یگانه دستور عالم عامل مرحوم مبرور میرزا عیسی قائم مقام طاب‌الله ثراه باعث شد که خدیو کامکار مبرور نایب‌السلطنه مغفور طاب‌الله ثراه جزیه ارامنه آذربایجان را (بخشید و این ذکر خیر از آن جناب در افواه رجال عالم دایر و باقی ماند جناب معظم عالی نیز در حضور مرحمت ظهور اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی نوعی بفرماید که امر به منع گرفتن این قلیل وجه جزیه از زردشتیان یزد و کرمان شرف صدور یابد و نام نیک و عاطفت جاریه بندگان عالی به عنوان خلود و ابود در دفتر این ملت باقی و ثابت ماند و

۱ - وزیر دانشمند ایرانی (و: ۳۲۶ هـ، ف: ۳۸۵ هـ) او نخستین کسی است که لقب صاحب‌گرفت. اجدادش از کاتبان و ادیبان عصر خود بودند و مشارالیه ایام عمرش را در خدمت آل بویه سپری ساخت. مشارالیه وزیری مدبر، بخشنده، مبتکر و نویسنده‌ای بلیغ در لغت عرب بود. (فرهنگ معین)

۲ - ر.ک: پاورقی سند شماره ۱۳.

نسلاً بعد نسل این طایفه به ذکر خیر جناب عالی ناطق و ذاکر باشند^(۱)

[۲۹۵۰۰۳۱۳۷]

۱۵

[نامه مانکجی به دو تن از زرتشتیان در خصوص حساب مالی جزیه]

عالی جناب فضایل مآب برادر مکرم مهربان، دستور شهیار^(۲) ولد مرحوم دستور نامدار و عالی شأن عزت و سعادت نشان برادر مهربان، ملارستم^(۳) ابن مرحوم مهربان را زحمت افزا می شود که مورخه ۱۲ رجب در آن کاغذ مفصل شرحی در خصوص مبلغ هشتاد و هفت تومان و سی شاهی که در باب جزیه پارسال مخارج کرده بودیم به شما نوشتیم که از محل دریافت دارید و اطلاع بدهید که برات کنیم و پس از آن هم چون بعد از فوت مرحوم میرزا بهرام به حساب ملانوذ مهربان رسیدگی کردیم معلوم شد که پیرارسال ملا گشتاسب دینیار^(۴) از بابت وجه جزیه مبلغ هفت تومان از او گرفته و مشارالیه هم در حساب این جانب نوشته بود که جمعشان نود و چهار تومان و سی شاهی می شود. حال غرض از زحمت دادن این بود که از این وجه مبلغ هفتاد و هشت تومان در عوض مستمری دوساله توشقان ثیل و لوی ثیل نورچشمی ملا دینیار بن مرحوم بهرام^(۵) و عده یک

۱ - مطلب داخل پرانتز در گوشه ای از یکی از اوراقی که در این پرونده موجود است تحریر شده است.

۲ - رک : سند شماره ۱.

۳ - پدر کیخسرو که مدرسه کیخسروی یزد را بنیاد نهاد.

۴ - از اعضای انجمن زرتشتیان کرمان بوده است.

۵ - پیش از رفع جزیه، زرتشتیان از بین خود و با نظر حکومت هر محل شخصی را به نام کلانتر انتخاب می کردند و کلانتران درباره امور جماعت زرتشتی با حکومت مذاکره می نمودند. وصول جزیه، مالیات ها، ←

ماه....^(۱) تحریر کارسازی نمایید و در پشت همین نوشته که به منزله برات است قبض رسید دریافت دارید. زیاده زحمتی نیست.

۱۸ شوال ۱۲۹۷

داعی مانکجی

[۲۹۵۰۰۳۲۸۸]

۱۶

[دو نامه از مانکجی صاحب و انجمن اکابر هندوستان به سران حکومتی در تاریخ

[۱۲۹۹ ه.ق.]

[نامه اول] فدایت شوم: مدتی است که از سلامتی وجود مسعود جناب عالی اطلاعی حاصل نشده و به واسطه ناخوشی درد پا امکان ملاقات و شرفیابی دست نداده ان شاء الله مزاج شریف را ملالتی و کسالتی نیست. درخصوص عمل طایفه زرتشتیان حسب فرمان قضا جریان از بیست و دو سال قبل تاکنون از وقفیات هندوستان سالی مبلغ هشتصد تومان بعد از وضع مستمری و تخفیف مرحمتی برداشته می شد. امسال که مخارج سفره قطع شده همین مبلغ باز کمافی السابق به گماشتگان حضرت اشرف امجد

← پیش‌کشی‌ها و رد آن به حکومت‌های محلی به عهده این اشخاص بود. از کلانتران پیش از سال ۱۱۴۲ یزدگردی / ۱۱۲۲ ه.ق. خبری در دست نیست. آخرین کلانتر زرتشتیان ملادینیار ابن مرحوم بهرام مذکور است که از جانب جلال‌الدوله لقب «امین‌الفارسیان» داشته است. («پیشروان زرتشتی در فرهنگ و سوادآموزی»، فروهر، س ۱۴، ش ۱، ص ۴۰ و همچنین: اشیدری جهانگیر، «درباره انجمن زرتشتیان کرمان و کلانترها»، فروهر، س ۱۸، ش ۲، ص ۱۷۵).

والا ظل السلطان پرداخته شده ولی حکومت یزد مبلغ پانزده تومان و چیزی زیاده مطالبه می‌کند. چون محض آسایش این طایفه این وجه معین از وقفیات هندوستان به توسط اخلاص کیش باید داده شود و نیز اگر این پانزده تومان و خرده^(۱) داده می‌شد راه برای تعرض و مزاحمت گماشتگان حکومتی با این طایفه باز می‌گشت لهذا در این باب عریضه خدمت بندگان حضرت اجل اکرم افخم اعظم دام اجلاله‌العالی عرض شد چون درد پا مانع بود از شرف‌یابی و ایفاد خدمت عالی، لهذا استدعا دارد که چون آسایش بندگان خدا پیوسته منظور نظر انور جناب عالی است در ابلاغ این عریضه و آن مقدار نوشته که لازم است نوعی بذل مرحمت و توجه فرمایند که این وجه کما فی السابق موافق کتابچه سابق زیاده از هشتصد تومان مطالبه نشود و در دستورالعمل آینده نیز همین مبلغ معین ثبت شود که اسباب آسایش و دعاگویی عامه این طایفه و مزید امتنان اخلاص کیش خواهد بود. از جهت اطلاع و استحضار جناب عالی سواد فرمان مینویی در جوف ارسال شد که به نظر انور ملحوظ آید.^(۲)

[نامه دوم]: تصدق حضور مرحمت ظهورت کردم از نظر انور پوشیده نیست که از این طایفه دعاگوی زرتشتیان یزد و کرمان سوای مالیات مواشی و مراعی و (موائی؟! که موافق سایر رعایا داده می‌شود هر ساله به اسم جزیه مالیاتی به عهده می‌گیرند. چون از جهت قلت نفوس و بی‌بضاعتی دعاگویان را قوه ادای این تحمل مکرر و بار سنگین جزیه نبود لابد اسباب متواری شدن و فرار کردن به بلاد خارجه می‌شد. محض ترحم، حسب‌الفرمان قضا جریان اعلی حضرت اقدس همایون شهریار به وزارت جلیله خارجه و بندگان حضرت اجل اکرم افخم بعد از وضع مستمری....^(۳) و تخفیف مرحمتی

۱ - اصل همه جا : خرده.

۲ - سواد فرمان مذکور در (فروهر، س ۱۰، ش ۱۱، ص ۷) مندرج است.

۳ - دو کلمه ناخوانا.

مبلغ معین هشتصد تومان از فوق وقفیات هندوستان به توسط «مانکجی صاحب» پرداخته می شد اکنون حکومت یزد مبلغ پانزده تومان و چیزی علاوه مطالبه می کند. چون پیوسته منظور نظر اصحاب دولت آسایش و ترفیه حال کافه بندگان خداست استدعا آن که در این خصوص چیزی به حضرت اجل آقای مستوفی الممالک^(۱) یا به جناب معاون الملک^(۲) مرقوم فرمایند که رجوع به کتابچه سابق یزد نموده تصدیق بدهند که کمافی السابق زیاده از هشتصد تومان مطالبه نمایند و در دستورالعمل آینده نیز ثبت نمایند که همه ساله همین مبلغ معین بدون زیاده و کم دریافت شود که من بعد دعاگویان پیوسته مزاحم و مصدع اولیای دولت ابدآیت نشوند و آسوده به دعاگویی اشتغال ورزند.

[۲۹۵۰۰۳۲۸۸]

۱۷

[دعوت نامه مانکجی برای جشن الغای جزیه]

فدایت شوم

چنان که عواطف و مراحم ملوکانه اعلی حضرت قدر قدرت اقدس همایونی شامل حال بزرگ و کوچک رعایا و برایای هر ملت و گروهی بوده و همواره بندگان این دولت جاوید مدت در مهد امن و آسایش غنوده و هر روز به وسیله تازه مراتب افتخارات خودشان را می افزایند این اوقات بخشش اعلی حضرت تاجداری نسبت به گروه پارسیان پرتونیک 'بختی و اقبال افکنده و به بخشوده شدن جزیه که سالیان دراز و به طور دو

۱ - میرزا یوسف خان آشتیانی که همواره مورد توجه محمدشاه و ناصرالدین شاه بود و حتی در زمان شاه اخیر به صدارت عظمایی نیز رسید و در سال ۱۳۰۳ ه. وفات یافت.

۲ - میرزا عباس خان تفرشی که در زمان صدارت میرزا یوسف خان به نیابت صدارت نائل گردید و در سال ۱۳۱۴ ه. وفات یافت.

مالیات از پارسیان دریافت می شد مفتخر و به صدور فرمان های خسروانه و رفع هرگونه شرارت الواط، ممتاز گردیدند. از آن جا که در پاداش این بخشایش بزرگ تقدیم لوازم شکرگزاری و سپاس داری لازم است روز دوشنبه هفتم ماه صفرالمظفر به نام نامی همایونی، افراد این ملت موافق دأب دیرین خود ابقای مراسم بندگی و عبودیت ایزد دادگر و دعاگویی ذات ملکوتی صفات خسروانه اشتغال و اسباب جشن و شادکامی را مرتب خواهند داشت لهذا مستدعی است که جناب عالی هم آن مجلس انس را تشریف و از حضور در آن انجمن بندگان را سرافراز و صرف شیرینی و شربت فرمایید. چون در آن جا آداب عبادت و پرستش به عمل خواهد آمد و شایسته نیست که بعضی از مردمانِ مخّل، داخل آن مجلس بشوند لهذا یک نسخه بیت جوف ارسال گردید که پس از دادن آن به قراولان در نهان، تشریف فرمایی آسان شود. در باغ جناب جلالت مآب ظهیرالدوله. این جشن از طلوع آفتاب تا دو ساعت از روز گذشته ختام خواهد یافت.

داعی دولت خواه مانکجی

[۲۹۵۰۰۳۳۲۷]

۱۸

[دعوت نامه مانکجی برای جشن الغای جزیه]

فدایت شوم

محض ایفای شکرگزاری^(۱) مرحوم ملوکانه که در حقه بارسان شده است روز دوشنبه هفتم ماه صفرالمظفر را سه ساعت از دسته^(۲) گذشته تا پنج ساعت از دسته به

۱ - اصل همه جا : شکرگزاری.

۲ - در عهد قاجار ساعت ۱۲ (صبح و غروب) را دسته می گفتند. (فرهنگ معین)

عبادت و بندگی ایزد دادگر و دعاگویی ذات ملکوتی صفات همایونی خواهند پرداخت. لهذا مستدعی است که همان وقت را در باغ جناب جلالت مآب «ظهیرالدوله» تشریف فرما و صرف شیرینی و شربت فرمایید و به جهت این که به عبادت خواهید پرداخت دخول بعضی کسان در آن جا ممنوع است. اینک یک قطعه بیت نیز فرستاده شد که دخول به آن جا آسان گردد. زیاده زحمتی ندارد.

داعی دولت خواه مانکجی

[۲۹۵۰۰۳۲۹۳]

* * *

۱۹

جواب سؤال هایی است که حسن خان صنیع الدوله از فرزانه

مانکجی پارسی^(۱) نمود

سلطنت ایران پس از گشتاسب به نبیره اش بهمن رسید و پس از وی به دخترش هما و پس از او به پسرش داراب و پس از وی به پسرش دارا که آخرین کس از خانواده کیان است.

چون دارا را موبدان بکشتند در ایران انقلاب پیدا شد و ملوک الطوائف گشت و بدین جهت ششصد سال فترت بود و هر کشوری به دست کسی افتاد.

۱ - در دو برگه ای که در شماره تنظیم ۲۹۵۰۰۳۲۳۰ مندرج است به خط نستعلیق ۲ سؤال بدین صورت نوشته شده است: «مطلب سیم: حدّ و حدود آن مملکت در زمان قدیم از کجا تا کجا بود و عرض و طول چند و پایتخت و کم و زیاد شدن چه»، «مطلب چهارم: آن مملکت را اسم و رسم قدیم چه بوده و وجه تسمیه اش چه و سبب تغییر و تبدیل اسم چیست و بانی و آبادکننده آن در اول که بود و تعمیرکننده که شد و بعد از آن خرابی و آبادی از دست کی شد و تواریخ و تفضیلات آن» که محتمل است بخشی از صورت سؤالاتی باشد که مانکجی به آنها جواب فوق را داده است.

چون کار بدین هنجار کشید «ننس» پادشاه سیریا به ایران لشکر کشید در این هنگام «اوکستاریتس» نام در بلخ پادشاهی داشت. خلاصه ننس بلخ را بگرفت و در خانواده‌اش پانصدویست و دو سال سلطنت بماند.

پس از آن اهل مدیا بازماندگان ننس را از ایران بیرون کردند و اینان نیز یک‌صد و پنجاه بلکه دویست سال حکومت کردند، بدون استقلال شبیه به ملوک الطوائف. پس از این «سیرس» که گویند از نژاد کیکاووس است مدیا و سیریا و ایران را بگرفت و ملوک الطوائف برانداخت.

پس از او پسرش «گودرز» که او را به زبان یونان (کمپاسیس) و یهود (آسوزس) و در خط بیستون (غبوزیا) گفتند پادشاه شد و هفت سال و نیم سلطنت کرد.

پس از وی برادرش «سروش» که او را یونانیان (سمردیس) و یهود (آرتجرسیس) و در خط بیستون (بردیة) گفتند به تخت سلطنت نشست ولی چنان شهرت یافته بود که او به دروغ خود را برادر گودرز نامیده بدین جهت پس از شش ماه وی را «داریوش» بکشت و خود به تخت سلطنت برنشست.

داریوش پسر (هیستاسیس) که یکی از اقوام سیرس بود و به زبان فرس قدیم «گشتاسب» می‌گفتند و این غیر از گشتاسب کیانی است و نسبتش به کیکاووس می‌رسد و داریوش را به زبان فرس قدیم داراب نیز می‌نامند. خلاصه داریوش یونان و هندوستان را نیز بگرفت و سخت نامور شد و سی و پنج سال سلطنت کرد و درگذشت.

پس از او پسرش «بهمن» پادشاه شد و او را یونانیان (جرغسیس) و یهود (عاشورش) و در خط بیستون (خساسیرس) می‌گفتند. وی بیست و یک سال سلطنت کرد و در آخر کار «اردوان» نامی که سردار لشکرش بود وی را با پسرش به زهر بکشت.

پس از او پسر دیگرش که «اردشیر دراز دست» نام داشت به سلطنت نشست و او را یونانیان (ارتجرغسیس لانجی مانس) و یهود (ارتجرغسیس) و در خط بیستون

(آرتخستره اول) می‌نامیدند چهل سال سلطنت کرد و بمرد.

پس از وی پسرش «بهمن دویم» پادشاه شد و او را یونانیان (جرغسیس یارسفدیانس) می‌نامیدند در اندک وقت برادرش «سهراب» نام وی را بکشت و خود به تخت نشست او را نیز برادر دیگرش داریوش نام بکشت و به پادشاهی رسید.

وی را «داریوش دویم» گفتند و یونانیان (دارایش توتریس) و یهود نیز بدین نامش می‌نامیدند بیست سال سلطنت کرد و درگذشت.

پس از وی پسرش «اردشیر دویم» سلطنت یافت وی را یونانیان (آرتجرغسیس نمن) و در خط میخکی (آتخستره دویم) می‌نامیدند چهل و شش سال پادشاهی کرد. در آخر میان او و برادرانش جنگ واقع شد و وی در جنگ کشته گشت.

پس از وی پسرش «داریوش سیّم» که او را اردشیر نیز می‌نامیدند سلطنت یافت او را یونانیان (آرتجرغسیس آقس) و بخط میخکی نیز بدین نام می‌نامیدند وی بسیاری از خویشان خود را بکشت و بیست و یک سال پادشاهی کرد. در آخر وی را یکی از نوکرانش که «بهزاد» نام داشت به زهر بکشت.

پس از او پسرش که «اردشیر چهارم» نام داشت پادشاه شد. یونانیان وی را (آرسیس) می‌نامیدند پس از دو سال وی را نیز بهزاد مذکور به زهر بکشت.

پس از او پسرش «دارا» سلطنت یافت او را یونانیان (دارایش قدمانس) می‌نامیدند. وی را نیز بهزاد مذکور می‌خواست به زهر بکشد دارا بدانست و به همان زهر بهزاد را بکشت و این همان دارا است که در جنگ اسکندر به دست کسانش کشته شد.

مملکت مدیا را در زبان قدیم مَد می‌گفتند و معنی آن میانه است یعنی میان سیریا و ایران واقع است.

۲۰

در ذکر عیدهای فارسیان

گروه فارسیان در هر سالی دو جشن بزرگ دارند. نخستین جشن ایشان ابتدای تحویل خورشید به برج حمل است که آن را جشن جمشیدی و نوروز عامه می نامند که مسلمانان ایران نیز این عید را بر دیگر اعیاد خود ترجیح می دهند و بیشتر حفظ احترام این روز و ساعت را دارند. دویم جشن ایشان جشن (مهرنگان) است که مهرگان می گویند. یعنی چون شش ماه و پانزده روز از روز نوروز می گذرد روز شانزدهم از ماه هفتم سال را جشن مهرنگان می خوانند^(۱) و آن را عید سعیدی می دانند.

اما برحسب حرکت و روشی که کره خورشید در عرض سال دارد اول تحویل شمس به برج حمل که روز عید نوروز ایشان است، باید مطابق (۱۲) مارس ماه عیسوی باشد ولیکن اکنون در این مورد اختلافی به هم رسیده است و تاریخ ایشان را مختلف نموده زیرا که در زمان استیلای اعراب بر ایران اختلالی در احوال و دولت و ملت فارسیان پدید گردید و سلطنت ساسانیان انقراض یافت. به واسطه انقراض سلطنت و کثرت جنگ و جدال نتوانستند نظیر قرون و اعصار ماضیه که هر سالی را (۳۶۵) روز و (۵) ساعت و (۴۸) دقیقه و (۴۹) ثانیه و (۷) ثلثه محسوب می داشتند و مطابق بود با تمام دوره شمسی و موافقت می نمود با محاسبه تقویم فرانسوی عیسوی تاریخ خود را محسوب بدارند و هر چهار سال یک روز بر تاریخ خود زیاد کنند و یا در هر صدویست و سه سال و یا صدویست و چهار سال یک ماه از بابت اضافه ساعات و دقائق و ثانیه های مذکوره بر آن دوره بیفزایند و چنان که رسم معمولی دولت و ملت ایشان بود آن هنگام را جشن عامی در همه مملکت برای تاریخ خود قرار دهند هر سالی را سیصد و شصت و پنج روز

۱ - در تقویم امروزه زرتشتیان جشن مهرگان در دهم مهرماه ثبت شده است.

محسوب داشتند و به واسطه عدم ملاحظه اضافه ساعات و دقایق برحسب گردش دوره شمسی به مرور زمان پیش آمدند و برحسب محاسبه تاریخ پس رفتند. بنابراین ابتدای انقراض سلطنت ایشان را که نخستین دوره فرض کنیم اول سال ایشان که باید مطابق بیست و یکم مارس ماه عیسوی باشد بعد از مرور یک صد و بیست و چهار سال دوره اول ایشان موافقت خواهد نمود با بیست و یکم ماه فورواری و همچنین در دوره دوم بعد از گذشتن دویست و چهل و هشت سال اول سال ایشان باید مطابق باشد با بیست و یکم ماه جانواری و کذلک در دوره سیم بعد از انقضای سیصد و هفتاد و دو سال باید اول سال ایشان مطابق باشد با بیست و یکم ماه دیسامبر و در دوره چهارم بعد از مضي چهارصد و نود و شش سال باید اول سال ایشان مطابق آمده باشد با بیست و یکم ماه نوامبر و کذلک در دوره پنجم پس از مرور مدت ششصد و بیست سال باید اول سال ایشان مطابق باشد با بیست و یکم اکتور و قس علی هذا در دوره ششم بعد از گذشتن هفتصد و چهل و چهار سال باید اول سال ایشان مطابق بوده باشد با بیست و یکم سبتمبر و همچنین در دوره هفتم بعد از منقضي شدن هشتصد و شصت و هشت سال اول سال ایشان باید مطابق آمده باشد با بیست و یکم آگست و در دوره هشتم پس از گذشتن نهصد و نود و دو سال باید اول سال ایشان مطابق بیست و یکم ژولیه بوده باشد و همچنین در دوره نهم بعد از گذشتن یک هزار و صد و شانزده سال باید اول سال ایشان موافقت نموده باشد با بیست و یکم ژون و در دوره دهم پس از انقضای مدت یک هزار و دویست و چهل سال اول سال ایشان باید مطابق بوده باشد با بیست و یکم می و اکنون که اول سال ایشان با بیست و یکم آگست مطابق آمده است به واسطه آن است که در آن ایامی که در امور دولت و ملت فارسیان فتوری به هم رسید و به جنگ و جدال اشتغال داشتند سه ماه نتوانستند به کارهای مذهبی خود برسند و لهذا گویا پس از فراغت آن سه ماه را ایام فترت محسوب داشته در عداد ایام سال نشمرند و در آن سال پانزده ماه را یک سال محسوب

داشتند و این اختلاف از این راه به هم رسید و کسانی که در کوهستان‌ها بودند و اندک فراغتی داشتند چون همان اوقات هنگام منقضی شدن دوره صدویست و چهار سال بود از بابت اضافه ساعات آن دوره اخیر چنان که رسم قدیم ایشان بود یک ماه بر آن سه ماه دیگر افزودند و در آن سال شانزده ماه را هر یک سال محسوب داشتند که اکنون اول سال ایشان مطابق است با بیست و یکم سبتمبر و این طایفه از ایران مهاجرت نموده و تاکنون در هندوستان متوقفند و به این ملاحظه گفته شد اول سال ایشان موافقت می‌کند با بیست و یکم ماه سبتمبر و اهالی ایران که به سبب مشغولیت نتوانستند آن یک ماه را بر دوره اخیر بیفزایند اول سال موافقت می‌کند با بیست و یکم آگست و لکن همه ساله بر سبیل استمرار بیست و یکم آگست و سبتمبر اول سال ایشان نخواهد شد زیرا هر چهار سال یک روز تفاوت می‌کند به این واسطه چهار سال دیگر که بگذرد اول سال ایشان با بیستم آگست و سبتمبر موافقت خواهد نمود و هکذا هر چهار سال دیگر با نوزدهم و چهار سال دیگر با هیجدهم و قس علی‌هذا خلاصه موافق قاعده ضبط تاریخ اگر ملاحظه اضافه ساعات را نموده بودند بایستی تاکنون در هر دوره از ده دوره مذکور یک ماه بر تاریخ خود بیفزایند که جمله آن‌ها ده ماه بوده باشد و به واسطه عدم ضبط این قاعده که موجب اختلال سال ایشان گشته دو عید بزرگ ایشان سه عید شده است. اول یوم تحویل شمس به برج حمل است که مطابق می‌باشد با بیست و یکم ماه مارس عیسوی، دوم روز اول سال ایشان است به ترتیبی که مذکور شد که این تاریخ را ارباب علم نجوم تاریخ یزدگردی می‌نویسد، سیم شش ماه و ۱۶ روز که از اول سال می‌گذرد روز شانزدهم یوم عید است که عید مهرنگان می‌باشد. اینست مختصری از چگونگی اعیاد فارسیان.

فی‌ربیع‌الاول ۱۲۹۷

[۲۹۵۰۰۳۰۸۵]



۲۱

به نام یزدان توانا

سواد کاغذی است که میرزا رضاخان افشار قزوینی ترجمان سفارت

دولت علیه ایران مقیم اسلامبول به مانکجی صاحب نوشته

[در تاریخ ۱۸ محرم ۱۲۹۹]

آمیغی^(۱) دوستا، روزگاری دراز چنان که دانی زندگانی را به شناختن پارسی از تازی و کوفی از مجازی به کار برده تا بدان مایه که دریافت چم^(۲) و آرش^(۳) و نمیرا^(۴) و گزارش^(۵) را توانا آیم پویا و جویا گشته، بهره خود برگرفته، به زبان سرشتی زاد و بوم برگردیدم.

پناه بر خداوند بینا و توانا، بن و بودش را یک سره فرو ریخته و آهوانش از تیزدندانی گرگان گران جان به میدان درآمده، از چراگاه پرآب و گیاه کلک و بنان گریخته و در بیغولهای^(۶) گمنامی به مایه ای نهفته اند که جوینده را آب در هاون ساینده و به کور آینه نماینده یافتم. بدان سان زبان بدین شیرینی و دلکشی را فراموش داشته اند که امروز در سترگ مرز با ارز ایران کسی به هم نمی رسد که دو رده^(۷) کوتاه به زبان شیرین خویش

۱ - آمیغی = حقیقی.

۲ - چم = معنی.

۳ - آرش = معنی - حقیقت.

۴ - نمیرا = تفسیر.

۵ - اصل: گزارش = عبارت.

۶ - اصل: بیغولهای.

۷ - رده = سطر.

نگارش تواند نمود و در کامه^(۱) به ناخن گفتار گرهی یارد گشود. در تازی انبازی تا بدان جا رفته‌اند که بیشتر گپ‌های^(۲) پارسی چون سد و نشست و گوسپند و گوهر و بسی از این در را بدان پوشش در آورده‌اند و این را هنری و دانستن و نوشتن زبان خویش را گنهی شمرده‌اند. بر آن که یزدگرد و بردگرد گوید خرده می‌گیرند و از کسی که گرگان و کاوس نگارد کناره می‌گزینند.

دانشمند کسی را می‌دانند که سخنش درنیابند و پیشوا آن که نگاشته‌اش را خواندن نتوانند. هر گزاره^(۳) ساده نزدیک به دریافت را بیرون از دانش می‌دانند و هرگاه به غلت وازه^(۴) [ای] چند به زبان مردم در رده افتد به گزلک^(۵) نادانیش سترده و می‌رانند و چنان می‌نمایند که گویا در زبان پارسی گاهی در جهان سخنی نگفته‌اند و به راه نگارش نامه^(۶) [ای] و چامه [ای] هرگز نرفته‌اند و از تنگی آن و فراخی تازی بر آن برگشته و از پی مزه و شیرینی بر یک‌دیگر آغشته‌اند و در آن آغشتن نیز هیچ گونه سامانی و پایانی در میان نیست. هر گروهی در خور کار و هنجار خویش آنچه خواسته از وازه‌های تازی برگرفته و به کار برده. آخوند چیزی می‌نگارد که دبیر نمی‌شناسد و پزشک سخنی می‌آورد که پيله‌ور بر نمی‌خورد و بسیاری از نویسندگان بزرگ، جامگی^(۷) و بیستگانی^(۸)

۱ - کامه = مقصود.

۲ - گپ = کلام.

۳ - اصل: گزاره.

۴ - وازه = وازه.

۵ - گزلک (به فتح اول سکون ثانی و کسر ثالث) = قلم تراش - کارد کوچک.

۶ - نامه = کتاب.

۷ و ۸ - جامگی = بیستگانی = مقزری و مستمزی.

دستوری و مرزبانی خسرو می‌برند و آرش و بنلاد^(۱) کسری و قابوس ندانسته درمی‌گذرند. هر که پرسد با ستار^(۲) وازه در فارسی چیست گویند در زبانمان نیست. مرا هم از جوانی دغدغه این اندوه‌گران گریبان‌گیر گشته به جستجوی آن برآمدم که بهانه نیست را از زبان برافکنده و راهی برای یاران و دوستان در کنونه پرستاری دیار بگشایم که از این پس اگر هم به پیروی نگریند زبان به نیست و نداریم نیز نگشایند. ون^(۳) هرگاه یاوری یزدانشان همراهی نماید از گمراهی برگردند. با سختی که در زبان تازیست و روزگاری بر آن به کار برده و نارسا و می‌گذارند، اگر اندکی به سامان این زبان کوشند بهره رنج پنجاه ساله را در پنج برمی‌دارند. رهبر این فروکش به همراه است، مانند آن که مردم دیگر کشورها که دانشها را در زبان خود دارند هم از کودکی به اندک رنجی درمی‌یابند چون پزشکی و دانش آیین و چگونگی آمیزش در جهان و نگاه داشتن برنهاد^(۴) و بر بستگان^(۵) بیشتر از دوازده سال نمی‌کشد و مادر دوازده سال چگونگی جنبش و آمیزش گپ‌های تازی را نیاریم دانست.

سپس بازگشاد این آک^(۶) دردناک سخن از گپ‌های پارسی و ناپدید بودن جنبش در آنها و فزونی نکته و گوناگون بودن آن که شوه^(۷) سختی آموختن است به میان درمی‌آید اگر چه در آن نیز اندیشه‌ای رفته است. اینک از پیشروی که برای نواد^(۸) گشوده‌ایم بیرون

۱ - بُنلاد = (به ضم اول) اصل و بنیاد ساختمان.

۲ - باستار = فلان و بهمان.

۳ - ون = باشد - بکند - بُود که.

۴ و ۵ - برنهاد = بر بستگان = قوانین دستور زبان.

۶ - آک = آسیب - آفت.

۷ - شوه = علت.

۸ - نواد = زبان.

نمی‌رویم چون از برای هر کاری افزاری در کار است. در ایران از نامه‌های باستان چیزی در میان نمانده، در آن جا توانش^(۱) این کنش به هم نرسید و روزگارم به ناگهان به اسلامبول کشید از آن جایی که جوینده یابنده است در این جا هر گونه افزار کار را فراهم یافتیم به انجام آرزو شتافتیم.

نامه «نوآیین» در نواد تازی و پارسی فراهم ساخته و در کار پرداختن آنم که به دستیاری آن می‌توان از شرم پاسخ بی‌شرمانه نیست و نبود پرسنده آرش وازه تازی رست. اندکی به سرانجام آن پیش نمانده هر گاه پیکره پذیره پذیرفت به ارمغانش خواهید گرفت.

اکنون، نویم^(۲) این که شما را دوستار این زبان و این کار دانسته‌ام بدین نمونه مژده گذار آمدم از درست و شکست و راست و کاست این نگارش هر چه دریابید مرا باگهانید. اگر همین پرکاله^(۳) را چنان که هست در روزنامه آگهی که بدبختانه در پای تخت پارس «اطلاع» نامیده شده یا در ایران و روزنامه‌های هندوستان به هر کدام که بهتر دانید بفرمایید بنگارند که به گوش هوش هوشیاران رسد از گرد آمدن حرف‌ها بهره‌یاب خواهیم گردید.

جز دساتیر و خرده اوستا که هست اگر به نامه‌ای از باستان یآوری کنید سپاس‌دار خواهم بود. بیننده و دریابنده و آمرزنده او است و بس، دین روز^(۴) تیرماه باستان ۱۲۵۱ و ۱۸ محرم تازی سنه ۱۲۹۹.

[۲۹۵۰۰۳۰۶۹]

۱ - توانش = توانایی.

۲ - نویم = محض.

۳ - پرکاله = پاره - لخت.

۴ - دین = روز بیست و چهارم هر ماه.

۲۲

جواب مکتوب میرزا رضاخان که جناب میرزا ابوالفضل گلپایگانی از
جانب مانکجی صاحب به مشارالیه نوشته [به تاریخ اول ربیع الاول ۱۲۹۹]

برخی^(۱) ارزنده گوهرت گردم من بنده که دلدادۀ روشن دلان و پای بست کمند
ویژه^(۲) درونانم دیرگاهی است که از شنیدن دانشوری و فرزانی سرکار، در پایۀ بندگی
و دوستی سربلند و استوار بوده و همواره جویای بهانه‌ای بودم که به دست آویز آن خود را
در همایون فرگاہت یادآوری کنم و به نگارش نامه [ای] پایۀ دوستی و آرزومندی را در
فرخنده تیمسارت^(۳) روشن و آشکار گردانم تا این که گرامی نامۀ سرکار که روز دین
ایزد^(۴) از تیرماه یزدگردی به یادآوری دوست‌دار فرستاده بودید رسید و مایۀ فزونی
دوستی و چیرگی آرزومندی گردید. امید که بزرگ یزدان توانا همواره بود خجسته نمود تو
را با فرخی دمساز و با خرمی انباز دارد.

نگارش یافته بود که اندیشه والای سرکار بر این گراییده که نامه‌ای در باز نمودن زبان
پارسی از تازی و جدا کردن واژه ایرانی از حجازی بپردازید. از این مژده جان‌فزا بی اندازه
خرمی دست داد و مایۀ فزونی امیدواری گردید. زیرا که این بیچارگان ایرانی از آمیختن
زبان تازی به پارسی نه چندان از دانش‌پذیری و شناخت آمیغ‌های^(۵) هستی دور مانده‌اند
که توان در نامه آورد یا در نامه گنجانید. در این رو چنانچه دانشوری هنرمند در این شب

۱ - برخی = فدای.

۲ - ویژه = پاک، خالص.

۳ - تیمسار = حضرت.

۴ - دین ایزد = روز بیست و چهارم هر ماه.

۵ - آمیغ = حقیقت.

تار که از خورشید دانش در او فروغی نیست، اندیشه والا بر آن گمارد که مردم را از این همه رنج برهاند و به بامداد روشن هنرمندی و دانش رساند هر آینه دارای نیک‌نامی جاوید گردد و نام نیک وی سالها در جهان پهن و گسترده گردد. زیرا که مایه برتری و آسایش مردم چند کشور شده و در آمیغ دانشورانی را که از این پس آیند وی بر خوان دانش نشانده. امیدوار از بخشش یزدان و نزدیکان آن بلند ایوان چنانم که سرکار را در این سترگ نامه یاوری فرماید و همایون نامه «نوآیین» به زودی انجام پذیر گردد و چون دل‌پذیری هر چیزی به خوبی پاره‌های^(۱) آن خنیده^(۲) و روشناس^(۳) می‌گردد و در نزد ویژگان^(۴) و فرگاه هنرمندان پایه و یزگی و پذیرش می‌یابد هر آینه در خوبی کاغذ و نگارش و چاپ کردن آن به اندازه توان کوشش خواهید فرمود که به زودی در همه انجمن‌ها پذیرفته آید و سالیان بسیار در نامه خانه‌ها^(۵) به یادگار بماند.

و نیز در پیشرو یا انجام این مهین‌نامه برخی از برست‌های^(۶) زبان پارسی را که به تازی (نحو) و (صرف) گویند بازنمایید و در این در، آنچه شایسته آموزگاری است بنگارید زیرا که استواری زبان به استواری برست‌های آن است و زبان پارسی خود در زیر دهنادی^(۷) استوار بود که هنگام دست یافتن بیگانگان بر ایران و سوختن نامه‌خانه‌ها از میان رفته است و به زبان پهلوی هنوز هم نامه [ای] در این هنر در نامه خانه من بنده هست. افسوس که از خواندن پهلوی بهره [ای] ندارم و دیگران هم نتوانند خواند و در

۱ - اصل : پارها.

۲ و ۳ - خنیده و روشناس = معروف.

۴ - ویژگان = خواص (در مقابل عوام).

۵ - اصل همه جا : نامه خوانها = کتابخانه‌ها.

۶ - برست = امر مصنوعی، در اینجا مقصود قوانین دستور زبان است.

۷ - دهناد = قاعده.

این روزگار برخی از دانشوران چیزی در این در نوشته‌اند و به نام من بنده نیز نامه [ای] که به (میزان مانک) روشناس است پرداخته‌اند و سزاوارتر از همه آن است که سرکار در نامه «نوآیین» بنگارید تا از همه رساتر باشد. و نیز در باز نمودن نام شهرها و راه نام نهادن هر یک و چگونگی انجام و کنونه آن که این هنر را فرنگیان (ژگرافی) نامند و در باز نمودن کنونه بزرگان پارسی و نژاد و راه هر یک که به تازی (علم رجال) و فرنگیان (بای‌گرافی) گویند و در باز نمودن هنرها و دانش‌ها که (ستی فیتک گرافی) خوانند چندان که در خور نامه‌نگاری باشد در این همایون نامه بنگارید تا از نامه‌های پیش که دانشوران گذشته پرداخته‌اند مانند (فرهنگ رشیدی)^(۱) و (برهان قاطع)^(۲) و (برهان جامع)^(۳) و نامه (انجمن آرای ناصری) که در این نزدیکی رضاقلی خان لله‌باشی پرداخت و همه را دیده‌اید و دارید، بهتر شود و بر روش نیکوتر انجام‌پذیر گردد.

و این که فرموده بودید در روزنامه (اطلاع) و دیگر روزنامه‌ها^(۴) چاپ شود روزنامه‌های ایران را امیدواری نمی‌دهد و به خواست یزدان در، امیدوارم که در روزنامه‌های هندوستان چاپ کنند که به هر کس خواهان زبان پارسی است آگهی رسیده و خواستار این همایون نامه بسیار گردد و خود دوست‌دار نیز پس از انجام، ده دفتر آن را خریدار است.

۱ - فرهنگ رشیدی تألیف عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی که به دربار اورنگ زیب - پادشاه هند - انتساب داشته و این کتاب را در تاریخ ۱۰۶۴ ه. ق. تألیف نموده است.

۲ - برهان قاطع تألیف محمدحسین بن خلف تبریزی که این کتاب را در سال ۱۰۶۲ ه. ق. بنام سلطان عبدالله قطب شاه، پادشاه دکن تألیف نموده است.

۳ - برهان جامع تألیف محمدکریم تبریزی که در ۱۲۶۰ ه. ق. در تبریز چاپ شده است.

۴ - اصل همه جا: روزنامه‌ها، روزنامه اطلاع را محمدحسن خان صنیع‌الدوله منتشر می‌کرده است.

نگاشته بودید که جز خرده اوستا^(۱) و دساتیر که دارید اگر دوست دار نامه [ای] به زبان پارسی دارد بفرستد. در چندی پیش چهار دفتر از نامه‌های باستان که در یگانگی یزدان و شناخت آغاز و انجام است و فرزنانگان باستان در هنگام جهان‌داری خسرو دادگر انوشیروان و پسر برومندش هرمزد و شهنشاه مینو آرامگاه پرویز از زبان^(۲) به زبان پهلوی پای‌چم^(۳) کرده بودند و کمابیش سیصد سال از این پیش به فرمان شت اسفندیار فرپور تیمسار آذرکیوان^(۴) باز فرزنانگان پارسی آنها را از پهلوی به پارسی با تازی آمیخته که زبان مردم این روزگار باشد، دیگر باره پای‌چم کرده‌اند، به دست دوست‌دار افتاد. من بنده نیز چندی پیش هر چهار را در یک دفتر نگاشتم و چیزی چند بر نخست و پایانش افزودم و نام وی را «آیین هوشنگ» نهادم و سال ۱۲۹۶ تازیانی شمار، آن را چاپ کرده گوهر گران‌بهای او را به تازگی در فرگاه دانشوران و پیشگاه فرزنانگان نمودار ساختم و برای هر یک از بزرگان دفتری فرستادم. اکنون سه دفتر آن را که نامه چهارم هر یک پارسی ویژه است به همراهی پست فرستادم که مهربانی فرموده یک دفتر را به نام پیشکش در پیشگاه مهین دستور آصف پایگاه و بزرگ فرمان بزرگ مهر دستگاه (معین‌الملک)^(۵) بگذرانید و از من بنده درود فراوان و سپاس‌گزاری بی‌پایان برسانید و یک دفتر دیگر آن را به فرگاه سرکار (منیف افندی پاشا) بفرستید و به ایشان هم درود برسانید و دفتر دیگر آن از خود سرکار است. امید که پذیرفته آید.

۱ - خرده اوستا بخشی از کتاب اوستا است.

۲ - در اصل اینچنین آمده و محتملاً مقصود زبان «زند» است.

۳ - پای‌چم = ترجمه.

۴ - شرح حال مفصل مشارالیه که از بزرگترین دانشمندان زرتشتی است، ذیل همین نام در فرزنانگان زرتشتی درج است.

۵ - حاج میرزا محسن خان معین‌الملک سفیر کبیر ایران در اسلامبول. شرح احوالش در مجلد سوم شرح حال رجال ایران تألیف مهدی بامداد به تفصیل آمده است.

جز این نامه، «نامه فرازستان» و «راز یزدان» و «میزان مانک» و «چهل کلمه» و «نامه خرده» را نیز در کار رونویس کردم. پس از انجام یافتن برای سرکار خواهم فرستاد. افزون چه نگارم همیشه از فرمایشات آگاهی دهید که دوستدار تا همه جا همراه است. روز اسفندار مزد^(۱) از شهریور ماه ۱۲۵۱ یزدگردی، غره ربیع الاول ۱۲۹۹.

[۲۹۵۰۰۳۰۸۴]

۲۳

مکتوبی است که جناب میرزا ابوالفضل [گلپایگانی] از جانب خود به مقرب الخاقان
میرزا رضاخان نوشته [در تاریخ اول ربیع الثانی ۱۲۹۹]

به نام یکتا خداوند بینا

پس از ستایش بزرگ یزدان بخشنده بخشایشگر توانا و درود روشن‌گوهران راه
نماینده آمیغی والا در فرگاه یگانه فرزانه دانشور آگاه، روشن می‌دارد که من بنده که خاک
پای دانشوران و چاکر آستان هنرمندانم چندی برای دریافت هرگونه دانش زندگی
گران‌مایه را به کار برده و گرد شهرها و کشورها دویده و فرخنده دیدار بزرگان و دانشوران
را دریافته از فرگاه هر یک به اندازه توان و خورد دمان^(۲) بهره اندوز گشته‌ام. انجام کار،
خواست پاک پروردگارم به تهران کشانید و در این کشور به هرگونه سختی پای بست و
گرفتارم گردانید. با این که در این سرای سپنج همواره نشانه خدنگ جانکاه اندوه و رنج
بوده‌ام، هیچ گاه از دانش آموختن و از فرگاه بزرگ فرزنانگان فرهنگ اندوختن نیاسودم و

۱ - روز پنجم هر ماه.

۲ - دمان = زمان.

با آن که یک ران آهوتک زندگانی نزدیکی سی و هشت چرخه بر من پیموده و بامداد جوانی به شب پیری رسیده از دانش آموزی و خرداندوزی فرو نمانده‌ام و از هرگونه هنر بهره نیک برده‌ام ویژه اندر دوگونه دانش که فزون از توان همگان رنج برده و کوشش نموده‌ام نخست دانش برتر که به پارسی «فرزبود» و به تازی (الهیات) گویند و دیگر در آموختن زبان تازی و پارسی و شناخت پایه سخن در بلندی و پستی تا بدان مایه که دانشوران این شهر مرا در سخن دانی و نامه‌نگاری نخستین کس شمارند و اگر خودستایی از بی‌دانشی نبود، گفتمی که چامه فرزانه استاد ناصر خسرو تازی نژاد که فرموده است

معنی به خاطر اندر و الفاظ در دهان همچون قلم به دست من اندر شده اسیر در ستایش من است.

به هرگونه چندی پیش در گرمی روزنامه اختر که رخشنده اختری است روشنگر دل‌های ویژگان، دیدم که اندیشه والای سرکار بر استواری و تازگی زبان پارسی گراییده، لاد^(۱) بر این که به همایون دیدارت سرافراز نگشته‌ام نشان مهرت در دل و کمند بندگی و ستایش‌گریت به گردن گرفتم و همواره آرزومند بودم که به فرهنگ‌ناخ^(۲) نامه [ای] آنچه در این در، به اندیشه آید بنگارم و راه نگارش را گشاده دارم.

تا آن که در چند روز پیش مرا فرزانه مانکجی لیمجی پارسی بخواند و نامه روز دین ایزد از تیرماه یزدگردی سرکار را که به او نگاشته بودید بنمود و خواهش نگاشتن پاسخ آن را از من بنده بفرمود زیرا که خود بهره [ای] از نوشتن و خواندن پارسی ندارد و جز در زبان گجراتی و انگلیسی از خواندن و نگاشتن بهره [ای] ندارد. لاد بر این به خواهش وی

۱ - لاد = بنا - دیوار.

۲ - فرهنگ‌ناخ = وسط، میانه (در این جا به معنای توسط است).

پاسخ نامه روز سفندارمزد^(۱) از شهریور ماه را که دیده‌اید نگاشتم و بدان سو روانه داشتم.

و چون در این در، پاره‌ای چم‌های باریک است که روشن داشتن آن را در فرگاه آن سرور دانشور بایسته و گِرور^(۲) می‌دانم ناچار به نگارش این نامه رنج فراگشتم و به درازی سخن درد سر افزودم.

این خود روشن است که به خواست یزدان یا به خواستاری منش و گردش دمان همه کارها و گونه‌ها روی به نیستی و نابودی دارد و هر تازه و نوی را گردش چرخ به گونه باسی^(۳) و کهنگی آرد و این پیشرو خود بی‌رهبر و روشنگر روشن و آشکار است. چنان که اگر در چگونگی پوشش و روش و آیین و کیش و گفتار و رفتار پیشینیان درنگریم برگشت همه چیز را به نیستی و نابودی روشن و آشکار بینیم و این خود روش دیرینه جهان و خوی همیشگی گیتی است که چون مردم کشوری بر کشور دیگر دست یافتند و گروهی بر گروه دیگر چیره شدند روش گفتار آنان نیز بر سخن و زبان اینان چیرگی و فزونی یابد و اندک اندک گپ‌های آنها در گفتار اینها به کار رود. چنان که از دست تازیان به فارسیان و ترکان به ایران زبان دیرینه مردم این کشور دیگرگون شد و روش گفتار باستان از دستشان برفت و اکنون که اندک چیرگی و برتری در مردم اروپا پدیدار شده و پادشاهان ایشان دارای پایه برتری و نیرومندی شده‌اند می‌بینیم که گپ‌های فرنگی و انگلیسی نیز در زبان این مردم به کار آمده و استاد چرخ برای پیکر گفتار پارسی جامه [ای] از نو بریده. مانند «پولتیک» و «راپورت» و «سویلیزه» و «کومیسون» و بسیاری

۱ - سفندارمزد = روز پنجم هر ماه.

۲ - گِرور = لازم.

۳ - باسی = قدیمی.

از اینها که مردم از بزرگ و کوچک و خُرد تا درشت به آسانی می‌گویند و روز به روز هم بر او می‌افزایند، و چون خداوند توانا از راه داد و بخشش هر گروهی را در دمانی ویژه آنها به دانش و فرهنگ و مردمی و هنر سرافراز می‌فرماید و بر مردم دیگر کشورها برتری و چیرگی می‌دهد ناچار همه گپ‌ها و زبان‌ها به هم آمیخته می‌گردد و روش سخن‌گویی روی به دیگرگونگی می‌آورد و راه سُرایش و گفتار، نوی و تازگی می‌گیرد و چون نیک‌بینی به آمیغ‌یابی که نشون‌های^(۱) جهان از نشونگری نام‌های بزرگ یزدان است و یکی از آنها فرخنده نامی است که به تازی (بدیع) و به پارسی تازه‌کننده چیزها گویند. پس مرد خردمند باید داند که به خواستاری این نام آمیغ جهان از پست تا بلند و از خُرد تا بزرگ پوشش تازه و گونه‌های^(۲) بی‌اندازه گیرد.

بدین رو مرد خردمند هوشیار را نباید اندوه کهنگی چیزی خوردن و رنج در باز آوردن روش‌های از میان رفته بردن و خود را در گونه‌گون رنجها فسرده و زندگی گران‌مایه را در این کارهای بی‌سود به انجام بردن.

سرور، مردم هر کشور و پیروان هر آیین را دانستن سه زبان در کار است و آموختن آنها بر هنرمند گورو و ناچار، نخست زبان همگان و انبوه بر فروشان^(۳) مانند زبان پارسی اکنون در ایران و زبان ترکی در استامبول و گجراتی و اردو در هندوستان. دوم زبان بزرگان کشور و کارگزاران^(۴) شاهی مانند ترکی و فرانسوی در استامبول و ایران و زبان انگلیسی در هندوستان. سیم زبان آیین و کیش مانند تازی در استامبول و ایران و زند و از دارشت و سنسگریت و تازی در هندوستان و زبان لاتین و عبری در اروپا.

۱ - نشون = اثر.

۲ - اصل: گونها.

۳ - بر فروشان = برپروشان = امت، مردم.

۴ - اصل: کارگزاران.

و این خود روشن است که مردم هر کشوری پیرو آیینی هستند و به پیغمبری کسی آوار^(۱) دارند در این رو چگونه توان مردم را از دانستن زبان آیین باز داشت و ایشان را بر روش و سرایش دیگران گماشت؟ آری اگر کسی تواند نام پیغمبری و آیین را از جهان برافکند و نگذارد هیچ گروهی برگردۀ دیگر چیرگی یابد آنگاه تواند زبان پارسی را به گونه نخست نگاه دارد و روش سخن‌گویی باستان را به کار آرد.

سرورا، سال‌های بسیار و دمان‌های فزون از شمار پریشان مغزی چند رنج‌ها بردند و اندوه‌ها خوردند که آیین‌های کهنه را نو کنند و روش‌های از میان رفته را باز به روی کار آورند و بدین آرزو نیرو نیافتند و جز رنج بسیار و زندگی تباه‌گشته بهره‌ای نبردند.

سرورا، سراسر هستی و همه بود یافتگان در سرپنجه توان یزدان بدانسان بیچاره و ناتوان است که برگ کاهی در جلو تندباد وزان افتد یا خارخسکی در میان جنبش دریای بیکران آید. نادان کسی است که مشتی خاک را در برابر یزدان پاک دارای توانی داند و چکره^(۲) نابد را در پهنه دریای بیکران شایسته نمودی شمارد. فرزانه سترگ شت آذرکیوان که در این واپسین چرخه از گروه پارسیان و نژاد تیمسار آذرساسان پدید آمد مردی سخت دانا و فرزانه بوده، گویند یکی از وی پرسید که ای استاد من، بر چه آیین باشم فرمود: «براین باش که هر چه خداوند خواست کرد و هر چه خواهد کند.»

در نامه آسمانی تازیان که به نام قرآنش خوانند فرموده (کُلُّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ) پای چم آن‌که او را هر روز کاری است و هر دمش نمودی در بازاری و این خود دیرینه راه و روش بزرگ یزدان است که کمابیش در هر هزار سال که یک روز یزدانی است همه روش‌ها را دیگرگونه کند و سراسر هستی را جامه نو پوشاند. پس دانا آن است که چشم برینش این

۱ - آوار = یقین.

۲ - چکره = قطره.

گونه رازها بگمارد و گوش بر فرگفت یزدانی دارد و از چون و چرا کرانه گیرد، تا به پایه بلند آسایش دل و شناخت آمیغ جهان آب و گل سرافراز گردد.

سرورا، پستی و بلندی سخن و شیرینی و بیمزگی آن بسته به چگونگی در رشته کشیدن واژه‌های^(۱) گفتار است نه به گونه‌های زبان. به هر زبان سخن نیک توان گفتن و به هر واژه [ای] که باشد توان شیرینی و خوبی در گفتار نهفتن. برخی را گمان این است که بلندی پایه گفتار فرزانه بزرگ فردوسی در شاهنامه از آن است که واژه‌های تازی کمتر در وی به کار برده و بیشتر آن را به پارسی ویژه پرداخته و دانا داند که این گمان نادرست است چه وی در پاره‌ای از دولختی‌های خود واژه‌های تازی را نیز به کار برده است چنان که در اسب خواستن سهراب فرموده است

یکی باره باید مرا گام زن سم او چو پولاد خارا شکن
چو پیلان به زور و چو مرغان به پر چو ماهی به بحر و چو آهو به بر
(بحر) و (پر) هر دو تازی است. با این، چامه هیچ یک از سخن‌گویان را آن پایه در بلندی و آن مایه در شیرینی نیست. پس دانسته شد که خوبی گفتار بسته به تازی و پارسی یا ترکی و فرانسوی نیست دانا به هر زبان تواند سخن شیرین گفتن و پایه خوبی آن را به آسمان بردن.

در این رو، شایسته و سزاوار چهار کس مانند سرکار که دارای گوهر گران‌مایه دانشند، آن است که تا روزگاری در دست و نیروی کاری هست زندگی گران‌مایه را که هر دمش جهانی ارزد به کاری به پایان برند که مایه آسایش مردم باشد و در کار آیین و یا زندگی مردم بدان نیازمند باشند تا نیک‌نامی وی در دفتر جاوید پاینده ماند و روانش در جهان دیگر به خوشترین روی انگیخته گردد و برای دریافت این چم، پیش‌روی^(۲) باز می‌نگارم

۱ - اصل همه جا : واژه‌ها.

۲ - پیش‌روی = مقدمه.

تا خواست مرا زین سخن درازی دریابید سپس آنچه را نیکو دانید و کاربندید خود دانید. سال‌های بسیاری است که روش دانشوران ایران و بزرگان کشور این بوده است که کار را بر زیردستان دشوار کنند و پایه‌رسانی و دانش و هنر را از مردم پوشیده دارند. شت و خشور^(۱) یزدان، زراتشت سفنتمان^(۲) چون در ایران به پیغمبری برخاست زبان مردم این کشور زبان زند بود که اکنون برخی از نامه‌اوستا بر آن نواذ است. چون کمابیش هزار سال گذشت و به خواست منش جهان زبان ایرانیان بگردید دانشوران آن مهین‌نامه را به زبان پازند پای‌چم کردند و موبدان که بزرگان آیین بودند جز نگارش مردم روش نگارشی دیگر در میان خود داشتند که اکنون آن را زردشتیان به زبان اکنون خود (خط زند) می‌گویند و به این بهانه که زردشت آموختن این زبان را جز بر نژاد خود بر دیگری روا نداشته به دیگران نمی‌آموختند و بیشتر نامه‌ها را به آن نگارش به زبان زند می‌پرداختند. چون هزار سال دیگر بگذشت و زبان پهلوی به میان آمد باز هم موبدان روش دیرینه خویش را از دست ندادند و کار را بر مردم دشوارتر کردند و این بیچارگان را به آموختن سه زبان ناچار نمودند. آن هنگام کوس کشورداری و خسروی ساسانیان بلندآوا بود و باد فیروزی بر پرچم درفش آن پادشاهان بزرگ می‌وزید. ناگاه آفتاب آیین تازی از خاک حجاز بدرخشید و چراغ کیش زردشتی خاموش شد و فروزان آتش آیین بهی به آب تیغ گردان تازی فرو نشست و کیش اسلام در تمام ایران پهن و گسترده گشت. دانشوران این کیش نیز همه هنرها و دانش‌ها را به زبان تازی در نامه‌ها نگاشتند و کار را بر مردم سخت و دشوار و دیرباب کردند و هر که از نو به جهان آمد به دشواری کار افزود چنان که اکنون نیز می‌بینیم که مسلمانان نامه‌ها به تازی و گبران به زند و پهلوی می‌پردازند و هیچ یک در

۱ - و خشور = پیامبر.

۲ - سفنتمان = سپنتمان = نام خانوادگی حضرت زرتشت بوده است.

اندیشه آسان کردن کار بر این مردم ناهوشیار نیستند. این است که مردم ایران از چندین راه از دریافت پایهٔ رسایی و برتری و آموزش هنر و دانشوری دور مانده‌اند:

نخست، از راه نگارش که چون نگارش ایرانیان را زیر و زبر و دیگر جنبش‌ها در خود آن نیست آموختن و خواندن آن سخت دشوار و دیریاب است.

دویم، از راه آموزگاری که به تازی (تعلیم) می‌نامند زیرا استادانی که امروز برای آموزگاری کودکان در ایران هستند خود از دانش و هنر بهره‌ای ندارند تا چه رسد به کودکی که اینانش پرورند. نیکو داستانی است. نخست استاد باید وانگهی کار و نیکو چاه‌ای است:

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

سیم، از این راه که گفته شد که روش دیرینهٔ دانشوران ایران از هر گونه دانشی که باشد بر این شده که نامه‌های خود را به زبان تازی می‌پردازند و آن را نیز سخت دیریاب و پرخیده،^(۱) چنان که در گرامی نامهٔ سرکار نیز شیرین شماری بدان رفته بود، بیچاره مردم سی سال باید رنج برند تا زبان تازی را آن هم نارسا یاد گیرند و آنگاه به خواندن و آموختن دیگر دانست‌ها پردازند اینست که بیشتر دانشی نیاموخته زندگی را بدرود می‌کنند و به کام نارسیده گام به جهان دیگر می‌گذارند.

سترگ برکشیدهٔ یزدان «علی» شاه مردان، دهنداد زبان تازی را که دانشوران (نحو) گویند برای استواری آن زبان نهاد و اکنون ایرانیان آن را برای آموختن خود زبان تازی می‌خوانند. اینست که سی سال یا افزون‌تر این هنر را می‌خوانند و باز هم نمی‌توانند درست به تازی سخن رانند و در گفتگو از پاسخ یک تازی فرو می‌مانند.

چهارم، از راه نبودن آزمایش که به تازی (امتحان) می‌گویند چنان که می‌بینیم هر

جوانی را، ویژه، روستائیان تن‌پروری از کار باز می‌دارد و می‌خواهد از رنج کوشش یا نوکری پادشاه بگریزد، دوگز پارچه بر سر می‌بندد و در دبستانهای بزرگ به نام شاگردی جای می‌گیرد و گذران خود را از دریوزه به دست می‌آرد و در سی سال کس از وی نمی‌پرسد که تو چه آموختی و در این روزگار چه هنر آموختی اینست که از هزار یکی به پایه دانشوری نمی‌رسند و از نادانی نخست گامی فراتر نمی‌نهند.

پنجم، از راه نادانی و بی‌دانشی بزرگان آیین و کشور که از همه دردها بدتر و از سراسر ناخوشی‌ها کشنده‌تر است زیرا که آسایش جهان و دهند کشور و راستی و کاستی کنونه مردمان به دست این دو گروه است و در این روزگار اینان چندان به گرد کردن خواسته و آرایش خود گرفتارند که هرگز کار جهانیان و برزی دادن^(۱) زیردستان را به یاد نمی‌آرند. سرورا، افسوس که در این روزگار همایون همای دانش نگون سارگشته و درفش نادانی و بدگوهری افراخته شده، فرومایگان جای ویژگان را گرفته‌اند و بی‌دانشان به پوشش دانشوران اندر شده‌اند. ستوده پیغمبران و واپسین و خشوران فروخور تازی^(۲) به نواد حجازی سخنی سخت دلکش فرموده که پای‌چم آن به پارسی این است که فرومایه‌ای اگر در تک‌چاهی بود خداوند تند بادی فرستد و او را از چاه برآرد تا در فرمانروایی بدگوهران و کشورداری ستمکاران سربلند و نیرومند گردد.

سرورا، امروز روش بزرگان ایران مانند شاهزاده علی‌قلی میرزا (وزیر علوم) که در سال گذشته جهان را بدرود فرمود و حسن‌خان (صنیع‌الدوله) و دیگری که نامش در این نامه نگاشته شده^(۳) و برخی دیگر بر این شده که هر یک چند کس از دانشوران را که به

۱ - برزی دادن = مواظبت کردن.

۲ - مقصود حضرت رسول اکرم (ص) است.

۳ - مقصودش مانکجی صاحب است.

خواست منش جهان به رنج پریشانی گرفتارند به ماهی شش هفت تومان از ناچاری با خود همداستان می‌کنند و آنها را همه روزه در نامه خانه‌های خود به پرداختن کار نامه‌ها وامی‌دارند و چون پرداخته شد آن را به نام خود خنیده و روشناس می‌سازند و از همین راه مردم بینا را بر درستی نامه‌های پیش چندان استواری و دل‌بستگی نمانده و این وارونه کاری‌ها شکوه نامه‌های باستان را نیز فرو شکسته. چنان که نامه دساتیر را نیز برخی از کارآگاهان فراهم کرده شاگردان شت آذرکیوان می‌دانند و به چندین راه ساختگی این نامه را بر دانشوران روشن و آشکار می‌سازند و اگر خواست خداوند و فرمان خداوندگار باشد سپس چیزی در این در، بنگارم تا پایه نادانی و ریمنی^(۱) مردم این روزگار خوب روشن و آشکار گردد.^(۲)

با این همه سپاس یزدان را که این شب تار به پایان آمد و بامداد روشن دانش دمید و آفتاب جهاتتاب یزدانی از کرانه ایران بدرخشید و همایون درخت ایزدی از این فرخنده بوستان سرکشید تا کی همگان در سایه داد و دانشش بیارامند و از شاخه‌های^(۳) او بار دانش و هنر و آسایش بیابند.

باری مرا کام زین آهنجیدن^(۴) و درازگویی آن است که چنانچه به کوشش والای

۱ - ریمنی = حيله گری.

۲ - رشید شهردان و استاد پورداود در مطالبی که راجع به ساختگی بودن زبان و غیرآسمانی بودن دساتیر نگاشته‌اند چنین وانمود کرده‌اند که اولین کسان در گشودن تمامی این حقیقت هستند. از مطلب فوق چنین برمی‌آید که میرزا ابوالفضل گلپایگانی و چند تن دیگر که وی نام نبرده بر این امر وقوف داشته‌اند. یقیناً با احاطه‌ای که میرزا ابوالفضل مذکور نسبت به کتب دینی زرتشتی داشته، در چنین ادعایی صادق است اما آیا رساله یا مکتوبی هم در این باره نگاشته، بر نگارنده چیزی معلوم نگشت.

۳ - اصل: شاخهای.

۴ - آهنجیدن = بیرون آوردن، معلوم ساختن.

سرکار مردم ایران از این رنج‌هایی که گفته شد برهند و راه آموزگاری را در نگارش و دانش‌آموزی بیابند و نارسایی این گونه کارها را به نیک‌اندیشی و راه‌نمایی سرکار به درستی و رسایی آرند هر آینه نیک‌نامی سرکار و فزایش دانش آنها به زودی افسانه هر انجمن و پراکنده هر کشور خواهد گشت و سالیان دراز نگاشته هر دفتر خواهد شد. با این همه من بنده خود ستایشگر فرخنده نامه نوآیینم و خواستار انجام یافتن و دیدار آن خجسته دفتر دلنشین و امیدوارم که از کوشش سرکار این شیرین زبان در زیر دهنادی درست آید و بن و بود فرو ریخته‌اش از نو استوار گردد. لاد بر این چندان در این در، اندیشه و کوشش سزاوار است که از هیچ راه نارسایی نداشته باشد و از هر در خردپذیر و استوار گردد. تازی گفته (مَنْ صَنَّفَ اسْتَهْدَفَ) و من گفته‌ام هر که نامه [ای] پرداخت خود را نشانه تیر خرده گیران ساخت.

زیرا کسی که خواهد نامه [ای] به زبان پارسی پردازد باید نخست از زبان تازی آگاهی درست داشته باشد و در این هنر نیز سخت نیرومند و آگاه باشد و با این نیز چندین بار در سراپای آن باریک بیند و در واژه‌های آن نیکو بیندیشد که مبادا لغزشی روی دهد و بی‌آگاهی واژه [ای] از تازی در آن درآید. چنان که در گرامی نامه سرکار با آن که در شیرینی و استواری به پایه گفتار سخن‌سرایان ترکستانی و در روانی به گوهر آب زندگانی بود واژه [ای] چند از زبان تازی مانند (دیار) و (نکته) و (میدان) و (بنان) در آن درآمده بود. و اگر مرا بزرگ پروردگار یاوری فرمودی و خواست ایزدی بر این شدی که به فرگاہت شتابم و از خجسته دیدارت کام یابم امید بودی که به والا کوشش سرکار و پرستاری این کمین دوستدار همایون نامه نو آیین چنان انجام یابد که پسند دانشوران سترگ گردد و زبان خرده‌گیران سگ منش از آهو‌گیریش کند ماند. زیرا که من بنده را از زبان تازی و پارسی و کارنامه باستان که آن را مردم این دمان (علم تاریخ) گویند آگاهی درست و دانش نیکو است چنان که در یک شب توانم برابر این نامه به پارسی نگاشتن و

آن را به هر گونه دانش و هنر آراستن و در نامه نو آیین این دو هنر سخت بایسته و در کار است و فرمان با سرکار. امیدوارم که به پاسخ نامه سرافرازم فرمایند. افزون چه نگارم، جهانیت به کام و روزگارت پدرام باد. روز اسفندارمزد از مهرماه یزدگردی ۱۲۵۱ و غره ربیع الثانی ۱۲۹۹.

ابوالفضل گلپایگانی

[۲۹۵۰۰۳۰۷۳]

۲۴

مکتوبی است که به زبان پارسی خالص جناب میرزا ابوالفضل [گلپایگانی] از جانب

مانکجی صاحب به فرهنگ^(۱) پسر مرحوم وصال شیرازی نوشته

[به تاریخ ۱۲۹۷ ق.ه]

برخی تابنده گوهرت گردم، دیرگاهی است که چشم امیدوار به فرخنده دیدارت روشنی نیافته و دل آرزومند به همایون نگارش از فرخنده تیمسارت خرسند نگشته. من بنده که دلدادۀ روشندلان و پای‌بست کمند ویژه درونانم چون به ایران مینو نشان پای نهادم نخست دل به تو دادم که در جهان سخن چو آفتاب درخشانی و مه روشن، افسوس که جهان بدمهرم از فرخنده فرگاهت دور کرده و دریغ که گردش سپهرم از همایون تیمسارت نومید ساخته. با این که جهان سپنج همواره نشانه خدنگ جانکاه اندوه و رنجم دارد، هیچ گاه از یادت تهی نبودم و دیباچۀ آرزومندی را به کنج فراموشی ننهادم و

۱ - ابوالقاسم فرهنگ (و: ۱۲۴۲ ق، ف: ۱۳۰۹ ق) در شعر و فنون ادب ماهر بود و اشعار زیادی در مدح رجال قاجار دورۀ خود سرود. در اشعار او نوعی تجددخواهی به چشم می‌خورد. مشارالیه با ادوارد براون نیز در ارتباط بوده است و نمونه‌هایی از اشعار او را مستشرق مذکور در کتاب تاریخ ادبی ایران، ج ۴، (ترجمه رشید یاسمی) ذکر کرده است.

همواره جویای بهانه‌ای بودم که خود را در همایون انجمن یادآوری کنم و به فرهنگ نامه‌ای، پایه‌آرزمندی را در فرخنده فرگاهت آشکار سازم تا این هنگام که اختر بلند همراهی نموده به نگارش این نامه رنج فراگشتم و چون درچندی پیش چهار دفتر از نامه‌های باستان که برخی از گفتار پیغمبران و فرزندگان ایران است به دست دوستدار افتاد که در هنگام شهریاری خسرو نامور انوشیروان دادگر و شهنشاه مینو آرامگاه پرویز، فرزندگان آن روزگار از زند به پهلوی پای‌چم کرده بودند و کمابیش سیصد سال از این پیش برخی از دانشوران پارسی کیش به پرمان^(۱) شت فرزانه بزرگ اسفندیار مهین‌پور تیمسار آذرکیوان از پهلوی به پارسی با تازی آمیخته که زبان مردم این روزگار است دیگر باره پای‌چم کردند. من بنده نیز هر چهار نامه را در یک دفتر نگاشته چیزی چند بر نخست و پایانش افزودم و نام وی را (آیین هوشنگ) نهادم و سال گذشته آن را چاپ نموده^(۲) گوهر گران‌بهای او را که دست فرسوده روزگار کشته بود به تازگی در فرگاه دانشوران ورسته فرزندگان نمودار ساخت برای هر یک از بزرگان دفتری فرستادم و چون این گفتار سپهران نواد را جز دل‌های آگاه در نخواهد یافت و این فروغ یزدانی جز بر درون پاک نخواهد تافت بندگی نمودن یک دفتر آن را نیکوترین کار و شوند^(۳) یادآوری خود در همایون تیمسارت دانستم که گاهی در آن نگاهی فرموده چنانچه در پای‌چم نمودن آن و باز نمودن آرش‌های وی کوتاهی شده باشد بنگارید تا در دفتری دیگر که باید آن نیز چاپ شود نگاشته آید و مایه نیک‌نامی سرکار گردد. امیدوارم که پذیرفته آن سرور

۱ - پرمان = فرمان.

۲ - این کتاب را در ۱۲۹۶ ه. ق چاپ کرده است.

۳ - شَوْنَد = باعث.

فرهمند آید و مایه سرافرازی این آرزومند آید. افزون چه نگارم روزگارت به کام باد.

[۲۹۵۰۰۳۰۶۸]

* * *

۲۵

صورت مکتوبی است که جناب میرزا ابوالفضل [گلپایگانی] از جانب مانکجی صاحب
به اسمعیل خان زند نوشته

برخی روشن گوهر پاکت شوم، فرخنده نامه نامی و همایون نگاشته گرامی که در
شب بهرام^(۱) از هفته سروش ایزد^(۲) از بهمن ماه پارسی به کلک گهربار به یادآوری
دوستدار نگارش یافته بود در خوشترین هنگام و فرخ‌ترین دمان روشنی بخش دیده
امیدوار گردید و دل پژمرده را روانی تازه و روان افسرده را شادی بی اندازه بخشید و در
این فرخنده روزگار که نوروز فیروز جمشیدی و همایون جشن خسروی است برای
دریافت خرمی، اختری خوب و شگونی بزرگ انگاشت امیدوارم که همواره با خرمی و
شادکامی همدم و سالیان بسیار به کام دوستان خوشدل و خرم باشید

تا رسم تهنیت بود اندر جهان به عید هر بامداد بر تو چو عید خجسته باد
گلزار باغ و هر که که پژمرده گیش نیست در آرزوی مجلس تو دسته دسته باد
در نامه نامی لختی چند از سروده‌های^(۳) شیوا و چامه‌های^(۴) زیبا که در ستایش پاک

۱ - بهرام : روز بیستم هر ماه.

۲ - هفته سروش ایزد : درباره این اصطلاح چیزی نیافتم.

۳ - اصل : سرودها.

۴ - اصل : چامه‌های.

یزدان توانا و امشا سپندان^(۱) والا فرموده بودید نگارش یافته بود فزون از اندازه دل بینوا را از دوری فرگاهت بی شکیب و جان خسته را به آرزوی دیدار و گفتارت ناتوان ساخت. زهی گفتار سپهری نواد که روان از شنیدنش آهنگ فرازستان کند و دانا از نشون سپهری نشانش دل از تیره خاکدان برکند.

زهی چو روز جوانی گزیده در هر باب خهی چو دانش پیری ستوده در هر فن چو آسمانی پرزهره و مه و پروین چو بوستانی پرلاله و گل و سوسن باری آنچه در روش پارسایی و رفتار آیین پرستی روشنی بخش دیده امیدوار دختر ایزدیار نگاشته بودید بی اندازه مایه خوشنودی و^(۲) امیدواری گردید که از خردی به کار بزرگان پردازد و بدین مایه روزگار فرمان بر پاک پروردگار باشد. آری، چنان بود پدری کش چنین بود فرزند، امیدوارم که به زودی از بخشش پاک پروردگار این شاخ برومند به بار دانش و بینش بارور گردد و روشنی بخش دودمان آن سرور بنده پرور شود.

همه بار یافتگان همایون انجمنت را درود فراوان می فرستم ویژه برادران نامدارات الله وردی خان و جعفرخان که پیوسته به یادشان خرم و به دیدارشان آرزومندم. خانم همواره به یاد سرکار، آفرین خوانند و گرامی فرزند ارجمند را خواهشمند دیدار. افزون چه نگارم روزگارت به کام باد.^(۳)

[۲۹۵۰۰۳۰۶۸]

۱ - امشا سپندان = به فرشتگان مقرب در دیانت زرتشتی امشا سپندان گویند.

۲ - یک کلمه ناخوانا.

۳ - زرتشتیان در تاریخ ایران - خصوصاً تاریخ معاصر - از مدافعان رواج زبان فارسی خالص بوده‌اند. در کنگره‌های ملی زرتشتیان که در دهه‌های اخیر برگزار شده، این امر همواره در دستور کار زرتشتیان قرار داشته است. به جز زرتشتیان، نویسندگانی در دوران قاجار و پهلوی نیز بر این آتش دامن زده‌اند و البته بیانات و استدلال‌ات این گروه بیش از آنچه معقول و عملی باشد مملو از احساسات - خصوصاً احساسات ضدعرب است. زمانه به خوبی بیهودگی این فکر مستبدانه و بی نتیجه را نشان داده است.

فصل دوم

ارباب جمشید جمشیدیان

«ارباب جمشید بهمن» معروف به جمشیدیان در میان بازرگانان و نیکوکاران تاریخ معاصر ایران نامی مشهور و شناخته شده است. مشارالیه از دو جهت اقتصادی و سیاسی در تاریخ ایران سرشناس گردیده که یقیناً وجهه ضعیف سیاسی او از قبال موجودیت قوی تجاری او حادث شده است.

وی در سال ۱۲۹۹ ش / ۱۲۶۷ ق در یزد به دنیا آمد.^(۱) در کودکی مانند بسیاری از کودکان زرتشتی به اجیری در تجارتخانه‌های تجار گماشته شد و در ۱۱ سالگی وارد دستگاه «ارباب رستم مهربان» گردید و به شعبه تجارتخانه او در بروجرد رفت.^(۲) سپس به مدت ۷ سال در تهران برای ارباب رستم مهربان کار کرد و فعالیت تجارتخانه مشارالیه را هر روز توسعه داد. لذا ارباب رستم با خود تصور نمود که ممکن است گسترشی که ارباب جمشید به امور تجاریش می‌دهد ایجاد زحمت کند، وی را به یزد فراخواند و حقوق ۷ ساله‌اش را پرداخت نمود، ضمن آن که باغی بزرگ نیز به عنوان پاداش به او بخشید.^(۳)

ارباب جمشید به تهران آمد و در سرای مشیرخلوت - که محل تجار زرتشتی بود - حجره‌ای گرفت و به کار تجارت، صرافی، بانک‌داری و کشاورزی مشغول گردید. به واسطه صداقت و درست کاریش هر روز بیش از پیش مورد اعتماد همکاران و مردم قرار

۱ - اشیدری، جهانگیر؛ «تاریخ پهلوی و زرتشتیان»، ص ۳۷۸.

۲ - شهردان، رشید؛ «فرزانگان زرتشتی»، ص ۴۳۳.

۳ - زارع، اردشیر؛ «خاطرات اردشیر زارع»، ج ۲، ص ۱۲۶.

گرفت. حتی در دربار ناصرالدین شاه دارای اسم و رسم گردید و شناخته شد.^(۱)

در سال ۱۲۷۷ ش. / ۱۳۱۲ ق. با همراهی «میرزا دینیار شهریار» و «اردشیر زارع» رسماً «تجارتخانه جمشیدیان» را با دو شعبه «تجاری» و «ملکی» به راه انداخت.^(۲)

اردشیر زارع در خاطرات خود درباره پیشرفت امور تجاری ارباب چنین نگاشته است: «کار تجارتخانه جمشیدیان به طوری بالا رفته است که فکرش [را] نمی شود کرد. از یک طرف برات است که از برای جمشیدیان می رسد و از طرف دیگر عایدات گمرک تبریز، همدان، رشت، کرمان و یزد به تجارتخانه می رسد از برای این که ضمانت رؤسای گمرکات و پرداخت اقساط با تجارتخانه شده است و همچنین عایدات گمرکات بنادر بوشهر و بندرعباس و لنجه که به عهده حکومتی نظام السلطنه و سعدالملک می باشد، به اضافه مالیات شیراز و بنادر جنوب که به توسط تجارتخانه جمشیدیان است و باید به خزانه دولت برسد. به واسطه این عایدات و بروات کم کم حکام ولایات و اعیان و اشراف که دارای ابواب جمعی دولت می شوند و باید ضامن به دولت بدهند فوراً به تجارتخانه جمشیدیان آمده با تجارتخانه فوراً قرارداد خود را داده و ضمانت نامه گرفته، به دولت تقدیم و رهسپار مقر حکومتی خود می شوند.»^(۳)

پس از این که کار بازرگانی ارباب جمشید رونق گرفت، در شهرهای قم، کاشان، اصفهان، یزد، شیراز، بندرعباس، کرمان، سیرجان، رفسنجان، بم، همدان و رشت نیز شعبه تجارتخانه اش را گشود و به واردات کالا و صادرات نیز مشغول گردید. همچنین سرمایه گذاری هنگفتی بر روی «زمین» صورت داد و املاک بزرگی در برخی شهرها و

۱ - اشیدری، همان جا.

۲ - زارع، همان جا، ص ۱۲۷.

۳ - همان جا، ص ۱۲۸.

علی‌الخصوص در تهران خریداری کرد که از مهمترین آنها می‌توان به «امیرآباد» و «جمشیدآباد» (جمال‌زاده کنونی) اشاره نمود. ارباب قرای بسیاری را آباد ساخت و همواره چندین ده را در اجاره و مالکیت خود داشت.

به تحقیق پس از سقوط ساسانیان این اولین بار بود که یک تاجر زرتشتی به چنین موقعیت اقتصادی در ایران نائل می‌آمد. وی در سال ۱۲۸۲ ش. / ۱۳۲۱ ق. از جانب «مظفرالدین شاه» به لقب «رئیس‌التجار» ملقب گردید.^(۱)

پس از این که انقلاب مشروطه به ثمر نشست، زرتشتیان جهت احراز یک کرسی نمایندگی در مجلس دست به اقدامات زدند. ارباب کیخسرو شاهرخ در خاطرات خود چنین نگاشته: «همین که مشروطیت ایران سرگرفت و فرمان انتخابات بیرون آمد، چون قدرت در دست آقایان علما، سیدعبدالله بهبهانی و میرزا محمد طباطبایی [بود و] به اصطلاح آن وقت «سیدین سَنَدین» را عقیده داشتند که فقط مسلمانان باید نماینده در مجلس داشته باشند و ایشان خود از سوی غیرمسلمانان وکالت خواهند کرد، چنان که آرامنه و یهود را به همین راضی کرده بودند. ولی ما راضی نشدیم، اقدامات شده و بالاخره موفقیت حاصل کردیم که زرتشتیان نماینده داشته باشند. برای این که فرصت از دست نرود یک عده سی چهل نفری جمع شده و کاغذی به عنوان اعتبارنامه نوشته و امضا کرده به دست ارباب جمشید دادیم که ایشان نماینده زرتشتیان هستند و به زرتشتیان یزد و کرمان و شیراز هم تلگراف کردیم تأکید کنند و کردند. به این ترتیب ارباب جمشید در دوره اول به سمت نمایندگی معرفی و وارد مجلس شد.»^(۲)

مهدی بامداد در این باره آورده است که روزی در ضمن صحبت ارباب جمشید به

۱ - گراور این فرمان در صفحه ۳۸۰ «تاریخ پهلوی و زرتشتیان» آمده است.

۲ - اشیدری، «یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ»، ص ۱۲۶.

او گفته است در آغاز تأسیس مشروطیت و تدوین قانون اساسی بعضی از نمایندگان چندان تمایلی نداشتند که به زردشتیان نماینده‌ای در مجلس شورای ملی داده شود اما ارباب جمشید با پرداخت مبلغی هنگفت به یکی از افراد بانفوذ در مجلس توانسته است یک کرسی نمایندگی برای زرتشتیان فراهم آورد.^(۱)

ارباب جمشید که معروف‌ترین شخصیت زرتشتی زمان خود بود به عنوان نماینده زرتشتیان وارد مجلس شد اما در مجلس اول تحرکی از او مشاهده نمی‌کنیم. دلیل آن را اغلب گرفتاری‌های اقتصادی و بازرگانی ذکر کرده‌اند. اما دو دلیل مهم دیگر نیز می‌توانند عامل این سکون باشند: اولاً مشارالیه سواد کمی داشت و بالتبع در جایی که برای کسب امتیازات، احتیاج به فرهیختگی و علم بیان بود، او نمی‌توانست مهره مناسبی باشد. ثانیاً ارباب خویی بسیار آرام داشت و هیچگاه به دنبال مسأله‌ای نمی‌رفت که احتمال داشت هیجانی ایجاد کند و یا مخالفت برخی را برانگیزاند. بنابراین، خصوصیات ارباب جمشید مناسب شغل اجتماعی او نبودند و او در این پست موفق عمل نکرد.^(۲)

محمدعلی شاه در دوران استبداد صغیر طی فرمانی به تاریخ ذی‌حجه ۱۳۲۶ ارباب را به «ریاست مخزن نظامی» تعیین کرد تا «ملبوس و ملزومات قشون رکاب و سرحدات را تهیه نموده و در مخزن همه وقت ملبوس موجود و جهت ذخیره حاضر نماید».^(۳) هنگامی که تهران توسط مجاهدان مشروطه‌خواه فتح شد و مجلس دوم تشکیل گردید، ارباب جمشید وکالت خود را به ارباب کیخسرو شاهرخ واگذار کرد^(۴) و به کار تجارت و

۱ - بامداد، مهدی، «شرح حال رجال ایران»، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲ - به عکس او، ارباب کیخسرو شاهرخ که هم مردی دانا و دانشمند بود و هم شخصی ناطق و بی‌پروا، از دور دوم مجلس نماینده زرتشتیان گردید و خدمات شایانی به جامعه زرتشتی نمود.

۳ - گراور این فرمان در صفحه ۳۷۹ «تاریخ پهلوی و زرتشتیان» آمده است.

۴ - ر.ک: فصل ارباب کیخسرو شاهرخ.

بازرگانی خود ادامه داد و هر روز بر شوکت و اقتدار اقتصادی خود بیفزود. کسی که دو دهه پیش از آن آرزو داشت که تنها جوی آب باریکی داشته باشد تا بتواند با آن به امر فلاح و باغداری پردازد،^(۱) اینک به یکی از ثروتمندترین بازرگانان ایران تبدیل شده بود.

اما این اقتدار با دوام نبود و دوران نشیب زندگانی ارباب جمشید از سال ۱۳۳۰ ق. آغاز گشت. «در حین اوج شهرت ارباب جمشید، تجارتخانه‌های معتبر دیگر زرتشتی نیز در سراسر ایران به کار مشغول بودند. از آنانند تجارتخانه ارباب کیخسرو رستم کرمانی،^(۲) ارباب شهریار ساسانی،^(۳) ارباب بهمن بهرام که چاپارخانه دولتی را در دست داشت،^(۴) تجارتخانه جهانیان^(۵) و تجارتخانه فرامرزیان، این تجارتخانه‌ها با شعبات تجارتخانه ارباب جمشید به داد و ستد مشغول و بروات را برای پرداخت به شعبات ارباب جمشید حواله می‌دادند. در موقع بحران تجارتی که بانک روس و انگلیس برای انحلال تجارتخانه‌های زرتشتیان دست به فعالیت زدند و اغتشاش تهران در دوره فترت و بسته شدن بازار به واسطه حملات سربازان سیلاخوری محمدعلی میرزا، تجارتخانه‌های نام‌برده یکی بعد از دیگری ورشکست شدند، اما قبل از آن که اداره خود را ببندند و برای نجات دست و پایی می‌زدند، هر یک مبالغ مهمی بالغ بر چندین صدهزار تومان برات به عهده شعبات تجارتخانه ارباب جمشید حواله دادند که پرداخته

۱ - زارع، همان جا، ص ۱۲۷.

۲ - رک : سند شماره ۳۹۵.

۳ - رک : فصل نهم، مقدمه

۴ - رک : سند شماره ۴۵۳، مشارالیه تجارتخانه نداشته است.

۵ - رک : سند شماره ۳۷۸.

شد. بدین وسیله سرمایه نقدی ارباب جمشید به وسیله تجارتخانه‌های ورشکست شده زرتشتیان به سوخت افتاد. آنگاه بانک روس که به میل خاطر خود و از روی نقشه معینی دو میلیون تومان به ارباب اعتبار داده بود،^(۱) برای وصول طلب خود فشار آورد و تجارتخانه ارباب را مهر و موم ساخت و املاک و ضیاع او را به قیمت ناچیز همه طلبکاران بردند [...] مطالبات ارباب جمشید از مردم بیش از بدهی‌هایش بود و چون غالب رجال و اشراف مدیون او بودند، در آن هنگامه از پرداختن بدهی‌های خود سرباز زدند.»^(۲)

ارباب کیخسرو شاهرخ چنین نوشته: «ارباب جمشید به خانه علاء السلطنه رئیس‌الوزرا متحصن شد. شبی او با مرحوم حاجی حسین آقامین‌الضرب به منزل من آمده، دست کرد و دامن مرا گرفت که با او همراهی کنم و دستمالی را از جیب خود بیرون آورده، نشان داد و گفت در گوشه دستمال که گره دارد، زهر حاضر کرده است که اگر قول ندهم و همراهی نکنم، خود را مسموم خواهد کرد و حاج‌امین‌الضرب هم تقاضا نمود، قول دادم و قبول کردم و از فردای آن روز به هیأت وزرا و وزارت خارجه، با حضور شاپلین - شارژدفر روس - و رئیس بانک روس و معاونش و جنرال قونسول روس و مترجم‌هایشان، با حضور آقایان مشاورالممالک (علی‌قلی خان انصاری) و احمد منشورالملک و صادق اعتلاءالدوله منعقد گردید. در همان اولین جلسه روس‌ها را محکوم کردم [...] و خلاصه آن که از طلب روس‌ها پانصد هزار تومان کسر کردم»^(۳). از آن جا که دولت ایران ضمانت بانک را کرده بود، حل مشکل را خود برعهده گرفت و

۱ - ارباب کیخسرو شاهرخ در خاطرات خود مبلغ را یک میلیون و سیصد هزار تومان نوشته که صحیح‌تر است.

۲ - شهرمدان، همان جا، ص ۶ - ۴۳۵.

۳ - اشیدری، همان جا، ص ۱۲۹.

کمیسیون‌هایی برای رفع این قضیه تشکیل گردید، اما هیچ کدام از مسؤولان که حال ارباب جمشید را بر حال خود ترجیح نمی‌دادند، جز به نفع شخصی خود نیندیشیدند و از این طریق املاک و عقار بسیاری از دست ارباب خارج گردید. ارباب، سرنوشت خود را به دست عدلیه سپرد که شاید عملش زودتر به نتیجه رسد و حسابش را با دولت و طلب‌کاران تسویه نماید، اما عدلیه حتی منزل مسکونی او را توقیف نمود و به کسی واگذار کرد که هشتاد هزار تومان به ارباب بدهی داشت.^(۱) بدین ترتیب ارباب جمشید که سالها، هر روز، صدها نفر روزی‌خوار سفره او بودند، خود به نان و پنیری مختصر، زندگانی را از سر گرفت و دیگر هیچگاه اعتبار اقتصادی به دست نیاورد.

ارباب جمشید مردی بسیار بخشنده، دل سوز و باتقوا بود. بیان کارهای خیریه او محتاج مقاله و شرحی جداگانه است. اما از میان تمام آنها می‌توان به مواردی برجسته اشاره کرد: از تهیه زمین برای کارمندان خود دریغ نداشت؛ نهار و شام کلیه ایشان را می‌پرداخت؛ پزشکی مخصوص داشت که به طور رایگان اعضای تجارتخانه‌اش را معالجه می‌نمود؛ در تهران و در بین شهرهای یزد، کرمان، بندرعباس و بوشهر چند آب انبار ساخت؛ به عروس و دامادهای زرتشتی کمک مالی می‌نمود؛ حمامی به سبک جدید ساخت که زرتشتیان به طور رایگان از آن استفاده می‌کردند؛ از قنات‌های امیرآباد و جمشیدآباد، آب رایگان به جنوب شهر تهران می‌فرستاد؛ در ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا ۴۰ رأس اسب و قاطر و چند درشکه در اختیار علما قرار می‌داد؛ برای آموزش کودکان زرتشتی مدرسه «جمشید جم» را با سرمایه خود به انجمن زرتشتیان واگذار کرد و.....^(۲) مترجم همایون فره‌وشی که معلم خصوصی رستم پسر ارباب

۱ - زارع، همان جا، ج ۶، ص ۳۵.

۲ - «ارباب جمشید جمشیدیان»؛ مهنامه زرتشتیان، فروردین ۱۳۵۲، ش ۷، ص ۱۰ - ۱۴.

جمشید بود تعریف کرده است که ارباب به او گفته: «بر من ناگوار آمد که معلم خصوصی برای پسر خود داشته باشم و بچه‌های مردم بی سواد بمانند. پس مدرسه را با معلم هر دو دادم و حالا روحاً و وجداناً خوشحال و آسوده‌ام».^(۱)

ارباب جمشید سرانجام در ۱۶ دی ماه ۱۳۱۱ در ۸۲ سالگی بدرود حیات گفت. خانواده جمشیدیان از اخلاف او باقی ماندند و همسر و فرزندان سالها به دنبال پرونده‌های املاک متصرفی ارباب بودند که هیأت رسیدگی به املاک او حیف و میل نموده و یا به قیمت نازل بین خود تقسیم کرده بودند، اما به نتیجه‌ای نرسیدند و ظاهراً به دستور رضاشاه بالاخره از شکایات خود صرف نظر نمودند.^(۲)

در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، اسناد بسیار زیادی درباره ارباب جمشید وجود دارد و در انتخاب اسناد این فصل، نگارنده را هدف خاصی مورد نظر بوده است. جهت نشان دادن اعتبار بلاحد و حصر ارباب نزد دولت‌های زمان خود و کمک‌های مالی که ارباب به آن دولت‌ها می‌نموده اسنادی ارائه شده‌اند، همچنین برای نشان دادن گرفتاری‌های متتابع مالی ارباب جمشید؛ اولاً از میان مشکلاتی که در امورات ملکی مختلف خود داشت، بخشی از مکاتبات و شکایات او در ارتباط با ملک «فرون‌آباد» از محال ورامین، ثانیاً از میان مشکلاتی که در امورات مالی با افراد مختلفه داشت، قسمتی از اسناد و مکاتبات او در ارتباط با طلبش از آصف‌الدوله و ثالثاً یک نمونه از اوراق «استنطاق محاکم عدلیه» او نیز آورده شده. تمام این اسناد حاکی از حیطة گسترده گرفتاری‌های مادی ارباب هستند که می‌توانند نخست دلیل عدم موفقیتش را به عنوان نماینده مجلس نشان دهند و دوم عاقبت حالش را به رشته تحریر درآورند.

۱ - لهراسب، سروش؛ «چند اندرز از روان‌شاد ارباب جمشید جمشیدیان»، هوخ، س ۳۰، ش ۱۰، ص ۴۴.

۲ - اسناد مفصل ورشکستگی ارباب و پیگیری‌های خود او و فرزندان را ان‌شاءالله نگارنده در فرصتی مقتضی به صورت کتابی جداگانه چاپ خواهد نمود.

وزرات مرحوم سپهسالار یک طغرا حواله جمشیدیان به مبلغ بیست هزار و سیصد و پنجاه تومان که اینک لفاً به آن وزارت جلیله فرستاده و تسلیم می شود از بابت صرف مرمت های بهارستان تقدیم فرمودند که چون از ثلث مرحوم سپهسالار است و مخصوص صرف خیرات برای این مقصود مقدس خرج شود. چنانچه تاریخ حواله را ملاحظه می فرمایید مدت وصول آن به وعده های^(۱) مختلف است که از شهر شوال به بعد باید دریافت شود و برخلاف این معنی مرمت های بهارستان فوری و مستعجل که باید برای غره شوال حاضر باشد و نیز چون می بایستی این دخل و خرج از راه کمیسیون مالیه بگذرد، لزوماً حواله را به وزارت مالیه فرستاد. ضمناً خواهش مساعدتی می شود که مقرر شود با تجارتخانه جمشیدیان قراری بدهند معادل شش هزار و نود تومان از این بابت بپردازد که به علاوه سه هزار و نهصد و ده تومان سابقه ده هزار تومان دو روزه به شیخ حسن خان برسد که با عجله هر چه تمامتر تعمیرات عمارت بهارستان را تا غره شوال تمام نماید.

[امضای صادق مستشارالدوله]

[۲۴۰۰۰۴۱۵۰]

* * *

۲۷

دیوان محاسبات، نمره ۳۳۲۴، مورخه ۳ جدی [۱۲۸۹] /

[۲۳ ذی حجه ۱۳۲۸]

آقای ارباب جمشید

در سنه ماضیه بیچی ٹیل،^(۱) هفت هزار تومان از بابت صرف سوخت کارخانه چراغ برق از قرار قبض خزانه حواله مالیات یزد و به توسط تجارتخانه جناب عالی وصول و به یوسف خان رئیس کارخانه چراغ برق پرداخته شده. چون به حساب بیچی ٹیل یزد رسیدگی می شود لازم است از روی دفتر معین فرمایید: اولاً تمام وجه قبض پرداخته شده یا چیزی در محل باقی است. ثانیاً در چه تاریخی این وجه به یوسف خان پرداخته شده است.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۵۹۷۶]

۲۸

تجارتخانه جمشید بهمن جمشیدیان، نمره ۵۶۲، به تاریخ

۲۳ ذی حجه الحرام ۱۳۲۸، تهران

در جواب مرقومه محترمه شماره ۳۳۲۴ ریاست محترم دیوان محاسبات دام بقانه

احتراماً عرض می شود که از بابت قبض خزانه هفت هزار تومان صرف سوخت کارخانه چراغ برق بابت سنه ماضیه بیچی ٹیل حواله مالیات یزد بوده و مرقوم بود در چه

تاریخ وجه آن به یوسف خان رئیس چراغ برق کارسازی شده از روی دفتر معین کنم. تمامی وجه هفت هزار تومان را در رمضان ۱۳۲۶ در وجه یوسف خان پرداخته شده حواله مزبور هم به یزد فرستاده و به اقساط از آقای مشیرالممالک پیشکار مالیه یزد وصول شده.

اما سه فقره دیگر تتمه قبض خزانه بابت سنه ماضیه بیچی ثیل از قرار صورت ذیل که حواله مالیات یزد شده که مبلغ آن پنج هزار و نهصد و هفتاد و شش تومان باشد بنده طلب کار هستم و فهرست مشیرالممالک در دست است. خواهش دارد رسیدگی فرموده و حکم بشود مبلغ مزبور را به بنده عاید نمایند که بیش از این طلب بنده به عهده تأخیر نماند. ایام مرحمت مستدام.

اقل جمشید بهمن پاریسی

[مهر : ناخوانا]

از قبض [هفت هزار تومان] صندوقخانه [هفتصد تومان]

از قبض [هفت هزار تومان] فراشخانه [هزار تومان]

از قبض [ده هزار و ششصد و نود تومان] مصارف سلطنتی [چهار هزار و دو یست و هفتاد و شش تومان]

[جمع : پنج هزار و نهصد و هفتاد و شش تومان] ^(۱)

[حاشیه] : [مهر : ورود به دفتر دیوان محاسبات مورخه ۵ جدی ۱۳۲۸، نمره ۳۳۲۹]

[۲۴۰۰۰۵۹۷۶]

۲۹

تجارخانه جمشید بهمن جمشیدیان، نمره ۷۴۷، تاریخ ۱۸

شهر ربیع الاول ۱۳۲۹

هو

حضور محترم اعضای دیوان محاسبات دام بقائه

با کمال احترام عرض می شود قبض هفت هزار تومان سنه بیچی ثیل جناب مستطاب آقای حاجی عدل السلطنه دام اقباله که به خرج یزد منظور شده است و شش هزار و سیصد تومان آن [را] جناب مشیرالممالک یزدی پرداخته اند و هفتصد تومان باقی مانده و حالیه جناب لقمان السلطنه یزدی مبلغ چهارصد و یک تومان کسری از بابت بقایای یزد حواله به اجرای دیوان محاسبات داده که بنده پردازد. استدعا دارد این وجه را از بابت بقیه قبض هفت هزار تومان حاجی عدل السلطنه محسوب داشته و از بابت بقیه آن که دوپست ونود و کسری است تکلیف بنده را معلوم فرمایید. زیاده عرضی ندارد.

دعاگو جمشید

[حاشیه]: [مهر: ورود به دفتر دیوان محاسبات، مورخه ۳۱ حوت ۱۳۲۹، نمره ۳۷۰۳]

[۲۴۰۰۰۵۹۷۶]

۳۰

دیوان محاسبات، نمره ۳۷۱۸، مورخه ۷ حمل [۱۲۹۰] /

[۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۹]

مقام منیع وزارت جلیله مالیه

در موقعی که لقمان السلطنه پیشکار مشیرالممالک حساب سنه ماضیه بیچی ثیل یزد

را مفروق می‌کرد یک طغرا قبض خزانه به مبلغ هفت هزار تومان که از بابت وجوه صندوق‌خانه ابواب جمعی عدل‌السلطنه صادر شده بود، تحویل داده و اظهار داشت مبلغ شش هزار و سیصد تومان از این قبض به ارباب جمشید داده شده و از بابت هفتصد تومان باقی مانده فهرست مشیرالممالک در نزد ارباب جمشید ضبط است. دیوان محاسبات همان مبلغ شش هزار و سیصد تومان قلم‌دادی را به خرج نوشته و کل قبض خزانه را ضبط نمود. پس از اتمام حساب لقمان‌السلطنه چهارصد و یک تومان و کسری باقی محاسبه مزبور را به ارباب جمشید حواله کرد که به اداره اجرای وزارت مالیه کارسازی نماید. ارباب جمشید شرحی به دیوان محاسبات نوشته و تقاضا کرده است که این چهارصد و یک تومان از بابت هفتصد تومان باقی مانده قبض خزانه به مشارالیه واگذار و از بابت باقی مانده تکلیفی معین شود. این مطلب هم تذکاراً به عرض می‌رسد که در حساب حاج عدل‌السلطنه کل هفت هزار تومان قبض خزانه جمع شده و بعد از آنچه از حساب کسر شد مفاصدا داده شده. سواد مشروحه ارباب جمشید هم لفاً ارسال گردید که به هر طوری که مقتضی دانستند مرقوم فرمایند تا جواب از همان قرار به ارباب جمشید داده شود.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۵۹۷۶]

۳۱

وزارت مالیه، اداره تحریرات مرکزی، نمره ۶۴، مورخه ربیع‌الآخر ۱۳۲۹

دیوان محاسبات

در جواب مراسله آن دیوان محترم که به نمره (۳۷۱۸) و راجع به چهارصد و یک

تومان و کسری باقی محاسبه بیچی نیل یزد بود زحمت می دهد که چون رعایت حال تجار پارسی خصوصاً ارباب جمشید در این گونه موارد لازم است ضرر ندارد که آن دیوان وجه حواله این چهارصد و یک تومان را از بابت باقی حواله خزانه راجع به هفت هزار تومان ابواب جمعی جناب حاجی عدل السلطنه محسوب دارید. نهایت این است که مشیرالممالک یا وکیل ایشان باید عوض این چهارصد و یک تومان باقی محاسبه را به وسیله دیگر پردازند.

از طرف وزیر مالیه [امضا]

[مهر وزارت مالیه]

[حاشیه]: [مهر: ورود به دفتر دیوان محاسبات، مورخه ۲۲ حمل ۱۳۲۹، نمره ۳۷۹۷]

[۲۴۰۰۰۵۹۷۶]

۳۲

وزارت مالیه، اداره تحریرات مرکزی، نمره ۱۳۳۳، به تاریخ ۲۸ حمل

[۱۲۹۰] / [۱۹ ربیع الثانی] ۱۳۲۹

هو

دیوان محاسبات

در ضمن مراسله نمره (۳۷۹۷) نسبت به جوابی که وزارت مالیه در ضمن مراسله نمره (۶۴) به آن دیوان محترم فرستاده، توضیح خواسته بودید ایضاً اشعار می شود که دیوان محاسبات در طی مراسله نمره (۳۷۱۸) اظهار داشته بودند که در موقع تفریق حساب لقمان السلطنه پیشکار مشیرالممالک از بابت محاسبه بیچی نیل یزد، یک طغرا

قبض خزانه معادل مبلغ هفت هزار تومان که از بابت وجوه صندوقخانه ابواب جمعی عدل السلطنه صادر شده بود لقمان السلطنه تحویل داد و اظهار داشته بود که مبلغ شش هزار و سیصد تومان از وجه قبض مزبور به ارباب جمشید داده شده و از بابت هفتصد تومان باقی مانده فهرست مشیرالممالک نزد ارباب جمشید ضبط است و دیوان محاسبات همان مبلغی را که از این بابت به ارباب جمشید رسیده به خرج نوشته و قبض خزانه را ضبط کرده و پس از اتمام حساب چهارصد و یک تومان و کسری باقی محاسبه مزبور را لقمان السلطنه به ارباب جمشید حواله کرده که بپردازد و حالا ارباب جمشید تقاضا نموده که این چهارصد و کسری از بابت هفتصد تومان فهرست سابق الذکر محسوب و نسبت به باقی وجه فهرست هم قراری داده شود. وزارت مالیه در جواب آن دیوان محترم اظهار می دارد که چهارصد و یک تومان را از بابت وجه فهرست هفتصد تومان باقی حواله که نزد ارباب جمشید است محسوب بدارید و ضمناً این نکته را در نظر بگیرید که چون باقی حساب یزد عوض وجه این فهرست محسوب می شود در تحت باقی حساب یزد مبلغ مزبور را به اسم تحویلی عدل السلطنه از بابت بقیه هفت هزار تومان حواله خزانه به خرج منظور دارید که رعایت ترتیب حساب هم شده باشد.

از طرف وزیر مالیه [امضا]

[مهر : وزارت مالیه]

[حاشیه] : [مهر : ورود به دفتر دیوان محاسبات، مورخه ۲ ثور ۱۳۲۹، نمره ۳۸۳۷]

[۲۴۰۰۰۵۹۷۶]

۳۳

وزارت مالیه، اداره محاسبات کل، نمره ۱۲۷۴، مورخه ۶ ثور [۱۲۹۰] /

[۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۹]

دیوان محاسبات

مراسله محترمه نمره ۳۷۹۵ درباب فهرست مشیرالممالک که در دست تجارتخانه جمشیدیان است و مقرر است که به بقایای سنه ماضیه کرمان حواله شود عزّ وصول بخشید. مرقوم فرموده بودید که این فهرست وقتی باید حواله شود که حساب حاج میرزا ابوالقاسم خان رسیدگی شده طلبی برای او مشخص گردد. در جواب حسب الامر خاطر آن دیوان محترم را متذکر می سازد که تجارتخانه جمشیدیان وجهی را به اعتبار حواله دولت پرداخته و از پیشکار مالیه یزد فهرست قبولی گرفته است. حالا اگر صاحب جمعی که واسطه دریافت این وجه بوده حساب خود را به دیوان نپرداخته تقصیر تجارتخانه چی است؟ این وجه طلب تجارتخانه از دولت است نه از صاحب جمع مذکور، در صورتی که حاجی میرزا ابوالقاسم خان در برابر دیوان بدهکار باشد لزوم رسیدگی به حساب او عذری برای تأخیر پرداخت طلب جمشیدیان شمرده نمی شود. البته اگر دینی بر ذمه حاج میرزا ابوالقاسم خان معین گردید دولت طلب خود را از او وصول خواهد کرد. بنابراین وزارت مالیه با ایراد ملاحظاتی که در مراسله محترمه قید فرموده اید تجارتخانه جمشیدیان را نمی تواند متقاعد کند. اگر جز این ادله دیگری برای اقناع تجارتخانه در کار است اشعار فرمایید. طلب تجارتخانه جمشیدیان از بابت فراشخانه و صندوقخانه همان حکم طلب مشارالیه از بابت بودجه سلطنتی را دارد.

منتخب الدوله

[۲۴۰۰۰۵۴۴۷]

۳۴

وزارت مالیه، اداره محاسبات کل، نمره ۱۷۶۳، به تاریخ ۲۱ ثور [۱۲۹۰] /

[۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۹]

دیوان محاسبات

از شرح مراسله نمره (۳۸۹۲) استحضار حاصل شد. فهرست پنجاه و چهار هزار تومان شاهزاده رکن الدوله که در دست جهانیان^(۱) است مثالی برای تأخیر پرداخت فهرست مشیرالممالک که در دست جمشیدیان است نمی شود. تفاوت این دو فهرست ظاهر و مبین است که جهانیان دیناری از بابت فهرست رکن الدوله پرداخته و حق مطالبه وجه آن را ندارد و حال آن که جمشیدیان فهرست مشیرالممالک را به اعتبار همان نوشته پرداخته است و [در] مطالبه وجه آن محق است. لهذا به دفتر محاسبات کل ثانیاً ابلاغ شد که حسب المقرر فهرست مشیرالممالک را از بابت سنه ماضیه ایتیل حواله کرمان نمایند.

[امضا]

[مهر: وزارت مالیه]

[حاشیه]: [مهر: ورود به دفتر دیوان محاسبات نمره: ۳۹۴۵، تاریخ ۲۴ ثور ۱۳۲۹]

[۲۴۰۰۰۵۹۷۶]

۳۵

دیوان محاسبات، نمره ۵۹۲، مورخه ۶ محرم ۱۳۲۹، سواد مراسله ارباب جمشید

حضور محترم آقای رئیس دیوان محاسبات دامت تائیداته

احتراماً زحمت افزاست درخصوص محاسبه و طلب این بنده در صورتی که محاسبه بنده را وزارتخانه مسؤول رسیدگی کرده مفاسدا داده بود و صحت آن را تصدیق فرموده بودند و گویا به هیچ وجه قانوناً حق این که دیوان محاسبات رسیدگی به آن حساب بفرماید و دیناری کم و کسر بنماید نداشتند. ولی از آن جایی که همیشه این بنده خود را حاضر برای خدمت به دولت و ملت کرده از طرف دیوان محاسبات خواستند دقت نظری در محاسبه گذشته بنده بفرمایند و مبلغی را از طلب و محاسبه حقه بنده صلاح دانستند کسر شود و بقیه را نقداً کارسازی فرمایند، امر آن هیأت و اداره محترمه را اطاعت کرده مبلغی را که کسر فرمودند قبول نمود که بقیه طلب بنده نقداً برسد. حالیه قریب دو ماه است می‌گذرد دیناری از بابت طلب بنده نرسیده است. اینست لزوماً جسارت می‌نماید همان طور که مبلغی از طلب حقه بنده کسر فرمودند خوب بود به رسید بقیه طلب بنده هم فوری مطابق عدالت حکم می‌فرمودند. چنان چه بنا بود که مبلغی از طلب بنده کسر فرمایند و بقیه هم نرسد گویا به مقتضای عدالت نباشد. امید است و از همین است بذل توجهی در رسید طلب خود عاجلاً از آن هیأت محترم تمنا دارد که به مقتضای عدالت رفتار شده باشد. الباقی ایام به کام باد.

اقل جمشید بهمن پاریسی

[حاشیه]: - سواد مطابق اصل است، [مهر: دفتر دیوان محاسبات]

۳۶

دیوان محاسبات، نمره ۳۳۷۸، به تاریخ ۱۸ جدی [۱۲۸۹] / [۸ محرم ۱۳۲۹]

ضمیمه سواد مراسله ارباب جمشید

مقام منیع وزارت جلیله مالیه

سابقاً شرحی درخصوص حساب مخزن ابواب جمعی ارباب جمشید اشعار داشت که حساب مخزن ارباب جمشید در دیوان محاسبات رسیدگی شده و مبلغ پنج هزار تومان از حساب معزی‌الیه کسر کرده و راپرت آن را به وزارت جلیله مالیه داد و در ضمن استدعای پرداخت باقی طلب ارباب جمشید را از وزارت مالیه نمود که هر طور صلاح می‌دانند طلب معزی‌الیه را برسانند. اخیراً شرحی در این خصوص به دیوان محاسبات نوشته که سواد آن را لفاً تقدیم داشت پس از ملاحظه مشروح ارباب جمشید متمنی است باقی طلب معزی‌الیه را حواله و ایشان را آسوده فرمایید.

[امضا]

[مهر : دیوان محاسبات]

[حاشیه ۱] : [مهر : ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ : ۱۳ محرم ۱۳۲۹، نمره ۲۰۷۷۶]

[حاشیه ۲] : - به عرض برسد.

[حاشیه ۳] : - جواب بدین وزارت مالیه مشغول تهیه رجه است که بپردازد. [امضا]

[۲۴۰۰۰۶۶۰۹]

۳۷

وزارت مالیه، اداره تحریرات مرکزی، [نمره ندارد]، مورخه ۱۹ محرم ۱۳۲۹

دیوان محاسبات

نمره (۳۳۷۶) راجع به حساب مخزن ابواب جمعی ارباب جمشید شرحی اظهار نموده و سواد مراسله‌ای که ارباب جمشید به دیوان محاسبات نوشته لغاً ارسال داشته بودید ملاحظه کرده از تفصیل مطلع شده. جواباً می‌نویسد که وزارت مالیه مشغول تهیه وجه است، همین که وجهی فراهم شد البته طلب ارباب جمشید هم تأدیه و پرداخت می‌شود.

[حاشیه] - ضبط شود.

[۲۴۰۰۰۶۶۰۹]

* * *

۳۸

تجارخانه جمشید بهمن جمشیدیان، نمره ۳۶، تاریخ ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹

خدمت ذی مرحمت جناب مستطاب اجل اکرم امجد افخم عالی آقای منتخب‌الدوله دامت شوکتة فزون‌آباد ملکی این جانب واقعه در محال ورامین، جنساً دارای مالیات گزافی است. چنانچه در آن جا ممیزی شده است، خوب است مقرر فرماید صورت ممیزی آن جا را به بنده لطف فرماید و از همان قرار هم با بنده رفتار فرمایند و از پارساله هم سی و هشت خروار و هشتاد من از بنده مطالبه شلتوک دارند در صورتی که ابداً آب به آن جا نرسیده است و چیزی به عمل نیامده. چنانچه ممیزی شده است که از ممیزی حالیه تکلیف سال گذشته هم معلوم خواهد شد که این مطالبه سی و هشت خروار شلتوک از بنده بی‌موقع

است. چنانچه ممیزی نشده خواهشمند است مرقوم شود که مأمورین مطالبه نمایند تا ممیزی شده و تکلیف معلوم شود. دیگر عرضی ندارد.

[امضا: اقل جمشید بهمن پاریسی]

[حاشیه ۱]: - دفتر محاسبات کل

[حاشیه ۲]: - اداره خزانه توضیحات لازمه را مرقوم خواهند فرمود.

[حاشیه ۳]: - این مراسله شخصی است، اداره خزانه چه توضیح [دارد]، بدهد؟

[حاشیه ۴]: - سواد این مراسله شخصی در لَف مراسله رسمی به اداره خزانه فرستاده و توضیحات خواسته شود و ضمناً خاطر نشان گردد که اگر اداره خزانه مقتضی می داند جواب را مستقیماً به تجارتخانه جمشیدیان بنویسند و هرگاه تکلیف دیگر در کار است آن را هم بنویسند که به تجارتخانه مزبور ابلاغ شود.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۷۸۳۲]

۳۹

وزارت مالیه، اداره محاسبات کل، نمره: ۱۲۷۷، تاریخ ۷ ثور [۱۲۹۰] /

[۲۹ ربیع الثانی] ۱۳۲۹، ضمیمه سواد

اداره خزانه

سواد مراسله تجارتخانه جمشیدیان در خصوص جنس فرون آباد واقعه در محال ورامین ملکی ارباب جمشید لفاً ارسال گردید. خواهشمندم نتیجه نظریات و اطلاعات اداره خزانه را در موضوع اظهار ایشان به دفتر محاسبات کل اشعار فرمایید و در صورت اقتضا مقرر فرمایید جواب تجارتخانه مزبور را هم مستقیماً از اداره خزانه مرقوم بدارند.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۷۸۳۲]

۴۰.

وزارت مالیه، خزانه کل ممالک محروسه، نمره ۱۱۳۵، به تاریخ ۲۶ ثور

[۱۲۹۰] / [۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۹]

اداره محاسبات کل وزارت جلیله مالیه

مرقومه نمره ۱۲۷۷ در باب مالیات فرون آباد ملکی ارباب جمشید و ممیزی آن جا متضمن سواد مکتوب مشارالیه واصل شد. قریه مزبور ممیزی شده است ولی چون این ممیزی که در املاک و بلوکات اطراف تهران شده و می شود، تاکنون مدرک اخذ مالیات نشده و مقرر است که مالیات موافق معمول سنوات قبل مأخذ شود. لهذا نمی توان صورت آن را به مالکین داد و این که ارباب جمشید اظهار می دارند این ملک عایدی که گنجایش این مالیات [را] داشته باشد ندارد، حکم آن مختص به مقام وزارت جلیله است که اگر مقتضی بدانند، در صورت صحت اظهارات مالک تخفیفی بدهند در این صورت اداره خزانه می تواند مقصود ارباب جمشید را برآورده نماید و نیز لازم است توضیح نماید که قریه فرون آباد خالصه انتقالی است و در مورد املاک خالصه انتقالی مقرر است ولو کسر عمل هم داشته باشد چون سهم دولت مقدم بر سهم مالک است باید اول سهم دولت را تمام پردازند اگر چیزی اضافه باشد مالک ببرد. صورت ممیزی قریه مزبور لفاً تقدیم گردید.

[مهر: از طرف رئیس خزانه]، [امضا]

[حاشیه]: - صورتی در دست نبود به هر حال ضبط نمایید، مضمون آن شفاهاً به ارباب جمشید ابلاغ خواهد شد.

[۲۴۰۰۰۷۴۸۶]

۴۱

۱۰ عقرب [۱۲۹۱] / [۲۱ ذی حجه ۱۳۳۰]

آقای امین مالیه ورامین

به موجب راپورتی که از مأمورین اداره ممیزی رسیده شما باید اراضی متنازع فیه مابین حاجی آباد و فرون آباد را متصرف شوید. این اراضی طبیعتاً چون از نهر حاجی آباد مشروب می شود بدون هیچ تردیدی باید متعلق به این قریه باشد و البته اقدامات مقتضیه برای عمل زراعت آن به عمل آورید.

از طرف خزانه دار کل، رئیس خالصجات

[۲۴۰۰۰۲۸۵۸]

۴۲

تجارخانه جمشیدیان تهران، شعبه ملکی، نمره ۳۲۷، تاریخ ۲۶ ذی قعدة ۱۳۳۱

خدمت جناب جلالت مآب اجل مسیو لکیفر رئیس کل مالیه دام اقباله العالی

پس از تقدیم احترامات لایقه، خاطر محترم را مستحضر می دارد: شش سال است دوستدار قریه فرون آباد را با حدود مشخصه معینه خریداری کرده و قبل از بنده چندین سال در ملکیت اعتماد حضرت و عباس قلی آقا تاجر^(۱) بوده و در این مدت رعایای آن جا مشغول زراعت و رعیتی بوده، هیچ گونه معارض و مدعی اراضی آن جا نداشته. در دو ماه قبل جان علی و جعفر قلی نام شاهسون مستأجر حاجی آباد خالصه، فقط به نظر تعدی و اجحاف مدعی یک قطعه اراضی فرون آباد شده خواستند زراعتی را که رعایای

فرون آباد کرده‌اند ضبط نمایند، بنده جلوگیری کرده چون حرف مقرون به حسابی نداشتند ساکت و بی‌مداخله شدند. از قراری که امروز راپورت رسیده است جان‌علی و جعفرقلی با دو نفر مأمور خزانهداری به فرون آباد رفته مانع تخم و کشت اراضی فرون آباد شده و گفته‌اند باید مستأجرین حاجی آباد در این زمین زراعت کنند و به کلی رعایای فرون آباد را در این موقع زراعت از کار رعیتی باز داشته‌اند.

اولاً فرون آباد شش سال است به ملکیت بنده تعلق گرفته و این اراضی جزو ملک فرون آباد در تصرف بنده بوده که کشت و زرع می‌کرده‌ام به چه سند دو نفر مستأجر حاجی آباد ادعا می‌کنند و آقای رئیس مالیه ورامین حکم به تصرف اراضی ملک بنده می‌دهد؟

ثانیاً از دو سال قبل از طرف دولت نقشه [ای] از اراضی املاک خالصه برداشته‌اند که حالیه در خزانهداری ضبط است و همان نقشه حکم می‌کند که این اراضی متعلق به فرون آباد و عنوانات مستأجر حالیه حاجی آباد بی‌اساس است.

ثالثاً این مسأله مسأله حقوقی است به هیچ قاعده درست نمی‌آید که بدون محاکمه و رسیدگی و ملاحظه اسناد و نقشه و قبالات که در دست است آقای امین مالیه ورامین به یک اظهار مستأجر حاجی آباد حکم به ضبط ملک بنده نمایند و رعایا را از کار کشت و زرع باز دارند.

مستدعی هستم حکمی به امین مالیه مرقوم فرمایید مانع زراعت رعایای فرون آباد نشوند و جان‌علی و جعفرقلی مستأجرین حاجی آباد را به شهر بفرستند به اسناد و قبالات بنده رسیدگی فرمایید و اگر آن دو نفر، سندی بر صحت اظهار خود دارند ارائه بدهند و به نقشه [ای] که در خزانه حاضر است رجوع فرمایید، هر چه بر شخص جناب عالی معلوم شد و حکم فرمودید اطاعت می‌کنم. فقط به اظهار غرض آمیز دو نفر مستأجر حاجی آباد مقتضی نیست آقای امین مالیه اراضی ملک بنده را به تصرف

مستأجر حاجی آباد بدهند و مانع از کشت رعیت بشوند. چون موقع زراعت است انتظار جواب مساعد فوری دارد و در پایان معروضه تشکرات قلبی خود را تجدید می نماید.

[مهر: ملکی جمشیدیان تهران]

[۲۴۰۰۰۲۸۵۸]

۴۳

[خزانهداری کل]، نمره ۱۷۸۲۰، تاریخ ۱۷ عقرب [۱۲۹۱] /

[۱۸ ذی قعدة] ۱۳۳۱^(۱)

آقای امین مالیه ورامین

در تعقیب مراسله شماره ۳۴۵۴ راجع به قطعه زمینی که بین حاجی آباد خالصه و فرون آباد، ملکی آقای ارباب جمشید محل گفتگو بود، اشعار می دارد از بذرکاری رعایای فرون آباد در قطعه زمین فوق الذکر ممانعت ننماید تا رسیدگی شود. پس از آن که معلوم و محقق شد متعلق به دولت است حق الارض دریافت خواهد شد.

رئیس خالصجات

[۲۴۰۰۰۲۸۵۸]

۴۴

خزانهداری کل ایران، تاریخ ۲ برج حوت [۱۲۹۳] ۶ / شهر ربیع الثانی ۱۳۳۳

هو

امضاکنندگان ذیل، جناب مجلل السلطنه مفتش خزانهداری کل و امین مالیه ورامین

۱ - سربرگ سند به زبان فرانسه و متن آن به دو زبان فارسی و فرانسه است.

مطالب ذیل را تصدیق می‌کنیم.

به موجب مراسله اداره کل خالصجات به آقای ارباب جمشید مالک قریه فرون آباد
 اخطار شده بود که برای روز شنبه اول حوت نماینده خود را به فرون آباد فرستاده که به
 اتفاق این جانبان در سر قطعه زمین متنازع فیه بین فرون آباد و قریه حاجی آباد رفته و با
 حضور طرف قطع این معامله بشود. چون نماینده ایشان از شهر نیامده و در یوم معین
 حاضر نشده بود لذا این جانبان با اتفاق کدخدا جعفرقلی، کدخدای قریه حاجی آباد
 خالصه، به سرزمین رفته و آن قطعه زمین را معاینه نموده آنچه به ما ثابت شده و همان
 قسمتی که روی نقشه که آقای میرزا غلام علی خان ترسیم نموده است این قطعه زمین
 متعلق به حاجی آباد خالصه است و خود طبیعت اراضی این مسأله را ثابت می‌نماید و
 آقای میرزا جواد مباشر قریه فرون آباد هم حضور این جانبان را در سرزمین اعتراف
 می‌نماید. به تاریخ فوق

[امضا]، [مهر : جعفرقلی] - مهر کدخدای حاجی آباد

[امضا]، [مهر : ناخوانا] - مهر مباشر فرون آباد

[مهر : عبدعلی نقی]

محل مهر یکی از ریش سفیدان خاتون آباد که خودش اقرار می‌دارد

که در قطعه مزبور گاویندی نموده و حق اربابی را به خالصه داده

[۲۴۰۰۰۲۸۵۸]

۴۵

خزانه‌داری کل ایران، نمره [ندارد]، تاریخ ۱۳ حوت [۱۲۹۳] /
[۱۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳]

مقام محترم ریاست کل خالصجات دام بقائه

با کمال افتخار خاطر^(۱) مبارک را مستحضر می‌دارد به جهت^(۲) بازدید قطعه زمین متنازع فیه بین فرون آباد و حاجی آباد به اتفاق آقای امین مالیه ورامین به حاجی آباد رفته و قطعه زمین مزبور را معاینه نموده و آنچه که به این جانب دستگیر شده این قطعه زمین متعلق به دولت است و همان قسمی است که آقای میرزا غلام‌علی خان در روی نقشه ترسیم نموده است. چون از طرف اداره جلیله خالصجات به آقای ارباب جمشید اخطار شده بود که نماینده خود را به محل مزبور بفرستد، لذا یک روز هم منتظر ایشان شده و چون ایشان نیامده بودند، لذا روز دیگر به محل رفته و مباشر فرون آباد هم در سر زمین حاضر بود و در باب خالصه بودن قطعه زمین مزبور صورت مجلس به امضای چند نفر نوشته که لفاً تقدیم می‌دارد.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۲۸۵۸]

۴۶

تجارخانه جمشیدیان تهران، شعبه ملکی، نمره ۱۰، تاریخ ۱۴ جمادی‌الاولی ۱۳۳۳

خدمت جناب مسیو داشر رئیس کل خالصجات دام اقباله‌العالی

مرقومه‌ای که در طی شماره ۳۹۸۵۶/۳۳ در تعقیب نمره ۹۳۷۸ راجع به اراضی

۱ - اصل : خواطر.

۲ - اصل : تهیه.

فرون آباد که طرف طمع و ادعای یکی دو نفر مستأجر یا مباشر حاجی آباد خالصه واقع شده شرف وصول داد. مرقومه اخطاریه جناب عالی برای فرستادن نماینده در تحت شماره ۹۳۷۸ در تاریخ ۲۹ دلو صادر و برای اول حوت حضور نماینده بنده را به فرون آباد مشعر بود. یک روز فاصله برای رفتن نماینده بنده به فرون آباد خیلی وقت کمی بود و در همان روز در طی شماره ۱۳۶۰ جواب عرض شد که نماینده بنده ناخوش است، از ۱۵ حوت به بعد هر وقت را معین فرمایید بفرستم. در این مدت انتظار خبر از طرف اداره خالصجات داشتم، ابداً خبری نشد و دیروز مراسله اخیر به ضمیمه سواد تصدیق آقای امین مالیه و رامین و مجلل السلطنه مفتش خزانه داری کل رسید که حق به ادعای واهی و بی مدرک مباشر یا مستأجر حاجی آباد داده اند و در ضمن دلیل اقامه کرده اند که میرزا جواد مباشر قریه فرون آباد هم حضور این جانبان را در سرزمین اعتراف می نماید. آیا تشریف بردن آقای امین مالیه و مفتش خزانه داری به سرزمین دلیل می شود که اراضی فرون آباد متعلق به حاجی آباد است. هفت سال است که سند از قریه فرون آباد را با حدود معینه خریده ام. قبل از این که به ملکیت بنده تعلق گیرد چندین سال در ملکیت مرحوم اعتماد حضرت و حاجی عباس قلی آقای تاجر بوده و در حدود متصرفه زراعت و تصرفات مالکانه در این سنوات عدیده شده، گذشته از ید تصرف که شرعاً قوی است، فاصله در بین این اراضی فرون آباد که محل گفتگوی حاجی آبادی شده یک قطعه اراضی «هوسنه» است که باید حاجی آبادی آن جا را متصرف شود تا بعد حدّش متصل به اراضی فرون آباد گردد. در صورتی که اراضی حد فاصل متعلق به «هوسنه» است، از روی چه قاعده و مدرک مدعی اراضی فرون آباد می شوند. اگر یک نفر شخص مطلع خیبر بی غرض تنها یک نظر ساده به اراضی آن جا نماید وضعیات طبیعی اراضی و شاه نهر حد فاصل ملک فرون آباد و «هوسنه» به خوبی حکم بر بطلان ادعای حاجی آباد و مصدقین بی خبر می نماید. گویا فقط تصدیق امین مالیه و مفتش خزانه بدون حضور

نماینده و مصدق از طرف بنده کافی برای ضبط ملک متصرفی دوستدار نباشد. خواهش می‌کنم دو نفر از مطلعین اداره کاداستر^(۱) را معین فرمایید، نماینده و مصدقی هم بنده تعیین می‌کنم به محل بروند چند نفر از ریش سفیدان خاتون آباد هم جوار را نیز حاضر کرده رسیدگی نمایند. هر چه مصدقین تصدیق نمایند اطاعت می‌کنم. قطعاً یک مسأله حقوقی را تصدیق آقای امین مالیه و مفتش خزانه داری کفایت نمی‌کند و بنده هم از حقوق ثابته خود صرف نظر نکرده به وسیله این معروضه اعتراضات خودم را به تصدیق باطله مصدقین اظهار و تعیین مصدق و رسیدگی به موضوع را جداً درخواست کرده منتظر جواب می‌باشم.

[امضا]

[مهر : شعبه ملکی جمشیدیان تهران]

[۲۴۰۰۰۲۸۵۸]

۴۷

تجارخانه جمشیدیان تهران، شعبه ملکی، نمره ۳۰، تاریخ ۱۱ جمادی الثانیه ۱۳۳۳

خدمت رئیس محترم اداره خالصجات

راجع به ادعایی که مباشر حاجی آباد خالصه به اراضی فرون آباد دارد در طی مرقومه نمره ۱۸۸۴/۳۱۵ مرقوم شده بود که نماینده خود را معرفی نمایم تا در ۱۱ برج ثور در محل حاضر شده رسیدگی نمایند آقا ملا بهرام^(۲) حامل این مشروح نماینده این بنده

۱ - اصل: کاداس.

۲ - آقا ملا بهرام اخترخاوری که در دایره ارباب جمشید کار می‌کرده، شخصی خبره و آگاه در امور ملک داری و کشاورزی و قیمت گذاری زمین بوده است.

است، ولی لازم است از کدخدا و ریش سفیدان خاتون آباد و دهات اطراف هم مردمان با اطلاع و خبیر [را] به این کار بخواهند تا از روی حقانیت تحقیق شود نه این که آقای امین مالیه و مفتش خزانه بخواهند نظریات گذشته خودشان را که به کلی مخالف با وضعیت طبیعی اراضی و حدود ملکی است تعقیب نمایند.

[امضا]

[مهر : شعبه ملکی جمشیدیان تهران]

[۲۴۰۰۰۲۸۵۸]

۴۸

تجارخانه جمشیدیان تهران، شعبه ملکی، نمره ۸۵، تاریخ ۷ شعبان ۱۳۳۳

مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

نظر به حفظ منافع و مصالح ملکی خود و جلوگیری از خسارت و تضرراتی که به واسطه اقدام بی رویه از طرف امنای مالیه در ضبط محصول املاک تأمینیه بنده می شود، تصدیق می دهد قریه فرون آباد واقعه در ورامین به موجب اجاره نامه شرعیه در اجاره مسیو تکران و بارون داود است. از قرار راپورت واصله از بارون داود، امین مالیه ورامین مأمور فرستاده، جلوگیری از درو خرمن کوبی کرده و از رعایا التزام خواسته که معامله جزو نماید در صورتی که ملک در اجاره و بنا به اظهار مستأجر سن روی حاصل ریخته و بایستی با سرعت حاصل درو و کوبیده شود. هیچ معلوم نیست با چه دستور و تعلیمات حاصل املاک بنده ضبط می شود. اگر مقصود ضبط عایدات املاک است مقرر فرماید به موجب اجاره نامه هایی که مستأجرین در دست دارند وجه اجاره را نقد یا جنس تحویل بگیرند و بی جهت اسباب ضرر و خسارت برای دولت و مالک و مستأجر فراهم نیاورند و اگر غیر از ضبط عایدات املاک نظر دیگری تعقیب می شود که بنده اطلاع ندارم عرضی

نکرده فقط خاطر نشان می‌کنم که خسارت وارده بر املاک را با این اقدامات بی‌رویه‌ای که امنای مالیه در املاک بنده می‌نمایند در موقع مطالبه می‌نمایم و این قسم ضبط املاک که نتیجه‌اش خرابی ملک، تفرقه رعایا، حیف و میل حاصل است اعتراض نموده، در خاتمه معروضه باز تجدید استدعا می‌کنم که به فوریت به امنای مالیه متحدالمآلی صادر شود که مطابق اجاره نامه‌ای که در دست مستأجرین است وجه اجاره املاک را ضبط و متعرض مستأجرین و رعایا نشده املاک را از صورت آبادی به واسطه فرستادن مأمور و اقدامات بی‌رویه نیندازند تا ترتیبی که مستلزم عدالت و حفظ آبادی املاک باشد در این عمل داده شود. چون موقع ضبط حاصل است یک روز تأخیر نتیجه زحمات یک ساله که در کار زراعت و رعیتی املاک کشیده شده ضایع می‌کند و البته راضی نمی‌شوید و به صدور حکم مبنی بر ضبط وجه اجاره املاک خطاب به امنای مالیه امر می‌فرمایند.

[مهر: شعبه ملکی جمشیدیان تهران]

[امضا]

[حاشیه ۱]: - به اداره خالصجات نوشته شود اگر به صرفه اجاره رفته از مستأجر مطالبه نشود.

۴ سرطان

[حاشیه ۲]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ: ۵ سرطان ۱۳۳۳، نمره: ۱۸۲۲۶]

[۲۴۰۰۰۰۱۴۵]

۴۹

وزارت مالیه، نمره ۱۸۲۲۶، تاریخ ۱۶ شعبان ۱۳۳۳ / ۷ سرطان [۱۲۹۴]

در باب مال الاجاره قریه فرون آباد واقع در ورامین

اداره خالصجات

از قراری که ارباب جمشید به وزارت مالیه شکایت کرده است امین مالیه ورامین

می‌خواهد در مال‌الاجاره قریه فرون آباد معامله به جزو نماید. نظر به اظهارات مشارالیه لازم است از امین مالیه آن جا استعلام نماید که آیا قریه مزبوره موافق صرفه دولت اجاره داده شده است یا خیر و در صورتی که مقرون به صرفه باشد به هیچ وجه در امور آن جا مداخله ننموده و مال‌الاجاره را از مستأجر دریافت دارد و هرگاه مقرون به صلاح نبوده است تفصیل را کاملاً نوشته تا به طوری که مقتضی باشد در این خصوص اقدام شود.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۰۱۴۵]

* * *

۵۰

ریاست وزرا، نمره ۲۷۵، تاریخ ۱۶ جمادی‌الاولی ۱۳۳۰، صادره: حکم

معتدالسلطان بهادر لشکر

مأمور هستی به اتفاق ۶ نفر سوار بختیاری به قزوین بروی و املاکی که وراثت مرحوم آصف‌الدوله در حول و حوش قزوین دارند، محصول آنها را بدون این که جز مخارج لازمه خودتان و اسبهاشان را که به موجب قبض باید از کدخدایان املاک مذکور مأخوذ دارید به هیچ اسم و رسم حبه و دیناری از کسی بگیرید، یا مزاحم و متعرض رعایای آن جا بشوید، توقیف نمایید و در کمال مراقبت و مواظبت کلیه محصول آن املاک را محارست و محافظت نمایید و به عموم کدخدایان بسپارید که حبه و دیناری از عایدات آن املاک چنانچه به مالکین آنها بدهند، مسؤول و مؤاخذ خواهید بود و باید کلیه محصول و عایدات تمامی آن املاک در توقیف شما و کدخدایان آن جا باشد تا وراثت مرحوم آصف‌الدوله قراری در باب محاسبه ارباب جمشید تاجر پارسی بدهند و عمل او را ختم نمایند پس از ختم عمل و پرداخت طلب مشارالیه حکم ارجاع شما به تهران و

تکلیف مأموریت شما فرستاده خواهد شد. البته به نوعی که نوشته‌ام باید از همین قرار رفتار داشته و خود را مسؤول انجام این مأموریت دانسته و همه اوقات مادام که مأموریت دارید و آن جا هستید راپورت اعمال و اقدامات خودتان را بدهید که مستحضر باشم.

[امضا]

[۱۹-۱۱۶۰۰۳ / ۴-۷۹۶]

۵۱

کابینه نیابت سلطنت عظمی، نمره ۱۷۸۴، [به تاریخ حمل ۱۲۹۱]

سواد عریضه اولاد مرحوم آصف الدوله

مقام مقدس نیابت سلطنت عظمی

چند سال قبل صاحب اختیار در کاشان بودند، مأمور حکومت کرمان شدند، پنجاه هزار تومان دولت از بابت مالیات کرمان خواسته به توسط مرحوم آصف الدوله قرار دادند ارباب جمشید پنجاه هزار تومان را بدهد و عوض، صاحب اختیار به ارباب جمشید برساند. مبلغ بیست هزار تومان هم صاحب اختیار از کرمان به ارباب جمشید رسانیده حالیه ارباب جمشید مطالبه سی هزار تومان را از اولاد مرحوم آصف الدوله می نماید استدعا است امر و مقرر فرمایند در این باب رسیدگی نمایند معلوم گردد سی هزار تومان مالیات کرمان که صاحب اختیار حاکم بوده به عهده کیست.

سواد مطابق اصل است.

[حاشیه]: [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ: ۱۲ حمل ۱۳۳۰، نمره: ۲۰۵۷۸]

[۲۴۰۰۰۵۵۷۹]

۵۲

کابینه نیابت سلطنت عظمی، [نمره ندارد]، [تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۳۰]

سواد: عریضه ورثه مرحوم آصف الدوله

مقام مقدس محترم والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمته

آقای وزیر جنگ در عریضه جوابیه راجع به گفتگوی ارباب جمشید عرض کرده‌اند: مجلس منعقد شده و طلب ارباب جمشید به ثبوت پیوسته. فقط یک مجلس در منزل حاجی معین‌التجار بوشهری منعقد گردیده دو نفر از چاکران حاضر شده آقای میرزا محمدعلی خان و آقای معتمد السلطنه و حاجی امین‌الضرب که مصدق بودند به ملاحظات معلوم حاضر نشدند. آقای مخبر السلطنه حاضر شدند ولی داخل مذاکره نشدند. بعد از آن چند نفر موثق دیگر معین نموده پیشنهاد کردیم اقدام به انعقاد آن مجلس هم نفرمودند. علاوه بر آن ارباب جمشید می‌گوید پنجاه هزار تومان از بابت مالیات کرمان به دولت داده‌ام. بیست هزار تومان عوض از آقای صاحب اختیار گرفته‌ام، سی هزار تومان باقی است باید ورثه آصف الدوله این سی هزار تومان را به علاوه سی هزار تومان تنزیل که شصت هزار تومان می‌شود بدهند. آقای وزیر جنگ گاهی به فشار مأمور بختیاری از شهاب‌الملک نوشته می‌گیرند، گاهی مأمور معین می‌فرمایند املاک اولاد آصف الدوله را ضبط نمایند. معلوم نیست این گونه دخالت آقای وزیر جنگ موافق کدام قانون است، چنانچه علت مداخله ارباب جمشید در تدارکات ملبوس قشونی است، اولاد آصف الدوله هزار درجه تحمیل این تدارک را گوارتر می‌داند تا این که مالیات کرمان را که دیگری حکومت نموده و مستقیماً با ارباب جمشید طرف شده بدهند. در این مدت هر چه استدعا کرده‌ایم اقلاً تحقیق نمایند معلوم شود در حساب

خزانه از بابت مالیات کرمان چه مبلغ جمع شده و به دولت رسیده، به هیچ وجه اقدام نکرده‌اند. از آن طرف جمعی از سواران بختیاری را مأمور می‌کنند بروند چهار پارچه املاکی که محل معاش دویست نفر زن و مرد است توقیف و تفریط نمایند مستدعی است محضاً لله حکمی فرمایند که این جمعیت پریشان و مستأصل نشوند. امر الاقدس مطاع.

اولاد مرحوم آصف الدوله

سواد مطابق اصل است.

[۲۴۰۰۵۵۷۹]

۵۳

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۲۱۱۰، به تاریخ ۸ جمادی الثانیه

۱۳۳۰ / ۴ جوزای [۱۲۹۱]

مقام محترم ریاست وزرای عظام دامت شوکتہ

وژات مرحوم آصف الدوله به شرح عریضه حضور انور والا حضرت اقدس نیابت سلطنت عظمی دامت عظمتہ تظلم نموده‌اند. نظر به این که اظهارات آنها اساساً راجع به وزارت مالیه است، سواد عرض حال مشارالیه را در ضمن لایحه‌ای به وزارت مالیه ارجاع و ابلاغ فرموده‌اند که در آسایش آنها اقدامات لازمه به عمل آید. از قرار مذکور عده‌ای از سواران بختیاری از طرف وزارت جلیله جنگ مأمور شده و به املاک آنها رفته‌اند و مبلغ چهارصد و پنجاه تومان هم مأخوذ داشته‌اند. لهذا محترماً استدعا دارد همان طوری که مقرر فرموده‌اند لازم است قدغن فرمایید در این خصوص سریعاً مجلسی تشکیل یافته پس از تشکیل به هر طور مقرر کردید حاضرند اطاعت نمایند. در

هر صورت با این که ورثه مرحوم آصف الدوله در مرکز هستند، تعرض به املاک آنها حقاً سزاوار نیست.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۵۵۷۹]

۵۴

وزارت مالیه، نمره ۲۱۶۹، مورخه ۵ جوزا [۱۲۹۱] / [۹ جمادی الثانی] ۱۳۳۰

وزارت جلیله جنگ

در خصوص گفتگویی از بابت ادعای ارباب جمشید به ورثه مرحوم حاجی آصف الدوله راجع است. خاطر محترم آن وزارت جلیله سابقه آگاهی دارد که قرار شده مجلسی تشکیل شود و به طور صحیح رسیدگی به عمل آمده نتیجه آن مجلس به موقع اجرا گذارده شود. در این صورت بودن مأمورین آن وزارت جلیله در سر املاک ورثه مزبور لزومی ندارد، خصوصاً این که معدودی زن و بچه در آن املاک مقیم هستند که ناچار از توقف مأمور اسباب توحش آنها فراهم می شود، مخصوصاً زحمت عرض داده تمنا می کند که قدغن فرمایید مأمورین هر چند نفر هستند عاجلاً به شهر مراجعت کرده مزاحم نباشند تا به زودی مجلس تحقیق این کار تشکیل یافته رفع اختلاف بشود.

[۲۴۰۰۰۵۵۷۹]

۵۵

وزارت داخله، دایرة تأمینات، نمره ۵۹۷، مورخه ۱۵ جمادی الآخر ۱۳۳۰

وزارت جلیله مالیه

مراسله [ای] از رئیس تعلیمات ژاندارمری در خصوص نظام الدین خان و پرویز خان و

محمدخان به وزارت داخله رسیده که سواد آن را برای استحضار خاطر آن وزارت جلیله
لفاً ارسال داشت تا هر طور مقتضی است اقدام فرمایند.

از طرف وزیر داخله - مدیر اداره مرکزی [امضا مصطفی قلی]

[مهر : وزارت داخله]

اداره خط فارس - ۱۶ جوزا

مشروحه وزارت جلیله داخله راجب به طلب ارباب جمشید از ورثه مرحوم حاج
آصف الدوله است که از بابت وجه مساعدۀ مالیاتی سنۀ بیجی ثیل کرمان جمعی صاحب
اختیار، ارباب جمشید به ضمانت مرحوم آصف الدوله پرداخته است و چون تاکنون
طلب ارباب جمشید نرسیده و وراثت آن مرحوم به مستمسک این که وجه به دولت
رسیده می خواهند دولت را طرف قرار بدهند و ارباب جمشید هم از این بابت متظلم
است و از قرار معلوم از طرف وزارت جلیله جنگ املاک وراثت آن مرحوم توقیف شده.
اینک وزارت داخله رسیدگی این امر را به وزارت مالیه رجوع نموده است. چون وزارت
مالیه به هیچ وجه مداخله در این گفتگو نداشته و املاک ورثه آصف الدوله هم از طرف
وزارت جنگ توقیف شده باید علت توقیف و ختم گفتگو را از وزارت جلیله جنگ
بخواهید.

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ: ۱۸ جوزا ۱۳۳۰، نمره: ۲۸۰۰]

[حاشیه ۲]: - جواب مرقوم دارند، ۲ سرطان.

[۲۴۰۰۰۵۵۷۹]

۵۶

ریاست وزرا، نمره ۱۲۴۱، به تاریخ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۰ /

اول عقرب سیچقان نیل [۱۲۹۱]

وزارت جلیله مالیه

درخصوص تصفیة طلب ارباب جمشید از ورثه آصف الدوله مرحوم، پس از مذاکرات زیاد بالاخره به اطلاع دولت، طرفین چند نفر مصدق معین کردند که به ریاست و حکمیت آقای مخبرالسلطنه فرمانفرمای فارس به حساب و گفتگوهای طرفین رسیدگی نموده هر قسم حکم کردند مجرا شود. دولت هم همین تصویب را تصدیق کرد. مجلس مصدقین با حضور آقای مخبرالسلطنه بعد از مجالس رسیده به حکمیت قرار دادند که از بابت فرع این طلب نصف را ارباب جمشید تخفیف بدهد، نصف دیگر را ورثه آصف الدوله بپردازند. سی هزار تومان اصل را تا دو ماه دولت بپردازد و اگر ادای آن وجه بیشتر از دو ماه طول کشید فرع آن را هم دولت متحمل شود. علی هذا مقرر دارید مطابق قرارداد مجلس مصدقین و آقای مخبرالسلطنه معمول و مجری داشته هر چه زودتر ارباب جمشید را آسوده دارند.

[امضای ۸ نفر از اعضای کابینه نجفقلی بختیاری]

[حاشیه]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۸ عقرب ۱۳۳۰، نمره ۶۰۰۱۱۴]

[۲۴۰۰۰۵۵۷۹]

* * *

۵۷

وزارت مالیه، نمره ۷۴۲۶، مورخه ۲۹ میزان [۱۲۹۲]، سواد مرقومه

وزارت جلیله جنگ

وزارت جلیله مالیه

در موضوع ملبوس نظام مرکزی مکرر زحمت داده شده که لباس آنها خیلی مندرس

و از حیّز انتفاع افتاده است. اینک نیز لزوماً تجدید مزاحمت می‌نماید ملبوس این عده قلیل ساخلو مرکز طوری مستعمل و مغشوش شده که به صورت خیلی زشت مشغول خدمت هستند. در این موقع زمستان هم نزدیک شده، حقیقتاً مشاهده حال آنها اسباب تأثر و تأسف است گذشته از این که با این ترتیب نگاه‌داری آنها خیلی مشکل است، برای سلام اعیاد هم لباس ندارند. از آن جمله عید اضحی که در پیش است، حاضر شدن طبقات نظام با این حالت فلاکت در انتظار نمایش خوبی نخواهد داشت مخصوصاً تمنی می‌کنم در این باب توجهی مبذول و مقرر فرمایید مطابق ورقه درخواست صادره به نمره (۶۰۸) قیمت ملبوس زمستانی آنها را به فوریت [به] خزانه‌داری برسانند که هر چه زودتر تهیه لباس آنها گردیده و در موقع سلام هم از این حیث اسباب نگرانی فراهم نشود.

از طرف وزیر جنگ [امضا]

سواد مطابق اصل است

[مهر : کابینه وزارت مالیه]

[۲۴۰۰۰۴۷۳۱]

۵۸

وزارت جنگ، نمره ۵۴۰۴/۱۰۱۷۳، به تاریخ ۲۷ عقرب [۱۲۹۲] /

[۱۸ ذی حجه] ۱۳۳۱، خیلی فوری

آقای خزانه‌داری کل

البته خزانه‌داری کل کاملاً مسبوق است که تهیه ملبوس راجع به مخزن است و تاکنون این طور معمول و مقرر بود که به ارباب جمشید به رسم علی الحساب پرداخت و در

مقابل بر حسب لزوم به مشارالیه دستورالعمل داده می‌شد که تدارک ملبوس نماید و بر طبق حوالجات وزارت جنگ ملبوس را به قشون تحویل می‌نمود، در انقضای سال محاسبه خود را از روی اسناد و بروات با دولت تفریق و غالباً مبلغی طلبکار می‌شد که بعد دریافت می‌داشت. چون وسایل تفتیش به این ترتیب برای خزانه‌داری غیرممکن بود، لهذا وزارت جنگ ملبوس هر قسمت را جزو حقوق همان قسمت منظور نمود که قیمت آن پرداخت و ملبوس تهیه شود و نیز این مطلب محقق است که دولت تا به حال یک نوع معامله نسیه با ارباب جمشید داشت و به همین واسطه برای وزارت جنگ لباس گرانتر تمام می‌شد، ولی حالیه که وجه نقد قبلاً پرداخت می‌شود ناگزیر تفاوتی در قیمت حاصل خواهد شد (چنان که در اوراق درخواست صادره تعرض شده). بایست قیمت ملبوس که تهیه می‌شود مطابق همان پارچه سابق ارزان‌تر تمام گردد. بدیهی است رعایت این نکته هم از طرف وزارت جنگ و نماینده خزانه‌داری کاملاً خواهد شد. لیکن مقصود این است که از اداره خزانه به کنترتور^(۱) وزارت جنگ باید تعلیمات لازمه داده شود و مسبوق نمایند که تهیه ملبوس قشون از وظایف مختصه وزارت جنگ و مطابق فرم و ترتیبی که مقرر است باید تدارک بشود و بدون اجازه وزارت جنگ هیچ یک از قسمتهای قشونی مجاز نخواهند بود که به سلیقه و اراده شخصی خود نمونه بدهند و کنترتور وزارت جنگ بر طبق تقاضای آنها تدارک ملبوس نمایند و نماینده خزانه‌داری باید در تهیه آن از حیث رعایت قیمت و پارچه تا یک درجه نظارت داشته باشد اما تصور نشود که تهیه آن به عهده مشارالیه خواهد بود زیرا که این مسأله راجع به نظام است و برحسب تعلیمات اداره نظام با نظارت کنترتور وزارت جنگ باید تدارک بشود و مثل پرداخت

حقوق قشونی به اداره خزانة مربوط نخواهد شد. عجالهٔ قدغن شد به فوریت یک دست ارباب جمشید تهیه نماید، یک دست هم رئیس گارد برحسب تقاضای خودش تهیه نموده و قبلاً وزارت جنگ نظریات خود را معلوم و بعد کتورتور وزارت جنگ دقت لازمه را بنماید و پس از تصدیق هر یک از آنها وجهی که حواله شده به متصدی آن تحویل و به فوریت تدارک بشود و غیر از این ترتیب تولید زحمتی خواهد شد و نماینده خزانة داری از طرف آن اداره می تواند پس از تحصیل اجازه به متصدی این امر اعتبار بدهد که برای سایر قسمتها هم زودتر تهیه لباس شده و به تدریج وجه آن پرداخت گردد و نیز لازم است توضیحاً زحمت بدهم نظر به خسارت و زحمت این مدت ارباب جمشید در صورتی که نمونه ملبوس او موافق نمونه رئیس گارد بوده و تفاوتی نداشته باشد باید تمام کردن ملبوس به ارباب جمشید واگذار شود که اگر پارچه و لوازمی برای این کار تدارک کرده بی مصرف نمانده و مساعدتی با او شده باشد و در خاتمه مراسله نیز تقاضا می نمایم به ملاحظه سردی هوا زودتر تعلیمات لازمه بر طبق این مراسله به نماینده آن اداره بشود که هر چه زودتر مساعدت نموده اقدام به عمل آید و نمونه ها هم دو روزه تهیه خواهد شد.

از طرف وزیر جنگ : [امضا]

[مهر : وزارت جنگ]

[حاشیه ۱] : - [مهر : 19.Nov. 1913]

[حاشیه ۲] : - NO = 19861

[۲۴۰۰۰۴۷۳۱]

۵۹

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۷۷۸۲، مورخه ۴ قوس [۱۲۹۲] /
[۲۵ ذی حجه ۱۳۳۱]^(۱)، سواد مراسله وزارت جنگ [به تاریخ ۳ قوس

وزارت جلیله مالیه

چنان که در موضوع مصارف سوخت زمستانی متذکر شد که در تعقیب هر ورقه درخواست صادره باید برای وصول تنخواه آن وزارت جلیله جنگ مدتی دچار زحمت مکاتبه بشود، اینک در باب قیمت ملبوس زمستانی ساخلو مرکز هم ورقه درخواست مطابق عده حاضره صادر و فرستاده شده، حالیه لزوماً یادآوری می نماید که زمستان خیلی نزدیک و همه روزه قراولان عمارات سلطنتی و مأمورین درب خانه ها^(۲) و ساخلو از رسیدن ملبوس شکایت می نمایند. چون تهیه پارچه و دوختن لباس مدتی طول دارد اگر حقیقتاً در این چند روزه صدور حواله ورقه مزبوره برای خزانه داری کل ممکن نمی شود، لامحاله قدغن^(۳) فرمایید به ارباب جمشید متصدی تدارکات نظامی اطمینان و اعتبار بدهند که از خودش کارگشایی نموده پارچه تهیه کند که با تعلیمات وزارت جنگ مشغول تدارک ملبوس باشد تا وجه حواله از خزانه برسد. منتظر است در این خصوص سریعاً توجهی فرموده نتیجه را به وزارت جنگ مرقوم فرمایید مخصوصاً صورت لباس قراولهای عمارتهای سلطنتی بسپارند و هر چه زودتر بایست تأکید فرمایند که حواله کنند و این مصرف جزو یکی از مخارج فوری ضروری خواهد بود و راجع به عده علاوه بر

۱ - در اصل سند سال ۱۳۳۲ نگاشته شده اما طبق گاهنامه تطبیقی تألیف احمد ببرشک اول محرم ۱۳۳۲ مطابق ۹ آذر (قوس) ۱۲۹۲ بوده است. محتمل است سوادنویس این اشتباه را در تقارن دو سال مذکور کرده باشد.

۲ - اصل: درب خانه ها.

۳ - اصل: غدغن.

حاضری هم منظور نشده که هر موقع دولت تصمیم کرد تدارکات آنها تهیه می شود. ورقه صادره فقط راجع به عده حاضر است.

(غلام حسین غفاری) (وزارت جنگ)

سواد مطابق اصل است.

[مهر: کابینه وزارت مالیه]

[۲۴۰۰۰۴۷۳۱]

* * *

۶۰

وزارت جنگ، [نمره ندارد]، [تاریخ حمل ۱۲۹۳]، سواد مراسله ارباب جمشید

مقام منبع وزارت جلیله جنگ دامت شوکته

متجاوز از هفت سال است که خدمات امورات مخزن نظامی راجع به بنده است و در این مدت تعمیرات کلی و جزئی عمارت مخزن را از خود تحمل نموده و مکرر عرض کرده که عمارت مخزن تعمیر لازم دارد تا جلوگیری از خرابی کلی شود. ابداً عرایض بنده قابل توجه نشده و موقع قبول نیافته تا در بارندگی چند روز قبل کلیه انبارهای ملبوس خراب و تمام اجناس موجودی در انبار ضایع گردید مبلغ کلی به بنده خسارت و ضرر وارد آمده است دیگر اطاق سالم در مخزن نیست که بتوان انبار قرارداد و اجناس و ملبوس موجوده را در آن جا حفظ کرد و اگر یک بارندگی دیگر بشود، باقی مانده هم خراب و خسارت کلی وارد خواهد آمد. مستدعی است امر و مقرر فرمایند مفتشی از طرف وزارت جنگ بیاید خسارت وارده بر بنده را تعیین و خرابی مخزن را مشاهده کرده، راپورت خرابی را به عرض مبارک می‌رساند که اقدامی در تعمیر مخزن و جلوگیری از خرابی بنای باقی مانده فرمایند.

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۱ حمل ۱۳۳۲، نمره ۱۱۱]

[۲۴۰۰۰۸۳۳۵]

۶۱

وزارت جنگ، اداره محاسبات قشونی، نمره ۱۱۱۲۴/۱۸۷، به تاریخ ۱۷ ثور

[۱۲۹۳] / [۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۲]

وزارت جلیله مالیه

چندی قبل مطابق راپورت آقای ارباب جمشید راجع به خرابی مخزن شرحی در ضمن مراسله نمره $\frac{۶۱۰۹}{۱۰۸۷۳}$ زحمت داده بود از قرار معلوم تاکنون توجهی در این خصوص نفرموده اید. اینک در تعقیب همان مراسله لزوماً یادآوری می نماید که اگر در باب تعمیرات مخزن به فوریت اقدامی نشود و باران دیگری بیاید تمام کارخانجات مخزن منهدم و ضرر کلی متوجه دولت خواهد گردید. لازم است در این خصوص تأکیدی فرماید که زودتر مخارج آن جا را برآورد نموده شروع به تعمیرات نمایند.

[امضا] - [مهر: وزارت جنگ]

[حاشیه ۱]: - رجوع به سابقه فرمایند. ۱۹ ثور

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۹ ثور ۱۳۳۲، نمره ۱۰۵۶]

[۲۴۰۰۰۸۳۳۵]

* * *

۶۲

ورقه استنطاقیه دیوانخانه عدلیه، تاریخ نهم ربیع الثانی ۱۳۳۶

مدعی: ارباب جمشید به وکالت فاضل عراقی

مدعی علیه: شاهزاده عزیزالدوله

مدعایه: دوهزار و یک صد و پنجاه و سه تومان - دوهزار و هفتصد و پنجاه دینار

شرح عرض حال رسمی است

- به تاریخ یوم یکشنبه ۲۷ شهر ربیع الثانی ۳۶: محکمه تشکیل و وکیل مدعی در ساعت مقرر در محکمه حاضر و از طرف مدعی علیه کسی حاضر نشد برحسب تقاضای وکیل مدعی، مدعی علیه به احضار ثانی برای یوم پنجشنبه ۱۶ شهر جمادی الاولی ۳۶ احضار شد. دو ساعت ونیم قبل از ظهر

[امضا: فاضل عراقی]

- ۱۶ جمادی الاولی ۳۶: محکمه تشکیل و در وقت مقرر وکیل مدعی حاضر و از طرف مدعی علیه کسی حاضر نشد و وکیل مدعی تقاضا و اظهار ذیل را نمود:

- اظهار وکیل مدعی: نظر به تکمیل اوراق احضاریه و عدم حضور مدعی علیه در جلسه مقرر به طوری که در عرض حال تقدیم شده معروض داشته‌ام، شاهزاده عزیزالدوله مطابق ورقه مدرکیه که اصل آن اینک ارایه می‌شود مبلغ دوهزار و یک صد و پنجاه و سه تومان و دوهزار و هفتصد و پنجاه دینار بدهی شاهزاده ملک‌آرا را ضمانت نموده و قانوناً عهده‌دار تأدیه آن است و نظر به آن که مشارالیه از تأدیه مبلغ مزبور علناً خودداری می‌کند این است که تقاضا می‌نمایم که موافق اصول مقرر حکم غیابی بر علیه مشارالیه اصرار شود.

[امضا: فاضل عراقی]

- رأی محکمه: ۱۹ شهر جمادی الاولی ۳۶ در موضوع تظلم فاضل عراقی وکیل ارباب

جمشید از شاهزاده عزیزالدوله به مدعا به دوهزار و یک صد و پنجاه و سه تومان و دوهزار و هفتصد و پنجاه دینار به مستند یک طغرا قبض مورخه ۱۵ ذی قعدة ۱۳۲۹ به عنوان طلب ارباب جمشید از شاهزاده ملک آرا به مبلغ مزبور فوق که بعد از شش ماه با فرع تومانی یک صد و پنجاه دینار کارسازی شود به مهر منسوب به شاهزاده ملک آرا که در حاشیه قبض مزبور نوشته شده: «این سند حضرت والا ملک آرا صحیح است ضمانت دارم عزیزالدوله» و مدعی مبلغ مزبور را از مدعی علیها به عنوان ضمانتی که در حاشیه قبض نموده مطالبه کرده. چون مدعی علیها بعد از ارسال اوراق احضاریه حاضر گردید و وکیل مدعی تقاضای رسیدگی و صدور حکم غیابی را نموده‌اند لذا محکمه شعبه رابع هدایت تهران مرکب از اشخاص مفصله آقای حاج شیخ اسدالله، آقای آقامیرزا سیدعلی شیرازی، آقای آقاسیدمهدی....^(۱) بر حسب تقاضای وکیل مدعی رسیدگی غیابی به عمل آورده، بعد از مشاوره رسمی به اتفاق آرا چنین رأی بدهد که به موجب قبض مدرکیه و ضمانتی که مدعی علیها در حاشیه آن نموده محکمه شاهزاده عزیزالدوله را غیاباً محکوم می‌نماید که مبلغ دوهزار و یک صد و پنجاه و سه تومان و دوهزار و هفتصد و پنجاه دینار در وجه ارباب جمشید کارسازی دارد و محکوم علیها غایب می‌تواند در مدت یک هفته بعد از رؤیت حکم اعتراض نماید والا در موعد مقرر قانونی حق دادن استیناف را دارد.

[امضا شیخ اسدالله]، [امضا: علی الطباطبایی]

[۲۹۸۰۰۰۸۴۷]

۶۳

وزارت عدلیه، نمره ۹۰، مورخه ۵ شوال ۱۳۳۶، سواد ورقه اجرائیه

محکوم له: ارباب جمشید، پدر بهمن، شغل تجارت، شهرت پارسی، محل اقامت جنب سفارت انگلیس

محکوم علیه: شاهزاده عزیزالدوله، پدر عمیدالدوله، محل اقامت: خیابان شاه آباد
محکوم به: مبلغ دوهزار و یک صد و پنجاه و سه تومان و دوهزار و هفتصد و پنجاه دینار به موجب حکم نمره ۴۷۲ مورخه ۱۶ جمادی الاولی از محکمه ابتدایی شعبه رابع است حسب التقاضای وکیل محکوم که از محکوم علیها اخذ و درجه محکوم کارسازی شود.

شیخ اسدالله

مهر محاکم حقوق

[۲۹۸۰۰۰۸۴۷]

* * *

۶۴

تجارتخانه جمشید بهمن جمشیدیان، به تاریخ ۱۷ شهر ذی حجه ۱۳۳۸ /

۹ برج سنبله بیچی نیل ۱۲۹۹

مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت عظمته

با کمال احترام به عرض می‌رساند آقای میرزا حبیب‌الله خان پیشکار مالیه سابق فارس که حالیه در بروجرد می‌باشند، مبلغ پنج هزار و هفتصد تومان اصلاً فرعاً از سنه ۱۳۳۰ الی حال به بنده بدهکار می‌باشند و هر وقت مطالبه شده اظهار داشته‌اند از دولت بابت حقوق و غیره طلبکارند و از آن محل می‌پردازند و هر چه مطالبه شده به دفع الوقت

گذرانیده و تا به حال نپرداخته‌اند و سند معزی‌الیه موجود است. چون مستخدم آن وزارت‌خانه است متمنی است طلب بنده را وصول فرموده در حساب حقیر محسوب فرمایند. باقی امر امر مبارک است.

[امضا: اقل جمشید بهمن‌پاریسی]

[حاشیه ۱]: - اداره محاسبات کل. ۱۱ سنبله ۹۹

[حاشیه ۲]: - شعبه دیون عمومی. ۱۴ سنبله

[حاشیه ۳]: - دایره وظایف از آقای میرزا حبیب‌الله خان تحقیق نمایند.

[۲۴۰۰۰۰۶۷۵]

فصل سوّم

ارباب کیخسرو شاهرخ

وی را بعد از مانکجی صاحب می‌توان بزرگترین شخصیت تاریخ معاصر زرتشتیان دانست. بسیاری از اصلاحات، اخذ امتیازات قانونی و پیش رفت‌های دوران معاصر زرتشتیان به همت و تلاش او صورت گرفته و او را علاوه بر این که به عنوان یک شخصیت مهم زرتشتی می‌شناسیم، به خاطر فعالیت‌های سیاسی او می‌توانیم از او به عنوان یک شخصیت مهم سیاسی نیز یاد کنیم.

ارباب کیخسرو شاهرخ در تیر ماه ۱۲۵۴ شمسی در کرمان به دنیا آمد. پس از طی تحصیل مقدمات در ۱۲ سالگی به تهران آمد و ۴ سال در مدرسه امریکایی ادامه تحصیل داد و سپس به بمبئی رفت. پس از یک سال از طرف انجمن اکابر پارسیان با حقوق سالی ۳۶ تومان مأمور تدریس در مدرسه‌های زرتشتی کرمان گردید.^(۱) ارباب در خاطرات خود درباره قصد عزیمتش به ایران چنین نگاشته: «من از بمبئی در سن ۱۷ سالگی مأمور کرمان شدم. در بمبئی اظهار داشته بودم: من به قصدی می‌روم که این وضعیات را تغییر دهم. روزی ارباب کیخسرو مهربان - مؤسس مدرسه کیخسروی در یزد - که پیرمردی خیرخواه و نورانی و سال‌ها در بمبئی بود و از اعضای انجمن خیریه، از من پرسید که شنیده‌ام به این قصد به کرمان می‌روی، مگر از جان خود سیر شده‌ای؟ جواب دادم که جان در مقابل اراده ثابت و صحیح ارزش ندارد، یا جان می‌دهم و یا آزادی برای جماعت می‌گیرم. به همین قصد رفتم»^(۲)

۱ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۳۸۶.

۲ - اشیدری، یادداشتهای ارباب کیخسرو، ص ۴۵.

در کرمان اولین اقداماتش مربوط به رفع نواقص مدارس زرتشتیان بود. او اولین کس بود که لباس متحدالشکل برای شاگردان مدارس زرتشتی ترتیب داد و گرچه با مخالفت‌هایی روبرو شد اما مقاومت کرد تا آن که موفق شد همین رویه را در مورد خود زرتشتیان کرمان نیز انجام دهد.^(۱) این در حالی بود که حدوداً ۲۵ سال بعد، ماجرایی تغییر لباس در یزد صورت گرفت.^(۲)

در کرمان همچنین در تأسیس مجدد «انجمن زرتشتیان» آن جا نقش داشت و در محلات مختلفه کرمان مدارس چند تأسیس کرد.^(۳) به سال ۱۲۸۵ ش. پس از ۲۳ سال خدمات فرهنگی در کرمان سفری به روسیه نمود و سپس به تهران آمد و در تجارتخانه ارباب جمشید مشغول به کار شد.^(۴) مقارن همین ایام انقلاب مشروطیت نیز به ثمر نشست و زرتشتیان توانستند به وسایلی، یک کرسی نمایندگی احراز کنند. فعالیت‌های سیاسی ارباب کیخسرو نیز از همین ایام آغاز گردید.

در ضمن فصل دوم متذکر شدیم که ارباب جمشید به واسطه گرفتاری‌های متتابع مالی و تجاری، همچنین داشتن روحیه سازش‌کاری و ضمناً کم‌سواد، در مجلس اول برای احراز حقوق اجتماعی زرتشتیان از خود حرکتی بروز نداد، در عوض ارباب کیخسرو این نقش را برعهده گرفت. خود او در این باره نوشته :

«در دوره اول پس از آن که ارباب جمشید به مجلس رفت، به بعضی از مطالب که در مجلس می‌گذشت توجهی نداشت چنان که در موقع نوشتن قانون

۱ - «گفتاری درباره کتاب یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ»؛ فروهر، س ۱۲، ش ۷، ص ۱۲ - ۱۷.

۲ - رک : سند شماره ۲۷۵ تا ۳۱۵.

۳ - رک : فصل مدارس سند شماره ۱۳۱.

۴ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۳۸۶.

اساسی مشروطیت، قسمت دوم،^(۱) وقتی که تکلیف حقوق تبعه ایران را معین می‌کردند این طور نوشتند (مسلمانان در مقابل قوانین و حقوق مساوی هستند) و غیرمسلمانان را مستثنی کرده بودند. همین که روزنامه منتشر شد. من با این که در تجارتخانه ارباب جمشید بودم با ایشان طرف شده اعتراض کردم. فرمود که ابتدا او ملتفت نشده و این چیزها را نمی‌داند. خواهش کردم چند روزی در این موقع به مجلس نرود که نگویند با حضور نماینده زرتشتیان بوده و خودم مشغول اقدامات شده، چند نفر از زرتشتیان را همراه کرده، نزد احتشام السلطنه رئیس آن وقت مجلس و بعضی سران نمایندگی مجلس رفته و لایحه [...] نوشته، چاپ کرده، خودم در مجلس رفته منتشر کردم و بر روی سگوهای مجلس و غیره ایستادم، نطق‌ها کردم تا این که آن اصل عوض و نوشته شد (تبعه ایران در مقابل قانون متساوی الحقوقند).^(۲)

مسابی و تلاش‌های این گونه او در فعالیت‌های سیاسی به نتیجه رسید و او از دوره دوم مجلس شورای ملی (۱۲۸۸ ش. / ۱۳۲۷ ق) رسماً به جای ارباب جمشید نمایندگی زرتشتیان را برعهده گرفت. آقای کیخسرو نامدار در این باره چنین روایت کرده است: «به یاد دارم که ارباب جمشید در انتخابات دوره دوم مجلس، شخصاً در محل مدرسه پسرانه زرتشتیان که افراد جماعت طبق دعوت قبلی اجتماع کرده بودند حاضر شد و خطاب به زردشتیان اظهار داشت چون من کار تجارتخانه‌ام زیاد است خواهش دارم هر کس

۱ - مقصود متمم قانون اساسی است.

۲ - اشیدری، یادداشتهای ارباب، ص ۱۲۶ - ۱۲۸؛ همچنین رک: کسروی، احمد؛ «تاریخ مشروطه ایران»،

امیرکبیر، س ۱۳۷۰، ج شانزدهم، ص ۳۱۵ - ۳۱۶.

می‌خواهد مرا انتخاب کند، میرزا کیخسرو منشی‌باشی تجارتخانه را انتخاب کند و چون همه از او حرف‌شنوی داشتند، اسم میرزا کیخسرو را نوشتند و ایشان به وکالت مجلس انتخاب شد.^(۱)

از همان آغاز فعالیت در مجلس شورا، ریاست کارپردازی مجلس را به او واگذار کردند و تا پایان عمر (۱۳۱۹ ش) که در مجلس نماینده زرتشتیان بود، این سمت را نیز دارا بود. در تمام این مدت به واسطه نفوذی که داشت و همچنین با تسلط، اقتدار و آگاهی که نسبت به شغل خود احرار کرده بود، اعتماد دوست و بیگانه را نسبت به خود جلب نمود و از تمام این اعتمادها در راه پیش‌برد جامعه زرتشتی کمک گرفت. در ایامی که مجموعاً بین ادوار مختلفه، مجلس به مدت ۱۱ سال و یک ماه و سه روز^(۲) دچار فترت گردید نیز کماکان مسؤولیت کارپردازی را به عهده داشت و با صداقت تمام در این دوران‌ها به امور مجلس رسیدگی کرد. درباره مسؤولیت‌پذیری و صداقت او تنها به یک نمونه از گزارشهای کمیسیون محاسبات مجلس در ماه صفر ۱۳۳۳ اکتفا می‌کنیم:

«کمیسیون محاسبات در مدت رجوع به دفاتر و اسناد خرج اداره مباشرت نهایت دقت را نموده، شهدالله آقای ارباب کیخسرو کمال مواظبت و مداقه را در حسن جریان و تنظیم و ترتیب محاسبات اداری و ایفای وظیفه خود به عمل آورده و الحق کمتر حسابی به این خوبی و آراستگی دیده شده [...] آقای ارباب کیخسرو که مسؤولیت امور اداری را برعهده داشته‌اند از اول سنه سیچقان‌نیل ۱۳۳۰ الی تاریخ ۱۳ جدی بارس‌نیل ۱۳۳۳^(۳)

۱ - «ارباب جمشید جمشیدیان»؛ مهنامه زرتشتیان، فروردین ۱۳۵۲، ش ۷، ص ۱۰؛ نحوه انتخاب شدن او در سال ۱۳۰۲ ش به عضویت مجلس شورای ملی طی اسناد شماره ۱۰۳ تا ۱۱۱ آمده است.

۲ - اشیدری، جهانگیر؛ «یادی از شادروان ارباب کیخسرو شاهرخ»، هوخ، س ۲۳، ش ۴، ص ۲۵.

۳ - از فروردین ۱۲۹۱ تا دی ماه ۱۲۹۳ مطابق ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ تا صفر ۱۳۳۳.

که اعتبارنامه نمایندگی ایشان در مجلس دوره سوم تصدیق شده است، سی و سه ماه و نیم مجانی و بدون هیچ گونه پاداش مسؤولیت این خدمت را برعهده داشته و با آن که مسؤولیت مجانی برعهده معزی‌الیه بوده به بهترین حد امکان وظایف خود را انجام داده و مورد تشکر عموم حق شناسان است».^(۱)

از آن جا که ارباب کیخسرو شخصی درست‌کار بود، خدمات زیادی را به او ارجاع دادند. در طول حیات سیاسی - فرهنگی خود به عضویت «انجمن آثار ملی» درآمد و در ساختن آرامگاه طوس و جشن هزاره فردوسی نقشی فعال داشت؛^(۲) هنگام تأسیس «شرکت تلفن» مصدر امور آن اداره شد؛^(۳) برای مدت زمانی «ریاست و نظارت اداره راه آهن» را عهده‌دار گردید؛^(۴) «کتابخانه»^(۵) و «چاپخانه»^(۶) مجلس را به راه انداخت و در سال‌های قحطی نان در تهران «ریاست انبار غله» را به او واگذار کردند.^(۷)

۱ - اشیدری، یادداشت‌های ارباب، ص ۱۹۳ - ۱۹۴.

۲ - ر.ک : سند شماره ۱۱۶.

۳ - ر.ک : سند شماره ۹۱.

۴ - ر.ک : سند شماره ۱۱۳.

۵ - ارباب در خاطرات خود نگاشته: «در موقع انفصال مجلس بیش از ۵۱ جلد کتاب در مجلس وجود نداشت. بعد از انفصال ۲۰۲ جلد کتب معروف مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه بود که به مساعدت آقای حاجی سید نصرالله آن معامله سرگرفت. بعد نیز به معیت معزی‌الیه آقای مخبرالسلطنه را ملاقات و تقاضا نمودیم کتبی را که آقای احتشام السلطنه برای کتابخانه ملی به ایشان سپرده شده به جهت کتابخانه مجلس بدهند و در ۱۵ شعبان ۱۳۳۰ موازی یک هزار و نود و یک جلد کتاب فرانسه، فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، آلمانی و روسی تسلیم و رسید دریافت نمودند.... (یادداشت‌های ارباب کیخسرو، ص ۱۹۱ - ۱۹۲).

۶ - ر.ک : سند شماره ۶۵.

۷ - ر.ک : سند شماره ۷۹.

وی فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای نیز داشت. از جمله کسانی بود که علیه قرارداد وثوق‌الدوله (۱۹۱۹ م.) قیام کردند و ارباب اعلامیه‌ای را برضد این قرارداد به خط خود چاپ و منتشر کرد؛^(۱) در سال ۱۲۹۹ شمسی وقتی که جواهرات سلطنتی را از ایران خارج کردند، او اولین کس بود که به این عمل اعتراض نمود و درخواست رسیدگی کرد؛^(۲) در جنگ بین‌الملل اول از طرف مستوفی‌الممالک دو مرتبه مأمور مذاکره با «کمیته دفاع ملی قم» شد؛ در جشن تاج‌گذاری احمدشاه قاجار، تشکیل مجلس مؤسسان و تاج‌گذاری رضا پهلوی سرپرست مراسم و مخارج بود.^(۳)

اما ارباب کیخسرو فعالیت‌هایش تنها در مسائل مملکتی و سیاسی نبود. او در ایام حیات خود در تهران، برای به سامان رساندن جماعت زرتشتیان فعالیت بسیار نمود، «انجمن زرتشتیان تهران» را تشکیل داد^(۴) و تا پایان عمر خود به ریاست آن منصوب بود و بنابراین مصدر و مرجع رجوعات زرتشتیان ایران قرار می‌گرفت. خود در این باره نوشته: «باید تصریح کنم که تمام خدمات من برای کار جماعتی مجانی و بلاعوض بوده و به قدر قوه خود از مساعدت‌های لازمه نیز در امور خیر دریغ نداشته‌ام. اجر با خدا است. تقاضای افراد جماعت برای هر کاری بلاحد و حصر بوده و حال و اوقاتی برای من نگذاشته. مجتهد، وکیل مدافعات، تهیه‌کننده کار و شغل، مدافع حقوق، پوشاننده عیوب و هزاران کاره بایستی باشم. مثلاً شخصی از جعفرآباد یزد به من نوشته که الاغ او را دزد برده، چهارده تومان قیمت آن است فوراً از اعلی حضرت گرفته برایش بفرستم و نظایر

۱ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۳۸۷.

۲ - ر.ک: سند شماره ۶۸.

۳ - اشیدری، همان جا، ص ۸-۳۸۷؛ همچنین ر.ک: سند شماره ۹۰.

۴ - ر.ک: فصل انجمن‌ها.

اینها. تصور نشود که نمایندگی مجلس و خدمت جماعت زرتشتی خیلی کار ساده‌ای بوده است. علاوه بر توقعات بی‌ربط یا باریط هر یک، بخل و حسد و نفاق و خصومت‌هایی هم در بین بوده که در میان این همه بایستی کارکرد^(۱) و آن نیز طوری باید رفتار نمود که در میان آن همه مسلمان خود را نگاه داشت و مانند یک ایرانی صحیح و زرتشتی واقعی با گفتار و رفتار نیک و امانت و صداقت و درستی و راستی انجام وظیفه نمود و طوری با همه معاشرت و کار را برگزار نمود که هم حفظ حق و حد شده و هم از طریق ادب و نزاکت و خوش‌رفتاری خارج نشده. نماینده یک جماعت ضعیف در میان اشخاص و جمعیت قوی که دارای سلطه بوده، خصوصاً در عمری که هرج و مرج و هو و جنجال و تغییرات کلی سلطنتی و جنگ بین‌المللی و تعصبات مذهبی در قوت خود باقی است.»^(۲)

ارباب در مجلس همواره مدافع حقوق زرتشتیان - و بعضاً سایر مذاهب - نیز بود. ذکر گفته‌ها و کارهای او خارج از حوصله این مقدمه است، اما شایسته است از مهمترین آنها به همین اکتفا شود که بر اثر اقدامات او قانون «احوالات شخصیه مذاهب» در سال ۱۳۱۲ ش. به تصویب مجلس رسید و طبق آن ایرانیان غیرشیعه که جزء مذاهب رسمی کشور هستند می‌توانند در محاکم عمومی طبق قوانین مذهب خود در امور طلاق، ازدواج، ارث و حکم دریافت دارند.^(۳) در عین حال باید گفت که بنای فعالیت ارباب کیخسرو معمولاً بر کلمه «ایرانیت» بود. او سعی داشت مسلمان و غیرمسلمان را از لحاظ قانون مستثنی نکنند. به عنوان مثال در زمان وضع قوانین خدمت نظام وظیفه در سال

۱ - رک : فصل انجمن‌ها.

۲ - اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو، ص ۱۲۳ - ۱۲۵.

۳ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۳۷۵ - ۳۷۶.

۱۳۰۳ ش. اگر چه در مجلس این خدمت را تنها منحصر به جوانان مسلمان قرار دادند اما او ظاهراً علی‌رغم میل جوانان زرتشتی به ادای این خدمت،^(۱) فعالیت نمود تا قانون برای همه ایرانیان اجرا شود و مذاهب غیرمسلمان از آن ممنوع نگردند.

ارباب کیخسرو به عنوان یک زرتشتی، فعالیت‌های مذهبی نیز داشت. دو کتاب به نامهای «آئینه آیین مزدیسنی» و «فروغ مزدیسنی» را در شناساندن دیانت حضرت زرتشت تألیف کرد. بنای عبادتگاه زرتشتیان تهران (آدریان) از یادگارهای او است. قریه «کاخ فیروزه» را جهت گورستان زرتشتیان با تلاش فراوان به دست آورد.^(۲) دبستان و دبیرستان دخترانه و پسرانه برای نوباوگان زرتشتی بنیاد نهاد و یا در تأسیس آنها نقش فعال داشت.

گرچه ارباب کیخسرو در شرح احوال خود که به سال ۱۳۱۷ ش. در آلمان نگاشت، غمگین‌ترین وقایع حیات خود را قتل پدرش شاهرخ توسط دزدان قشقایی^(۳) و مرگ همسرش فیروزه می‌داند، اما فی الواقع غمگین‌ترین واقعه حیات او قتل خود اوست. پسر ارباب کیخسرو به نام شاه بهرام در اداره تبلیغات آلمان در برلن کار می‌کرد و گوینده اخبار به زبان پارسی بود. وی از اعمال رضا پهلوی و هیأت دولت ایران سخت تنقید می‌نمود و رضاشاه از این بابت بسیار عصبانی و نسبت به ارباب نیز بسیار بدبین شد. ارباب گرچه کسانی چون محتشم السلطنه - رئیس مجلس - را برانگیخت تا از این گرفتاری نجات یابد، اما این مذاکرات و وسائط هم نتیجه‌ای برای او حاصل نکرد.^(۴)

۱ - ر.ک : سند شماره ۲۳۲.

۲ - اشیدری، همان جا، ص ۳۷۱-۳۷۵ و ص ۳۳۸-۳۴۲.

۳ - ر.ک : سند شماره ۹۴ تا ۱۰۲.

۴ - بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۱۸۰.

ارباب خود چنین نوشته: «حالا تا چه درجه این راپورت‌های دشمنانه در ذهن مبارک اعلی حضرت تأثیر کند نمی‌دانم ولی به هر صورت این پیش‌آمدها به کلی حواس مرا مختل و پریشان نموده، اشتهایم قطع، سلامتیم متلاطم و امیدم بر باد»^(۱)

علی‌رغم خدماتی که ارباب برای حکومت رضاشاه انجام داد و همچنین علی‌رغم آن که بیشتر زرتشتیان آن زمان رضاشاه را «سیوشانس»^(۲) دیانت زرتشتی می‌دانستند! شاه مذکور که در اواخر دوران حکومت خود مست باده‌غرور و قدرت دیکتاتوری خود شده بود اشتباه بودن این اعتقاد را ثابت کرد، تاب تحمل سخنان پسر ارباب - کسی که سالها به او خدمت کرده بود - را نیاورد و بالاخره یازدهم تیرماه ۱۳۱۹ به دستور رکن‌الدین مختار، شخصی به نام عباس مسعودی به اصرار، ارباب را به جشن عروسی نکویی نام برد و در آن جا او را تحویل مأمورین خفیة شهربانی داد و آنها او را در کرج به قتل رسانده،^(۳) جسدش را جایی در راه منزلش بر زمین انداختند.^(۴)

ارباب کیخسرو شاهرخ فردی متین، مدیر و درست‌کار بود. آیت‌الله مدرس راجع به او گفته است: «در مجلس شورای ملی ما فقط یک نفر مسلمان پیدا می‌شود، آن هم ارباب کیخسرو است»^(۵) و ما پایان شرح حال او را جملاتی چند از خود او قرار می‌دهیم:

۱ - اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو، ص ۱۷۵.

۲ - موعود زرتشتیان که به اعتقاد ایشان دیانت زرتشتی را آزاد خواهد ساخت و رواج خواهد داد. در همه ادیان چنین وعده‌ای - مانند ظهور حضرت قائم در دیانت مقدس اسلام - وجود دارد.

۳ - کریمخانی، حمید؛ «رکن‌الدین مختاری همگام با رضاشاه، همراه با درویش‌خان»، چیستا، سال ۸، ش ۸، ص ۹۴۴.

۴ - بامداد، همان جا.

۵ - همان جا.

«رنج و زحمت شبانه‌روزی را برای انجام وظیفه بر خود هموار می‌کردم که در عوض نیک‌نامی بیندوزم. مانند دیگران از خزانه مملکت برای تحصیل فرزندانم استفاده نکرده حتی بعد از تربیت، آنها را به دولت تحمیل و داخل خدمات دولتی نکردم. در زمان هرج و مرج و بی‌صاحبی کشور که هر کس می‌توانست برای خود امتیازی تحصیل کند من نکردم. هر کس اراده کرد با خارجه‌ها ساخت و استفاده‌ها نمود، من تنفر داشتم چنان‌که هنوز انگلیس‌ها با من خوب نیستند [....] در خدمات عمومی هیچ اجری نداشتم حتی اعلی حضرت همایون شاهنشاهی پهلوی که در نهم آذر ۱۳۰۹ شمسی مرا احضار و امر فرمودند ریاست نظارت راه‌آهن را برعهده داشته باشم و بعد مأموریت عقد قرارداد سوئد را دادند، در این پانزده ماهه دیناری به عنوان حقوق یا مدد معاش نگرفتم و حتی قریب شش هفت هزار تومان متضرر شدم. هر یک از پارسیان محترم که به تهران می‌آمدند، خرج ضیافت و پذیرایی شان به عهده من بود [.....] هشت سال تمام از ۱۳۰۵ شمسی تا ۱۳۱۳ به خرج خود راه مشهد و طوس را طی کردم تا آرامگاه فردوسی در طوس به پایان رسید.....»^(۱)

اسنادی که در این فصل آمده، تنها بخش کوچکی از مکاتبات بسیار زیاد ارباب کیخسرو شاهرخ است که در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران وجود دارد. از آن جایی که مشارالیه در ادارات مختلفه دولتی مسؤول بوده، دست خط‌های او در مواضع مختلفه در اختیار محققین قرار دارد و ما تنها بخشی از آنها را که نشان‌گر حیطه گسترده اعمال و اقدامات او است در این فصل گرد آورده‌ایم. در سایر فصل‌های این کتاب نیز می‌توان مکاتبات و نوشته‌های او را یافت.

مجلس شورای ملی، اداره دارالانشاء، نمره ۱۷۰۵، تاریخ ۱۵ شهر محرم ۱۳۲۸ /
[۷ بهمن ۱۲۸۸]، ضمیمه ندارد

وزارت جلیله مالیه

برای چاپ لوایح قانونی یک دستگاه چرخ کوچک چاپ با حروفش لازم است که در اداره مجلس شورای ملی موجود باشد. لهذا اطلاعاً خاطر عالی را مستحضر می‌دارد که از قرار مذکور در مطبعه شاهنشاهی، سوای چرخهای بزرگ چهارچرخ کوچک نیز موجود و حاضر است. قدغن فرمایید یک دستگاه از همان چرخهای کوچک چاپ با حروف آن از مطبعه شاهنشاهی گرفته، تحویل جناب ارباب کیخسرو و مدیر کمیسیون اداره مجلس بدهند.^(۱)

[امضا]

[حاشیه]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۱۸ محرم ۱۳۲۸، نمره: ۶۳۰۱]

[۲۴۰۰۰۴۱۵۰]

* * *

۱ - «و نیز مجلس شورای ملی چاپخانه به خصوص تأسیس نموده که می‌توان گفت یکی از بهترین کارخانجات محسوب است که انواع گراورهای سیاه و رنگین و انواع تمبرها و کارهای متفرقه را به خوبی انجام می‌دهد. پس از رفع احتیاجات مجلس از خارج هم کار قبول و به نحو مطلوب انجام می‌دهد که تأسیس آن مرهون فکر و پیشنهاد ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده طبقه زرتشتیان ایران می‌باشد. نام‌برده یکی از بهترین عناصر صالح و درست عمل و لایق می‌بود و نیز در ساختمان‌های کاخ مجلس شورای ملی و هر یک از شعبات آن که با قشنگ‌ترین اسلوب معماری ایران قدیم ساخته شده و هر قسمت آن از یک عنصر و زمان تاریخ حکایت می‌کند تحت مباشرت او انجام شده است». (مختاری، حبیب‌الله - مختارالسلطنه - «تاریخ بیداری ایرانیان»؛ تهران: چاپخانه دانشگاه، ۱۳۲۶، ص ۵۸۳).

۶۶

ریاست وزرا، نمره ۱۴۳۵، مورخه ۱۵ ربیع الثانی [۱۳۲۹ ق]، سواد مشروح

مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

ریاست وزرای عظام

آقای ارباب کیخسرو از جناب مستطاب عالی سؤالی خواهند نمود که عیناً نگاشته می شود (آیا می توانند اطمینان دهند که در تمام وزارتخانه‌ها^(۱) نظام نامه داخلی‌شان به طور مطلوب مدوّن است یا نه اگر نیست تا کی مدوّن و مرتّب خواهد شد و فعلاً از روی چه انتظامی ادارات در گردش است؟) اطلاعاً اظهار داشت که زودتر تشریف آورده جواب بفرمایند.

رئیس مجلس شورای ملی

سواد مطابق اصل است.

[مهر کابینه ریاست وزرا]

[حاشیه]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ^(۲) نمره: ۱۹۴۴]

[۲۴۰۰۲۲۶۶۵]

۶۷

ریاست وزرا، نمره ۴۲۷، تاریخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۹، ضمیمه دارد

وزارت مالیه

سواد شرحی که از مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه نوشته اند جوفاً ملاحظه

۱ - اصل: وزارتخانه‌ها.

۲ - تاریخ ذکر نشده است.

می‌نمایید لازم است تأکید در سرعت جواب آن بنمایید که جواب مجلس شورای ملی داده شود.

از طرف ریاست وزرا [امضا]، [مهر: جعفر بن محمد]

[حاشیه ۱]: - به عرض حضور مبارک برسد.

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه بتاريخ: ۲۰ ع ۱۳۲۹ نمره: ۱۹۴۴].

[حاشیه ۳]: - این سؤال بهترین سؤالات است البته تا نظام‌نامه مدون نشود ترتیب تشکیل ادارات و جریان امور مرتب نمی‌شود وزارت مالیه کمال توجه را به این مسأله داشته و در این خیال است که نظام‌نامه مدون عنقریب داشته باشد و شروع به آن هم شده است.

آقای میرزا (محسن آبان؟) به طوری که حضوراً گفتگو شد زودتر اقدام در تدوین نظام‌نامه بعضی ادارات نموده و تهیه نمایند.

[حاشیه ۴]: - جواب صادر شود.

[۲۴۰۰۲۲۶۶۵]

* * *

۶۸

۱۰ شوال ۱۳۲۹

هو، وزارت مالیه

چنان که حضوراً مذاکره شده لازم است کمیسیونی برای بازدید جواهرات سلطنتی در دربار منعقد شود و چون قرار است از روز شنبه ۱۳ کمیسیون مزبور انعقاد یابد قدغن نماید یک نفر از طرف وزارت مالیه و یک نفر دیگر از طرف مسیو شوستر خزانه‌دار کل همه روزه در کمیسیون مزبور حضور داشته باشند. وقت انعقاد کمیسیون دو ساعت بعد از ظهر خواهد بود.

[امضای ابوالقاسم]

[حاشیه ۱]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ: ۱۲ میزان ۱۳۲۹، نمره ۱۴۹۲۹]

[حاشیه ۲]: - جواهر دولتی است، سلطنتی نیست عین ابلاغ را خدمت حضرت وزیر بفرستید مستحضر شوند و مفاد آن را به خزانه دار کل اعلام نمایند یک نفر معین کند از طرف وزارت مالیه هم مرآت الممالک حاضر است، محتاج به تعیین دیگری نیست. [حاشیه ۳]: - شرحی فوری به ارباب کیخسرو نوشته شود که دو ساعت بعد از ظهر در هیأت وزرا حاضر شود که در این موضوع مذاکره شود. به خزانه دار کل هم نوشته و سواد فرستاده شود و مرقوم دارید که ارباب کیخسرو از طرف وزارت معین شده از طرف خزانه دار کل هم یک نفر معین نمایند که آن جا در دو ساعت بعد از ظهر در دربار حاضر شوند.^(۱) [امضا] [۲۴۰۰۱۹۹۴۱]

۱ - در ماهنامه هوخ، سال ۲۳، شماره ۴، ص ۴۱ تا ۴۵ درباره سؤال و جوابی که ارباب کیخسرو با مشیرالدوله رئیس الوزرا درباره اشای عتیقه و جواهرات سلطنتی داشته اند چنین آمده است:

«شنبه ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۰ مطابق ۶ حوت ۱۳۰۰»

ارباب کیخسرو - «سؤال بنده هم راجع به جواهرات و هم در موضوع تمام ذخایر بیوتات سلطنتی است که تمام متعلق به ملت است و همچنین راجع به مطالب معوقه که در سنه ۱۳۲۷ مطابق قراردادی که مابین ملت و شاه مخلوع شده و تاکنون قسمتی از آن به موقع اجرا گذاشته نشده:

اولاً یک قسمت اسناد و قبایجات نزد شاه مخلوع مانده است که بایستی تسلیم کند و در این مدت تسلیم ننموده. ثانیاً چهل و نه طغرا اسناد و قبایجات مهمه بوده که نزد مختارالدوله یکی از ملازمین و همراهان شاه مخلوع بوده که هنوز تسلیم دولت نکرده است.

ثالثاً مسأله تبدیل مرواریدهای دولتی و کسری زمردها است که مطابق صورت ممضای شاهزاده کامران میرزا باید از عهده برآید و کراراً خودش خواسته است هشتاد هزار تومان غرامت بدهد و قبول نکرده اند و متأسفانه تاکنون هیچ عاید نشده.

همچنین دو رشته تسبیح مرواریدهای خیلی گران بها می باشند که نزد دو نفر از تجار بوده و متجاوز از چهل هزار تومان قیمت آنها است در حالی که تجار به قیمت کمی گرفته اند و بایستی رد کنند و رد ننموده اند همچنین دو بسته از جواهرات دولتی است. محمدعلی میرزا دزبانک استقراضی سابق گذارده بود و می بایستی به دولت رد کند و هنوز رد ننموده است. ←

۶۹

خزانه‌داری کل ایران، نمره ۳۹۰۱، به تاریخ ۲۵ میزان [۱۲۹۰] /
[۲۵ شوال ۱۳۲۹] موضوع: درخواست صورت‌اعضای کمیسیون جواهر دولتی

وزارت جلیله مالیه

در جواب مرقومه محترمه شماره ۶۴۹۲۹ خاطر مبارک را مصدع است که موافق

← یک قسمت عمده دیگر از جواهرات است که نزد محمدعلی میرزا مانده و می‌بایستی مطابق پروتکل رد نماید ولی هنوز رد نکرده است.

بعلاوه اشیایی از میان رفته که باید نتیجه اقدامات در استرداد معلوم شود - من جمله پنج هزار قبضه تفنگ و چندین هزار فشنگ از اسلحه خانه بیرون رفته و متجاوز از سیصد هزار تومان قیمت داشته و هنوز رد نشده است - و نیز ده جلد کتاب نفیسه بوده است که آرشاک از کتابخانه دولتی برده و در (نیویورک) به دویست و چهل هزار دلار که تقریباً (سیصد هزار تومان) می‌شود فروخته است و الآن آن کتابخانه که این کتب در آن جا مفقود شده از دولت امریکا ادعای یازده میلیون دلار (معادل بیست و نه کرویر تومان) غرامت می‌کند و قریب سیصد هزار تومان کتبی بود که نزد قائم مقام وزیر همایون سابق بوده است و بعد به دست عروش رسیده و حتی یک مجلد از آن کتب تقدیم یکی از شاهزادگان محترم شده است و این کتب نیز به دولت نرسیده است اینها قسمتهایی است که نتیجه آن ناقص مانده و باید رد شود و هنوز رد نشده است.

قسمت دوم راجع به جواهرات است اولاً در همان اوقات یعنی سنه (۱۳۲۷) که رسیدگی شد جواهراتی را برای موقع رسمی و تشریفات سلطنتی تخصیص داده‌اند سؤال می‌شود که آیا آن جواهرات در چه حال و کجاست؟

ثانیاً چهل و نه فقره جواهرات است که به موجب اسناد رسمی متدرجاً از خزانه خارج شده سؤال می‌شود آن جواهرات در کجاست؟

(۱) - تسبیح مروارید نمره (۱) که هر دانه آن تقریباً یک مثقال وزن داشته (سه رشته)

(۲) - انگشتر تخمه الماس برلیان (هشت حلقه)

(۳) - انگشتر الماس فلامک (سه حلقه) ←

اطلاعاتی که آقای ارباب کیخسرو در موضوع کمیسیون جواهر دولتی دادند گویا این

- ← (۴) - انگشتر تخمه لعل (یک حلقه)
 (۵) - انگشتر تخمه زمرد (یک حلقه)
 (۶) - انگشتر تخمه یاقوت (دو حلقه)
 (۶) - انگشتر تخمه فیروزه (یک حلقه)
 (۸) - دکمه تخمه الماس برلیان که یازده قیرات وزن داشته (یک حلقه)
 (۹) - سنجاق تخمه الماس (یک حلقه)
 (۱۰) - ساعت‌های مرصع و ساده (دوقاب)
 نشان‌های مرصع - دو قطعه - قوطی عینک طلا - دو قطعه)
 آیا اینها در چه حال و کجا است؟

همچنین شنیده می‌شود در ظرف سنوات اخیر یک جعبه از جواهرات ایران در یکی از بانکهای سویس به اسم عباس نام امانت سپرده شده است آیا دولت از آن جعبه چه اطلاع دارد؟ و آن جعبه را که سپرده است؟ قسمت سوم راجع به ذخایر دولتی است که در حال فاسد شدن است من جمله دوازده صندوق جواهرات است که در جای بسیار مرطوبی گذاشته شده در صورتی که رطوبت با مروراید موافقت ندارد و نزدیک به فاسد شدن است.

آیا دولت برای جا به جا کردن و جلوگیری از فاسد شدن آنها چه اقدامی کرده است که از هر حیث در جای سلامتی گذارده شده و دیگر این که مقدار زیادی ذخایر دربار سلطنتی که متعلق به ملت است در ایام اخیر از بین رفته من جمله از خیام‌خانه و موزه‌خانه و اسلحه‌خانه و زین‌خانه و امثال آن.

آیا دولت می‌تواند اطمینان بدهد که هر چیزی به جای خود باقی است؟ یا خیر؟

من جمله چراغ برق سلطنتی است که در دربار سلطنتی بوده است و از قراری که شنیده می‌شود مشغول خرد کردن و فروختن اسباب آن هستند.

همچنین مقداری زیاد اشیای نفیسه گران بها و حتی عهدنامه‌ها و قبالات و غیره است که مثل اموال بی صاحب در عمارت بی سقف و زیر برف و باران و مخلوط با خاک و خاشاک ریخته است. آیا برای حفظ آنها دولت چه اقدامی نموده است؟ ←

کمیسیون هنوز تشکیل نیافته است. چند روز قبل اسامی اعضای کمیسیون مزبور را از

« اینها چیزهاییست که بنده شنیده‌ام زیرا تمام اینها مطابق اصل ۳۳ و ۳۵ و ۴۴ قانون اساسی ملک و مال ملت است و از وظیفه وکلا است که در حفظ و صیانت و حقیقت آن بکوشند و در صورت تخلف به تکلیف خود عمل کنند (وکلا صحیح است) وقتی که ما در این جا ساعت‌های وقت خودمان را صرف جزئیات می‌کنیم نمی‌توان از حقوق ملت و میلیون‌ها مال صرف‌نظر کرد (وکلا صحیح است صحیح است).

چون خوشبختانه آقای رئیس‌الوزرا از اشخاصی هستند که از تمام مطالب مستحضراند استدعا دارم جواب مسائلی که عرض کردم بفرمایند.»

رئیس‌الوزرا - «سؤالانی را که آقای ارباب کیخسرو فرمودند چون داخل در جزئیات شدند و به بنده اطلاع نداده بودند به این جهت بایستی جزئیات سؤالات خود را بنویسند تا بنده تحقیق کرده جواب یک یک آن را عرض کنم اما دو مطلب را کلبتاً می‌توانم عرض کنم یکی این که همین طور که عرض کردم کمیسیونی برای رسیدگی به خزانه دربار و همچنین به ذخایر سلطنتی معین خواهد شد و تحقیق خواهد نمود محل‌هایی که ذخایر است مناسب دارد یا ندارد؟ و اگر مناسب ندارد به چه محل‌هایی باید نقل شود!

و به طور کلی می‌توانم عرض کنم که دولت در این خصوص تحقیقاتی نموده و در دست اقدام است.

راجع به سایر مطالب هم به طوری که عرض شده محتاج به تحقیقات دقیقانه است صورت سؤال خود را بفرستید تا راجع به جزئیات آن تحقیقات به عمل آمده به عرض مجلس برسد.»

ارباب کیخسرو - «این که فرمودند اطلاع نداشتم در چندی قبل که بنده صورت سؤال خود را تقدیم ریاست کرده‌ام هم مسأله جواهرات و هم سایر ذخایر سلطنتی را نوشته بودم حالا که فرمودند صورت سؤال خود را تقدیم نمایم خواهم نوشت ولی استدعا دارم صورتی از راپورتی هم که از اداره بیوتات به دولت رسیده است به مجلس فرستند تا آقایان نمایندگان بیشتر از قضایای دربار مطلع باشند.»

ارباب کیخسرو سؤالات خود را کتباً نوشت ولی رئیس‌الوزرای وقت جواب نداد جلساتی گذشت و برای ادای وظیفه و اهمیت قضیه در بیستم حوت ۱۳۰۰ ارباب کیخسرو مجبور شد که از رئیس مجلس شورای ملی در احقاق حق ملت و اخذ نتیجه از رئیس دولت استمداد نماید و کتباً عریضه به رئیس مجلس نوشت که این است آن عریضه (مقام منبع مجلس شورای ملی)

در تعقیب سؤالی که در تاریخ ۶ حوت تخاقوی‌نیل در مجلس شورای ملی در خصوص جواهرات و

حضرت آقای وزیر مالیه کتباً استفسار نمودم هنوز جوابی مرقوم نفرموده‌اند مجدداً استدعا می‌نمایم صورت اسامی این اعضا را سریعاً برای استحضار این بنده ارسال فرمایید.

خزانه‌دار کل ایران

[۲۴۰۰۱۹۹۴۱]

«ذخایر دولتی از ریاست محترم وزرای عظام شده است چون تاکنون از جواب اطمینان‌آمیزی استحضار به عمل نیامده است لهذا برای آن که در صورت وقوع از فوت وقت موجبات خسارت و ندامت حاصل و مسؤولیتی سنگین‌تر متوجه نشود تقاضا می‌نمایم مجلس شورای ملی موافقت فرماید از طرف مجلس به دولت نوشته شود در هر قسمتی از آن سؤالی که دولت واقعیت آن را تصدیق نماید اقدامات فوری به عمل آورد.

اولاً کتب دولتی را که آرشاک نام از ایران برده و در (نیویورک) بوده چون مالی سرقتی است از دولت (اتازونی) خواسته شود.

ثانیاً به تمام مأمورین دولت علیه در داخله و خارجه تلگرافاً و کتباً امر شود آنچه از کتب و ذخایر دولتی ایران در هر کجا و نزد هر کسی می‌یابند اقدام در استرداد و ایصال به دولت ایران نمایند.

ثالثاً در حدود هر جزء از سؤال مذکور فوق و آنچه نیز علاوه بر آن اشیا و ذخایر و جواهرات و اسناد دولتی در هر بانک و نزد هر کس باشد اهتمام شود به فوریت تسلیم دولت نمایند و در صورت تعلل اگر هر یک از مرتکبین و مسؤولین که حقوق دولتی دارند و کفایت به آن اشیا و اموال کند حقوقشان توقیف گردد والا از هر گونه دارایی آنها که کفایت به میزان آن اشیا و اموال نماید توقیف شود و رفع آن توقیف موکول به اخذ تمام و کمال هر جزئی از اجزای آنچه نزدشان بوده و یا در صورت تفریط موقوف به تأدیه تمام و کمال اصل و فرع قیمت صحیح آن خواهد بود.

رابعاً در ظرف اقل یک ماه دولت نتیجه اقدامات خود را رسماً به مجلس شورای ملی اعلام فرمایند.

۲۰ حوت ۱۳۰۰ (کیخسرو شاهرخ)

با این که مطابق اظهار رئیس دولت وکیل مزبور سؤالات خود را کتباً تقدیم نمود ولی متأسفانه جواب نشنید و مجبور شد از طرف پارلمان و رئیس مجلس اقدام نماید ولی رئیس دولت حاضر نشد جواب بگوید و به طفره گذشت».

۷۰

ریاست وزرا، نمره ۵۷۰۴، مورخه ۲۳ حوت ۱۳۰۰، سواد مراسله مجلس شورای ملی

ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکتهم

در تعقیب مراسله به نمره ۵۱۷۰ مورخه ۳ برج حوت درخصوص سؤال آقای ارباب کیخسرو نماینده محترم زردشتیان راجع به جواهر و ذخایر سلطنتی و نظر به مذاکرات جلسه ششم برج جاری متمنی است به طوری که فرموده‌اند مطالب تقاضا شده را بعلاوه دو فقره ذیل:

(۱) وضعیت اشیای عتیقه [ای] که در سنه ۱۳۲۸ از همدان در ضمن حفاریات استخراج، در تهران نقل و در اتاقی^(۱) مخصوص در دربار گذارده شد (۲) نتیجه محاکمه لسان الدوله، که اخیراً آقای ارباب کیخسرو به سؤال سابق خود اضافه کرده‌اند تهیه و ارسال فرمایند.

رئیس مجلس شورای ملی

مؤمن الملک

سواد مطابق اصل است.

[۲۴۰۰۱۹۹۸۷]

۷۱

ریاست وزرا، نمره ۱۹۱۶۲، به تاریخ ۲۸ برج حوت ۱۳۰۰، صمیمه ۱

وزارت جلیله مالیه

در جواب مشروح نمره ۳۹۶۳۰ راجع به جواهرات سلطنتی اشعار می‌شود که از

مجلس مقدس شورای ملی سه نفر نماینده به انتخاب خود مجلس دعوت شده است. سایر اعضای کمیسیون را هم که در هیأت وزرای عظام معین نموده‌اند و خاطر جناب عالی مستحضر است. مع هذا اسامی آقایان ذیلاً نوشته می‌شود که قدغن فرمایید حضرت آقای وزیر جنگ - حضرت والا شاهزاده وزیر دربار یا نماینده ایشان - آقای وزیر مالیه - آقای مرآت الممالک - آقای مفتاح الملک از وزارت جلیله مالیه به ایشان اطلاع بدهند و بعد از تعیین نمایندگان مجلس، کمیسیون را تشکیل و شروع به رسیدگی نمایند. ضمناً سواد دو فقره سؤالی را که اخیراً از مجلس شده است لفاً ارسال می‌دارد که توضیحات لازمه را هر چه زودتر مرقوم و ارسال فرمایند که جواب سؤالات داده شود. صورت سؤالات را ضمیمه نمودم که از روی اطلاع جواب برسد.

[امضای حسن مشیرالدوله]

[مهر ریاست وزرا]

[حاشیه ۱]: [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۴ حمل ۱۳۰۱، نمره: ۹]

[حاشیه ۲]: - فوری است، اداره کابینه به عرض برسد. ۲۹ حوت

[حاشیه ۳]: - فوری است، اولاً جواب سؤالات را آقای مرآت الممالک تهیه کند. ثانیاً برای تشکیل جلسه قبلاً با وزیر جنگ و دربار مذاکره کرده روز آن را معین خواهد نمود.

۴ حمل [امضای محمود مدیرالملک]

[حاشیه ۴]: - جواب سؤالات مجلس تهیه و ضمیمه شد. نتیجه مذاکره با شاهزاده وزیر دربار هم دیروز به عرض رسید.

۵ حمل [موسی مرآت الممالک]

[حاشیه ۵]: امروز زیارت شد. ۷ حمل

[۲۴۰۰۱۹۹۸۷]

۷۲

وزارت مالیه، نمره ۶۲۵، به تاریخ ۷ حمل ایت ئیل ۱۳۰۱

هو

قربانت شوم، چنان که خاطر محترم والا مستحضر است در نتیجه مذاکرات مجلس شورای ملی بالاخره از مقام منیع ریاست وزرای عظام مقرر شده است کمیسیونی برای رسیدگی به جواهرات و ائانه دولتی تشکیل بشود که هر چه زودتر این کار خاتمه یابد. پریروز وعده فرموده بودید که پس از مذاکره با مقام منیع ریاست وزرای عظام ترتیب جلسات را معین فرمایید لهذا برای مزید یادآوری عرض می شود که زودتر در این خصوص توجهی مبذول فرمایند.

[امضای محمود مدیرالملک]

[حاشیه]: شاهزاده مؤتمن الدوله وزیر دربار [امضا]

[۲۴۰۰۱۹۹۸۷]

۷۳

وزارت مالیه^(۱)

[حاشیه ۱]: - خیلی فوری است، قبل از شهر باید فرستاده شود.
[حاشیه ۲]: - سواد راپورت آقای مرآت الممالک در موضوع جواهراتی که شاهزاده امیرکبیر در موقع تحصن محمدعلی شاه از بین برده به کمیسیون عرایض فرستاده شود.

[امضای محمود مدیرالملک]

۱ - این سند نوشته های پراکنده ای است که روی یک کاغذ بدون مارک تحریر شده و مربوط به اسناد شماره ۶۸ تا ۷۲ است و در این جا به صورت حاشیه مذکور گردید.

[حاشیه ۳]: - فوری است مقرر فرمودند برای آقای ارباب کیخسرو خیلی زود ارسال شود. ۲۶ حمل

[حاشیه ۴]: - مطابق یادداشتی که در دوسیه ملاحظه شد، اصل راپورت به مقام ریاست وزرای عظام فرستاده شده. سواد راپورت به خط آقامیرزا عبدالعلی خان از روی دوسیه در محاسبات بیوتات است استنساخ و حسب الامر نزد ارباب کیخسرو فرستاده شد. ۲۶ حمل ۱۳۰۱

[۲۴۰۰۱۹۹۸۷]

* * *

۷۴

نهم شهر محرم ۱۳۳۰

هو

حضور مبارک حضرت مستطاب امجد عالی آقای حکیم الملک وزیر مالیه مدّظله

احتراماً عرض می شود: سه روز قبل عریضه ای عرض کرده مستدعی است زودتر جواب امیدوارانه مرحمت شود. ضمناً میرزا مهدی خان نام پیشکار مالیه کرمان سه چهار روز است تلگرافات عدیده به بنده نموده اظهار می دارد ایالت جلیله برای قشون و غیره وجه می خواهد اگر دیر داده شود و اردو به گرمسیرات و بلوچستان حرکت نکند متجاوز از یک صد هزار تومان مالیات امساله سوخت خواهد شد. لهذا مستدعی است تکلیف مشارالیه را معین فرمایید. فامّا درخصوص خود مشارالیه همین قدر عرض می شود خیلی مایل است مطابق دستورالعمل های مرکز معمول داشته خدمات نمایان به دولت بنماید و به گمان بنده خیلی بهتر از جمعی پیشکاران مالیه هر جا باشد، در صورتی که جواب مستدعیات مشارالیه زود داده شود. بعضی خطوط هم به خزانه داری کل نوشته است چون عمل خزانه داری بلا تکلیف می باشد لفاً تقدیم حضور مبارک است. در ضمن چندی قبل صورتی تقدیم حضور مبارک نمود که چهل تومان و کسری طلب بنده از

هیأت وزرای عظام شده بود مستدعی است هر وقت مقتضی است حواله آن مرحمت شود.

اقل کیخسرو شاهرخ

[۲۴۰۰۰۵۵۸۴]

* * *

۷۵

ریاست وزرا، نمره ۱۱۶۴، به تاریخ ۲ شهر شوال ۱۳۳۰ مطابق ۲۱ میزان [۱۲۹۱]

وزارت جلیله مالیه

هیأت وزرای سابق تصویب نموده بودند از زمان انفصال مجلس الی زمان افتتاح آن ماهی مبلغ ششصد تومان برای حقوق اجزا و مستخدمین عمارت بهارستان به آقای ارباب کیخسرو داده شود. اکنون به طوری که اظهار کرده اند تمام مبلغ ششصد تومان در این شهر گذشته، داده نشده و در هر ماه مبلغی از آن را پرداخته اند لهذا هیأت وزرا تصویب می کنند که تمام ششصد تومان مصوبه باید در هر ماه از آن تاریخ الی زمان افتتاح مجلس برای حقوق اجزا و مستخدمین عمارت بهارستان داده شود. لازم است آن وزارت جلیله در این خصوص با خزانه داری کل مذاکرات لازمه نموده و ترتیبی بدهد که کسر شهر گذشته و تمام وجه مصوبه را در ماههای آتیه تا زمان افتتاح مجلس به آقای ارباب کیخسرو هر چه زودتر مرتباً برسانند.

[امضای ۷ تن از اعضای کابینه نجفقلی خان بختیاری]

[حاشیه ۱]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ: ۲۳ میزان ۱۳۳۰، نمره: ۵۷۵۲]

[حاشیه ۲]: - سواد به خزانه داری کل فرستاده شود. ۲۳ میزان

[۲۴۰۰۰۴۳۸۰]

۷۶

۲۱ صفر ۱۳۳۱

هو، خدمت ذی شوکت جناب مستطاب اجل امجد عالی آقای فهیم الملک دامت شوکتہ معاون وزارت جلیله
مالیه

مستدعیم با یک عنایتی مخصوص به دو فقره عرایض ذیل توجه نتیجه آمیزی فرمایید
مورد ازدیاد تشکر است.

۱- در برج قوس و جدی از خزانه داری کل حقوق اداری مجلس را که ماهی ششصد
تومان است نپرداخته اند و با این وضع تجار و بازار هم، به سر مبارک برای بنده امکان
ندارد^(۱) برای این ماهشان راه اندازی کنم. مستدعیم چنان که همواره امور مجلس را از
خود دانسته اید حالیه نیز از خود دانسته و از طرف خود با آن عوالمی که خصوصاً در مقام
حالیه با خزانه داری کل دارید، ترتیبی دهید که این جزئی وجه مجلس را در میان همه
مخارج مقررأ برسانند. باقی موقوف به مرحمت حضرت عالی است.

۲- با آنکه ابدأ راضی به مداخله در این امور نبوده و نیستم مع هذا چون واقع شده مجبور
به جسارت. دستور نامدار به اصطلاح ملای بزرگ زردشتیان یزد است. بیست تومان
مستمری دارد، در یزد اظهار داشته اند باید قبضشان در تهران حاشیه شود لهذا آن قبض
را برای بنده فرستاده اند و اینک لفاً انقاد استدعاست مقرر شود حاشیه و لطف نمایند از
مرحمت حضرت عالی رفع زحمتی از بنده بشود زیاده جسارت نمی کنم. ایام به کام.

اقل کیخسرو شاهرخ

۱- ارباب تجارتخانه ای تحت عنوان «شرکت تجارتنی زرتشتیان» نیز داشته است و دارایی این شرکت گویا در
اواخر ایام حیاتش به واسطه بدهکاری هایی که ارباب داشته از دست او بیرون شده است. این مطلب را می توان
از نوشته های او در خلال خاطراتش برداشت نمود. اشاره ای در این باره در پاورقی سند شماره ۴۳۵ آمده است.

[حاشیه ۱]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه ۹ دلو ۱۳۳۱، نمره: ۷۷۱۰]

[حاشیه ۲]: - باید تعرفه مشارالیه را اداره مالیه تصدیق نموده به مرکز بفرستند تا قبض صادر شود.

[حاشیه ۳]: در باب حقوق هم توصیه شد.

[۲۴۰۰۰۴۳۸۰]

۷۷

۲۸ جمیدی الاولی ۱۳۳۱

هو

احتراماً عرض می شود بابت حقوق اجزای مجلس، بنده از جیب خود برج دلو و حوت و حمل را پرداخته ام و از طرف خزانه داری کل بابت این سه برج هیچ لطف نشده و موسیو شنلر اظهار می دارند تا از وجه استقراضی عاید نشود، نمی توانند هیچ بپردازند. چون بنده از خود پرداخته و در این موقع بی پولی سخت در فشارم مستدعی است به طور خصوصی مقرر شود این جزئی حقوق را هم جزء اجزای خزانه داری تصور نموده از خود بدانند و مرتباً بپردازند. برای هر برج چندین عریضه و واسطه و مستدعیات لازم نشود. باقی موقوف به مراجع خصوصی حضرت اشرف می باشد.

اقل کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ: ۱۶ ثور ۱۳۳۱، نمره ۱۸۲۵]

[حاشیه ۲]: - به خزانه بنویسید حقوق عقب افتاده مجلس را تا اول حمل مطابق بودجه مصوبه هیأت وزرا بپردازند تا برای هذه السنه قرار لازم داده شود.

[۲۴۰۰۰۴۳۸۰]

۷۸

ریاست وزرا، [نمره ندارد]، [تاریخ: جوزای ۱۲۹۲ / جمادی‌الثانی ۱۳۳۱]

به مقام محترم هیأت وزرای عظام دامت شوکتهم‌العالی

فدویان هیأت مستخدمین مجلس شورای ملی در مدت افتتاح مجلس به هر یک از وکلای محترم و وزرای عظام مراتب خدمتگزاری^(۱) و حسن نیت خودمان را امتحانات کامله داده و ابداً به خیانت و شرارت نام برده نشدیم و سترأ و جهراً در حفظ مقامات ملت و نوعیت و هیأت دولت خدمات شایان ظاهر ساخته، پس از انفصال مجلس با رأی و تصویب و صرفه‌جویی‌ها که هیأت وزرای محترم و کارکنان دولت فرمودند، برای ما مستخدمین که به اعمال صالحانه صادقانه شناخته شده بودیم حقوق متوسطی به اسم نان خالی برقرار است، جناب ارباب کیخسرو همه ماهه می‌پرداختند. فدویان هم به امید افتتاح مجلس ثانی قناعت کرده با نهایت عسرت با همین جزئی معاش نموده به دعاگویی مشغول بودیم.

حال از طرف جناب ارباب کیخسرو اختطاری به فدویان شده است که چهار ماه حقوق از سنه ماضیه و هذه السنه از خودم به شماها حقوق داده‌ام که هنوز هیأت دولت نپرداخته است و در باب بودجه حقوق هذه السنه شما هر چه با خزانه‌داری سؤال و جواب شده هنوز جواب مساعدی نداده‌اند. عجله حقوق شما بلام تکلیف است. تا از طرف اولیای امور دولت، حقوق شما پرداخته نشود و تکلیفی هم برای من معین نشود خود را مسؤول تأدیه حقوق شما نمی‌دانم. استدعا می‌کنیم که عطف نظری به خدمات فدویان نموده، در صورتی که برای خدمت سابقه فدویان لازم هستیم این جزئی حقوق

ماها که زیاده از ماهی ششصد تومان نمی شود مرحمت و بودجه به امضا و تصویب
برسد تا به دعاگویی دولت ابدآیت مشغول باشیم.

(عموم مستخدمین مجلس مقدس دارالشورای ملی)

مطابق اصل است.

[حاشیه]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۱۸ جوزاء ۱۳۳۱، نمره ۳۱۵۴]

[۲۴۰۰۰۴۳۸۰]

* * *

۷۹

وزارت داخله، اداره مرکزی، نمره ۲۶۹۱، مورخه ۷ رمضان ۱۳۳۰

جناب مسیو مرنارد خزانه دار کل

مطابق مواد پانزده گانه که در بیست و چهارم شعبان راجع به امر نان در هیأت وزرا
گذشته و سواد آن را جوفاً ملاحظه می نمایید از این تاریخ به بعد اداره خبازخانه تهران
دایر و آقای میرزا کیخسرو چنانچه حضوراً هم با جناب عالی مذاکره شد به ریاست آن
اداره برقرار گردید و لزوماً مشارالیه را به جناب عالی معرفی می نمایم که بر طبق حکم
هیأت وزرا و به مساعدت جناب عالی هر چه زودتر اصلاح امر نان را اساساً مرتب نموده
که به کلی نگرانی از حیث عمل نان مرتفع و آسایش عمومی از این جهت فراهم گردد و
نیز متمنی است که دستورالعمل روابط بین اداره مزبوره و اداره انبار را داده و شرایط
پرداخت گندم و میزان قیمت را عاجلاً بدهند که در کار این اداره تأخیری حاصل نشود و
بتواند وظایف خود را به خوبی انجام بدهد.^(۱) [امضا]

[مهر وزارت داخله]

۱ - ارباب کیخسرو شاهرخ علاوه بر ریاست اداره خبازخانه، چندمرتبه به ریاست انبار غله نیز منصوب -

[حاشیه ۱]: - [مهر ۹۰۳۸ / AUG / ۲۷ / ۱۹۱۲ NO] [۲۴۰۰۸۱۳۴]

«گرددید در هجدهم محرم سال ۱۳۳۱ مأمور ریاست انبار غله گردید اما به واسطه کارشکنی اجزای اداره خبازخانه و انبارهای غله دولتی پس از ۶ روز استعفا داد. شرح این دوره ریاست چند روزه را خود نگاشته است و این شرح در ماهنامه فروهر از شماره‌های ۱۱ و ۱۲ سال ۲۲ تا شماره ۹ و ۱۰ از سال ۲۳ چاپ و منتشر گردیده است.

در کابینه وثوق‌الدوله در ذی‌حجه سال ۱۳۳۴ تصدی خرید گندم به او واگذار شد و در سال بعد در کابینه محمدعلی خان علاء‌السلطنه مجدداً دولت قراردادی را با او امضا نمود. قرارداد اول در سند شماره ۸۲ آمده و ما در این اوراق از ثبت قرارداد دوم به علت تشابه هر دو قرارداد، خودداری کردیم.

ارباب کیخسرو در خاطرات خود درباره دوران تصدی خود در سال ۱۳۳۴، ماجرای جالبی را نگاشته است که در این جا به مناسبت موضوع آن را درج می‌نماییم:

«آقای وثوق‌الدوله مرا انتخاب کردند که در هر جا ممکن است برای دولت خرید غله نمایم. به هر ترتیب بود از دور و نزدیک با وجود اشکالات فراوان گندم تهیه و به تهران حمل می‌شد. قیمت که در اول سال در تهران خرواری سی و پنج تومان و در عراق ۲۰ تومان بود حالا در تهران به خرواری ۹۰ تومان رسیده بود. حصه هم با گرسنگی توأم شده و روزی ۶۰۰ - ۷۰۰ نفر از گرسنگی یا حصه در تهران می‌مردند [....] چون سراغ داشتم احمدشاه گندم دارد فوراً به فرح‌آباد رفتم. شاهزاده موثق‌الدوله وزیر دربار و اسدالله شهاب‌الدوله رئیس تشریفات و صاحب اختیار رئیس دفتر بودند. به حضور شاه رسیدم و چگونگی را عرض کردم و استدعای گندم کردم. پرسید خرواری چند می‌خری: عرض کردم ۹۰ تومان. فرمود از طرف انگلیسها آمده‌اند تا خرواری ۱۵۰ تومان از من می‌خرند. (در صورتی که انگلیسها خبازخانه نداشتند که گندم لازم داشته باشند). عرض کردم من برای خود نمی‌خواهم، پول مملکت است و از سوی دولت مأمور تهیه برای آسایش مردم هستم، اینها رعایای اعلیٰ حضرتند و روزی این قدر تلف می‌شوند، حق این است که از جیب مبارک عطا فرمایند. جواب دادند صحیح است ولی عجله به این قیمت از من می‌خرند. من از خود گذشته عرض کردم آیا اعلیٰ حضرت از امپراطور روس متمول‌تر خواهد شد؟ ببینید سرگذشت او چه شد [.....] چون مرا خیلی عصبانی دیدند فرمودند وقت نهار است باقی باشد برای بعد از نهار. عرض کردم من آمده‌ام برای مردم نان ببرم جان بخرم هرگز گوارا نخواهد بود خودم صرف نهار سلطنتی کنم. ولی به هر صورت وزیر دربار دست مرا گرفته بیرون رفتم [.....]»

۸۰

[روزنامه] اطلاعات، شماره ۱۶۸، سه شنبه ۱۴ رمضان المبارک [۱۳۳۰]

قیمت یک شاهی

مرکز

برحسب خبری که به ما رسیده برحسب حکم هیأت وزرای عظام جناب ارباب کیخسرو به ریاست عموم خبازخانه‌ها منصوب گردیده در ادارهٔ بلدیهٔ قدیم که جنب بازار واقع است رسیدگی به امورات خبازخانه‌ها و گویا کلیهٔ ارزاق خواهند نمود. امید است ان شاء الله از حسن اهتمامات معظم‌له وسایل استراحت عامه فراهم گردیده رفع سختی بشود.^(۱)

[۲۴۰۰۰۸۱۳۴]

۸۱

وزارت داخله، نمره $\frac{۹۵۵۷}{۳۱۰۰}$ تاریخ ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۴، خیلی فوری است

وزارت جلیله مالیه

چنانچه خاطر محترم مستحضر است در جلسهٔ چهارم میزان راجع به عمل خرید گندم و انحصار آن به آقای ارباب کیخسرو مواد پانزده گانه در هیأت محترم وزرای عظام

بعد از نهار بالاخره یک صد خروار از ایشان به ده هزار تومان خریدم و چک دادم در وجه حامل. گندم را گرفته فوراً به خبازخانه دادیم اما گندمی مثل زهر که ۳۰۰-۴۰۰ نفر گنج و مریض شدند [...] در موقعی که حواله گندم را گرفتم و خواستم مرخص شوم عرض کردم که قبل از ظهر که به قصد فرح‌آباد و شرف‌یابی آمدم تصور کردم به بارگاه سلطنتی می‌روم اما متأسفانه اکنون از «دکان علافی» برمی‌گردم. در این موقع آقای حاج محتشم‌السلطنه وزیر مالیه کنار رفته و آقای ممتازالدوله وزیر مالیه شد، به منزل آمد که شاه‌گله دارد که همه راجع به این معامله حرف می‌زنند. جواب دادم حکایت می‌کنم، اگر خوب کاری کرده‌ام که تعریف است و اگر کار بدی است چرا کرده و می‌کنم؟» (اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ، ص ۱۵۴-۱۵۶).

۱ - بقیهٔ مطالب روزنامه، مربوط به وقایع شهرهای دیگر است که در این جا آورده نشد.

تصویب گردیده است که سوادى از آن به ضمیمه سواد مرقومه [ای] که از مقام متیع ریاست وزرای عظام دامت شوکتہ صادر شده است، برای مزید اطلاع اولیای آن وزارت جلیله جوفاً ایفاد می‌گردد.

[امضای فتح‌الله اکبر]

[مهر وزارت داخله]

[حاشیه ۱]: - به عرض برسد. ۵ میزان

[حاشیه ۲]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ: ۵ میزان ۱۳۳۴ نمرة ۱۸۶۱۷]

[حاشیه ۳]: - شماره $\frac{۸۲۳۰}{۷ \text{ میزان}}$ محاسبات کل.

[حاشیه ۴]: - سواد قرارداد حضور حضرت وزارت پناهی تقدیم شد. ۲۰ عقرب

[حاشیه ۵]: - دایرة محاسبات.

[حاشیه ۶]: - دایرة بودجه.

[۲۴۰۰۰۲۶۴۲]

۸۲

ریاست وزرا، تاریخ ۴ میزان [۱۲۹۵ ش] / [۲۸ ذی‌قعدة] ۱۳۳۴

نظر به وضعیات حاضره و پیش‌بینی برای جلوگیری از مشکلات محتمله آتیه و آسایش حال عموم این اوقات که هیأت دولت تصمیم نموده است برای نان تهران به قدر امکان تهیه‌گندم شود و مقتضی آن بود که این امر مهم به امانت دولت از راه تجارتی انجام یابد. بنابر آن مواد مقررہ ذیل فی‌مابین دولت علیه ایران و جناب ارباب کیخسرو شاهرخ مقرر گردید تا مشارالیه به اسرع مایمکن به طریقی که مقرون به صلاح و صرفه باشد برای انجام مقصود مزبور اهتمام نماید.

۱ - مبلغ ابتدایی که باید مشارالیه اقدام در خرید گندم نماید الی یک صد و پنجاه هزار

تومان رایج است.

۲- از مبلغ مزبور فوق پنجاه هزار تومان نقد و یک صد هزار تومان به فاصله ۳ ماه از این تاریخ هر ماهی سی هزار و سیصد و سی و سه تومان نقداً به مشارالیه داده می شود.

۳- خرید مزبور در تهران و مضافات و از خاک خمسه و قزوین و عراق و ساوه و سایر نقاطی که معمولاً جنس وارد تهران می نموده اند می باشد.

۴- خرید گندم برای دولت منحصر به مشارالیه می باشد و کارگزاران^(۱) انبار غله دولتی و یا غیره حق مداخله در خرید گندم برای دولت ندارند.

۵- آنچه گندم در هر نقطه توسط مشارالیه و عمال و مأمورین مشارالیه خریداری می شود امانت دولت است و به هر قیمت خریداری شده عیناً به انضمام مخارج متعلقه به آن از محل وجه فوق تأدیه و به حساب دولت محسوب خواهد شد.

۶- آنچه گندم در هر نقطه مشارالیه و عمال مشارالیه خریداری می نمایند باید به موجب قرارداد مهور و ممضی به مهر و امضای طرفین خریدار و فروشنده باشد و برای معامله گندم مزبوره باید دفاتری مخصوص مرتب بوده و کلیه معاملات راجعه به گندم مزبوره، باید به موجب اسناد صحیح و مثبت در دفاتر مزبوره باشد که همیشه تفتیش در آنها سهل و آسان باشد.

۷- در معاملات مزبوره به قدر امکان باید از حیث اعتبار طرف معامله و سایر حیثیات موارد و مواقع رعایت شود. مع هذا هرگاه با وجود رعایت کاملی که شده در قسمتی از معاملات سوختی واقع شود و یا بعد از وقوع معامله در موقع حمل و غیره مخاطراتی دیگر وارد آید که سند صحیح نسبت به وقوع معاملات مزبوره در دست باشد و همچنین در صورت وقوع حوادث فوق العاده از قبیل مداخلات قشون های خارجی و هجوم

سارقین مسؤولیتی به عهده مشارالیه نیست.

۸- تمامی گندمی که خریداری می شود باید عاجلاً به انبار مخصوص که دولت در تهران اختیار آن را به مشارالیه واگذار کرده است وارد شود.

۹- از نقاطی که باید گندم حمل تهران شود دولت به حکام و اداره امنیه امر اکید خواهد نمود لازمه مساعدت را در فراهم کردن وسایل حمل و تأمین عرض راه با مشارالیه و عمال مشارالیه بنمایند.

۱۰- هرگاه از طرف صاحبان جمع این عمل و یا کسانی که به عنوان حق السعی خرید گندم به آنها رجوع می شود خیانتی بروز کند و یا بخواهند برخلاف قرارداد عمل نمایند ادارات رسمی مربوطه و مأمورین دولت در هر نقطه باید لازمه مساعدت را در احقاق و مجازات بدون فوت وقت به عمل آورند.

۱۱- پس از آن که مقدار موجودی گندم مزبوره در انبار تهران به پنج هزار خروار برسد دولت باید شروع به حواله دادن نماید و به هر ترتیبی از حیث پاکی جنس وارد انبار شده است به همان ترتیب تحویل داده خواهد شد - تبصره - جنس مزبور حتی الامکان نباید بیش از ده نیم اشیای خارجی داشته باشد.

۱۲- کلیه مصارف و مخارج مخصوص به این قرارداد و اقدام در خرید و تحویل داری از حیث عمال و مأمورین مخصوص و اجزای کار و مصارف حمل و نقل و حقوق کارکنان اعم از اجزا و عمال مخصوص یا حق السعی تجارتنی که با اشخاص مخصوص قرارداد بسته شود و مصارف دفتری و محاسبات و غیره که مربوط و متعلق به این عمل باشد، منظور و محسوب است و از این محل داده خواهد شد.

۱۳- نسبت به هر مقدار گندم که خریداری و وارد انبار شود از قرار هر یک خرواری چهار قران حق السعی مشارالیه از محل همین وجه منظور و محسوب است و در صورتی که برای تهیه گندم حاجت به مسافرت مشارالیه به بعض نقاط باشد مخارج مسافرت

مشارالیه نیز در حساب محل مزبور قبول است.

۱۴ - هرگاه دولت اقساط در ماده (۲) را به موقع خود نرساند و از حیث بیعانه که ارباب به فروشنده‌های گندم داده ضرری متوجه شود این ضرر متوجه دولت بوده و مسئولیتی به مشارالیه وارد نخواهد بود.

۱۵ - قرارداد مزبور نسختان نوشته و امضا شده در کمال اعتبار و هر یک نسخه نزد طرفین ضبط و مدت این قرارداد الی سه ماه بعد از نوروز ثیلان‌ئیل آخر جوزا می‌باشد. در جلسه چهارم میزان ۱۳۳۴ هیأت وزرای عظام مواد پانزده گانه فوق را تصویب فرمودند که به موقع اجرا گذارده شود. مطابق اصل است.

[امضا]

[مهر کابینه ریاست وزرا]

[حاشیه]: - نمره $\frac{۸۲۲۹}{۷ \text{ میزان}}$ محاسبات کل

[۲۴۰۰۰۲۶۴۲]

۸۳

ریاست وزرا، نمره ۲۹۴۷، تاریخ ۴ میزان [۱۲۹۵ ش] / [۲۸ ذی قعدة] ۱۳۳۴

وزارت جلیله مالیه

در جلسه ۳ میزان ۱۳۳۴ هیأت وزرای عظام مواد پانزده گانه قراردادی که مابین وزارت جلیله داخله و ارباب کیخسرو برای خرید گندم مبادله شده و سواد آن ضمیمه این مراسله به آن وزارت جلیله ارسال می‌شود تصویب و مقرر گردیده است که یک صد و پنجاه هزار تومان وجه خرید گندم را مطابق اقساطی که در قرارداد مذکور معین

شده به آقای ارباب کیخسرو عاید دارند. تصویب نامه در کابینه ریاست وزرا ضبط است.

[امضای وثوق الدوله]

[مهر ریاست وزرا]

[حاشیه ۱]: - به اداره محاسبات کل فرستاده شود که از تصمیم هیأت وزرا مطلع شوند.

۶ میزان

[حاشیه ۲]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۷ میزان ۱۳۳۴، نمره: ۱۸۷۳۹]

[حاشیه ۳]: - محاسبات کل، شماره $\frac{۸۲۲۹}{۷ \text{ میزان}}$

[۲۴۰۰۰۲۶۴۲]

۸۴

۶ ذی حجه ۱۳۳۴

هو، مقام منبع وزارت جلیله مالیه

برای سهولت امر خرید گندم مستدعی است اولاً به تمام مأمورین مالیه در نقاط خوار و ورامین و خمسه و قزوین و عراق امر صادر شود و حکم آن را به خود بنده مرحمت فرمایند که هر کس برای بنده خرید گندم نماید که معرفی نامه از بنده در دست داشته باشد، لازمه مساعدت را از هر حیث بنمایند. ثانیاً به ریاست انبار غله دولتی امر شود اگر لازم شود مقداری از گندم خریداری بنده به انبار دولت وارد شود مساعدتی نمایند انبار علی حده به بنده تحویل داده شود انبار دار و سایر عمال انبار غله دولتی لازمه مساعدت را برای ذخیره و حفظ و غیره با عمال بنده بنمایند. زیرا اجزا و کارکنان آن جا که حقوق دولتی می گیرند از مساعدت در این کار وقت زیاده صرف نمی کنند فقط صرفه ای برای دولت خواهد بود خرج کمتر شود.

اقل کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - فوری است. اداره کابینه فقط توصیه نامه لازم به قزوین و زنجان و عراق صادر و برای ارباب کیخسرو فرستاده شود. ۱۳ میزان

[حاشیه ۲]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ: ۱۷ میزان ۱۳۳۴، نمره: ۱۹۷۰۹]

[۲۴۰۰۰۲۶۴۲]

۸۵

وزارت مالیه، نمره ۱۹۱۶۲، تاریخ ۱۰ برج قوس [۱۲۹۵ ش] / [۵ صفر ۱۳۳۵]

وزارت جلیله جنگ

با نهایت احترام خاطر عالی را مستحضر می‌دارد زمانی که هیأت وزرای عظام دامت شوکتهم عمل خرید و حمل جنس گندم از خارج را به آقای ارباب کیخسرو محول فرمودند برحسب دید آن وزارت جلیله بریگاد قزاق دوازده نفر قزاق به تفصیل ذیل:

صاحب جمع قم ۳ نفر، حاج سالار شجاع ساوه عراق ۴ نفر، مباشر خرید و حمل گندم طرکان ۳ نفر، مباشر خرید و حمل گندم زنجان ۲ نفر به آقای ارباب کیخسرو و برای تقویت مأموریت ایشان در ولایات و اشخاصی که برای حمل جنس با ایشان کتترات بسته شد تعلیم و به نقاط مفصله اعزام و فعلاً قزاقهای مزبور در هیأت اشخاص مذکور هستند ولی چون آقای ارباب کیخسرو به تازگی از کار کناره‌گیری نموده و عمل خرید و حمل را وزارت مالیه با حفظ تأسیسات ارباب چه در مرکز و چه در ولایات به خزانه‌داری رجوع نموده ممکن است قزاق‌های مأمور ولایات دستور سابق را در موقع استعفای ارباب تغییرپذیر دانسته و کمافی السابق به اجرای تکالیف مقرر اقدام نمایند. لذا متمنی است به بریگاد قزاق امر و مقرر فرمایند به دوازده نفر قزاق مزبور مجدداً تعلیمات لازمه بدهند که مثل سابق خود را مطیع مأمورین مالیه در خرید و حمل جنس دانسته و از

احکامات صحیحۀ ایشان سرپیچی ننمایند و ضمناً تأکید شود که قزاق‌ها مطابق آنچه از مأمورین به ایشان دستورالعمل داده می‌شود عمل نموده و برخلاف آن اقدامی که مضر به امر عمل خرید است ننماید.

وزارت مالیه [امضا]

[حاشیه] - از طرف وزارت جلیله مالیه نوشته می‌شود.

[۲۴۰۰۰۱۹۶۰]

۸۶

۲۵ دی حجه ۱۳۵ [۱۳]

هو

مقام منیع وزارت جلیله مالیه

مقداری گندم که برای دولت در قزوین تهیه نموده‌ام باید با گاریهای ارباب بهمن^(۱) و شتردار حمل شود. مستدعی است امر فوری تلگرافی به امین مالیه آن جا همین امروز صادر و مرحمت شود مساعدت و (رحمتی؟) نمایند بدون مانع حمل شود که گاری و شتردار معطل نماند و هم مساعدتی نمایند به قدر کسر آن، شتردار پیدا و بقیه زودتر حمل شود. تلگراف مزبور مرحمت شود توسط عامل خود بنده مخابره شود.

اقل کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - فوری است فوراً تلگراف شود به توسط خودشان مخابره شود. ۲۰ میزان

[۲۴۰۰۰۰۴۱۹]

۸۷

وزارت مالیه، اداره انبار غله دولتی، دایره کابینه، نمره ۵۷۴، مورخه

۱۳ قوس ئیلان ئیل [۱۲۹۶ ش] / [۱۸ صفر] ۱۳۳۶

اداره محترمة محاسبات کل مالیه

در جواب یادداشت آن اداره محترم راجع به وجوهاتی که آقای ارباب کیخسرو از انبار دریافت نموده و مقدار جنسی که ایشان به انبار غله دولتی تحویل نموده‌اند اطلاعاً زحمت می‌دهد که وجوهی که آقای ارباب کیخسرو از انبار دریافت

از ۱۲ الی ۳۰ سنبله ئیلان ئیل ۵۰-۱۲۴۱۰۷۵ قران

یک ماهه برج میزان " " ۱۰-۱۹۷۷۷۱۳

" " عقرب " " ۳۰-۱۱۳۳۲۶۰

از اول الی دهم " " ۸۰-۲۹۴۴۴۰۳
قوس

" ۷۰-۴۶۴۶۴۵۲

آقای ارباب کیخسرو از دوازدهم سنبله الی دهم برج قوس مبلغ چهارصد و شصت و چهار هزار و ششصد و چهل و پنج تومان و دو قران و هفصد دینار وجه دریافت نموده‌اند و مقدار پنج هزار و هفصد و شصت و پنج خروار و پنجاه و دو من و نیم گندم خالص بدون آفت و مقدار نهصد و سی و نه هزار و پنجاه و چهار من و نیم جو از ۱۴ سنبله الی دهم برج قوس هذه السنه از بابت خریداری از شهر و بلوکات و عراق و غیره به انبار تحویل داده‌اند.

[مهر رئیس اداره انبار غله دولتی]

[امضا]

[۲۴۰۰۰۶۲۸۰]

۸۸

وزارت مالیه،^(۱) [نمره ندارد]، [تاریخ ۱۸ جدی ۱۲۹۶] / [۲۳ ع ۱۳۳۶]

در تاریخ چهارشنبه ۱۸ برج جدی نیلان نیل ۱۲۹۶ حسب الامر وزارت جلیله مالیه راجع به شکایت آقای ارباب کیخسرو در موضوع اجحافات اداره انبار نسبت به مکاریان و حمالان حامل جنس در موقع تشخیص آفت اجناس وارده به انبار و مندرجات راپورت نمره ۷۰۷ مورخ اول قوس اداره انبار غله دولتی مبنی بر دفاع از اظهارات آقای ارباب کیخسرو، کمیسیونی در حضور آقای خزانه دار کل به عضویت آقایان مفصله ذیل: میرزا سید حسین خان، میرزا محمودخان با حضور آقای ارباب کیخسرو و مسیو پطروسیان نماینده اداره انبار غله دولتی تشکیل و پس از مذاکرات زیاد معلوم شد که آقای ارباب کیخسرو از ترتیب جریان امور اداره انبار راجع به آفت تا میزان صدی سه (۳٪) که بر طبق دستور نمره ۱۴۰۳۷ مورخ ۱۷ اوت ۱۹۱۴ خزانه داری کل و حکم نمره ۲۷۸۶۴/۲۱۳۷ مورخ ۳۱ جدی ۱۳۳۴ وزارت جلیله مالیه که به اداره انبار داده شده است کاملاً مطلع نبوده و تصور می نموده اند که آفت تا میزان سه درصد جنس های وارده به انبار جزء کسر بار محسوب می شده است. بنابراین بعد از اطلاع از مدلول احکام فوق الذکر که سواد آنها از اداره انبار برای آقای ارباب ارسال داشته است اختلافات مابین جناب آقای ارباب کیخسرو و اداره انبار غله دولتی در موضوع فوق الذکر رفع گردیده است.

[حاشیه ۱]: - نماینده انبار غله دولتی [امضا]

۱ - در این پرونده نیز مانند شماره تنظیم ۲۴۰۰۰۲۶۴۲ دولت قراردادی در باب خریداری گندم با ارباب کیخسرو شاهرخ بسته است که تاریخ آن ۳۱ اسد ۱۳۳۵ [۱۲۹۶ ش] است و در این جا از آوردن آن خودداری شد.

[حاشیه ۲]: - [امضا]

[حاشیه ۳]: - [امضا]

[حاشیه ۴]: - عجله به نحوی که مرقوم شده است چون اعتراض اخیر راجع به جنبه‌های مالیاتی بوده که با شترداران کنتراتی بنده می‌آورند با رعایت اجازه صدی سه آفت به شرح فوق فعلاً بنده عرضی ندارم.

[امضا: کیخسرو شاهرخ]

[حاشیه ۵]: - حکم نمره ۲۷۸۶۴ را ضمیمه نماید. اول دلو ۳۶

[حاشیه ۶]: - حکم نمره ۲۷۸۶۴ ملاحظه شد. ۷ دلو ۳۶

[۲۴۰۰۰۶۲۸۰]

۸۹

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۳۹۲۰، تاریخ ۱ ثور [۱۲۹۷ ش] /

[۱۰ رجب] ۱۳۳۶

آقای ارباب کیخسرو

وزارت مالیه اجازه می‌دهد که در تهران و اطراف تهران و ولایات به هر قیمت که ممکن باشد به امانت خودتان گندم و جو خریداری نموده حمل به تهران نمایید.
(وزارت مالیه)

سواد شرح فوق برای اطلاع به اداره محاسبات کل ارسال می‌گردد.

[امضا: اسدالله مشارالسلطنه]

[حاشیه ۱]: - [مهر دفتر اداره محاسبات کل مالیه به تاریخ ۹۷/۲/۱ نمره: ۱۱۵۵۳]

[حاشیه ۲]: - ضبط شود.

[۲۴۰۰۰۶۲۸۰]

۹۰

وزارت مالیه، نمره ۲۹۳۱، تاریخ ۱۲ اسد بارس نیل (۱۱ رمضان ۱۳۳۲)

در باب: [دویست ونود وهشت تومان و هشت قران] ^(۱) قیمت

لباس مستخدمین مجلس شورای ملی

خزانه‌داری کل

هیأت وزرای عظام تصویب فرموده‌اند که مبلغ دویست ونود وهشت تومان و هشت قران از بابت قیمت ملبوس مستخدمین مجلس شورای ملی که در موقع تاج‌گذاری، آقای ارباب کیخسرو تهیه نموده به مشارالیه تأدیه شود. سواد حکم ریاست وزرای عظام را که حاکی از تصویب‌نامه مزبور است لفأ ارسال داشت که قدغن نمایید. مفاد آن را سریعاً به موقع اجرا بگذارند. ^(۲)

[امضا]

[۲۴۰۰۰۴۵۶۰]

* * *

۹۱

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۷۸۱۰، تاریخ ۲۶ رجب ۱۳۳۴ -

۸ جوزای لوی نیل [۱۲۹۵ ش]

شرکت تلفن

مراسله نمره ۳ راجع به انتخاب آقای ارباب کیخسرو به سمت مدیریت اداره تلفن و

۱ - در اصل به حساب سیاق تحریر شده است.

۲ - ارباب در خاطرات خود نگاشته که ابتدا قرار بود مقتدرالملک مسؤول برگزاری جشن تاج‌گذاری باشد و او هم ۱۵۰ هزار تومان برای این جشن برآورد خرج نمود اما کابینه هیأت دولت ارباب کیخسرو را انتخاب کرد و ارباب با ۱۲ هزار تومان کل مخارج را صورت داد! هیأت دولت هر چه خواستند به او اجرت و نشان بدهند او قبول نمود و اظهار داشت که خدمت و وظیفه‌اش را انجام داده است. (اشیدری، یادداشت‌های ارباب، ص ۱۴۵ - ۱۵۰).

اصل و مفاد آن به تعلیمات وزارت مالیه اطلاع شد.^(۱) [امضا]

[حاشیه]: - [مهر دفتر وزارت مالیه نمره ۴۱]

[۲۴۰۰۰۱۹۶۰]

۱ - در محرم سال ۱۳۲۱ دوست محمدخان معیرالممالک موفق شد امتیازنامهٔ تلفن را بگیرد و هدفش واگذاری آن با سود بیشتر به دیگری بود. بنابراین با وساطت محاسب الممالک به شرکتی مرکب از بهرام جهانیان (الف) و محمداسمعیل مغازه و حاجی عباس قلی آقا بازرگان [پدر مهندس مهدی بازرگان] و حاج ربیع آقا و محاسب الممالک و تهرانیچی و حاجی مختارخان واگذار گردید و ۶۰٪ سهام نیز به شرکت جهانیان تعلق داشت و کل سرمایه مرکب از ده سهم ده هزار تومانی بود. پس از موجودیت شرکت نخست با پرداخت ۲۰ هزار تومان به شرکت بلژیکی امتیاز مأخوذ آنان بازخرید گردید و راه کار هموار شد. در این موقع روان شادگودرز شاه جهان از یزد به تهران آمد و چون سهام عمده داشت، دنبال شخص مدیر مدبری می گشت که امور را اداره کند. لذا با موافقت محاسب الممالک و سایر شرکا ارباب را برای مدیریت شرکت انتخاب کردند. (ب)

ارباب خود در یادداشت هایش چنین نوشته: «در ایام فترت بین دورهٔ دوم مجلس شورای ملی که وضعیت شرکت تلفن ایران خراب و شرکا از اداره کردن آن عاجز، آقای میرزا محمود خان شیبانی محاسب الممالک که از شرکا بودند مرا برای مدیریت آن با ماهی یک صد و پنجاه تومان راضی کردند و از اردی بهشت ماه یا تیر ۱۲۹۵ وارد کار شدم. فزون هرج و مرج بود، به نحوی که خواستم از مدیر کل قبل از خودم میرزا جواد منشی باشی حساب پس بگیرم و دفتر حساب نداشت بودجهٔ آن را خواستم نداشتند به واسطهٔ عجز در اداره کردن، شهرها را بین خود تقسیم کرده بودند و به اجارهٔ یکدیگر داده بودند [...] سیستم کهنهٔ تلفن تهران به طرز برقی تبدیل یافت و عمارت و اداره بزرگ برای آن درست شد. اخیراً طرز تلفن برقی تهران هم مبدل به تلفن خودکار شد. تمام کار و زحمت آن به عهدهٔ من بود [...] مدتها با دولت در کشمکش بودیم که تلفن برضد منافع تلگراف دولت نیست [...] چون عملیاتی شروع شده بود که مخالف روش و مسلک خودم دیدم در دوم آبان ۱۳۱۵ استعفا دادم». (ج)

(الف) مدیر تجارتخانهٔ جهانیان؛ رک: فصل تجارت

(ب) هوخت، س ۲۳، ش ۴، ص ۲۹ - ۳۰

(ج) اشیدری، یادداشت های ارباب کیخسرو، ص ۱۳۵ - ۱۳۸

۹۲

تهران، شرکت تلفن کل ممالک محروسه ایران، نمره ۳، به تاریخ ۲ جوزا [۱۲۹۵] /
[۲۰ رجب] ۱۳۳۴

مقام منیع وزارت جلیله مالیه

آقای ارباب کیخسرو از تاریخ اول جوزای ۱۳۳۴ از طرف شرکت تلفن^(۱) به سمت مدیریت اداره شرکت تلفن کل ممالک محروسه ایران منتخب شده‌اند مقرر شود در امور مربوطه به تلفن مشارالیه را به آن سمت بشناسند.

[امضای محمود محاسب الممالک]

[مهر شرکت تلفن ایران]

[حاشیه ۱]: - کابینه

[حاشیه ۲]: - [مهر ورود به کابینه مالیه، به تاریخ ۷ جوزای ۱۳۳۴، نمره ۷۸۱۰]

[۲۴۰۰۰۱۹۶۰]

* * *

۹۳

۱۱ جوزای ۱۲۹۸

فدایت شوم. خیلی متأسفم که در این مدت وسیله مطمئنی برای اظهار ارادت و تجدید عهد موَدّت نیافتم و گرفتاری‌های مختلف از هر حیث طوری بود که به این آرزو موفق نشدم. این اوقات که جناب آقای ارباب کیخسرو عازم اروپا هستند و مخصوصاً به لندن خواهند آمد ارسال این مختصر را به وسیله ایشان لازم دانستم که هم مطمئن‌ترین وسایل

هستند و هم بهترین شاهد گرفتاریهای من. معرفی آقای ارباب البته لازم نیست مگر همین قدر که ایشان از بهترین دوستان بنده هستند و هر چه با ایشان مساعدت و همراهی بشود موجب امتنان بنده خواهد بود.

مرقومه عالی در این اواخر به بنده رسیده است از اظهار ملاطفت‌های مخصوص ممنون و متشکرم. رسید اوراق سهام نفت (مکیک؟) هم از بانک شاهنشاهی رسیده هر چند به این زحمت راضی نبودم ولی البته این اسهام را مایه برکت دارایی خود خواهم دانست و بی نهایت ممنون و متشکر هستم. اگر باز هم خرید این اسهام یا اسهام دیگر را مفید و مقتضی بدانید و با تلگراف اشاره فرمایید خیلی ممنون می‌شوم و به بانک شاهنشاهی دستورالعمل خرید را خواهم داد. فوق‌العاده مایلم از این زحمات و کشمکش‌ها که در آن واقع هستم خلاصی یافته و سعادت ملاقات عالی را در فرنگستان درک کنم. نمی‌دانم کی به این آرزو خواهم رسید. عجله آقای ارباب سر راه هستند بیش از این زحمت نمی‌دهم و سلامت عالی را از خداوند مسألت می‌کنم. اگر آقای ارباب برای خرید اتومبیل برای بنده زحمتی دادند از هر نوع مساعدتی لازم باشد مضایقه نخواهند فرمود.

[امضای وثوق‌الدوله]

[حاشیه]: - [مهر: وثوق‌الدوله]

[۲۹۶۰۰۶۶۸]

* * *

۹۴

۱۴ جوزای ۱۳۰۰

هو

مقام منیع ریاست و زرای عظام مَذْظَلَه

هیچ حاجت نیست شرح حال خود و خانواده خویش را در قضیه قتل پسر ناکامم

عرضه دارم^(۱) و بدیهی است با تقدیر الهی نیز جای چه و چون نیست ولی از طرفی دیگر

۱ - ارفع الدوله در خاطرات خود چنین نگاشته: «وقتی عازم شدم که برای شرکت در جامعه ملل به اروپا سفر کنم چون راههای غرب به وسیله عربها بسته شده بود و بغداد آشفته بود، مصلحت دیدم از طریق جنوب حرکت کنم. یک روز جوانی تقریباً ۱۹ ساله ولی خیلی مؤدب و معقول مرا دید، پا شد بدون این که حرفی بزند پاکنی که در دست داشت داد به دست من. آمدم توی اتاق پاکت را باز کرده خواندم، دیدم نوشته است من اسمم شاهرخ پسر ارباب کیخسرو [...] می خواهم بروم لندن مشغول تحصیل باشم. تاکنون سه بار اسباب مسافرت من مهیا شده ولی هر سه بار اتفاقی افتاده که مسافرت من سر نگرفته. به شما ملحق شده‌ام که مرا در رکاب خودتان تا هر جا که به فرنگ می‌روید مرا به لندن بفرستید. صدا کردم آمد بالا، گفتم به ارباب از قول من سلام برسان و بگو تهیه شما را ببیند و تذکره شما را حاضر کند [...] منزل اول ما قمشه بود، منزل در کاروان سربابی بود [...] صبح علی‌الطلوع پیش از همه شاهرخ آمد نزد من سلام کرد. دیدم خیلی پریشان است. گفتم چطور خوابیدی؟ گفت آقا نهرسید چه قدر پشیمانم، کاش آن روز به دز آشوب نمی‌آمدم و آن عریضه را به شما نمی‌دادم. گفتم پسر این حرف‌ها چیست؟ این خیالات را از سرت به درکن. گفت آقا کار من از اینها گذشته، کشته خواهم شد [...] محمود میرزا و تقی‌خان را صدا کردم و گفتم این پسر را ببرید و جایی بدهید و نصیحت کنید، این دیوانه شده است. سوارها حاضر شدند، راه افتادیم [...] نزدیکی‌های ایزدخواست در طرف دست راست بالای تپه‌ها چندین سوار قشقایی پیدا شد. کالسکه‌چی گفت اینها حکماً راه‌زن‌اند. [...] درشکه را برگرداند، بنا کرد به اسبها شلاق زدن. وقتی قشقایی‌ها دیدند که درشکه در حال فرار است، ۱۵ نفر قشقایی یک دفعه شروع به شلیک کردند. از بدبختی شاهرخ که قرار بود آن روز پهلوی من بنشینند، یک گلوله از طرف چپ آمد به شیشه خورد و گذشت، راست به قلب بدبخت شاهرخ رسید. بیچاره بدبخت مرا گرفت بغل و یک دفعه فریاد کرد: آخ مُردم. از قلب او خون مثل فواره می‌جست و مرا از سرتا پا خون‌آلود کرد. افتاد روی زانوی من. فهمیدم که تمام شد [...] دزدها اسباب‌ها را با نعش شاهرخ به کوه بردند [...] آقا سیدیدالله کدخدا فرستاد نعش را با کالسکه آوردند. گفتم حالا تابستان است نعش کم‌کم تعفن پیدا می‌کند باید دفن کرد. گفت چون این گبر است محال است بگذارند او را در قبرستان مسلمان‌ها دفن کنند. گفت در آباده چند نفر بهایی هستند در آن جا اراضی خریده‌اند و مدرسه خریده‌اند یک طرف محوطه‌ای است، مقداری از آن قبرستان بهایی‌ها و مبالغی را به ارامنه و گبرها می‌فروشند باید آن جا دفن کرد [...] به تهران به ارباب کیخسرو تلگراف کردم دستور دفن شاهرخ را بدهید، چون جواب ←

بی شبهه نشر عدالت و جلوگیری از ظلم نیز از رضای خدا خارج نیست. بعد از وقوع آن قضیه با اقدامات و همت ایالت جلیله فارس و آقای قوام‌الملک عده‌ای از مرتکبین که من جمله چهار نفر قاتلین بوده‌اند گرفتار و به شیراز برده شدند و با آن که کراراً آقای مصدق‌السلطنه و الی فارس از کابینه آقای سپهدار اعظم تقاضای محکمه جنایی یا نظامی نمودند، تمام به تعلیل گذشت و بعد که اجازه دادند در موقعی اجازه صادر شد که مرتکبین فرار نموده و فقط یک نفر از قاتلان باقی مانده، چرا و چطور فرار کرده نمی‌دانم. در این اثنا تغییر حکومت تهران پیش آمد و مع‌هذا به بنده صریحاً نوشتند که حکم قصاص قاتل را صادر نموده‌اند ولی تاکنون اثری ننموده. مسلماً از قصاص قاتل پسر بنده باز نخواهد آمد ولی می‌توان به خود تسلی داد که اقلأً فدای آسایش جمعی دیگر شده. اینک از حضور مبارک استدعای بذل توجه دارد عدالت را هر قسم مقتضی است امر به اجرا فرمایند تا اقلأً بعد از هفت ماه که سرشک حسرت از روی و قلب والدین آن ناکام نخشکیده به توجّهات حضرت اشرف تسلی حاصل شود. چون هم‌اکنون سرشکم فرصت نداد زیاده جسارت نمی‌ورزد. ایام شوکت و نصرت به کام و مستدام باد.

سپاس‌دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - به ایالت تلگراف نمایند مرتکبین قضیه پرنس ارفع‌الدوله و پسر ارباب کیخسرو گرفتار شده در توقیف بودند و فعلاً در چه حالی هستند و نتیجه استنطاقات چه شده است. اعلام فرمایند.

[۲۹۳۰۰۶۰۴۳]

هنرسید وقت رفتن به آباده دوجرخه [گاری دوجرخ] کرایه کرده نعش را همراه بردیم به آباده در مدرسه بهایان یک جایی خریده دادم با آجر، چهار دیوار درست کرده صندوق را به رسم امانت گذاشتم توی آن. (ارفع، رضا؛ خاطرات پرنس ارفع؛ به کوشش علی دهباشی، تهران، سخن و شهاب ثاقب، ۱۳۷۸، ص ۵۰۴-۵۱۸) در خاطرات ارباب نیز در این باره مطالبی آمده است؛ رک: اشیدری، یادداشت‌های ارباب، ص ۱۳۲-۱۳۴.

۹۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به ط [تهران]، نمره ۹

تاریخ ۱ سرطان [۱۳۰۰]

حضرت ارباب کیخسرو شاهرخ

ایالت [در] قصاص قاتلین مسامحه، علت معلوم نیست گویا تکلیف قانونی [از] مرکز خواسته، استدعا است برای صدور حکم قصاص جدیت فرمایید، آسایش نداریم.^(۱)

انجمن [زرتشتیان]

[مهر تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه ۱]: - راجع به پسر مقتول ارباب کیخسرو هم باید اقدام شود، قاتل در شیراز حبس بوده تحقیق باید بشود در چه حال است. هر اقدامی می شود به آقای شکوه الملک اطلاع بدهید.

[حاشیه ۲]: - اداره ایالات جنوب. ۶ سرطان.

[حاشیه ۳]: - از ایالت فارس استعلام شد.

[حاشیه ۴]: - در مسئله قتل کرمان از اداره راپرتی تهیه و تقدیم شده بود تا حال جوابی نرسیده است.

[۲۹۳۰۰۶۰۴۳]

۹۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از شیراز به ط [تهران]، نمره ۱۵

تاریخ ۵ سرطان [۱۳۰۰]

وزارت جلیله داخله

در جواب تلگراف نمره ۱۵۸۹ راجع به قاتلین و سارقین پسر ارباب کیخسرو و واقعه

۱ - رک: پاورقی سند شماره ۲۵۸؛ همچنین اسناد شماره ۳۲۰ تا ۳۳۱.

اتفاقیه در ایالت سابق تحقیقات به عمل آمد. به موجب تحقیقات و دوسیه که در این موضوع در کابینه ایالتی ضبط است و مراجعه شده در شب ۲۵ جمادی الاول یازده نفر محبوسین عرب و قشقایی به اسامی مینه از محبس شیراز فرار نموده، گشت های نظمیه یک نفر شاه ولی نام قشقایی را دستگیر کرده و از طرف ایالت سابق به نقاط فارس در به دست آوردن فراری ها احکام لازمه صادر شده بود ولی هنوز هیچ کدام به دست نیامدند. شاه ولی نام هم که در محبس بوده در چند روز قبل به مرض در محبس فوت کرده است.

نصرت السلطنه

نمره ۱۲۳۴

[مهر تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره ایالات جنوب. ۷ سرطان

[۲۹۳۰۰۶۰۴۳]

۹۷

وزارت داخله، نمره ۱۷۹۴، تاریخ ۷ سرطان ۱۳۰۰، صادره: تلگراف

ایالت جلیله فارس

مرتکبین قضیه پرنس ارفع الدوله^(۱) و قتل شاهرخ توقیف و تحت استنطاق بودند. نتیجه استنطاقات به کجا منتهی شده و مرتکبین فعلاً در چه حال هستند؟ مقرر فرمایید اطلاع بدهند.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۴۳]

۹۸

وزارت داخله، نمره ۴۹۳۳/۱۸۳۲، به تاریخ ۹ سرطان ۱۳۰۰ / ۲۳ شوال ۱۳۳۹

صادره تلگراف، از تهران به شیراز

ایالت جلیله فارس

تلگراف نمره ۱۲۳۴ راجع به مرتکبین قضیه پسر ارباب کیخسرو زیب وصول داده، لازم است از طرف کارگزاران^(۱) ایالت جلیله در دستگیری فراریان اوامر اکیده صادر و قضیه به جدیت تعقیب شود و مقرر فرماید از دوسیه استنطاقات هم صورتی به وزارت داخله بفرستند.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۴۳]

۹۹

[روی یک برگه کاغذ بدون مارک تحریر شده است:]

فوری

راپورت اقداماتی که در دستگیری قتل پسر ارباب کیخسرو به عمل آمده هر چه زودتر بنویسید به عرض برسد.

۳ اسد

[حاشیه ۱]: - در زمان ایالت آقای مصدق السلطنه، مظنونین دستگیر و توقیف شده بودند بعد از محبس فرار کردند به ایالت فارس، مکرر در گرفتاری فراری ها تلگراف و تأکید شده هنوز نتیجه نداده است.

[حاشیه ۲]: - مجدداً تلگرافاً نتیجه را از ایالت فارس بخواهید. ۵/اسد

[۲۹۳۰۰۶۰۴۳]

۱۰۰

وزارت داخله، نمره ۴۱۳۹/۱۵۸۹، به تاریخ ۸ میزان ۱۳۰۰، صادره تلگراف

ایالت جلیله فارس

مرتکبین قضیه پرنس ارفع الدوله و پسر ارباب کیخسرو که گرفتار شده در توقیف بودند، فعلاً در چه حالتی هستند و نتیجه استنطاقات چه شده است. اعلام فرمایید

[امضا: احمد قوام]

۱۰۱

وزارت داخله، نمره ۳۷۲۱، به تاریخ ۴ صفر ۱۳۴۰ / ۱۳ میزان ۱۳۰۰

صادره: تلگراف [از] تهران [به] شیراز

ایالت جلیله

چنان که خاطر مبارک مستحضر است، مسأله قاتلین پسر ارباب کیخسرو مدتی است مطرح مذاکره است. با مساعدت تامه هیأت محترم دولت در قبول پیشنهادات حضرت اقدس والا انتظار می رود در این موقع توجه مخصوص در گرفتاری مرتکبین مبذول و نتیجه را اعلام فرمایند تا حکم مجازات آنها از ملاقات مربوطه صادر شود.

[امضا: احمد قوام]

۱۰۲

وزارت داخله، نمره ۳۸۹۱/۱۱۴۴۰، به تاریخ ۲۳ میزان ۱۳۰۰ / ۱۴ صفر ۱۳۴۰

تلگراف از تهران به شیراز

ایالت جلیله

تلگراف نمره ۳۶۷۰ شرف وصول داد به سابقه امر هم که اشاره فرموده بودید مراجعه شد. منظور هیأت محترم دولت این است در این موقع که کارگزاران ایالت جلیله برای تدبیر اشرار و اعاده نظم به تشکیل و اعزام اردو مبادرت فرموده‌اند، تعقیب قاتلین پسر ارباب کیخسرو را نیز مورد توجه قرار داده و در گرفتاری اشخاصی که به جرم شرکت در این قضیه محبوس بوده و اخیراً از محبس فرار کرده بودند، اوامر اکیده صادر فرمایند تا پس از اجرای استنطاقات حکم مجازات آنها از مقام مربوطه صادر شود و همچنین مقرر فرمایید وزارت داخله را از نتیجه تحقیقات و استنطاقاتی که سابقاً از محبوسین فراری شده بود مستحضر سازند.

[امضا احمد قوام]^(۱)

[۲۹۳۰۰۶۰۴۳]

* * *

۱۰۳

انجمن زرتشتیان تهران، نمره ۱، تاریخ [اوایل اردیبهشت ۱۳۰۲]

مقام منیع وزارت جلیله دامت شوکته

به موجب قانون و برحسب امر آن وزارت جلیله، حکومت جلیله دارالخلافة انجمن

۱ - احمد قوام از معدود دولت‌مردانی است که همواره حقوق اقلیت‌های مذهبی را پیگیری می‌کرد و در مطایر اسناد و فصل‌های این کتاب می‌توان جدیت و یکسان‌نگری او را مشاهده نمود.

مرکزی نظارت انتخاب یک نفر نماینده زرتشتیان را برای دوره پنجم مجلس شورای ملی منعقد فرموده و در چهارم رمضان اعلان انتخاب نماینده در تهران منتشر گردیده، از چهاردهم تا شانزدهم رمضان تعرفه داده و هفدهم و هیجدهم رمضان اخذ آرا و بیستم رمضان استخراج آرا خواهد شد. لهذا مستدعی است به ایالت جلیله کرمان و به حکومت جلیله یزد هم تلگرافی شرف صدور یابد در آن جاها نیز انجمن نظارت زرتشتیان را منعقد و انتخاب را شروع نمایند زودتر تکلیف نماینده زرتشتیان معین شود. ضمناً استحضاراً به عرض می‌رساند که در شیراز نیز چهل پنجاه نفر زرتشتی کسب تجارت دارند. در صورت مقتضی به ایالت جلیله فارس هم امر شود نسبت به انتخاب آن جا نیز اقدام فرمایند موجب تشکر است. ایام شوکت مستدام باد.

از طرف انجمن مرکزی انتخابات زرتشتیان

[امضا : رئیس گیوپارسی]، [مهر : انجمن مرکزی نظارت زرتشتیان تهران]

[حاشیه]: - اداره مرکز انتخابات. ۱۳۰۲/۲/۵

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

۱۰۴

حکومت تهران، [نمره ندارد]، مورخه ۱۳ ثور ۱۳۰۲، سواد راپرت

آقای میرزا محمودخان نماینده حکومت

مقام منیع حکومت جلیله دامت شوکته

امروز که یوم پنج‌شنبه (۱۶) شهر جاری است^(۱) چهار ساعت قبل از ظهر در انجمن

زردشتیان حضور به هم رسانیده اعضای انجمن عموماً حضور داشته شروع به دادن تعرفه نمودند. تا ظهر ۴۸ ورقه تعرفه داده شد و قرار شد فردا هم چهار ساعت به ظهر مانده حضور به هم رسانیده اخذ رأی نمایند. کلیه تعرفه که در این سه روزه داده شده ۲۱۸ ورقه شده است. راپرتاً معروض داشت. امر امر مبارک است.

محل امضای محمود خردمند

سواد مطابق اصل است.

[امضا]، [مهر: کابینه حکومت تهران]

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

۱۰۵

حکومت تهران، [نمره ندارد]، مورخه [۱۵ ثور ۱۳۰۲]، سواد راپرت

آقای میرزا محمودخان نماینده حکومت

روز جمعه ۱۷ و شنبه ۱۸ رمضان در انجمن نظارت زردشتیان از چهار به ظهر مانده، حضور به هم رسانیده، سه نفر آژان هم برای حفظ انتظام از طرف اداره اعزام شده بودند حاضر بودند. اعضای انجمن به استثنای میرزا اردشیر که امروز برای کاری اجازه حاصل نموده و غایب بوده، همه حاضر شده قبل^(۱) از این که شروع به اخذ آرا نمایند، موافق ماده ۲۷ قانون بدواً جعبه آهنی را که برای اخذ آرا حاضر کرده بودند، خالی بودن جعبه را ارایه داده، سپس درب جعبه را بسته و مهر و لاک کرده شروع به اخذ آرا کرده از شکافی که بالای جعبه بود آرا را انداخته، دیروز وقت ظهر که موقع تعطیل بود شکاف

روی جعبه را گرفته، لاک و مهر از دویست و هجده تعرفه که داده بودند، دویست و نه ورق رأی گرفته و نه ورقه برنگشت. در موقع تعطیل که آخرین دفعه اخذ آرا بود، باز هیأت نظار و فدوی روی شکاف جعبه را لاک و مهر کرده و به قفسه [ای] که دیروز گذاشته بودند گذاشته شد و درب قفسه لاک شده، ارباب گیو و فدوی مهر نموده که پس فردا روز بیستم استخراج آرا نمایند. راپرتاً به عرض رسانید. امر امر مبارک است.

محمود خردمند

سواد مطابق اصل است. [امضا]

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

۱۰۶

حکومت تهران، [نمره ندارد]، مورخه ۱۹ برج ثور ۱۳۰۲، سواد راپرت

آقای میرزا محمودخان نماینده حکومت

مقام منیع حکومت جلیله دامت شوکته

روز دوشنبه ۲۰ رمضان سه ساعت [و] نیم به غروب مانده به انجمن زردشتیان رفته اعضای انجمن نیز حضور به هم رسانیده، حضرت آقای امیراعتماد معاون هم تشریف آورده صندوق ضبط آرا که در میان قفسه لاک و مهر شده گذاشته بودند، بیرون آورده، اعضای انجمن لاک و مهر خود را معاینه و صحّت و بی عیبی آن را تصدیق کرده، مطابق ماده ۳۵/۳۴/۳۳/۳۲/۳۱/۳۰ قانون انتخابات شروع به استخراج آرا و مطابقه با عده تعرفه گیرندگان نموده از دویست و نه رأیی که اخذ شده بود، به شرح ذیل قرائت گردید: به اسم آقای ارباب کیخسرو: ۱۹۶ رأی، ایضاً به اسم ارباب کیخسرو: ۱ رأی به امضای خوانا که باطل شد، ایضاً به اسم ارباب کیخسرو: ۱ رأی با علامت ۱۴۶، به اسم

میرزا خدا رحیم بهمن: ۶ رأی، ارباب بهمن بهرام: ۲، ارباب گیو: ۱، میرزا مهربان
خداداد، ارباب مهربان: ۱

سپس صورت مجلس انتخابات را نوشته اعضای انجمن و حضرت آقای امیراعتماد و
این بنده مهر و امضا نموده که بعدها به حکومت بفرستد. راپرتاً معروض داشت. امر امر
مبارک است.

(امضای محمود خردمند)

سواد مطابق اصل است. [امضا] - از طرف رئیس

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

۱۰۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از شیراز به ط [تهران]، نمره ۱۱۷

تاریخ ۱۹ جوزای [۱۳۰۲]

توسط جناب اجل آقای لسان‌الملک نماینده محترم زبیده اقباله، وزارت جلیله داخله
انتخابات ملت زردشتیان خاتمه یافت و صندوق آرا را روز چهارشنبه، بیستم شوال در
انجمن نظار آورده قرائت کردند. عده تعرفه [ای] که داده شده چهل‌ونه ورقه بوده و
چهل‌ونه ورقه هم رأی اخذ شده و تمام چهل‌ونه رأی به اسم آقای ارباب کیخسرو
شاهرخ نماینده دوره چهارم بوده. استحضاراً به عرض رسید.

اکبر، نمره ۱۴۵۸

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره مرکز انتخابات. ۴/۲۹/۱۳۰۲

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

۱۰۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]، نمره ۴۸
تاریخ ۲۴ جوزای ۱۳۰۲ ش.

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در نتیجه تشکیل انجمن نظارت زردشتیان با حضور نماینده حکومت و مسیر قانونی خود، آقای ارباب کیخسرو با ۱۴۲۹ رأی از ۱۴۶۴ رأی به وکالت زردشتیان یزد انتخاب شدند. اعتبارنامه ایشان توسط پست تقدیم می شود. ۲۴ جوزا، نمره ۴۵۳.

کفیل حکومت: محمود [ناخوانا]

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: — اداره مرکز، انتخابات. ۱۳۰۲/۴/۲۶

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

۱۰۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به ط [تهران]
نمره ۳۵۷، تاریخ ۲۰ سرطان ۱۳۰۲

مقام محترم وزارت جلیله داخله

آقای ارباب کیخسرو شاهرخ به اکثریت ۸۶۴ رأی از ۸۶۸ رأی حوزه شهر و بلوکات کرمان به نمایندگی دوره پنجم تقنینیه انتخاب شدند. صورت مجلس با پست ارسال شد.
۲۰ سرطان، نمره ۲۰۰۴

عبدالحسین، [مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: — اداره انتخابات ۲۱ سرطان ۱۳۰۲

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

۱۱۰

وزارت داخله، حکومت تهران، نمره ۳۰۷۷، به تاریخ ۲۷ میزان ۱۳۰۲

مقام محترم وزارت جلیله داخله

عین صورت مجلس انتخابات زردشتیان ایران را که از طرف انجمن نظارت مرکزی آنها نوشته و امضا و مهر کرده به اداره حکومتی فرستاده‌اند. لفاً انفاذ می‌دارد. اعتبارنامه نمایندگی آقای ارباب کیخسرو را هم که از انجمن نظارت مرکزی زردشتیان نوشته و آورده بودند تصدیق و مهر و امضا نموده، برای میرزا افلاطون پسر ارباب کیخسرو فرستاده شده که در مراجعت از اروپا به ایشان تسلیم نمایند.

[امضا: ادیب السلطنه]، [مهر: حکومت تهران]

[حاشیه]: - اداره مرکز انتخابات. ۱۳۰۲/۷/۲۸

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

۱۱۱

وزارت داخله، حکومت تهران، نمره ۵۰۲۴، به تاریخ ۷ حوت ۱۳۰۲

ضمیمه چهار طغرا صورت مجلس و اعتبارنامه، فوری است

مقام محترم وزارت جلیله داخله

به طوری که در تلو مرقومه نمره ۶۶۹۰ مرقوم فرموده بودند، صورت مجلس انتخابات یزد و کرمان و شیراز زرتشتیان را از انجمن نظارت مرکزی تهران زرتشتیان خواسته و اینک سه ورقه صورت مجلس سه محل فوق‌الذکر را با یک طغرا اعتبارنامه آقای ارباب کیخسرو که از انجمن نظارت انتخابات یزد با تصدیق و امضای کفیل حکومت یزد به انجمن مزبور فرستاده‌اند لفاً ایفاذ داشت که به مجلس شورای ملی

ارسال فرمایند. از اوراق و دفاتر راجع به انتخابات هم فقط یک دفتر اسامی تعرفه گزیدگان از دوره سیم الی پنجم که در همان دفتر صورت مجلس ها را هم نوشته اند در انجمن زردشتیان بوده و به اداره حکومتی آورده تسلیم نمودند.

[امضا : ادیب السلطنه]، [مهر : حکومت تهران]

[۲۹۳۰۰۵۷۸۹]

* * *

۱۱۲

مجلس شورای ملی، نمره ۲۱۰۱۹، مورخه ۲۷ مرداد ۱۳۰۷

وزارت جلیله مالیه

برحسب تصمیم مجلس شورای ملی در جلسه ۲۲ مرداد ۱۳۰۷ از تاریخ انقضای دوره ششم تا افتتاح دوره هفتم تقنینه، امور اداری مجلس در قسمت اداره تقنینه با آقایان نواب رئیس و در قسمت اداره مباشرت با آقایان ارباب کیخسرو و خطیبی مباشرین خواهد بود. لزوماً رأی مجلس شورای ملی ابلاغ گردید.

[امضا : طباطبایی]

[حاشیه ۱]: - کابینه، به ادارات ابلاغ نمایند که در موارد مراجعه مطلع باشند. ۷/۵/۳ [امضا جلالی]

[حاشیه ۲]: - به عرض برسد. ۷/۵/۸ [۱۳۰]

[حاشیه ۳]: - [مهر ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ: ۱۳۰۷/۵/۲۸، نمره: ۲۱۵۶۹]

[۲۴۰۰۰۶۲۶۳]

* * *

۱۱۳

ریاست وزرا، نمره ۸۱۷۴، به تاریخ ۱۳۰۹/۱۲/۴

هیأت وزرا در جلسه بیست و نهم بهمن ۱۳۰۹ تصویب نمودند که به آقایان ارباب کیخسرو شاهرخ و میرزا محمودخان بدر و پرویز میرزا بهمن که از طرف وزارت طرق به مأموریتی عازم اروپا هستند تذکره سیاسی داده شود.^(۱)

[امضای: مهدیقلی هدایت، قاسم صوراسرافیل، مهدی فرخ، علی اکبر داور، عنایت الله سمیعی، محمدعلی فروغی، جعفرقلی بختیاری، سیدباقر کاظمی]

[۱۸-۱۱۶۰۳
۷۹۴-۱۱]

۱ - در سال ۱۳۰۷ سندیکای راه آهن که سه شرکت آلمانی و یک شرکت آمریکایی در آن شرکت داشتند عهده دار انجام اجرای راه آهن سرتاسری گردیدند اما پس از سه سال که کاری از پیش نبردند، رضاشاه پهلوی ارباب کیخسرو را در آذرماه ۱۳۰۹ مأمور رسیدگی به این کار نمود و طبق بررسی های ارباب قرارداد سندیکای فوق الذکر در مهرماه ۱۳۱۰ ملغی شد و شرکت کامپاکس در ۱۳۱۱ ناظر بر عملیات ساختن راه آهن گردید. (الف) ارباب در خاطرات خود نوشته: «در دو سال قبل [۱۳۱۵ شمسی] در موقع گرفتاری عده ای از وزارت طرق و محاکمات و استنظافات شنیده شد که حسین خواجه نوری مترجم تجارتخانه سوئدی ها را هم گرفته اند و قریب دو ماه حبس بود. بعد از استخلاص او روزی آقای محمود بدر که اکنون وزیر مالیه است و آن وقت معاون وزارت مالیه بود به من فرمود که از قرار اظهار حسین خواجه نوری او را تحت فشار آورده استنطاق می کرده اند که بگوید در مأموریت ۱۳۱۰ من و آقای بدر به سوئد برای عقد قرارداد چه تعارف گرفته ایم زیرا مهندس شقاقی که در آن موقع رئیس راه آهن بود و با آقای بدر خصومتی داشت چنان راپورتنی داده است [...] در صورتی که در همان سوئد متجاوز از سه هزار تومان من از جیب خود روی این مأموریت گذاشته هیچ حقوقی هم نداشته و حتی دو زوج قالیچه های خود و پسرمنوچهر را در هامبورگ نزد کمپانی ونکهوس گرو گذاشتم که به کلی ازمیان رفت». (ب)

(الف) اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۳۹۰-۳۹۱

(ب) اشیدری، یادداشت های ارباب کیخسرو، ص ۱۷۵

۱۱۴

وزارت امور خارجه، اداره اقتصادیات، سواد نمرة ۹۶۱۲۳۳/۱۴۹۷

مورخه ۲۴ آبان ۱۳۱۲

بعدالعنوان

چنان که سابقاً خاطر محترم را مستحضر داشته است (۱۲/۱۰/۱ نمرة ۶۷۹) هنگامی که آقای ارباب کیخسرو شاهرخ مقاوله نامه مورخه ۲۱ ژوئن ۱۹۳۱ دایر به معاوضه مال التجاره بین ایران و سوئد را امضا نمودند در همان تاریخ نیز مراسله ای امضا کردند که به موجب آن دولت شاهنشاهی وظیفه دارند آلات مختلفه از قبیل ماشین و کارخانه و غیره را از شرکت ایران خریداری نمایند و نیز محترماً متذکر شده است که علی رغم این تعهدنامه تا به حال مکرر دولت شاهنشاهی از نواحی دیگر تهیه این قبیل ماشین آلات را برای خود فرموده اند این رویه امروزه باعث شده است که کارخانجاتی که باید این سفارشات در شرکت ایران وارد شده اند^(۱) هنوز منتظر باقی سفارشاتى هستند که در مراسله سابق الذکر تعهداً ذکر شده است و چون مدت انتظار آنها از ماه و سال گذشته خیال دارند موضوع را علیه^(۲) شرکت ایران به عدلیه رجوع و ادعای خسارت نمایند. اگر موضوع به عدلیه رجوع شود حق را به کارخانجات خواهند داد و بیم آنست که شرکت نیز دولت شاهنشاهی را مسؤول قلمداد و عاقبت به حکمیت رجوع شود. متأسفانه باید به عرض برساند که اوراقی را که این ها از وزارت طرق در دست دارند و بنده مجماً به آنها رجوع کرده ام این طور استنباط نموده ام که آن اوراق و مراسلات دیگر بدون ارائه به حقوق وافی صادر شده است به طوری که علاوه بر تعهدنامه خود

۱ - در متن چنین آمده است.

۲ - اصل: بر علیه.

آنها هم ظاهراً حق را به شرکت می دهند. راجع به این موضوع چون کارخانجات به شرکت فشار آورده اند وکیل شرکت نظرش این بود که قضیه را به وزارت خارجه سوئد احاله دهد ولی این جانب پس از مذاکرات با ایشان و رئیس شرکت آنها را راضی کردم عجالتاً دست نگاه دارند تا سفارت مراتب را به اطلاع آن وزارت جلیله می رساند.

البته مقتضی است که وزارت امور خارجه به سایر اولیای امور، لزوم محترم نگاه داشتن امضا و تعهدات دولت را به قسمتی که هیچ کس نتواند در مورد آنها شکی به خاطر رخنه دهد متذکر شوند تا این قبیل پیش آمدهای تأسف آور در آتیه روی ندهد متمنی است نظر محترم را راجع به این موضوع به فوریت ابلاغ فرمایند تا از آن قرار رفتار شود.

شارژدافر قدیمی

[امضا]

مطابق اصل است

[۱۸-۱۱۶۰۰۳ / ۱۳-۷۹۴]

۱۱۵

وزارت امور خارجه، اداره اقتصادیات، نمره ۳۷۰۸۱/۲۴۸۲

تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۱۳، خیلی فوری

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

سواد راپورت سفارت شاهنشاهی مقیم استکهلم دایر به شکایت سوئدی ها از این که لوازم راه آهن از شرکت ایران خریداری نشده و از سایر ممالک اکتیاع می شود لفاً تقدیم می گردد مستدعی است اقتضای رأی مبارک را نسبت به جوابی که باید داده شود به وزارت امور خارجه مرقوم بفرمایند.

وزیر امور خارجه [امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر ورود به کابینه ریاست وزرا به تاریخ: ۱۲/۱۰/۱۲، نمره: ۶۸۵۹]

[حاشیه ۲]: - به عرض برسد. ۱۲/۱۰/۱۲

[حاشیه ۳]: - پس از آن که کمیسیون راجع به این امر مطالعات لازمه نمود تکلیف تعیین

خواهد شد. ۱۲/۱۰/۱۲

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۹۴-۱۳}$]

* * *

۱۱۶

وزارت مالیه، نمره ۱۱۸۱۳، تاریخ ۱۲/۵/۱۶ [۱۳]

خزانه‌داری کل

به طوری که طی نمره $\frac{۴۳۰۰}{۱۲/۲/۲۵}$ اطلاع داده شد مبلغ هشتاد هزار ریال از یک صد هزار ریالی که شرکت سهامی تجارتهی ایران برای امور خیریه به طیب خاطر پرداخته بود، برای مخارج مربوطه به جشن فردوسی و تکمیل بنای مقبره او تخصیص داده شده. لازم است مبلغ مزبور را کلاً به وسیله آقای ارباب کیخسرو شاهرخ در وجه صندوق «انجمن آثار ملی» پرداخته، رسید دریافت نمایید که به مصرف مذکور^(۱) در فوق برسد و نتیجه اقدام خودتان را هم اطلاع فرمایید.^(۲) [امضا]

۱ - اصل: مذکوره.

۲ - ارباب در خاطرات خود نوشته: «در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تحت حمایت و توجهات اعلی حضرت همایون شاهنشاه پهلوی برای حفظ تاریخ و آثار ملی انجمنی تشکیل شد. اعضای انجمن عبارت بودند از آقایان ذکاءالملک فروغی، مشیرالدوله، عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار، فیروز میرزا نصرالدوله، سیدحسن تقی‌زاده، حسین علا، ابراهیم حکیم‌الملک، حسن مستوفی‌الممالک، نظام‌الدین حکمت مشارالدوله، میرزا محمدعلی خان فرزین و این جانب [ارباب کیخسرو] ضمناً آقایان هرتسفلد آلمانی و مسیو گدار فرانسوی از خاورشناسان معروف هم عضو افتخاری بودند. این انجمن نامزد شد به «انجمن آثار ملی». نخستین گامی ←

[حاشیه]: - حسب الامر تهیه شود. ۱۶/۵/۱۲

[۲۴۰۰۱۷۷۹۷]

* * *

۱۱۷

بیستم آذرماه ۱۳۱۶

جناب آقای رئیس‌الوزرا

قنات کرجی یکی از مهم‌ترین و بزرگترین قنات تهران است که طول آن در حدود چهار فرسخ و نیم بوده و امروز با یک میلیون ریال ایجاد یک چنین قناتی ممکن نیست و تنها آبی که برای شرب بخش اطراف ایستگاه راه‌آهن به کار می‌رود همین قنات است و بس و به همین مناسبت قنات مزبور را شهرداری تهران برای شرب بخش مذکور در اجاره دارد.

آقای ارباب کیخسرو شاهرخ از موقعیت نمایندگی مجلس شورای ملی خود سوء استفاده نموده و به امید آشنایی و ارتباط با ادارات دولتی بی‌پروا و عدواناً برخلاف نص صریح قانون مدنی و مخالف حق و عدالت آن هم در زمان سلطنت یک چنین شاه عظیم‌الشأنی در حریم قنات مزبور مشغول حفر قناتی برای سعیدآباد^(۱) شده است که در

«که این انجمن برداشت این بود که باید قبر حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر معروف ایرانی که ایران همیشه به او می‌بالد و اثری از آرامگاهش نیست پیدا و آباد گردد. لذا مرا مأمور این کار کردند. ضمناً من به دفترداری و خزانه‌داری انجمن برگزیده شده بودم. ریاست آن با آقای فروغی بود. در همان سال ۱۳۰۵ حسب الامر به مأموریت خراسان [رفتم....] هشت سال تمام از ۱۳۰۵ شمسی تا ۱۳۱۳ به خرج خود راه مشهد و طوس و تهران را طی کردم تا آرامگاه فردوسی در طوس به پایان رسید که ۲۰ مهر ۱۳۱۳ جشن هزارمین سال آن گرفته شد. (اشیدری، یادداشت‌های ارباب ص ۱۸۰ - ۱۶۵).

ارباب در خاطرات فوق‌الذکر شرح بسیار مفصل نحوه یافتن آرامگاه و سپس ساختمان آن را شرح داده است که خواننده محترم می‌تواند به مرجع مذکور مراجعه نماید.

۱- ارباب در خاطرات خود شرحی راجع به آباد کردن چند روستا مطالبی نگاشته، من جمله می‌نویسد: «در»

نتیجه دوازده سنگ آب قنات کرجی را به کل خشکانیده و در مقابل قنات سعیدآباد دارای بیست سنگ آب شده است و با این که کلیه مقنیان درجه اول شهر زیان غیرقابل انکار این عمل را به قنات کرجی تصدیق کرده‌اند و با این که به شهرداری تهران یادآوری شده است که آب جهت بخش اطراف ایستگاه راه آهن بدون وجود این قنات غیرممکن است، تا به حال اقدام مؤثری از طرف شهرداری تهران که در حقیقت قائم مقام مالکین قنات و امین از طرف آنها است در رفع این تعدی به عمل نیامده. چون قطع داریم که در یک چنین عهد مشعشعی ارباب کیخسرو و امثال او نمی‌توانند برخلاف حق آن هم به زیان عمران مسلم شهر تهران اقدامی نمایند مراتب را به عرض رسانیدیم تا تعلیمات مقتضی در رفع این تجاوز بین و جلوگیری از این اقدام غیرقابل جبران بفرمایند.

عالیه اتاییکی - نجیبه اتحادیه - علاءالدین بهبهانی -

حسین تبریزی - احمد تفرشی - پیمان

رونوشت شرح فوق برای استحضار جناب آقای وزیر داخله تقدیم می‌شود تا دستور مقتضی به شهرداری تهران صادر فرمایند.

[امضای ۶ نفر فوق‌الذکر]

[حاشیه ۱]: - تلگرافی هم در این موضوع به پیشگاه بندگان اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه تقدیم شده است.

هزندگان خود عشق و علاقه به تجارت هیچ نداشتیم. میل مفروض من اولاً در خدمت معارف و تأسیس مدارس ثانیاً سیاست و انجام خدمات عمومی، ترتیب کار اداری و از حیث شغل عمل فلاحیت را بر هر چیز دیگر رجحان می‌داده‌ام چنان که در قسمت «فیروز بهرام»، «سعیدآباد» و «هاشم‌آباد» که بدبختانه برای خودم نمائد طوری به آبادانی آن پرداختم که ضرب‌المثل شده. (اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ، ص ۱۷۸ به بعد).

[حاشیه ۲]: - [مهر ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ: ۱۶/۹/۳۰، نمره: ۱۳۷۶۴]

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۹۴-۱۵}$]

۱۱۸

۱۳۱۶/۹/۲۷

هو، ریاست وزرای عظام

پربروز ظهر با تلفن از سعیدآباد بلوک غار ملکی بنده و شرکا وصل به شاه آباد آگهی دادند که چند نفر کارگر با مقتنی باشی شهرداری و یک نفر پاسبان به سرقات سعیدآباد رفته مشغول پرکردن چاه هستند. این مسأله به قدری شگفت آور به نظر رسید که باور کردنی نبود زیرا هیچ گاه این موضوع سابقه نداشته و با احدی مرافعه و گفتگویی در میان نبوده و کسی قبلاً با بنده و شرکا مذاکره نکرده و اتفاقاً در موقعی به بنده خبر دادند که پنجشنبه و ادارات تعطیل بود. مجدد دیروز خبر دادند که رفته به دقت دیده اند ۳ چاه از چاهها را سنگ و خاک ریخته و مقداری پر کرده اند در صورتی که بنده و شرکا نه قنات تازه احداث کرده و نه رشته تازه کنده. در رشته کهنه قنات خود که کهنه ترین قنات اطراف است فقط مشغول پاک کردن اند. فرضاً هم اگر احدی سخنی داشته مطابق تمام قوانین و مقررات که دولت شاهنشاهی پشتیبان آن است باید قبلاً با صاحب قنات مذاکره کند و از روی قواعد کلی عمل نماید تا خود شخصاً هم مدعی و هم قاضی و هم مجری نشده باشد. گویا این اقدام از روی قانون عمران شروع شده که عمران و آبادی را به ویرانی قنات آباد معنی و تفسیر کرده باشند. چون این حرکت علاوه بر خسارت مالی خسارت آبرویی وارد آورده و هر ساعت تأخیر بر زیان می افزاید مستدعی بذل توجه فوری است به جبران امر و مقرر شود. با تقدیم احترامات فائقه.

کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - فوری است. موضوع از شهرداری تحقیق شود علت اقدام چیست؟

[حاشیه ۲]: - [مهر ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۱۶/۹/۲۸، نمره: ۱۳۶۵۳]

[۱۱۶۰۳-۱۸
۷۴۹-۱۵]

۱۱۹

ریاست وزرا، شماره ۱۳۷۶۴، تاریخ ۱۳۱۶/۹/۳۰

عالیه خانم اتابیکی و نجیبه خانم اتحادیه و آقایان علاءالدین بهبهانی و حسین تبریزی و احمد تفرشی و پیمان

در پاسخ نامه مورخ بیستم آذرماه ۱۳۱۶ راجع به قنات کرجی که شکایت نموده‌اید حفر قنات سعیدآباد موجب کسر آب قنات مزبور شده، اشعار می‌شود که مرجع کلیه تظلمات قانوناً عدلیه است و مراجعه در این گونه دعاوی به ریاست وزرا برخلاف موازین است. لهذا باید در این باب به مقامات قانونی مراجعه نمایید.

[امضا: عبدالحمید ملک‌الکلامی]، ۱۶/۹/۳۰ [۱۳]

رونوشت به وزارت داخله.

شهرداری تهران

آقای کیخسرو شاهرخ اظهار می‌نماید که چند روز قبل عده‌ای کارگر با مقنی‌باشی شهرداری و یک نفر پاسبان به سر قنات سعیدآباد رفته چند چاه آن جا را با سنگ و خاک پر کرده‌اند. لهذا اشعار می‌شود که اقدام مقنی‌باشی و مأمورین شهرداری در این موضوع برخلاف رویه است و دخالت در ملک مردم بدون امر مقامات قانونی مورد ندارد. لهذا قدغن نمایید فوراً دستور دهند چاه‌های قنات را که پرکرده‌اند خالی و پاک کرده به حالت

اولیه برگردانند. اگر کسی در قنات مزبور دعاوی دارد باید به وزارت عدلیه که مرجع تظلمات عمومی است مراجعه نماید. نتیجه را هم اعلام دارید.

[امضا: عبدالحمید ملک‌الکلامی] [۱۳۱۶/۹/۳۰]

[حاشیه ۱]: - آدرس این محل معلوم نیست. ۱۶/۱۰/۹ [۱۳]

[حاشیه ۲]: - از آقای حاج امیر سؤال شد اظهار بی اطلاعی فرمودند.

[حاشیه ۳]: - به عالییه خانم اتابیکی ابلاغ شد. ۱۶/۱۰/۱۸ [۱۳]

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۴۹-۱۵}$]

۱۲۰

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از تهران به ط [تهران]

شماره ۵۴، تاریخ ۱۳/۱۰/۱۳ [۱۳]

جناب آقای رئیس‌الوزرا

من یک نفر زن بی‌شوهر و بی‌نوایی هستم که با وجود سوابق طولانی شوهر و خانواده‌ام در کارهای دولتی عزت نفسم مانع شده است که برای اعاشه خود دست توسل به دامن اولیای دولت دراز کنم و با اولاد زیاد و عائله سنگین به یک لقمه نان خالی که از زراعت قریه امامزاده حسن قرب شهر تهران به دست می‌آید به گوشه نشسته و زندگانی می‌کنم ولی متأسفانه از و ستم‌کاری آقای کیخسرو شاهرخ نماینده مجلس شورای ملی جانم را به لب و کارد را به استخوانم رسانیده و عدواناً به زور وکالت و رابطه با دوایر دولت در حریم قنات کرجی که نصف آن متعلق به امامزاده حسن و من بینوا و نصف دیگر متعلق به دیگران و برای شرب یک محل مهم شهر در اجاره شهرداری است به حفر چاه‌های جدیدی اقدام و دوازده سنگ آب قنات کرجی را به کلی خشکانیده

داخل قنات سعیدآباد ملکی خود کرده به طوری که آب برای شرب حیوانات هم در امامزاده حسن یافت نمی شود. جناب رئیس الوزرا، جناب عالی به نیک نفسی و خوش قلبی شهرت تام دارید و شاهنشاه بزرگ و عادل ما شما را برای حفظ جان و مال ما بدبختان برگزیده راضی نشوید ارباب کیخسرو فقط به عنوان این که درب اطاق وزرا به روی او باز است یک خانواده صد ساله را از هستی ساقط و دوست خانوار رعایای بدبخت امامزاده حسن را با خاک یکسان کرده و بخش ایستگاه تهران که از مهمترین بخش های شهر است خراب و ویران سازد و به وزارت عدلیه و پارکه برایت و سایر مقامات صلاحیت دار که برای احقاق حق توسل جسته ایم اوامر اکید صادر فرماید که ما بدبختان را از ستم و عدوان این مرد خلاص سازند.

عالیه اتاییکی

[مهر : اداره دولتی تلگراف تهران]

[حاشیه ۱]: - [مهر ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ: ۱۴/۱۰/۱۶، نمره: ۱۴۳۹۵]

[حاشیه ۲]: - جواب داده شود مرجع تظلمات عدلیه است اگر شکایتی دارید از مجرای قانونی تعقیب نماید.

[۱۸-۱۱۶۰۳ / ۷۴۹-۱۵]

* * *

۱۲۱

مجلس شورای ملی، مورخه ۲۲ تیر ۱۳۱۹

جناب آقای نخست وزیر

کیخسرو شاهرخ به مجلس که از مؤسسات دولت است خیلی خدمت کرده و قریب پانزده سال در مواقع فترت و غیبت مجاناً و بدون عوض مراقبت در حفظ اداره مجلس نموده، در این اواخر هم گرفتار کسالت شد و هم آنچه داشت از ده و خانه و سرمایه به

واسطه ضمانت پسرش از دستش رفت. حالاکه مُرده غیر از اولادهای بزرگ دو پسر و دو دختر در تحصیل و یک عیال در خانه باقی گذارده که هیچ وسیله‌ای برای زندگانی ندارند.

دولت شاهنشاهی که قدر هر خدمت‌گذاری را می‌داند و مورد مرحمت قرار می‌دهد اگر امر و اجازه فرمایند که این حقوق نمایندگی او مرتباً به خانواده او پرداخت شود و مراسم قانونی آن هم به عمل آید بعلاوه خانواده او، همکاران مجلس او هم سرپا شکرگزار خواهد شد. بدیهی است که انصاف و عطوفت دولت شاهنشاهی رضا نخواهند داد که خانواده یک خدمت‌گزار به عسرت و پریشانی و بدبختی بيفتند.^(۱)

[امضا : حسن اسفندیاری]

[۱۸-۱۱۶۰۰۳
۷۴۹-۹]

۱۲۲

دفتر نخست وزیر، تاریخ ۱۹/۴/۲۳ [۱۳]

جناب آقای اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی

در پاسخ نامه ۱۹/۴/۲۲ راجع به مساعدت به بازماندگان کیخسرو شاهرخ زحمت

۱ - ارباب در خاطرات خود نگاشته: «در اواخر سال ۱۳۱۶ [شمسی] مخصوصاً آقای حاج محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس در هیأت رئیسه مطرح فرمودند که چون فلاتی قریب سی سال است در مجلس بدون هیچ راحتی مشغول خدمت است [.....] لهذا شخصاً آقای رئیس عریضه و عرض و استدعا دارند مقرر شود از طرف دولت لایحه قانونی مخصوص به مجلس پیشنهاد شود که تمام مدت گذشته نمایندگی مرا در مجلس و ایام فترت جزو خدمت دولتی دانسته و بدون آن که از بابت مطالبه رسوم تقاعد شود آن مدت را رسمی دانسته و سابق مقرری مجلس، که در زمان کناره‌گیری یا فوت داشته باشیم برطبق قانون حقوق تقاعد درحکم برقرار شود. در این ضمن من مریض و بستری و بعد مسافر شدم و دیگر از این قسمت ما هم خبری نشد» (اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ، ص ۱۷۷ - ۱۷۶).

می‌دهد که در این موضوع حضوراً با جناب عالی مذاکره شد و از نظر دولت استحضار حاصل فرمودید.^(۱)

نخست وزیر ۱۹/۴/۲۳

[حاشیه]: - بی‌شماره فرستاده شود.

[۱۱۶۰۰۳-۱۸]
۷۴۹-۹

۱ - در ماده ششم از قانون شماره ۱۰۹۵۴ به تاریخ ۱۳۲۰/۸/۱۷ که در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران تحت شماره ۲۴۰۰۷۳۷۳ بایگانی است، راجع به اصلاح قانون بودجه چنین آمده:

«ماده ششم: از اول مهرماه ۱۳۲۰ ماهی سه هزار ریال به شرح زیر درباره ورثه مرحوم کیخسرو شاهرخ از محل درآمد عمومی کشور برقرار می‌شود:

بانو کتایون عیال و دوشیزه پروین شاهرخ مادام که شوهر اختیار نکرده‌اند هر یک ۷۵۰ ریال. آقایان فریدون شاهرخ و داریوش شاهرخ مادام که به سن بیست و یکسال نرسیده‌اند هر یک ۷۵۰ ریال».

لازم به ذکر است که ارباب ۲ بار ازدواج نمود شرح ازدواج‌ها و فرزندان خود را در خاطراتش در صفحات ۶۳ و ۱۲۳ آورده است. ۲ پسری که ذکرشان در بالا رفت مربوط هستند به همسر دوم او کتایون دختر ارباب کیقباد.

فصل چهارم

مدارس، بنگاه‌های فرهنگی و موقوفات

«اگر تو را فرزندی خردسال است خواه پسر، خواه دختر او را به دبستان بفرست زیرا فروغ دانش دیده روشن و بیناست. زن و فرزند خود را از تحصیل دانش و کسب هنر باز مدار تا غم و اندوه بر تو راه نیابد»

علی‌رغم ابراماتی که در دستورات دینی حضرت زرتشت راجع به کسب دانش و علم‌اندوزی وجود دارد، زرتشتیان در سده‌های اخیر تا پیش از ورود مانکجی صاحب درباره آموزش نوباوگان زرتشتی حرکتی از خود نشان نداده‌اند. دلیل آن نیز از لحاظ تاریخی امری روشن است، آموزش و پرورش کودکان، نیازمند صرف پول است و زرتشتیان - پیش از تاریخ معاصر - که همواره با حاکمان زمان خود مشکلات مالی داشتند، ترجیح می‌دادند که کودکان خود را به خانه شاگردی یا مزرعه بفرستند تا آن‌که علاوه بر «رسومات»، «مالیات‌ها»، «پیش‌کشی‌ها» و «جزیه»، بخواهند خرج تحصیل کودکان خویش را نیز ادا کنند. نحوه روابط جامعه بیرون با جامعه زرتشتی نیز امکان فراهم آوردن کار مناسب را برای ایشان به وجود نمی‌آورد تا بتوانند به وضع مادی خود سرو سامانی بدهند. به همین دلیل زرتشتیان ایرانی تا یک قرن ونیم پیش مردمانی عاری از علوم ظاهره بودند.^(۱)

۱ - برخلاف زرتشتیان ایرانی، پارسیان هند به علت وجود شرایط مناسب موفقیت‌هایی در امر تحصیل به دست آوردند: «یک تحقیق احصایی در عده باسوادان هند از مذاهب مختلفه از سال ۱۸۹۱ تا سال ۱۹۰۱ میلادی به ما نشان می‌دهد که در هر هزار نفر باسواد هند، ۶۵۰ نفر پارسی، ۲۹۲ نفر مسیحی، ۲۶۹ نفر بودایی، ۶۹ نفر هندو و ۴۱ نفر مسلمان موجود بوده» («حیات اجتماعی پارسیان»؛ فروهر، س ۹، ش ۳، ص ۱۵ به نقل از:

در فصل «مانکجی صاحب» مجملاً به اقدامات مشارالیه در تأسیس مدارس در یزد، کرمان و تهران اشاره‌ای شد و ضمناً مخالفت‌های برخی از دستوران زرتشتی با بسط و توسعه معارف نیز بیان گردید اما فی الواقع در این بازی، بُرد با مانکجی صاحب و اخلاف اصلاح طلب او بود. پس از او نمایندگان «انجمن اکابر پارسیان» همچون «کیخسرو جی خان صاحب»^(۱)، «اردشیر جی ریپورتر»^(۲) و... بر اداره و تأسیس مدارس تأکید و همت وافی داشتند. همچنین شاگردان مدرسه مانکجی صاحب که به کرمان و یزد رفتند و یا در تهران ماندند هر کدام سهمی در ترویج دانش اندوزی بر عهده گرفتند و بر تعلیم و تربیت کودکان اصرار ورزیدند.^(۳) در این مدارس و مکتب‌خانه‌ها، کودکان خواندن و نوشتن، حساب و هندسه، جغرافی، علوم دینی زرتشتی و بعضاً زبان انگلیسی می‌آموختند.

در مدت زمان کوتاهی اهداف مانکجی به ثمر نشست و مدارس زرتشتی نضج گرفت و مورد استقبال واقع شد در خلاصه مذاکرات نهمین دوره انجمن زرتشتیان تهران (از سال ۱۳۰۲ ش. تا پایان سال ۱۳۰۳ ش.) یعنی حدوداً ۳۵ سال پس از مرگ مانکجی صاحب، آماری بدین صورت ارائه شده است: «برابر سرشماری زرتشتیان تهران [...] تعداد زرتشتیان تهران ۸۱۸ نفر به شرح زیر بوده‌اند:

مرد باسواد ۲۱۱ نفر، مرد بی سواد ۳۰ نفر، زن باسواد ۵۴ نفر، زن بی سواد ۱۱۶ نفر، پسر بزرگ و کوچک با سواد ۱۶۵ نفر، پسر بزرگ و کوچک بی سواد ۶۶ نفر، دختر باسواد ۸۹

۱ - پس از فوت مانکجی، «انجمن اکابر پارسیان هند» اختیاراتش را به پسرش «هرمزدجی» واگذار نمود اما وی در سال ۱۲۵۹ یزدگردی / ۱۳۰۸ ق. درگذشت لذا کیخسرو جی خان صاحب در سال ۱۳۰۹ ق. از طرف انجمن مذکور به ایران آمد (ر.ک: فصل انجمن‌ها)

۲ - ر.ک: سند شماره ۱۷۵.

۳ - ر.ک: سلسله مقالات «پیشروان زرتشتی در فرهنگ و سوادآموزی» در مجلدات سال چهاردهم مجله فروهر.

نفر، دختر بی سواد ۸۷ نفر^(۱). نکته‌ای که در این آمار بسیار جلب توجه می‌نماید درصد دختران باسواد زرتشتی در اواخر ایام قاجاریه است.

اما با وجود تلاش و میل بزرگان فرهنگی جامعه زرتشتی - که بعضاً نامهایشان در طی اسناد این مجموعه آمده است - روند رو به رشد و پیشرفت موفقیت‌آمیز مدارس زرتشتی در دهه‌های آخر حکومت پهلوی دوم، به علت رواج مدارس دولتی و تحصیلات رایگان با امکانات بهتر مانند سابق ادامه نیافت و برخلاف گذشته که مردم ایران تلاش داشتند فرزندان خود را به مدارس زرتشتی بسپارند، زرتشتیان فرزندان خود را به دیگر مدارس فرستادند. نویسنده‌ای که در باب تاریخچه مدارس زرتشتی قلم زده است معتقد است که بروز اختلافات داخلی و عدم اهمیتی که انجمن‌ها به مدارس در این برهه زمانی داده‌اند، باعث افت سطح آموزشی این آموزشگاه‌ها شده است.^(۲)

علاوه بر این می‌توان اضافه نمود از آن جا که مدارس زرتشتی پشتوانه مالی جز وقفیات و یا مبالغ خیریه‌ای که زرتشتیان می‌پرداختند نداشتند، - و درآمد حاصل از این دو ثابت و معین نبود - اداره مدارس همواره دچار زحمت و مشکل می‌شده است.^(۳) مدارس زرتشتی کلاً موقوفه و بنابراین تحت اداره انجمن‌های زرتشتی هر شهر بوده‌اند تا آن که در سال ۱۳۵۴ ش. طی فرمانی، دبستان‌ها و مدارس راهنمایی با ساختمان و تمام وسایل آن‌ها در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفتند و از آن زمان عملاً انجمن‌های زرتشتی از اداره امور مدارس خود خلع ید شدند.^(۴)

۱ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۸۶.

۲ - کشاورزی، کیخسرو؛ «پیشگفتار»؛ فروهر، س ۱۳، ش ۸، ص ۱-۷.

۳ - پس از استقلال یافتن هندوستان و جلوگیری دولت مستقل هند از خروج ارز، برای موقوفات انجمن‌های زرتشتی بمبئی که در ایران بود این مشکل بیشتر جلوه‌گری نمود.

۴ - کشاورزی، کیخسرو؛ همان مأخذ.

علی ایّ حال قرار گرفتن آموزشگاه‌های زرتشتی در ظل برنامه‌های آموزش و پرورش، به هیچ وجه از اهمیت تاریخی آنها نمی‌کاهد. در زمانی که بنا نهادن مدرسه امری رایج نبود، زرتشتیان مدارس را به سبک جدید بنا نهادند و در آن مدارس تدریجاً به تعلیم و تربیت کودکان ایرانی - از هر دین و مذهب - همت گماشتند. آقای باستانی پاریزی درباره «دیرستان ایرانشهر» کرمان چنین نوشته‌اند: «دیرستان ایرانشهر در ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۴ یعنی درست در سالی که مشروطیت پا گرفت پی‌ریزی شد و تا امروز بیش از ۹۰ سال است که هر سال صدها دانش‌آموز کرمانی - چه زردشتی و چه غیرزردشتی - از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند و معلمین آن زردشتی و مسلمان با هم تدریس می‌کنند و اصلاً بیشتر مردم کرمان اصرار داشتند که بچه‌های آنها در مدارس زرتشتی تحصیل کنند که مرتب‌تر بود».^(۱)

اسنادی که در این فصل تقدیم می‌شوند درصد بسیار کمی است از آنچه که می‌توان درباره مدارس زرتشتی گفت و نگارنده بحث تفصیلی آن را ان‌شاءالله به موقع دیگر وامی‌گذارد، لذا توضیحاتی که نگارنده در این فصل به عنوان پاورقی ارائه می‌دهد تنها در حد معرفی باید محسوب شود. ضمناً از آن جا که بحث درباره مدارس زرتشتی بدون توجه به امر «وقف» امکان‌پذیر نیست - و این دو تابع و متبوعند - بنابراین اسناد مربوط به وقف یا موقوفات زرتشتی نیز در این فصل تقدیم می‌گردد.

صورت وجوه استمدادی زرتشتیان تهران به روان شادی مرحوم فریدون خسرو،^(۱)
 برای مصرف واعظ واصل انجمن زرتشتیان تهران شده است. روان آن مرحوم شاد
 و خانه صاحب خیر آن آباد باد. ذی حجه ۱۳۲۶

جناب ارباب جمشید بهمن رئیس التجار =	۲۵۰ (۲) تومان
میرزا اردشیر خسرو بابت مرحوم اسفندیار خداداد و بمانت بهرام = ۱۰۰ تومان	
آقا شهریار ابن مرحوم بهرام = ۲۵ "	آقا سروشیار اردشیر = ۲۵ "
آقا پولاد تیرانداز = ۲۰ "	آقا کیخسرو نامدار = ۲۰ "
آقا جمشید خداداد پولاد = ۲۰ "	آقا خدا بخش نوذر و برادران = ۲۰ "
آقا شهریار جمشید و برادران = ۲۰ "	دینیارخان اردشیر رستم = ۱۵ "
میرزا شاه بهرام مهربان = ۱۵ "	میرزا سیاوش رستم = ۱۱ "
میرزا جمشید مهربان کرمانی با بهمن فرزندان =	۱۵ "
آقا کیخسرو سهراب کرمانی =	۱۰ "

-
- ۱ - مرحوم فریدون خسرو اهرستانی از شاگردان «مانکجی صاحب» و از صاحب نامان زرتشتی زمان خود بود که نام او را در صف مشروطه خواهان نیز می بینیم. مشارالیه در تاریخ سوم ذی حجه ۱۳۲۵ توسط عمال صنیع حضرت به قتل رسید. نگارنده شرح این ماجرا و نقد و تحلیل آن را در مطلبی تحت عنوان «نقش اقلیت های مذهبی در نهضت مشروطیت» به تفصیل آورده است.
- ۲ - مبالغ پرداختی برای مصرف واعظ کلاً به حساب سیاق تحریر شده بود که در این جا به صورت ارقام ذکر گردید.

- آقا مهربان دستور تیرانداز = ۱۰ "
- آقا شهریار خدابخش نرسوآبادی = ۱۰ "
- آقا میرزا کیخسرو شاهرخ کرمانی = ۱۰ "
- آقا میرزا جمشید شهریار = ۱۰ "
- آقا رستم جمشید رستم = ۱۰ "
- آقا اردشیر مرحوم رستم = ۱۰ "
- آقا هرمزدیار اردشیر بهمن = ۱۰ "
- آقا خداداد هرمزدیار مریابادی = ۱۰ "
- آقا بهمن بهرام فریدون = ۱۰ "
- آقا رستم خداداد = ۷/۵ "
- آقا جمشید موبد بهمن = ۵ "
- آقا خدابنده رستم رحمتآبادی = ۵ "
- آقا زال استاد بهرام = ۵ "
- آقا بهرام موبد اورمزدیار = ۵ "
- آقا خسرو اردشیر اهرستانی = ۵ "
- آقا بهرام بهمن مریابادی = ۵ "
- آقا اردشیر رستم خان = ۵ "
- آقا جمشید رستم = ۵ "
- آقا شهریار نوشیروان ماونداد = ۵ "
- آقا میرزا جمشید استاد جوانمرد = ۵ "
- آقا میرزا شهریار خداداد = ۵ "
- آقا رستم بهمن و برادران = ۴ "
- آقا مهربان خدابخش وکیل الرعایا = ۱۰ "
- آقا میرزا اسفندیارخان رستم = ۱۰ "
- آقا فریدون رشید قاسمآبادی = ۱۰ "
- آقا کیخسرو و آقا میرزا گشتاسب خداداد = ۱۰ "
- آقا بهرام ظهراب خدامراد = ۱۰ "
- آقا بهمن ولد سروشیار بهمن = ۱۰ "
- آقا بهرام موبد اسفندیار بهرام = ۱۰ "
- آقا شهریار بهرام پولاد = ۱۰ "
- آقا میرزا خدامراد خسرو = ۱۰ "
- آقا مهربان جمشید خرماهی = ۶ "
- آقا خدارحم مرحوم اسفندیار نوشیروان = ۵ "
- آقا خدارحم ولد اسفندیار تیرانداز = ۵ "
- آقا شهریار خدامراد کرمانی = ۵ "
- آقا برزو شاهپور = ۵ "
- آقا بهمن رستم دینیار = ۵ "
- آقا بهرام خدارحم = ۵ "
- آقا شهریار موبد اسفندیار کرمانی = ۵ "
- آقا جمشید نامدار ماونداد قاسمآبادی = ۵ "
- آقا اردشیر سروشیار = ۵ "
- آقا رستم خدابخش = ۵ "
- آقا گشتاسب فریدون الهآبادی = ۵ "
- آقا هرمزدیار خدابخش خرماهی = ۳ "

" ۳	آقا رستم خسرو اردشیر =	" ۳	آقا رستم مهربان =
" ۳	آقا سروشیار خداداد قاسم‌آبادی =	" ۳	آقا رستم خان بهمرد شریف‌آبادی =
" ۳	آقا اردشیر خسرو مریابادی =	" ۳	آقا دینیار مرحوم بهرام =
" ۳	آقا هرمزدیار رستم‌خان =	" ۳	آقا شیرمرد تیرانداز مهربان =
" ۳	آقا شاهویر نامدار =	" ۳	آقا جمشید ماندگار =
" ۳	آقا مهربان اردشیر =	" ۳	آقا شاهجهان کیخسرو =
" ۳	آقا رستم شهریار نرسوآبادی =	" ۳	آقا گرشاسب ماونداد =
" ۲/۵	آقا رستم کیقباد =	" ۳	آقا خسرو خدایار =
" ۲	آقا رستم بمان‌گیو =	" ۲	آقا جمشید خداداد بهمن =
" ۲	آقا بهرام بهمرد قاسم‌آبادی =	" ۲	آقا شهریار اردشیر رحمت‌آبادی =
" ۲	آقا تیرانداز مهربان قاسم‌آبادی =	" ۲	آقا بهرام اردشیر خرمشاهی =
" ۲	آقا فریدون گشتاسب بهرام =	" ۲	آقا رستم خدارحم =
" ۲	آقا جمشید هرمزدیار مریابادی =		آقا خدارحم خداداد خورسند
" ۲	آقا رستم بهرام خرمشاهی =	" ۲	مریابادی =
" ۲	آقا فریدون کیخسرو =	" ۲	آقا بهرام ظهراب =
" ۲	آقا نامدار کیخسرو =	" ۲	آقا کیخسرو مرحوم اسفندیار =
" ۲	آقا بهمن سروشیار وفادار =	" ۲	آقا بهمن خسروپولاد =
" ۲/۵	آقا پولاد اسفندیار =	" ۲	میرزا جمشید مهربان خرمشاهی =
" ۱/۵	آقا تیرانداز گشتاسب =	" ۲	آقا اسفندیار رستم‌ماندی =
" ۱	آقا خداداد بهرام کوچه بیگی =	" ۱/۵	آقا شهریار خداداد کوچه بیگی =
" ۱	آقا بهرام اورمزدیار =	" ۱	استاد خداداد خسرو قاسم‌آبادی =
" ۱	آقا اسفندیار کریم داد =	" ۱	آقا دینیار اسفندیار کسنویه =

آقا جمشید رستم =	۱	"	آقا رستم وفادار =	۱	"
آقا شاه بهرام اسفندیار =	۱	"	آقا سروشیار اسفندیار کسنویه =	۱	"
آقا بهرام شهریار تفتی =	۱	"	آقا مهربان رستم کرمانی =	۱	"
آقا فریدون موبد شهردین =	۱	"	آقا مهربان رستم پولاد خرماهی =	۱	"
آقارستم نوشیروان شهریار					
اهرستانی =	۱	"			

[جمع] = ۹۸۱ تومان

[۲۵۰۰۰۰۶۹۳]

۱۲۴

۲۰ ذی حجه ۱۳۳۰ / وره‌رام^(۱) تیرماه ۱۲۸۲

ای برادران محترم زردشتی

مقتضی آنست با این پیش آمدهای ناگوار قدری به خود آمده سخنان خردمندان و نیک خواهان نوع بشر را بیهوده نپنداریم و بیش از این خود را از لذایذ معنوی عالم محروم و خویش را محض غفلت و سبک گرفتن گفتار فرزندان بی غرض نزد داور حقیقی محکوم و یک باره قومیت و قدمت خود را معدوم نسازیم. پریشانی روزگار امروزه طایفه نه به حدی است که بتوان به شرح پرداخت و نه به اندازه‌ای است که ممکن شود عاجلاً جبران کرد.

آیا هیچ درک کرده‌ایم که این پیش آمدها نتیجه چیست؟ علت عمده آن پشت پا زدن به حقیقت. چه که اگر در جاده حقیقت استوار می بودیم از «هُومَت» و «هُوخت» و

«هُوُورِشْت» که «نیک‌اندیشی» و «نیک‌گفتاری» و «نیک‌کرداری» و اصل پایه حقیقت و انسانیت است تجاوز ننموده و به این روز نمی‌افتادیم و مقام یگانگی و برادری را به دو رنگی یا لاقیدی نسبت به یک‌دیگر نمی‌آلودیم. نیاکان ما از روی حقیقت تخم اعتباری برای ما کاشتند و ما فرزندان نااهل گذشته از آن که نتوانستیم آن را به بار آوریم ذخیرهٔ سعادت آنها را به باد دادیم. آوخ، «نه بر مُرده بر زنده باید گریست»!!! در ضمن این همه آیا درست فهمیده‌ایم علت این همه بدبختی و پریشانی چیست؟ و چه چیز ما را از حقیقت دور و از کامرانی حقیقی بی‌نصیب نموده؟ به هیچ شمردن علم و خود را در قعر جهل و در عین کوری و در آغاز جوانی دانا و بی‌نا آزموده دانستن و تخم نیفشانده به امید خرمن نشستن و روزنهٔ دانش و بینش را به روی خود بستن، زهی بدبختی!!!

آیا چارهٔ این همه دردهای بی‌درمان و علاج این جمله پریشانی جز پیمودن راه دانش و افزودن بر پایهٔ بینش و آزمایش خود است؟ حاشا.

اگر به دیدهٔ انصاف نظر کنیم و به ترازوی عقل سلیم بسنجیم باز هم در میان همهٔ پریشانی‌ها فقط یگانه بضاعتی که برای ما بازمانده و در ضمن سراسر نومیدی‌ها راه امیدی برای ما باقی گذارده همان مختصر مدرسی است که در میان طایفه موجود است. آیا بعد از آن که با یک وجدان بی‌غرضانهٔ خردمندانهٔ مآل‌اندیشانه، تعمق و تصدیق نماییم که این همه بیچارگی ما از علت نادانی است و توسعهٔ علم و معرفت را یگانه راه نجات و کامرانی خود و اولاد و احفاد خویش دانیم جای آن نیست که برای نیل به آن مقصود شریف و عزیزی که تمام ملل و اقوام عالم را از انتها درجهٔ ذلت و بدبختی به اعلیٰ پایهٔ اوج سعادت و کامرانی رسانیده همّت گمارده و باز به اندازه [ای] که قدرت داریم جداً در آن صدد برآییم و فرزندان و بنیرگان خود را به روز سیاه خویش نشانیم؟ مسلماً هر صاحب وجدان منصف حقیقت شعاری تصدیق و تعقیب خواهد کرد و آیا تصدیق و باز مسامحه و غفلت انتها درجهٔ ستم و بی‌انصافی نیست؟

من جمله آن دو مدرسه پسران و دختران زردشتیان تهران است که از همت خیرخواهان تأسیس یافته و حتی الامکان نسبت به پیشرفت آن مساعی جمیله‌ای به عمل آمده ولی متأسفانه این هنگام که موقع نمو و تکمیل نونهالان رسیده دست خیرخواهان همت شعار بالنسبه از قوه تکمیل لوازم آن کوتاه و این پیش‌آمدهای ناگوار آتشی نیز بر خرمن امید نونهالان ما که یگانه سرمایه ترقیات و نجات و کامرانی ما بوده زده. هر چند دست خیرخواهان از تکمیل لوازم ترقیات فوق‌العاده آنها کوتاه مانده و لیک با یک نظر منصفانه باز می‌توان وسایل همین درجه برخورداری نونهالانمان را محفوظ و متمم اسباب ترقیات فایقانه را به آتیه موکول^(۱) نمود.

البته از نظر برادران محترم محو نشده که در ماه ذی‌حجه ۱۳۲۵ به روان‌شادی مرحوم مقتول فریدون خسرو اهرستانی وجهی جمع‌آوری و مقرر شد در مقابل آن وجه یک نفر واعظ مخصوص از بمبئی خواسته شود. چون پس از کوششهای فراوان نسبت به آن مقصود مقدس موفقیت حاصل نشد آن وجه تاکنون در انجمن زردشتیان تهران به همان عنوان واعظ محفوظ مانده و تاکنون مبلغ آن اصلاً و نفعاً به یک هزار و چهارصد و سی تومان رسیده. صلاح خیرخواهان چنین مقتضی شده که در این موقع پریشانی و تنگ‌دستی طایفه آن وجه از عنوان واعظ خارج و ضمیمه وجوه خیریه [ای] جهت مصرف دو مدرسه فوق‌الذکر شود و علی‌العجالة تا روزگار خوشی برای طایفه اعاده شود، اساس مدارس حاضره محفوظ بماند.

لهذا اولاً با یک ناله سوزناک خیرخواهانه از عموم برادران درخواست می‌شود علل زیان‌های گذشته را سرمشق آتیه قرار داده و به نیروی حق و حقیقت بادست اتفاق و اتحاد و برادری بکوشند و حتی الامکان در توسعه دارالسعادة یعنی مدارس اقدام و

اهتمام نمایند تا مگر از این راه آب رفته به جوی بازآید و رشته اعتباری از نو به دسته راستی آغاز شود و ثانیاً در موضوع تغییر عنوان وجه خیریه نام واعظ برای منضم شدن به وجه خیریه مختصره [ای] جهت دو مدرسه فوق‌الذکر بالخصوص از صاحب خیرانی که شریک ادای آن وجه بوده‌اند تقاضای بروز آرای خیرخواهانه مال اندیشانه و تعیین آن تکلیف به این قسم می‌شود که هر کس عقیده‌ای برخلاف این ترتیب دارد از تاریخ فوق تا مدت سه ماه عقیده خود را کتباً به انجمن زردشتیان تهران اظهار دارد والا به ترتیب فوق معمول و در موقع طبع صورت حساب وجه خیریه نتیجه اعلام خواهد شد و در انجام سعادت حقیقت شعارانه عموم آرزوست.

از طرف انجمن زردشتیان تهران - کیخسرو شاهرخ

[۲۵۰۰۰۰۶۹۳]

* * *

۱۲۵

وزارت معارف و اوقاف، نمره ۲۲۵۲، به تاریخ ۱۸ صفر ۱۳۳۱ / ۷ دلو [۱۲۹۱]

ضمیمه تلگراف

جناب آقای ارباب کیخسرو

صورت وجوه استمدادی و کتابچه جمع و خرج وجوه خیریه انجمن زردشتیان را ارسال داشته بودند، واصل و موجب امتنان شد. خواهشمند است اگر وقف‌نامه هم در رقبات موقوفه باشد ارسال فرمایند که ثبت شده سپس، آن، مسترد خواهد شد. تلگرافی هم به امین اوقاف کرمان نوشته لفافاً ارسال شد که مخابره فرمایند.

[امضا]

[حاشیه]: - خروج ۲۱ بعد از ظهر.

[۲۵۰۰۰۰۶۹۳]

۱۲۶

۲۱ صفر ۱۳۳۱

هو - مقام محترم ریاست کل اوقاف

از قرار تلگراف انجمن زردشتیان یزد اداره اوقاف یزد سخت به زردشتیان و انجمن فشار آورده‌اند که به فوریت باید موقوفات زردشتیان یزد ثبت شود. چون زردشتیان آن جا از قانون کلیه مستحضر نیستند و با وضع یزد که خاطر عالی مستحضر است دور نیست فشار سخت اداره اوقاف، محض تولید فسادى به تحریک باشد و بنده مخصوصاً قانون مصوبه مجلس شورای ملی را چند روز قبل برای یزد و کرمان فرستاده و شرح را به دو انجمن یزد و کرمان نوشته‌ام و یقین است پس از رسیدن خط بنده و فهمیدن مطلب اکراهی نخواهند داشت و رفع تمام محظورات خواهد شد. لهذا استدعاست محض آن که به این فوریت تولید زحمتی نشود، استدعاست همین امروز صورت تلگرافی مرحمت شود مخابره نمایم که چند روز تحمل کنند تا خط بنده به انجمن برسد مورد ازدیاد تشکر است.

اقل کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - [مهر: ورود به دفتر کل ۹ دلو ۱۳۳۱، نمره ۲۲۵۲]

[۲۵۰۰۰۰۶۹۳]

۱۲۷

وزارت معارف و اوقاف، نمره ۲۲۵۲، به تاریخ ۲۱ صفر ۱۳۳۱ /

۱۰ دلو [۱۳۹۱]، صادره کرمان

جناب آقای امین اوقاف

برای ثبت موقوفات زردشتیان یزد قدغن نماید استمهال کنند تا مکتوب پستی

برسد.

[امضا]

[حاشیه]: - خروج به توسط ارباب کیخسرو

[۲۵۰۰۰۰۶۹۳]

۱۲۸

۱۳۳۲ع ۱۲

هو

احتراماً عرض می‌شود مستدعی است درخصوص عمل موقوفاتی زردشتیان که حضوراً حضرت آقای وزیر نیز سفارش فرموده‌اند بذل توجه و اقدام شود زودتر حکم آن صادر و مرحمت شود مورد تشکر است.

[امضا: اقل کیخسرو شاهرخ]

[حاشیه]: - [مهر ورود به دفتر کل، ۲۸ شهر حوت ۱۳۳۲، نمره ۷۲۲۳]

[۲۵۰۰۰۰۶۹۳]

۱۲۹

وزارت معارف و اوقاف، نمره ۷۲۲۴، به تاریخ ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ /

۲۴ حوت اودنیل [۱۲۹۲]

هو

چون برطبق قانون مصوبه مجلس شورای ملی کلیه اوقاف ایران باید در تحت نظارت وزارت معارف و اوقاف باشد و عموم زردشتیان ایران خصوصاً در یزد و کرمان موقوفاتی دارند که عقیده آنها بر این است باید نظارت اوقاف در عهده خود طایفه مزبوره باشد، لهذا محض رعایت قانون و حصول مقصود و حفظ قوانین مذهبی طایفه زردشتیان چنین مقرر گردیده که نظارت کلیه اوقاف یزد و کرمان در عهده انجمن محترم آنها که در این دو محل است به معیت رئیس روحانی خودشان که متوقف در یزد و کرمان هستند باشد و

نظارت اوقاف تهران با انجمن محترم دارالخلافه و نظر به مراتب کفایت و صداقت و درستی آقای ارباب کیخسرو و امتحاناتی که به دولت و ملت و جماعت خودشان داده‌اند تنظیمات کلیه اوقاف زردشتیان در عهده معزی‌الیه خواهد بود که ترتیبات موقوفات مزبوره را از هر حیث مرتب نماید و در تحصیل وقف‌نامه‌ها و سواد آنها نهایت اهتمام را مرعی دارند و همواره راپورت صحت و اداره شدن اوقاف آنها را با صور وقف نامجات به وزارت معارف و اوقاف برسانند و این خدمت بزرگ را خیرخواهانه در عهده خود بدانند و البته بعدها نباید هیچ یک از مأمورین اوقاف مداخله در امور اوقاف زردشتیان بنمایند.

[امضا]

[حاشیه]: - خروج به توسط ریاست محترم کابینه

[۲۵۰۰۰۰۶۹۳]

۱۳۰

وزارت معارف و اوقاف، نمره ۷۲۲۳، به تاریخ ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ /

۲۴ حوت اودنیل [۱۲۹۲]، صادره تهران

هو

جناب آقای ارباب کیخسرو زید مجده

مراسله شریفه در باب حکم موقوفات طایفه زردشتیان ایران واصل و ملاحظه گردید و حکم این مسئله را صادر و لفاً به جهت جناب عالی ارسال داشت ولی خواهشمند است در خصوص تنظیمات اداری و حصول سواد وقف نامجات آنها اقدام سریعی بنمایند و هر چه زودتر سوادهای مزبوره و راپورت اداری موقوفات آنها به وزارت معارف گسیل دارند.

[امضا]

[حاشیه]: - خروج به توسط ریاست محترم کابینه [۲۵۰۰۰۰۶۹۳]

* * *

۱۳۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالت کرمان

اداره تعلیمات، نمره ۴۱۰۱/۷۹۲، به تاریخ ۱۳۰۸/۹/۲۰، ضمیمه ۳ [برگ]

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته

در جواب مرقومه نمره $\frac{۱۹۸۹۶/۷۲۲۶}{۱۳۰۸/۸/۱۲}$ صادره از اداره محترمه تعلیمات متوسطه، اینک سواد سه فقره راپورت که حاکی از توضیحات لازمه راجع به دو باب مدرسه ذکور زرتشتیان (ملی زرتشتیان - کاویانی) و یک باب مدرسه اناث زرتشتیان (شهریاری) است از لحاظ مبارک می‌گذرانند.^(۱)

رئیس معارف و اوقاف ایالت کرمان

[امضا]

[مهر: اداره معارف و اوقاف کرمان و بلوچستان]

۱ - پیش از تشکیل مدارس به صورت جدید در کرمان چند مکتب خانه وجود داشت که توسط مانکجی و تحت سرپرستی افراد باسواد زرتشتی (ملاطهراب، ملارستم، ملابهورز) اداره می‌شد. (الف) بعد از اقدامات مانکجی چند مدرسه جهت تحصیل نوباوگان بدین شرح پایه‌گذاری شد: ۱ - در «محلّه شهر» به سرپرستی دستور رستم دستور جهانگیر ۲ - محلّه «پرموتن» به سرپرستی ملاشاهرخ ملاسکندر (پدر ارباب کیخسرو شاهرخ) ۳ - محلّه «دولتخانه» مدرسه دخترانه‌ای به سرپرستی ملارستم جمشید خداداد ۴ - محلّه «قبه سبز» ۵ - محلّه «خواجه خضر» ۶ - محلّه «چهارسوق کهنه».

مدارس فوق‌الذکر به سرپرستی موبد جهانگیر موبد مرزبان (پدر بزرگ آقای دکتر جهانگیر اشیدری) اداره می‌شد. بعدها به همت ارباب کیخسرو شاهرخ مدارس دخترانه‌ای در «قبه سبز»، «دروازه ناصریه» و «محلّه شهر» نیز دایر شد و مدرسی نیز در اطراف کرمان (قنات غسان، جوپار، اسماعیل آباد جوپار) نیز به راه افتاد. مدت تحصیل در این دبستان‌ها حداکثر ۱ سال برای کسانی که مایل به خواندن و نوشتن و روش حسابداری و ۶ ماه ←

[حاشیه ۱]: [مهر: ورود به دفتر کل وزارت معارف و اوقاف، ۸/۱۰/۱، نمره ۲۵۱۳۷]

[حاشیه ۲]: [اداره تعلیمات سه ورقه ضمیمه است - لیلۀ اول دی ۱۳۰۸]

همبرای کسانی که فقط مایل به آموختن روش حسابداری بودند، بود. اما به زنان در ابتدا فقط خواندن را آموزش می دادند. (ب) ارباب کیخسرو شاهرخ در خاطرات خود آورده: «در سال دهم بودم در کرمان [۱۲۸۱ ش / ۱۳۲۰ق] به کمک جماعت، مدرسه بزرگ ملی در بیرون «دروازه ناصریه» ساخته شد که زمین آن را مرحوم ارباب شهریار خدابخش [جدّ سروشیان های کرمان] از اراضی باغ مرحوم ارباب گشتاسب دینیار کرم نمود و این مدرسه را هم به اسلوبی خوب تمام کرد و از کرمان رفتم [.....] در این مدارس فارسی و حساب و درس مذهبی و جغرافیا و ورزش دایر گردید و فقط در مدرسه پسران «محلّه شهر» انگلیسی هم تدریس می شد». (ج) در سال ۱۳۱۴ ش که علی اصغر حکمت کلنگ احداث مدرسه ای به نام «ایران شهر» را در یزد بر زمین زد، به کرمان نیز مسافرت نمود و «مدرسه متوسطه ملی زرتشتیان» را به «ایران شهر» تغییر نام داد. (د) اما مدارس کنونی کرمان عبارتند از: ۱) دبستان دخترانه شهریار: محلّ مدرسه، قسمتی از منزل مسکونی روان شاد «ارباب شهریار راوری» بوده و از محلّ سرمایه «شهریار خدابخش تفتی» به صورت مدرسه درآمدّه است و طبق وقف نامه رسمی، ملک «شاه هرمز زرنده» جهت هزینه و نگه داری این مدرسه در نظر گرفته شده مشروط بر آن که مدرسه تحت اختیار انجمن زرتشتیان کرمان باشد. ۲) دبستان ایران شهر: زمین آن توسط انجمن زرتشتیان کرمان خریده شده و ساختمان آن توسط روان شادان «ارباب جهانگیر رستم فروهر»، «کیخسرو مزدیسنا»، «ارباب کیخسرو شاهرخ»، «جمشید رستم عیش آبادی» تأمین شده و در حال حاضر به صورت ۳ واحد آموزشی به نام «دبستان دخترانه استثنایی مریم»، «مدرسه راهنمایی شهید راسخی» و «دبستان پسرانه ایران شهر» می باشد و در آن ساختمان های جدید بنا شده است. ۳) مدرسه کیخسرو شاهرخ: زمین آن توسط انجمن زرتشتیان کرمان خریداری شد و مخارج آن را جامعه زرتشتی به عهده گرفت. در بدو احداث به صورت بیمارستان، بعد هنرستان و سپس دبیرستان دخترانه بوده و در حال حاضر مدرسه راهنمایی می باشد. ۴) دبستان پسرانه اردشیر همتی: ملک آن متعلق به روان شاد «اردشیر خسرو همتی» بوده که کودکان تأسیس کرد و سالیان متمادی خود و همسرش اداره می نمودند و حالیه دبستان پسرانه است. ۵) دبستان گویانی: محلّ آن منزل شخصی روان شاد «دینیار مهربان رشید» بود که طبق وقف نامه روان شاد «پوران دخت دینیار» جهت تعلیم و تربیت نونهالان به انجمن کرمان واگذار شد و سالهای زیادی محلّ آموزش بود. حالیه متروکه شده است (آموزش و پرورش در»

[حاشیه ۳]: [ورود به دفتر تعلیمات عمومی، ۱۳۰۸/۱۰/۲، نمره ۸۷۵۲]

[حاشیه ۴]: سابقه ۸/۱۰/۲

[حاشیه ۵]: سوابق ضمیمه شد. ۸/۱۰/۲

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۳}$]

۱۳۲

[اداره معارف و اوقاف کرمان]، نمره ۱۴۶، [تاریخ] ۱۳۰۸/۹/۹، سواد مراسله

مدرسه کاویانی زرتشتیان

مقام منبع ریاست محترم اداره جلیله معارف کرمان دامت شوکته

در جواب مرقومه محترم مورخه ۸/۹/۵ تحت نمره ۳۹۸۲ ذیلاً توضیحاتی را که وزارت جلیله معارف و تحت شش ماده نسبت به این مدرسه خواسته بودند به عرض می‌رساند.

سؤال	جواب
۱- اسم مدرسه	مدرسه کاویانی

← سال ۱۳۵۷ ساختمان را کوید تا ساختمان تازه‌ای بنا کند اما این کار عملی نشد. (ه) در نظر است که از محل موقوفات تأسیسی برای استفاده عمومی در آن ایجاد گردد. (و)

(الف) اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۲۶۳

(ب) گزارشی از انجمن زرتشتیان کرمان، فروهر، س ۳۴، ش ۳ و ۴، ص ۳۳-۳۴

(ج) اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ، ص ۴۱-۴۴

(د) سروش لهراسب، «یک نامه»، هوست، س ۱۲، ش ۶، ص ۱۲

(ه) هوست، س ۲۹، ش ۷، ص ۵

(و) گزارشی از انجمن کرمان؛ فروهر، همان جا

۲- عده کلاسها	کلاس اول - کلاس دوم - کلاس تهیه ^(۱) - کلاس مقدماتی
۳- عده محصلین	کلاس اول ۵۰ نفر - کلاس دوم ۲۳ نفر - کلاس تهیه ۴۶ نفر - کلاس مقدماتی ۶۴ نفر - مجموعاً ۱۹۳ نفر
۴- عدهٔ معلمین و معلومات آنها	یک نفر مدیر و ناظم و چهار نفر معلم. درجهٔ معلومات آنها به اندازهٔ تدریس تا کلاس ۶ ابتدایی می باشد
۵- از چه محلی بودجهٔ این مدرسه پرداخته می شود و بودجه هر یک در ماه چقدر است	بودجهٔ حقوق معلمین و کارکنان مدرسه به غیر از مخارج متفرقه در ماه هشتاد و دو تومان است و پرداخت بودجه آن فقط از ممر موقوفه ای است که پوراندخت نام وقف نموده و چنانچه اول محصول ملک موقوفه نرسد در حدود ماهی پنجاه تومان عایدی دارد و بقیه کسر بودجه است و در ضمن در نظر گرفته شده که چنانچه از طرف وزارت جلیله معارف مساعدتی گردد در سال آتیه تا کلاس ۶ ابتدایی در این مدرسه دایر نمایند.
۶- آیا پروگرام وزارت معارف در آن مدرسه اجرا می شود یا خیر	پروگرام وزارت جلیله معارف کاملاً اجرا شده و می شود.

مدیر مدرسهٔ کاویانی (خدایار آبادیان)

سواد مطابق اصل است.

[امضا : مرتضوی]

[حاشیه]: ضمیمه نمرة ۴۱۰۱/۷۹۲، [تاریخ] ۱۳۰/۹/۲۰

[۵۶۰۰۴]
۲۲۲۳

۱۳۳

[اداره معارف و اوقاف کرمان]، نمره ۱۴۲، [تاریخ ۸/۹/۹۱۳۰]

سواد مراسله مدرسه ملیه زردشتیان

مقام محترم ریاست اداره جلیله معارف دامت شوکته

در جواب مرقومه محترم مورخه ۸/۹/۵ تحت نمره ۳۹۸۲ ذیلاً توضیحاتی را که وزارت معارف در تحت شش ماده نسبت به این مدرسه خواسته بودند به عرض می‌رساند

سؤال	جواب
۱- اسم مدرسه؟	ملیه زردشتیان
۲- عدد کلاسها؟	کلاس اول متوسطه - شش ابتدایی - پنجم الف ابتدایی - پنجم ب ابتدایی - چهارم ابتدایی - سوم ابتدایی
۳- عدد محصلین؟	(اول متوسطه ۱۲ نفر) (شش ۱۸ نفر) (پنجم الف ۲۰ نفر) (پنجم ب ۱۷ نفر) (چهارم ۳۳ نفر) (سوم ۳۶ نفر) مجموعاً ۱۳۶ نفر
۴- عدد معلمان و معلومات آنها؟	یک نفر کفیل و ناظم مدرسه و معلم السنه خارجه که از عهده تدریس زبان خارجه در کلاسهای دوره اول و دوم متوسطه برمی آیند، پنج نفر معلم دارای تصدیق نامه دارالمعلمین اکابر و داوطلب امتحان سیکل اول متوسطه، دو نفر معلوماتشان در حدود شش ساله ابتدایی بوده و بعلاوه از عهده تدریس شعبه ادبیات و دروس مذهبی در حدود کلاس ۹ برمی آیند

بودجه این مدرسه به موجب لیست حقوق در ماه یک صد و هشتاد و یک تومان و پنج قران است (بدون مخارج متفرقه) که پنجاه تومان آن از ممر موقوفه انجمن و پنجاه تومان از ممر شهریه پرداخت می شود و بقیه بودجه را نظار مدارس با زحمات زیاد به وسیله کسب اعانه و استمداد از این و آن، به امید این که در آتیه از طرف وزارت جلیله معارف مساعدت شده و جبران می گردد، پرداخته آند؛ و به واسطه نبودن عواید کافی حقوق معلمین با مخارج سنگین که دارند. به هیچ وجه قابل نبوده و با این که انجمن مایل است که حقوق آنان را طوری نماید که دلگرمانه باشد مع هذا از عهده ایشان خارج است والا چنانچه به طور حقیقت و عدالت حقوق آنان برقرار گردد ماهی دویست و پنجاه تومان بودجه می خواهد.	۵- از چه محلی آن مدارس بودجه می شود و بودجه هر یک در ماه چقدر است؟
به طوری که خود آن ریاست محترم نظارت و ملاحظه فرموده اند بدون یک ذره اختلاف اجرا می شود.	۶- آیا پروگرام وزارت معارف در آن مدارس اجرا می شود یا خیر؟

توضیح: این مدرسه در سنبله ۱۳۰۳ شمسی متوسطه شده و در سال گذشته ۶ نفر از محصلین آن موفق به اخذ تصدیق نامه دوره اول متوسطه و امساله به واسطه ضیق بودجه به همان کلاس اول متوسطه قناعت نموده و خیال دارد در سال آتیه با مساعدت وزارت جلیله دوره اول متوسطه کاملاً بازگردد.

کفیل مدرسه متوسطه زرتشتیان، [اسم: ناخوانا]

سواد مطابق اصل است.

[امضا: مرتضوی]

[حاشیه]: نمره ۴۱۰۱/۷۹۲، [تاریخ] ۱۳۰/۸/۲۰

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۳}$]

۱۳۴

[اداره معارف و اوقاف کرمان]، نمره ۳۰، [تاریخ] ۱۳۰۸/۹/۱۶

سواد مراسله مدرسه دخترانه شهریاری

مقام محترم ریاست معظم اداره جلیله معارف دامت شوکته

محترماً به عرض می‌رساند حسب الامر آن اداره جلیله توضیحات ذیل را نوشته و

ارسال داشت

سؤال	جواب
۱- اسم مدرسه	مدرسه دخترانه شهریاری
۲- عده کلاسها	به انضمام کلاس تهیه ۹ کلاس، توضیح آن که کلاس تهیه به واسطه زیادی عده شاگرد ۳ شعبه است.
۳- عده محصلات	۱۷۱ نفر (کلاس ۶ پنج نفر) (کلاس پنج ۷ نفر) (کلاس چهار ۲۱ نفر) (کلاس سوم ۱۸ نفر) (کلاس اول ۱۸ نفر)
۴- عده معلمین و معلومات آنها	با ناظمه و دفتردار مدرسه ۱۱ نفر، سه نفر معلم مردانه که یکی دارای تصدیق نامه دوره اول متوسطه و دو نفر دیگر نیز معلوماتشان به اندازه سیکل اول متوسطه است. سه نفر از معلمات دارای تصدیق نامه رسمی شش ساله ابتدایی و بقیه معلوماتشان به تفاوت در حدود کلاس ۴/۵/۶ ابتدایی است.
۵- از چه محلی بودجه مدرسه پرداخته می‌شود و در ماه چیست	تا شهریور ۱۳۰۷ بانی و مؤسسين این مدرسه در حالی که ماهی پنجاه تومان برای مخارج مدرسه تقبل فرموده بودند شخصاً کلیه مخارج مدرسه را می‌پرداختند و این مدرسه از جایی دیگر عایدی نداشت ولی از ماه مذکور مرقوم فرموده که بیش از این مبلغ نمی‌توانند تأدیه

فرمایند. لذا شروع به گرفتن شهریه از اطفال مدرسه گردید و به طور متوسط هر ماهه ۲۹ تومان نیز از این ممر تا به امروز عاید شده و بقیه را مدرسه مقروض است و هرگاه مؤسسين این مدرسه (آقای ارباب شهریار خدا بخش تفتی مقیم رنگون) نپردازند باید به وسیله دیگری تهیه شود. مخارج مدرسه در ماه بقرار ذیل است: حقوق ماهیانه اعضای مدرسه ۷۸۰ تومان، مخارج متفرقه از قبیل سوخت، لباس و لوازم التحریر اطفال فقیر و تعمیرات و غیره روی هم رفته در ماه ۱۲۰ تومان، [جمعاً] ۹۰۰ تومان. معلوم است کمی حقوق اعضای مدرسه مربوط به کمی بودجه است و بعلاوه یک نفر از معلمات و دفتردار مدرسه، افتخاری کار می کنند.	
به طوری که خاطر عاطر آن ریاست محترم مستحضر است پروگرام وزارت معارف کاملاً در این مدرسه اجرا می شود.	۶- آیا پروگرام وزارت معارف در این مدرسه اجرا می شود؟

(کفیل مدرسه دخترانه شهریار)

سواد مطابق اصل است [امضا: مرتضوی]

[حاشیه]: ضمیمه نمره ۴۱۰۱/۷۹۲، [تاریخ] ۸/۹/۲۰ [۱۳۰]

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۳}$]

۱۳۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۲۵۱۳۷، تاریخ ۱۳۰۸/۱۰/۶

انجمن محترم زرتشتیان کرمان

در جواب شرحی که مبنی بر تقاضای اعطای کمک خرج برای مدارس زرتشتیان

کرمان نموده‌اید، اشعار می‌دارد برای کمک به مدارس مذکور در صورت فراهم شدن اعتبار سعی خواهد شد در بودجه ۱۳۰۹ اعانه منظور شود.

[امضا]

[حاشیه]: پس از صدور در دوسیه بودجه ۱۳۰۹ ضبط شود.

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۳}$]

۱۳۶

۱۳۰۹/۵/۲

هو، قربانت شوم

بعد از مدتی امروز عزم شرف‌یابی نمودم و ساعت هشت و ۲۰ دقیقه در وزارت جلیله شرف‌یاب شدم تشریف نداشتید موضوع عرایض بنده چهار فقره و استدعای بذل توجه و تعیین تکلیف می‌باشد:

۱ - راجع به همان فریدون فرهمند است که قبلاً عرض و استدعا نمودم مشارالیه اظهار می‌دارد در روزنامه در جزو محصلین قبول شده نوشته شده است به نمره ۲۶ فریدون خان بهمن‌یار - آیا مشارالیه می‌باشد یا دیگری و اگر او نیست آیا ممکن است مشارالیه جزء ۹ نفر کسری به نام محصلین تحصیل کرده در خارجه قبول و اعزام و رعایتی از این بیچار شده باشد یا خیر چون هر روز از روی ناچاری نزد بنده می‌آید، استدعای تعیین تکلیف و در صورت امکان، مساعدت است.

۲ - قبلاً عریضه‌ای راجع به انگلیسی و فرانسه مدرسه متوسطه کرمان شرحی عرض نموده مستدعی بذل توجه می‌باشد.

۳ - زرتشتیان یزد و کرمان که از اهل این مملکت‌اند و مانند سایرین مالیات و عوارض می‌دهند و مدارسشان باز برای تربیت ابنای این ملت و مملکت است، استدعای بذل توجه در بذل کمکی برای مدارسشان می‌شود زیرا بودجه کمکی خودشان کفایت نمی‌کند.

۴ - مدرسه کاوایانی زرتشتیان کرمان که از اعانه خیریه و قدری املاک موقوفه اداره می شود از قرار معلوم متصدیان موقوفات کرمان مدعی شده اند باید عایدات آن به اداره اوقاف پرداخته و مجدد اخذ شود. در صورتی که این ترتیب جز مختل نمودن امور مدرسه و معطلی هیچ نتیجه دیگر نداشته و اگر مقصود از مصرف رسیدن به جای صحیح خود است که به طور کلی حق رسیدگی برای وزارت جلیله و مأمورین محترم مسلم است و چرا از راهی بشود که امور مختل گردد، امید بذل توجه و رفع زحمت می باشد. مستدعی است لطفاً در تمام فقرات از نتیجه مستحضرم فرمایید. تشکر دارد، ایام شوکت مستدام باد.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه به خط حبیب الله مظفری]: این مراسله خصوصی به عنوان مقام محترم مدیریت کل دام بقائه ارسال شده است.^(۱)

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۳}$]

۱۳۷

کرمان، خدایار خسروآبادیان، نمره ۴۶۰، به تاریخ ۱۳۰۹/۵/۱۵، ضمیمه

ورقه مربوطه، عنوان تلگرافی (خدایار آبادیان)

مقام منبع و آستان رفیع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته با کمال احترام معروض می دارد، مدرسه متوسطه ملی زرتشتیان کرمان یکی از

۱ - در برگه ای دیگر که همین ۴ مورد با خط خوش رونویس و به عرض رسیده، پایین برگه مرقوم گردیده است: «آقای دفتری، آقای جودت به مرکز احضار شده اند این مراسله را در دوسیه مخصوص ضبط کنید تا پس از ورود ایشان مذاکره شود. لفاً راجع به فریدون فرهنگد بهتر آن است که مختصر زحمتی متحمل و به دایره امتحانات مراجعه نماید تا از نتیجه امتحان خود استحضار حاصل بکند. حبیب الله مظفری ۱۳۰۹/۵/۱۸»

قدیم‌ترین مؤسسات عمومی معارف کرمانست که سنین عمرش به سی سال بالغ می‌شود. این مؤسسه یکی از ابواب سعادت و نیک‌بختی بود که در آن عصر بر روی جمعی از فرزندان این آب و خاک گشوده شد و در زمانی که در این مملکت کمتر نامی از معارف و علم شنیده می‌شد شروع به تعلیم و تربیت ابنای وطن نموده که الآن آن فرزندان از خدمتگزاران صدیق این ملک و ملت گشته‌اند.

بودجه این مدرسه را افراد ملت زرتشتی کرمان تأمین می‌کنند. این افراد اشخاصی هستند کاسب و زحمت‌کش و عایدی روزانه‌شان در مقابل زحمت روزانه است، ولی متأسفانه در این چند ساله اخیر به واسطه کساد کسب و آفات عدیده‌ای که به محصول ایالت کرمان وارد آمده و همچنین رواج فقر اقتصادی و عمومی قدری عرصه را بر این بیچارگان تنگ کرده و اگر چه کمک به ترویج معارف از اولین وظایف افراد این مملکت است و از اولین تکالیف حتمیه هر بشر متمدنی به شمار می‌رود ولی رنج گرسنگی بالاترین رنجها و تأمین معاش روزانه اهم مخارج است و اگر راستی ملاحظه شود همین طور است و مبالغتی هم نشده است. این فقر عمومی و بحران اقتصادی خرده خرده سبب شده است که اشخاصی که فرزندانی در مدرسه داشته‌اند آنها را از تحصیل باز گرفته و به تحصیل معاش وادارند! آیا از این قبیل اشخاص چه امیدی نسبت به مساعدت به معارف می‌توان داشت؟ مدرسه حتی از نقطه نظر ترویج معارف حاضر شده است لوازم تحصیل این شاگردان را بدهد که برای تحصیل حاضر شوند باز میسر نشده است. به هر حال از این مقدمه مشهود می‌شود که چه سکتۀ بزرگی به بودجه مدرسه وارد و چه اندازه از تعداد محصلین آن (اعم از مسلمان و زرتشتی) کاسته شده است.

نظر به این که طلوع کوکب پهلوی مقارن شروع روزگار خوشبختی و سعادت این قوم و از آن زمان تاکنون هر روزی یک افتخار جدیدی برای این مملکت ایجاد گشته و همچنین از مراتب عدالت و دادگستری شهریار یاری همچو وزیر معارف پروری زمام امور

معارفی این مملکت را در کف با کفایت خویش گرفته و روز به روز بر عده مؤسسات معارفی افزوده می شود، به نام دوستی معارف و ترویج آن از حضور انور مستدعی است چنان که سابقاً کراراً از طرف مدرسه ملی زرتشتیان استدعا شده نظر لطفی به این مؤسسه فرموده و هر قسم کمکی که صلاح بدانند بدین مدرسه بفرمایند تا شاید از مراتب الطاف معارف پرورانه آن وزیر دانشور امور این مؤسسه هم رو به بهبودی گذارده و سایل ترویج معارف به وجهی احسن فراهم شود. مختصراً معروض می دارد این مؤسسه بی اندازه از حیث بودجه در مضیقه است و البته راضی نخواهند شد که همچو مؤسسه قدیمی که سالیان متمادی در مقابل هزاران گونه صدمات ایستادگی کرده از پا درآید. ضمناً چون یک نفر مدیر کافی و لایق برای مدرسه متوسطه فوق الذکر و یک نفر مدیره فاضله برای مدرسه دوشیزگان شهرباری کرمان لازم است لهذا مستدعی است امر و مقرر فرمایند یک نفر مدیر فاضل و قابل و همچنین مدیره ای که صلاح بدانند معرفی فرمایند.

در خاتمه مجدداً جسارت ورزیده معروض می دارد که آقای آقامیرزا حسین خان جودت رئیس معارف کرمان به خوبی از ضیق بودجه مدرسه فوق الذکر مطلع و عرایض فوق را تأیید و تصدیق می فرمایند. زیاده جسارت است.

مدیر مدرسه کاویانی ابتدایی زرتشتیان کرمان

[امضا : خدایار آبادیان]

[حاشیه ۱] : [مهر : ورود به دفتر کل وزارت معارف و اوقاف، ۹/۵/۱۸، نمره ۱۰۳۳۳]

[حاشیه ۲] : - اداره معارف. ۱۸ مرداد

[حاشیه ۳] : [مهر : ورود به اداره کل معارف، ۹/۵/۱۹، ۵۳۸۵]

[حاشیه ۴] : ریاست محترم متبوعه، مقرر فرمایند عجالتاً این درخواست را نگاه دارند تا وقتی

که آقای جودت به مرکز بیایند. ۹/۵/۲۰ [۱۳۰]

[حاشیه ۵]: - در دوسیه مخصوص کرمان ضبط شود تا آقای جودت وارد مرکز شوند. [امضا

حبیب‌الله مظفری ۹/۵/۲۰]

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۳}$]

۱۳۸

۲۱ تیرماه ۱۳۰۹

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته

احتراماً مصدع است، با افزایش مبلغ هشت هزار تومان به بودجه معارف کرمان در هذه السنه و با مواقعی که مکرر به حضور مبارک عرض شده است، چون امور مدارس زرتشتیان کرمان به علت کمی بودجه آن به عسرت و زحمت اداره می شود، استدعا است با بذل عنایتی مخصوص امر و مقرر فرمایند از بذل کمک به مدارس زرتشتیان کرمان مضایقه نگردد تا درجه [ای] رفاهیت حاصل نمایند.

دیگر آن که مدارس مزبور به واسطه نداشتن کلاس متوسطه و این که محصلین به علت احتیاجات متمایل به تحصیل زبان انگلیسی هستند و در مدارس مزبوره ممکن نیست، در زحمت هستند. در این باب انجمن زرتشتیان کرمان با ریاست محترم معارف آن جا مذاکره نموده و بالاخره آقای رئیس معارف گویا راپورتی در این باب به مقام منیع تقدیم نموده که در مدارس ملی زرتشتیان کلاس متوسطه دایر شود محصلینی که برای تحصیل زبان انگلیسی به مدارس انگلیسی می روند در مدارس خودشان تحصیل کنند و محصلین طالب تحصیل زبان فرانسه در مدرسه پهلوی بروند.

بعبارة آخری رفع احتیاج محصلین از مدارس خارجه شود. لذا استدعا است امر و مقرر فرمایند با این نظریه موافقت و کلاس متوسطه در مدارس زرتشتیان دایر و بودجه آن را منظور فرمایند و هرگاه غیرممکن است و نمی توان عملی نمود، استدعا است امر و

مقرر فرمایند یک نفر معلم زبان انگلیسی در مدرسه پهلوی تدریس کند که هم طالبین تحصیل زبان انگلیسی در مدارس خود تحصیل زبان مزبور را نموده و هم به مدارس خارجه نرفته باشند به هر حال انتظار بذل رحمت مخصوص را دارد. ایام شوکت مستدام.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: [مهر: ورود به دفتر کل وزارت معارف و اوقاف، به تاریخ ۹/۴/۲۴، نمره ۸۸۳۴]

[حاشیه ۲]: [اداره معارف. ۲۴ تیر ۱۳۰۹]

[حاشیه ۳]: [مهر: ورود به اداره کل معارف، نمره ۴۵۹۱، ۹/۴/۲۴ ۱۳۰۹]

[حاشیه ۴]: [آقای نجم آبادی در صورتی که سوابقی هست ضمیمه فرماید. ۹/۴/۲۵ [۱۳۰]]

[حاشیه ۵]: [آقای افتخار - به عرض رسید، ضمیمه شود به صورت پیشنهادی اداره معارف

کرمان، تا در موقع تشکیلات اقدام مقتضی بشود. حبیب الله مظفری ۹/۴/۲۹]

[حاشیه ۶]: [ضبط شود.]

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۳}$]

* * *

۱۳۹

انجمن زرتشتیان کرمان، شماره ۲۳۵۸، سال مه ۴ اردیبهشت ۱۳۲۰

جناب آقای اسماعیل مرآت وزیر محترم فرهنگ

در ضمن عرضه داشتن مراتب بندگی و فدویت با کمال احترام به شرف عرض عالی می‌رساند در شماره ۲۴ فروردین روزنامه اطلاعات لایحه فروش املاک زراعتی و قنوات موقوفه^(۱) که تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است مطالعه گردید. منظور کلی از این

۱ - درباره موقوفات زرتشتیان و تغییر و تحولات آنها از دهه بیست به بعد مطالب بسیار زیادی موجود است ←

لایحه به طوری که از مواد آن مبرهن می‌باشد توسعه و ترویج بیمارستان‌ها و آموزشگاه‌ها که یکی برای حفظ و بهبودی تن و دیگری برای پرورش و نیرومندی روان است می‌باشد و البته قوام هر فرد و جامعه بسته به تحکیم مبانی این دو اصل بوده و

که ثبت آنها در این مختصر امکان ندارد. موضوعی که در این سند به آن پرداخته شده، از شهریور ماه ۱۳۱۸ موضوع مکاتبات انجمن زرتشتیان کرمان واقع شده و مکاتبات بسیار زیادی در این باره وجود دارد که نگارنده تنها به دو نامه اکتفا می‌نماید. نامه اول به نمرة ۲۲۵۶ و به تاریخ ۱۳۱۸/۶/۳۱ به ریاست اداره فرهنگ کرمان ارسال شده و در آن اشاره شده است که: «عطف به آگهی شماره ۷۴۱۵ [به تاریخ ۱۸/۶/۱۹، موقوفاتی که در تحت تولیت و تصدی این انجمن می‌باشد به موجب موافقت وزارت فرهنگ طی شماره ۱۱۸۱۵ [به تاریخ ۱۷/۵/۲۰ که رونوشت آن را آن اداره به این انجمن ارسال فرموده‌اند، درآمد آنها صرف آموزش دبیرستان زرتشتیان کرمان می‌گردد و بودجه بندی‌های موقوفات نیز از همین نقطه نظر گردیده است. البته ریاست محترم اجازه خواهند فرمود که مطابق بودجه بندی‌ها درآمد موقوفات به صرف مقرر برسد. (الف) در نامه دیگر به نمرة ۲۲۹۸ و تاریخ ۱۳۱۹/۲/۱۸ که به ارباب کیخسرو شاهرخ نوشته شده، مرقوم گردیده است: «در تاریخ امروز تلگرافی راجع به موقوفات ویژه آموزشگاه‌های زرتشتیان کرمان معروض، اینک پیرو تلگراف مذکور مبادرت به تقدیم این عریضه می‌گردد. اخیراً از طرف اداره اوقاف کرمان فشارهایی نسبت به موقوفات تحت تصدی انجمن وارد می‌آید من جمله می‌گویند بایستی درآمد موقوفات خود را در وجه اداره اوقاف کارسازی داشته که تسلیم اداره دارایی گردد و اداره دارایی مجدد با موافقت اوقاف درآمد موقوفات را به‌پردازد و یکی دو فقره موقوفاتی را هم که مزایده نهاده‌اند در موقع تنظیم سندهای رسمی می‌گویند بایستی چک‌های اقساطی به نام اداره فرهنگ صادر گردد. در صورتی که تاکنون از طرف انجمن مرتباً بودجه بندی‌های سنواری زودتر از موقوفات دیگران به عمل آمده و حق‌النظاره هم پرداخت گردیده است و از طرف وزارت فرهنگ هم طی شماره ۱۱۸۱۵ [به تاریخ ۱۷/۵/۲۰ که رونوشت آن جوفاً تقدیم است تأکید فرموده‌اند که درآمد موقوفات تحت تصدی انجمن اختصاص به کمک آموزشگاه‌های زرتشتیان کرمان دارد و خاطر محترم مستحضر است که بعضی از این موقوفات در اثر پیدا شدن مدعیانی چند جریان محاکماتی پیدا نموده و تاکنون مبالغ زیادی هزینه محاکمات گردیده و هنوز هم مبالغ زیادی خرج دارد و به علاوه خود جناب عالی مسبوق می‌باشید که انجمن با چه

ضمناً نیات واقفین به احسن وجه اجرا گردیده است موضوعی را که این انجمن لازم دید با کمال جسارت به عرض برساند راجع به موقوفاتی است که یا واقفین صرفاً برای آموزشگاه‌ها اختصاص داده و یا در این چند سال درآمد آنان ویژه آموزشگاه‌های مخصوص گردیده است. من جمله موقوفاتی که درآمد آنها به مصرف آموزشگاه‌های زرتشتیان کرمان می‌رسد، چند فقره مانند موقوفه پوراندخت، موقوفه دینیار اردشیر ملا، موقوفه جهانگیر فروهر و غیره برابر نیات و نوشته‌های واقفین و باذلین بایستی صرف دبستان کاویانی یا دبیرستان ایرانشهر برسد و چند فقره دیگر درآمد آنان ویژه این گونه آموزشگاه‌ها گردیده است و سایر آموزشگاه‌های ملی کرمان نیز دارای این گونه موقوفاتی می‌باشند و متصدیان این قبیل موقوفات در آبادانی آنها کمال مراقبت را به عمل آورده به طوری که مفاد اولیه این لایحه را که آبادی قنات موقوفه است تاکنون اجرا داشته‌اند. بدیهی است واضعین و مدوّنین قوانین بیش از دیگران اطراف و جوانب قانون را نگریسته و البته این قسمت را از مد نظر دور داشته‌اند و از آن جایی که در ماده ۲ قانون تقدیم شده املاک وقف بر بیمارستانها از فروختن معاف بوده و ماده ۳ قصد کلی این قانون را که ترویج بیمارستانها و آموزشگاه‌ها است تصریح نموده و بعضی آموزشگاه‌ها نیز دارای املاک موقوفه می‌باشند، چنانچه در ماده ۲ در ردیف بیمارستانها واژه

معداکاری و تحمل زحمات مدارس مذکوره را اداره می‌نماید و تاکنون به هر طور بوده است آنها را با حسن جریان نگاه داشته است. تصمیم اداره فرهنگ نسبت به مؤسساتی که حسن سابقه و خدمت‌گزاری دارند جز این که راه را طولانی‌تر و خسته‌کننده و مواجه با اشکالات نماید چه نتیجه داشته و در صورت تحمیل و وارد آمدن خستگی غیرقابل تحمل این فقره ناچار است که از اداره و داشتن آنها صرف نظر و کناره‌گیری نماید. مستدعی است جناب آقای وزیر فرهنگ را که در هنگام توقف کرمان کاملاً از جریانات و سازمان انجمن و دستگاه‌های فرهنگی جماعتی استحضار دارند ملاقات و تقاضا گردد امریه و دستور وزارتی به فرهنگ کرمان صادر گردیده که جریانات تحت تصدی این انجمن را مانند پیشین رعایت و در هر موقع از بذل مساعدت لازم، سپاس‌گویان را متشکر فرمایند» (ب)

(الف) یکی از دفاتر کپی مراسلات انجمن زرتشتیان کرمان، ص ۲۹

(ب) همان جا، ص ۷۰

آموزشگاه‌ها نیز افزوده شود یک قسمت منظور اصلی که ترویج آموزشگاه‌ها هم می‌باشد به عمل آمده و به علاوه خیرخواهان را بیش از پیش در راه بذل و وقف به آموزشگاه‌ها مورد تشویق و ترغیب خواهد نمود. این که گستاخانه در مقام جسارت برآمده نظر به بذل عنایات و مکرمت‌های بزرگوارانه آن جناب نسبت به فدویان و آموزشگاه‌های این جماعت بوده و از این تجاوز پوزش طلبیده و احترامات فایقه را تقدیم می‌دارد.

انجمن زرتشتیان کرمان

[امضا: اقل شهریار خسرو راوری]، [مهر: انجمن زرتشتیان کرمان]

[حاشیه ۱]: - به عرض برسد. ۲۰/۲/۲۴

[حاشیه ۲]: - اوقاف شهرستانها، ۱ - انجام تقاضای انجمن که مستلزم تغییر قانون است مقدور نمی‌باشد ۲ - البته وزارت فرهنگ برای ادامه این گونه آموزشگاه‌ها فکری خواهد کرد که از انحلال آنها جلوگیری شود. ۲۰/۲/۲۴

[حاشیه ۳]: - اداره کل اوقاف - اداره امور شهرستانها جواب تهیه کند. ۲۰/۲/۲۴

[۲۵۰۰۰۰۲۳۳]

۱۴۰

وزارت فرهنگ، شماره ۵۳۵۸، تاریخ ۲۰/۲/۲۹ [۱۳]

انجمن زرتشتیان کرمان

در پاسخ نامه شماره $\frac{۲۳۵۸}{۱۳۲۰/۲/۴}$ اشعار می‌دارد، همان طور که یادآور شده‌اید هدف اساسی قانون اخیرالتصویب خدمت به کشور و توسعه آموزشگاه‌ها و تأسیسات خیریه و اجتماعی در کشور شاهنشاهی است. از این رو در ضمن اجرای قانون وزارت فرهنگ در

حفظ آموزشگاه‌ها و توسعه آنها اقدامات لازم به عمل خواهد آورد و در بودجه فرهنگی اعتبار لازم برای تقاضای آنها منظور خواهد کرد. با این وصف دیگر جای نگرانی برای آن انجمن باقی نخواهد ماند.

[امضا]

[۲۵۰۰۰۰۲۳۳]

* * *

۱۴۱

دبیرستان ایرانشهر زرتشتیان کرمان، شماره ۳۲۳/۲۸، تاریخ ۱۳۲۸/۸/۸

مقام محترم ریاست اداره کل اوقاف مملکتی

محترماً معروض می‌دارد مؤسسات فرهنگی زرتشتیان کرمان که عبارتند از ۱ - دبیرستان پسرانه ایرانشهر ۲ - دبستان دخترانه شهریار ۳ - دبستان پسرانه کایوانی دارای موقوفاتی است که درآمد آنها به مصرف امور آموزش و پرورش نوآموزان بی‌بضاعت این آموزشگاه‌ها از مسلمان و زرتشتی می‌رسد این مدارس فعلاً دارای ۹۰۰ نفر دانش‌آموز می‌باشند و روش کار و خدمت‌گزاری این مؤسسات قدیم‌التأسیس قریب چهل سال خدمت مورد تصدیق اولیای محترم وقت بوده و می‌باشد در این اواخر به واسطه بالا رفتن هزینه زندگانی و منتزع شدن بعضی رقبات موقوفات از راه جریانات دادگستری دچار ضیق بودجه فوق‌العاده شدید گردیده، لکن با تحمل همه گونه ناملایمات و جدائاً به خدمت‌گزاری خود ادامه داده است در بحبوحه این عسرت و فشار اداره اوقاف کرمان گذشته از صدی ۲ حق‌النظاره سنواتی که سابقاً دریافت می‌داشته امساله صدی ۵ علاوه از آن مطالبه داشته و اظهار می‌دارند که طبق دستور مرکز می‌باشد. بنابراین در حین عرضه داشتن مراتب خدمت‌گزاری و طبق بودجه این مؤسسات به

طریق اختصار و تذکر به این که حتی حق التولیه را نیز متولیان به مصرف مدارس مذکوره اختصاص داده متمنی است به اداره اوقاف کرمان دستور صادر و مرحمت گردد که رقبات موقوفات آموزشگاه‌های نام‌برده بالا را از پرداخت صدی ۵ علاوه معاف داشته و فقط صدی ۲ مقرر سابق را دریافت دارند تا در سایه بذل توجه و عنایت آن مقام محترم مدارس مذکوره بیش از پیش دچار مضیقه و فشار واقع نگردیده و در تعطیل آنان تسریع نگردد و کارمندان و اولیای این مؤسسات تا ابد رهین منت این احسان و عنایت باشند. در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم می‌داریم.

دبیرستان ایرانشهر زرتشتیان کرمان

[امضا: پرزو آمیغی ^(۱)]، [مهر: دبیرستان ایرانشهر کرمان]

[امضا: کشور مزدیسنا ^(۲)] دبستان دخترانه شهریار

[امضا: کیخسرو سروشیان]، [مهر: دبستان کاپوانی زرتشتیان کرمان]

۱ - وی در سال ۱۲۶۵ ش. در کرمان به دنیا آمد و پس از طی تحصیلات و مدتی اشتغال به بازرگانی، در سال ۱۲۸۵ ش. به بمبئی رفت و زبان انگلیسی را آموخت پس از جنگ بین‌الملل اول به کرمان آمد در سازمان پلیس جنوب استخدام شد و ضمناً در مدارس کرمان به تدریس پرداخت و بالاخره مدیریت مدرسه فوق‌الذکر به او واگذار شد و تا پایان عمر، علی‌رغم موقعیت‌های شغلی بسیار خوبی که برایش فراهم بود، به امور فرهنگی کودکان و دانش‌آموزان زرتشتی رسیدگی کرد و در سال ۱۳۴۸ وفات یافت. (الف) آقای باستانی‌باریزی درباره او نوشته است: میرزا پرزو آمیغی مدیریت مدرسه پسرانه را داشت و یک شاهی حقوق دولتی نگرفت. (ب)

(الف) سخن‌رانی دکتر اشیدری در تعزیت او، هوخت، س ۲۰، ش ۶، ص ۱۰

(ب) باستانی‌باریزی، همان جا

۲ - مشارالیه یکی از بانوان فرهیخته ایرانی و از مدیره‌های مدارس دخترانه زرتشتی بود که در راه بسط معارف زحمات بسیاری کشید. مصاحبه‌ای با او درباره خدماتش صورت گرفته که در ماهنامه هوخت، س ۲۵، ش ۱۱، ص ۹ درج شده است.

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر کل اوقاف، تاریخ ۱۳۲۸/۸/۱۶، نمره ۳۴۷۸۷]

[حاشیه ۲]: - سابقه، ۲۸/۸/۱۸

[حاشیه ۳]: - پرونده رسید، سابقه پیوست گردید. [امضا]، ۲۸/۱۰/۱۵

[۲۵۰۰۰۰۹۹۰]

۱۴۲

دیرستان ایرانشهر زرتشتیان کرمان، شماره ۳۲۹/۲۸، تاریخ ۱۳۲۸/۸/۸

حضور محترم جناب آقای حبیب یغمائی^(۱)

عرض می شود چنانچه ملاحظه می فرمایند شرحی به موجب رونوشت پیوست به اداره کل اوقاف مملکتی راجع به معافیت صدی پنج که اداره اوقاف کرمان علاوه از صدی دو حق النظاره سنواتی که سابقاً از بابت رقبات اوقافی آموزشگاه های زرتشتیان دریافت می داشته است عرض گردیده نظر به این که عواید این گونه موقوفات به مصرف تعلیم و تربیت شاگردان بی بضاعت مسلمان و زرتشتی می رسد استدعاست نظر به فرهنگ گستری که ودیعه ذات عالی است بذل توجه مخصوص مبذول فرمایند که املاک موقوفات نام برده را از پرداخت صدی پنج علاوه به نام هزینه های اداری معاف فرموده و تنها صدی ۲ مقرر سابق را دریافت دارند تا گشایشی در بودجه آموزشگاه های زرتشتیان کرمان که فوق العاده در مضیقه و فشار واقع است حاصل گردیده و بیش از پیش ممنون و مرهون خدمات آن جناب باشیم. فزون تصدیع افزای اوقات گرانمایه حضرت

۱ - فرزند میرزا اسدالله مجتهد، در سال ۱۲۸۰ ش در خور و بیابانک به دنیا آمد در جوانی در وزارت فرهنگ به کار گماشته شد و سپس به تأسیس مجله یغما پرداخت و در سال ۱۳۶۲ ش درگذشت. دیوان شعری نیز دارد.

(سهیلی، مهدی، «۱۱۰۰ غزل هماهنگ»، نشر پوپک، ۱۳۶۶، ص ۶۹۵).

عالی نگردیده تشکرات صمیمانه را تقدیم می‌دارد. با احترامات شایان.

رئیس دبیرستان ایرانشهر - برزو آمیغی

[امضا]، [مهر : دبیرستان ایرانشهر کرمان]

[۲۵۰۰۰۰۹۹۰]

۱۴۳

وزارت فرهنگ، اداره کل اوقاف، [نمره ۳۵۷۹۸، تاریخ ۲۲/۸/۲۸]، تلگراف

اوقاف کرمان

موافقت می‌شود که به عوض ۵٪ اداری (غیر از ۵٪ حق‌النظاره یا ۲٪ مدارس قدیمه)، ۱٪ از موقوفه زرتشتیان اخذ شود. به همین طریق عمل نمایید.

خان ملک

[امضا]، [مهر]

[۲۵۰۰۰۰۹۹۰]

۱۴۴

مجله یغما، ادبی، علمی، تاریخی، اجتماعی - تهران، خیابان ژاله (آب سردار)

تلفن (۱) ۹۳۵۹، شماره ۴۹۳، تاریخ ۲۶/۹/۱۳۲ [۱۳۲]

مقام عالی جناب آقای دکتر مهران معاون دانشمند فرهنگ

نامه‌ای را که رئیس دبیرستان ایرانشهر کرمان فرستاده است عیناً تقدیم می‌دارد. با

حسن نیت و توجه مخصوص آن جناب و جوانمردی آقای خان‌ملک سرپرست محترم کل اوقاف امیدواری تمام است که درخواست مشروع زرتشتیان کرمان پذیرفته شود. چنان که قبلاً هم عرض شده بنگاه‌های فرهنگی زرتشتیان از مؤسسات آبرومند و مورد اعتماد فرهنگی کرمان است و آقای برزو آمیغی رئیس دبیرستان ایرانشهر و دیگران، با نهایت دل‌سوزی و علاقه خدمت می‌کنند و مخصوصاً از جناب اجل عالی شایسته است که آنها را مورد تحسین و تشویق قرار دهند و تقاضای مشروع آنان را برآورند که در پیشرفت فرهنگ آن حوزه تأثیری عظیم دارد.

با تقدیم احترامات. [امضا : حبیب]

[حاشیه ۱]: - اداره کل اوقاف، رسیدگی و اظهار نظر فرمایند. ۲۸ آذر

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به دفتر کل اوقاف، نمره ۱۹۶۰، تاریخ ۲۸/۹/۲۹]

[حاشیه ۳]: - آقای کامجو، گویا فعلاً دستور تخفیف داده شده است، فوراً به جناب آقای دکتر مهران و آقای یغمایی جریان را بنویسید. [امضا] ۲۸/۱۰/۱۰

[۲۵۰۰۰۰۹۹۰]

۱۴۵

دبیرستان ایرانشهر زرتشتیان کرمان، شماره ۴۵۵، تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۲۹

[با نهایت احترام به عرض می‌رساند]....^(۱) کرمان و درآمد بقیه موقوفات که تنها به مصرف امور آموزش و پرورشی ۹۲۹ نفر نوآموز و دانش‌آموز اعم از مسلمان و زرتشتی

۱ - در اصل سند مخاطب و ابتدای نامه مشخص نیست اما از مضامین مطالب مشخص است که این نامه به اداره کل اوقاف نگاشته شده است.

و کمک به محصلین بی‌بضاعت ۱ - دبیرستان ایرانشهر ۲ - دبستان دخترانه شهریار ۳ - دبستان پسرانه کاویانی می‌گردد.

در نامه شماره $\frac{۳۲۲}{۲۸/۸/۸}$ معروض داشت و در نتیجه به منظور مساعدت با مؤسسات فرهنگی و بذل توجه به مراتب معروضه در نامه یاد شده، طبق نامه شماره $\frac{۳۶۲۲۳}{۲۸/۸/۲۶}$ آن اداره که رونوشت آن به ضمیمه تقدیم است به اداره اوقاف کرمان دستور داده شده است به جای صدی پنج هزینه‌های اداری استثناء صدی یک از موقوفات زرتشتیان که به مصرف بنگاه‌های فرهنگی و آموزشی و کمک به دانش‌آموزان و نوآموزان بی‌بضاعت می‌رسد، دریافت گردد.

ضمن اظهار نهایت امتنان و تشکرات صمیمانه اولیای آموزشگاه‌ها از مقام شایسته ریاست محترم نسبت به فرهنگ نوباوگان کشور، با ضیق بودجه‌ای که به آن دچار بوده و هست و سایر ناملازمات به طوری که امکان تعطیل مدارس زرتشتیان می‌رفت، اول سال تحصیلی جاری به همت رادمردان و به ندای وجدان و بنابر وظیفه‌ای که برعهده داریم، مؤسسه دیگری را به نام «دبیرستان دخترانه کیخسرو شاهرخ» تأسیس و از این راه بیش از پیش دچار قلت بودجه و فشار گردیده است. اداره اوقاف کرمان باز صدی پنج هزینه‌های اداری را مطالبه می‌نماید و با دستور صادره از آن مقام خود را متعذر به این می‌داند که اوقاف از فرهنگ مجزا و صدی پنج باید پرداخت شود.

با عرض مراتب بالا درخواست می‌نماید باز هم به همان منظور مقدس (کمک به فرهنگ) که وجهه همت آن اداره است مرحمت فرموده، دستور بفرمایند برطبق دستور شماره $\frac{۳۶۲۲۳}{۲۸/۸/۲۶}$ هر ساله همان صدی یک هزینه‌های اداری از موقوفات مدارس زرتشتیان کرمان دریافت گردد و بیش از پیش کارمندان مؤسسات زرتشتیان را رهین منت و سپاس‌گذار عنایت آن مقام گردانند. بهترین ادعیه خالصانه را تقدیم می‌دارم.

رئیس دبیرستان ایرانشهر، آمیغی

[امضا]، [مهر : دبیرستان ایرانشهر کرمان]

[حاشیه ۱]: - اوقاف شهرستان‌ها، ۲۹/۱۰/۱۸

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به دفتر کل اوقاف، تاریخ ۱۳۲۹/۱۰/۱۹، نمره ۳۳۹۹۷]

[حاشیه ۳]: - به اداره اوقاف کرمان دستور داده شود به جای ۵٪ صدی ۲/۵ دریافت دارند.

[حاشیه ۴]: - آقای یکسان، اقدام فرمایند. ۲۹/۱۰/۲۰

[۲۵۰۰۰۰۹۹۰]

* * *

۱۴۶

مدرسه متوسطه زرتشتیان تهران، [تاریخ] ۲۸ ماه آبان ۱۳۰۸

مقام محترم ریاست محاسبات وزارت جلیله معارف

چون اداره خزانه‌داری کل برای پرداخت کمک خرج مدرسه زرتشتیان مطالبه معرفی نامه از اداره محترم محاسبات وزارت جلیله معارف می‌نماید بنابراین آقای میرزا بهمن خسرو را به آن مقام محترم معرفی نموده، مستدعی است مقرر فرمایند به قسمی که معمول است معرفی نامه مشارالیه را صادر نمایند که اداره خزانه‌داری کل از پرداخت کمک خرج اشکال ننماید. موجب امتنان و تشکر است.

مدیر مدرسه متوسطه زرتشتیان

[امضا: سهراب سفرنگ]^(۱)

[حاشیه ۱]: - آقای دولت‌شاهی. ۸/۲۸

۱ - مشارالیه از بزرگان فرهنگی جامعه زرتشتی بود و از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۱۶ ش ریاست دبستان جمشید جم و دبیرستان فیروز بهرام را بر عهده داشت. شرح احوالش در: الف) فروهر، سال ۱۲، ش ۱، ص ۴۳، ب) فروهر، ص ۲۰، ش ۷ و ۸، ج) هوخ، ص ۵، ش ۳، ص ۱۳ و در بسیاری از نوشته‌های دیگر زرتشتیان آمده است.

[حاشیه ۲]: - یادداشت‌های محرمانه اول سال تحویل حامل شد. ۸/۸/۲۸

[۵۶۰۰۳]

۱۹۳۶

۱۴۷

انجمن زرتشتیان تهران، نمره ۱۲/۱۱۱، مورخه ۱۸ آذرماه ۱۳۰۸

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته

راجع به کمک خرجی که از خزانه مملکت به دو مدرسه زرتشتیان تهران ذکور و اناث مرحمت می‌شود و موجب سپاسگزاری است از قرار معلوم از خزانه‌داری کل اظهار شده است که راجع به هر مدرسه مدیر یا مدیره مدرسه باید شخصاً بروند و دریافت دارند، در صورتی که تصدیق می‌فرمایید بودجه مدارس فوق‌الذکر در سال هشت‌هزار تومان متجاوز است و منحصر به این وجه هم نیست و به اضافه رتق و فتق امور مدارس مذکور با این انجمن است. از این رو بایست تمام وجوه در صندوق انجمن تمرکز یافته و حقوق و مخارج مربوطه به مدارس به موقع خود پرداخته شود. لذا مستدعی است به ادارات مربوطه خود آن وزارت جلیله و خزانه‌داری کل دستور اطلاع داده شود که ماهانه مدارس زرتشتیان را فقط به موجب رسید این انجمن بپردازند زیرا آمد و رفت مدیران مدارس صرف نظر از این که از وظایف روزانه‌شان باز می‌دارد ارتباطی به آنان ندارد. اجابت این استدعا و صدور امر سریع سبب ازدیاد تشکر خواهد بود. ایام شوکت مستدام باد.

از طرف انجمن زرتشتیان تهران

[امضا: کیخسرو شاهرخ]

[مهر: انجمن زرتشتیان تهران]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر کل وزارت معارف و اوقاف تاریخ ۸/۹/۲۰، نمره ۲۴۲۶۲]
 [حاشیه ۲]: - اداره محاسبات، اعانه مدارس ذکور و اناث زرتشتیان چه مبلغ است. توضیح
 دهید در ۱۳۰۸ از ۱۵ شهریور که اعانه به مدارس ملی حواله شده است این اظهار خزانه داری
 مبنی بر چه اصلی است؟ [امضا] ۸/۹/۲۰

[$\frac{۶۲۰۰۱}{۲۵۹۶}$]

۱۴۸

[روی برگه ای بدون آرم، نمره و تاریخ نوشته شده:]

مقام منیع معاونت کل دامت شوکته

ماهیهان مبلغ شصت تومان به عنوان مدرسه ذکور ابتدایی و مبلغ پنجاه تومان اعانه به
 مدرسه نسوان زردشتیان تأدیه می شود و چون بر طبق نظام نامه و بودجه، اعانه مدارس در
 وجه مدارس پرداخت می شود، تصور می رود اظهار خزانه داری کاملاً به جا باشد، زیرا
 وزارت معارف اعانه را به انجمن نمی دهد و اعانه مربوط به مدرسه است.

[امضا] ۹/۲۴/۱۳۰۸

[حاشیه]: - آقای رهنما، به همین نحو جواب بنویسید. ۹/۲۸/۱۳۰۸

[$\frac{۶۲۰۰۱}{۲۵۹۶}$]

۱۴۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۲۴۲۶۲، تاریخ ۱۳۰۸/۹/۳۰

انجمن محترم زرتشتیان

با استحضار از مراسله نمره ۱۱۱/۱۲ مورخه ۱۸ آذر، راجع به اعانه مدارس

زرتشتیان جواباً اشعار می‌شود: چون اعانات مزبور به نام مدرسه است و برطبق بودجه و نظام‌نامه مصوب، اعانه هر مدرسه در وجه آن مدرسه باید پرداخت شود. لهذا پرداخت اعانه مدارس زرتشتیان در وجه آن انجمن بی‌اشکال نبوده است.

[امضا]

[۶۲۰۰۱]
۲۵۹۶

* * *

۱۵۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف یزد، نمره ۳۱۳۴

به تاریخ ۱۳۱۰/۹/۲۲، ضمیمه ۳ ورقه

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته

با تقدیم درخواست امتیاز تأسیس کلاسهای دوره اول متوسطه نسوان از طرف آقای میرزا سروش لهراسبی^(۱) نماینده انجمن زردشتیان ایرانی بمبئی و تقدیم سواد سجل احوال مشارالیه و سواد تصدیق اداره عدلیه یزد دایر به عدم ارتکاب جنحه و جنایت او،

۱ - میرزا سروش لهراسب فرزند تیرانداز مهربان و گوهر خداداد زارع در سال ۱۲۸۳ ش. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی اش را در مدرسه زرتشتیان و دارالفنون و کالج البرز گذرانید و از سال ۱۲۰۳ ش. از طرف ارباب کیخسرو شاهرخ به مدیریت مدرسه دینیاری یزد منسوب شد و در سال ۱۳۰۶ ش. به درخواست «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» (الف) سرپرستی مؤسسات مارکار و مدارس تابع آن به او واگذار شد و خدمات بسیار ارزشمندی به مؤسسات فرهنگی یزد اعم از ساختن و تأسیس و تعمیر مدارس صورت داد، وی مردی بود آمر، مدیر و مدبّر و در تمام شهر یزد مورد احترام بود. در دوره‌های زیادی عضویت انجمن زرتشتیان یزد را نیز عهده‌دار بود. (ب) مشارالیه در بیست و پنجم اردیبهشت سال ۱۳۷۵ در تهران درگذشت.

(الف) ر.ک: فصل انجمن‌ها

(ب) باستانی فر، خسرو؛ «سروش لهراسب»؛ فروهر، س ۱۷، ش ۷ و ۸، ص ۳-۵

استدعای صدور امتیاز را دارد و در خاتمه به عرض می‌رساند پس از صدور امتیاز از اول سال تحصیلی ۱۳۱۱ (۱۶ شهریور) مدیره که واجد شرایط مقرر باشد برای مدرسه انتخاب خواهند نمود.

[امضا]

[مهر: اداره معارف و اوقاف یزد]

[حاشیه ۱]: - اداره معارف - ۳ دی ۱۳۱۰

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به دفتر کل وزارت معارف و اوقاف، مورخه ۱۰/۱۰/۴، نمره ۲۰۴۶۷۰]

[حاشیه ۳]: متوسطه - تقاضای امتیاز دوره اول متوسطه نسوان - ۱۰/۱۰/۵

[حاشیه ۴]: [مهر: ورود به اداره کل معارف، نمره ۱۰۷۰۹، ۱۰/۶/۱۳۱۰]

[حاشیه ۵]: آقای افتخار - تا مدیره معلوم نشود امتیاز نمی‌شود داد. مظفری ۱۰/۱۰/۷

[۵۶۰۰۴]
۲۲۱۹

۱۵۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۲۴۶۷۰، تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳ [۱۳]

معارف و اوقاف یزد

با استحضار از مفاد مراسله نمره ۳۱۳۴ جواباً اشعار می‌دارد؛ اولاً به عنوان مؤسس به احدی امتیاز مدرسه داده نخواهد شد؛ ثانیاً مدیره مدرسه باید با ارسال مدارک لازمه تقاضای امتیاز کند تا در صورتی که برطبق ماده دهم قانون اساسی معارف واجد شرایط

لازمه باشد نسبت به انجام تقاضای او اقدام شود. عین مدارک ارسالی نیز مستقیماً اعاده شد.

[امضا]

[۵۶۰۰۴]
۲۲۱۹

* * *

۱۵۲

انجمن زرتشتیان تهران، [نمره ندارد، تاریخ مرداد ماه ۱۳۱۱]

مقام منیع حضرت مستطاب اجل امجد عالی آقای اعتمادالدوله (یحیی‌خان قراگزلو) دامت شوکت و وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

در تعقیب عرایضی که کراراً شفهاً عرضه داشته اینک هم حسب الامر برای مزید استحضار خاطر مبارک به شرح این عریضه می‌پردازد. راجع به دبیرستان متوسطه دخترانه که استدعا شده بود از طرف دولت علیه بذل مساعدت در اراضی آن بشود، موضوع از این قرار است: با درخواست‌های مکرره چندین ساله بالاخره یکی از خواتین پارسی مقیم نوساری هندوستان مسماه به خانم راتن‌بایی از خانواده تاتا دختر انوشیروان‌جی، حاضر شد مبلغ یک صد هزار روپیه برای ساختمان آن بدهد مشروط به آن که زمین آن مدرسه از طرف دولت علیه مرحمت شود. نقشه عمارت آن مدرسه توسط موسیو مارکف ترسیم و نزد خانم معزی‌الیها فرستاده و پسند شده است. خانم مزبوره یک صد هزار روپیه را از جزء مال خود خارج کرده و به دست انجمن خیریه عمومی پارسیان هندوستان سپرده با شرط این که اگر تا مدت دو سال ترتیب ساختمان مدرسه مزبوره در تهران داده نشود آن انجمن مختار است که از ساختمان مدرسه در تهران صرف نظر کرده به هر مصرف خیر دیگر که در هندوستان صلاح داند برساند.

تقاضای خانم مزبوره این بوده است که مدرسه مزبوره به نام (دبیرستان نوشیروان دادگر) نامیده شود. خود خانم معزی‌الیه‌ها بعد از اهدای این وجه قریب یازده ماه است از جهان درگذشته و از تاریخی که قرار مدت دو سال را داده است چهار ماه ونیم دیگر بیش باقی نیست. در بمبئی عمل وجه به انجمن خیریه پارسیان سپرده و در آن جا کمیته مخصوصی برای اجرای این عمل معین کرده‌اند و بر طبق تقاضای آن کمیته نیز در تهران مرکب از حضرت آقای تقی‌زاده وزیر مالیه - جناب آقای نیرالملک رئیس دیوان عالی تمیز - مستوره خانم افشار - منیژه خانم شاهرخ - شیرین خانم ایدلجی - آقای اردشیرجی و بنده تشکیل یافته تا به همدستی انجمن زرتشتیان تهران این کار را در تهران انجام دهند. چون با مساعی و زحمات کلی مستدرجاً به کمک مشترک پارسیان و ایرانیان تاکنون چندین مدارس ابتدایی و متوسطه در تهران و یزد و کرمان تأسیس و اخیراً به این قسمت موفقیت حاصل گردیده و در نظر است بعد از ساختمان این مدرسه اهتمام در عالی شدن آن مدرسه شود تا به تأییدات الهی و مساعدت دولت در عصر ترقی شاهنشاهی پهلوی به درجات عالی تر هم برسد از این جهت باید حتی‌الامکان زمین آن دارای وسعتی باشد به حدود پنج الی شش هزار ذرع مضروب که در حد اقل کمتر از یک صد و پنجاه هزار ریال برای همچو زمین متناسبی نمی‌توان در نظر گرفت و امیدواری است در پی جلب این وجه و انجام ساختمان وجوه کلی دیگر به مملکت آید و اگر بیش از این تأخیر شود به کلی موضوع منتفی خواهد بود استدعا است با آن نیات مقدس بذل توجه فرمایید هر چه زودتر این مساعدت دولت انجام و منظور استقبال شده به خیر خاتمه یابد. با تقدیم تشکرات امیدبخش و استدعای تعیین تکلیف سریع ایام شوکت مستدام باد.

از طرف انجمن زرتشتیان و شعبه مخصوص مدرسه متوسطه دخترانه

[امضا: کیخسرو شاهرخ]^(۱)

۱ - ارباب کیخسرو شاهرخ در خاطرات خود نگاشته: «همین که دبیرستان فیروز بهرام [سند شماره ۱۵۴] به»

[حاشیه ۱]: - کابینه محترم ریاست وزرا، در جلسه ۲۲ مرداد ماه مذاکره و مقرر شد به وزارت معارف اجازه داده شود در بودجه سال آینده خود مبلغ پنجاه هزار ریال برای خریداری زمین این مدرسه منظور دارند. همین طور ابلاغ صادر شود. علی منصور

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، تاریخ ۱۱/۵/۲۳، نمره ۳۳۰۴]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۲}$]

پایان رسید، ضرورت ایجاد کرد که دبیرستانی مخصوص برای دختران ساخته شود لذا با مرحوم اردشیرجی سخن به میان آمد که باید در این باب اقدامی کرد. به آقایان دینشاه ایرانی و کلنل مهربان ایرانی نوشته شد. آنها و عده‌ای دیگر با مرحومه خانم راتن‌بایی با مجی (تاتا) از سلسله موبدان و ساکن نوساری هندوستان ملاقات و اقدام کردند و مشارالیه‌ها قبول نمود [.... کمیته] در تحت ریاست من تشکیل و منعقد گردید و بعداً که آقای تقی‌زاده نتوانستند حاضر شوند و آقای اردشیرجی مرحوم شد، عده به ۱۲ نفر بالغ شد که فقط جهانگیر بادنی از خارج و بقیه از اعضای انجمن زرتشتیان تهران بودند. این کمیته بایستی به معیت انجمن مزبور عمل را اجرا کند. در بدایت امر آقای تیمور تاش وزیر دربار وعده دادند که بلدیه زمین آن را خواهد داد ولی قریب یک سال به طول انجامید و اثری نشد و بعد از اقدامات زیاد بالاخره دولت قبول کرد که بعد از یک سال دیگر پنج هزار تومان از آن بابت کمک کند و کرد. لذا انجمن زرتشتیان در صدد تهیه زمین برآمده و دوهزار متر زمین به بیست هزار تومان در خیابان شاهرضا [انقلاب کنونی] خریداری کرد و بیست هزار تومان وجه آن از بانک ملی قرض شد که ۵ هزار تومان را دولت داد و ۱۵ هزار تومان قرض باقی ماند و لهذا در تاریخ ۱۳۱۳ ش. بر روی زمین مزبور و از روی نقشه‌ای که موسیو مارکف تهیه نموده بود، سنگ بنای آن به دست جناب آقای محمدعلی خان فروغی رئیس‌الوزرا گذارده شد و ساختمان شروع گردید. در حین ساختمان محذورات و مشکلات زیاد پیش آمد. پول را دیر و به اشکال می‌رسانیدند که قریب هزار تومان تسعیر شد. تمام زحمات از هر حیث به دوش من بود که راحتی نداشتم تا بالاخره به خوبی به پایان رسید و در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۱۵ [....] افتتاح نمودند. (الف) نام این دبیرستان پس از انقلاب اسلامی تغییر یافت و اخیراً به نام پندارنیک نامیده می‌شد که با تلاش انجمن زرتشتیان تهران در سال ۱۳۷۸ ش به نام واقف اصلی «انوشیروان جی تاتا» تغییر نام داد. (ب)

(الف) اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو، ص ۹۴ - ۹۸

(ب) فروهر، س ۳۴، ش ۹ و ۱۰، ص ۴۳

۱۵۳

وزارت امور خارجه، اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه، نمره ۲۹۶۸۴

مورخه ۱۳۱۵/۷/۴، [بخشی از گزارش که مربوط به دبیرستان انوشیروان دادگر است]

[.....]

۴ - هفته گذشته به مناسبت خاتمه ساختمان مدرسه زرتشتیان، مراسم افتتاح آن به عمل آمد. از طرف انجمن زرتشتیان دعوتی از وجوه رجال پایتخت شده و در بنای جدید با شکوه مدرسه که (دبیرستان نوشیروان دادگر) نامیده شده مراسم پذیرایی به عمل آمد، آقایان رئیس الوزرا، رئیس مجلس شورای ملی، رئیس دربار سلطنتی، وزیر معارف و جمعی از فضلا و دانشمندان و محترمین با خانم هایشان در دبیرستان مزبور که در خارج شهر جنب دانشکده البرز ساخته شده حضور به هم رسانیدند. ساختمان مدرسه فوق الذکر از محل یک صدهزار روپیه پیش کشی خانم را تن بایی از پارسیان هندوستان تحت نظارت انجمن خیریه زرتشتیان بنا گردیده است.

[.....]

[۲۹۰۰۵۰۱۲]

* * *

۱۵۴

۱۳۱۵ بان ۳۰

هو، ریاست وزرای عظام

با بذل توجهات ذات همایون شاهنشاهی و دولت معظم خصوصاً به معارف کشور، متأسفانه در برخی قسمت ها چنان که باید و شاید مسئولین امر فرصت انجام نمی نمایند. زرتشتیان که در قسمت خود می کوشند به قدر خود اطاعت امر نموده و لااقل در قسمت معارفی انجام وظیفه و خدمتی نموده باشند، در ضمن دچار معذوراتی می شوند که از

روی ناچاری محترماً تصدیع خاطر مبارک فراهم می‌گردد.

۱ - دبیرستان انوشیروان دادگر که چندی قبل به اجازه مبارک گشایش یافت و مخصوص دخترانه است به قرار اطلاعات، یک عده اراذل خارجی و یک عده از محصلین کالج البرز (امریکایی) غالباً در آن حوالی به کمین بوده در مواقع آمد و شد دختران از ابراز رذالت و حتی تعقیب دختران با دوچرخه خودداری ندارند و متأسفانه هیچ پاسبانی هم در آن حوالی نیست که از این حیث امنیت خاطر فراهم باشد و این وضعیت فزون ریب و نگرانی نموده در این باب استدعای بذل توجه مخصوص است امر و مقرر شود برای آن محل پاسبانی مرتب برقرار نمایند که کاملاً مراقبت و از هر گونه پیش‌آمدی جلوگیری شود.

۲ - در خیابان نوبهار که دبیرستان فیروز بهرام^(۱) برای پسران و دبستان ایرج^(۲) به

۱ - بر سنگ مرمری که برای یادبود این دبیرستان ساخته شده چنین آمده: «این دبیرستان که از دهش رادمنش بهرامجی بیکاجی به یادگار فرزند روان‌شادش «فیروز» [...] به نام دبیرستان فیروز بهرام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۱ خورشیدی بر روی زمین انجمن زرتشتیان پایه گذارده شده و به سرپرستی نیک‌اندیش اردشیرکیامنش ساخته و به رهنمونی و دستکاری این بنده آغاز و انجام و در دوم دی ماه ۱۳۱۱ خورشیدی گشایش یافته برای برخورداری نونهالان و پاس و پابندگی جاویدانی به انجمن زرتشتیان تهران واگذار شد. کیخسرو شاهرخ» (سال‌نامه دبیرستان فیروز بهرام، سال ۴۵ - ۱۳۴۴، اردیبهشت ۱۳۴۵، ص ۲).

۲ - «دو خواهر بلندهمت پارسى هندوستانی «سونابایی» و «زربایی دوباش» به نام برادر جوان ناکامشان «ایرج» هزینه ساختمان دبستان ایرج را در زمینی که از وجوه خیریه عمومی زرتشتیان تهران خریده شده بود پرداختند و در سال ۱۲۹۲ خورشیدی دبستان ایرج افتتاح و مدرسه دخترانه به آن مکان انتقال یافت. نظر به این که دبستان ایرج به واسطه طول مدت (۵۰ سال) رو به خرابی بود از این رو با موافقت بانو سونابایی و زربایی، وراث و بانیان در محل دبستان ایرج ساختمان دیگری در زمین انجمن زرتشتیان به نام «تالار ایرج» بنا کردند» (سفرنگ، سهراب؛ «بازدیدهایی از زمان ریاست روان‌شاد ارباب کیخسرو شاهرخ در انجمن زرتشتیان»، هوخ، س ۲۳، ش ۴، ۴۹ - ۴۶).

جهت شش کلاسه دختران دایر است وصل به دبستان ایرج کوچه‌ای است موسوم به کوچه آدریان که درست در مقابل پنجره‌های اطاق‌های این مدرسه زباله‌دانی آن محل را قرار داده آنچه بوی گند و کثافت است چهارصد پانصد نفر دختر و معلمات باید یومیه استنشاق نمایند که کاملاً منافی حفظ‌الصحه خصوصاً برای محصلات می‌باشد. تاکنون دو مرتبه به شهرداری ناحیه ۳ نوشته‌ام، یک بار حضوراً با آقای کفیل شهرداری مذاکره کرده‌ام و وعده دادند و یادداشت کردند، یک بار به وزارت معارف عرض کرده‌ام به کلی ترتیب اثر داده نشده و اینک به عرض آن مقام متنع می‌رسد. مستدعی است با یک بذل توجه و امر سریع از این حیث نیز رفع نگرانی فرمایند موجب نهایت تشکر است.

با تقدیم احترامات کامله. کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]:

۱- به شهربانی نوشته شود پست پاسبانی در مقابل دبیرستان انوشیروان دادگر برقرار نمایند و از هرزگی شاگردان کالج امریکایی که دختران را تعقیب دارند جلوگیری نمایند.

۲- به وزارت معارف نوشته شود به اولیای کالج امریکایی تذکر داده شود از سوء اخلاق شاگردان که دختران دبیرستان انوشیروان را تعقیب می‌نمایند جلوگیری نمایند.

۳- به شهرداری نوشته شود زباله‌دان کوچه آدریان را که در مقابل مدرسه دخترانه ایرج است امر دهند پاک شود و کسانی که آنجا زباله می‌ریزند تعقیب نمایند. به آقای ارباب هم جواب داده شود دستور لازم به شهربانی و شهرداری داده شد.

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۱۵/۹/۲، نمره ۱۰۸۷۲]

۱۵۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره تفتیش، نمره ۵۰۴۷۱/۹۹۴۶

به تاریخ ۱۳۱۵/۹/۹

مقام منیع ریاست وزرا

در پاسخ نامه شماره ۱۰۸۷۱ مورخ ۱۵/۹/۲ که در موضوع محصلین دبیرستان البرز مرقوم فرموده بودند، شرح لازم و مؤکدی به اداره کل شهربانی و دبیرستان مزبور نوشته شد که از حرکات خلاف ترتیب محصلین فوراً جلوگیری نمایند. البته پس از اخذ نتیجه مجدداً مراتب را به استحضار خاطر مبارک خواهد رسانید.

وزیر معارف و اوقاف [امضا: علی اصغر حکمت]

[مهر: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه]

[حاشیه ۱]: - سابقه ۱۵/۹/۱۱

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۱۵/۹/۱۲، نمره: ۱۱۲۶۸]

[۱۱۶۰۰۳-۱۸
۷۹۴-۱۷]

۱۵۶

وزارت داخله، اداره کل شهربانی، شماره ۵۹۵۳۶، به تاریخ ۱۳۱۵/۹/۲۴

پیوست ۲۴۴۵۶

ریاست وزرا

عطف به نامه شماره ۱۰۸۷۱، معروض می‌دارد به کلاتری مربوطه دستور داده شد مخصوصاً وضعیت اطراف دبیرستان انوشیروان دادگر را تحت مراقبت قرار داده از

توقف عابرین و شاگردان کالج البرز امریکایی جلوگیری و متخلفین را در حدود مقررات تعقیب نمایند.

رئیس اداره کل شهربانی - سرپاس مختار

[امضا]

[حاشیه]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۱۵/۹/۲۹، نمره: ۱۱۸۱۵]

[۱۸-۱۱۶۰۳-۱۷
۷۹۴-۱۷]

* * *

۱۵۷

۱۹ مرداد ۱۳۱۵

ریاست اداره تعلیمات مرکز و امتحانات

در تعقیب اخطار مورخه ۱۵/۵/۸ راجع به تدریس در مدارس ملی، خاطر عالی را مستحضر می‌دارد این جانب فقط در کلاس دوازدهم دبیرستان زرتشتیان زبان انگلیسی را تدریس می‌نمایم و به هیچ وجه تصادفی با ساعات دروس این جانب در مدارس دولتی ندارد و در صورتی که موافقت نفرماید از تدریس در دبیرستان مذکور خودداری خواهم نمود. ضمناً خاطر عالی را متذکر می‌شود که هفت سال متوالی است در دبیرستان زرتشتیان مشغول تدریس می‌باشم به هر حال مطیع دستور و اوامر اداره متبوع خود می‌باشم.

[امضا: عبدالله خلعت‌بری]

خیابان دوشان تپه - کوچه فخرآباد

[حاشیه]: [مهر: ورود به دفتر اداره تعلیمات و امتحانات، نمره ۵۰۵۲، تاریخ ۱۵/۵/۲۱]

[۲۹۷۰۰۲۶۳۵]

۱۵۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره — تاریخ ۱۳/۵/۲۲ [۱۳]

اداره استخدام

جواب آقای عبدالله خلعت‌بری، دبیر زبان انگلیسی راجع به متحدالمال نمره $\frac{۴۶۳۳}{۲۶۳۶}$ مشعر است بر این که در سال تحصیلی آینده، از تدریس در دبیرستانهای ملی خودداری خواهد نمود.

[امضا]

[۲۹۷۰۰۲۶۳۵]

* * *

۱۵۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۵۱۷۵۲، تاریخ ۱۳/۸/۲۰ [۱۳]

اداره معارف و اوقاف یزد

عین مشروحه مورخ ۱۵/۷/۲۱ جلسه دانش‌پژوه بانوان زرتشتی یزد که راجع به تدریس کتاب مذهبی خود به وزارت معارف نگاشته‌اند لفاً فرستاده می‌شود تا به مطالب مشروحه مزبور رسیدگی نموده نتیجه را ضمن توضیح وضعیت جلسه مزبور و معرفی کامل آنان با اعاده عین مشروحه ارسالی هر چه زودتر به مرکز گزارش دهید تا دستور مقتضی داده شود.

[امضا]

رونویسی شرح فوق برای اطلاع از اقدامی که در تعقیب نامه شماره ۹۰۹۲ شده به اداره تعلیمات مرکز و امتحانات ارسال می‌شود.

[امضا]

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۱}$]

۱۶۰

یزد، جلسه دانش پژوه بانوان زرتشتی، نمره ۹/۸، تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۱۵

حضرت اشرف آقای علی اصغر حکمت وزیر محبوب معارف و اوقاف

احتراماً به عرض عالی می‌رسانیم، در امتحانات نهایی دوره ابتدایی ذکور و اناث شرعیات زرتشتیان به کلی فراموش شده است. یعنی محصلین و محصلات زرتشتی چون برای امتحانات نهایی مجبور نیستند خود را در شرعیات و اوستا و آیین مازدیسنی حاضر نمایند، باک می‌رود که کم‌کم نسبت به دروس مذهبی و اطلاعات آیینی بی‌اعتبار و بی‌علاقه شوند و بالتیجه نسبت به تعلیمات و فلسفه و حکمت این کیش باستانی بی‌اطلاع بمانند. اینک با اطمینان و اعتمادی که به توجهات و اقدامات مجدانه حضرت اشرف داریم عاجزانه تقاضا داریم، برای این که اولیای امور و محصلین مدارس زرتشتیان به تعلیمات مذهبی خود علاقه داشته باشند امر و مقرر فرمایند دروس مذهبی زرتشتیان را هم جزء مواد رسمی امتحانات نهایی قرار دهند.

در خاتمه دوام ذات مبارک آن وزیر محبوب را در سایه بلندپایه شاهنشاه پهلوی خواهانست.

از طرف جلسه بانوان آذر میدخت کی‌نژاد^(۱)

۱ - مشارالیه از زنانی است که در راه بسط معارف در میان بانوان زرتشتی خدمات بسیار زیادی انجام داد. تشکیل «جلسه بانوان زرتشتی»، «کلاس اوستا»، «خیاط خانه زرتشتیان»، «سازمان بانوان زرتشتی» به همت او صورت گرفت و در تأسیس و اداره دبستان‌های دخترانه قاسم‌آباد، نرسی‌آباد و رستمی اهرستان نقش داشت. تا پایان عمر عضو هیأت نظارت دبستان و دبیرستان دوشیزگان مارکار بود و قسمتی از ساختمان دو مدرسه مذکور را به اتفاق خواهرش - بانو دولت کی‌نژاد - به رایگان به «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» واگذار کرد. وی پس از یک عمر خدمات فرهنگی بالاخره در ۸ آذر ۱۳۳۶ بر اثر جراحی مغز در آلمان درگذشت («مجلس یادبود آذر میدخت کی‌نژاد»، هروخت، سال ۹، ش ۱۰، ص ۲۰).

[مهر: جلسه دانش پژوه زنان زرتشتی یزد]^(۱)

[حاشیه ۱: - تعلیمات ولایات ۱۵/۸/۶]

[حاشیه ۲:] مهر: ورود به دفتر تعلیمات مرکز و امتحانات $\frac{۸۸۱۳}{۱۵/۸/۹}$ [

[حاشیه ۳:] - عیناً برای صدور جواب مقتضی به اداره تعلیمات مرکز و امتحانات ارسال می‌گردد [امضا] ۱۵/۸/۹

[حاشیه ۴:] - آقای شیمی از مقام وزارت کسب تکلیف شود. ۱۵/۸/۱۱

[حاشیه ۵:] با آقای بهمنیار است. ۱۵/۸/۱۳ $\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۱}$

۱۶۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف یزد، نمره ۱۱۸۰۰

به تاریخ ۱۳۱۵/۱۱/۲۵، پیوست ۱ ورقه و ۳ جزوه

اداره تعلیمات - وزارت معارف

عطف به نامه شماره $\frac{۱۶۴۵۹}{۱۵/۸/۲۳}$ صادره تعلیمات ولایات با اعاده عین مشروح مورخ

۱۵/۷/۲۱ جلسه دانش پژوه بانوان زرتشتی یزد به عرض می‌رساند:

اولاً تأخیر در عرض گزارش به واسطه مریض بودن رئیس کانون بود که این اداره

۱ - «جلسه دانش پژوه زنان زرتشتی» یا «جلسه بانوان زرتشتی» در تاریخ نوروز ۱۳۰۴ ش به کوشش «منوچهر کنتراکتور» که از بمبئی برای تأسیس دارالصنایع به یزد آمده بود، تشکیل گردید و اهداف آن ایجاد وسایل اتحاد در بین زنان، کوشش در پیشرفت و تسهیل وسایل تحصیلات دوشیزگان، برانداختن رسوم غلط، کمک به فقرا و... بود. (الف) این جلسه با فوت آذرمیدخت کی‌نژاد نیز تعطیل شد. (ب)

(الف) آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شماره $\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۱}$

(ب) از گفته‌های دوست بزرگوارم جناب آقای سهراب یزدانی

موفق نشد توضیحات لازمه را از مشارالیه‌ها خواستار گردد و اکنون که بهبودی یافته شد، تحقیقات لازمه به عمل آمده و مراتب را گزارش می‌دهد که انجمن مذکور انجمنی است که در تربیت نسوان و امور عام‌المنفعه بانوان زرتشتی اقدام می‌نماید و به اضافه کلاس درس مذهبی نیز در جلسه خود تشکیل داده‌اند و تقاضای جلسه اینست که اجازه داده شود در مدرسی که تحت سرپرستی زرتشتیان دایر است در آخر سال برای درس مذهبی کتاب اوستا و زند از ایشان سؤال شود تا دانش آموزان مجبوراً به اخذ تعلیمات مذهبی پردازند و برای مزید استحضار خاطر مبارک به عملیات جلسه مذکوره، جزوه راپورت سه ساله جلسه مذکور را به ضمیمه تقدیم می‌دارد.

[امضا]، [مهر : اداره معارف و اوقاف یزد]

[حاشیه ۱]: [مهر: ورود به دفتر اداره تعلیمات ولایات $\frac{۲۵۷۵۳}{۱۵/۱۲/۱}$]

[حاشیه ۲]: [دفتر، سابقه، ۱۲/۱]

[حاشیه ۳]: [سابقه ضمیمه است. ۱۵/۱۲/۱]

[حاشیه ۴]: [آقای کسری، مذاکره شود. ۱۲/۱]

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۱}$]

۱۶۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۲۵۷۵۳

تاریخ ۱۳۱۵/۱۲/۲، فوری است

ریاست اداره تعلیمات مرکز

عطف به نامه شماره ۱۵/۸/۱۸/۹۰۹۲ دایر به تدریس و امتحان شرعیات

دانش آموزان زرتشتی یزد متمنی است معین فرمایید که در دبستانهای زرتشتی تهران در

موقع امتحانات از لحاظ شرعیات اصول مذهبی اسلامی امتحان می‌شود یا کتاب اوستا و زند.

[امضا]، ۱۳۱۵/۱۲/۲

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۱}$]

۱۶۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره تعلیمات مرکز و امتحانات

دایرة تعلیمات، نمره ۱۲۴۴۶، تاریخ ۱۳۱۵/۱۲/۸

اداره تعلیمات ولایات

در پاسخ نامه ۲۵۷۵۳ - ۱۵/۱۲/۳ راجع به امتحان نهایی دروس مذهبی شاگردان زرتشتی یزد خواهشمند است مقرر فرمایند عین شرحی که از طرف اعضای جلسه دانش پژوه بانوان زرتشتی یزد نوشته شده و ضمیمه نامه نمره ۹۰۹۲ - ۱۵/۸/۱۸ به آن اداره ارسال شده است عودت دهند و ضمناً وضعیت اعضای جلسه مزبور را به این اداره اطلاع دهند که چنین جلسه‌ای در آن جا رسمیت دارد یا خیر تا نسبت به تقاضای آنها اقدام گردد. ختاماً اطلاع می‌دهد که دانش آموزان اطفال زرتشتی در مرکز برطبق ماده هفتم قانون اساسی معارف از امتحان قرآن و شرعیات معاف می‌باشند و از آنان از کتاب اوستا نیز امتحان به عمل نمی‌آید.

رئیس اداره تعلیمات مرکز و امتحانات

[امضا]

[حاشیه ۱]: [مهر: ورود به دفتر اداره تعلیمات ولایات، ۲۶۲۸۳، تاریخ ۱۵/۱۲/۸]

[حاشیه ۲]: - دفتر - سابقه ۱۲/۸

[حاشیه ۳]: - سابقه ضمیمه است ۱۵/۱۲/۸

[حاشیه ۴]: - آقای [ناخوانا] مذاکره نماید. ۱۲/۸

[حاشیه ۵]: - جواب به اعضای جلسه [بدهید] که برنامه تغییرپذیر نیست.

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۱}$]

۱۶۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۷۰۴۴۳، تاریخ ۱۵/۱۲/۸ [۱۳]

خانم آذر میدخت کی نژاد

در پاسخ نامه مورخه ۱۵/۷/۲۱ که از طرف جلسه بانوان دایر به تقاضای امتحان شرعیات زرتشتیان در دوره ابتدایی دبستانهای ذکور و اناث نگاشته‌اند اشعار می‌دارد نظر به این که مقرراتی که برای کلیه دبستانهای ابتدایی کشور تهیه و تدوین گشته قابل تغییر نمی‌باشد علی‌هذا انجام درخواستی که نموده‌اید غیر مقدور است.^(۱)

[امضای ۳ نفر]

[حاشیه]: - با موافقت اداره تعلیمات مرکز

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۱}$]

* * *

۱ - امروزه در مدارس زرتشتی علاوه بر تعلیمات دینی اسلامی (بینش اسلامی) در ساعات فوق‌العاده به دانش آموزان زرتشتی تعلیمات مذهبی خودشان را آموزش می‌دهند و امتحان از آن به عمل می‌آورند سپس با نمره بینش دینی معدل گرفته وارد کارنامه دانش آموزان می‌کنند.

۱۶۵

(به سرپرستی انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی)، مؤسسات خیریه پشوتن جی مارکار - (۱) یزد

مورخه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۱۵

با سپاس بی‌پایان برای بار دویم گزارش (۲) مؤسسات معارفی انجمن زرتشتیان ایرانی

۱ - «پشوتن جی دوسابابی مارکار» در نهم نوامبر ۱۸۷۱ م. / ۱۸ آبان ۱۲۵۰ ش در بمبئی متولد شد پس از اتمام تحصیلات به تجارت پرداخت. وی از اعضای برجسته «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» و «انجمن ایران‌لیگ» (الف) و از دهشمندان بزرگ تاریخ معاصر زرتشتیان است. در سال ۱۳۰۱ ش. بر آن شد که پرورشگاهی برای یتیمان یزد تأسیس نماید و پس از اقدامات اولیه که در این راه به عمل آورد در سال ۱۳۰۳ با گروهی از پارسیان برای دیدن ایران و بررسی اوضاع زرتشتیان به این دیار رهسپار شد و پس از بازگشت به هند در شهرهای مختلف هند سخنرانی نمود و توانست مبلغ ۵۰ هزار روپیه برای بهبود وضع آموزش و پرورش کودکان زرتشتی ایران گردآوری کند. مبلغ فوق را به ایران ارسال کرد و در سال ۱۳۱۲ ساختمان عمارت آغاز و در ۱۷ مهر ۱۳۱۲ با حضور خود وی افتتاح گردید. (ب) وی باری دیگر نیز در سال ۱۳۲۸ ش به مناسبت بیست و پنجمین سال خدمت پرورشگاه به ایران آمد. (ج) به تدبیر و مدیریت میرزا سروش لهراسب که نماینده «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» در یزد بود دبستان‌ها و مدارس متوسطه که در این سند ذکرشان آمده است، یکی پس از دیگری از سرمایه پشوتن جی تأسیس و راه‌اندازی شد. مشارالیه سرمایه‌ای برای ساختن «برج ساعت» در یزد نیز اختصاص داد (د) و علاوه بر خدماتی که در ایران ارائه کرد، کارهای خیریه‌ای نیز در هندوستان صورت داد که شرح آن خارج از حوصله این مقال است. برای اطلاع بیشتر از نحوه تأسیس و اداره مؤسسات مارکار می‌توان از این منابع نیز استفاده نمود: - ماهنامه هوخ، س ۱۶، ش ۸ (سخن‌رانی‌هایی که در جلسه یادبودش برگزار شده) - پشوتن دوسابابی مارکار، کمیته آموزشگاه‌ها و پرورشگاه‌های مارکار، تهران، ۱۳۴۵ ش. مشارالیه در ۹۴ سالگی در سال ۱۳۴۴ در بمبئی وفات نمود.

(ب) محبوبی‌اردکانی و دیگران، سال نامه فرهنگ یزد سال ۸ - ۱۳۲۷، اردیبهشت ۱۳۲۸، ص ۴۲

(ج) اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۴۱۴

(د) ر.ک: سند شماره ۱۶۹ تا ۱۷۳

۲ - اصل همه جا: گذارش

- بمبئی را حضور جناب آقای حکمت وزیر دانش پرور معارف آشکار می سازد.
- ۱- پرورشگاه پسرانه پشتون جی مارکار، دارای ۳۹ نفر یتیم و دونفر، شبانه روزی است.
 - ۲- دبیرستان پسرانه مارکار، دارای ۶ کلاس دبستان به شماره ۲۲۸ نفر و سه کلاس دبیرستان به شماره ۵۵ نفر و ۱۰ نفر دبیر و آموزگار می باشد.
 - ۳- دبیرستان دوشیزگان مارکار، دارای ۶ کلاس دبستان به شماره ۱۸۰ نفر و سه کلاس دبیرستان به شماره ۲۴ نفر و ۱۲ نفر دبیر و آموزگار است.
 - ۴- دبستان دوشیزگان خرّمشاه، دارای ۶ کلاس به شماره ۷۹ و ۶ نفر آموزگار می باشد.
 - ۵- دبستان دوشیزگان کوچه بیک، دارای ۵ کلاس به شماره ۵۵ نفر شاگرد است.
 - ۶- دبستان دوشیزگان قاسم آباد، دارای ۴ کلاس به شماره ۲۶ نفر شاگرد است.
 - ۷- دبستان پسرانه نصرت آباد، دارای ۶ کلاس به شماره ۳۷ نفر شاگرد است.
 - ۸- دبستان پسرانه علی آباد، دارای ۶ کلاس به شماره ۳۵ نفر شاگرد است.
 - ۹- دبستان پسرانه ذین آباد، دارای ۶ کلاس به شماره ۱۹ نفر شاگرد است.
 - ۱۰- دبستان پسرانه چم، دارای ۵ کلاس به شماره ۲۰ نفر شاگرد است.
 - ۱۱- دبستان پسرانه شیرین بابا خندان تفت، دارای ۶ کلاس به شماره ۳۲ نفر شاگرد است.
 - ۱۲- دبستان دوشیزگان مرواریدی باباخندان تفت، دارای ۵ کلاس به شماره ۳۱ نفر شاگرد است.
 - ۱۳- دبستان دوشیزگان خیرآباد، دارای ۵ کلاس به شماره ۲۱ نفر شاگرد می باشد.

۱۶۶

(به سرپرستی انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی)، مؤسسات خیریه پشوتن جی مارکار - یزد

مورخه ۱۲ فروردین ۱۳۱۵

گزارش پیشرفت یک ساله مؤسسات مارکار

- ۱- کلاس سوم دبیرستان پسرانه مارکار و دبیرستان دوشیزگان مارکار گشایش یافت.
- ۲- انجمن ادبی مارکار هر هفته روز یکشنبه جلسه خود را برقرار داشته و به راهنمایی آقای کیوان فرناظم دبیرستان پیشرفت حاصل نموده است. برای آتیه جلسه ادبی هر دو دبیرستان پسرانه و دخترانه، با هم در سالون دبیرستان پسرانه که گنجایش و تناسب رسا دارد برقرار خواهد شد.
- ۳- ورزش دبیرستان و دبستان پسرانه مارکار به فرماندهی آقای مهربان گشتاسب‌پور و معاونت آقایان مهربان گیل و مهربان بیوکی در ۳ رسد^(۱) ۴۸ نفری هر روز یک ساعت کار نموده‌اند و بازیهای فوتبال، هاکی، والیبال و اقسام جست و طناب بازی مرتب جریان داشته است. از بخشش آقای بهمرد یزدانی یک نفر از اعضای انجمن بمبئی یک صد و پنجاه روپیه برای انعقاد یک دوره مسابقه بین تمام مدارس یزد تخصیص داده شده است. این مؤسسه توسط اداره معارف از تمام دبیرستان‌ها و دبستان‌ها دعوت به عمل و متجاوز از ۲۰۰ نفر اسم‌نویسی کرده‌اند. آرزومند بود که مسابقه‌ها [با] حضور جناب آقای وزیر برقرار و جوایز به دست مبارکشان اعطا شود.
- ۴- ورزش دبیرستان دوشیزگان مارکار از ۱۸ اسفند گذشته شروع و یک رسد از برای شرکت در دفیله^(۲) حاضر شده‌اند.

۱ - رسد = دسته.

۲ - دفیله = رژه.

۵- پیش‌آهنگی پرورشگاه و دبیرستان پسرانه مارکار در آذر ۱۳۱۴ از دو رسد ۱۶ نفری آغاز و آقای مهربان گبل ریاست رسد دبیرستان و آقای مهربان بیوکی ریاست رسد پرورشگاه را داشته‌اند.

۶- در نهضت بانوان یزد، دبیرستان دوشیزگان و دبستان‌های دهات مقدم شده به زودی ملبّس به لباس تمدن گردیدند. مؤسسه کوشش خود را به جا آورده است و چهار مجلس جشن یکی در ۶ بهمن در دبیرستان پسرانه مارکار و دیگری در ۱۵ بهمن در دبیرستان دوشیزگان مارکار، سومی در ۱۸ اسفند در دبستان دوشیزگان قاسم‌آباد و چهارمی در تفت برقرار داشته است.

[$\frac{۵۶۰۰۴}{۲۲۲۰}$]

۱۶۷

(به سرپرستی انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی)، مؤسسات خیریه پشتون جی مارکار - یزد

مورخه ۱۲ فروردین ۱۳۱۵

گزارش ساختمان دبستان و دبیرستان‌ها

۱- ساختمان پرورشگاه و دبیرستان پسرانه مارکار و دبستان دوشیزگان خرمشاه و دبستان دوشیزگان خیرآباد و دبستان دوشیزگان قاسم‌آباد و دبستان پسرانه علی‌آباد مطابق اصول صحی در سنوات اخیر به عمل آمده است.

۲- برای ساختمان و تأسیس یک باب دبستان دوشیزگان الله‌آباد^(۱) و ساختمان عمارت صحیح برای دبستان پسرانه نصرت‌آباد در طی سال گذشته اقدامات به عمل [آمد] و به تشویق انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی صاحب خیران کمک نموده‌اند.

۳- برای ساختمان عمارت هنرستان جهانگیری به نام مرحوم «پشوتن جی خورشیدجی ایرانی» انجمن در صدد تهیه است، ولیک برای نقشه و مدارج تحصیلی آن که در آتیه با مقتضیات دستور وزارت جلیله مطابقت داشته باشد از وزیر معظم خواهان راهنمایی است زیرا فعلاً کارگرخانه جهانگیری دارای شعبات جوراب بافی و قالی بافی و ترمه بافی و نجاری و خیاطی و پارچه بافیست که اطفال پرورشگاه موقع فراغت، روزی ۲ ساعت در آن کار می نمایند. چون کارگر خانه فعلی در آتیه باید مبدل به هنرستان صحیح گردد در ساختمان تأخیر به عمل آمد تا از وزارت جلیله کسب دستور نمایند. هرگاه می دانست که وزیر دانش دوست امسال تشریف فرمای یزد می شوند کوشش فوری به جا آورده و انجمن ایرانی بمبئی بسی سرافراز و سربلند می شد که سنگ بنای آن به دست جناب آقای وزیر معظم مستقر گردد. امیدوار است برای تشریف فرمایی آتیه این آرزو برآورده شود. در پایان امید از درگاه باری تعالی آن که در این دوره سلطنت معدلت پناه پدر تاجدار شاهنشاه پهلوی انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی بتواند مؤسسات خود را روز به روز بسط و پیشرفت دهد.

کمترین، سروش لهراسب مدیر مؤسسات مارکار

[$\frac{56004}{2220}$]

۱۶۸

اداره کل تجارت، اداره انحصار تجارت خارجی، نبره ۵۲۶۷/۵۸۲۰

به تاریخ ۱۳۱۵/۲/۲

هیأت وزرا

آقای ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده مجلس شورای ملی شرحی به این اداره ارسال و اشعار داشته که آقای پشوتن مارکار که یکی از زرتشتیان مقیم بمبئی و تاکنون مبالغ

زیادی در یزد به مصرف مدارس و امور خیریه عمومی رسانیده برای استفاده عمومی
 برجی در یزد به نام فردوسی برپا کرده که ساعت بزرگی بر بالای آن نصب شود و ساعت
 مزبور را از انگلستان حمل به بندرعباس نموده و قیمت ساعت مزبور دویست (۲۰۰)
 لیره انگلیسی معادل شانزده هزار و یک صد (۱۶۱۰۰) ریال می باشد و تقاضای جواز
 ورود آن را با معافیت از صدور نموده است. مراتب به عرض آن هیأت می رسد تا هر طور
 مقرر فرمایند بدان ترتیب رفتار شود.

از طرف رئیس کل تجارت

[امضا]

[حاشیه ۱]: - تصویب شد ۱۵/۲/۳

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۱۵/۲/۵، نمره: ۱۳۷۲]

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۹۴-۱۶}$]

۱۶۹

ریاست وزرا، نمره ۱۳۷۲، تاریخ ۱۳۱۵/۲/۵

اداره کل تجارت

هیأت وزرا در جلسه ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ بنابر پیشنهاد شماره ۵۸۲۰/۵۲۶۷ اداره
 کل تجارت و بر طبق تقاضای آقای ارباب کیخسرو شاهرخ تصویب نمودند که جواز
 ورود یک ساعت بزرگ برای نصب در برجی که جهت استفاده عمومی در یزد به نام
 فردوسی ساخته شده ارسالی آقای پشتون مارکار از بمبئی به مبلغ دویست لیره انگلیسی
 معادل شانزده هزار و یک صد ریال با معافیت از صدور داده شود. تصویب نامه در کابینه

ریاست وزرا ضبط است.^(۱)

رئیس‌الوزرا

[۱۸-۱۱۶۰۳ / ۱۶-۷۹۴]

۱۷۰

انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی، [تاریخ] اول خرداد ۱۳۱۸، دادخواهی

حضرت اشرف نخست وزیر

به شرف عرض عالی می‌رساند: پنج سال پیش در سپتامبر ۱۹۳۴ هنگامی که آقای مارکار بار دوم، از برای زیارت زایشگاه محبوب خود و گشایش پرورشگاه و دبیرستان از بناهای خود مشارالیه، به ایران مسافرت نمود و در همان حال مورد عنایت و رحمت آن شاهنشاه جم‌جاه واقع شده و به نشان علمی مفتخر شد، مقارن بود با جشن هزار ساله فردوسی که نه تنها ایرانی‌ها بلکه تمام عالم در آن شرکت داشته و از پرتو اعلی حضرت همایونی ایرانی‌ها هر یک سرافتخار به آسمان می‌مالیدند. آقای مارکار پس از رسیدن به ایران چون خود را در چنین جشن باشکوهی دید به خیال افتاد که نقشه [ای] که از برای آبادی شهر یزد از زمان پیش تهیه نموده و منتظر فرصت می‌بود در چنین گاه خجسته و هنگامی نیکو، موقع را غنیمت شمرده و از برای اجرای خیال خود با فرماندار یزد در آن زمان از برای بنای گاه‌نمای برجی که هم زینت و زیوری برای شهری چون یزد و هم یادگاری به اسم شاعر معروف ایران است داخل مذاکره شد. سپس از برای آغاز کار ساختمان برج‌گاه‌نما و تعیین محلی برای آن با آقای نوری فرماندار وقت و شهردار یزد که

۱ - «این ساعت بالاخره در آبان ماه ۱۳۲۱ پس از ۸ سال مکاتبات و مراجعات بالاخره افتتاح گردید» (مصاحبه

با آقای سروش لهراسب، هوخ، س ۲۰، ش ۵، ص ۱۱).

خیلی از این پیشنهاد و قصد مسرور و خشنود بود بعد از مذاکرات لازمه به موجب نامه جداگانه مراتب ذیل پیشنهاد شد:

- ۱- آقای مارکار برج‌گاه نما را ساخته و به اداره شهرداری پیشکش نماید.
 - ۲- بعد از ساختن و سپردن گاه‌نما به اداره شهرداری، محافظت، پرستاری و تعمیرات لازمه هر وقت که لازم باشد به عهده شهرداری خواهد بود.
 - ۳- جای آن در کنار فلکه پهلوی به طوری که روی گاه‌نما روبروی آموزشگاه‌های مارکار آباد باشد معین شد.
 - ۴- نگاه‌داری و صفا و تازگی و آبیاری باغچه اطراف برج به عهده شهرداری باشد و به جز این مراتب دیگر هم از قبیل سنگ مرمر برای ساختمان و آب و غیره و غیره را اداره شهرداری به عهده گرفت.
- راجع به جای گاه‌نما آقای مارکار پیشنهاد نموده بود که خوب است جای ساعت وسط فلکه پهلوی باشد و با وجود این که بیشتر از اعضای شهرداری هم پذیرفتند^(۱) ولی رأی آقای فرماندار بر آن نبوده و جای دیگر که در کنار فلکه بود برگزیده شده و در ۲۹ اکتبر همان سال در میان شماره، زیادی از آقایان که از برای همان کار حاضر شده بودند، آقای نوری سنگ اول پایه آن را نهاده و تلگرافی در آن خصوص به اعلی حضرت مخابره نمود. پس از بازگشت به بمبئی آقای مارکار با یکی از مهندسين مشهور بمبئی برای ساختن گاه‌نمای برجی مشورت نموده و بعد از تحصیل نقشه و صورت مخارج آن به زودی مبلغ دوازده هزار روپیه به ایران فرستاده و به نماینده این انجمن در یزد حکم و دستور ساختن برج داده شد و در تعقیب آن فوری، دستوری برای خرید گاه‌نمای اعلی و زیبایی با چهار روبره قیمت ۲۰۰ و کمی لیره انگلیسی به لندن فرستاده شد.

مدت درازی از این آمادگی‌ها نگذشته بود که آقای فرماندار از یزد تبدیل شده و با وجود این که نیمه از برج ساخته شده بود فرماندار نو و اداره شهرداری برخلاف فرمان فرماندار پیش ایرادی برای جای برج آورده و گذشته از ممانعت در پیشرفت کار، امر به شکستن و خراب نمودن آن داده و نتیجه به جز تضييع وقت و خسارت و زیان چند هزار روپیه بود که به آقای مارکار و این انجمن وارد شد و با وجود خرابی وقت و چنین زیان هنگفتی، مشارالیه زیر بار تمام آن رفته و حاضر شد که بر حسب دستور دولت شاهنشاهی رفتار نماید و از این رو جای دیگری روبروی مارکارآباد به نیک دید آقای فرماندار نامزد شد.

سپس بار دیگر دستور به نماینده بنگاه‌های این انجمن در یزد داده شد و بار دیگر پایه‌ای به گودی ۳ متر برای ساختمان حفر شد. اکنون از قرار خبری که از طرف نماینده رسیده، آقای فرماندار باز ایرادی ظاهر نموده‌اند که گودی آن باید ۵ متر باشد در صورتی که بنا به مصلحت دید مهندس و فرماندار پیشین ۳ متر کافی است. به علاوه سنگ مرمر که از روز اول عهده‌دار شده بودند اکنون حاشا نموده و در عوض آجر و ساروج پیشنهاد می‌نمایند. از همه سخت‌تر اداره شهرداری با کمال بی‌تفاتی و خون‌سردی آب برای ساختمان نمی‌دهد و روی هم رفته در ساختن چنین بنای لازم و عام‌المنفعت کمک نمی‌نماید، از ساختن دیوارهای اطراف فلکه امتناع می‌ورزد، راه فرعی از برای آمد و شد اتومبیل و مسافری را به عهده این انجمن گذاشته.

چون این خبرها از طرف نماینده به این انجمن رسیده و خاطر آقای مارکار به آن جلب شد مشارالیه با شگفت و نگرانی تمام که هیچ چنین چشم‌داشتی از اوضاع حاضره ایران در تحت سرپرستی آن پدر تاجدار نداشت با دلی تنگ و قلبی شکسته تجدیدی در خیالات خود نموده و محض دادخواهی پیام خود را به حضور مبارک عرضه می‌دارد که به مناسبت احساسات قلبی و عشق سرشتی که در قلوب پارسیان برای آبادی و بهتری

زایشگاه خود ایران در جوش است کمترین هم برای اثبات همان احساسات ایران دوستی دانشگاه‌های گوناگون برای تربیت دوشیزگان و نونهالان ایرانی بدون ملاحظه جنسیت و امتیاز در کیش و آیین به مخارج سیصد هزار روپیه آماده نموده و تنها مرامم از این، تربیت اطفال و فرزندان ایران است و از ساختن گاه‌نما هم اندیشه حقیر فقط یادگاری از شاعر معروف ایران و آبادی شهری چون یزد می‌باشد.

اکنون، پنج سال گذشته و فرمانداران یا شهرداران هر یک به نوبه خود نقشه جدیدی طرح نموده و چون تبدیل می‌شوند فرماندار جانشین وی بدون رعایت احکام اولی یا مراعات زیان و ضرر بانی، فرمانی نو صادر می‌نماید.

باز دو سال پیش لوازم و ضروریات کار آماده شده بود ولی چون جا هنوز معین نبود ابزار و ادوات بی‌مصرف در ریگها و آفتاب یزد بیکار مانده و نتیجه آن خسارت و زیان هنگفتی از فساد و ضایع شدن آن وارد این انجمن شد.

فرماندار حاضر^(۱) آقای مارکار را متهم نموده بود که به ملاحظه این که گاه‌نما هنوز نرسیده مشارالیه مایل به ساختن آن نیست و از این رو تأخیر در کار می‌افتد. پس از برای تقاعد آقای فرماندار، مشارالیه چنین حکم داد که گاه‌نما مستقیماً از انگلستان به ایران فرستاده شود و در هفتم^(۲) ماه اوت سال گذشته که نزدیک یک سال است گاه‌نما وارد ایران شد و اکنون در این مدت مدید ماشین ساعت هم زنگ گرفته و هر روز فاسد و ضایع می‌شود.

در مجالس خصوصی پارسیان بمبئی که دلچسبی و آرزویی در ترقیات ایران دارند بارها پرسش شده است که آیا برج گاه‌نمای فردوسی تمام شده است و اداره شهرداری

۱ - اصل : فرمانده حاضر.

۲ - اصل : هفته.

در اداره نمودن آن چه اقدامی نموده است ولی در جواب همه آن پرسشها آقای مارکار و این انجمن گنگ و لاجواب مانده‌ایم. آقای بزرگوار آیا انصاف است که بعد از این همه عشق و محبت صمیمی که در راه وطن برای انتشار علم و وسعت دانش برای نونهالان ایرانی با مخارج صدها هزار روپیه و آبادی یکی از شهرهای ایران که تا به حال از حیث تمدن و دانش عقب بوده و ساختمان چنین بنای عالی و یادگاری، اولیای امور چنین نامهربانی فرموده و گذشته از کمک نکردن، موانعی که باعث تعویق در کار و دلسردی بانی می‌گردد فراهم نمایند آن هم در چنین موقعی که خود اعلیٰ حضرت همایونی هر دقیقه‌ای در پی آبادی ایرانند و در جشن هزار ساله فردوسی چنین جشن باشکوه عالم‌گیری انعقاد فرموده بودند، چطور است حالا بنایی که به یادگار همان شاعر معروف است کمک و مددی از طرف فرماندار و شهردار نمی‌شود و از این روست که آقای مارکار با کمال دلسردی و دلتنگی با دست دراز به درگاه عالی ملتجی شده و می‌گوید که حالا دیگر از این بی‌ترتیبی و خودپسندی متصدیان امور که هر دقیقه خوابی تازه می‌بینند خسته و مانده گشته راه چاره به جز ذات مبارک برای او نمانده و تمام نقشه‌هایی که برای آبادی و زیبایی شهری که هزاران میل از آن دور است به کلی بیکار مانده و توانا به اجرای آن نیست و اکنون در عصر هفتاد در آخر زندگانی که تنها امیدش آبادی و ترقی ایران است از این ناملایمات و بی‌قانونی‌های برخی از کارگزاران تمام آرزویش به خاک یأس پامال گشته و چیزی که عاید او گشته است آلت تمسخر و انگشت‌نما و هدف تیرملا مت همکیشان خود در بمبئی شده است که زبان سرزنش و توبیخ از هر طرف بر وی دراز است و اکنون به جز ذات مبارک راه چاره و دادخواهی ندارد و امیدواریم که از دادخواهی حضرت اشرف اشکالات مرتفع شده امر فرمایند که شهرداری یزد هر گونه همراهی لازمه نموده تا به زودی تلافی مافات گشته و کار عقب مانده پنج ساله به زودی انجام پذیرد.

البته اگر خدای نخواستہ از طرف حضور مبارک ہم دادخواهی نشد، چاره‌ای جز آن نیست که ساعت مذکور را به یادگاری بی‌نظمی و خودپسندی بعضی از افسران و کارگزاران ایران در ریگستان شهر یزد دفن نماییم در چنین هنگامی که آواز عدل و داد شاهنشاه پهلوی سرتاسر ایران بلکه گیتی را فراگرفته است حیف است که چنین بی‌ترتیبی و بی‌قانونی که ستون متین ممالک متمدن عالم است واقع گردد.

بزرگوار، این بار اول نیست که به چنین بی‌قانونی برخوردیم. قریب چهار سال گذشته از برای حمل فروهری برای نصب در مارکار آباد با وجود احکام مخصوص از طرف اداره گمرکات از برای معافی آن از حقوق گمرکی باز هم صد حقوق گمرکی از ما گرفته شد.

گذشته از این انجمن زرتشتیان ایرانی در بمبئی که شب و روز در پی تشویق پارسیهای هندوستان برای مسافرت و آبادی ایران است البته چنین پیش آمدهای ناگوار باعث دلسردی و خونسردی آنها خواهد شد.

با تقدیم احترامات قلبی منتظر جواب و دادخواهی از طرف ذات مبارک هستیم

[امضا] دبیر افتخاری

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، نمره ۴۲۷۷، تاریخ ۱۸/۴/۵]

[حاشیه ۲]: - خلاصه شود.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۲۰۱}$]

۱۷۱

دفتر نخست وزیر، نمره ۴۲۷۷، تاریخ ۱۳۱۸/۳/۱۴

وزارت کشور

رونوشت گزارش رسیده از انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی به پیوست ارسال می‌شود

که از این هرج و مرج فکری جلوگیری شود. یک مردی به عنوان خیرات و به منظور استفاده عمومی ساعتی تهیه کرده و می‌خواهد محلی هم جهت نصب آن بسازد. چرا مانع می‌شوند؟ قدغن^(۱) فرماید نقشه ساختمان را ملاحظه و اگر اصلاحی دارد بنمایند، نقشه را امضا و اجازه ساختمان بدهند و از نتیجه، ریاست وزیران را مستحضر سازند.

نخست وزیر

[امضای نویسنده متن: ملک الکلامی]

[۱۲۵۰۰۳
۲۰۱]

۱۷۲

وزارت کشور، اداره کل شهرداری‌ها، نمره ۶۷۷۶۸/۳۱۵۲۳، به تاریخ ۱۳۱۸/۶/۲

جناب آقای نخست وزیر

پیرو معروضه شماره ۱۷۷۳۸/۲۹۹۳۳، موضوع ساختمان برج و ساعت اهدایی آقای مارکار در یزد معروض می‌دارد به طوری که فرمانداری آن جا ضمن نامه شماره ۱۸/۶/۳/۳۹۰۵ گزارش می‌دهد شهرداری از هر مساعدتی که در این باب ضرورت داشته خودداری نکرده، اگر از طرف نماینده آقای مارکار تأخیری نشود قریباً ساختمان برج و نصب ساعت تمام خواهد شد و چنانچه تعویق در کار شده باشد روی این اصل است که نماینده آقای مارکار برای کوچکترین اقدامی ناگزیر است از بمبئی کسب دستور نماید و به واسطه دوری راه و تأخیر در وصول پاسخ انجام عمل مدتی طول می‌کشد. با

این حال دستور داده شد در پیشرفت کار نهایت همراهی را بنمایند که قریباً تمام شود.

از طرف وزیر کشور. [امضا : فریدونی]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۸۴۵۰، تاریخ: ۱۸/۷/۳]

[حاشیه ۲]: - سابقه ضمیمه شود تا اقدام گردد. ۷/۳

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۲۰۱}$]

۱۷۳

وزارت کشور، رونویس صورت جلسه [در آبان ماه ۱۳۱۸]

در روز پنجشنبه هفدهم آبان ماه ۱۳۱۸، جلسه‌ای از کفالت فرمانداری و ریاست شهرداری و ریاست فرهنگ و مدیر بنگاههای مارکار در اداره فرمانداری تشکیل گردید و اشیایی که می‌بایست در شیشه محتوی تاریخچه بنای ساختمان ساعت فردوسی گذاشته شود به قرار زیر به نظر همگی رسیده، سپس شیشه لاک و مهر گردید و به مدیر بنگاههای مارکار تحویل داده شد.

۱- تاریخچه به مضمون زیر:

به نام ایزد دانا، در هنگام خسروی شاهنشاه دادگستر ایران پناه اعلی حضرت شاهنشاه پهلوی سردودمان پهلوی این ساختمان برج ساعت بخشش پشوتن‌جی دوسابایی مارکار به شهرداری یزد به نامگانه چکامه‌سرای نامی فردوسی طوسی در آبان ماه یک هزار و سیصد و هیجده خورشیدی آغاز و این شیشه به یادگار سپرده شد.

۲- روزنامه ایران مورخه دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۱۸ که آیین گشایش دوره ۱۲ قانون‌گذاری مجلس شورای ملی مطلع آن بود به شماره ۶۰۱۲.

۳- روزنامه اطلاعات دو برگ به شماره ۴۰۰۵ جمعه ۱۱ آبان ۱۳۱۸ مقدمه یادگار

نخستین مسابقه‌های قهرمانی کشور.

۴- روزنامه محلی شیرکوه مورخه ۱۴ آبان ۱۳۱۸ شماره ۲۲.

۵- سکه طلا، یک پهلوی جلوس آذر ۱۳۰۴ پهلوی شاهنشاه ایران.

۶- سکه نقره جلوس آذر ۱۳۰۴ پنج ریالی پهلوی شاهنشاه ایران.

۷- سکه نقره جلوس آذر ۱۳۰۴ دو ریالی پهلوی شاهنشاه ایران.

۸- سکه نقره یک ریالی پهلوی شاهنشاه ایران.

۹- سکه نقره نیم ریالی رضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران.

۱۰- سکه نقره ربعی رایج مملکت ایران.

۱۱- سکه ۵۰ دیناری فلزی

۱۲- تمبرهای ۵ دینار و ۱۰ دینار و ۳۰ دینار و ۶۰ دینار اعلی حضرت شاهنشاهی.

۱۳- تمبر ۳۰ دیناری یادرگاه عروسی والا حضرت ولایت عهد عظمی با والا حضرت

فوزیه در اردیبهشت ۱۳۱۸.

۱۴- نوار سه رنگ علامت پرچم ایران.

کفیل فرمانداری یزد: مخبر حکمت، شهردار شهر یزد: علی اکبر طهماسبی، رئیس

فرهنگ یزد: فرخ زاد، سروش لهراسبی مدیر بنگاه‌های مارکار.

رونوشت با اصل یکی است.

[امضا]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۲۰۱}$]

فصل پنجم

انجمن‌ها

یکی از نویسندگان زرتشتی دربارهٔ انجمن‌های زرتشتی چنین نگاشته است: «تاریخ نشان داده است که جهت حفظ قومیت و مصالح فردی و اجتماعی و فرهنگی و دینی و تمامیت گروه زرتشتیان، انجمن همیشه نقش مؤثر و کارساز داشته است. جماعت زرتشتی بدون انجمن پیکری بی‌سراسر است، نیروی متمرکز رهبری و تدبیر و چاره‌سازی از او سلب می‌شود، ملجاء و پناهگاه ندارد، هرگاه مورد تعرض واقع شود حامی و پشتیبان ندارد، هرگاه مراعات و اختلافی میان افراد پیش آید جا و دستگاهی جهت توسل را فاقد است؛ هرگاه انجمن نباشد اموری چون: ازدواج، رهایی،^(۱) مسایل ارثی، سرپرستی مؤسسات مربوط به مردگان، تأسیسات فرهنگی و آموزشی و بسیاری از مؤسسات عام‌المنفعه و حفظ و نگاه‌داری سرمایه‌های منقول و غیرمنقول جماعت و کاربرد درست آن چه سرنوشتی خواهند داشت؟»^(۲)

اما این خلاصهٔ مجمل را می‌توان تنها مصداق انجمن‌های زرتشتیان در تاریخ معاصر دانست. پیشینهٔ انجمن‌های زرتشتی به زمانی بسیار دورتر بازمی‌گردد. در زمان ساسانیان که دین حضرت زرتشت، مذهب رسمی کشور گردید، گرچه حل امورات سیاسی و مذهبی در انجمنی ویژه به نام «مِهان» صورت می‌گرفت، اما انجمن دیگری به نام «مازدیسنان» نیز تشکیل شد که ریاست عالی آن را «موبدان موبد» - رئیس موبدان زرتشتی - برعهده داشت. اهمیت و قدرت این انجمن به حدی بود که اجرای هر گونه

۱ - طلاق.

۲ - «دربارهٔ انتخابات گردش تازهٔ انجمن»، فروهر، س ۱۳، ش ۳، ص ۲.

لوائح قانونی - خواه سیاسی، اقتصادی و یا مذهبی - حتی پس از تصویب در انجمن شورای سلطنتی و امضای پادشاه، بدون تصویب در انجمن مازدیسنان در مرکز حکومت امکان‌پذیر نبود.^(۱) پس از سقوط ساسانیان انجمن مذکور از قدرت افتاد و سپس در دوره خلفا تشکیل آن غیررسمی اعلام شد و نمایندگی زرتشتیان را کسانی به عهده گرفتند که آنها را «داور» می‌نامیدند. اینان در مواقع لزوم رابط بین حاکم و زرتشتیان بودند. پس از مهاجرت به هند،^(۲) پارسیان به همین شیوه نماینده خود را «داور» می‌گفتند.^(۳)

پایه انجمن‌های امروزی، این بار در هندوستان نهاده شد. از حدود سال ۱۶۹۸ م. اولین انجمن یا «پنجایت» در بمبئی تشکیل گردید. پنجایت چنان‌که از نامش پیداست به معنی «هیأت پنج نفره» است و این ۵ نفر که از سران و بزرگان زرتشتی بودند، سه وظیفه را بر خود مقرر داشتند: «وضع قوانین اجتماعی و مدنی پارسیان»، «داوری درباره دعاوی اشخاص و دادخواهی از مراجع دولتی» و بالاخره «تقسیم منصفانه و صحیح املاک و وجوه موقوفات پارسیان». تعداد اعضای پنجایت‌ها به مرور که تعداد پارسیان خصوصاً در بمبئی افزایش یافت، زیادتر شد. به تدریج این انجمن‌ها توانستند از حکومت قدرت بیشتری را در اداره امور پارسیان به دست آورند به صورتی که حتی حق تنبیه پارسیان خاطی را نیز از دولت دریافت داشتند^(۴)! اما از زمانی که قدرت سیاسی و تشکیلات اداری و قضایی انگلستان در هند نیرومند شد، اختیار صدور احکام و اجرای سیاست و

۱ - شاید بتوان با تسامح انجمن مهان را به مجلس شورا و انجمن مازدیسنان را به شورای نگهبان و مجلس خبرگان تشبیه کرد.

۲ - رک: فصل مهاجرت.

۳ - شهزادی، رستم، «تاریخ انجمن‌های زرتشتیان»، هوخ، س ۱۷، ش ۳، ص ۵۲.

۴ - ارباب کیخسرو شاهرخ در خاطراتش نگاشته که انجمن‌های اولیه ایران پس از ورود مانکجی صاحب نیز بعضاً این کار را می‌کرده‌اند!

کیفر را از جوامع مختلف هندی گرفتند.^(۱)

از آن پس انجمن‌ها با اجازه دولت انگلیس کمیته‌ای به نام «حقوق پارسی» را تشکیل دادند و امورات ازدواج، ارث و طلاق را مانند قبل در اختیار گرفتند و بدین ترتیب تدریجاً وجهه عملکرد انجمن‌ها به کارهای خیریه تبدیل گشت. پس از مهاجرت و سرازیر شدن زرتشتیان ایران به هند، هزینه‌هایی برای این مهاجران توسط انجمن‌ها، خصوصاً انجمن بمبئی، تخصیص داده شد.^(۲)

در فصل مانکجی صاحب خواندیم که انجمن اکابر پارسیان، مشارالیه را به ایران گسیل داشت تا وجوهات خیریه را در ایران به مصرف وضع و حال زرتشتیان برساند. مانکجی با توجه به تاریخچه و سوابق موفق و مؤثر پنچایت‌ها در هندوستان، از اولین اقداماتی که در ایران صورت داد تشکیل انجمن‌های زرتشتی بود. مشارالیه خطاب به زرتشتیان کرمان در این باره چنین گفته: «می‌دانید بابا که در هر ملتی رسم است ریش سفیدی و بزرگتری باشد که سرپرستی طایفه خود را بنماید نه آن که امر به جهت خودپسندی آن شخص باشد بلکه خدمت جماعت محل خود است. در هر جماعتی پنچایت و انجمنی هست، اعضای پنچایت باید اول این فکر را بکنند و اگر قوت انجام این کار [خدمت] را در خود می‌بینند عضو پنچایت گردند و پای در عمل خیر گذارند».^(۳)

علی‌رغم اصرار و ابرام مانکجی بر تأسیس انجمن‌های یزد و کرمان و نظارت و سامان‌دهی آنها، زرتشتیان آن زمان اهمیت این تشکیل را دریافتند و حضور مرتب در برپایی آن را سرسری انگاشتند. به همین خاطر در کار این دو انجمن وقفه حاصل شد تا

۱ - شهزادی، همان جا، ش ۴، ص ۲۰.

۲ - شهزادی، همان جا، ش ۵، ص ۱۰.

۳ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۷ - ۲۵۶.

آن که در سال ۱۳۰۸ ق. «کیخسروجی خان صاحب» به ایران مأمور شد. مشارالیه اهل «کوچه بیوک» یزد بود. در کودکی خانواده‌اش به هند سفر کردند و همان جا اقامت گرفتند. وی تحصیلات خود را با اخذ درجه لیسانس از دانشگاه بمبئی به پایان برد. پس از مرگ مانکجی و پسرش، «انجمن اکابر پارسیان» او را در تاریخ سپتامبر ۱۸۹۰ / محرم ۱۳۰۸ به ایران فرستاد تا اداره جامعه زرتشتی را برعهده گیرد. کیخسروجی قریب یک سال در تهران اقامت گزید و مورد احترام درباریان و بزرگان مملکت قرار گرفت. امین‌السلطان او را به لقب «خان» ملقب ساخت و از آن پس او را «خان صاحب» می‌نامیدند.^(۱)

کیخسروجی مهمترین هدفش را تشکیل مجدد و سرو سامان دادن انجمن‌ها قرار داد. در تهران، کرمان و یزد «انجمن‌های ناصری»^(۲) را بنیاد نهاد و در یزد اساسنامه مشروحی درباره اختیارات و وظایف انجمن تدوین کرد.^(۳) پس از حدود ۲ سال اقامت در ایران به هند بازگشت. در هندوستان به وسیله نطق‌های خود توانست هدایای بسیاری را فراهم آورد تا در ایران به شاه و درباریان و بزرگان مملکتی اهدا کند اما در کرمان در فوریه ۱۸۹۳ / شعبان ۱۳۱۱ درگذشت. بسیاری معتقدند که موبدان مخالفش او را مسموم و هلاک کردند.^(۴)

از میان سه انجمن فوق‌الذکر تنها انجمن ناصری یزد دوام یافت و باز انجمن‌های

۱ - «پارسیان نام‌آور و بلندآوازه شبه قاره هند»؛ فروهر، س ۱۰، ش ۸، ص ۳۹ - ۴۱.

۲ - این انجمن‌ها را به احترام نام ناصرالدین شاه که جزیه را موقوف نمود به انجمن ناصری مسمی ساختند. پس از انقراض قاجاریه لفظ ناصری را نیز حذف نمودند.

۳ - «انجمن ناصری یزد» مقاله‌ای مندرج در مهنامه زرتشتیان، آبان ماه ۱۳۵۳ (شماره‌های ۲۳ تا ۲۶)، ص ۳۶ - ۴۱.

۴ - زارع، اردشیر؛ «خاطرات اردشیر زارع»، نسخه تایی موجود در کتابخانه اردشیر یگانگی، ص ۱۱۵.

کرمان و تهران پس از کیخسرو جی دچار فترت شدند تا آن که چند سال بعد به همت ارباب کیخسرو شاهرخ - پس از بازگشتش از بمبئی به کرمان - انجمن آن جا تشکیل یافت و خود ارباب نیز به سمت منشیگری انجمن به خدمت پرداخت.^(۱) انجمن تهران نیز به همت «اردشیرجی رپورتر» و «ارباب کیخسرو شاهرخ در جمادی‌الآخر ۱۳۲۵ تشکیل یافت. این واقعه مصادف بود با تشکیل انجمن‌های سیاسی پس از مشروطیت و مکاتبات «انجمن زرتشتیان تهران» با سایر انجمن‌های سیاسی، در معرفی و به رسمیت شناخته شدن آن، تأثیری به سزا داشت.^(۲)

به تدریج، توابع شهر یزد و شهرهایی چون اصفهان، بم، شیراز و... که ساکنان زرتشتی داشتند، انجمن‌هایی را مستقلاً به وجود آوردند و حالیه حتی در کشورهای پاکستان، استرالیا، آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، کانادا و ایالت‌های مختلفه امریکا زرتشتیان دارای انجمن هستند.

انجمن‌های فوق‌الذکر هر کدام مستقل هستند و در اخذ تصمیم و اجرا - مگر در مواردی که خود تشخیص دهند - به اعتقادات و تصمیمات دیگر انجمن‌ها نظری ندارند. اما این انجمن‌ها از لحاظ اجرای فتاوی مذهبی تحت نظر «هیأت کنکاش موبدان»^(۳) عمل می‌کنند. تعداد اعضای هر انجمن نیز بسته به تصمیمی است که در هر دوره انجمن گرفته می‌شود.

اساس نامه‌های انجمن‌های مذکور، در طول زمان، مطابق با شرایط و مقتضیات سیاسی و اجتماعی تغییراتی را به خود راه داده است. از مهمترین این تغییرات می‌توان از

۱ - اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو، ص ۵۲.

۲ - در کتاب تاریخ پهلوی و زرتشتیان از صفحه ۳۰۱ تا صفحه ۳۱۹ عکس این مکاتبات گراور شده است.

۳ - رک : سند شماره ۱۸۲.

شرکت زنان در انتخابات انجمن‌ها نام برد. تا زمان پهلوی دوم همواره انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان مردان بودند. اما به واسطه اقدامات اصلاح‌طلبان جامعه زرتشتی و همچنین تلاش‌های بانوان فرهیخته این جامعه در سال ۱۳۳۴ ش. تنها دو تن از بانوان زرتشتی به نام‌های «لعل جمشیدیان» و «منیژه شاهرخ» توسط انجمن تهران به عضویت انجمن منصوب شدند^(۱) و بالاخره زنان زرتشتی توانستند در بیست و نهمین دوره انجمن تهران - سال ۱۳۴۵ - حق رأی دادن و رأی گرفتن را احراز کنند.^(۲) گاهی نیز اساس نامه‌های انجمن‌ها تحت نظر و اراده شهربانی‌های زمان خود بعضاً حک و اصلاح می‌شده است.^(۳)

انتخابات انجمن‌های زرتشتی معمولاً هر دو سال یکبار تجدید می‌گردد، مگر آن‌که وقفه‌ای در کار حاصل شود و یا خود انجمن‌ها اساس‌نامه‌های خود را بر مبنای دیگری قرار دهند.

باید گفت علی‌رغم این‌که انجمن‌ها حافظ و پناهگاهی برای جامعه زرتشتی بوده‌اند و برخلاف آن‌که جامعه کم‌جمعیت زرتشتیان ایرانی می‌بایست برای اتحاد خود ارزش بیشتری قائل شوند، همیشه علیه اقدامات و یا افراد عضو انجمن‌ها مخالفت‌هایی در جامعه زرتشتی وجود داشته است. اختلاف نظرهایی که بعضاً به دسته‌بندی و یا حتی شب‌نامه‌نویسی منجر شده را می‌توان در ادوار مختلف تشکیل انجمن‌ها مشاهده کرد.^(۴)

۱ - هوخ، س ۶، ش ۴، ص ۲۷.

۲ - هوخ، س ۱۶، ش ۱۲، ص ۳۶.

۳ - آخرین بار این تغییرات در سال ۱۳۶۲ صورت گرفته است. مرادی که شهربانی دستور داده در اساس‌نامه انجمن زرتشتیان وارد شود در ماهنامه هوخ س ۳۴، ش ۶، ص ۲۵ و ۲۶ آمده است.

۴ - برای اطلاع یافتن از کیفیت و کمیت این اختلافات می‌توان به مجلات زرتشتی مراجعه نمود که در هر دوره انتخاباتی چه بحث‌هایی در این باره می‌رفته است.

به عقیده نگارنده اگر رکودی در جامعه زرتشتی در دهه‌های این قرن صورت پذیرفته، عدم تمکین به نظرات انجمن‌ها را باید یکی از عوامل اصلی آن رکود دانست. اسنادی که در این فصل ارائه می‌شوند بسیار محدودند و گرچه مکاتبات انجمن‌های شهرهای مختلف را می‌توان در مطاوی فصول این کتاب مشاهده نمود، اما این اسناد صرفاً مربوط به خود انجمن‌ها و وقایع وارده بر آنها است. همچنین چند برگ سند نیز درباره انجمن‌های زرتشتیان در بمبئی وجود دارد که شرح هر یک در جای خود می‌آید.

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به تهران، نمره ۲۳۵

تاریخ ۱۳ اسد [۱۲۹۶] / [۱۵ شوال ۱۳۳۵]

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

تلگراف مبارک نمره ۲۵۹۳ زیارت، سابقاً از دوتیرگی و اختلافاتی که بین وکلای انجمن زرتشتیان شده و این که از طرف قونسولگری انگلیس درب اطاقهای انجمن را به موجب تلگراف اردشیرجی صاحب^(۱)، مهر و موم کرده‌اند خاطر مبارک را مستحضر

۱ - «اردشیرجی ریپورتر» پس از کیخسروچی خان صاحب از جانب اکابر پارسیان هند مأمور به ایران شد. وی در سال ۱۸۶۵ م. / ۱۲۴۴ ش. در بمبئی به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی به انگلستان رفت و در رشته علوم و حقوق سیاسی و تاریخ شرق و تاریخ باستان فارغ التحصیل شد و با زبان‌های فارسی و عربی نیز آشنا گردید و در ۳۷ سالگی به بمبئی بازگشت. (الف) در سال ۱۲۷۲ ش. پس از مرگ کیخسروچی عازم ایران شد و در منزل ارباب جمشید جمشیدیان و سپس در محلی به نام «وکالتخانه پارسیان تهران» اقامت گزید. وی قریب ۴۰ سال در ایران اقامت داشت و نه تنها از بزرگان زرتشتی بود بلکه در سیاست نیز دستی داشت کما این که فعالیت‌های او در انقلاب مشروطه و سپس تبدیل حکومت قاجار به پهلوی در کتب تاریخیه مذکور است. مشارالیه در ۱۶ دی ماه ۱۳۱۱ ش در تهران درگذشت. (ب) شرح حالی از او به قلم خودش در کتاب «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» چاپ شده که مؤلفین کتاب معتقدند این شرح احوال برای نخستین بار در دسترس عموم قرار می‌گیرد (ج) اما علی‌رغم این ادعا باید گفت بخشی از این شرح احوال در (مهنامه سال ۱۳۵۱) چاپ شده و معلوم می‌شود پیش از این نیز در دسترس برخی قرار داشته است.

(الف) «اردشیرجی»، مهنامه زرتشتیان، سال ۱۳۵۱، شماره‌های ۴ و ۵ و ۶، ص ۵۷-۵۹

(ب) «پارسیان نام‌آور و بلندآوازه شبه قاره هند»، فروهر، س ۱۰، ش ۸، ص ۴۱-۴۲

(ج) مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی»، ج ۲، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۱،

چاپ پنجم، ص ۱۴۴ - ۱۶۰

[نموده]، اینک هم جواباً عرض می‌نماید که درب اطاق‌های انجمن مقفل و کلید آن نزد قونسول است. در باب انتخابات وکلای انجمن هم تمام وکلای سابق را حاضر کردم و مفاد تلگراف مبارک را به آنها اعلام کردم. دسته‌ای که طرفدار اردشیرجی صاحب هستند اظهار می‌کنند چون دستورالعملی از طرف مشارالیه برای ما نرسیده، ما برای هیچ گونه اقدامی حاضر نخواهیم بود. در این صورت اگر اجازه می‌فرمایند بدون اطلاع دسته که طرفدار اردشیرجی صاحب هستند اقدام به این امر نمایند، فوراً اطاعت نماید.

علی اشرف

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره جنوب، معلوم می‌شود از تلگراف رمز هنوز مطلع نشده‌اند که این تلگراف را مخایره نموده‌اند. جواب بدهید. ۱۶ شوال

[۲۹۳۰۰۶۰۶۲]

۱۷۵

وزارت داخله، نمره ۱۱۲۷۷/۳۱۳۲، به تاریخ ۱۶ اسد [۱۲۹۶] / [۱۸ شوال]

۱۳۳۵، صادره: تلگراف [از] تهران [به] یزد

حکومت جلیله یزد

تلگراف نمره ۱۲۸۵ ملاحظه شد. مداخله دیگران در این کار برخلاف حق و منافی با کاردانی جناب عالی است. البته در رفع مداخلات بی‌رویه و اجرای تلگراف رمز نمره ۴۴۱ اهتمام نموده و خودتان را مسؤول بدانید.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۶۲]

۱۷۶

نمره ۲۱۶، [تاریخ] ۲۷ آگست ۱۹۱۷ / [۲۶ اسد ۱۲۹۶]، از کرمان، [سواد تلگراف]

انجمن محترم زرتشتیان، مقام رفیع ریاست وزرا دامت شوکته - وزارت جلیله داخله - وزارت جلیله خارجه - وزارت جلیله جنگ - وزارت جلیله عدلیه اعظم - وزارت جلیله مالیه - وزارت جلیله پست و تلگراف - وزارت جلیله تجارت و فوائد عامه - وزارت جلیله اوقاف و معارف - تهران

محض استحضار خاطر مبارک اولیای دولت، تعظیماً به عرض می‌رسانیم مأموریت مستر اردشیرجی رسیدگی به بعض مدارس زردشتیان بوده، حق دخالت به حقوق و سایر امورات جماعت نداشته هر اقدام و اظهاری در مقامات رسمی بنماید رسمیت ندارد.

امضای پنجاه نفر زردشتی

[۲۹۳۰۰۶۰۶۲]

۱۷۷

انجمن زرتشتیان تهران، نمره ۹۸/۶، به تاریخ هفتم سنبله [۱۲۹۶]

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

قبلاً به نمره ۸۷ شرحی در باب عدم رسمیت آقای اردشیرجی عرض و سواد تلگراف زرتشتیان یزد را هم در آن خصوص لفأ تقدیم نمودیم. اکنون نیز عریضه تلگرافی

دیگری از زردشتیان کرمان رسیده لفاً انفاذ و استدعای بذل توجه عاجل می‌باشد.

رئیس انجمن زرتشتیان یزد^(۱)

[مهر: انجمن زرتشتیان تهران]

[امضا]^(۲)

[۲۹۳۰۰۶۰۶۲]

* * *

۱۲۸

انجمن زرتشتیان تهران، شماره ۳۱۶، مورخه ۱۲ حوت [۱۳۰۲] /

[۲۶ رجب ۱۳۴۲]

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

مطابق نظامات اساسی داخلی بین زردشتیان انجمن‌های زردشتیان هر نقطه دو سال به دو سال بایست تجدید شود و در موقع تجدید نیز به موجب انتخابات عمومی صورت می‌گیرد. از قرار اطلاع حاصله، انجمن ناصری زردشتیان کرمان در صورتی که یازده ماه بیشتر از مدت قانونیش را طی نکرده به جهاتی که غیر معلوم است به تحریک عده‌ای

۱ - در اصل به همین شکل آمده.

۲ - ارباب کیخسرو شاهرخ درباره این ماجرا چنین نگاشته: «در موقعی که بین مرحوم اردشیرجی و انجمن یزد کدورتی پیش آمده بود به این معنی که اردشیرجی به عزل و نصب بعضی اعضای انجمن مداخله کرده و انجمن مدعی شده که انتخابات با جماعت محلی است نه او، اردشیرجی به قونسولگری یزد نوشته و از طرف قونسولگری درب اطاق انجمن را که در دبیرستان کیخسروی بود مهر و لاک کرده و مهر انجمن را ضبط نموده، انجمن جای خود را به محل دیگر تغییر داده که هنوز در آنجاست و تلگرافاً به من شکایت کردند. من اولاً از تهران مهر دیگری ساخته بر ایشان فرستادم ثانیاً در کابینه مرحوم علاء السلطنه به دولت شکایت و سخت مقاومت کردم. (ادامه پاورقی صفحه بعد)

مخالف منحل شده. چون هنوز علت مخالفت کاملاً معلوم نیست و تجدید انتخاب قبل از دو سال نیز مخالف نظامات است و از طرفی اسناد و دفاتر و مهر و مالیه انجمن بایست محفوظ بماند، لهذا مستدعی است که طی تلگرافی به ایالت جلیله کرمان صادر و مرحمت فرمایند که اسناد و مراسلات و دفاتر و مهر و مالیه انجمن تمام نزد آقاکیخسرو خداداد دفتردار انجمن به نظارت نماینده محترم ایالت جلیله توقیف گردد تا بعد از کشف اختلافات [و] اصلاح عمل تحویل انجمن قانونی گردد و نیز ایالت جلیله لازمه مساعدت را مبذول فرمایند. ایام شوکت مستدام باد.^(۱)

نایب رئیس انجمن [امضا: گیو]

[مهر: انجمن زرتشتیان تهران]

[۲۹۳۰۰۵۷۸۷]

تلگرافی که از طرف جماعت به تلگرافخانه انگلیس فرستاده شده بود برگردانیدند که نمی‌توانند مخابره کنند. آقای «هاوارد» از سفارت انگلیس مرا ملاقات و خواهش اصلاح کرد. گفتم به اختیار جماعت است. مرحوم سردینشاه‌جی، رئیس انجمن خبریه پارسبان، به من نوشته تقاضای اغماض کرد، موکول به اراده جماعت نمودم و بالاخره آن تلگراف با رمز دولتی توسط وزارت خارجه به قونسولگری ایران در هند مخابره شد و رسانیدند و مشارالیه احضار گردید. بعد از این قضیه و چند فقره دیگر انگلیسیها با من سرالفتی نداشتند. (اشیدری، یادداشتهای ارباب کیخسرو شاهرخ، ص ۸۱ و ۸۲).

۱ - در یکی از دفاتر «کبهه مراسلات انجمن زرتشتیان کرمان» در نامه‌ای به تاریخ ۵ صفر ۱۳۴۳ چنین آمده است: «مقام محترم کفالت اداره جلیله معارف دام اقباله؛ چون از دیرگاهی رؤسای ملت زردشتی کرمان که در انجمن ناصری سابق سمت عضویت داشتند به جای توسعه معارف و رسیدگی به امورات ملی این جماعت شیوه لایقیدی و خودخواهی را پیشه و قسمتی از حقوق حقه این ملت خاصه بعضی موقوفات را پامال طمع و اغراض شخصی خویش ساخته بودند (من جمله موقوفه مرحمت شأن ارباب گشتاسب که قسمتی از عواید آن مخصوص تعلیم و تربیت یتیمان و بی‌نویان این ملت بود، مدتی دست‌خوش حرص و آز ایشان شده، به مصارف خویش نرسیده) بنابراین در تاریخ ۲ رجب ۴۲ جامعه ملت زردشتی، تصمیم به انحلال انجمن»

۱۷۹

وزارت داخله، اداره جنوب، [نمره ندارد]، تاریخ ۱۳ حوت ۱۳۰۲

ایالت جلیله

از انجمن زرتشتیان تهران نوشته‌اند که انجمن ناصری زرتشتیان کرمان با این که دوره خود را طی نکرده بر اثر مخالفت معدودی منحل شده است. چون علت مخالفت معلوم نیست و تجدید انتخاب نیز قبل از انقضای دوره ثانی با نظامات انجمن [مخالف] است بنابراین به طوری که تقاضا کرده‌اند قدغن فرمایید اسناد و دفاتر و نوشتجات و مهر و مالیه انجمن نزد کیخسرو خداداد دفتردار انجمن به نظارت نماینده ایالت جلیله توقیف نموده تا بعد از اختلافات و تصفیه عمل تکلیف اقدام معین گردد.

۱۳ حوت

[حاشیه]: - [مهر: به امضای معاون: قاسم صوراسرافیل]

[۲۹۳۰۰۵۷۸۷]

* * *

«اشرافی سابق گرفته، با موافقت خود آنها انجمن را منحل و نمایندگان جدید منتخب و شروع به خدمات ملی و احقاق حقوق اجتماعی نمودند». و در نامه‌ای به تاریخ ۳۰ ذی حجه ۱۳۴۲ انجمن مذکور به ارباب کیخسرو شاهرخ نوشته است: «فاما لازم آمد که خاطر انور را لحظه‌ای به ذکر شمه‌ای از عملیات اخیر انجمن محترم سابق متوجه و مستحضر داریم اولاً پس از تکمیل عده اعضای جدیدالانتخاب و تشکیل انجمن چنانچه خاطر مبارک مسبوق است مدتی از تحویل دادن دفتر و اثاثیه انجمن و اسناد ملی ابا و امتناع می‌ورزیدند. مع این که در نتیجه جدیت و پافشاری ملت محبوب، حاضر به تحویل دادن محتویات دفتر و اسرار ملی شدند. مع الاسف محاسبات سنوات گذشته را بدون تصفیه به حال در هم و برهم جمع گذارده، حتی المقدور در اختلال و تراکم امورات کمر جهد بریسته معارف ملی را به اضمحلال و ضیق بودجه مدارس را به سرحد کمال رسانیدند». طبق آنچه که در دفتر کپی مراسلات انجمن مذکور بین تاریخ‌های شوال ۱۳۳۳ تا جمادی‌الاولی ۱۳۴۳ ثبت است این انجمن از اواسط بهمن ماه ۱۳۰۲ / اوایل رجب ۱۳۴۲ تا خرداد ماه ۱۳۰۳ / ذی‌قعدة ۱۳۴۲ تعطیل بوده و مکاتبات و مراسلات توسط آقاکیخسرو خداداد مذکور صورت می‌گرفته است.

۱۸۰

وزارت امور خارجه، نمره ۷۳۰، مورخه ۱۷ تیر ۱۳۱۶، رونوشت گزارش

قونسولگری شاهنشاهی ایران در بمبئی

وزارت امور خارجه

البته کارکنان وزارت امور خارجه آگاهی دارند که در بمبئی انجمنی به اسم «انجمن زرتشتیان ایرانی»^(۱) وجود دارد [که] باید تاریخچه مختصری از تأسیس و مرام آن به عرض برساند.

«انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۱۷ میلادی در بمبئی تأسیس و پس از وضع مرام‌نامه و نظام‌نامه از ماه مارس ۱۹۱۸ در هر هفته تشکیل جلسه داده و به جمع‌آوری اعانه و نفقه برای امور خیریه پرداخته است. مرام انجمن نامبرده عبارت از بهبودی اوضاع حال زردشتیان ایران و توسعه معارف و دانش بین آنان و کمک

۱ - زرتشتیان ایرانی مقیم بمبئی در سال ۱۹۱۸ م. از اثر فعالیت آقایان بهمرد نوشیروان یزدانی و خسرو رشیدی نرسی آبادی در فکر تشکیل انجمن زرتشتیان افتادند. چون فرزانه دینشاه سلیستر ایرانی از آن قصد آگاه گشت، استقبال کرد و شالوده «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» را ریخت، انجمنی که خدمات بسیار مهم اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی را در ایران انجام داده است. فرزانه دینشاه تا پایان عمر خود ریاست انجمن را برعهده داشت.

(الف) در سالی که مسئله تغییر لباس شاگردان مدارس یزد به وجود آمد (ب) و مسلمین با زرتشتیان قطع رابطه کردند این انجمن به اعزام دکتر «جمشید پتل» و افتتاح «مطب سرراتن تاتا» و داروخانه رایگان اقدام کرد. پس از دینشاه ایرانی پشتون دوسابایی مارکار (ج) به ریاست این انجمن رسید. (د)

(الف) شهردان، ص ۴۹۱

(ب) رک: اسناد شماره ۲۷۵ تا ۳۱۵

(ج) رک: سند شماره ۱۶۵

(د) لهراسب، سروش؛ «یادی از گذشته»؛ هوخ، س ۱۳، ش ۱، ص ۱۰

مادی و معنوی از هر حیث برای پیشرفت و ترقی آنها و تحقیقات تاریخی و مذهبی راجع به آیین زردشت و ایران باستان و غیره می‌باشد. همچنین انجمن واسطه رفع کدورت‌های بین زردشتیان بوده و برای ایجاد روابط معنوی و نزدیکی با پارسیان هندوستان کوشش می‌نماید.

در مدت بیست سال که از تاریخ تأسیس انجمن می‌گذرد، قدم‌های بزرگی برای رفاهیت زردشتیان یزد برداشته شده و مؤسسات خیریه زیادی در آن جا بنا کرده‌اند. سرمایه انجمن تاکنون متجاوز از نه صد و پنجاه هزار روپیه بالغ شده که سود آن را با اعانات دیگری که به دست می‌آورند به مصرف امور خیریه در یزد می‌رسانند. بنابراین جا دارد که کارکنان دولت شاهنشاهی نسبت به پیشرفت مرام و مقاصد انجمن مزبور لازمه مساعدت فرموده و نوعی فرمایند که کلیه لوازمات طبی و اشیایی که همه ساله برای مؤسسات خیریه یزد ارسال و تماماً در ایران مصرف می‌شود از هر نوع عوارضی معاف و موجب تشویق مؤسسه نامبرده بشود. زیرا البته این قبیل کمک و مساعدتها که از طرف حکومت بمبئی نیز به آنها می‌شود اگر از طرف اولیای دولت شاهنشاهی به عمل آید به موقع خود خالی از تأثیر نخواهد بود و قطعاً موجب تشویق در توسعه مؤسسات آنها در ایران خواهد گردید.

دو نسخه گزارش کارهای انجمن به زبان فارسی و یک نسخه به زبان انگلیسی به وسیله پست ایفاد گردید و در آتیه نزدیک نسبت به مرام و تاریخچه تأسیس «ایران لیگ»^(۱) که

۱ - فرزانه دینشاه ایرانی در سال ۱۳۰۱ ش. برای ایجاد روابط بین ایران و پارسیان هند با همکاری سران پارسی «انجمن ایران لیگ» را در بمبئی بنیاد گذاشت این انجمن از راه نشر کتب متعدد و مجلات مفید، ترجمه اوستا و... خدمات شایانی به زبان فارسی و گسترش آن در هندوستان انجام داد. فرزانه دینشاه ایرانی که حقوق‌دان معروفی نیز بود با پشتوانه علمی خود و تسلطش به زبانهای فارسی، انگلیسی، فرانسه، گجراتی و سایر زبان‌های هندی کتابهای زیادی را تألیف نمود که من جمله می‌توان از ترجمه و توضیح بر دیوان‌های حافظ و...

مشغول بازجویی است گزارش مقتضی تقدیم خواهد گردید.

قونسول شاهنشاهی

[۲۹۷۰۰۰۶۰۴]

۱۸۱

وزارت امور خارجه، اداره سوم سیاسی، نمره ۱۸۹۳/۱۰۶۰، تاریخ ۱۳۱۶/۵/۱۸

ضمیمه: مطبوعات مربوطه آیین زردشتیان

ریاست وزرا

رونوشت گزارش قونسولگری شاهنشاهی در بمبئی راجع به انجمن زردشتیان ایرانی در بمبئی برای آگاهی تلواً تقدیم می شود. نسبت به مراجعات انجمن مزبور تسهیلات ممکنه فراهم شده است. لکن معافیت اشیای طبّی و دواجات از پرداخت حقوق گمرکی قانوناً مجوّزی ندارد و به همین جهت اخیراً از مقداری دواجات که وارد نموده بودند حقوق گمرکی گرفته شده است.

وزیر امور خارجه

[امضا]

سعدی به انگلیسی، ترجمه و شرح کلیله و دمنه به انگلیسی، «اخلاق ایران باستان» و «فلسفه ایران باستان» (به زبان فارسی)، ترجمه دیوان عارف قزوینی به انگلیسی، تألیف کتاب «سخنوران دوران پهلوی» و... و رسالات و مقالات بسیار در مواضع حقوقی، اقتصادی و مذهبی، نام برد.

مشارالیه در سال ۱۳۱۱ ش. همراه «رابیندرانات تاگور» به ایران آمد و سخنرانی هایی در مجامع فرهنگی ایراد کرد. وی در نظر داشت با ایجاد یک کولونی در نقاط بایر ایران زرتشتیان مهاجر به هند را دوباره به ایران بازگرداند اما با وفاتش در سال ۱۳۱۷ ش. این تصمیمش بی نتیجه ماند (شهمردان، فرزندگان زرتشتی، ص ۴۹۰-۴۹۹).

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر (وزارت معارف؟)، به تاریخ ۱۶/۵/۲۱، نمره ۵۸۲۲]

[حاشیه ۲]: - بایگانی، ۱۶/۵/۲۳.

[۲۹۷۰۰۰۶۰۴]

* * *

۱۸۲

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره اطلاعات، شماره ۱/۳۳۲۶۰

تاریخ ۳۰/۱۰/۱۳ [۱۳]، محرمانه

وزارت کشور

آقای رستم ماونداد فرزند خدابخش^(۱) دارنده شناسنامه شماره ۲۵۵۴۷ صادره تهران با تسلیم مدارک مربوطه تقاضای تشکیل هیأتی به نام (هیأت کنکاش موبدان) به مدیریت خود و عضویت اشخاص مشروحه زیر را نموده است:

فریدون صداقت. اردشیر آذرگشسب^(۲) - رستم بهرام زرتشتی، مطابق گزارش ادارات مربوطه با تحقیقاتی که به عمل آمده از نامبردگان پیشینه سویی به دست نیامده و شهربانی کل نسبت به تشکیل هیأت مزبور نظر خاصی ندارد لذا با تقدیم یک نسخه اساس نامه هیأت مزبور متمنی است مقرر فرماید تصمیم متخذه را به شهربانی کل ابلاغ

۱ - برای استحضار از احوال این شخص رک: (لهراسب، سروش؛ «روان شاد رستم خدابخش ماونداد»؛ مهنامه زرتشتیان، تیرماه ۱۳۵۳، ص ۵۳ - ۵۸).

۲ - برای استحضار از احوال این شخص رک: (وحیدی، رستم؛ «مصاحبه و نظرخواهی از موبد فرزانه و دانشمند آقای اردشیر آذرگشسب»، فروهر، س ۲۴، ش ۷ و ۸، ص ۲).

نمایند. (۱)

از طرف رئیس شهربانی کل کشور - معزّی [امضا]

۱ - در ایام قدیم امور داخلی موبدان ساکن یزد از قبیل تقسیم‌بندی محلات زرتشتی نشین و دهات از حیث امور مذهبی و تعیین قسمت کار هر موبد و مشخص کردن مقدار هدیه‌ای که زرتشتیان برای انجام امور مذهبی می‌بایست به موبدان بدهند و نیز رسیدگی به شکایت موبدی از موبد دیگر یا زرتشتیان از موبدان به عهده دستور بزرگ وقت بود. در حوالی سال ۱۲۹۴ شمسی که دستور نامدار - دستور بزرگ یزد - به بمبئی سفر کرد و اقامتش طول کشید، اختلافاتی در امور موبدان ایجاد گشت و موبدان یزد تصمیم گرفتند برای حل اختلافات هیأتی را معین نمایند که در اوقات مسافرت دستور بزرگ امور موبدان را اداره نماید. (الف) ابتدا نام آن هیأت را «کنگره اتورنان» نهادند و چهارماه بعد به پیشنهاد ارباب کیخسرو شاهرخ به «کنکاش موبدان یزد» تغییر نام داد. (ب) وظایف این هیأت عبارت بود از ۱ - رسیدگی به امور داخلی موبدان ۲ - پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی ۳ - افتتاح دبستان‌هایی برای آموزش موبدان پسر و دختر ۴ - قدغن ساختن قربانی ۵ - گشایش قرائت‌خانه. (ج) در اوایل سال ۱۳۳۰ ش. موبدان و موبدزادگان ساکن تهران نیز به منظور بهبود بخشیدن به وضع موبدان و حمایت از منافع فردی و اجتماعی آنان جلسات متعددی برپا نمودند و در پایان تصمیم گرفتند که سازمان کنکاش موبدان را تأسیس نمایند و این تصمیم در ۱۲ مهرماه ۱۳۳۰ با حضور ۲۷ تن موبد عملی شد و مرام‌نامه و اساس‌نامه‌ای که تنظیم شده بود قرائت گردید و با اخذ رأی ۱۱ تن به عنوان اعضای اولیه کنکاش انتخاب شدند. (د) اقداماتی که کنکاش تهران صورت داد عبارت بود از ۱ - تهیه و تنظیم آیین‌نامه داخلی ۲ - تهیه محل برگزاری کنکاش ۳ - ثبت هیأت در شهربانی ۴ - تهیه و نشر فصل‌نامه «پیک کنکاش موبدان تهران» ۵ - ارتباط با انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتی. آخرین جلسه دوره اول کنکاش تهران در ۱۳۳۲/۸/۲۲ برگزار گردید و در روز ۱۳۳۲/۸/۲۹ انتخاب مجدد صورت گرفت اما در اولین جلسه دوره دوم ۵ تن از اعضا استعفا دادند و بنابراین کنکاش منحل و انتخابات مجدد نیز در بوته اجمال ماند. (ه) در سال ۱۳۴۲ به علت مهاجرت موبدان یزدی به تهران کنکاش یزد نیز انحلال حاصل کرد و این دو کنکاش در تهران ادغام شدند و برای حل امورات خاص به طور غیررسمی جلساتی را تشکیل می‌دادند. (و) پس از گذشت سالها بلامتکلیفی بالاخره در سال ۱۳۵۸ ش. از عموم موبدان و موبدزادگان دعوت به عمل آمد که برای تشکیل مجدد کنکاش تهران جمع گردند و در روز ۱۳۵۸/۳/۱۷ در محل سازمان فروهر این کار صورت گرفت و دوره جدید فعالیت آن آغاز گردید. (ز) دکتر رستم صرفه طی مقاله‌ای کنکاش موبدان تهران را به نقد نهشته است (ح) و همچنین برای اطلاع از عملکردهای دوره جدید کنکاش ←

[حاشیه ۱]: - [مهر: ثبت دفتر محرمانه وزارت کشور، شماره ۱۰۴۴۶، تاریخ ۱۳۳۰/۱۱/۱]

[حاشیه ۲]: - [سیاسی، ۱۳۳۰/۱۱/۱]

[حاشیه ۳]: - [مهر: ناخوانا، شماره ۱۶۳۱۶، تاریخ ۳۰/۱۱/۶]

[۲۹۰۰۰۶۶۱۸]

۱۸۳

به نام یزدان پاک

اساس نامه کنکاش موبدان تهران

۱- این هیأت به نام کنکاش موبدان تهران نامزد و دارای مهری به همین عنوان خواهد بود.

۲- جلسات کنکاش به طور موقت در ^(۱) منعقد خواهد شد.

۳- آقایانی به کارمندی این کنکاش پذیرفته می شوند که:

الف - موبد یا موبدزاده باشند.

می توانید به: (آذرگشسب، اردشیر؛ گزارش پیشینه، کارکرد و دیگر خصوصیات کنکاش موبدان تهران از روز بنیانگذاری تا پایان سال ۱۳۶۲)، بدون تاریخ رجوع فرمایید.

(الف) «کنکاش موبدان یزد»؛ پیک کنکاش موبدان تهران، اردیبهشت ۱۳۵۹، ش ۱، ص ۷-۸.

(ب) آذرگشسب، اردشیر؛ «تاریخچه تأسیس انجمن موبدان تهران»، فروهر، س ۲۵، ش ۱ و ۲، ص ۶

(ج) پیک کنکاش موبدان تهران، همان جا

(د) پیک کنکاش موبدان تهران، مهر ۱۳۵۹، ش ۲، ص ۱

(ه) آذرگشسب، همان جا، ص ۳۵

(و) وحیدی، همان جا

(ز) پیک کنکاش موبدان تهران، همان جا، ش ۲، ص ۸

(ح) ر.ک: هوخ، س ۴، ش ۶، ص ۲۰

۱- در اصل سند چیزی مرقوم نشده است.

ب - هیجده سال تمام داشته باشند.

۴ - کارمندان کنکاش هر دو سال یک مرتبه، یازده تن را از بین خود به اکثریت آرای مخفی به عنوان هیأت مدیره کنکاش موبدان تهران انتخاب می نمایند.

تبصره - ابتدای سال انتخابی نیمه اول مهر و مدت فعالیت هیأت مدیره دو سال می باشد.

۵ - کارمندان هیأت مدیره باید حداقل بیست و پنج سال تمام داشته باشند.

۶ - هیأت مدیره کنکاش هفته [ای] یک جلسه تشکیل می دهد و جلسات با حضور هفت تن کارمند رسمیت پیدا می کند.

تبصره - حضور کارمندان کنکاش نیز در جلسات هیأت مدیره آزاد است ولی حق صحبت و رأی نخواهند داشت.

۷ - هیأت مدیره در اولین نشست یک تن رئیس و یک نایب رئیس و یک منشی و یک گزارش نویس و یک حسابدار و یک صندوق دار با رأی مخفی از بین خود انتخاب می نمایند. در غیبت رئیس، نایب رئیس وظایف او را انجام می دهد.

۸ - هیأت مدیره برای انجام وظایف محوله و اجرای مرام نامه کنکاش آیین نامه داخلی تنظیم و طبق آن عمل می نماید.

۹ - چنانچه در اولین نشست هیأت مدیره در هر دوره انتخابیه یک نفر یا بیشتر از کارمندان استعفا بدهند به جای آنها آقایان دیگری که در انتخابات همان دوره حائز اکثریت شده باشند، به ترتیب انتخاب و دعوت می شوند.

۱۰ - چنانچه در نشست های بعدی یک یا چند نفر کارمند استعفا دهد یا به مسافرت طولانی رود یا درگذرد در اولین جلسه مجمع عمومی کارمندان جدید به جای آنها خواهند شد.

۱۱ - چنانچه پنج نفر از کارمندان هیأت مدیره با هم استعفا بدهند هیأت مدیره موظف خواهد بود مجمع عمومی تشکیل و مراتب را به اطلاع کارمندان رسانیده و انحلال هیأت

مدیره را اعلام نماید و از مجمع عمومی بخواهد که تجدید انتخابات نموده یازده نفر را مجدداً با آرای مخفی به عنوان هیأت مدیره انتخاب نماید.

تبصره - مدت فعالیت این هیأت باقیمانده مدت فعالیت هیأت پیش است.

۱۲ - کلیه مراسلات و مکاتبات کنکاش باید به امضای رئیس هیأت مدیره و مهر کنکاش برسد.

۱۳ - سرمایه کنکاش تا کمتر از پانصد ریال در نزد صندوقدار هیأت مدیره محفوظ می ماند. ولی مازاد آن در حسابی که در بانک ملی ایران به نام کنکاش موبدان تهران باز خواهد شد تمرکز داده می شود. تمام چکها باید به امضای مشترک رئیس و حسابدار هیأت مدیره برسد.

۱۴ - درآمد کنکاش از محل جمع آوری اعانات تأمین می گردد.

۱۵ - صورت درآمد و هزینه کنکاش در پایان هر دوره انتخابیه تنظیم و به امضای رئیس و حسابدار هیأت مدیره رسیده بین کارمندان و سایرین پخش می شود.

۱۶ - کلیه معاملات مالی که مبلغ آن از یک هزار ریال به بالا باشد باید قبلاً به اطلاع مجمع عمومی رسیده و به اکثریت آرای مخفی به تصویب رسیده باشد.

۱۷ - هیأت مدیره موظف است حداقل سه ماه یک مرتبه مجمع عمومی از کلیه کارمندان کنکاش برای آشنا شدن آنها با یکدیگر و تبادل نظر و بحث در مسائل مذهبی و استماع پیشنهادات و نظریات آنها تشکیل دهد و ضمناً گزارش عملیات خود را به سمع کارمندان برساند آنچه به اکثریت آرا در این جلسات به تصویب برسد برای هیأت مدیره قانونی و واجب‌الاجرا خواهد بود.

۱۸ - چنانچه یکی از کارمندان مرتکب عملی شود که منافی شئون مذهب زردشت و جامعه موبدان باشد کارمند متخلف به تصویب مجمع عمومی از کارمندان کنکاش برکنار می شود.

۱۹ - چنانچه دو ثلث از کارمندان کنکاش عدم رضایت خود را از هیأت مدیره کتباً اعلام نمایند رئیس هیأت مدیره موظف است مجمع عمومی را دعوت و برابر ماده ۱۱ تجدید انتخابات به عمل آورد.

۲۰ - مواد این اساس‌نامه و مرام‌نامه پیوست، فقط با اکثریت آرای مخفی مجمع عمومی قابل جرح و تعدیل است.

این اساس‌نامه که شامل بیست ماده و سه تبصره است با مرام‌نامه پیوست که دارای شش ماده و یک تبصره است در جلسه مجمع عمومی کنکاش موبدان تهران مورخ دوازدهم مهرماه یک‌هزار و سیصد و سی خورشیدی به تصویب رسیده و از این تاریخ به مورد اجرا گذارده می‌شود.

[۲۹۰۰۰۶۶۱۸]

۱۸۴

وزارت کشور، اداره سیاسی، [نمره ۱۶۳۱۶]، [تاریخ ۳۰/۱۱/۳۰]، [۱۳]، محرمانه

شهربانی کل کشور

پاسخ گزارش شماره ۱/۳۳۷۶ - ۳۰/۱۰/۳۰ موضوع تشکیل هیأت کنکاش موبدان در صورتی که صلاحیت اخلاقی هیأت مؤسس محرز باشد و همان طوری که در اساس‌نامه آنان قید شده وارد در امور سیاسی نشوند و منظور فقط حمایت از یک اقلیت مذهبی باشد وزارت کشور با تشکیل آن مخالفتی ندارد.

وزیر کشور

[۲۹۰۰۰۶۶۱۸]

۱۸۵

[صورت مجلس تشکیل اولین جلسه انجمن زرتشتیان شیراز در تاریخ ۱۳۳۸/۱۱/۲۹]

صورت مجلس

اولین جلسه انجمن زرتشتیان شیراز^(۱) مرکب از آقایان دینیار جهانیان - جهانگیر استواری - اردشیر یزدانی - بهرام رئیس پارسی - فریدون بنداریان - دکتر ایرج سروشیان - سیروس شهریار - منوچهر اردشیرپور - داریوش جهانیان - اردشیر اهورایی و خدایار بنداریان در تاریخ ۱۳۳۸/۱۱/۲۹ در محل باغ وقفی زرتشتیان شیراز تشکیل است. نخست بر طبق مواد اساس نامه اخذ رأی جهت انتخاب اعضای هیأت رئیسه انجمن به عمل آمد و در نتیجه آقای دینیار جهانیان به سمت رئیس انجمن - آقای سرکار سروان بازنشسته جهانگیر استواری به سمت معاون انجمن - آقای بهرام رئیس پارسی به سمت دبیر انجمن و آقای دکتر ایرج سروشیان به سمت صندوق دار انجمن زرتشتیان شیراز و بقیه به سمت اعضای انجمن انتخاب گردیدند. پس از اعلام قبولی از طرف آقایان نام برده در سمتهای خود حسب توصیه جلسه عمومی انجمن زرتشتیان شیراز مقرر گردید که آقای دینیار جهانیان ریاست انجمن و در غیاب ایشان و یا در مواردی که در اساس نامه مندرج است آقای سرکار سروان بازنشسته جهانگیر استواری معاون انجمن اقدامات سریعی جهت ثبت رساندن انجمن و احراز شخصیت حقوقی انجمن در اداره ثبت شیراز و سایر مراجعی که لازم باشد به عمل آورده و کلیه مخارج لازم را نیز تا روشن شدن از درآمد انجمن علی الحساب پرداخت نموده و نتیجه را ضمن دعوت از اعضای هیأت رئیسه به اطلاع آنها و نیز به اطلاع کلیه افراد انجمن و زرتشتیان شیراز برساند. به علاوه

۱ - زرتشتیان شیراز در روز جمعه ۱۶ محرم ۱۳۲۸ ق. در عمارت باغ وقفی «مسافرخانه ملت زرتشتیان» جمع شده اعضای اولین انجمن زرتشتیان شیراز را برگزیدند. (اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۲۹۴).

تصمیم جلسه عمومی انجمن زرتشتیان شیراز درباره شروع خدمت چهارساله هیأت رئیسه انجمن از تاریخ به ثبت رسیدن رسمی انجمن زرتشتیان شیراز تأیید گردید و محل فعلی انجمن و جلسات هیأت رئیسه نیز باغ وقفی زرتشتیان شیراز واقع در خیابان زند تعیین و مهر انجمن نیز تحویل آقای دینیار جهانیان که به سمت ریاست انجمن انتخاب گردیده‌اند رسماً شد، تا در مکاتبات با اداره ثبت شیراز جهت به ثبت رساندن انجمن و سایر موارد برطبق اساس‌نامه مورد استفاده قرار دهند.

[امضا : دینیار جهانیان، بهرام رئیس‌پارسی، اردشیر یزدانی، سروان بازنشسته جهانگیر استواری، منوچهر خسرو اردشیرپور، دکتر ایرج فریدون سروشیان، سیروس شهریاری، اردشیر خداداد اهورایی، داریوش جهانیان، خدایار خسرو بنداریان، فریدون خسرو بنداریان]

[مهر : یاهو، انجمن زرتشتیان شیراز]

[۲۵۰۰۰۰۴۰۶]

فصل ششم

مهاجرت، آمار، مسافرت

آغاز داستان مهاجرت زرتشتیان به سده نخستین شکست و سقوط ساسانیان باز می‌گردد که گروه زیادی از پیروان آیین مزدیسنی برای حفظ و صیانت مذهب خود، از آن جا که از پذیرفتن دین اسلام سرباز زدند، از اقامت از ایران نیز روی گردان شدند و به هندوستان مهاجرت کردند.

یگانه اثری که از وقایع و حوادث وارده بر زرتشتیان قدیم و ورود آنها به هند سخن می‌گوید، کتابی به نام «قصه سَنجان» است. این اثر را در سال ۱۶۰۰ م. / ۹۶۹ ق. «بهمن کیقباد» نامی بنابر شنیده‌های خود از اخبار و منقولات گذشتگان در قالب نظم به رشته تحریر کشید و براساس گفته‌های این تاریخچه، پس از انحلال سلطنت یزدگرد عده‌ای از زرتشتیان برای مصون ماندن از دست کشورستانان عرب، به کوهستان‌های خراسان پناه بردند و قریب ۱۰۰ سال در آن جا به سختی زندگی کردند. مجدداً به دلیل ناگواری‌ها و تعدیاتی که بر ایشان وارد آمد در سال ۷۵۱ میلادی به بندر «رامهرمز» رفتند و ۱۵ سال نیز در آن جا زیستند ولی در این شهر هم توان استقامت نداشتند و سرانجام به هندوستان مهاجرت کردند. مدت ۱۹ سال در «کاتیاور» سکنی گرفتند و بعد به گجرات رفته و در سال ۷۸۵ میلادی به «سنجان» رسیدند. از حاکم آن محال اجازه اقامت گرفته و تشکیل یک مهاجرنشین دادند و پس از سال ۱۰۹۰ میلادی به اطراف هندوستان رفته، پراکنده گردیدند.^(۱)

۱ - «تاریخ عزیمت زرتشتیان مهاجر از ایران به هندوستان»، فروهر، س ۹، ش ۲، ص ۱۵ - ۱۶، کتاب قصه

سنجان در کتابخانه اردشیر یگانگی به شماره $\frac{۴۷}{۳۹۵/۱}$ ثبت است.

گر چه بسیاری از زرتشتیان و مورخین این داستان را به عنوان یک واقعیت تاریخی پذیرفته‌اند، اما کسانی هم هستند که به مطالب این کتاب به دیده نقادی نگریسته‌اند. «م.س. ایرانی» نویسنده‌ای است که اشعار این تاریخچه را خیال پردازانه توصیف کرده و اشتباهات تاریخی آن را نمایان ساخته است. ضمناً مشارالیه معتقد است که مهاجرت زرتشتیان به شکل تدریجی - و نه دسته جمعی - در زمان‌های مختلفه صورت گرفته است.^(۱)

از آن جا که زرتشتیان تا ورود مانکجی صاحب تلاشی در ثبت وقایع و تاریخ حیات اجتماعی خود در ایران نداشته‌اند،^(۲) کمیت و کیفیت این مهاجرت‌ها بر ما پوشیده است و به همین علت گفته‌ها و نوشته‌ها جز بر پایه حدس و گمان چیزی نخواهند بود. اما از زمانی که پای جهانگردان اروپایی به ایران باز شد، ایشان بعضاً در سفرنامه‌های خود درباره طایفه زرتشتی سخن رانده‌اند و از مطاوی گفته‌های آنان می‌توان این آمار تقریبی را در این باره ارائه کرد: «نفوس زرتشتیان در آغاز قرن هیجدهم میلادی در ایران حدود یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود اما از آن زمان این مقدار به سرعت رو به تقلیل نهاد تا جایی که در زمان فتحعلیشاه به ۵۰ هزار، در زمان محمدشاه به ۳۰ هزار و در سال ۱۲۸۵ ق. تعداد زرتشتیان به ۶۹۰۰ نفر رسیده است».^(۳)

این کاهش سریع جمعیت مربوط است به فشارهایی که پادشاهان صفویه و اخلاف

۱ - «قصه سنجان یا تاریخ فرضی مهاجرت پارسیان از خراسان به هند» ترجمه محمد باقری، چیستا، س ۲، ش ۳، ص ۲۶۸ - ۲۷۹.

۲ - این کار به صورت ثبت مذاکرات انجمن‌ها در دفاتر مخصوص صورت می‌گرفته است.

۳ - شهردان، رشید؛ «اوضاع اجتماعی زرتشتیان ایرانی در یک قرن حاضر»، هروخت، س ۱، ش ۵، ص ۲۸ (آمار آخر توسط «ملا بهرام رستم» - شاگرد فاضل مانکجی صاحب - تهیه شده است).

آنها بر زرتشتیان وارد کردند. در دوره شاه عباس صفوی این طایفه در فشار بودند. این موضوع در نامه‌ای که زرتشتیان یزد در تاریخ جمادی‌الثانی ۱۰۴۵ ق. نگاشته‌اند چنین منعکس گردیده که بسیاری را از این گروه از بین برده‌اند و کتب مذهبی زرتشتیان را تباہ ساخته و یا غارت کرده‌اند. شاه عباس جمعی کثیر از زرتشتیان را از اطراف ایران به قریه‌ای به نام «گبرآباد» در اصفهان کوچ داد.^(۱) سپس محل سکونت طایفه زرتشتی در زمان شاه عباس دوم به توپ بسته شد و ویران گشت^(۲) مجدداً در زمان شاه سلطان حسین به واسطه آن که یکی از زنان زرتشتی حرم شاه پس از ملاقات پدر و مادرش مورد مراسم تطهیر قرار گرفت، زرتشتیان مورد قتل عام واقع شدند^(۳) و از این زمان پیروان حضرت زرتشت با شتاب و سرعت بیشتری به سوی هندوستان رهسپار گردیدند.^(۴) در ادوار حکومتی افغانه، افشاریه، زندیه و قاجاریه مهاجرت از ایران ادامه و شدت یافت.

در میان سیاست مداران ایرانی ظاهراً اولین کسی که تمایل خود را نسبت به بازگشت پارسیان هند به موطن اصلی خود نشان داد، «میرزا تقی خان امیرکبیر» بود. مشارالیه دستوراتی را نیز به حاکم یزد مبنی بر رعایت حقوق طایفه زرتشتی صادر کرد تا ایشان به آسودگی در شهر خود به زندگی بپردازند.^(۵)

۱ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۲۲۸.

۲ - ه. ر. فرهنگ، «زندگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی زرتشتیان در یک صد و پنجاه سال اخیر»، فروهر، س ۱۳، ش ۱ و ۲، ص ۱۹.

۳ - اشیدری، همان جا، ص ۲۳۰.

۴ - از سالها پیش از این جریان، مکاتبات و مراسلات بین زرتشتیان ایرانی و پارسیان هندوستان وجود داشته و زرتشتیان که به احوال و موقعیت مناسبتر پارسیان واقف بودند به آن سو مهاجرت کردند.

۵ - اشیدری، جهانگیر؛ «امیرکبیر و اقلیت‌های مذهبی و زرتشتیان». هوخ، س ۱۳، ش ۱۰، ص ۲۸. همچنین رجوع شود به: آدمیت، فریدون؛ «امیرکبیر و ایران»، ص ۴۳۵ - ۴۴۱.

کوتاه زمانی پس از قتل امیرکبیر، مانکجی صاحب به ایران وارد شد و پس از چند سال، رحل اقامت خود را در تهران افکند. حضور او در پای‌تخت، مایه دلگرمی بسیاری از زرتشتیان گردید و می‌بینیم که از زمان حضور او در تهران، علاوه بر مهاجرت به هند، روند مهاجرت ساکنان کرمان و یزد به تهران نیز افزایش یافت. دقت در آمار ذیل جالب و ضروری به نظر می‌رسد:

در سال ۱۲۴۷ ش / ۱۲۸۵ ق، در تهران ۲۰۰ نفر زرتشتی ساکن بودند، در سال ۱۲۶۹ ش. این تعداد به ۲۹۵ نفر رسید،^(۱) سال ۱۲۹۰ ش. به ۵۷۳ نفر،^(۲) سال ۱۳۳۰ ش. به ۳۵۰۰ نفر،^(۳) سال ۱۳۳۵ ش به ۵۰۰۰ نفر^(۴) و سال ۱۳۵۶ ش تعداد زرتشتیان تهران به ۱۲۵۰۰ نفر^(۵) بالغ شد.

با دقتی که نگارنده بر اوضاع مهاجرت زرتشتیان در تاریخ معاصر صورت داد به این نتیجه رسید که پس از واقعه مشروطیت، روند غالب مهاجرت، از روستا به شهرها بود و در همین زمان مهاجرت به پای‌تخت در ابتدای راه قرار داشت. در زمان سلطنت پهلوی اول، هر دو مهاجرت شدت یافت و اضافه بر این دو، مهاجرت به خارج از کشور - به سوی کشورهای اروپایی و امریکا - برای تحصیل یا تجارت نیز شروع گردید. در زمان پهلوی دوم وجهه غالب مهاجرت به پای‌تخت بود و سفر به خارجه شدت روزافزون یافت. پس از انقلاب اسلامی می‌توان گفت که دهات‌های زرتشتی‌نشین تقریباً خالی از

۱ - شهردان، همان جا.

۲ - مهنامه زرتشتیان، فروردین ۲۵۳۶، ص ۲۴.

۳ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۲۳۵.

۴ - هوخت، س ۷، ش ۸، ص ۵.

۵ - صرفه، رستم، «وضعیت زرتشتیان در ایران - حال و آینده»، هوخت، س ۲۸، ش ۵، ص ۸.

سکنه و مهاجرت به خارج از کشور سعودی چشمگیر داشته است. آقای فریدون بهمنی در این باره چنین نگاشته: «انقلاب ۵۷ در ابتدا کوچ زرتشتیان را به خارج از ایران افزایش داد، اما روند تحولات مسیر کوچ را باز تغییر داد. کوچ به خارج تدریجاً کند و بالاخره متوقف شد. کوچ به تهران به علت سنگینی هزینه‌ها بسیار تقلیل یافت»^(۱) اما باید گفت در سال‌های اخیر باز مهاجرت جوانان زرتشتی به خارج از کشور شدت یافته است. علل مهاجرت‌ها را نیز می‌توان به تبع همین تقسیم‌بندی چنین شرح داد: مهاجرت در زمان قاجار که معمولاً به سوی هندوستان صورت می‌گرفت ۲ علت اصلی داشت؛ اول فشارهای اجتماعی که بر زرتشتیان وارد می‌آمد و دوم خشک‌سالی‌ها که رونق کشاورزی (مهمترین حرفه زرتشتیان یزد و کرمان) را از بین می‌بردند.

پس از تأسیس دبستان‌ها و مدارس زرتشتی و آشنایی جوانان این طایفه با پیشرفت دنیای خارج از ایران، در دوران پهلوی که فشارهای اجتماعی به نسبت زمان قاجار کاسته شده بود و ضمناً امکان اشتغال نیز در دیگر شهرها برای زرتشتیان فراهم بود، وجهه مهاجرت برای کسب پیشرفت‌ها و اخذ مدارج و مدارک علمی تغییر یافت و جواب‌گوی این خواسته‌ها مهاجرت به پای‌تخت و خارج از کشور بوده است.

مهاجرت، امری تفتنی نیست. هنگامی که در جامعه‌ای و از جانب هر گروهی، این پدیده رخ می‌دهد، جستجو برای یافتن موقعیت‌های بهتر زندگی اجتماعی معنا پیدا می‌کند. بنابراین در تاریخ معاصر زرتشتیان هر جا که با این روی داد مواجه شویم باید به دنبال علل و عوامل منفی که تأثیرات نامناسب بر این جامعه وارد آورده‌اند، بگردیم. اسنادی که در این فصل تقدیم می‌گردند، مهاجرت‌های داخلی و یا خارجی زرتشتیان را

۱ - بهمنی، فریدون؛ «طرحی برای بررسی روند شکل‌گیری مسایل کنونی زرتشتیان» چیستا، س ۱۱، ش ۲ و ۳،

با علل و عوامل آنها در مقاطع خاصی از تاریخ نشان می‌دهند.^(۱) در این میان اگر اسنادی نیز دربارهٔ آمار زرتشتیان وجود داشت ضمیمهٔ این مختصر گردید چرا که مطالعه دربارهٔ مهاجرت بدون توجه به موضوع آمار امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱ - مهاجرت، دامن پارسیان هند را نیز گرفت. افزایش روند مهاجرت پارسیان ناشی از اوضاع اقتصادی در مستعمرات سابق بریتانیا در افریقا و عدن، انقلابات افریقا در ۷۳ - ۱۹۷۲ و انقلاب اسلامی ایران بوده است. بسیاری از پارسیان به انگلستان، کانادا و امریکا کوچ کرده‌اند. (الف)

در ایام زمام‌داری پهلوی اول و دوم پارسیان هندوستان بارها عزم بر مهاجرت به ایران داشته‌اند تا به مرطن اصلی آبا و اجدادی خود بازگردند اما هر بار اتفاقی آنان را از این قصد منصرف داشته است (ب)

(الف) «بررسی شرایط حاکم در جوامع زرتشتیان در نقاط مختلف جهان»؛ فروهر، س ۲۰، ش ۹ و ۱۰، ص ۲.

(ب) رک: اسناد شماره ۱۸۰ و ۲۰۵ تا ۲۰۹.

قربانت شوم راجع به ده نفر زردشتیان که عزیمت بمبئی دارند^(۱) در جواب تعلیقۀ مبارکه، احتراماً عرض می‌کند که اینها غالباً یا برای تجارت می‌روند یا نوکری و پس از یکی دو سال مراجعت می‌نمایند. همیشه معمول آنان همین بوده است. مستدعی است مقرر فرمایند اجازه دادن تذکره صادر شود که اسباب معطلی نگردد موجب مزید تشکر است، به علاوه این اشخاص هم مثل بنده از این ترتیب مستحضر نبوده و از یزد تا بوشهر رفته‌اند این اجازه مرحمت شود که معطل نشوند. بعد از این اطلاع به یزد و کرمان تلگراف کردم بعد از این هر کس از زردشتیان بخواهد به بمبئی برود قبلاً از دولت کسب اجازه بنمایند. منتظر مرحمت است. ایام شوکت مستدام باد.

ارادتمند کیخسرو شاهرخ

[۲۹۳۰۰۴۲۱۷]

۱ - دلیل این مهاجرت ماجرای تغییر دادن لباس دانش‌آموزان زرتشتی در یزد است که باعث هیجان عمومی و تعطیل داکین و بازار علیه این رفتار زرتشتیان گردید چون مردم یزد اعلان کرده بودند با زرتشتیان قطع رابطه خواهند کرد و بر ایشان سخت خواهند گرفت، آنان هم دست به مهاجرت زدند و همان طور که در این اسناد ملاحظه می‌شود هر لحظه بر تعداد این مهاجران افزوده گردیده است. (برای اطلاع از جریان تغییر لباس شاگردان مدارس زرتشتی ر.ک: سند شماره ۲۷۵ تا ۳۱۵).

۱۸۷

وزارت داخله، نمره ۴۹۰۸، به تاریخ ۱۹ قوس ۱۳۰۰ / ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۰

صادره: رقیمه

وزارت جلیله امور خارجه

ده نفر از زردشتیان یزد وارد بوشهر شده قصد مسافرت بمبئی دارند. کارگزاری^(۱) بنادر در دادن تذکره تأمل نموده، زردشتیان مزبور توسط ارباب کیخسرو تلگرافی به مرکز مخابره کرده‌اند. به طوری که معزی‌الیه توضیح می‌دهد این اشخاص برای تجارت به بمبئی می‌روند، مسافرت آنها موقتی است و پس از یکی دو سال معاودت به یزد خواهند کرد. متمنی است به کارگزاری بنادر تلگرافاً مقرر فرمایند که تذکره عبور به آنها بدهند.^(۲)

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۴۲۱۷]

۱۸۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از بوشهر به ط [تهران]

نمره ۱۲۷، تاریخ ۱۹ قوس [۱۳۰۰]

مقام منبع وزارت جلیله داخله

مراجعه فرمایند به تلگراف نمره ۳۹۵۰، مورخه ۲۸ میزان و جوابی که به نمره ۶۹۰

۱ - اصل همه جا: کارگذاری.

۲ - تلگرافی به همین مضمون به تاریخ ۱۹ قوس ۱۳۰۰ از وزارت داخله به حکومت بنادر در بوشهر نیز ارسال شده است.

به تاریخ چهارم عقرب شده و جواب نمره^(۱) که به نمره ۳۴۲ ششم عقرب صادر فرموده‌اند. به تازگی قریب هفتاد نفر پارسیان یزدی از پریشانی و عسرت به عزم مهاجرت به هندوستان به تحصیل معاش به بوشهر آمده‌اند. چون این جا از خروج آنها مانع شده و خاطر مبارک را مطلع می‌دارم که هر طور مقرر فرمایند، رفتار شود. مسلم است این قبیل مهاجرت‌ها از راه استیصال و فقدان مسایل سیاسیّه است اگر بایستی جلوگیری شود تعلیمات لازمه به حکام محلی صادر فرمایند، وسایلی ایجاد گردد که از محل حرکت نکنند والا پس از آمدن به بوشهر ارجاع آنها فوق‌العاده دشوار است. چنان که این عده فعلاً در بوشهرند در غایت فقر و پریشانی، اگر دولت تصمیم فرمایند که از مسافرت به هند ممنوع بشوند ناچار برای مخارج عودت آنها به داخله مبلغی به آنها باید پرداخت فرماید والا امکان مراجعت ندارند. مستدعی است تعلیمات فوری صادر شود.

۱۹ قوس نمره ۱۰۳۷

مشارالدوله

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره جنوب، در هیأت وزرا مذاکره و تصویب شد به این عده که فعلاً به بوشهر رفته و مدتی است آن جا معطل هستند، اجازه داده شود بروند. همین طور جواب تهیه نمایند. به وزارت خارجه هم بنویسید برطبق تصمیم هیأت وزرا به کارگزار بوشهر تلگراف شود تذکره بدهد. شب ۹/۲۶/۱۳۰۰]

[۲۹۳۰۰۴۲۱۷]

۱۸۹

وزارت امور خارجه، اداره اول سیاسی، نمره ۱۴۸۸، مورخه ۲۰ قوس ۱۳۰۰

سواد تلگراف کارگزار بوشهر

[وزارت داخله]

چندین نفر اهالی یزد، مسلمان و زردشتی وارد بوشهر و تقاضای تذکره جهت مسافرت به بمبئی نموده‌اند. پنج نفر از آنها را آقای ناظم‌الممالک رئیس عدلیه که یزده هستند و می‌شناختند که برای تجارت می‌روند ضمانت کردند که پس از دو سال مراجعت نمایند، تذکره به آنها داده شد ولی سایرین در بوشهر بی‌تکلیف و اسباب زحمت شده‌اند مستدعی است مقرر فرمایند که از وزارت جلیله داخله تعلیمات لازمه به حکومت یزد و سایر ایالات و ولایات صادر شود که اهالی را مستحضر دارند که این قبیل مسافرت‌ها ممنوع است، در سرحدات اسباب زحمت مأمورین تذکره فراهم شده و برای آنها هم مشکل پیدا شده مستدعی است تکلیف این عده را معین فرمایند که همه روزه زحمت می‌دهند.

معین‌الممالک

سواد مطابق اصل است. [مهر: وزارت امور خارجه، اداره اول سیاسی]

[۲۹۳۰۰۴۲۱۷]

۱۹۰

وزارت امور خارجه، اداره محاسبات، نمره ۱۴۷۴، مورخه ۲۳ قوس ۱۳۰۰

سواد راپورت کارگزاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه مبارکه نمره ۳۹۹۳/۱۲۳۵ راجع به مسافرت دویست نفر مرد و زن از یزد به

هندوستان زیارت، با این که اداره تذکره کارگزاری کل قبلاً هیچ دستوری در این خصوص نداشت مع هذا نظر به این که کارگزاری کل اهمیت مسأله را حس کرد تلگراف نمره ۱۰۶۷ که عرض کرد حتی المقدور با فشار وارده سه روز هم آنها را معطل کرد، جوابی نرسید، روانه شدند. اینک هم چند روز است چند نفر دیگر آمده اند. همه روزه به اشخاص مختلف متوسل می شوند، تذکره داده نشده، به طوری که در ضمن تلگراف نمره ۱۴۸۸ استدعا شده مقرر فرمایند از وزارت جلیله داخله به فرمانفرمایان ایالات و حکام ولایات خصوصاً حکومت یزد تعلیمات بدهند که عام را مطلع دارند که به عنوان مهاجرت حرکت ننموده تولید مشکلات از جهت خودشان و زحمت مأمورین متصدی را فراهم نیاورند.

سواد مطابق اصل است.

[مهر: دفتر محاسبات وزارت امور خارجه]

[۲۹۳۰۰۴۲۱۷]

۱۹۱

وزارت امور خارجه، اداره اول سیاسی، نمره ۱۶۶۳/۲۹۰۳

مورخه ۲۸ قوس ۱۳۰۰، ضمیمه ۱ [برگ]

وزارت جلیله داخله

از کارگزاری کل بنادر جنوب تلگرافی به نمره ۱۳۸۸ راجع به مسافرینی که از یزد به قصد مسافرت هندوستان حرکت می کنند به وزارت امور خارجه رسیده که سواد آن لفاً ارسال می شود. لزوماً خاطر آن وزارت جلیله را متذکر می شود که چنانچه باید از مسافرین غیر معروف جلوگیری شود، لازم است به حکام دستور داده شود که حتی المقدور حرکت آنها را از محل اقامت اولیه ممانعت نمایند والا پس از طی مسافت

بعید مابین یزد تا بوشهر جلوگیری از آنها مشکل و خارج از انصاف خواهد بود.

[امضا : مشارالسلطنه]

[مهر : وزارت جلیله امور خارجه]

[حاشیه] : - اداره جنوب، ۲۹ قوس

[۲۹۳۰۰۴۲۱۷]

۱۹۲

وزارت داخله، نمره ۱۶۶۶۶/۵۶۲۵، به تاریخ ۲ دلو ۱۳۰۰ / ۱۴

جمادی‌الاولی ۱۳۴۰، صادره: رقیمه

وزارت جلیله امور خارجه

به منع مهاجرت در جراید مرکزی اعلان و به فرمانفرمایان حکام ولایات هم اخطار شده است که از مهاجرت اتباع ایران جلوگیری نمایند.

[امضا : احمد قوام]

[حاشیه] : به خط کفیل اضافه شده است: مقتضی است آن وزارت جلیله هر چه زودتر نظام‌نامه

قانونی مهاجرت را ترتیب دهند. منصورالملک

[۲۹۳۰۰۴۲۱۷]

۱۹۳

وزارت داخله، حکومت یزد، نمره ۳۲۹۵، مورخه ۲۹ حوت

[۱۳۰۰] / [۲۳ رجب] ۱۳۴۰

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

مرقومه مطاعه تحت نمره (۵۹۳۹) راجع به مهاجرت طایفه زردشتی و واگذاری

بعضی از خالصجات به طور استمهالی زیارت [شد]. به واسطه خشک سالی های پی در پی و فشارهای مختلفه این چند ساله اخیر مجبور به مهاجرت می شدند. امسال^(۱) سال خوبی شده و ضمناً اعلان شده است که مهاجرت را متروک دارند و حالیه جز اشخاصی که برای تجارت می روند، به عنوان مهاجرت نمی روند و از فشار هم جلوگیری شده است. در یزد هم خالصه نیست، ممکن است یک قسمت از خالصجات کرمان و اصفهان به طور استمهال به آنها واگذار شود که عسرت آنها مرتفع و از مهاجرت هم منصرف شوند. با آنها مذاکره کرده، عمده مهاجرت آنها از تعدی حکام بود و حالا که تعدی به آنها نمی شود، عجاله از خیال مهاجرت منصرف هستند.

معاوضه السلطنه

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب، ۳۰۱/۱/۱۵

[حاشیه ۲]: - ضبط شود.

[۲۹۰۰۰۷۴۶۴]

۱۹۴

وزارت جلیله داخله، ایالت فارس، نمره ۵۰، تاریخ [فروردین ۱۳۰۱]

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومه نمره ۳۴۷۲ راجع به زرتشتیان معروض می دارد، سابقاً تلگرافی راپورتاً ایفاد، قسمت عمده زرتشتیان در کرمان و یزد اقامت دارند. شیراز عده آنان بالغ بر پنجاه نفر نیست آنها را هم همه قسم از طرف دولت اطمینان و مساعدت و همراهی به

آنها داده و با کمال آسایش و دل‌گرمی متوقف و به کسب و تجارت خود مشغول و به هیچ وجه نگرانی ندارند و از خیال مسافرت منصرف هستند.

[مهر: ایالت فارس]، [امضا: نصره السلطنه]

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب ۱۳۰۱/۱/۲۲

[حاشیه ۲]: - ضبط شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۴۵]

* * *

۱۹۵

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی، نمره ۱۱۱۳۱

به تاریخ ۱۳۰۶/۸/۲۱

مقام محترم وزارت جلیله داخله

از نظمیه یزد راپورت می‌دهند که زردشتیان مقیم یزد شرکتی به نام (شرکت مزدیسنان)^(۱) با سرمایه ۲۵ هزار تومان در مقابل یک هزار سهم تأسیس نموده و منظور

۱ - موید رستم‌شهرزادی درباره زرتشتیان خوزستان، طی مسافرتی که در سال ۱۳۴۰ شمسی به آن سمت داشته چنین نگاشت: «در نزدیکی اهواز در کنار رود کارون، دهی شاداب و خرم به نام «کیان‌آباد» مشاهده می‌شود. این ده قریب ۴۰ سال پیش یعنی زمانی که شرکت سابق نفت هرگونه فعالیت کشاورزی را در آن خطه غیرممکن کرده بود به وسیله عده‌ای از زرتشتیان پراستقامت به وجود آمد و شاید برای اولین بار بود که همین کشاورزان زرتشتی از راه بالا کشیدن آب کارون به سطح زمین به وسیله تلمبه‌های نیرومند امکان ایجاد مزارع سبز و خرم را در صحرای خشک و سوزان خوزستان به هم‌میهنان خود آموختند. به راستی زحمات و فداکاری‌های بنیادگزاران «شرکت مزدیسنی» به ویژه یک عمر خدمت آقای فریدون رشیدی در این راه در خور هرگونه تمجید و تحسین است» (شهرزادی، رستم؛ «زرتشتیان خوزستان»، هوخ، س ۱۲، ش ۳، ص ۳۳).

از تأسیس شرکت مزبور فلاح و تجارت در خوزستان است و یک نفر نماینده (فریدون نام زردشتی) از طرف شرکت چند روز است به محرمه حرکت کرده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی - درگاهی، [امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: دفتر کل وزارت داخله، شماره ۳۴۵۷۵، تاریخ ۶/۸/۲۳]

[حاشیه ۲]: - اداره جنوب، ۸/۲۳

[حاشیه ۳]: - سواد راپورت فوق برای اطلاع حکومت خوزستان ارسال می شود. [امضا]

[۲۹۰۰۰۷۶۷۷]

۱۹۶

وزارت داخله، نمره ۳۵۵۲۵، تاریخ ۱۳۰۶/۹/۴

حکومت جلیله خوزستان

سواد مراسله آقای ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده محترم زرتشتیان راجع به تشکیل شرکتی از تجار زرتشتی برای امور فلاحی و آبادانی و عمران اراضی بایر حدود رود کارون و ناصری لفاً ارسال می شود. قدغن فرمایید نسبت به مرجوعات شرکت مزبور کمال تقویت و مساعدت به عمل آورده که موجبات پیشرفت آنها فراهم شود، نتیجه را هم اطلاع دهید.

[امضا]

[حاشیه]: - درجوف پاکت برای آقای ارباب بفرستند.

[۲۹۰۰۰۷۶۷۷]

۱۹۷

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی، دایره کابینه، نمره ۱۲۷۵۵

تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۳۰۷

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکته

از نظمیه بنادر راپورت می دهند قسمت عمده زردشتی های اتباع ایران مقیم یزد برای تهیه شغل و کسب مهاجرت به هندوستان می کنند و این اشخاص عموماً از زارعین یزد بوده و علت مهاجرت را اظهار می دارند به واسطه کمی آب در دهات اطراف یزد و نداشتن زراعت است. مراتب برای استحضار آن مقام منیع معروض می گردد.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی - سرتیپ درگاهی

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، تاریخ ۷/۸/۱۶، نمره ۵۴۳۹]

[حاشیه ۲ به خط رئیس الوزرا]: چرا نمی روند در خوزستان آبادی کنند؟ ۷/۸/۱۶

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۷۷}$]

۱۹۸

ریاست وزرا، نمره ۵۴۳۹، تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۰۷

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

راپرت نظمیه بنادر را در باب مهاجرت زردشتی های یزد به هندوستان که در طی مشروح نمره ۱۲۷۵۵ اعلام داشته بودید ملاحظه و اطلاع حاصل گردید. هرگاه زردشتی های فلاح علت مهاجرت خود را کمی آب قرای یزد می دانند چرا نمی روند در

اراضی خوزستان که به قدر کفایت آب دارد مشغول کشت و زرع گردند که از مملکت خودشان هم مهاجرت نکرده باشند.^(۱)

نصرالله سمیعی

[۱۲۵۰۰۳]
۱۷۷

* * *

۱۹۹

تشکیلات کل نظمیه مملکتی، نمره ۹۸، مورخه ۱۳۰۹/۹/۲۰، سواد راپورت نظمیه یزد

مقام عالی ریاست محترم کل تشکیلات نظمیه مملکتی دامت شوکته

با زیارت مرقومه مطاعه محرمانه نمره ۲۷۵۲/۲۰۹ صادره از اداره محترم کل تذکره متضمن سواد مرقومه وزارت جلیله داخله و سواد راپورت قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در بمبئی راجع به رفع اشکالات صدور جواز عبور و تذکره مرور مسافرت بمبئی جهت ایرانیان مقیم یزد محترماً به استحضار خاطر مبارک می‌رساند: اولاً

۱ - در سال ۱۳۳۳ ش. به پیشنهاد آقای فریدون رشیدی، انجمن زرتشتیان تهران تصمیمات و اقداماتی را برای کوچ دادن ۶۰۰ خانوار زرتشتی به خوزستان و استفاده از اراضی اطراف سد کرخه، صورت داد. مکاتبات و مذاکرات در این باره با وزارت کشاورزی نیز صورت گرفت و آنها قول مساعدت کامل برای این حرکت اقتصادی به انجمن مذکور دادند. انجمن زرتشتیان به منظور عملی شدن این تصمیم، به فکر ایجاد بانکی با سرمایه ۵ میلیون تومان افتاد و زرتشتیان نیز آمادگی خود را برای شرکت در این طرح اعلام نمودند. اما پس از این اقدامات وزارت کشاورزی در تاریخ ۱۳۳۳/۹/۲ به انجمن متذکر شد که نسبت به بهره‌برداری از اراضی واقعه در زیر سد کرخه این نتیجه به دست آمده که باید اقدامات فنی و برنامه‌ریزی‌های آبیاری صورت بگیرد و در صورت مقتضی، وزارت کشاورزی خود نسبت به فروش اراضی اقدام خواهد کرد!! ولی هیچگاه این اقدام صورت نگرفت. برای آگاهی از کل این داستان خواننده محترم می‌تواند به ماهنامه هوخ، سال پنجم، شماره‌های ۳ تا ۱۰ مراجعه نماید.

سخت‌گیری این قسمت در صدور تذکره مسافرت بمبئی برای اجرای مدلول دستورهای صادره از آن مقام عالی بوده که به صرف اظهارات تقاضاکنندگان قناعت ننموده و با رسیدگی و تحقیقات کامل در اطراف اظهارات و مدارک و دلایل آنها چنانچه محقق و محرز گردید در بمبئی دارای علاقه و خانه و یا خانواده بوده و مسافرتشان ضروری و عدم حرکتشان موجب خسران و ضرر آنان است در حدود مقررات نسبت به ایجاد تسهیلات مسافرت آنها و صدور تذکره اقدام شود.

ثانیاً هر آینه رعایت این موضوع نشود گذشته از این که برخلاف دستورهای واصله رفتار و اقدام شده امروزه بر اثر کسادى بازار کسب و عدم رواج امتعه وطنی و تعطیل بودن اکثر کارخانجات نساجی و قالی‌بافی یزد که کسب عمده یزد بوده و بیشتر اهالی از این راه ارتزاق می‌نموده و فعلاً بیکار می‌باشند اغلب در صدد مسافرت بمبئی برآمده و به کلی ترک علاقه از ایران نموده تقاضا [ی] صدور تذکره می‌نمایند کما این که در سنوات سابق قریب به چندین هزار نفر از ایرانیان مقیم یزد و اطراف آن که به عنوان کسب و غیره با تعهد مدت‌های معینه موفق به تحصیل جواز تذکره شده و به بمبئی مسافرت نموده مراجعت نکرده‌اند.

ثالثاً طبق سوابق موجوده از زمان ورود این جانب به یزد (اول سال جاری) تا حال معادل ۸۵ ورقه تعرفه تذکره جهت اشخاص ذی‌علاقه در بمبئی صادر و به اشخاص مربوطه تسلیم گردیده است و برای این که اشخاص بی‌بضاعت به خیال مهاجرت از ایران نیفتاده و حقیقتاً روی دقت و اطمینان جهت اشخاصی که دارای علاقه در بمبئی می‌باشند تذکره صادر گردد برای تأمین این منظور و حسن جریان امور همواره از طرف این قسمت بدو رسیدگی و تحقیقات لازمه به عمل آمده و بعداً در صورت حقانیت و اثبات صدق اظهارات تقاضاکنندگان به صدور تذکره عبور و مرور جهت آنان مبادرت

شده است. اینست مراتب که استحضاراً معروض داشت تا به هر نوع امر و مقرر فرمایند اطاعت نموده معمول دارد. منوط به امور مبارک است.

رئیس نظمیه یزد - امضا و مهر

سواد مطابق با اصل است. [امضا]

[حاشیه]: - سواد به وزارت خارجه [امضا]

[۲۹۰۰۰۴۵۱۰]

۲۰۰

تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره کل تذکره، نمره ۳۱۱۶/۲۵۱، تاریخ

۴ دی ماه ۱۳۰۹، ضمیمه دارد، محرمانه است

مقام محترم وزارت جلیله داخله

عطف به مرقومه محترمه نمره ۱۱۳۲۰ محتوی سواد راپرت قونسولگری دولت شاهنشاهی در بمبئی دایر به این که نسبت به ایرانیانی که قصد مسافرت به خارجه را دارند سخت گیری هایی می شود به خصوص در شهر یزد به استحضار آن وزارت جلیله می رساند مراتب به نظمیه یزد مراجعه و توضیح خواسته شد اینک سواد راپرت جوابیه نمره ۹۸ مورخه ۹/۹/۲۰. نظمیه مربوطه مشعر بر این که قریب چندین هزار نفر از ایرانیان مقیم یزد و اطراف که به علل کسادى شغل و کسب با تعهدات لازمه برای مدت معینه موفق به تحصیل تعرفه تذکره شده و به بمبئی مسافرت نموده و مراجعت نکرده اند لفاً تقدیم می گردد ملاحظه خواهند فرمود. مع هذا مجدداً دستور لازم به نظمیه آن جا صادر گردید در مورد ایرانیان ساکنین هندوستان و کلیه ایرانیان مقیمین خارجه که موقتاً به ایران آمده و قصد معاودت به محل مسکونی خود دارند برطبق متحدالمال

نمره $\frac{۳۴۸۸}{۴۹۵}$ بدون اخذ کفیل به صدور تعرفه اقدام و در کار آنها تسهیل نمایند.

۱۳۰۸/۴/۱

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی - سر تیپ

[امضا]

[حاشیه ۱]: - اداره دویم به وزارت خارجه سواد بفرستید.

[حاشیه ۲]: - سواد این مراسله به انضمام سواد ملفوف به وزات خارجه

[حاشیه ۳]: - [مهر: ثبت کل وزارت داخله، نمره محرمانه ۸۲۵، تاریخ ۹/۱۰/۸]

[۲۹۰۰۰۴۵۱۰]

۲۰۱

وزارت امور خارجه، اداره امور داخلی، اداره تذکره سجلات و تابعیت

نمره $\frac{۲۷۲۳۸}{۶۱۰-۳۲۰}$ ، تاریخ ۹/۱۲/۱۷ [۱۳۰]

وزارت جلیله داخله

عطفاً به مراسله نمره $\frac{۲۱۰۹۲}{۹/۸/۷}$ و در جواب مراسله نمره $\frac{۱۲۲۳۹}{۹/۹/۲۶}$ متضمن سواد راپرت نظمیه یزد راجع به اردشیر پسر بهرام چون از مضمون راپرت نظمیه یزد نمره ۳۳۷۲ چنین برمی آید که برای صدور تذکره مسافرت به طور عموم یا به هندوستان شرایطی از قبیل داشتن علاقه ملکی و کسب و تجارت لازم است. متمنی است اگر در این مورد مقرراتی وجود دارد از مبنای آن وزارت امور خارجه را مستحضر و اگر چنین سابقه [ای] در آن وزارت جلیله هم موجود نباشد مراتب را از نظمیه یزد استعلام فرمایند تا معلوم گردد آیا باید اردشیر پسر بهرام یا هر شخص دیگری که قصد مسافرت دارد واجد شرایط خاصی باشد و یا صدور تذکره برای این شخص به خصوص مانعی دارد؟ در صورت اولی مقرراتی را که چنین شرایطی را معلوم داشته توضیح دهند و در

صورتی که نظمیۀ نظر مخصوص به این شخص دارد که مانع از صدور تذکره برای او می باشد اگر مصلحت اداری اقتضا نماید وزارت امور خارجه را مستحضر نمایند.

[امضا : محمد تقی]، [مهر : وزارت امور خارجه]

[حاشیه ۱]: - اداره دویم. ۹/۱۲/۱۸ [۱۳۰]

[حاشیه ۲]: - سابقه

[حاشیه ۳]: - سواد برای حکومت یزد.

[حاشیه ۴]: - [مهر: ثبت کل وزارت داخله، نمره ۴۲۴۹۱، تاریخ ۱۲/۱۹/۱۳۰۹]

[۲۹۰۰۰۴۵۰۹]

* * *

۲۰۲

وزارت داخله، [نمره ندارد]، [تاریخ ۱۳۱۰ ش.]

احصائیه زردشتی ها

کرمان	۳۰۰	[نفر]
تهران	۶۰۵	"
یزد	— (۱)	

[۲۹۳۰۰۱۲۸۶]

* * *

۲۰۳

وزارت امور خارجه، اداره قنسولی، دایرة اقتصادیات، شماره ۲۶۴۱۴/۱۰۵۴۸

تاریخ ۱۶/۶/۲۰ [۱۳]

اداره تبلیغات و جلب سیاحان

از قنسولگری شاهنشاهی در کراچی گزارشی راجع به مشکلاتی که از جهت مسافرت دکتر کیقباد کنکا در ایران فراهم بوده به وزارت امور خارجه رسیده که رونوشت آن به پیوست ارسال می‌گردد. به طوری که آن اداره استحضار دارند علاوه بر این که در زاهدان یکی از سرحدات مهم کشور است اتومبیل سواری موجود نیست که مسافری بتوانند به راحتی به داخله کشور مسافرت نمایند، از آن جا تا تهران هم به استثنای مشهد به هیچ وجه وسایل راحتی مسافری از جهت مهمانخانه و غذا فراهم نیست و از این جهت اسباب زحمت کلیه مسافری محترمی که از این راه عبور و مرور می‌کنند فراهم و مستلزم این است توجهی مبذول شود که در زاهدان همیشه یکی دو اتومبیل سواری وجود و مخصوصاً اقدامی فرمایند که در آن جا و سایر شهرهای مهم بین راه مهمانخانه‌های^(۱) مناسبی به تناسب محل تهیه گردد که وسایل راحتی مسافری آماده شده و سیاحان و مسافری بتوانند با آسودگی^(۲) در کشور مسافرت نمایند.

رئیس اداره قنسولی - نادر آراسته، [امضا]

[حاشیه]: - به حکومت مکران نوشته شود که چه فکری برای این امر خواهند کرد؟

[۱۳۱۶]/۶/۲۲

[۲۹۰۰۰۷۴۵۸]

۱ - اصل: مهمانخانه‌ای.

۲ - اصل: آسوده‌گی.

۲۰۴

وزارت امور خارجه، [نمره ندارد]، [تاریخ ندارد]

[رونوشت گزارش کنسولگری شاهنشاهی در کراچی]

وزارت امور خارجه

به طوری که ضمن گزارش شماره ۷۴ سالمه ۱۶/۱/۱۴ به عرض رسانید دکتر کیقباد و خانمش هر دو از پارسی های ذی نفوذ کراچی می باشند که برای اولین دفعه به ایران مسافرت می نمایند و به عرض رسانید معامله و رفتاری را که مأمورین ما در سرحدات و در داخله نسبت به آنها می نمایند اثر مهمی نسبت به تبلیغات آنها مابین پارسی ها در مراجعت از ایران خواهد داشت. متأسفانه ورود آنها به سرحد زاهدان و خروج از سرحد بوشهر توأم با مشکلاتی بوده که آنها را به طور کلی از مسافرت خود ناراضی نموده است.

البته تصدیق می فرمایید اگر در حله اول ورود به یک مملکتی به مسافری بد بگذرد همواره این منظره و رفتار در نظرش مانده و فراموش نمی کند ولو بعداً به او خوش بگذرد. نسبت به این مسافرین هم در زاهدان و هم در بوشهر یعنی در موقع ورود و خروج از ایران هر دو بد گذشته و به واسطه نداشتن وسایل آسایش و مشکلات ناخوش شده و هنوز هم که مدتی است می گذرد به حال نیامده اند و البته شرح ما وقع را به اطلاع کسان خود می رسانند که مخالف آنچه در این جا تبلیغات می نماییم می باشد. حقیقتاً اگر مایل به جلب جهانگرد می باشند بایست این مشکلات را مرتفع نمایند که جهانگرد رغبت نماید به ایران مسافرت نموده پول خرج نماید والا دیوانه که نیست پول خرج کند و خود را دچار زحمت نماید. برای این که اداره جهانگردی مخصوصاً از مشکلات بالا نامبرده آگاه بوده و اقداماتی برای رفع آنها بنمایند به عرض می رساند که طبق اظهارات مسافرین وقتی مسافر وارد زاهدان می شود نه جایی دارد که زندگانی نماید و نه خوراک

مناسبی می‌تواند تحصیل نماید. مخصوصاً که وسیله حمل و نقل هم کمتر پیدا شود و مسافر مجبوراً چند روزی بایست در آنجا معطل شود تا اتفاقاً اتومبیلی پیدا شده آنها را به سمت مقصود ببرد. از طرف دیگر در هیچ جا معمول نیست وقتی اشیای مسافری را مأمورین گمرک معاینه نموده، اجازه دادند مسافر همراه خودش ببرد، دیگر دوباره آنها را در شهر و قصبه بازرسی نمایند، مخصوصاً که آن مسافرین خارجی و از خارج مملکت هم آمده باشند. از قرار اظهار دکتر کنکا اشیای او را از زاهدان تا تهران بیشتر از شش مرتبه بازرسی نموده و حتی دو مرتبه آن هم شب بوده و کاملاً وسایل ناراحتی آنها را فراهم نموده‌اند. اوضاع بوشهر هم بهتر از وضعیات زاهدان نیست. با عرض مراتب بالا نام‌برده، مستدعی است اوامری برای تهیه وسایل آسایش واردین خارجی و موقوف نمودن بازرسی‌های بی‌موقع به عهده اداره جهانگردان و اداره کل شهربانی صادره و از نتیجه هم این قنصلگری را مستحضر فرمایید.

قنصل شاهنشاهی

[۲۹۰۰۰۷۴۵۸]

* * *

۲۰۵

اداره کل فلاحه، [تاریخ] ۱۴/آبان/۱۳۱۶، رونوشت نامه

انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی

ریاست محترم اداره کل فلاحه

پس از اظهار سپاس‌گزاری در پاسخ نامه شماره ۱۲۲۲۹/۴۵۰۹ مورخ ۱۶/۵/۲۷، محترماً زحمت‌افزا می‌گردد که چون کشاورزان یزد به واسطه بی‌آبی و خشک‌سالی دایمی همواره در بدر و پریشان روزگار و به هندوستان پناهنده می‌شوند و برای آن که

بتوان آنها را از این بدبختی نجات داد این انجمن خیال دارد قریباً صد الی دویست نفر کشاورزان زرتشتی خبره و بصیر ساکن یزد یا مهاجرین هندوستان را برای زراعت و اقامت در خوزستان تشویق و آنها را با کمک و مساعدت خود به آن خاک اعزام دارد^(۱) و برای آن که هیأت این انجمن قبل از اقدام به عملیات خود بتواند پیش‌بینی کار را بنماید از آن مقام محترم تقاضا می‌شود که از جواب سؤالات ذیل در اولین فرصت این انجمن را آگاه فرمایند که شوه^(۲) سپاس‌گزاری خواهد بود:

۱- آیا دولت شاهنشاهی در هر نقطه از خوزستان، اطراف کرخه یا کارون زمین را مجانی به ملکیت کشاورزان خارج از خوزستان واگذار می‌نماید؟

۲- و اگر این انجمن با مخارج خود کشاورزان بصیر را در خوزستان جلب نماید دولت به نسبت عده زارعین اراضی را مجاناً به ملکیت انجمن واگذار نموده و تا چه حد در موارد عمل فلاحیت مساعدت خواهد کرد؟

۳- در حوالی دزفول، شوشتر یا بالای اهواز در نزدیکی خط آهن و رودخانه دایمی زمین وسیع برای واگذاری به ملکیت مجانی به این انجمن یا کشاورزان یزدی موجود است؟

۴- اگر زارع یا این انجمن به توسط تلمبه از آب شط کارون یا کرخه استفاده بنماید در آن مورد عوارضی باید پرداخت؟

۱ - در شرح احوال فرزانه «دینشاه ایرانی» (سند شماره ۱۸۰) آورده‌ام که مشارالیه در صدد بود که مهاجرنشین زرتشتی برای آبادانی اراضی خوزستان فراهم کند اما درگذشت مشارالیه در سال ۱۳۱۷ ش. این طرح را کان لم‌یکن باقی گذاشت. این اسناد مکاتباتی است که در این باره بین «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» و مقامات ایرانی صورت گرفته است.

۲ - شوه = سبب، دلیل.

۵- شرایط اراضی ملکی که دولت مجاناً واگذار می نماید چیست و چه عوارضی را باید پرداخت؟

۶- برای اقامت و فلاح و مخارج پنجاه نفر زارع چه مقدار سرمایه لازم می شود؟
۷- این انجمن مایل است در صورت امکان یک مهاجرنشین بزرگی از زرتشتی قریب دوست خانوار در بهترین نقطه خوزستان تشکیل دهد آیا مهندسین دولت کدام نقطه را تصویب می نمایند؟

۸- در صورتی که انجمن خواسته باشد به پیشرفت منظور خود اقدام نماید یک نفر را برای معاینه اراضی خوزستان و تعیین نقطه عملیات خود به ایران اعزام خواهد داشت آیا دولت شاهنشاهی به توسط مهندسین و ادارات مربوطه خود تا چه حد به مشارالیه مساعدت کرده وسایل تسهیلش را فراهم خواهند کرد؟

قبل از اختتام نامه لزوماً محض مزید اطلاع آن مقام محترم اشعار می دارد که چون کشاورزان یزد جرأت اقدام به مهاجرت به خوزستان را ندارند و چون این انجمن مرامش خدمت به خاک میهن و برادران در بدر ایرانی خود است و چنان که اشاره شد برای نجات آنان از مرض مهلک بی آبی یزد و اقامت ابدی در آن خاک و یا مهاجرتشان به هندوستان به چنین عملیات سنگینی در خارج از قوه خود خواهد نمود و هیچ گونه منظور منافع مادی برای خویش در نظر نداشته، بلکه کلیه آن راجع به کشاورزان خواهد بود.

بدیهی است در این صورت آن مقام محترم هم در حدود قوه خود و مقررات قانون برای پیشرفت این منظور چنانچه این انجمن پس از تصویب هیأت عامله و تهیه سرمایه ابتدایی اقدام نمود در مساعدت و راهنمایی در هرگونه موارد دریغ و مضایقه ای نخواهند

فرمود. با تقدیم احترامات فائمه.

سپاس‌دار،^(۱) سکرتری و خزانه‌دار^(۲) افتخاری

[۱۲۵۰۰۳ / ۱۹۰]

۲۰۶

اداره کل فلاحه، نمره ۲۴۵۹۱، تاریخ ۱۳۱۶/۹/۲۴

مقام ریاست وزرا

با تقدیم رونوشت نامه انجمن زرتشتیان ایرانی مقیم بمبئی دایر به استفسار اطلاعاتی جهت کوچ دادن زارعین یزدی و مهاجرین هندوستان به خوزستان و تشویق آنها با کمک و مساعدت انجمن به امر زراعت مستدعی است مقرر فرماید نظریه مبارک را نسبت به اصل موضوع مرقوم فرمایند که ضمن اعلام آن در صورت مثبت جواب سؤالات انجمن نیز به طور مشروح داده شود.

ضمناً به استحضار خاطر مبارک می‌رساند چنانچه اصولاً با اجرای این نظریه موافقت گردد، ممکن است زیر سد شاهپور که زمین و همه گونه وسایل زراعت به حد کافی موجود است، مهاجرین مذکور را سکونت داده و موجبات تشویق و ترغیب آنها را به امر زراعت فراهم نمود.

رئیس اداره کل فلاحه

[امضا : رخشانی]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۱۶/۱۰/۶، نمره: ۱۴۰۵۵]

۱ - اصل: سپاسوار.

۲ - اصل: خزاندار.

[حاشیه ۲]: - به عرض برسد. ۱۶/۱۰/۶

[حاشیه ۳]: - رونوشت گزارش ضمیمه به دفتر مخصوص تقدیم و کسب تکلیف شود.

۱۶/۱۰/۷

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۰

۲۰۷

دفتر مخصوص شاهنشاهی، نمره ۶۷۳۰، [تاریخ] ۱۳۱۶/۱۰/۱۵

ریاست وزرا

در پاسخ نامه شماره ۱۴۰۵۵ راجع به تقاضای انجمن زردشتیان بمبئی درخصوص آمدن عده [ای] از زردشتیان به خوزستان حسب الامر مطاع مبارک شاهنشاهی ابلاغ می نماید قدغن فرمایید به آنها جواب بدهند که خوزستان برای این منظور مناسب نیست و گرگان هم از حیث آب و هوا و هم از جهت استعداد فلاحی مناسب تر خواهد بود در صورتی که مایل هستند می توانند به آن جا عزیمت نمایند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا: حسین]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ: ۱۶/۱۰/۱۶، نمره: ۱۴۴۸۳]

[حاشیه ۲]: - فوری است، آقای روحانی، سابقه را ضمیمه کنید و از همین قرار جواب بدهید.

۱۶/۱۰/۱۶

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۰

۲۰۸

اداره کل فلاح، اداره امور فلاحی، نمره ۶۱۴۴/۲۷۳۹، تاریخ ۱۳۱۷/۲/۱۴

مقام ریاست وزرا

بر اثر وصول امریه نمره ۱۴۴۸۳ مورخ ۱۶/۱۰/۱۹ راجع به تقاضای انجمن زردشتیان بمبئی معروض می دارد به طوری که مقرر شده بود به انجمن مذکور ابلاغ شد چون ناحیه گرگان از حیث آب و هوا و استعداد فلاحی مناسب تر است ایرانیانی که مایلند می توانند به آن جا عازم و به فلاح اشتغال ورزند. اینک شرحی نوشته اند مبنی بر این که در صورت امکان شرایط واگذاری^(۱) اراضی بخش گرگان برای زراعت با توضیحات لازم برای اطلاع آنها ابلاغ شود تا پس از بررسی به فوریت شروع به اقدام نموده و مهاجرین ایرانی را از هندوستان که آینده تاریکی را نشان می دهد نجات داده به مرز و بوم باستانی خویش رجعت دهند با عطف توجه به عرایض فوق متمنی است اوامر مقتضی صادر فرمایند تا به انجمن فوق ابلاغ شود.

رئیس کل فلاح

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا؛ شماره: ۲۱۲۲، به تاریخ: ۱۷/۲/۱۵]

[حاشیه ۲]: - سابقه ضمیمه شود. ۱۷/۲/۱۵

[حاشیه ۳]: - آقای برومند مذاکره فرمایید. ۱۷/۲/۱۸

[۱۲۵۰۰۳ / ۱۹۰]

۲۰۹

ریاست وزرا، نمره ۲۱۲۲، تاریخ ۱۷/۲/۲۱، مستقیم

اداره کل فلاحات

گزارش شماره $\frac{۶۱۴۴}{۲۷۳۹}$ مورخه ۱۷/۲/۱۴ در موضوع شرایط واگذاری اراضی گرگان
برای زراعت مهاجرین زرتشتی واصل گردید. مقتضی است توضیحات کامل به اداره
املاک اختصاصی بدهید که اقدام مقتضی به عمل آورند.

رئیس الوزرا

[حاشیه]: - به اداره املاک اختصاصی بدهید که اقدام مقتضی به عمل آورند.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۰}$]

* * *

۲۱۰

وزارت دارایی، قسمت اقتصادی، نمره ۳۷۱، تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۲۰، رونوشت
گزارش آقای خوش کیش از کراچی، محرمانه، موضوع: زردشتیهای مقیم هندوستان

وزارت دارایی - قسمت اقتصادی

توقیراً اشعار می دارد، تعداد زردشتیهای مقیم هندوستان تقریباً در حدود ۸۰ تا ۱۰۰
هزار می باشد که اغلب از تجار بزرگ و اشخاص ثروتمند می باشند و آن طور که معلوم
گردیده تمام آنها با علاقه خاصی ناظر پیشرفتهای کشور ما می باشند و از ترقیاتی که در
ظل توجهات بندگان اعلی حضرت ما ارواحناده نصیب کشور ایران گردیده آگاه بوده و
نسبت به ایران که همیشه آن را وطن اصلی خود می دانند، میل مفرطی نشان می دهند.
حتی در بعضی از مجامع نطق های مفصلی راجع به ایران و شاهنشاه معظم ما نموده و در
موقعی که با فرد فرد آنها گفتگو می شود با احساسات مخصوصی پیشرفتهای شایان
دولت ایران را طالبند و اغلب حاضرند در صورتی که وسایل فراهم گردد، دوباره به ایران

معاودت نمایند. مخصوصاً در این موقع که اغلب، اختلافاتی بین دسته‌های هندو و مسلمان پیش می‌آید بیشتر زردشتیها را از ماندن در هندوستان که سرانجام آنها معلوم نیست مأیوس می‌نماید و موقع بسیار متناسبی است که آنها را با سرمایه‌هایشان به سوی کشور خودمان جلب نماییم. مراتب به طور محرمانه گزارش می‌شود تا در صورتی که اقداماتی در این باب لازم باشد مقدمات آن فراهم گردد هر آینه تصمیمی در این باب اتخاذ گردد مأمورین سیاسی ما در هندوستان می‌توانند اقدامات موثری معمول دارند.

منوط به نظریه اولیای دولت می‌باشد - خوش‌کیش

- رونوشت برابر با اصل است. ۱۳۲۰/۵/۲۹ [امضا]

[۱۲۵۰۰۳ / ۱۹۲]

۲۱۱

وزارت دارایی، دفتر وزیر، نمره ۱۴۵۳ / م، تاریخ ۱۳۲۰/۵/۲۹

ضمیمه: یک برگ، محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت گزارش شماره (۳۷۱) آقای خوش‌کیش نماینده این وزارت در هندوستان راجع به زردشتیهای مقیم آن جا تلواً برای استحضار تقدیم می‌شود.

کفیل وزارت دارایی

[امضا]

[حاشیه ۱]: - در هیأت وزیران مطرح شود [امضا]

[حاشیه ۲]: - رونوشت به وزارت امور خارجه فرستاده شود. ۲۰/۶/۱۰

[۱۲۵۰۰۳ / ۱۹۲]

فصل هفتم

تغییر مذهب

زرتشتیان آیین خود را «به دین» می‌نامند، بدین معنا که خویش را - مانند یهودیان - قوم برگزیده می‌خوانند و تنها خون خود را پاک می‌شمرند. تبعات این اعتقاد بسیار است من جمله آن که زرتشتیان برای گسترش مذهب خود تبلیغ را روا نمی‌شمارند زیرا زرتشتی شدن دیگران - که خون زرتشتی در رگ‌هایشان جریان ندارد - امری بی‌معنا است. دیگر آن که ازدواج با غیر از خود را پسندیده نمی‌دانند، چرا که فرزندان حاصل از این گونه ازدواج‌ها، خون غیرزرتشتی نیز در وجودشان جریان می‌یابد و دیگر نمی‌توان این فرزندان را به عنوان پیروان آیین مزدیسنی - حتی با تمایل خودشان - پذیرفت.

بنابراین رویه، زرتشتیان تغییر مذهب را یکی از سنگین‌ترین لطماتی می‌دانند که بر پیکره آیینشان وارد می‌آید. در طول تاریخ این طایفه، یکی از اساسی‌ترین مشکلات آنها، همین امر بوده و قبول جزیه، تحمل مصائب و مهاجرت‌های پی در پی، تدافعاتی بوده که به تبع این اعتقاد راسخ صورت گرفته است.

در تاریخ معاصر، حساسیت این اعتقاد درباره دختران و دوشیزگان زرتشتی، خود را بسیار عمیق‌تر نشان داده؛ در سند شماره ۱ آمد که مانکجی صاحب در نامه‌اش به انجمن یزد، در چندین موضع از مسلمان شدن دختران زرتشتی اظهار نگرانی کرده و چاره‌اندیشی در این زمینه را از وظایف آن انجمن شمرده است. در احکام مذهبی دیانت حضرت زرتشت نیز چنین می‌خوانیم: «این از برای من خشن‌ترین کاری است که مردان، ستم‌کاری می‌کنند و دختری را از راه به درمی‌کنند».^(۱) بنابراین هر جا که واقعه تغییر

مذهب - خصوصاً از جانب دختران - روی داده، زرتشتیان سریعاً عکس‌العمل نشان داده و در مکاتبات و گفته‌های خود از آن به «فریفته شدن» یا «گول خوردن» یاد کرده‌اند. مانکجی در نطقی که در جشن الغای جزیه ایراد کرد، گفت: «و نیز غفلت‌هایی که این گروه دارد یکی این است که پسران و دختران که می‌باید روزگار کمی پس از رسیدن و خود شناختن، همسر گیرند، کوتاهی کرده سالیان دراز بی‌همسر می‌گذرانند و چون این خواهش هر یک از دختر و پسر سرشتی است و چاره‌جویی در این کار به جز نگاه‌داری و پاک‌دامنی خودشان از دیگر کس برنیاید، ناچار فریفته دیگران شده و ترک آیین خودشان می‌کردند».^(۱)

اما واقعیت مطلب این است که در تمام جوامع بشری، تغییر مذهب امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. هر شخصی بنا به خواسته‌های مطلوب خود - چه منطقی و چه غیر منطقی - عقیده‌ای را برمی‌گزیند و بالتبع در همان لحظه عقیده‌ای را از دست می‌دهد، اما زرتشتیان در مقابل تغییر مذهب همکیشان خود، همیشه برخورد کرده‌اند. مانکجی حتی یکی از سؤالات چهارده‌گانه خود از حاج شیخ مرتضی انصاری^(۲) را به همین مطلب اختصاص داد تا بتواند از طریق حکم فقیه عالی قدر عالم تشیع، از این روند جلوگیری نماید: «[....] در ممالک محروسه ایران مکرر دیده شده که گاهی حکام عرف و وقتی حکام شرع یا بزرگان ولایت دختر و جیهه که از اهل ذمّی می‌بینند به انواع و اقسام حيله و بهانه او را فریب داده و به زوجیت خود درمی‌آورند. حال آن که دختران مزبور به هیچ وجه راضی به تن در دادن و قبول اسلام نیستند. آیا این نوع دختران مطیع‌الاسلام که جزیه مقرری را بر وفق شرع انور داده و از اطاعت اولیای دولت و امنای شریعت

۱ - ه. ر. فرهنگ، «حیات اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان در یک قرن ونیم پیش»؛ فروهر، س ۱۱، ش ۷، ص ۱۵.

۲ - ر. ک: فصل مانکجی صاحب، مقدمه.

سرپیچی نداشته به حيله و فريب ضبط کردن و به زوجيت خویش درآوردن جایز است یا نه؟»

شیخ انصاری نیز جواب سؤال مانکجی را این گونه نوشت: «اسلام به جبر مقبول نیست. اما دعوی جبر هم مسموع نیست، خصوصاً بعد از عقد و نکاح».^(۱)

گرچه شواهد تاریخی وجود دارد که به زور مسلمان کردن دختران اهل مذاهب دیگر در ایران بعضاً وجود داشته^(۲) اما این وقایع را که از جانب حکام بی بندوبار و یا جاهلان و اوباش صورت گرفته نبایست به حساب دستور شرع و یا حکم جاری فقهای وسیع النظر گذاشت. فی الواقع اگر زرتشتیان از تغییر مذهب دختران خود دلخوش نبوده اند می بایست اشکال را در سیستم تربیتی یا اداره مذهب خود جستجو کنند نه در جامعه اسلامی که کشش ها و جاذبه هایی نیز از خود نشان می داده و جوانان زرتشتی را به خود جذب می نموده مضافاً آن که در پی اسلام آوردن دیگران، مسلمین این وقایع را با جشن و شادی نیز همراه می کرده اند و مشخص است که این پای کوبی امر را بر زرتشتیان بیش از پیش مشتبّه می ساخته است.

در طی مطالعه اسناد و اوراق تاریخی درمی یابیم که زرتشتیان مهمترین دلیل تغییر مذهب را مسأله ازدواج بیان داشته اند. مانکجی صاحب برای این قضیه تدابیری اندیشید

۱ - شهزادی، رستم؛ «حالت زرتشتیان در یک قرن پیش»؛ هوخ، س ۳، ش ۶، ص ۷.

۲ - آقای باستانی باریزی در مقاله ای تحت عنوان «مبانی تساهل اجتماعی در کرمان» چنین نوشته اند: «بعضی از دوستان می گویند تو ببخود از روحیه گذشت و همکاری کرمانی این همه صحبت می کنی، مگر در همین کرمان نبوده است که دختر زرتشتی را مجبور به قبول اسلام کرده اند مگر در همین شهر نبوده که روزهای بارانی نمی گذاشتند زرتشتیان بیرون بیایند [.....] من در جواب می گویم، چرا همین طور بوده است ولی گاهی، نه همیشه» (چیستا، س ۱۱، ش ۱۰، ص ۸۸۲).

که از آن جمله تهیه جهیزیه برای دختران فقیر زرتشتی بود. میرزا سروش لهراسب^(۱) در مصاحبه‌ای به سال ۱۳۴۸ ش. چنین گفته است: «اغلب به خاطر دارند که تا سی سال قبل هر ساله در ماه مهر تعدادی از دختران زرتشتی که توقّفشان در یزد مصلحت نبود توسط انجمن زرتشتیان یزد به آن دیار [هندوستان] گسیل می‌شدند».^(۲) حتی نگارنده ملاحظه نمود علی‌رغم حکم کراحت تعدد زوجات در آیین زرتشتی، موبد بزرگ زرتشتیان - مرحوم موبد رستم شهزادی - برای اصلاح این ماجرا پیشنهاد نمود که حکم تعدد زوجات اجرا شود تا دختران بی سرو سامان و بدون شوهر بتوانند در ظلّ آیین زرتشتی باقی بمانند! و البته این پیشنهاد با مخالفت‌های بسیاری از جانب زرتشتیان روبرو گردید. به هر حال زرتشتیان در اثر تلاش و پی‌گیری متتابع توانستند دستور ذیل را از مرکز دولتی دریافت دارند: «هرگاه یکی از اهل این طایفه می‌خواهد اسلام قبول کند به موجب فرمان قضا جریان دولتی، باید پدر در دیوانخانه عدلیه رود و بپذیرد و هرگاه در خانه یکی از علمای اعلام کثرالله امثالهم می‌رفته، می‌بایست تا سه روز مهلت داشته باشد تا پدر و مادر و اقارب با او صحبت کرده سبب او را ببینند و آن هم نه زن حامله شوهردار باشد».^(۳) اما واضح است که این قوانین و ترفندها در جامعه‌ای که مسؤولان دولتی خود مایل بوده‌اند که زرتشتیان مسلمان شوند نه کارایی داشته است و نه توانایی جلوگیری از این امر اجتناب‌ناپذیر.

در دوران پهلوی که اختلاط جامعه زرتشتی با جامعه مسلمان - یا جوامع مذهبی دیگر - بیشتر گردید، ازدواج پسران زرتشتی با دختران غیرزرتشتی نیز بر این مشکل

۱ - ر.ک: سند شماره ۱۵۰.

۲ - مصاحبه با آقای «سروش لهراسب»: هوخت، س ۲۰، ش ۵، ص ۷-۸.

۳ - سروشیان، جمشید؛ «گزیده‌ای از گزارشات انجمن کرمان»؛ فروهر، س ۱۸، ش ۱، ص ۱۲.

افزود. موبد شهزادی سابق‌الذکر، عدم توانایی حلّ این مشکل را صراحتاً بیان داشته است: «عده‌ای از جوانان ما هر ساله با دختران غیرزرتشتی ازدواج کرده، خود و فرزندان‌شان، خواهی نخواهی از جرگه ما خارج می‌شوند. زیرا ما رسماً اطفال آنان را به کیش خود نپذیرفته از خود می‌رانیم و بدبختانه قدرت آن را هم نداریم که جوانان خود را از ازدواج با بیگانگان بازداریم. در این باره باید چاره‌اندیشی نمود»^(۱)

اما باید گفت تا بحث مذهب در جوامع بشری وجود دارد، تغییر مذهب را نمی‌توان مهار نمود و جلوگیری از این پدیده نیز کاری عبث، بیهوده و بدون نتیجه خواهد بود. اسنادی که در این فصل ارائه می‌شود، کلاً مربوط به اسلام آوردن دختران زرتشتی در دوره زمامداران پهلوی است. دقت در مندرجات این اسناد دلایل و نتایج این واقعه را به خوبی نشان می‌دهد که مستغنی از شرح و بسطی بیش از این مقدمه می‌باشد.^(۲)

۱ - شهزادی، رستم؛ «اوّل خویش بعد درویش»؛ هوخ، س ۱، ش ۵، ص ۱۲.

۲ - اشاره‌ای به موضوع تغییر مذهب دادن زرتشتیان در سند شماره ۲۷۱ نیز شده است.

وزارت داخله، حکومت یزد، نمره ۳۷۸۲، مورخه ۱۷ اسفند ۱۳۰۶، راپرت

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

چند روز قبل راپرتی از نایب‌الحکومه میید رسید که دختر اسفندیار زردشتی ساکن حسین آباد میید به خانه آقاسیدسعید غرورآبادی رفته و به دین حنیف اسلام وارد شده است. فوراً به نایب‌الحکومه مزبور تعلیمات داده شد که در این خصوص تحقیقات لازمه را نموده که آیا دختر به میل خود تغیر مذهب داده یا این که محرکی باعث تبدیل عقیده او گشته است و اگر اشخاص دخالت در این امر داشته‌اند روانه شهر نمایند تا حضوراً رسیدگی به عمل آید.

و از طرف انجمن زردشتی هم شکایت می‌نماید که دختر را اغوا نموده‌اند مسلمان شده است و جداً در این بین اهالی میید اجتماع نموده و در صدد برآمده‌اند که مشارالیه را به عقد علی نام چوبدار درآورند. گرچه مطلب قابل اهمیت نبود ولی به واسطه جهل و نادانی اهالی ممکن بود حادثه سوئی رخ دهد. لذا از نقطه نظر حفظ انتظامات فوراً نایب‌الحکومه آن جا را تغیر داده و امورات محل را به صاحب منصب امنیه واگذار نمود

و بعداً هم مأمور مخصوص برای این کار اعزام داشت که در محل با حضور جمعی از معتمدین و علما مجلسی تشکیل داده و از دختر تحقیقات به عمل آید که آیا حقیقتاً و به صرافت طبع تغییر مذهب داده یا به تحریک اشخاص بوده است. ولی در نتیجه تحقیقات و تفتیشات این طور اطلاع می دهند که دختر در حضور جمعی اقرار و اظهار کرد که به میل و دل خواه خود مشرف به دین اسلام گشته و فقط محرک و باعث این کار خوابی بوده است که مشارالیه را دلالت بر این راه نموده و صبح همان شبی که خواب دیده است در منزل آقاسیدسعید برای قبول دین اسلام حاضر شده است.

پس از این که تا درجه [ای] روشن شد مطلب از چه قرار بوده است و در واقع محرکی در کار نبوده است از طرف حضرات زردشتی ها هم دیگر تجدید شکایتی نشد و مسأله تا این تاریخ به طور سلامت و نهایت امنیت خاتمه یافته است. بعداً اگر قضیه [ای] پیش آید که لازم باشد مجدداً خاطر مبارک را مستحضر خواهد داشت.

حکومت یزد

[امضا: مهدیقلی]، [مهر: حکومت یزد]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، شماره ۴۷۳۱۴، تاریخ ۱۳۰۶/۱۲/۱۵]

[حاشیه ۲]: - به عرض برسد.

[حاشیه ۳]: - سواد به دفتر مخصوص شاهنشاهی نوشته شود، ۱۳۰۶/۱۲/۱۸]

[۲۹۰۰۰۷۴۶۵]

۲۱۳

یزد جلسه دانش پژوه بانوان زرتشتی یزد، نمره ۲/۷، تاریخ

۲۲ فروردین ۱۳۱۴ / آپریل ۱۹۳۵

به پیشگاه مستطاب حضرت اجل امجد عالی آقای ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده محبوب زرتشتیان

دامت عظمته

در تعقیب عریضه مورخه ۱۴/۱/۱۰ در تحت نمره ۱/۷ مجدداً مضطراً معروض

می دارد:

پیشب، یعنی نیمه شب بیستم فروردین ۱۴، چهار نفر که سه نفر آنها از اهالی فیروزآباد
 میبد و چهارمی قصاب محل بود، رو بسته وارد منزل خدابخش نامی ساکن مزرعه کلاتر
 می شوند. خود خدابخش در منزل حاضر نبود، زن خدابخش را با چهار نفر بچه های
 خودش در اطاق محبوس کرده، تهدید نمودند که اگر حرف می زنید یا جیغ و داد می کنید
 کشته می شوید.

این مشیت زن و بچه های بی گناه هم جرأت اظهار کلمه یا جلوگیری نداشتند در این
 بین دختر خدابخش مزبور را که صاحب شوهر و اولاد است و در عریضه قبل راجع به او
 گوشزد کرده بودیم با مبلغ ۲۷۲ تومان نقدینه و مقداری اثاثیه و حشیانه می برند. بیچاره
 اهالی ده با اضطراب و توحش فوق العاده مثل آدم های دیوانه این طرف و آن طرف در پی
 چاره هستند. عجله دختر را برده اند منزل یکی از مجتهدین فیروزآباد و در آن جاست
 ولی هنوز مسلمان نکرده اند.

خلاصه، دختران ما، ناموس ما، اموال ما، حیثیات ما و همه چیز ما در مورد غارت و
 تعدی است. خواب نداریم، حواس^(۱) و اطمینان از هیچ راهی نداریم، حتی دختران

ساده خود را نمی‌توانیم به مدرسه بفرستیم، برای این که گوشه و کنار زیرنشین دارند. دست ما به دامان حضرت مستطاب، عالی، ما بعد از خداوند بزرگ نظرمان به لطف عمیم مبارکتان است که عرایض عاجزانه ما را به سمع مقدس پدر تاجدارمان، اعلیٰ حضرت رضاشاه کبیر برسانید و تقاضای رفع این کثافت کاری‌های وحشیانه و خراب‌کاری‌های مفسدانه بفرمایید که ناموس و حیثیات ما محفوظ و مصون باشد. با تقدیم احترامات فائقه و منتظر نتیجه.

از طرف جلسه دانش‌پژوه زنان زرتشتی یزد. آذرمدخت کی‌نژاد

[امضا و مهر]

[۲۹۰۰۰۰۳۸۷]

۲۱۴

وزارت داخله، اداره سیاسی، نمره ۱۷۶، مورخه ۱۳۰/۱/۱۳ [۱۳]

سواد مشروحه انجمن زردشتیان

موقع رفیع مقام محترم حکومت جلیله یزد و مضافات دامت شوکته

توقیراً به عرض می‌رساند حقیقتاً مساعدات بی‌دریغانه و اقدامات بی‌غرضانه شخص شخیص حضرت اجل عالی راجع به شیرین خدابخش زرتشتی مزرعه کلاتری که به دسیسه و خدعه او را به فیروزآباد برده‌اند مسلمان نمایند، این انجمن صمیمانه تشکرات فایقه را تقدیم نموده، امیدواریم امثال حضرت اجل عالی که واقعاً نیک‌نفس و خیراندیش و جدی و فعال می‌باشند روزافزون باشند. این اقدام فوری و استخلاص دختر بیچاره و آوردنش به شهر فزون موجب اثرات نیک و جلوگیری از زحمات و آسایش آتیه است. مستدعی است مساعدات خیرخواهانه خود را تعقیب و در محاکمات

بذل مرحمت و عطوفتی فرمایند که متعرضین تنبیه گردیده، من بعد گرد چنین عملیات که باعث تولید غرض و نفاق بین افراد یک مملکتی و اسباب زحمت برای اولیای دولت ابد مدت است نگردند. در خاتمه احترامات خالصانه و تشکرات صمیمانه را تقدیم می نمایم. توضیحاً حسب الوظیفه تلگرافاً به تهران نیز اظهار تشکر و قدردانی از اقدامات خیرخواهانه حضرت اجل مخابره شده است.

انجمن زرتشتیان یزد - محل مهر و امضا

سواد مطابق سواد است.

[۱۲۵۰۰۳]
۱۸۵

۲۱۵

اول اردیبهشت ۱۳۱۴

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

مرقومه مبارکه شماره ۵۳۷۵/۳۷۱ زیارت و از بذل توجهاتی که فرموده اید مورد نهایت تشکر است. بدیهی است دختری را که چند شبانه روز احاطه نمایند و هیچ یک از بستگان نزدیک نباشند، جز این نتوان انتظار داشت. بدیهی است اگر او را فارغ می گذاشتند و از نزدیک شدن بستگان ممانعتی نبود، عمل صورتی دیگر به خود می گرفت. به علاوه غارت نیمه شب^(۱) و ریختن به خانه پدر او در موقعی که پدر در خانه نبود و حبس مادر و سایر فرزندان مادر در اطاقی دیگر و بردن مبلغی نقد و اثاثیه، حمل بر چه می شود؟!

مستدعی است بذل توجه فرمایند از هر جهت احقاق و از نظایر جلوگیری شود والا با

این طریق وحشتناک زندگانی جمعی بیچاره مشکل خواهد بود. ایام شوکت پاینده باد.

سیاس‌دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - [مهر: ثبت کل وزارت داخله، نمره ۶۷۹۱، تاریخ ۱۴/۲/۶]

[حاشیه ۲]: - به عرض برسد، امور سیاسی

[حاشیه ۳]: ضبط

[۲۹۰۰۰۰۳۸۷]

۲۱۶

وزارت عدلیه، [نمره ندارد]، تاریخ ۱۳۱۴/۲/۳، کشف رمز رئیس عدلیه یزد

عدلیه، جواب نمره ۲۸۴۷

شیرین دختر خدابخش در سه ماه قبل می‌خواسته مسلمان شود، چند روز در خانه جمشید او را احاطه نموده، مانع شدند. اخیراً در ليله ۱۴/۱/۲۱ به خانه سیدسعید عالم فیروزآباد رفته مسلمان شده، بدواً حکومت یزد نایب‌الحکومه اردکان را مأمور تحقیق و در یوم ۱۴/۱/۲۹ شخصاً به معیت مدعی‌العموم چند نفر از رؤسای زردشتی‌ها به محل رفته، شیرین و عباس و علی‌خان و ربابه را آورده توقیف نموده فعلاً دوسیه نزد مستنطق و علی‌خان و ربابه به واسطه نداشتن شاکی و شیرین به قید التزام مستخلص و عباس به اتهام بردن مال خدابخش و وسیله مسلمان شدن شیرین توقیف است. وقوع این قضیه و مسلمان شدن سه نفر دیگر، زردشتی‌ها را عصبانی نموده. نمره ۵۱۴.

رئیس عدلیه یزد، نهاوندی

[حاشیه]: - دوسیه ضبط شود.

[۲۹۰۰۰۰۳۸۷]

۲۱۷

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از بمبئی به تهران،^(۱) نمره ۱۳۱

تاریخ ۱۴/۵/۱۹۳۵ / [۱۳۱۴/۲/۲۴]

به آقای نخست وزیر - جناب فروغی - تهران

جامعه پارسیان از شنیدن خبر تغییر دین اجباری یک خانم زردشتی متأهل به نام شیرین راستاری در مزرعه کلاتر یزد، بسیار متأثر و نگران هستند. لذا استدعا داریم که عدالت کامل در این خصوص معمول گردد و از تکرار موارد مشابه قویاً ممانعت به عمل آید.

جامعه پارسیان

[حاشیه]: - جواب در یک تلگراف به همه مخابره شود در این دوره کسی به زور نمی تواند زردشتی را مسلمان کند مطمئن باشید در این باب تحقیق کامل می شود. زن به میل خود مسلمان شده. از تفصیل مطلع خواهید شد.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۵}$]

۲۱۸

[ترجمه تلگراف شرکت صنعتی و تجارتی پرشیا (ایران - پارسی) - با مسؤولیت محدود

از بمبئی به تهران، تاریخ ۱۴ می ۱۹۳۵ (۱۳۱۴/۲/۲۴)]^(۲)

عالی جناب

روز گذشته به درخواست عده ای از تجار برجسته زرتشتیان ایرانی تلگرام زیر را به

۱- اصل تلگراف در اسناد سازمان اسناد ملی ایران به زبان انگلیسی است که در اینجا ترجمه آن آورده شده است.

۲ - اصل تلگراف به زبان انگلیسی است که ترجمه آن را می خوانید.

حضورتان ارسال نمودم:

«جامعه زرتشتیان از شنیدن این خبر که یکی از نسوان زرتشتی به نام شیرین رشتاری کلانتر

یزد به جبر و عنف وادار به تغییر دین خود شده است بسیار ناراحت و متأثر شده و از محضر

شما استدعای اجرای عدالت را می‌نماید»

البته از این فاصله نمی‌توانیم نظر خود را راجع به این به اصطلاح تغییر دین اجباری درباره این دختر ایرانی معروض داریم، لذا تصور کردیم که بهترین کار برای راضی نمودن دوستان ایرانی خودمان در بمبئی این است که استیناف ایشان را برای عدالت خواهی نزد شما بفرستیم. بعداً متوجه شدیم که دختر نام‌برده پس از این ماجرا ادعا نموده که دیانت اسلام را با اراده خود و به طیب خاطر پذیرفته. از طرف دیگر بستگان او اظهار می‌دارند که هنگامی که دختری تغییر دین می‌دهد و متوجه می‌شود که ارتباط خود را با بستگان و دوستان خویش از دست داده ناامیدانه می‌پذیرد که تغییر دین او به میل و اراده شخصی بوده است.

حال، حقیقت این موضوع هر چه باشد جامعه زرتشتیان ایران مصرانه درخواست دارند که حکومت ایران از مقامات مسؤول استان‌ها بخواهد که به هر طریق که صلاح می‌دانند اقدامات لازم را جهت ممنوعیت این موضوع که اعضای جامعه اسلامی آزادانه دختران زرتشتی را به دین خود درآورند، معمول دارند. این موضوع شدیداً باعث نگرانی ایشان گردیده چرا که اخیراً موارد متعدد مشابهی گزارش شده است. فی‌المثل در حدود ۳ ماه قبل دختری به نام دولت ماهیار که ساکن محله بود به دین اسلام گروید. چند روز بعد دختر دیگری به نام گلچهر دختر خدایار شاه کاووس که در محله زندگی می‌کرد در معرض تغییر دین قرار گرفت. بنده مطلعم که این مسئله برای مسؤولان حکومتی به سادگی که اقوام این دختران ظاهراً تصور می‌کنند نمی‌باشد، اما معتقدم که این برای آنها موجب تسلی خاطری خواهد بود. چنانچه بدانند که حکومت ایران تغییر دین اجباری

دختران یا جدا کردن ایشان را از والدینشان به جبر و عنف امری بسیار نامطلوب دانسته و عکس‌العمل جدی نسبت به عمل کرد مجریان و مسببان این قبیل اعمال مجری می‌دارد. با پوزش فراوان از این که مصدع اوقات حضرت عالی شدم.

[ارادتمند] امضا

به: عالی جناب محمدعلی خان فروغی - نخست وزیر - تهران

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۵}$]

۲۱۹

کابینه ریاست وزرا، نمره [ندارد]، تاریخ ۱۳۱۴/۳/۴، [رونوشت]

وزارت جلیله امور خارجه

چندی قبل انجمن زردشتی‌های یزد عریضه به پیشگاه مقدس ملوکانه ارواحنا فداه معروض داشته بودند که سواد آن [را] لفاً ملاحظه می‌فرمایید. پس از وصول عریضه در اطراف قضیه به وسیله وزارت جلیله داخله تحقیقات به عمل آمده و در نتیجه معلوم شده است دختر زردشتی به میل و رغبت خود اسلام پذیرفته و هیچ اکراه و اجباری در کار نبوده است و چنان که در ذیل عریضه انجمن زردشتی‌ها ملاحظه می‌فرمایید از اقدامات حکومت یزد و خاتمه عمل هم اظهار تشکر نموده‌اند. علی‌هذا لازم است به قونسولگری دولت شاهنشاهی در بمبئی دستور صادر فرمایید که به طرز مؤثری به زردشتیان آن جا خاطر نشان نمایند که موضوع مسلمان شدن دختر زردشتی در یزد به عنف و اجبار نبوده و قضیه را به طور نامطلوب تلقی نمایند.

[امضا: (نصرالله سمیعی؟)]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۵}$]

۲۲۰

ریاست وزرا، [نمره و تاریخ ندارد]

قبل از ارسال این مراسله به وزارت امور خارجه شرحی به وزارت داخله نوشته دایر بر این که در مراسله ۲۲ اردیبهشت می نویسد ضعیفه به میل و رغبت خود مسلمان شده و انجمن زردشتیان از اقدامات حکومت تشکر کرده است. اکنون که تشکرنامه انجمن دیده می شود ملاحظه می شود که اظهار می دارند ضعیفه را به دسیسه و خدعه به فیروزآباد برده اند که مسلمان کنند و تشکر انجمن از حکومت مربوط به برگرداندن دختر به شهر است. علی هذا اشعار می شود که اگر حرف انجمن صحیح است چطور می توان گفت ضعیفه به میل و رغبت مسلمان شده و اگر حقیقتاً ضعیفه به میل و رغبت مسلمان شده این تشکرنامه را از انجمن چرا قبول کرده اند که این خود دلیل بر این می شود که لااقل خدعه و دسیسه در کار بوده و اگر واقعاً خدعه و دسیسه در کار بوده مرتکبین این دسیسه چه اشخاصی بوده و با آنها چه معامله شده است؟

شرحی هم به وزارت عدلیه نوشته شود و با اشاره به مراسله انجمن زردشتیان استفسار شود که تحقیقات آن وزارتخانه به کجا منتهی گردید.

[حاشیه]: ۱۴/۳/۴

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۵}$]

۲۲۱

تفتیش کل مملکتی، نمره ۱۱۸، به تاریخ ۱۳۱۴/۳/۸

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

در جواب مرقومه نمره ۱۵۸۸ مورخه ۱۴/۳/۵ راجع به شیرین دختر خدابخش زردشتی بر اثر شکایتهایی که از طایفه زردشتی به وسیله وزارت داخله رسیده بود

تلگرافاً از پارکه بدایت یزد استعمال گردید. جواب مدعی العموم حاکی از این بود که شیرین از چند ماه به این طرف مصمم بوده است مسلمان شود ولی کسانش مانع بوده‌اند. اخیراً به خانه یکی از علمای یزد رفته و مسلمان شده و یک نفر که متهم بوده است همراهی با فرار شیرین از خانه پدرش کرده و اموالی از خانه او شبانه برده در توقیف است. چون از طرف زردشتی‌ها اظهار می‌شد که شیرین را به تهدید وادار کرده‌اند مسلمان شود و لازم بود تحقیقات کافیه در این موضوع به عمل آید، آقای میرزا داودخان پیرنیا رئیس احصائیه امور قضایی را به یزد اعزام داشتیم که تحقیقات لازمه نموده نتیجه را اطلاع دهد. به موجب راپورتنی که مشارالیه از یزد و بعد از مراجعت به تهران داده معلوم شده است که شکایات هیچ اساسی نداشته و قضیه مسلمان شدن شیرین صرفاً به میل و اصرار خود او بوده و رفتن اشخاص شبانه به منزل خدابخش و بردن اموالی از او نیز کذب بوده و چون پدر و مادر شیرین در تهران آمده و به توسط آقای ارباب کیخسرو خواهش کردند که شیرین را به تهران بیاورند، به آقای پیرنیا تلگراف کردم که اگر خود شیرین مایل باشد او را روانه تهران نمایید مشارالیه‌ها هم به تهران آمده در این جا هم همان اظهارات خود را مبنی بر این که (هیچ گونه تهدید یا تحریکی از کسی نسبت به او نشده و به میل خود مسلمان شده است) تکرار کرده و مکرر با پدر خودش هم ملاقات کرده و فعلاً هم در تهران است.

[امضا : محسن صدر]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۱۴/۳/۱۰، نمره ۱۸۱۲]

[حاشیه ۲]: - به عرض برسد. ۱۴/۳/۱۰

[حاشیه ۳]: - ضبط شود. [امضا]. ۱۴/۳/۱۱

[۱۲۵۰۰۳]
۱۸۵

۲۲۲

۱۴/۵/۳۰

به عرض می‌رساند

دختر غلام را با داشتن شوهر و یک اولاد که از هندوستان برای ملاقات چاکر و مادرش به یزد آمده بود یک عده از اراذل شبانه از پشت بام جبراً به خانه‌ام وارد، دخترم را با مقداری از اموالم دزدیدند بعد شهرت دادند که مشارالیه‌ها مسلمان شده و زن یک قصابی شده است. هر چه فریاد کردم در یزد دادرسی پیدا نشد ناچار تهران آمدم پس از شکایات آقای داود^(۱) پیرنیا پسر آقای مشیرالدوله مأمور رسیدگی شد دختر را تهران آورد تاکنون در منزل خودشان دارند و می‌گویند دختر راضی نیست از زوجیت قصاب خارج شود و چون شوهر سابق زرتشتی بوده طلاق هم لازم نبوده است.

بالجمله از بس به دختر فشار آورده و تهدیدش کردند دو روز قبل خود را مسموم کرده فعلاً در مریض‌خانه رازی^(۲) تحت معالجه است. اخیراً به وزیر عدلیه مراجعه کردم پیرنیا را خواست مذاکراتی با هم کردند بعد پیرنیا بیرون آمد مرا از عدلیه بیرون کرد به آژان سپرد دیگر این شخص را در وزارتخانه راه ندهید و به من گفت نه دختر را خواهی دید و نه به دست تو خواهم داد، بی جهت معطل نشو که دستور می‌دهم حبست کنند. استرحاماً از آن مقام خواستار است راضی نشوید که در عصر عدالت گستر پهلوی سر ناموس یک خانواده بیشتر از این دریده شده و در دنیای متمدن این ننگ افشا شود.

عطف توجه مخصوص دارد

[امضا: خدا بخش مهربان کدخدای مزرعه کلاتری یزد]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا به تاریخ ۱۴/۶/۱، نمره ۳۸۳۵]

۱- اصل: داور.

۲- اصل: راضی.

[حاشیه ۲]: - به عرض می‌رسد. ۱۴/۶/۱

[حاشیه ۳]: - سابقه ۱۴/۶/۲

[حاشیه ۴]: - به وزارت عدلیه نوشته شود. [امضا] ۱۴/۶/۲

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۵۸}$]

۲۲۳

وزارت عدلیه، نمره ۱۷۶۰۰، تاریخ ۱۳۱۴/۶/۱۱، ضمیمه صفحه ۲

وزارت عدلیه

دو ورقه شکایت به امضای خدابخش مهربان یکی به پارکه بدایت و دیگری به مدعی العموم کل رسیده، خلاصه آن که شیرین صبیّه مشارالیه از بمبئی برای دیدن مادر و پدرش به مزرعه کلاتر واقع در اردکان محال یزد آمده بوده در اثر معاشرت با عباس نام قصاب رابطه پیدا کرده و عباس شبانه او را فرار داده و در پیروزآباد به منزل مجتهدی برده مسلمانش می‌نماید. در اثر شکایت مشارالیه به مقام وزارت آقای پیرنیا به یزد رفته شیرین را به تهران آورده و در خانه آقای شهابی منزلش داده ضمناً عنوان می‌دارد شیرین در مواقعی که با او ملاقات می‌کرده از بودن در منزل آقای شهابی و مسلمان شدن اظهار عدم رضایت می‌کرده و می‌خواسته در منزل ارباب کیخسرو شاهرخ برود. در اثر این شکایت بدو از شیرین که به وسیله خوردن تریاک خود را مسموم کرده بوده و در مریض‌خانه رازی تحت معالجه بوده به کلی اظهارات پدر خود و ارتباط با عباس نام را تکذیب و گفته است مسلمان شده‌ام و به هیچ وجه مایل نیستم با پدر و مادر و شوهرم زندگانی کنم و میل هم ندارم به منزل ارباب کیخسرو بروم بلکه می‌خواهم در منزل آقای شهابی یا محل دیگری که برای من تعیین شود زندگی کنم و اظهار می‌دارد پدر او همیشه در موقع ملاقات به او بدگویی و فحاشی می‌کرده و می‌گفته است بایستی مجدداً

زردشتی شوی و حتی مرا تهدید به قتل می‌کرده و در نتیجه این اظهارات پدر خود، به قصد انتحار افتاده و تریاک خوردم. از طرف کمیساریا و اداره تأمینات هم در این خصوص تحقیقات شده که عین اوراق تحقیقیه ضمیمه دوسیه است و در تحقیقات مزبور هم دختر به همین نحو اظهار نموده است. لذا خدابخش را حاضر و از مشارالیه به شرح اوراقی که به ضمیمه دوسیه است و از لحاظ مبارک می‌گذرد تحقیقات به عمل آمده و در جلسه اول علاوه بر این که اظهارات اولیه خود را تکرار کرده برای امضای صورت مجلس حاضر نشد و اظهار داشت بایستی یک نفری که مورد اطمینان خودم باشد بیاورم تا در حضور او صورت جلسه را قرائت و امضا نمایم. در دو جلسه اخیر با حضور تیمور نام سرباز وظیفه حاضر شد و تحقیقات از مشارالیه به عمل آمد و در جلسه اول به عذر این که سرگیجه دارد از جواب‌گویی استنکاف کرده و در جلسه اخیر باز همان بیانات سابق را تکرار کرد و اظهار نمود به هیچ وجه نسبت به دختر خود فحاشی و بدگویی نکرده برای این که صحت و سقم اظهارات آنها روشن شود، شخصاً خود این جانب با وکیل عمومی قضیه و ارباب خدابخش پدر شیرین و تیمور مذکور در مریض‌خانه رازی حاضر شده با حضور آقای دکتر ادهم رئیس مریض‌خانه پدر و دختر را مواجهه داده و روبرو کردم. شیرین کلیه اظهارات پدر خود را تکذیب و حتی اظهار نمود که به هیچ وجه مایل نیست با پدر خود زندگی کند یا به منزل ارباب کیخسرو برود بلکه روبروی پدر خود اظهار نمود که در اثر فحاشی پدرش تریاک خورده و همچنین گفت در بدو ورود من آقای پیرنیا به من پیشنهاد کرد که بروم منزل ارباب کیخسرو من مایل نشدم و ضمناً در مقابل پدر خود توضیح داد که پدرش در مواقعی که به منزل آقای شهابی می‌رفته و با مشارالیها ملاقات می‌کرده به او فحاشی می‌نموده و نسبت‌های زشت می‌داده و شهودی هم که در پارک از آنها تحقیقات شده کلیه مراتب و سوء رفتار پدر را با دختر تصدیق کرده‌اند و در قبال تمام این اظهارات در مواجهه صحت و صدق بیانات دختر مشهود بود و تنها اظهار

پدر این بود که دختر دیوانه شده و بایستی یک ماه در خانه یک نفر ارمنی یا زردشتی بماند و بعد از آن از او تحقیق به عمل آید به دختر تکلیف شد که طبق تقاضای پدرش رفتار نماید به کلی امتناع و استنکاف داشت. مراتب استحضاراً به عرض رسید که هر طور مقرر فرمایند اقدام شود.

مدعی العموم بدایت تهران

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۵}$]

۲۲۴

۱۳ شهریور ماه ۱۳۱۴

جناب آقای ریاست وزرای عظام

در تعقیب معروضه سابق خود خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد پس از شکایات متواتره، چاکر خدا بخش سامیا کلاتری راجع به سرقت شیرین ریشتری دخترم با مقداری پول و اموالم، آقای مدعی العموم بدایت روز سه‌شنبه ۱۱ ماه جاری غلام را با مستنطق عدلیه به مریضخانه برده دختر را خواستند از مشارالیها سؤال کردند تو مایلی پیش پدرت یا شوهرت بمانی گفت من مسلمان شده‌ام و نمی‌خواهم پیش پدر و شوهرم بمانم پدر و شوهر و بچه نمی‌خواهم. از بنده سؤال کردند عرض کردم دخترم پنج ماه است در اختیار مسلمان‌ها است از فشار و تهدید این طور حرف می‌زند مقرر فرمایید یک ماه در منزل آقای ارباب کیخسرو یا معبد زرتشتیان بماند آن وقت هر چه بگوید قبول است گفتند ما نمی‌توانیم این اقدام را بکنیم، الآن رسماً به وزارت عدلیه راپورت می‌دهیم که تمام شکایات شما بی‌ربط است. ناچار شدم به عرض آن مقام معظم برسانم دخترم عیال بهرام ریشتری است و یک دختر چهارساله هم از شوهرش دارد و مطابق هیچ یک از قوانین دنیا نمی‌توان چنین زنی را به بهانه این که مسلمان شده است تحت‌الحمايه قرار داده به شوهرش تسلیم نمود. این اقدام سلب امنیت از تمام افراد غیرمسلمان ایران

می‌نماید شوهرش به بنده وکالت داده، وکالت‌نامه را قونسولگری ایران در بمبئی تلگرافی وسیله وزارت عدلیه برای بنده فرستاده وکالت‌نامه را به بنده نمی‌دهند. در طول مدتی که دخترم در مریضخانه بوده روزی چند نفر از طرف پیرنیا پسر مشیرالدوله نزد او می‌رفته هر وقت غلام یا یک نفر زرتشتی می‌خواست از او ملاقات کند می‌گفتند حسب الامر اعلی حضرت همایونی شما حق ملاقات او را ندارید. اینک استرحاماً از وجود مقدس استدعا دارم مقرر فرمایید دخترم را با خرج غلام به هندوستان نزد شوهرش اعزام دارند و بیشتر از این موجبات ننگ و ادبار غلام و زرتشتیان در ایران و هندوستان فراهم نشود چنانچه تا یک هفته دیگر دخترم را به بنده ندهند و یا به هندوستان نزد شوهرش اعزام نمایند ناچارم تمام جریان را من البدو الی ختم به پیشگاه همایون شاهنشاهی معروض داشته و خود را هم مسموم نمایم تا بیشتر از این متحمل بی‌ناموسی و ننگ در این عصر مشعشع پهلوی نباشم.

[امضا: خدابخش مهربان سامیا مزرعه کلاتر]

آدرس: طهران - معبد زرتشتیان غلام خدابخش سامیا کلاتری

[حاشیه ۱]: - سابقه. ۱۴/۶/۱۳

[حاشیه ۲]: - مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ: ۱۴/۶/۱۵، نمره ۴۱۸۲]

[حاشیه ۳]: - جواب سخت نوشته شود که تو خیلی بی‌حیا هستی و اگر دیگر دنبال کنی

سیاست خواهی شد. ۱۳۱۴/۶/۱۷]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۵}$]

۲۲۵

کابینه ریاست وزرا، نمره ۴۳۳۱، تاریخ ۱۳۱۴/۶/۱۸

خدابخش مهربان

در جواب مشروحه راجع به شکایت در قضیه اسلام پذیرفتن شیرین دختر شما

اشعار می شود که از قرار تحقیقات وزارت عدلیه با حضور مدعی العموم و وکیل عمومی و شما و تیمور نام همراه شما و رئیس مریضخانه به واسطه بدرفتاری و تهدیداتی که به مشارالیها نموده اید، تریاک خورده و به هیچ وجه حاضر نشده است که نزد شما برگردد و اسلام آوردن او هم به موجب دلایل قطعی که از آن جمله مراسله انجمن زرتشتیان یزد است با نهایت آزادی و به میل خود بوده است نه اجبار. با این احوال به اظهارات بی موضوع و تقاضای خارج از هر قانون و انصافی می پردازید و این حرکات و اظهارات می رساند که خیلی آدم هجو و بیراهی هستید و اگر این حرفها را دنبال کنی سیاست خواهی شد.

[امضا : عبدالحمید ملک الکلامی]

۱۴/۶/۱۸

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۵}$]

۲۲۶

بلدیه تهران، نمره ۱۶۹۰۳، مورخه ۴ دی ۱۳۱۴

وزارت داخله

محترماً معروض می دارد، چندی قبل خانم شیرین از یزد به تهران اعزام و به وسیله وزارت عدلیه و پارکه بدایت برای استخدام در مؤسسات به بلدیه معرفی شده بود. این اداره نیز با این تقاضا موافقت و شغلی به مشارالیها رجوع نمود ولی به طوری که اخیراً راپورت می دهند، حالت مزاجی او برای اقامت در مریضخانه خوب نیست و از طرفی نگاهداری او نیز در آن جا به واسطه ایاب و ذهاب زیاد مشارالیها به خارج مقتضی نمی باشد. متمنی است در این خصوص تصمیم اتخاذ فرموده، مراتب را مرقوم فرمایند.

کفیل بلدیه، [امضا]، [مهر : بلدیه تهران]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ثبت کل وزارت داخله، نمره ۵۹۷۲۵، تاریخ ۱۴/۱۰/۶]

[حاشیه ۲]: - به عرض برسد. ۱۳۱۴/۱۰/۶]

[حاشیه ۳]: - جواب بنویسید به عرض جناب آقای رئیس‌الوزرا رسید. اشکالی تصور

نفرمودند که اگر می‌خواهد برود او را مرخص کنند برود و مخصوصاً با جناب آقای وزیر عدلیه هم مذاکره شد، معظم‌له نیز همین نظر را داشته، این جانب هم مشارالیه را خواستم و تحقیق کردم. اظهار نمود که مایل است او را آزاد بگذارند با پدرش مراجعت به یزد نماید. بنابراین در صورتی که خود او هم مایل است به یزد برگردد، چون آقای ارباب کیخسرو تقاضا کرده بودند که اجازه مراجعت به او داده شود، با اطلاع ایشان مانعی ندارد که او را آزاد بگذارید. ۱۴/۱۰/۸. [امضا]

[۲۹۰۰۰۰۳۸۷]

* * *

۲۲۷

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف، تاریخ ۱۳۱۵/۱۱/۸

گزارش یزد ۱۵/۱۱/۷

از قرار مذکور دختر یک نفر زردشتی ساکن یکی از قرای تفت، سی‌کیلومتری یزد مایل به ازدواج با یک نفر مسلمان شده. طرفین متفقاً به شهر آمده، دختر به اداره عدلیه رفته، تمایل خود را به دخول در مذهب اسلام و مزاجت با شخص مزبور اظهار نموده. عدلیه تاکنون جواب قاطعی به مشارالیها نداده است.

مخبر حکمت

[۱۲۵۰۰۳
۲۰۱-۱]

۲۲۸

ریاست وزرا، نمره ۱۳۶۱۵، تاریخ ۱۳۱۵/۱۱/۱۰

یزد - حکومت

قضیه دختر زردشتی که اکبر محمدرضا می‌گویند او را ربوده چیست؟ چرا راپورت نداده‌اید؟ اگر مطلب به طوری است که اظهار می‌شود رباینده دختر تعقیب و تنبیه باید بشود. جریان [را] تلگرافید.

رئیس‌الوزرا، جم

[حاشیه]: - سواد وزارت داخله

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۲۰۱-۱}$]

۲۲۹

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از یزد به ط [تهران]، نمره ۶۹

تاریخ ۱۳۱۵/۱۱/۱۱

ریاست وزرای عظام / ۱۳۶۱۵

قضیه در عدلیه مطرح، با مدعی‌العموم جلسه‌ی اصلاحی تشکیل، نتیجه‌ی قطعی قریباً به عرض می‌رسد. ۱۱۰۷۵

احمد سعدلو

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، به تاریخ: ۱۵/۱۱/۱۲، نمره: ۱۳۷۳۲]

[حاشیه ۲]: - سابقه ضمیمه شود. ۱۵/۱۱/۱۲

[حاشیه ۳]: - ضبط شود. ۱۵/۱۱/۱۳

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۲۰۱-۱}$]

۲۳۰

وزارت امور خارجه، اداره دفتر محرمانه، نمره ۴۵۸۳، تاریخ ۱۳۲۴/۸/۱

خیلی محرمانه و فوری است

جناب آقای نخست وزیر

نماینده گی شاهنشاهی در هندوستان تلگرافاً گزارش می دهد که پارسیان هند از رفتار خشونت آمیز مردم درباره دختران زرتشتی یزد و اجبار آنها به قبول دین اسلام شکایت داشته و توجه فوری دولت را خواستارند. مستدعی است دستور محرمانه صادر فرمایند که در این باره بازجویی کامل و اقدام عاجل لازم به عمل آورده و از نتیجه وزارت امور خارجه را آگاه سازند تا پاسخ قطعی به نمایندگی شاهنشاهی در هندوستان صادر گردد.

از طرف وزیر امور خارجه، [امضا]

[حاشیه]: - آقای دکتر...^(۱) فوری به وزارت کشور نوشته شود موضوع را تحقیق و مورد اقدام

فوری قرار دهند. ۱۳۲۴/۸/۲]

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۶

۲۳۱

وزارت کشور، رونوشت نامه شماره ۳۶۲۲ [به تاریخ ۱۳۲۴/۸/۱۶]

اداره فرمانداری شهرستان یزد

بازگشت به نامه شماره ۱۷۹ - ۲۴/۸/۱۶ در تاریخ ۲۴/۶/۲۳، دولت بهار دختر گشتاسب، ۱۹ ساله از این دادسرا استعلام نموده است که مایل هستم به دین اسلام

مشرف کردم و در صورتی که منع قانونی ندارد مراتب را اعلام دارید. دادسرا طی شماره ۲۶۱۷ - ۲۴/۶/۲۴ به مشارالیهها پاسخ داده است که دادسرا صلاحیتی در دادن چنین اجازه ندارد بلکه علی‌الاصول آزاد هستید هر مذهبی را که میل دارید قبول نمایید. مشارالیهها پس از مشرف [شدن] به دین اسلام با احمدعلی ریس‌مان‌فروش ازدواج می‌نماید. بعداً انجمن زرتشتیان تهران به وزارت دادگستری شکایت می‌نمایند که اشخاص، بانو دولت را به منزل سیدمحمدباقر لب‌خندقی برده به عنوان این که می‌خواهد مسلمان شود کسان او را از ملاقات ممنوع نموده‌اند و نیز گلبهاری مادر دولت نام‌برده در شهریور ماه سال جاری به دادسرا شکایت نموده است که شهریانو و حسین و بهمن و صدی^(۱) و حبیب حمامی و زهرای دست‌فروش دختر او را برده و به منزل سیدمحمدباقر برده‌اند و مقداری اشیا نیز که بالغ بر سی هزار ریال است سرقت نموده‌اند و ضمناً به سراغ دختر خود به منزل سیدمحمدباقر نام‌برده رفته ولی دختر را از نظر او مخفی نموده‌اند. راجع به این شکایات از شاکیه بازجویی به عمل آمده هیچ‌گونه دلیلی بر صحت شکایت خود اقامه ننموده و دختر نیز اظهار نموده است هیچ کس محرک^(۲) او در قبول دین اسلام نبوده و با طیب خاطر و با خوابهایی که دیده حاضر به قبول آن شده است و ضمناً موضوع سرقت اشیا را نیز انکار نموده است و پرونده امر فعلاً تحت رسیدگی است و هنوز منتهی به اظهار نظر نهایی نشده است.

دادستان شهرستان یزد - محمدطاهری

امضا

رونوشت مطابق اصل است.

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۶

۱ - در اصل به همین شکل آمده.

۲ - اصل: تحریک.

۲۳۲

وزارت کشور، نمره ۱۸۱، تاریخ ۲۴/۸/۱۷، محرمانه مستقیم

وزارت کشور

در پاسخ تلگراف شماره ۹۸۳ رمز مورخه ۲۴/۸/۱۴ موضوع شکایت پارسیان هند به ضمیمه و آن این که دختران زردشتی را مجبور به قبول دین اسلام می نمایند، اشعار می دارد در اواخر شهریور سال جاری دختری دولت نام که فرزند گشتاسب و تحصیلات او در حدود کلاس ۹ متوسطه و شغلش آموزگاری دبستان دخترانه زردشتیان بوده با داشتن سن قانونی ۱۹ ساله و رشد جسمانی از روی طیب خاطر و با نهایت آزادی جهت قبول دین اسلام به دادسرا مراجعه نموده و با تحقیقات لازمه از نام برده در نزد آقای حاجی سید محمدباقر مدرس مجتهد قبول مذهب اسلام می نماید و بعداً هم با یکی از اهالی شهر در دفتر رسمی ازدواج می نماید در همان اوقات چند نفر از زردشتیان به فرمانداری مراجعه و شکایت از این پیش آمد نموده اند، فرمانداری هم از دادستان تقاضا نمود که نسبت به موضوع مجدداً تحقیقاتی به عمل آورده و قضیه را روشن نمایند در این بین چون زردشتیان به وزارت دادگستری هم راجع به این موضوع شکات نموده بودند و از آن وزارت هم دستور رسیدگی صادر شده بود و دادستان در اطراف موضوع و از خود دختر نام برده تحقیقاتی به عمل آورده و معلوم شد که موضوع ساده و بدون هیچ گونه تحریک یا تهدید بوده است البته تصدیق می فرمایند که قوانین مذهبی و مدنی هیچ کشوری از افراد کشور از زن و مرد که به سن قانونی رسیده باشند در قبول مسلک یا مذهب منع نمی نماید. به علاوه آقایان زردشتی ها که جمعیتشان در یزد در حدود هشت هزار نفر است از کلیه مزایای کشوری منتفع شده ولی حاضر نیستند که در مقابل قانون خدمتی به این کشور نمایند، در صورتی که به طوری که دولت ایران با مذهبی که در اقلیت هستند رفتار می نماید در هیچ کشوری با آنها رفتار نمی نمایند با وجود این ملت

زردشتی در هر موردی از قوانین کشور که تصور می نمایند به ضررشان تمام می شود فرار می نمایند. چنانچه در مورد نظام وظیفه کلیه جوانان خود را به بمبئی فرار داده و از این جهت برای دختران دیگر همسری باقی نمانده است و عده [ای] دختر بی شوهر هستند که برای رسیدن به منظور، به قبول دین اسلام اقدام می نمایند و یا این که خود را مسموم نموده یا آتش می زنند و این قضیه به قدری میان دختران زردشتی شایع شده که شایسته است مورد توجه اولیای معظم دولت قرار داده شود و ترتیبی داده شود که دخترها بی شوهر نمانند و از این پیش آمدها جلوگیری شود. بعلاوه قوانین ازدواج زردشتیان به قدری مشکل و دشوار است که دخترهای زردشتی را وادار به ترک مذهب زردشتی و فرار از قوانین مزبور می نماید و برای قبول مذهب اسلام هم هیچ قانونی از آنها جلوگیری نمی نماید برای جلوگیری از وقوع این قضایا چنانچه مقتضی دانند قانونی وضع شود که از این به بعد هر گاه بخواهند مذهب خود را تغییر بدهند با مراجعه به مقامات رسمی بوده باشد که بعداً دیگر این گونه حرفها پیش نیاید. برای مزید استحضار رونوشت نامه شماره ۲۴/۸/۱۶/۳۶۲۲ دادسرای شهرستان یزد را به پیوست تقدیم می دارد که معلوم شود این موضوع با وجود شرایط قانونی و بدون این که اجباری در کار بوده باشد صورت گرفته است و این موضوع در یزد سابقه داشته است.

فرماندار شهرستان یزد، احمد صدوری، امضا

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۶

۲۳۳

دربار شاهنشاهی، نمره ۲۰۳، تاریخ ۱۳۲۴/۸/۳۰، پیوست :

عین تلگراف، فوری و محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

تلگرافی از بمبئی به امضای انجمن زرتشتیان در شکایت از سوء رفتاری که نسبت به

زرتشتیان مقیم یزد می شود به دربار شاهنشاهی رسیده است که حسب الامر مطاع مبارک عیناً برای مزید استحضار به ضمیمه ارسال می گردد. مقرر فرمودند پس از ملاحظه اقدامات مؤثر فوری در رسیدگی و در صورت حقانیت اصلاح این وضعیت و تأمین زرتشتیان و جلوگیری از مرتکبین بفرمایید و نتیجه را هم هر چه زودتر اعلام فرمایید که به عرض پیشگاه مبارک برسد و جواب لازم به انجمن داده شود.

رئیس کل تشریفات دربار شاهنشاهی

[امضا: حسین سمیعی]

[حاشیه]: - آقای دکتر...^(۱) رونوشت گزارش وزارت کشور برای استحضار دربار شاهنشاهی

تقدیم می شود ضمناً مراتب را به وزارت امور خارجه هم بنویسید که نمایندگی

دولت شاهنشاهی را در دهلی مستحضر از جریان بنمایند. ۱۳۲۴/۹/۱

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۶

۲۳۴

وزارت کشور، اداره سیاسی، نمره ۷۰۸۸/۹۵۹۰، تاریخ ۱ آذرماه ۱۳۲۴

پیوست ۲ برگ، محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

در تعقیب معروضه شماره ۶۶۶۶/۸۸۸۷-۲۴/۸/۱۳، راجع به شکایت پارسیان هند در باب اعمال خشونت درباره دختران زردشتی در یزد که دستور بازجویی به فرمانداری محل داده شده بود اینک رونوشت پاسخی که به شماره ۱۸۱-۲۴/۸/۱۷ از فرمانداری آن جا رسیده است با رونوشت ضمیمه آن تلواً برای استحضار عالی تقدیم می شود.

رونوشت نامه فرمانداری یزد به وزارت دادگستری ارسال و نظر آن وزارتخانه در این باب استعلام گردید. نتیجه به عرض خواهد رسید.

از طرف وزیر کشور

[امضا : فریدونی]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۶}$]

۲۳۵

دفتر نخست وزیر، تاریخ ۱۳۲۴/۹/۵، محرمانه

وزارت امور خارجه

اخیراً انجمن زرتشتیان در بمبئی تلگرافاتی به دربار شاهنشاهی و وزارت کشور نموده اند مبنی بر این که نسبت به زرتشتیان مقیم یزد بدرفتاری شده و دوشیزگان آنها را وادار به قبول دین اسلام می نمایند. به وزارت کشور دستور داده شد موضوع را در محل تحقیق و بازجویی نمایند. اینک عین تلگراف واصله به دربار شاهنشاهی با رونوشت نامه شماره $\frac{۷۰۸۸/۹۵۹۰}{۲۴/۹/۱}$ وزارت کشور، به ضمیمه رونوشت گزارش فرمانداری یزد، جهت استحضار آن وزارت فرستاده می شود که نمایندگی سیاسی ایران را در دهلی از جریان امر مستحضر دارند.

[امضا]

[حاشیه ۱]: - عین تلگراف با رونوشت نامه وزارت کشور با رونوشت ضمایم آن فرستاده شود.

[حاشیه ۲]: - رونوشت تهیه شد. ۱۳۲۴/ ۹/۷

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۶}$]

۲۳۶

وزارت کشور، [تاریخ آذرماه ۱۳۲۴]، محرمانه

راجع به تلگراف انجمن زرتشتیان از بمبئی که در ضمن نامه وزارت دربار شاهنشاهی می باشد. توضیحاً به عرض می رساند، به همین مضمون قبلاً تلگرافی از انجمن نام برده به وزارت کشور رسیده بود که چگونگی امر رمزاً از فرمانداری یزد استعلام شد جوابی که از فرمانداری رسید مخصوصاً رونوشت آن در تعقیب معروضه $\frac{۶۴۶۶}{۸۸۷۷}$ مورخه ۲۴/۸/۱۳ به شماره $\frac{۷۰۸۸/۹۵۹۰}{۲۴/۹/۱}$ ضمن نامه تقدیم گردیده است.

[امضا: فریدونی]، ۲۴/۹/۱

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۶}$]

۲۳۷

وزارت کشور، نمره ۳۴۶۴۵، [تاریخ آذرماه ۱۳۲۴]

وزارت کشور

در پاسخ نامه شماره ۷۰۸۸ - ۹۵۹۰ - به تاریخ ۳۲۴/۹/۱ متضمن رونوشت گزارش فرمانداری یزد راجع به اقدام بانو دولت به قبول دین اسلام و ازدواج با مرد مسلمان اشعار می دارد: عمل دوشیزه نام برده هیچ گونه اشکال قانونی نداشته و اگر برای جلوگیری از رفتن پسران زرتشتیان به هندوستان برای فرار از خدمت نظام وظیفه اقدامی لازم باشد مقتضی است مقرر فرمایید از طریق وزارت جنگ و اداره نظام وظیفه اقدام نمایند.

از طرف وزیر دادگستری. امضا

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۶}$]

* * *

۲۳۸

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره دفتر کل، شماره ۸۲۰۶۸/ک

تاریخ ۲۷/۱۲/۱۳ [۱۳]

وزارت کشور

رونوشت گزارش شماره ۵۴۳۰ شهربانی یزد راجع به بانو سرور نام زرتشتی که به دین حنیف اسلام تشرف حاصل نموده برای استحضار به پیوست ایفاد می گردد.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ سهیلی

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ثبت وزارت کشور، شماره ۹۹۶۳۲، تاریخ ۱۳۲۷/۱۲/۲۲]

[حاشیه ۲]: - [اداره سیاسی. [۱۳۲۷/۱۲/۲۲]

[حاشیه ۳]: - [مهر: اداره سیاسی، شماره ۱۵۴۱۵، تاریخ: ۲۷/۱۲/۲۳]

[حاشیه ۴]: - [فعلاً اقدامی ندارد، ۱۳۲۷/۱۲/۲۴]

[۲۹۰۰۰۷۴۶۱]

۲۳۹

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، شماره ۵۴۳۰، مورخه ۲۷/۱۲/۱۳ [۱۳]

رونوشت گزارش شهربانی یزد

شهربانی کل کشور - اداره دفتر کل

محترماً به عرض می رساند طبق گزارش سرکلانتری، بانو سرور نام زردشتی که پدرش در چند سال قبل درگذشته و مادرش چندی پیش به دین حنیف اسلام تشرف حاصل نموده در تاریخ روز ۲۷/۱۲/۶ به منزل حاج میرزا محمد سریزدی رفته و با انجام

تشریفات قانونی به دین اسلام مشرف و او را فاطمه نام گذارده و با سید محمد تقی خردنژاد ازدواج نموده‌اند و از طرف اهالی شهر جشنی برپا و چندین گاو و گوسفند قربانی و ابراز احساساتی نموده‌اند، انتظامات برقرار و اتفاقی رخ نداده است. مراتب استحضاراً به عرض رسانید.

رئیس شهربانی یزد - سرهنگ ۲ زندی

رونوشت برابر اصل است. [امضا] ۱۳۲۷/۱۲/۱۹

[۲۹۰۰۰۷۴۶۱]

* * *

۲۴۰

IRANIAN EMBASSY [سفارت ایران]، دهلی نو، شماره ۱۷۱۵/۴۶۹

مورخه ۱۳/۲/۱۵ [۱۳]

وزارت امور خارجه

به تاریخ امروز (۱۵ اردیبهشت) تلگرافی از انجمن زردشتیان در بمبئی رسیده است حاکی از این که در نصرت آباد یزد دختر غیربالغ زردشتی را فریب داده و به خانه آخوندی برای اجبار به قبول دیانت اسلام و ازدواج برده‌اند. از طرف انجمن تلگرافی به وزارت دادگستری ایران به منظور حفظ و حمایت دختر نام برده مخابره شده و خواهش کرده‌اند از طرف سفارت کبری نیز اقدامی در رفع این بی عدالتی به عمل آید.

خاطر مبارک عالی مستحضر است که در سال گذشته نیز نظیر چنین واقعه‌ای در یزد اتفاق افتاد و بین پارسیان و زردشتیان مقیم این کشور تأثیر بسیار نامطلوبی نمود و تکرار این قبیل وقایع خصوصاً در این اوقات که روزنامه‌های این جا اخبار ایران را مبنی بر فشار آخوندها در برقراری حجاب و تحریک احساسات مردم بر علیه هندوها و سیکها انتشار می دهند چندان به آبروی ایران تمام نمی شود.

از یک طرف دخترهای مسلمان ایرانی در بازارهای بلوچستان هند و عراق مورد معامله هستند و سرپرستی ندارند و از طرف دیگر مسلمان‌نماهای ما سعی دارند دختر غیربالغی را به این صورتها و ادار به قبول دیانت اسلام و ازدواج اجباری بنمایند. به هر حال وزارت متبوعه تصدیق می‌فرمایند که وقوع این قبیل حوادث موجب سلب حیثیت و شؤن ایران در خارجه است. به علاوه تردید نیست که این جریانات در تصمیم پارسیهای این جا به مراجعت احتمالی به ایران خالی از تأثیرات نمی‌باشد. مستدعی است مقرر فرمایند تفصیل امر و اقداماتی که به عمل خواهد آمد به سفارت کبری ابلاغ گردد.

سفیرکبیر، علی معتمدی

[۲۹۰۰۰۵۱۴۴]

۲۴۱

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره کارآگاهی، شماره ۱/۲۱۳۳/۵۳۴۳

تاریخ ۱۳۲۷/۳/۱، محرمانه، گزارش

وزارت کشور

به عرض می‌رساند، شهربانی یزد اطلاع می‌دهد یک دختر زردشتی به نام آدخت نمیرانیان چند روز قبل در محضر آقای حاج سید محمد باقر مجتهد به دین اسلام مشرف و نام خود را طاهره تغییر داده و پس از چند روز توقف در منزل مجتهد مزبور با حسین کردی عطار ازدواج نموده است از طرف مسلمانها وسایل عروسی آنها فراهم و شب ۳۲۷/۲/۱۸ مراسم زناشویی انجام گردیده است.

رئیس شهربانی کل کشور - سرلشکر ضرابی

[امضا]

[حاشیه ۱]: - به اداره مربوطه داده شود. ۲۷/۳/۱

[حاشیه ۲]: - [مهر: ثبت دفتر محرمانه وزارت کشور، شماره ۱۴۶۰، تاریخ ۱۳۲۷/۳/۲]

[حاشیه ۳]: - گویا پرونده این موضوع مورد اقدام آقای ایلخانی می‌باشد. عیناً برای اقدام

خدمت ایشان فرستاده شود. ۲۷/۴/۲۰

[۲۹۰۰۰۵۱۴۴]

۲۴۲

وزارت امور خارجه، اداره سوم سیاسی، شماره ۲/۱۳۶/۷۲۲۱

تاریخ ۲۷/۳/۱۲ [۱۳]

وزارت کشور

رونوشت گزارش شماره ۴۶۹/D/۱۷، مورخ ۱۳۲۷/۲/۱۵ سفارت کبرای شاهنشاهی در دهلی به پیوست ایفاد می‌گردد. چنانچه دادخواست پارسیان حقیقت داشته باشد و چنین واقعه‌ای اتفاق افتاده باشد برای حیثیت و آبروی ایران و ایرانیان نزد پارسیان هندوستان خوش آیند نخواهد بود. خواهشمند است از اطلاعاتی که در این خصوص به آن وزارت رسیده و از نتیجه تحقیقاتی که معمول خواهید فرمود وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند.

از طرف وزیر امور خارجه، [امضا]

[حاشیه ۱]: - سیاسی، پیوست دارد. ۲۷/۳/۱۷

[حاشیه ۲]: - [مهر: ثبت دفتر محرمانه وزارت کشور، شماره: ۲۱۱۹۴، تاریخ ۱۳۲۷/۳/۱۸]

[۲۹۰۰۰۵۱۴۴]

۲۴۳

وزارت کشور، نمره ۳۸۶۸، تاریخ ۱۳۲۷/۳/۳۱، محرمانه

فرمانداری یزد - شهربانی کل کشور

رونوشت نامه شماره $\frac{۷۲۲۱}{۲۷/۳/۱۳}$ وزارت امور خارجه، با رونوشت گزارش شماره ۴۶۹ سفارت کبرای شاهنشاهی در دهلی، تلوأ فرستاده می شود. قدغن فرمایید با بازجویی دقیق نسبت به مندرجات آن جریان امر را سریعاً اطلاع دهید.

وزیر کشور [امضا]

[۲۹۰۰۰۵۱۴۴]

۲۴۴

وزارت کشور، فرمانداری یزد، شماره ۳۷۴۶، تاریخ ۱۳۲۷/۴/۸

محرمانه، مستقیم، سفارشی است

وزارت کشور

عطف به شاره $\frac{۳۸۶۸}{۲۷/۳/۳۱}$ مورخه ۲۷/۳/۳۱، پیوست رونوشت نامه شماره $\frac{۷۲۳۱}{۲۷/۳/۱۲}$ وزارت امور خارجه و رونوشت گزارش سفارت کبرای شاهنشاهی در دهلی، موضوع شکایت انجمن زردشتیان بمبئی از این که دختر غیربالغ زردشتی را فریب داده و به خانه آخوندی برده و او را مجبور به قبول دیانت اسلام و ازدواج نموده اند، اشعار می دارد به طوری که ضمن تلگراف رمز شماره $\frac{۱۸۷}{۲۷/۳/۱}$ به استحضار رسانیده این موضوع در یزد سابقه داشته که اغلب دخترهای زردشتی تمایل به دیانت اسلام پیدا نموده و به مذهب اسلام تشرف می جویند و علت این امر هم معلوم نیست به واسطه طرز سلوک و رفتار والدین آنها یا انزجاری است که نسبت به آیین زردشتی پیدا نموده اند

و در این گونه موارد هیچ گونه تهدید و فشاری در کار نبوده است. چنانچه یک نفر دختر زردشتی موسوم به آدخت نمیرانیان فرزند خورسند چندی قبل، شخصاً بدون این که کسی او را وادار نموده باشد به منزل آقای حاجی سیدمحمدباقر مجتهد رفته مذهب اسلام اختیار می نماید و بعد هم اهالی وجوهی برای او جمع آوری و در عقد یک نفر عطار درآمده و به طوری که ضمن شماره $\frac{۱۹۶۳}{۲۷/۳/۱۳}$ به استحضار رسانیده در این اثنا پدر نام برده نسبت به این پیش آمد به دادسرا شکایت نموده و دادستان هم نسبت به موضوع رسیدگی هایی نموده و اخیراً طبق دستور وزارت دادگستری پرونده مربوطه برای رسیدگی به دادسرای تهران احاله شده است.

فرماندار یزد - مستوفی، [امضا]

[حاشیه ۱]: - اداره سیاسی، اداره انتظامات، با مراجعه به سابقه مشترکاً اقدام شود. ۲۷/۴/۱۳

[حاشیه ۲]: - [مهر: ثبت دفتر محرمانه وزارت کشور، شماره ۵۸۴۷، تاریخ ۱۳۲۷/۴/۱۴]

[حاشیه ۳]: - ۱۹۶۳، فرمانداری یزد، به اداره انتظامات ارجاع شده. ۲۷/۴/۲۰

[۲۹۰۰۰۵۱۴۴]

۲۴۵

وزارت کشور، اداره سیاسی، نمره ۴۹۷۸ / س، تاریخ ۱۳۲۷/۵/۱۰، محرمانه

وزارت امور خارجه

بر اثر وصول نامه شماره $\frac{۱۳۶/۷۲۲۱}{۲۷/۳/۱۲}$ موضوع شکایت انجمن زردشتیان بمبئی از این که دختر غیربالغ زردشتی را فریب داده و مجبور به قبول دیانت اسلام نموده اند به فرمانداری یزد دستور رسیدگی داده شد. اینک رونوشت هایی به شماره ۳۷۴۶ که از

فرمانداری در تکذیب موضوع رسیده است برای استحضار آن وزارت تلواً ارسال می‌گردد.

رئیس اداره سیاسی [امضا] ۲۷/۴/۲۱

[۲۹۰۰۰۵۱۴۴]

* * *

۲۴۶

نخست وزیر، [نمره ندارد]، [تاریخ: اسفندماه ۱۳۲۷]

جناب آقای محمدساعت نخست وزیر

عطف به وقایع اخیر یزد که آن جناب کاملاً مستحضرند و با عرض تشکر از اقدام مقامات مربوطه در حفظ حقوق اقلیت زردشتیان، به پیوست رونوشت تلگراف واصله از انجمن زردشتیان یزد و جلسه بانوان زردشتی یزد تقدیم و نظر به این که با پیش آمد اخیر اغلب زردشتیان از تأمین جانی و ناموسی خود کاملاً نگرانند تقاضا دارد امر و مقرر فرمایند.

۱- قوای تأمینیه مراقبت در حفظ امنیت زردشتیان یزد به عمل آورند.

۲- از مراجعت آقای خالصی زاده به یزد جلوگیری شود.

۳- به وزارت دادگستری دستور اکید صادر فرمایند اشخاصی که دختران زرتشتی را برده دستگیر و به کیفر قانونی برسانند، موجب سپاس‌گزاری خواهد بود.

با تقدیم احترامات شایسته. امضا

رونوشت برابر اصل است.

[مهر: دبیرخانه دفتر نخست وزیر]

[امضا]

[۲۹۳۰۰۶۰۵۷]

۲۴۷

نخست وزیر، [نمره و تاریخ ندارد]، رونوشت تلگراف فوری مورخه ۲۷/۱۲/۳

که در صبح ۱۲/۴ به تهران رسیده

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت مجلس مقدس شورای ملی، رونوشت وزارت جلیله دادگستری، رونوشت آقای رستم کیو

نماینده محترم

یقین خاطر مبارک آن جناب از پیش آمدهای ناگوار که اخیراً در اثر اقدامات جاه طلبانه شیخ محمدمهدی خالصی نسبت به گروه قلیل زرتشتیان یزد به عمل آمده مستحضر است. در ظرف چند روز اخیر سه دختر معصوم و صغیر زرتشتی با خدعه ربوده و به منزل برده شده، چون رئیس با وجدان دادگستری و دادستان با شهادت به تظلمات اولیای دختران و این انجمن ترتیب اثر داده اقدامات منصفانه و عاجل به عمل آورده نام برده و طرف دارانش اهالی شهر را تحریک کرده، آنها را از کسب و کار بازداشته، تولید وضعیت غیرعادی و نامطلوب نموده اند، به طوری که این جماعت از جان و ناموس خود کاملاً نگران و مضطرب می باشند. استدعا دارد بذل توجه فرموده دستور مقتضی صادر و این جانبان را از اضطراب و تشویش رهایی بخشید.

انجمن زرتشتیان یزد

رونوشت برابر با رونوشت است.

[مهر: دبیرخانه دفتر نخست وزیر]

[امضا]

[۲۹۳۰۰۶۰۵۷]

۲۴۸

نخست وزیر، [نمره و تاریخ ندارد]، رونوشت تلگراف فوری مورخه ۲۷/۱۲/۳
از یزد که صبح ۲۷/۱۲/۴ به تهران رسیده

آقای ارباب رستم گیو نماینده محترم زرتشتیان

پس از تقدیم مراتب سلام عرض می شود چنان که از وضعیات ناهنجار زرتشتیان یزد در این ایام مطلع می باشید که دختران ما را هر روز به فریب دادن با هر قسم که ممکنشان شود به اتکای اشخاص معلوم الحال به اسم مسلمان کردن می برند دیگر امنیت و حفظ ناموس برای ما زنهای زرتشتی نمانده است. از آن جایی که مسأله ناموسی است و این جماعت در اقلیت صرف می باشد از جناب عالی انتظار داریم که با مراجعه به مقامات صلاحیت دار تظلم ستمدیدگان را خواستار گردیده، دست این مفسدین و خیانت کاران به ناموس و حیثیات اجتماعی ما را کوتاه ساخته آسایش، تأمین ناموسی و رفاهیت اجتماعی ما را فراهم نمایید. با تقدیم احترامات فائقه.

از طرف جلسه بانوان زرتشتی یزد، آذرمیدخت کی نژاد

رونوشت برابر با رونوشت است.

[مهر : دبیرخانه دفتر نخست وزیر]

[امضا]

[۲۹۳۰۰۶۰۵۷]

۲۴۹

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، شماره ۱۲۴۸، مورخه ۲۷/۱۲/۴ [۱۳]

رونوشت نامه یزد

شهربانی کل کشور - ۲۷/۱۲/۳ - ۳۰۵۰۴/۶۶۲۹

در اثر بازداشت آقای خالصی زاده مختصر تظاهراتی از طرف اهالی به عمل آمد و کسبه دو روز مغازه و دکان خود را تعطیل که با پیش‌بینی‌های لازم و تماس با رؤسای اصناف و غیره از ادامه به این عمل و تظاهرات و اجتماع جداً جلوگیری و با جدیت و اهتمام کامل مأمورین شهربانی و تشریک مساعی مأمورین ژاندارمری هیچ گونه اتفاقی در شهر و حومه رخ نداده است. مستدعی است امر و مقرر فرمایند نسبت به مأمورینی که در این موقع علاوه بر انجام وظیفه خدمت فوق‌العاده شبانه روزی انجام داده‌اند طبق پیشنهادی که می‌شود عطف توجهی مبذول فرمایند.

سرمنگ ۲ زندی

رونوشت برابر اصل است.

[۲۹۳۰۰۶۰۵۷]

۲۵۰

وزارت کشور، نمره ندارد، تاریخ ۲۸/۱/۲۲ [۱۳]

وزارت دادگستری

معطوفاً به مرقومه شماره $\frac{۲۱۰۱۴}{۲۷/۱۲/۲۷}$ نخست وزیری، متضمن رونوشت تلگراف شماره ۱۶۲ انجمن زرتشتیان یزد، اینک رونوشت نامه آقای رستم‌گیو نماینده زرتشتیان که در تعقیب موضوع به نخست وزیری نوشته‌اند و به وزارت کشور فرستاده شده به ضمیمه ایفاد و توضیحاً به استحضار می‌رساند. برای حفظ امنیت محل و تأمین آسایش

طایفه زرتشتیان یزد به فرمانداری و مأمورین مربوطه دستور لازم داده شد. خواهشمند است مقرر فرمایند از اقدامی که در مورد قسمت سوم از تقاضای نماینده نام برده به عمل خواهد آمد وزارت کشور را مستحضر نمایند.

رئیس اداره انتظامات. [امضا]، ۲۸/۱/۱۷

وزیر کشور [امضا]

[۲۹۳۰۰۶۰۵۷]

۲۵۱

وزارت کشور، شماره ۲۴۱۰، تاریخ ۲۸/۱/۱۳

فرمانداری یزد

انجمن زرتشتیان یزد تلگرافی به مقام نخست وزیری معروض و از پیش آمد اخیر اظهار نگرانی نموده اند. قدغن فرمایند نمایندگان انجمن نام برده را مطمئن نمایند که با اقداماتی که برای حفظ انتظام محل از طرف دولت به عمل آمده و مراقبتی که از طرف مأمورین خواهد شد، هیچ گونه نگرانی برای طایفه زرتشتیان باقی نخواهد بود و از هر نوع عملیات خلاف رویه قویاً جلوگیری خواهد شد. بدیهی است فرمانداری نیز به مأمورین مربوطه دستورات لازم صادر خواهند فرمود.

وزیر کشور [امضا]

رونوشت شرح بالا برای شهربانی کل کشور ارسال می گردد. قدغن فرمایند به شهربانی محل نیز دستورات لازم برای تأمین آسایش طایفه زرتشتیان صادر و از نتیجه وزارت کشور را مستحضر نمایند.

رئیس اداره انتظامات [امضا]، ۲۸/۱/۱۷

[۲۹۳۰۰۶۰۵۷]

۲۵۲

وزارت کشور، فرمانداری یزد، شماره ۵۸۱، تاریخ ۱۳۲۸/۱/۳۰

وزارت کشور

بازگشت به شماره $\frac{۲۷۷۹۰}{۳۴۱۰}$ مورخه ۲۸/۱/۲۳، راجع به انجمن زرتشتیان یزد که تلگرافی به مقام نخست وزیری معروض و از پیش آمد اخیر اظهار نگرانی نموده اند به استحضار می‌رساند که مدتی است رفع نگرانی آنها شده و از هر جهت امنیت برقرار و مراتب هم به نمایندگان انجمن ابلاغ شده است.

فرماندار، لسان سپهر

[امضا]

[حاشیه ۱]: انتظامات، ۲۸/۲/۵

[حاشیه ۲]: - [مهر: ثبت کل وزارت کشور، شماره ۸۶۵۵، تاریخ ۱۳۲۸/۲/۵]

[حاشیه ۳]: - سابقه، ۱۳۲۸/۲/۶

[۲۹۳۰۰۶۰۵۷]

* * *

۲۵۳

وزارت کشور، فرمانداری یزد، شماره ۳۹۷۷/۱۶۲، مورخه ۱۳/۳۳/۶/۲۲ [رونوشت گزارش اداره شهربانی یزد که اصل آن به شماره ۵۲۷۹، [تاریخ ۳۳/۶/۲۴] ثبت شد

جناب آقای فرماندار شهرستان یزد

طبق اطلاعی که آقای خداداد یزدانی زردشتی به شهربانی داده است، روز ۱۸ ماه جاری دخترش دوشیزه روشن، ۱۷ ساله از خانه متواری و شناسنامه و مقداری ملبوس را نیز با خود برده است. قضیه تعقیب، اطلاع حاصل گردید که دوشیزه مذکور برای

مشرف شدن به دین اسلام به منزل آقای آقاشیخ محمد علومی یکی از علمای واقع در کوی لب خندق رفته و فعلاً مشارالیه با استحضار آقایان علمای یزد در آن جا می باشد. جریان بعداً به استحضار خواهد رسید.

رئیس شهربانی یزد - سرهنگ ۲ حشمتی

رونوشت برابر اصل است.

[امضا]، ۳۳/۶/۲۸

[۲۹۰۰۰۷۴۵۷]

۲۵۴

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره اطلاعات، شماره ۵/۲۸۹۳۹

تاریخ ۳۳/۷/۳ [۱۳]، محرمانه

وزارت کشور

طبق گزارش شهربانی یزد خداداد یزدانی زرتشتی ساکن کوچه بیوک به شهربانی رفته و اطلاع می دهد که روز ۱۸ شهریور ماه دخترش دوشیزه روشن، از منزل متواری شده است. در نتیجه تحقیقاتی که به وسیله مأمورین انتظامی به عمل آمده معلوم شده که دوشیزه مذکور شخصاً برای تشریف به دین اسلام به منزل شیخ محمد علومی که یکی از علما می باشد رفته و با استحضار علمای یزد فعلاً در آن منزل می باشد و پرونده امر طی شماره ۱۶۲ - ۳۳/۶/۲۳ به دادسرای شهرستان یزد فرستاده شده است.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور، مهندس غفاری

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر محرمانه وزارت کشور، نمره ۶۲۷۵، تاریخ ۳۳/۷/۷]

[حاشیه ۲]: - این موضوع سابقه دارد، سابقه ضمیمه شود. ۳۳/۷/۸

[حاشیه ۳]: - سابقه امروز به ضبط رسیده که ضمیمه گردید. ۳۳/۷/۱۴

[حاشیه ۴]: - به عرض ریاست محترم اداره برسد.

[حاشیه ۵]: - این موضوع قبلاً به عرض مقام وزارت رسیده. مقرر فرموده‌اند بایگانی شود.

موکول به نظر عالی است. [امضا]، ۳۳/۷/۱۷

[۲۹۰۰۰۷۴۵۷]

فصل هشتم

حوادث و وقایع

محدودیت‌های اجتماعی که از زمان‌های قدیم در ایران برای اقلیت‌های مذهبی وجود داشته، همواره باعث به وجود آمدن حوادث و وقایعی علیه این جوامع مذهبی و بالتبع جامعه و افراد زرتشتی می‌شده است.

آن چه از مطالعه تاریخ دوره جدید و تاریخ معاصر ایران برداشت می‌شود، این است که علاوه بر تفکر کلی حاکم بر جامعه مبنی بر کوچک شمردن پیروان آیین مزدیسنی که پیدایش حوادثی بعضاً حزن‌انگیز و اسفناک را در پی داشته، تغییرات و تحولات اجتماعی نیز که با اغتشاشات و بلواهای ملی همراه بوده، یکسره به ضرر پیروان دیانت زرتشتی بوده است.

به همین دلیل زرتشتیان در دوران صفویه و پس از آن، در هر تغییر حکومتی، از طرف حاکمان و یا کسانی که در تحولات اجتماعی به دنبال کسب منافع مادی بودند، مورد هجوم واقع می‌شدند. کم شدن تعداد زرتشتیان از حدود یک میلیون نفر در دوران صفویه^(۱) به حدود ۷ هزار نفر در زمان ناصرالدین شاه قاجار،^(۲) خود حاکی از این است که برای این جماعت در دوران تحولات حکومتی ایران آسایشی وجود نداشته است. انقلاب مشروطه گرچه یکی از وقایع امیدوارکننده برای زرتشتیان بود اما تغییر

۱ - شهرداد رشیدی؛ «اوضاع اجتماعی زرتشتیان ایران در یک قرن اخیر»؛ هوخ، س ۱، ش ۵، ص ۲۸؛ آقای دکتر جهانگیر اشیدری آمار زرتشتیان را در دوران پیش از صفویه حدود ۳ میلیون ذکر کرده است (تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۲۲۷).

چندانی در بروز اغتشاشات علیه جامعه زرتشتی به وجود نیاورد. گو این که باز در سال‌های نابسامانی آخر دوران قاجار و تبدیل حکومت به پهلوی نیز می‌توان روند رو به رشد این گونه وقایع را مشاهده نمود. عدم وجود قانون کلی در ایران درباره اقلیت‌های مذهبی و وضعیت منفعل زرتشتیان، بهانه‌ای بوده است تا برخی از منفعت‌طلبان، اوباش و یا اراذل در پی رسیدن به هواجس نفسانی خود به اعمالی دست بزنند که بعضاً می‌توان آثار آن را در خلال مطالعه اسناد این فصل مشاهده نمود.

مانکجی صاحب در تثبیت اوضاع خارجی جامعه زرتشتی تلاش بسیار کرد. خود در این باره نوشته است: «این مسافر حین اقامت در ایران از برای سرپرستی زرتشتیان متوقفین در شهر یزد و کرمان با مخارج و خسارت بسیار و زحمت و مشقت بی‌شمار و استدعا و تمنا از طرف اولیای دولت علیه و امنای شریعت مطهره و بزرگان و اعیان یزد و کرمان، خاطر جمعی و اطمینان حاصل و همگی را در سرپرستی زرتشتیان معین خود نموده بود. با وجود آن در این مدت با آن همه اهتمامات، هفت نفر از پارسیان از دست الواط و اشرار به قتل رسیده است و چندین نفر از ضرب قمه و خنجر زخمی گردیده و قریب چهل نفر را در عرض راه برهنه کرده اسباب و اموال آنها را برده‌اند. از این گذشته گاهی در خیال قتل این مسافر و بنده‌زاده - هرزدیار - هم افتاده، دایم در صدد فرصت بوده‌اند. اکنون تصور بفرمایند که با این همه اهتمامات و صدور احکامات موکده از طرف دولت ابدمدت علیه و امانت و حمایت از جانب اولیای دولت و امنای شریعت که فی‌الحقیقه این اوقات به هیچ وجه راضی به تعدی رسیدن به طایفه زرتشتی نیستند، این طور حرکات از الواط و اشرار به ظهور رسید، آیا حالت سابق این طایفه بیچاره به چه پایه بوده است».^(۱)

تلاش‌های مانکجی را ارباب کیخسرو شاهرخ پیگیری نمود. حساسیت او نسبت به وضع قوانین کلی در ادوار مختلفه مجلس قابل توجه و شایان تقدیر است. می‌توان گفت دست آوردهای قانونی جامعه زرتشتیان، حاصل کوشش‌هایی است که ارباب کیخسرو، شبانه روز برای آرامش و آسایش جامعه زرتشتیان انجام داد.

گرچه اسنادی که در این فصل ارائه می‌شوند، مخالفت‌های بی‌رویه علیه جامعه زرتشتی را تا دهه ۳۰ شمسی نشان می‌دهند اما با مطالعه و مذاقه در تاریخ دهه‌های اخیر حیات این جامعه در ایران، می‌توان دریافت که زرتشتیان بهترین دوران آرامش جامعه خود و اطمینان نسبت به جامعه بیرون را در دهه اخیر از دوران پس از انقلاب اسلامی حاصل کرده‌اند.

اگر زرتشتیان به غلط در زمان قاجار و پهلوی اول حق نداشتند در روزهای بارانی از منزل بیرون بیایند، دیوارهای منازل خود را بلند بسازند، سواره در شهرها گردش کنند و... و اگر در زمان پهلوی دوم آزادی‌های نسبی زرتشتیان مانع از این نبود که آنها را به حمام‌های عمومی راه ندهند، ایشان را آتش‌پرست بخوانند، بعضاً آنها را مورد ضرب و جرح قرار دهند و محدودیت‌های تجاری و داد و ستد با زرتشتیان به وجود بیاورند؛ اینک هیچ یک از موارد فوق را نمی‌توان در افکار عمومی جامعه نسبت به زرتشتیان یافت. می‌توان گفت مردمان امروز ایران در اثر فهم عمومی که نسبت به حقوق اقلیت‌ها حاصل کرده‌اند، آرام‌ترین ادوار تابخه را با زرتشتیان سپری می‌کنند.

به جناب اعتضادالدوله در باب رجب علی محبوس در آستانه حضرت معصومه که علمای عظام قم توسط کرده اند حسب الامر حضور او برای پاره ای تحقیقات این جا لازم است او را تحت الحفظ با غلام و مستحظ به دربار گردان مدار روانه دارید که تحقیقات لازمه بشود.

نایب السلطنه^(۱) امیرکبیر، [نمره ۱۴]

جواب

حضور بندگان حضرت والا روحی فداه در باب رجب علی یزدی که مقرر شده است تحت الحفظ به تهران فرستاده شود خاطر مبارک به این فقره مسبوق است که دو ماه متجاوز است این پسر در صحن مبارک متحصن شده و بر حسب امر اولیای دولت قاهره در مضجع شاهنشاه مبرور جناب متولی باشی او را حبس کرده است و چند نفر مخصوصاً برای محافظت او گذاشته اند که از آن جا حرکت نکند حتی به حرم مبارک هم نمی تواند برود و ممنوع است. کمال مراقبت از جانب فدوی و متولی باشی در حفظ او شده است با این حالت چگونه می توان او را از بست آستانه مبارکه بیرون آورد؟ ده روز قبل از این هم جناب متولی باشی جایی در صحن معین کرده و پسر را از مضجع شاهنشاه مبرور خارج کرده و حبس نمودند، چهار نفر هم از آدمهای خودشان را

مستحفظ قرار داده‌اند. یقین است اعلیٰ حضرت شاهنشاه صاحب‌قران روحنا فداه و بندگان حضرت والا به این کار هرگز راضی نخواهند شد که از بست حضرت کسی را بکشند و بیرون ببرند و محبوساً به دارالخلافت بفرستند. با این حالت به هر چه امر و مقرر دارند فدوی و جناب متولی باشی مطیع هستیم.

اعتضادالدوله، [نمره ۱۵]

[۲۹۵۰۰۱۳۳۸]

۲۵۶

شماره ۲۴، به تاریخ شهر جمادی‌الاولی توشقان‌نیل ۱۲۹۶

جناب اعتضادالدوله در باب رجب‌علی یزدی تلگراف شما از عرض لحاظ انور همایونی روحنا فداه گذشت، مقرر فرمودند حکم نشده بود رجب‌علی را از بست بکشند و هرگز چنین حکمی نمی‌شود. قرار دیه قتل را بدهید که به ولی مقتول برسد و رجب‌علی یا اخراج بلد شده از ایران خارج شود یا در غیر یزد سکنی گرفته شرط نمایید که اگر به یزد برود او را بکشند. هر قراری هم که می‌دهید، مجدداً اطلاع بدهید اذن مجدد داده شود.

نایب‌السلطنه [نمره ۲۲]

جواب

حضور بندگان حضرت والا روحی فداه در فقره رجب‌علی یزدی تلگراف بندگان حضرت والا زیارت شد موجب مباهات فدوی و همه گردید. یقین است حفظ مراتب حرم مبارکه بضعه احمدی را اعلیٰ حضرت همایون صاحب‌قران روحنا فداه و حضرت والا همه وقت منظور فرموده و می‌فرمایند. ما چاکران هم اگر عرضی بکنیم از روی

خیرخواهی و تذکار خاطر مبارک است. رجب علی ملتزم می شود که ابداً به یزد نرود و توطن خودش را در قم قرار می دهد که هیچ وقت از این جا خارج نشود ضامن هم از او گرفته می شود. در فقره دیه که مقرر شده به ولی مقتول باید برسد. دیه شرعی رشید زردشتی به طوری که علمای اعلام تشخیص داده اند چهل تومان است. حال مقصود خاطر مبارک هر چه هست تعیین مبلغ را مقرر دارند که اطلاع حاصل شده قرارش داده بشود و به عرض برسانیم تا یک صد تومان الی یک صد و پنجاه تومان فدوی و اهل این بلد برای استخلاص رجب علی می دهیم و حاضر است که آزاد شده به دعای وجود همایونی روحنا فداه در این آستانه به سر برد و من بعد برای او اذیتی نباشد. اختیار و امر با بندگان حضرت والا روحی فداه است.^(۱)

اعتضادالدوله [نمره ۲۴]

[۲۹۵۰۰۱۳۳۸]

* * *

۲۵۷

مجلس شورای ملی ایران، نمره ۳۸، مورخه ۱۸ ربیع الآخر ۱۳۲۶

سواد تلگراف انجمن ناصری یزد

توسط جناب ارباب جمشید نماینده زردشتیان، مجلس مقدس شورای ملی شیدالله
ارکانه، رعایای شهر و بلوک اجماع، تجار [و] اصناف بازار دکانین بسته، تعطیل عمومی،

۱ - در نامه ای که «انجمن اکابر پارسیان» به ناصرالدین شاه نوشته، چنین آمده است: «در ۶ سال قبل رجب نام یزدی که از مشاهیر الواط آن جا است به تحریک بعضی رشید یزدی را کشت و با این که چندین مراتب در مقام دادخواهی به خاک پای اقدس اعلی حضرت ظل الهی عارض شدند و به اولیای دولت ابدایت متوسل گشتند، نوعی که شایسته مقام رعیت داری است، دادرسی نشد و قاتل مزبور به سیاست نرسید» (ر. فرهنگ، فروهر، س ۱۳، ش ۷، ص ۹).

بلوا [و] اغتشاش سخت، جرأت رفتن بازار و کسب نداریم. خطر عظیم قریب الوقوع، استدعای رفع حاجت رعایا برای آسایش و دعاگویی عمومی، عاجلاً مؤدّه دادرسی [و] علاج کافی داریم.

فدویان دعاگو : انجمن ناصری زرتشتیان یزد

[۲۴۰۰۱۳۷۷۷]

* * *

۲۵۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران، نمره ۲۶۹

تاریخ ۲۷ دلو [۱۲۸۹] / [۱۷ صفر] ۱۳۲۹

خدمت آقای ارباب کیخسرو

نمی دانم شرح شناخت‌های سردار نصرت^(۱) را در این مملکت چطور بیان کنم، از خرابی‌ها که در اداره قشونی کرده است عرض کنم یا از تحریکات و اسباب چینی‌های او در شهر و اطراف بگویم. امروز راپورتی از آدم بنده از جیرفت رسیده است که چند نفر از رؤسای ایلات را برضد دولت با هم متحد و معاهد نموده و صورت اتحادنامه آنها را که به دست آورده است، عیناً فرستاده و ذیلاً درج می‌شود: حاضر شدند ضرغام نظام و محمدخان و ضولت‌الملک و سیف‌الله‌خان کلاتر سلیمانی و معاهده سخت کرده و سوگند به کلام‌الله مجید یاد نمودند که مالیات به دیوانیان نداده و در امورات یک‌دیگر همراهی داشته باشند. اگر اردویی هم به این حدود آمد تماماً تا جان دارند با تمام قوا برای زد و خورد طرف شوند و هرگاه نقض عهد نمایند از جمله زنان بی‌عفت بوده و

۱ - میرزا حسین خان عدل‌السلطنه (پسر وکیل‌الملک ثانی) که نیابت حکومت کرمان را داشته است.

چادر بی عفتی بر سر نمایند.

این عهدنامه را به خط صولت‌الملک نوشته و تماماً مهر کرده به توسط کربلایی ابوتراب کلانتر موغان نزد غنچ‌علی خان فرستاده‌اند که آن هم مهر کند و نیز آنها را دستورالعمل داده است که این تفنگ و فشنگی که از بنادر حمل می‌شود غارت کنند، این بود راپورت واصله، لاعلاج بر عده مستحفظین این بار باز افزوده و کمک فرستادم و به مرحمت آقای سردار نصرت دو مقابل قیمت آنها تاکنون خرج سوار و مستحفظ داده‌ام. از این گذشته مراسله از قونسولگری انگلیس راجع به قتل دو نفر زرتشتی رسیده که عیناً درج می‌شود.

در باب قتل دو نفر زردشتی خدمت حضرت مستطاب اشرف والا زحمت افزا هستم با وجودی که دوست‌دار هر قدر سعی کردم که جناب سردار، قاتل اولی را که مهربان را کشته بود به دست بیاورد^(۱) ممکن نشد اگر چه در کمال سهولت می‌توانست او را گرفتار

۱ - در یکی از دفاتر خلاصه مذاکرات انجمن کرمان به تاریخ ۱۰ رجب ۱۳۲۹ چنین ثبت شده است: «سواد تلگرافی که توسط انجمن ناصری از وزارت داخله به آقای سردار نصرت نوشته شده: از تهران به کرمان نمره ۴۰۷ دولتی توسط انجمن ناصری زردشتیان، آقای سردار نصرت نایب‌الایاله؛ از قرار خبر تلگرافی مهربان نام زردشتی را در بازار زخم کاری زده‌اند [...] و تلگراف به انضمام عریضه‌ای از خود انجمن برای آقای سردار نصرت فرستاده شد». از مطالعه گزارشهای انجمن ناصری کرمان از تاریخ هشتم رجب ۱۳۲۹ تا نهم شعبان ۱۳۲۹ چنین به دست می‌آید که پس از کشته شدن مهربان (تحویل‌دار تجارتخانه کاووسیان) جمشید نامی نیز به قتل می‌رسد. زرتشتیان در پی اتفاق افتادن این دو حادثه به قونسولخانه انگلیس رفته و تحصن می‌کنند و تلگراف‌های بسیاری مابین مسؤولان حکومتی، زرتشتیان، ارباب کیخسرو و وزارت داخله رد و بدل می‌شود. عاقبت قاتل جمشید را دستگیر کرده و تلگراف‌های تشکرآمیزی به برخی از علمای کرمان نیز در دفتر مذکور ثبت است و زرتشتیان بالاخره تحصن را رها کرده به کار و کسب خود بازمی‌گردند.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کند چون در جوبار از قاتل حمایت کردند و او را تسلیم آدم‌های شاهزاده جلال‌الدوله نکردند و سردار نیز در گرفتاری او عمداً کوتاهی کرد. از این جهت چنین ظاهر و واضح می‌شود که سردار در این مقدمه مقصودی داشته بلکه در باطن با مدد اشاره خود سردار بوده که می‌خواسته شاهزاده جلال‌الدوله به زحمت و بدنامی افکند. لهذا چون الحال سردار به تهران می‌روند خوبست که حضرت اشرف والا نیز این مطلب را به اولیای امور برسانند که در آن جا در این باب هم رسیدگی و استنطاق شود.

در اتحادی که سردار بابجاقچی دارد و می‌گویند با آنها شریک است نیز ذکری کرده بشود که در تهران رسیدگی شود. سواد نوشتجات و تلگرافات انجمن ناصری را که برای دوست‌دار فرستاده‌اند لفاً ارسال داشت کرنل هنگ قونسول انگلیس این مراسله را با سواد نوشتجات و تلگرافات ناصری مصحوب پست فرستادم ملاحظه خواهید فرمود این عبارتی که در مراسله قونسول راجع به اتحاد سردار بابجاقچی ملاحظه می‌فرمایید کنایه از این مسأله است که بر همه مردم حتی بر قونسول انگلیس هم واضح شده است اموالی را که ایل بجاقچی و عطااللهی و جاخویی و قزایی و بلوچ امروغی که ابواب جمعی سردار هستند به اسم سارقین فارس از خاک کرمان می‌برند تماماً را تسلیم آقای سردار می‌نمایند و جزو بیت‌المال می‌شود [.....]^(۱)

از مطالب مندرج در کتاب «یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ» درمی‌یابیم که قاتل «جمشید» را در کرمان اعدام نمودند و این اولین باری بوده که یک مسلمان به خاطر قتل یک زرتشتی در ایران حکم قصاص دریافت کرده است. قاتل «مهربان» نیز به نام «داداش» در سال ۱۳۰۰ ش. دستگیر گردیده که شرح آن را می‌توان در طی اسناد شماره ۳۲۰ تا ۳۳۱ ملاحظه نمود.

۱ - در این بخش تلگراف، مسائلی مربوط به مشکلات قشونی بود که چون ارتباطی با مطلب ما نداشت درج نگردید.

خواهشمندم این تلگراف را در هیأت محترم وزرا قرائت فرمایید.

امیراعظم،^(۱) [مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[۲۹۳۰۰۶۰۶۱]

* * *

۲۵۹

وزارت داخله، نمره ۶۲۴۲/۱۳۰۶، به تاریخ ۲۰ ثور [۱۲۹۰] / [۱۳ جمادی الاولی]

۱۳۲۹، صادره: تلگراف، فوری است

آقای مشیرالممالک پیشکار مالیه

چند روز قبل به رؤسای دوایر تلگراف شد، حالا که ضیغم الدوله^(۲) به واسطه سوء رفتار از حکومت یزد منفصل گردید، تا ورود حاکم جدید به اتفاق همدیگر و اطلاع انجمن ولایتی به حفظ انتظامات مشغول بوده وسایل امنیت شهر و اطراف و آسایش اهالی را فراهم دارند. حالا نظر به اعتمادی که به حسن کفایت و بصیرت شما حاصل است لزوماً می نویسم که اهتمام و مراقبت مخصوص در حفظ امنیت و آسایش اهالی به وجود آورده عموم رؤسای دوایر را از معاون حکومتی و رئیس تلگراف و عدلیه و امنیه و نظمی به ایفای وظیفه خدمت مشغول داشته، مخصوصاً با اطلاع انجمن ولایتی از رئیس

۱ - نصرالله خان (سیف الملک، امیرخان سردار، امیراعظم) پسر وجیه الله میرزای سپهسالار (اشیدری، یادداشت های ارباب، ص ۷۰ - ۷۳).

۲ - در سال ۱۳۲۸ ق. حاکم یزد بود و فرخی یزدی در دُمَش اشعاری سرود و ضیغم الدوله قشقایی دستور داد لب های او را دوختند و به زندان افکندند. این قضیه در مجلس مطرح شد و وزیر داخله مورد سؤال واقع گردید (بامداد، ج ۶، ص ۲۰۱).

نظمیه بخواهید که مراقب نظم شهر بوده، دقیقه‌ای غفلت نکرده، خصوصاً در حفظ امنیت جماعت زردشتی مواظبت کامل بنماید که از احدی نسبت به آنها مزاحمتی نشده از هر جهت راحت باشند. البته این مسأله را خیلی طرف توجه قرار خواهید داد و همچنین به رئیس امنیه در تأمینات طرق و شوارع و حفظ پست و قوافل تعلیمات داده از تدارک وسایل امنیت به هیچ وجه غفلت نکرده راپرت کارها را اطلاع دهید حاکم جدید هم عنقریب با...^(۱) و تعلیمات لازمه اعزام می‌شود.

[امضا]

[۲۹۳۰۰۳۰۳۹]

۲۶۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به تهران، نمره ندارد، [تاریخ]

۲۱ ثور [۱۲۹۰] / [۱۴ جمادی الاولی] ۱۳۲۹

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

برحسب امر مبارک فدوی و آقای رئیس نظمیه با کمال جدیت در انتظام شهر و اطراف کوشیده و شهر و توابع تاکنون به نظم و آسایش اهالی فراهم است ولی حرکات وحشیانه سواران ضیغم الدوله که در باغ ناصری توقف کرده همه شب اطراف شهر مردم را لخت می‌نمایند. بعلاوه هر کس جهت مطالبه طلب خود در باغ می‌رود او را محبوس می‌نمایند و هر ساعت پیغامات تهدید آمیز به شهر و دهات می‌فرستد. عنقریب هیجان عمومی فراهم که جلوگیری از عهده چاکران خارج، در صورتی که ایشان از خدمت

معاف و لوازم حرکتشان هم فراهم است چنانچه صلاح بدانند امر فرمایند فوراً حرکت نمایند که تولید زحمت بزرگی نشود.

مقبل السلطان [مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - تلگراف کنید رئیس تلگرافخانه برود و به خصوص او را حرکت بدهد و اگر معطل...^(۱) است به رفع تشویش به او کرایه بدهید. [امضا]

[۲۹۳۰۰۳۰۳۹]

* * *

۲۶۱

وزارت داخله، نمره ۵۳، به تاریخ ۲۲ حمل [۱۲۹۳] / ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۳۲

صادره: تلگراف [به] یزد

به حکومت یزد رمز می‌شود

با این که کراراً نوشته شده است دخالت سوارهای کاشی در امور شهری صلاحیت ندارد و اسباب زحمت می‌شود، چنان که در چند موقع هم دیده شد، با این حال مطابق اطلاعات واصله بعد از حرکت سوار بختیاری از یزد به طرف کرمان مجدداً سوارهای کاشی به یزد مراجعت کرده و باطناً با اشرار معروف تفتی مواضعه نموده برای پیشرفت مقاصد خودشان مترصد وقت و فرصت هستند و همیشه باعث وحشت اهالی یزد خصوصاً جماعت زردشتی شده است. و هم چنین آقایانی که از قبیل آقاشیخ جعفر^(۲) و غیره که در این چند ماهه به واسطه اقتدار حکومت دست و پایشان جمع شده بود، حالا

۱ - ناخوانا.

۲ - آقاشیخ جعفر سبزواری (ر.ک: سند شماره ۲۶۲).

باز به همان طریق سابق برای خودشان چوب و فلکه و مأمورین مخصوص تهیه نموده و چند نفر را به معرض شکنجه و تهدید قرار داده‌اند و میرزا احمدخان را که به یک درجه زردشتیان را از تعدی و مزاحمت مصون داشته است می‌خواهند به اسباب چینی از کار خارج کنند و این مسائل فوق‌العاده اهالی را به ظهور و بروز مخاطرات تهدید می‌نماید و لازم است در جلوگیری از این فقرات و حفظ امنیت و آسایش اهالی و منع مداخلات سوارهای کاشی در امور شهری و قانع داشتن در حدود خودشان و رفع محذورات ممکن الوقوع اقدامات فوری به عمل آورده نتیجه را اطلاع بدهید.

[امضا]

[۲۹۰۰۰۷۴۶۰]

۲۶۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به تهران، نمره ۱۳۲

تاریخ ۱۶ ثور [۱۲۹۳] / [۱۰ جمادی الثانی] ۱۳۳۲

مقام منبع وزارت جلیله داخله

شیخ جعفر سبزواری به واسطه انزجار قلوب عامه هم‌اکنون دو مرتبه از یزد تبعید شده و باز مراجعت کرده. این اوقات تأسی به اعمال سابق خود کرده تمام رفتار و اقدامات او در یزد مخالف با ترتیبات حکومت است. مخصوصاً نسبت به جماعت زردشتیان فوق‌العاده بدرفتاری می‌کند.

فدوی خیال دارم او را از یزد خارج کنم. اگر در این خصوص تلگراف یا عریضه به

مقام محترم وزارت جلیله برسد خاطر مبارک از اقدام فدوی مسبوق باشد.^(۱)

۱۳ جمادی الثانی فدوی معاضد السلطنه

[مهر : تلگرافخانه مبارکه]

[۲۹۰۰۰۷۴۵۹]

۲۶۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به تهران، نمره ۲۳۳

تاریخ ۳۰ ثور [۱۲۹۳] / [۲۴ جمادی الثانی] ۱۳۳۲

مقام منیع وزارت جلیله داخله

شب بیست و چهارم شیخ جعفر سبزواری را از یزد تبعید کرده، عجلتاً در انارک توقیف است خراسان یا هر نقطه که مقرر فرمایند او را حرکت داده برود.

فدوی معاضد السلطنه

[مهر : تلگرافخانه مبارکه]

[۲۹۰۰۰۷۴۵۹]

* * *

۱ - ارباب کیخسرو شاهرخ در خاطراتش نگاشته : « یک نفر از علمای یزد که فزون با زرتشتیان مخالفت می نمود شیخ جعفر سبزواری بود که بالاخره در کابینه آقای مستوفی الممالک^(الف) اقدام نمود و او را به مشهد تبعید نمودند » ارباب سپس ادامه داده که شیخ مذکور به تهران آمده با ارباب تماس گرفته و به وساطت ارباب به یزد رفته و دیگر علیه زرتشتیان اقدامی ننموده است. (ب)

(الف) این کابینه در رمضان ۱۳۳۲ تشکیل شد

(ب) اشیدری، یادداشت های ارباب کیخسرو، ص ۷۸

۲۶۴

وزارت داخله، نمره ۴، مورخه ۸ جمادی الاولی ۱۳۳۳، سواد استخراج
تلگراف رمز حکومت یزد

توسط آقامیرزا رحمت‌الله خان، مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

درخصوص تبعید شیخ محمدرضا کراراً به آن وزارت جلیله پیشنهاد و لزوم آن را عرض کرده‌ام، مع ذلک هیچ جوابی در این موضوع نرسیده باز هم عرض می‌کند جماعت زردشتیان در این باب اصرار دارند و همه روزه بنده را در فشار قرار داده‌اند. استدعا می‌کنم بذل توجهی فرموده اگر حقیقتاً آن وزارت جلیله تبعید او را تصویب می‌فرمایند اجازه تلگرافی مرحمت شود و اگر تصویب نمی‌فرمایند آن را هم اعلام فرمایند تا جواب زردشتیان را داده آنها را مأیوس نمایم که دیگر دنبال نکنند^(۱). منتظر جواب فوری هستم. ۲۸ حوت، نمره ۱۰۳۷

حکومت یزد

[حاشیه]: در این خصوص وزارت داخله ترتیبی را تعقیب می‌کرد که شیخ محمدرضا از یزد خارج شده خودش به تهران یا محل دیگر مسافرت نماید. نتیجه چه شد؟ اگر آن ترتیب نتیجه نخواهد داد معلوم شود تا اقدام دیگر بشود.

[۲۹۳۰۰۶۰۴۷]

* * *

۲۶۵

[نامه‌ای به خط اردشیرجی به وزیر داخله]، تهران - فی ۴ رمضان ۱۳۳۵

به مقام منیع وزارت جلیله امور داخله دامت شوکتها

به عرض می‌رساند که قریب یک ماه پیش از این، محمدابن حسن نامی در قریه

مُریاباد حومه یزد اردشیر نامی طفل ۸ ساله زردشتی را خفه کرده، به حسن اقدامات آقای نایب‌الحکومه حومه، قاتل مزبور گرفتار گردید و در تحت استنطاق مدلل شد که محمدبن حسن مذکور قاتل حقیقی طفل مذکور است. ولیکن بدبختانه حکومت جلیله یزد را نسبت به قصاص قاتل ملاحظه‌ای بوده، مستدعی چنانست که مرحمت فرموده تلگرافاً امر اکید صادر فرمایند تا قاتل مورد سیاست لازمه گردیده، تکرار چنین قتل کمتر ممکن شود در صورتی که در یزد مانعی از سیاست لازمه باشد قاتل را به تهران فرستند.

خادم ملت، اردشیرجی، [امضا]

[حاشیه]: اداره جنوب در طبق سابقه اقدام به عمل آورید و جواب اردشیرجی را هم بنویسید،

عرمضان [۱۳۳۵]

[۲۹۰۰۰۷۴۵۴]

* * *

۲۶۶

وزارت داخله، اداره جنوب، [تلگراف به یزد]، مورخه ۷ ربیع‌الثانی

۱۳۳۸ ق / [۸ بهمن] ۱۲۹۸ ش

حکومت جلیله یزد

راپرتی راجع به آب خوردن یک نفر زرتشتی از سقاخانه^(۱) رسیده، تفصیل چه بوده

۱ - پیروان سایر مذاهب حق نداشتند از آب انبارها و یا سقاخانه‌ها استفاده نمایند. تنها گویا در کرمان چنین قاعده‌ای مجری نمی‌شده است. آقای باستانی‌پاریزی در مقاله‌ای تحت عنوان «مبانی تساهل اجتماعی در کرمان» در این باره نوشته‌اند: «در آب انبار بُقُویَه یزد دوشیر آب کار گذاشته بودند یکی برای زرتشتیان و یکی برای مسلمانان، اما در کرمان هیچ وقت چنین چیزی سابقه نداشته است، همه کرمانیان زرتشتی و مسلمان از یک آبشخور آب می‌خورده‌اند یعنی از آب انبار گنج‌علی‌خان» (چیستا، س ۱۱، ش ۶ و ۷، ص ۵۲۴).

و از طرف جناب عالی چه اقدامی شده است. البته از اقدامات و اجتماعات مخالف نظم جلوگیری و نتیجه را اعلام نمایید. ربیع‌الثانی نمره ۴۱۷۵.

[حاشیه]: - راپرت قضیه را به مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت عظمته قبلاً عرض کرده است.

[۲۹۳۰۰۶۰۵۸]

* * *

۲۶۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به تهران، نمره ۴۴

تاریخ ۲۸ سرطان ۱۲۹۹ / [۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۸]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

دو روز قبل یک دسته از زرتشتیان به زیارتگاه خودشان که چهارفرسخی شهر است می‌رفتند، چند نفر سارق به آنها در محل زیارتگاه مصادف شده، چهار نفر مرد و زن زرتشتیان را به تیر تفنگ زخمی نموده ولی خطر ندارند. به محض اطلاع، سوار تعاقب سارقین فرستاده، یک نفر از سارق که از اتباع ماشاءالله خان است با یک نفر جاسوس آنها دستگیر و تحت استنطاق می‌باشد. پس از ختم استنطاق سارق مجازات خواهد شد. بقیه سارقین فرار نموده تعاقب آنها رفته است. نتیجه را بعداً به عرض می‌رساند. ۲۸ سرطان نمره ۱۷۶۶.

امیرحسین بختیاری [مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره جنوب، نتیجه را بخواهید ۲ ذی‌القعدة [۱۳۳۸]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۶۸

دوم ذی قعدة ۱۳۳۸ / [۲۸ سرطان ۱۲۹۹]

هو

مقام منیع وزارت جلیله داخله

از قرار تلگرافات واصله از یزد، جمعی از زردشتیان آن جا در سه فرسخی شهر به زیارت یکی از مکان‌های متبرکه جمع بوده، چهار نفر سارق مسلح به آنها حمله نموده، سه نفر مرد و یک نفر زن به ضرب گلوله مجروح شده، دو نفر قریب الموتند. خود زردشتیان آن جا دو نفر از سارقین را دستگیر و تسلیم حکومت نموده‌اند و دو نفر دیگر فراری شده‌اند.

مستدعی است امر اکید تلگرافی به حکومت یزد صادر و مخابره شود که دو نفر دیگر سارق را دستگیر نموده به مجازات شدید برسانند تا عبرة للناظرین شود. تصدیق خواهند فرمود جایی که در سه فرسخی شهر یزد این قسم برای این جماعت به این درجه ناامنی فراهم باشد، چه درجه امنیت در یزد باقی و چه اندازه وسایل آسایش این جماعت فراهم است. الحق از بدو حکومت حاضرۀ یزد تاکنون جماعت زردشتی نفسی به راحتی نکشیده و همه قسم نفوس آنان آلت دست اشرار و منبع عواید هر طبقه و مورد غارت و ضربت بوده‌اند و اگر همین رویه تعقیب شود قطعاً برای این بقیة السیف زندگانی حرام است. به طور کلی راجع به وضعیات عمومی یزد و سلب امنیت از این جماعت و آخضاً در موضوع فوق استدعای بذل توجه می‌باشد که بیش از این، این جماعت دچار پریشانی و زوال نباشند.

سپاس‌دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - اداره جنوب، اقدامی که شده تعقیب و جواب ارباب را صادر فرماید. ۳ ذی القعدة

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۶۹

وزارت داخله، نمره ۶۰۴۵/۱۶۱۲، به تاریخ ۳۰ سرطان ۱۲۹۹ / ۴ ذی قعدة ۱۳۳۸

جناب آقای ارباب کیخسرو

مراسله جناب عالی در باب مجروح شدن چند نفر زردشتی به دست سارقین واصل شد. در این باب قبلاً به موجب راپرتی که رسیده بود به حکومت تأکید شد، دو نفر از اشرار را که دستگیر شده‌اند استنطاق نموده و آنها هم که فرار کرده‌اند، حتماً دستگیرشان نموده، نتیجه استنطاقات آنها را اطلاع بدهد تا حکم مجازات صادر بشود.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۷۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]، نمره ۳۹

تاریخ ۳۰ سرطان ۱۲۹۹ / ۴ ذی قعدة ۱۳۳۸

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در تعقیب تلگراف نمره ۱۰۶۶ عرض می‌شود، سارقی که در تلگراف قبل عرض شد که از اتباع ماشاءالله‌خان بوده و گرفتار شده، بعد از این که در حضور جمعی از آقایان و علما، استنطاق شده و اعتراف نموده که چند نفر از مرد و زن زردشتی را به ضرب گلوله زخمی نموده بوده، امروز به دار آویخته شد که عبرت سایر اشرار و سارقین گردد. در صدد هستم که ان شاء الله مابقی سارقین که با این دزد همدست بودند گرفتار و مجازات

شوند. ۳۰ سرطان، نمره ۱۰۹۲.

امیرحسین بختیاری

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره جنوب، اولاً دوسیه را بخوانید، ثانیاً اشعار فرمایید که می‌بایست قبلاً از

وزارت داخله اجازه بگیرید. ۷ ذی‌القعدة [۲/ اسد ۱۲۹۹]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

* * *

۲۷۱

یزد، ۲۶ شهرشوال ۱۳۳۸

خاک پای فلک‌فرسای سرکار بندگان اعلی‌حضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاه دادگر مظلوم پرور

ایرانیان پناه سلطان احمدشاه ارواح‌العالمین له‌الفدا

بنده سوگوار دلسوخته، گل‌اردشیر، والده ستمدیده ماستر خدابخش مقتول^(۱)

با کمال عجز و احترام عرضه داشت می‌نماید که تاکنون تقریباً ۳۵ ماه می‌گذرد با

۱ - خدابخش - پسر بهرام رئیس - مشهور به استاد ماستر خدابخش از فضلا و علمای بزرگ زرتشتی تاریخ معاصر است. وی در سال ۱۲۴۴ ش. / ۱۲۸۲ ق. در نرسی‌آباد یزد به دنیا آمد. پس از چند سال با خانواده به بمبئی مهاجرت کرد و در مدت ۱۴ سالی که آن جا بود در مدرسه «ملا فیروز» و «دانشگاه بمبئی» تحصیلات عالیه کسب کرد و به زبان‌های «انگلیسی»، «گجراتی»، «پارسی»، «اوستا»، «پهلوی» و «پازند» تسلط کامل حاصل نمود و با زبان‌های «سانسکریت»، «عربی»، «فرانسه» و «آلمانی» نیز آشنایی یافت. (الف) زرتشتیان بمبئی او را به معلمی فرزندان خود گماشتند اما پس از بنیاد مدارس زرتشتی در یزد، ماستر خدابخش به خواسته «انجمن اکابر پارسیان» در سال ۱۲۶۷ ش / ۱۳۰۷ ق به ایران آمد و ضمن این که در تجارتخانه ارباب اردشیر مهربان به کار مشغول شد به تدریس، تألیف و ترجمه کتب دینی زرتشتی پرداخت و پس از ورود کیخسرو جی خان صاحب ←

تظلمات متوالیه و عرایض متواتره در دربار گیتی مدار در موضوع قتل فرزندی بی گناه خود

« با همراهی او «انجمن ناصری یزد» را تشکیل داد. ماستر خدابخش و استاد جوانمرد شیرمرد و استاد کیومررس وفادار در مدرسه کیخسروی یزد به تعلیم کودکان و نوجوانان زرتشتی پرداختند و اکثر نام آوران فرهنگی زرتشتی اواخر دوران قاجاریه و دوران پهلوی از شاگردان این ۳ تن بودند. استاد ماستر تألیفاتی نیز دارد که به جز کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان مدارس عبارتند از: «ترجمه بُنْدَهَش»، ترجمه «گانه‌ها»، «گل دسته چمن آیین زرتشت»، «گواه زناشویی»، «رساله در نکوهش قربانی» و «رساله درباب ارث» (ب) درباره تاریخ قتل او منابع تاریخی زرتشتی به اختلاف مطلب نگاشته‌اند. اگر ما نوشته مادر او را در همین سند ملاک قرار دهیم، کشته شدن ماستر خدابخش در شهریور ۱۲۹۶ / ذی حجه ۱۳۳۵ صورت گرفته است. وی به دست یک ژاندارم زرتشتی هنگامی که برای تدریس به مدرسه کیخسروی می‌رفت با ۵ ضربه گلوله به قتل رسید. اقوام و بستگان او چندین سال در پی قصاص و خون‌خواهی قاتل بودند اما به نتیجه‌ای نرسیدند و مادر مشارالیه - گل‌اردشیر - عاقبت از این واقعه مجنون و پریشان احوال شد و در سال ۱۳۰۵ ش. درگذشت. (ج) پروفیسور جکسن امریکایی و سایر ایران شناسان از حکومت وقت تقاضای دستگیری و اعدام قاتل ماستر خدابخش را نمودند اما حکومت تنها جواب داد که چون ماستر خدابخش اهل ذمه بوده، خون‌بهایش از ۱۰۰ تومان تجاوز نمی‌کند و دیگر بیش از این اقدامی ننمود. سالها بعد مقتل ماستر خدابخش با نصب سنگ و جای تعبیه چراغ مشخص شد و زرتشتیان بعضاً چراغی را در آن جا روشن می‌کردند و به عبادت می‌پرداختند. ارباب رستم گبو (د) نیز به یاد و نام او دبستانی را در تهران پارس تأسیس کرد (ه) اما لازم است مطلب را در این جا رها نکرده علت به قتل رساندن این فرزانه زرتشتی را بررسی نماییم. در شرح احوال مانکجی صاحب و همچنین بیان زندگی کیخسروی خان صاحب به اختلافات داخلی زرتشتیان اشاره‌ای مختصر کردیم که دستوران سنت‌گرا بعضاً با بزرگان و فرزندان زرتشتی مخالفت می‌کرده‌اند، کما این که کیخسروی جی را مسموم و هلاک کردند. برای نگارنده همواره این سؤال مطرح بود که چرا زرتشتیان بر سر بزرگان قوم خود چنین آورده‌اند. هیچ یک از مورخین و نویسندگان زرتشتی - به جز رشید شهمردان - اشاره‌ای به ریشه این اختلافات ننموده‌اند. مشارالیه نیز ریشه را در «بدرفتاری» و «کج فهمی» زرتشتیان بیان کرده (و) اما فی الواقع ریشه این اختلافات که منجر به کشته شدن کیخسروی جی و ماستر خدابخش و فراری شدن استاد کیومررس وفادار و منزوی شدن استاد جوانمرد شیرمرد گردید، همانا تغییر مذهب دادن برخی از زرتشتیان و گرویدن ایشان به بهائیت بوده است. طبق آنچه که در کتب تاریخیه بهاییان مندرج است -

ماستر خدابخش دادخواه شده در حالی که محرکین این توحش و بربریت اظهار

«انجمن ناصری یزد» که به دست کیخسرو جی بنیاد نهاده شد دارای چند عضو بهایی بود که مشارالیه‌م از حقوق زرتشتیانی که بهایی شده بودند - اما هنوز در زئی و جامه زرتشتیان می‌زیستند - نگاه‌داری می‌کردند. انجمن ناصری فوق‌الذکر نیز به پشتوانه اعضای بهائی خود استقلال آن‌ها را مورد تایید قرار داد. من جمله این بهائیان استاد جوانمرد مذکور است که در انجمن ناصری یزد سمت منشی و دبیری داشت. ماستر خدابخش نیز گر چه بهایی نبود اما از بهائیان طرفداری می‌کرد و همین امر دلیل قتل او واقع شد. (ز) به جهت مبارزه با وضعیتی فوق‌الذکر انجمنی به نام «انجمن حق‌گوی یزد» توسط تعدادی از زرتشتیان متعصب و سنت‌گرا تشکیل گردید و آنها در پی قتل تعدادی از این افراد بودند که ماستر خدابخش هدف تیر ایشان قرار گرفت. (ح) در نشریه پندار، دی ماه ۱۳۳۱، شماره ۸ (نشریه سازمان جوانان زرتشتی یزد) آمده که: «به زودی کتاب سیاه یا فاجعه خونین قتل دل‌خراش روان‌شاد استاد ماستر خدابخش رئیس منتشر خواهد شد. این کتاب خواننده را به حقیقت واقعه آشنا و قاتلین را با اسناد غیرقابل انکار معرفی می‌نماید». اما نگارنده چنین مدرکی را هنوز به دست نیاورده. اما مطلب دیگری که استنادات نگارنده را قوت می‌بخشد و اختلافات داخلی زرتشتیان را نمایان می‌سازد، جملاتی است که آقای «مهربان شهروینی» درباره ماستر خدابخش نگاشته: «یک روز هنگامی که با ذوق زیادی از مدرسه به منزل می‌رفت به واسطه حادثه غیرمترقبه‌ای (زمین خوردن) بدرود حیات گفت و نام نیکی از خود به جای گذاشت» (ط) همچنین دکتر اشیدری در کتاب تاریخ پهلوی و زرتشتیان به صراحت درباره حضور بهائیان در «انجمن ناصری یزد» چنین آورده: «در همین موقع (سال ۱۳۳۷ قمری) زرتشتیان که بهایی شده بودند در انتخابات انجمن یزد مداخلاتی می‌نمودند و به این اختلاف دامن می‌زدند». بنابراین برنگارنده این گونه محقق شد که جانب‌داری استاد ماستر خدابخش از بهائیان زرتشتی نژاد بر متعصبان زرتشتی که همواره مخالف تغییر مذهب بوده‌اند گران آمده، نقشه قتل او را ریخته و با وعده دادن ۴۰۰ تومان پول به فریدون رستم کرمانی، مشارالیه را واسطه قتل او قرار داده‌اند. (ی) مطالعه اسنادی که در فصل پنجم از شماره ۱۷۴ تا ۱۷۷ آمده نیز نشان‌گر این است که اختلافات در انجمن یزد، قبل از مرگ ماستر خدابخش به اوج خود رسیده است.

(الف) شهردان، فرزنانگان زرتشتی، ص ۶۱۱

(ب) «پیش‌روان زرتشتی در فرهنگ و سوادآموزی»؛ فروهر، س ۱۴، ش ۳، ص ۱۵۴

(ج) میرزامهربان رئیس؛ «شرح حال ماستر خدابخش»؛ فروهر، س ۱۵، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۷۰

من الشمس مشهود و قاتل اهریمن منش فریدون رستم کرمانی ژاندارم محبوس و حالیه در کرمانشاهان متواری است ترتیب اثری نشده و بوی امیدی شنیده نشده. خوبست که دولت قوی شوکت در دستگیری قاتل مزبور جداً تعقیب فرموده مخربین وطن و خائنین مملکت را کشف و در قصاص خون مظلوم بی گناه که مادام العمر در خدمت معارف ملت و وطن اشتغال داشته و سیاست مفسدین مملکت مظلومین را تشقی و تسلی بخشند تا آینده مفسدین مملکت جرأت این گونه جسارتها ننموده مرتکب شایع و محرک بربریت نگردند. بنده دلسوخته امروز دامن گیر اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی بوده و با داغ دل و حسرت جان داد خود را از آستان ظل الهی تا آخرین نفس خواهان و منتظر گرفتاری خون دار و کشف تحریکات محرکین و مرتکبین و قصاص خون فرزند مظلوم بی گناه می باشم. به امر مبرم پروردگار ذوالجلال و رسول اکرم صلوٰه الله علیه که می فرماید: «سن بالسن جروح والقصاص» به فریاد این بنده داغ دیده برسید و قصاص خون مظلوم بیگناهی را به قیامت میندازید. به ناله و فغان بنده گم کرده فرزند برسید به نوحه و ندبه این ماتم زده گوش مبارک فرا دهید به عجز و لابه و بی قراریم توجه فرمایید امروز سلطان تویی دادرس تویی مالک ملک تویی پناه مظلومان تویی. به داد این مظلوم داغ دیده برسید، به فریاد این فرزند کشته برسید.

اعلی حضرت از تو پناه به کی برم و فریاد از کی خواهم و داد از کی جویم. جز آستان اعلی حضرت پناهی ندارم، جز بارگاه اقدس فریادرسی ندانم جز درگاه قضا توأمت

← (د) رک: سند شماره ۴۸۷ (ه) لهراسب، سروش؛ «یک نامه» [نامه شماره ۱۸]؛ هوخ، س ۱۲، ش ۵، ص ۹

(و) شهردان؛ «از گذشته باید پند گرفت»؛ هوخ، س ۳، ش ۵، ص ۱۷

(ز) فاضل مازندرانی، اسدالله؛ «تاریخ ظهور الحق»؛ جلد هشتم، جزء دوم؛ ص ۹۳۴ - ۹۳۶

(ح) شهردان، فرزنانگان زرتشتی، ص ۶۰۳ - ۶۰۴

(ط) مهربان شهریونی؛ «شرح حال ماستر خدا بخش رئیس»؛ اندیشه ما (نشریه سازمان جوانان زرتشتی) بهمن

۱۳۲۵، ش ۱۲، ص ۵

(ی) پول گرفتن فریدون رستم را آقای میرزا مهربان رئیس در همان منبع فوق الذکر آورده است

دادرسی ندارم، یک دم عدالت بهتر از هزار سال عبادتست. بنده هم اولاد آدم و رعیت سلطانم فرزند دلبندم جانی و خائن نبوده آدم بیکاره و هرزه گرد نبوده خادم ملت و وطن ناشر معارف و مظلوم بوده با توضیحات و تظلمات متمادیه و متواتره لازم به تکرار و جسارت ندانسته فقط از دست ابنای جنس خود نالان و پریشانم. جز از آستان پناه به کی برم و داد مظلومیت خود را از کی خواهم فریاد رسا بر حال این دلسوخته رحمی و بر دل مجروح مرهمی عنایت فرما، تو دریای عدالتی و من تشنه معدلت تو ابر رحمتی و من مستحق باران مرحمت رحمی آخرای طیب خستگان. الباقی امر امر اعلی حضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاهی ارواح العالمین فداء مطاع مطاع.

[۲۹۳۰۰۶۰۴۲]

۲۷۲

وزارت امور خارجه، اداره تقریرات انگلیسی، نمره ۵۳۵۷/۱۶۹۶

مورخه ۱۲ ذی قعدة ۱۳۸۱ [۱۳]

وزارت جلیله داخله

گل اردشیر والده خدا بخش مقتول عریضه [ای] راجع به قتل فرزند خود به خاک پای اعلی حضرت اقدس همایونی روحنا فداء تقدیم داشته که عین آن را لفاً برای اطلاع خاطر محترم ارسال داشته، حسب الامر الاقدس الاعلی ابلاغ می دارد که به فوریت مقرر فرمایند قاتل هر جا هست دستگیر و به تهران فرستاده شود تا قرار مجازات او داده شده احقاق حق عارض به عمل آید.

[مهر: وزارت جلیله امور خارجه]، [امضا: مصطفی قلی]

[حاشیه]: - اداره جنوب، ۱۲ ذی قعدة.

[۲۹۳۰۰۶۰۴۲]

۲۷۳

وزارت داخله، نمره ۱۸۲۷/۶۷۲۸، تاریخ ۹ اسد ۱۲۹۹ /

۱۴ ذی قعدة ۱۳۳۸، صادره رقیمه

وزارت جلیله امور خارجه

مراسله نمره $\frac{۵۳۵۷}{۱۶۹۶}$ محتوی عرض حال والده خدابخش مقتول زیب وصول داده، جواباً زحمت می دهد که در چهار سال قبل خدابخش نام زردشتی در یزد مقتول و در این قضیه فریدون نام زردشتی مظنون واقع شده، در آن موقع که با طالبون ژاندارمری مأمور یزد احضار شده بود به موجب حکم شخصی، مظنون را تحت الحفظ با خودشان به قم آورده تحویل نظمیه آن جا می دهند. پس از چندی فریدون از محبس نظمیه فرار می کند، از آن تاریخ الی حال در چند نقطه که تصور می رفت تلگراف شد که مشارالیه را دستگیر نمایند ولی به کلی مفقودالاثر است و معلوم نیست در خاک ایران متوقف یا به خارجه رفته است.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۴۲]

* * *

۲۷۴

۸ سنبله ۱۲۹۹

هو مقام منیع وزارت جلیله داخله

با حال ترقی دنیا، تجدد مملکت و بیداری عمومی جای آنست که هر جماعتی به خود آمده در جامه عزت و تعالی درآید. به همین مناسبت زرتشتیان یزد که بدبختانه از زردشتیان همه جا عقب مانده نیز در صدد برآمده اند به وسیله توسعه معارف رفع ذلت و بیچارگی را از خود بنمایند و بناء علیه در صددند نونهالان مدارس خود را به لباس سایر مدارس درآورند.

مستدعی است امر تلگرافی به حکومت جلیله یزد صادر شود که برای پیشرفت آن

مقصود معارف خواهانه، لازمه مساعدت را با جماعت زردشتی بنمایند که در تحت توجهات خاص دولت علیه در صورتی که سایر ملل خود را از قعر ذلت به اوج هرگونه عزت رسانیده‌اند اقلأً برای این جماعت صورت ظاهر لباس درست شود، مورد سپاس‌داری عموم جماعت خواهد بود.^(۱)

سپاس‌گزار کیخسرو شاهرخ

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۱ - در زمان‌های قدیم زرتشتیان لباس مخصوص می‌پوشیدند تا از لحاظ ظاهر با مسلمین همسان نباشند. اولین اقدام علنی برای تغییر لباس را ارباب کیخسرو شاهرخ در کرمان صورت داد و لباس شاگردان مدارس زرتشتی را از «قبا و تنبان گشاد و کلاه‌نمد» به «لباس طرز نظام» عوض کرد (الف) زمانی که ارباب کیخسرو به امریکا سفر کرد در بازگشت به سال ۱۲۹۷ ش / ۱۳۳۶ ق با ارباب رستم شاهجهان همسفر شد و ارباب رستم را تشویق کرد تا همین اقدام را در یزد صورت دهد. ارباب کیخسرو در این باره چنین نوشته: «به مجرد این تغییر، غوغای شدیدی در یزد برپا شد. مسلمانان دکانین را بستند و به علمای تهران و اصفهان و هر جا تلگراف کردند که حتی در تهران منزل آقایان حاج امام جمعه خویی و حاج آقا جمال اصفهانی با حضور جمعی مرا خواسته مذاکره کردند. جواب دادم: حفظ حق می‌کنیم. گفتند: خون‌ریزی می‌شود. جواب دادم: با قیمت خون، حق خود را می‌خریم. در این موقع آقای امیرحسین خان پسر سردار ظفر بختیاری حاکم یزد برای این که موقع خوبی به دست آورده، بدو شد، آب روز به روز گل‌آلودتر شده او هم عامل به مخالفین بوده به دولت تلگراف می‌کرد که خون‌ریزی خواهد شد. مسلمانان حتی نان و هیچ متاعی به زرتشتیان نفروخته و قدغن کرده بودند طبیب به منزلشان نرود که زرتشتیان به ستوه آمده تلگراف به من کردند اجازه دهم صرف نظر کنند. جز جواب منفی از من نمی‌شنیدند. متشکر که هیأت دولت نیز استقامت کرده و تلگراف به اصفهان کردند آقای امیر جنگ بختیاری با عده‌ای سوار بختیاری به یزد رفته این کار را اجرا کند. همین که این خبر به یزد رسید، امیرحسین خان به من تلگراف کرد که خود اجرا خواهد کرد، لازم به امیرجنگ نیست. معرکه خواهید و باب تغییر لباس در یزد هم از این جا شروع شد.» (ب) میرزا سروش لهراسب در این باره چنین گفته: «آقای فریدون کیامنش مدیر دبستان خسروی و روان‌شاد سهراب سفرنگ مدیر دبستان دینیاری و پستن جی تاسکر نماینده اکابر صاحبان هند مدیر مدرسه کیخسروی بودند. ایشان تصمیم می‌گیرند که دانش آموزان را ملبس به کت و شلوار یکنواخت کنند. این اقدام»

۲۷۵

وزارت داخله، نمره ۲۵۶۷، به تاریخ ۱۲ سنبله ۱۲۹۹ /

۲۰ ذی حجه ۱۳۳۸، صادره رقیمه

حکومت جلیله یزد

زرتشتیان یزد برای تربیت و تعلیم اطفال خودشان مدرسه تشکیل داده و می خواهند متعلمین را به لباسی که معمول شاگردان مدارس است ملبّس نمایند. البته جناب عالی در

«به همشهریان گران آمد». (ج) ارباب رستم ماونداد نیز این ماجرا را به رشته تحریر کشیده است: «چون متمولین به نوعی و فقرا به نوعی دیگر لباس می پوشیدند، مدیران [مدارس] تصمیم گرفتند که به انجمن دراین باره شور کنند و پس از جلسات مشاوره بر آن شدند که لباس متحدالشکل را در مدرسه ها برقرار نمایند. برای اجرای این مقصود پارچه خاکی رنگی انتخاب و برای همه از دارا و ندار یکسان دوخته شد. متمولین بهای آن را می پرداختند و بی بضاعت ها به رایگان می پوشیدند. عده ای از علما و مردم این اقدام را نوعی تجاوز به حقوق مذهب دانسته، بچه ها را مضروب و لباس ها را پاره می کردند و عبور آنها را از بازار و کوچه ها مانع می گشتند. نخست داد و ستد با زرتشتیها تحریم گشت و سپس شب نامه های تهدیدآمیز منتشر شد و به اعتصاب عمومی کشید. دسته ای به خانه یکی از مجتهدین نیک نفس و دسته دیگر به تلگرافخانه رفتند. حکومت وقت یعنی آقای ظفر ایلخان با فقدان نیروی کافی از اجرای دستورات مرکز تأمل می کرد و تنها نقش میانجی گری را بازی می کرد تا کار به قتل و فاجعه نینجامد. تحصن کنندگان در منزل آیت الله العظمی آقا سید یحیی بودند و خروج از آن را موکول به ترک لباس اطفال دبستان کردند. آقا سید یحیی در صدد تحقیق برآمد و از انجمن زرتشتیان نماینده ای خواست و از آقایان هم خواست که نماینده بفرستند تا در حضور او مذاکره به عمل بیاید. پس از استماع آقا سید یحیی گفت: بدانید و آگاه باشید که علمای صاحب فتوا و اجتهاد اسلام فرمودند لباس شهرت حرام است به این معنی که اگر من که پیرمرد هستم قبای رنگ پوست که مخصوص جوانان است بپوشم یا حمالی عمامه اهل علم به سرگذارد لباس شهرت است و حرام است. شما هم ای زرتشتیان اگر لباس اطفال مدرسه را برای شهرت تغییر داده اید حرام است ولی در صورتی که تناسب را حفظ نمایید آزادید. با این بیان اعتصاب شکسته شد و مردم مجدداً به مراوده و داد و ستد با زرتشتیها مشغول گشتند». (د) همچنین آقای اردشیر خاضع در خاطرات خود چنین نوشته است: «رشید هماوند مستأجر آب و زمین ملکی آقا سید یحیی مجتهد استان یزد، یک دفعه»

اجرای این امر که اسباب تشویق شاگردان و موجبات پیشرفت معارف است لازمه مساعدت را خواهید کرد که مشکلاتی پیش نیاید.

[امضا: احمد قوام]

[حاشیه]: برای ارباب کیخسرو فرستاده شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۷۶

۴ محرم ۳۹ [۲۶ سنبله ۱۲۹۹]

هو

قربانت شوم مرقومه مبارکه زیارت و موجب مزید سپاس‌گزاری گردید؛ راجع به تلگراف یزد استحضاراً عرض می‌شود که چون بنده استدعای حکم تلگرافی کرده بودم و حکم کتبی مرحمت شده بود و نخواستم زیاده مزاحم شده باشم و موقع می‌گذشت عین حکم کتبی را به تلگرافخانه فرستادم مخابره نمودند. از قرار خبر یزد تغییر لباس هم داده‌اند و مانعی هم تاکنون پیش نیامده و امیدواری

«موقعی که با شتر و بار چغندر، بامداد از الله‌آباد وارد یزد و درب منزل آقای سیدیحیی شتر را خوابانده و بارش را انداخته بود، می‌گفت: دیدم جمعیت بزرگی به درب منزل آقا هجوم آوردند، ترسیده پهلوی شتر و بار چغندر پنهان گشتم. پس از دق الباب مردم، آقا سیدیحیی از منزل بیرون آمده پرسید چه خبر است که این همه اجتماع کرده‌اید. می‌گویند برای گرفتن فتویٰ تحریم آمده‌ایم که مسلمانان با زرتشتیان معامله و داد و ستد و ارتباط نداشته و آب و ملک مسلمانان که به دست زرتشتیان است پس بگیریم، آقا در پاسخ می‌گوید ایها الناس این کار ناشدنی است و امکان ندارد. بروید با هم کار و زندگی بکنید.»^(۵)

(الف) اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو، ص ۴۸ - ۴۹ (ب) همان جا، ص ۷۲ - ۷۷

(ج) سروش لهراسب، [در شرح یک عکس تاریخی]، هوخت، س ۲۹، ش ۶، ص ۳۸

(د) جهانیان، اردشیر؛ «مبارزه برای تغییر لباس دانش‌آموزان در یزد»، هوخت، س ۱۲، ش ۹، ص ۱۱ - ۱۳

(ه) خاضع، اردشیر؛ «خاطرات اردشیر خاضع»؛ به تصحیح شهردان، بمبئی، اردیبهشت ۱۳۶۳/۱۹۸۴ م، ص

است در تحت توجهات خیرخواهان رفع همه ذلتها و پریشانی‌های این مملکت و اهالی شود. ایام شوکت مستدام باد
سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - ضمیمه تلگراف حکومت یزد راجع به لباس شاگردان مدرسه زردشتیان یزد بشود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۷۷

انجمن زرتشتیان تهران، شماره ۶۱۰، مورخه ۲۱ میزان ۱۲۹۹ / ۲۹ محرم ۱۳۳۹

مقام منیع وزارت جلیله داخله

به موجب تلگرافات وحشت‌انگیز یزد به واسطه انگشت دو سه نفر آشوب طلب موجبات بیم خطر زرتشتیان آن جا فراهم گردیده، بدیهی است اگر اقدام عاجل به عمل نیاید و از آشوب طلبان جلوگیری و دماغ سوخته نشود نه آن که فعلاً زردشتیان در مخاطره هستند، بلکه برای آتیه نیز زندگانی بر آنها حرام خواهد بود. خلاصه تلگرافات این است که زردشتیان یزد موافق آزادی بشر در جهان در صدد پوشانیدن لباس سایر مدارس ایران به اطفال زرتشتی مدارس خود برآمده‌اند که آن وزارت جلیله نیز توصیه فرموده بودند. اکنون پس از دو ماه تغییر لباس چون این اوقات یک نفر مسلمان، یک نفر زن زرتشتی را کتک می‌زند و نظمی در صدد گرفتاری ضارب برمی‌آید، شیخ عباس نام معروف به مرشد که غالباً آشوب طلب بوده برای رفع این قضیه و عدم گرفتاری ضارب عده‌ای را همدست کرده اجماع نموده‌اند که اطفال مدرسه زرتشتی نباید مثل آن لباس بپوشند. عجا که سایر ملل از میان رفته، به استقلال خود هم رسیدند و یک جماعتی که همه قسم سر تمکین داشته و هیچ گاه جز ایران و دولت و سلطنت ایران کسی دیگر را

نشناخته و جز حفظ حقوق ساده انسانیت چیز دیگر تقاضا نداشته‌اند، اکنون باید به تحریک یکی دو آشوب طلب، محض پوشیدن لباس که از همان پارچه است که خود می‌آورند و به دیگران می‌فروشند باید حتی از لباس پوشیدن هم محروم باشند. علی‌ای حال استدعاست امر اکید فوری تلگرافی به حکومت یزد شرف صدور یابد با قوت قلب، دست هنگامه طلبان را کوتاه و زندگانی و شرافت و حیثیت جماعت زردشتی آن جا را تأمین نمایند. عاجلاً موجبات آسایش آنها فراهم گردد و بر جرأت و جسارت اشرار نیفزاید. منتظر بذل عنایت فوری.

انجمن زرتشتیان تهران

[امضا: کیخسرو شاهرخ]

[مهر: انجمن زرتشتیان تهران]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۷۸

۲۱ میزان ۱۲۹۹ / [۲۹ محرم ۱۳۳۹]

قربانت شوم^(۱)

عریضه انجمن زردشتیان لفاً انفاد و استدعای بذل توجهات فوری است، که از تأخیر آفاتی بروز نکند و موجب دردسری برای هیچ طرف نگردد والا خصوصاً با قضیه [ای] که برای بنده روی داده و به هر جا تلگراف و نصحیت کرده‌ام آرام باشند. مجبوراً عللی را به هم مخلوط کرده بیشتر اسباب دردسر فوری خواهند نمود.

سپاس‌دار کیخسرو شاهرخ

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۷۹

وزارت داخله، نمره ۳۴۷۴، به تاریخ ۲۱ میزان ۱۲۹۹ /

۲۹ محرم ۱۳۳۹، صادره: تلگراف

حکومت جلیله یزد

سابقاً در باب لباس شاگردان مدرسه زردشتیان تلگراف شده بود. به طوری که اظهار می‌دارند از طرف آقا شیخ عباس معروف به مرشد در این باب اقداماتی شده که منافعی با آسایش زردشتیان و انتظامات شهر است. البته با علمای اعلام و عقلای شهر مذاکره و مقتضیات را خاطر نشان نمایند که برخلاف انتظار اقدامی نکنند. جناب عالی هم به اقتضای مسؤولیتی که بر عهده دارید باید از اقدامات مخالف نظم جداً جلوگیری کرده، امنیت و آسایش عمومی را حفظ نمایید.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۸۰

انجمن زرتشتیان تهران، شماره ۶۲۷، مورخه ۲۲ میزان ۱۲۹۹ / اول صفر ۱۳۳۹

مقام منبع وزارت جلیله داخله

دیروز شرحی راجع به تحریکات و وسایل شیخ عباس نام معروف به مرشد و جمع کردن عده از هنگامه طلبان گرد خود و قیام نمودن علیه^(۱) زردشتیان و تغییر لباس محصلین آنان و سلب شدن نعمت امنیت و آسایش جان و مال از ایشان به عرض رسانید و استدعای بذل توجه عاجل و صدور امر تلگرافی فوری در رفع غائله و کوتاهی دست

هنگامه‌طلبان و فراهم آوردن وسایل رفاهیت و آسایش جماعت شد. مجدد تلگرافاتی موخش و هراس انگیزتر رسیده که بیم خطرهای برای جماعت یقین می‌رود و بیشتر وحشت در بی‌استعدادی حکومت جلیله است. اینک از قرار تلگراف، عده سوار بختیاری برای عبور از خاک یزد وارد آن جا شده‌اند استعداد به فوریت تلگرافاً امر و مقرر فرمایند سوارهای مزبور موقتاً در آن جا توقف نمایند تا حکومت به توسط آنها به استقرار امنیت و دفع مفسدین موفق و سرو صداها بخواهد پس از آن اجازه حرکت سواران را بدهند. امید است با نظر خاصی که به استقرار امنیت و آسایش عموم دارند در بذل مرحمت عاجل توجهی خاص فرمایند که عاجلاً رفع هراس و وحشت عمومی بشود.

انجمن زردشتیان تهران

[امضا] ، [مهر : انجمن زردشتیان تهران]

[حاشیه] : - دیروز تلگراف به حکومت یزد صادر شد.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۸۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۵۱۸، تاریخ ۲۲ میزان ۱۲۹۹

توسط آقای ارباب کیخسرو، مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت عظمت، کپیه وزارت جلیله داخله دامت شوکته

عاجزانه تظلم می‌نمایم که در ظل لوای معدلت دولت معظم و محبوب خود در دو ماه قبل، مدارس زردشتیان را مطابق پروگرام وزارت جلیله معارف دامت عظمت به استحضار حکومت جلیله مرتب و لباس اطفال را (رفورمه) نمودیم اکنون معدودی آشوب طلب به تحریک شیخ عباس نام تاجر که آشوب طلب است، مقدمه فساد چیده

است ما را تهدید و در تزلزل دارند. اگر تأمین فوری نفرمایید، خطر عظیم در پیش است. زن‌های زرتشتی [را] در معابر کتک می‌زنند، مردان را تخفیف و توهین می‌نمایند. در هیچ عصری تهدید قتل و غارت عام نمی‌شد. این رعایای مظلوم، بی‌جمعیت و استعداد هستیم، یک مشتی گوسفندوار دست بسته‌ایم، چشم امید را به آن آستان مقدس داریم که از چنگال گرگمان برهانید. اگر وجود این ملت ضعیف برای یزد زیاد است و باید همه وقت دستخوش هوا و هوس آشوب‌طلبان باشیم از هیأت دولت محبوب خود استدعا می‌نماییم، خجسته ایران، همه جا خاک مقدس نیاکان و وطن عزیز این فدویان است. امر و مقرر فرمایید صنا و عقار و مطالبات جان‌نثاران را به قیمت عادلانه بخرند و فدویان را به مکان دیگر بکوچانند. گمان داریم دولت علیه رعیتی مطیع‌تر^(۱) و وطن‌خواه‌تر از این ضعیفان ندارند. با صدمات چندین قرون، ترک وطن را نگفتیم. حال که ستاره امید طالع و انتظار ترقیات آتیه می‌رود، تقاضای حفظ جان و مال داریم تا در تحت توجهات اولیای دولت ابد مدت خود، خدمت به این خاک پاک نماییم^(۲) و منتظر عطف نظر مراجع عاجل هستیم. عده [ای] سوار بختیاری که برای کرمان آمده، امر شود در یزد متوقف باشند تا امنیت کامل حاصل شود.

جماعت زرتشتیان یزد رستم خدا بخش، رستم شاه جهان

رستم موبد خسرو [و نام ۱۷ تن دیگر]

[مهر : تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه] : - اداره جنوب. ۹۹/۷/۲۴

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۱ - اصل : یزد.

۲ - اصل : نمایید.

۲۸۲

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۳۵۰۷، مورخه ۲۲ میزان ۱۲۹۹، [تلگراف به] یزد

حکومت جلیله یزد

در باب زردشتیان به نمره (۳۴۷۴) تلگراف کرده بودم. به طوری که زردشتیان تهران اظهار می دارند وضعیات برای زردشتیان یزد ناگوار است و عموماً اظهار وحشت و نگرانی می کنند. البته جناب عالی از اقدامات خلاف نظم جداً جلوگیری کرده و وسایل امنیت را برای آنها تدارک و وزارت داخله را از جریان قضیه و نتیجه اقدامات خودتان مستحضر نمایید. [اول] صفر، شماره ۳۵۰۷

[امضا]، [مهر: وزارت داخله]

[حاشیه ۱]: - قبول صورت رمز، به مرموزات داده شود. ۲۵ میزان

[حاشیه ۲]: - اداره جنوب ۹۹/۷/۲۵

[حاشیه ۳]: - بهتر این است رمزاً به حکومت تلگراف شود که: این سخت گیری آقایان نسبت به زردشتیان مایه هیجان عموم زردشتیان ایران شده و تولید زحمت بزرگ خواهد نمود، زیرا این جماعت در همه جا به لباس های مختلف ملبّس هستند و تعرض به آنها نمی شود، این فشار و تکلیف در یزد جز این که اولیای دولت را زحمت بیندازد، نتیجه دیگر ندارد. لازم است با آقایان محترم مذاکره نمایند و وخامت این اقدامات را حالی کنید و آنها را از این نوع تضییق باز دارید که در این موقع مهم که دولت گرفتار هزار گونه مشکلات است از این راه هم مشکل دیگر تولید نشود. رعایای دولت که باید از امنیت و آسایش عمومی برخوردار و به حفظ و حمایت دولت مأْمون و امیدوار باشند، هیچ توقع ندارد که به این عنوانات دچار مضیقه و سختی گردیده و اسباب نومیدی آنها فراهم و سوء اثرات آن در انتظار اجانب نمایشگر شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۸۳

[اداره تلگراف، نمره ۳۱۰، تاریخ ۱۵/۱۰/۱۹۲۰/۲۳ میزان ۱۲۹۹] (۱)

از بمبئی توسط شاهرخ، وزارت جلیله داخله

به موجب اطلاعات واصله، مسلمانان یزد در صددند به همکیشان ما در آن جا صدمه وارد آورند. استدعای بذل توجه است که آسیبی وارد نیاید. موجب تشکر است.

دین شاه جی جی بایی، رئیس انجمن زردشتیان (۲)

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۸۴

۲۴ میزان ۱۲۹۹

هو

مقام منبع وزارت جلیله داخله

الآن تلگرافی از میستر دین شاه رئیس انجمن زردشتیان از بمبئی در باب حوادث اضطراب یزد رسیده لغاً انفاذ می باشد. از دیروز تاکنون هم اقلاده تلگراف اضطراب آمیز از یزد رسیده. مکرر عرض شد هر یک دقیقه تأخیر در جلوگیری و کوتاهی دست مفسدین هنگامه طلب، سالها کار دولت و جماعت زردشتی را مشکل تر می نماید.

مگر نه اردو برای آن به رشت و انزلی فرستاده شد که از متجاسرین جلوگیری و قلع و قمع نمایند و مگر نه، همان کاری را که متجاسرین آن جا می کرده اند و آن عبارت از سلب حقوق بشریت است، عین همان را در یزد می کنند. پس چرا در قلع و قمع این اشرار مسامحه و مضایقه می شود؟ اگر حکومت از جلوگیری عاجز است چرا حکمران با

۱ - اصل تلگراف به زبان انگلیسی و ترجمه آن در کنار ورقه تحریر شده است.

۲ - رک: سند شماره ۱۸۰.

اقتداری نمی‌رود و اگر زردشتیان در شمار انسان نیستند که حقوق بشریت آنان محفوظ بماند چرا به آنها اخطار نمی‌شود؟

تا کی باید دست‌خوش اشرار و هوا و هوس هر ذی‌نفعی باشند؟ ساعت به ساعت هنگامه یزد غلیظ‌تر می‌شود و با مخاطرات قتل و غارت عمومی روبرو هستند!!! استدعای بذل توجه عاجل است. جواب بمبئی را که صادر می‌فرمایید، توسط شارخیان مخابره شود " Sharokhian "

سپاس‌دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - اداره جنوب، مقرر فرمودند جواب به آقای ارباب نوشته شود در این باب دستورات وافی به حکومت یزد داده شده و تا حدی که ممکن است جلوگیری خواهد شد و خودتان می‌دانید که در این کار با وضعیت یزد مشکلاتی است که باید با قدری تأمل و تأنی اصلاح شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۸۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به [تهران]، نمره ۵۴۷

تاریخ ۲۴ میزان [۱۲۹۹]

توسط جناب آقای آقاسیدکاظم یزدی، کپیه آقای آصف‌الممالک نماینده محترم کرمان، مقام منیع وزارت داخله دامت شوکته

مکرر عرض شد، نمی‌دانم به چه داعی و نظر ناگهانی، زردشتیان یزد لباس و وضع و سلوک سابق خود را تغییر داده و از جهت عدم امتیاز و اشتباه آنها به مسلمین، موجبات مشقت مسلمانان فراهم، در امر نجاست و سایر احکام اسلامی و نظر به حال حالیه

مملکت حتی المقدور تحمل نمودیم، چون از حد گذشت خدمت رؤسای حجج الاسلام متوسل و با فرمایش معظم‌الیه در عود آنها به لباس و ذی خود، اطاعت نکردند. لهذا محض عسر و حرج در امر نجاست و سایر احکام مذهبی ناچاریم ترک معاشرت و معاملات با ایشان نماییم. مگر اولیای دولت امر فرمایند به وضع و لباس معمولی سابق خودشان که به آن شناخته می‌شوند عودت نمایند.

اهالی یزد، کاظم، سید محمد، عزیزالله [...] اسامی حدوداً ۶۰ نفر]

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۸۶

[تلگراف زرتشتیان]، از یزد، ۱۷ اکتبر ۱۹۲۰ [۲۵ میزان ۱۲۹۹]

آقای ارباب کیخسرو، تهران

احکام دولت رسید، حکمران اقدام ندارد، خودش به حضرات گفته می‌خواهید کارتان زود بگذرد عده را زیادتر کنید، مطابق میلان درست کنم. تا شیخ عباس مرشد از شهر نبرند آرام نمی‌شود، تمام قتل می‌کند. امروز بچه‌ها^(۱) را زدند، لابد مدارس تعطیل کردیم. خودمان نمی‌توانیم آمد و رفت جایی نماییم. یا باید مرزبان تغییر داد یا خود سردار ظفر بیاید با استعداد، الا تمام را می‌کشند. مخارج دهندگان اول متمول یزدند، شیخ عباس مجتهد نمی‌باشد، اقوام علی مرشد تاجر است. فرقه دموکرات می‌خواهند حکومت معزول کنند، این اوضاع درست کردند به حکومت حالی می‌گویند پس بیاید

عمامه و لباس را مثل اول کنید. هزار حکم برسد از عهده برنمی آید. عین احکام را می فرستد برای طرف این حکم آمده تکلیف چیست. تمام پنجاه نفر بیشتر در بست نمی باشند، به زور می برند. تا حکومت تغییر نکند کار اصلاح نمی شود. تکلیف معین کنید. تعطیل عمومی؛ زرتشتیان، تحصن لازم.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۸۷

وزارت داخله، نمره ۱۲۸۲۱/۳۵۴۷، به تاریخ ۲۵ میزان ۱۲۹۹ / ۴ صفر ۱۳۳۹

صادره: تلگراف یزد، جواب نمره ۱۲۳۲۴/۵۱۸

آقایان زردشتیان یزد

تلگراف شما ملاحظه و از مطالب اطلاع حاصل شد. تعلیمات تلگرافی به حکومت جلیله داده شد که از اقدامات مخالف نظم جلوگیری کرده است و آسایش عمومی حفظ نمایند. البته تا حال در نتیجه اقدامات حکمران موجبات آسایش شما فراهم شده است.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۸۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۴۶، تاریخ ۲۵ میزان [۱۲۹۹]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در جواب تلگراف نمره ۳۴۷۴ راجع به تغییر رنگ عمامه زرتشتیان و لباس جدیدی

که اطفال مدرسه پوشیده‌اند عرض می‌کند بنده به طور خوبی از اجتماعات جلوگیری نموده و انتظامات کاملاً برقرار است. ولی چون آقایان حجج اسلام خصوصاً آقای آقاسید یحیی^(۱) و آقامیرزا سیدعلی^(۲) که از اجله علما هستند و قاطبه مسلمین یک زبان‌اند که باید لباس زرتشتیان کما فی السابق باشد که تمیزی در بین باشد فعلاً چنین مقتضی است که لباس اطفال را به حالت اولیه عودت دهند و چنانچه بنده هم جلوگیری نمایم و لباس آنها تغییر داده نشود به طوری که مذاکره می‌کنند شاید مسلمین کلیه معاملات را با آنها ترک کنند و خود زرتشتیان هم احساسات و عقاید عمومی را فهمیده و می‌دانند اگر غیر از این بکنند برای آنها صرفه و صلاح نیست. منتظر جواب و تکلیف فوری است. نمره ۱۸۵۷.

امیرحسین بختیاری

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۱ - آقاسید یحیی مجتهد یزدی علی‌رغم مدارایی که در نوشته‌های زرتشتیان و همچنین در این اسناد از او ملاحظه می‌کنیم در ابتدا با زرتشتیان بسیار مخالف بود و با ایشان بدرفتاری می‌کرد. در مجلس مذاکره‌ای که روحانیون یزد پس از تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی گرد آمدند، مشارالیه چنین گفت: «من صریحاً می‌گویم، همان روز که ملا عبدالکریم [وکیل دوره اول یزد] به جهت وداع نزد من آمده بود، آخرین کلمه حرف من با او این بود که به سلامتی بروید تهران و نگذارید زرتشتیها غالب شوند زیرا می‌شنوم یکی از فصول قوانین مجلس مسأله مساوات است. باید در یزد زرتشتی خفیف و خوار باشد. بروید به تهران و به اهل مجلس حالی کنید که یزد سوای سایر بلاد است. مثلاً می‌شنوم در شهرهای داخله زرتشتیها سوار بر اسب و قاطر و الاغ می‌شوند، البسه فاخر می‌پوشند، کلاه به سر می‌گذارند، این کارها برخلاف شرع است. زرتشتی باید قبا ی کرباس بپوشد عمامه کرباس بر سر بگذارد، اگر متمول است والا فلا» (باستانی‌پاریزی، همان جا، س ۱۱، ش ۱۰، ص ۸۸۸).

۲ - آقامیرزا سیدعلی لب خندقی (ذکری از او در فصل تغییر مذهب نیز آمده است).

۲۸۹

۵ صفر ۱۳۳۹ [۲۶ میزان ۱۲۹۹]، [نامه به وزیر داخله]

هو

قربانت شوم، حسب المقرر شرفیاب شدم و مراتب را به عرض رسانیدم. شرحی مرقوم فرموده‌اند، لفاً تقدیم است. شرحی هم به حضرت آقای حاج امام جمعه خویی مرقوم داشتند، خدمتشان فرستادم. مستدعی است در تعقیب تلگراف سابق تلگرافی فوری دیگر به حکمران یزد بفرمایند که با رشادت، اگر خود غرضی ندارد و دعوی لیاقت می‌کند، دست دو سه نفر اشرار هنگامه طلب را گرفته از یزد بیرون اندازد. اکنون تلگرافی دیگر از یزد رسید ترجمه آن را لفاً تقدیم می‌دارم. اکنون که این عریضه را عرض می‌کنم باز عده [ای] از زردشتیان آمده‌اند برای تعطیل عمومی خود تعیین تکلیف می‌نمایند. استدعای بذل توجه عاجل شجاعانه فوری است. به قدری که لازم بوده مستدعیات عجز و لابه آمیز به دولت شده اگر علاج درد نشود، بدیهی است یک جماعتی خود را فدای اغراض دو سه نفر شریر نخواهند کرد و ناچار خواهند بود با کمال یأس از مجمع اتفاق ملل که سرنوشت همه ملل در دست آنهاست تکلیفی برای خود بخواهد تا بیش از این با دلبستگی به وطن در قید این اسارت و ذلت نباشند. باقی موکول به درجه توجّهات و جرأت و رشادت دولت است. ایام شوکت مستدام باد.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - اداره جنوب، حضرت وزیر امروز فرستاده‌اند. ۹۹/۸/۵

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۰

وزارت داخله، نمره [ندارد]، تاریخ ۲۶ میزان ۱۲۹۹

بمبئی، توسط شاهرخیان، Shahrokhian، مستر دینشاه جی جیب‌های، رئیس انجمن زردشتیان

تلگراف شما رسید، آسایش و امنیت زردشتیان یزد محل نگرانی نیست.

[امضا: احمد قوام]

[حاشیه]: - کابینه محترم، بفرماید با انگلیسی نوشته شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به تهران، نمره ۶۰۰

تاریخ ۲۶ میزان [۱۲۹۹]

مقام محترم ریاست وزرای عظام دامت قدرته، کپیه وزارت جلیله داخله دامت شوکته

از بدو طلوع نورمحمدی در خطه ایران طایفه آتش پرست^(۱) معروف به زرتشتی، دارای آیین مخصوص بوده و مسلمین کمال رضایت و حمایت از آن طایفه داشته، در این موقع به عنوان این که دستوری از اولیای دولت رسیده اطفال خود را ملبس به لباس

۱ - این اعتقاد عمومی و غلط درباره زرتشتیان همیشه وجود داشته است. زرتشتیان آتش را مقدس و پاک می‌شمارند و این به معنای پرستیدن نیست، همان گونه که مسلمین در ایام حج با عشق و علاقه بوسه بر حجرالاسود می‌زنند و آن سنگ را به واسطه انتسابی که با حضرت رسول اکرم داشته، مقدس می‌شمارند. زرتشتیان نیز آتش را به واسطه انتسابی که با وجهی از حقیقت دارد محترم می‌شمارند. شرح عدم آتشی پرستی زرتشتیان در اکثر مجلات زرتشتی به تفصیل آمده است. ر.ک: (شهمردان، رشید؛ «زرتشتیان آتش پرست نیستند»، فروهر، س ۱۶، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۳۰-۴۴۷).

مسلمین ساخته و این اقدام تولید هیجان عمومی نموده، بیم است که از طرف جهال حرکات خلاف نظمی بروز کند. لذا برحسب تکلیف اسلامیت و ایرانیت عرضه می‌داریم که خوب است مقرر شود حضرات زرتشتی ملبس به لباس قدیم خود بوده، در این انقلاب عالم، مخصوصاً ایران اسباب بی‌نظمی نشوند.

انجمن طلاب یزد

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۲

وزارت داخله، نمره ۱۳۰۶۰/۳۶۰۰، به تاریخ ۲۷ میزان ۱۲۹۹ / ۶ صفر ۱۳۳۹

صادره: تلگراف، تهران [به] یزد

یزد جواب نمره ۱۲۴۱۸۵۴۷، آقایان تجار یزد

تلگراف شما به توسط آقای آصف‌الممالک نماینده کرمان و آقای سیدکاظم یزدی، راجع به زردشتیان ملاحظه شد. در این باب تعلیمات لازمه به حکومت داده شده. آقای سیدکاظم هم که به یزد عزیمت نموده، البته آقایان را از پاره [ای] مقتضیات امروزه مطلع خواهد ساخت. البته باید ترتیبی اتخاذ گردد که زردشتیان آن جا هم که رعیت دولت و در پناه دولت اسلام هستند، مثل سایر ایالات ایران آسوده و ایمن باشند و جلوگیری از بعضی انعکاسات سوء این قضایا به عمل آید و حیثیات ملیت و اسلامیت در انظار خارج لکه‌دار نشود.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]، نمره ۶۳۷

تاریخ ۲۸ میزان [۱۲۹۹]

تهران، سرای خدایی، توسط یزدی، مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته برسد
 بستن زردشتیان یزد، این اوقات، عمّامه سادات فاطمی و پوشیدن لباس مسلمین و از
 دست دادن امتیازات لباس خود و اختلاط آنها با مسلمین و مشتبه شدن به یکدیگر و
 عدم امتیاز آنها و ابتلای مسلمانان از جهت احکامات تکلیفی، مثل نجاست و طهارت و
 ترویج و معاملات و غیره در مشقت افتادن، مسلمین کراراً شکایت نموده و استدعا
 نمودیم به عودت آنها به وضع سابق خود، التفاتی به عرایض مسلمین نشده، در صورتی
 که با این وضع حالیه ناچاریم در ترک معاملات و معاشرت برای حفظ احکام و تکالیف
 اسلامی خود و این ابتلا و شکایت مستند به شخصی دون شخصی نیست که زردشتیان
 اظهار داشته، بلکه تمام مسلمین یزد مبتلا و گرفتار و شاکی هستیم و امر به عودت آنها به
 لباس سابق معمولی خود استدعا داریم.

اهالی یزد، صدرالشریعه - آقا طاهر ضیاء شیرازی - شیخ مهدی تهرانی - شیخ مهدی
 تهرانی زاده - حسین - غلامرضا - سیدعلی - سیدمحمد [.... اسامی حدوداً ۷۰ نفر دیگر]

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب - ۹۹/۷/۳۱

[حاشیه ۲]: ضبط شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف، دایره مراسلات

نمره ۴۱۰۷، تاریخ ۲۸ میزان پیاپی ثل ۱۲۹۹

وزارت جلیله داخله

از قراری که انجمن ناصری زردشتیان از یزد شکایت می نمایند، در این موقع که خواسته اند محصلین مدارس زردشتیان نیز لباس اونیفورمی برای خود تهیه نمایند، جمعی از مفسدین تحریکی بر علیه مدارس و انجمن زردشتیان نموده علاوه بر ایزای محصلین، مدارس آنها نیز قریب التعطیل گردیده. متمنی است تلگرافاً به حکومت آن جا تأکید بشود که در جلوگیری از این قبیل اقدامات نهایت جدیت را بفرمایند.

[از طرف] امضا

[مهر: وزارت معارف]

[حاشیه]: - اداره جنوب

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۵

وزارت داخله، نمره ۱۳۱۳۳/۳۶۱۸، به تاریخ ۲۸ میزان ۱۲۹۹ /

۷ صفر ۱۳۳۹، صادره: تلگراف

یزد - جواب نمره ۲۵۵۷۶۰۰، انجمن طلاب یزد

تلگراف جنابان عالی در باب زردشتیان یزد ملاحظه شد. البته می دانید که این جماعت در تمام شهرها و قصبات ایران با مصونیت از جان و مال و آزادی در معاملات و تجارت در پناه دولت اسلام زندگانی می کنند و در هیچ نقطه از نقاط ایران چنین تضییقاتی که در یزد عرض وجود کرده، الی حال دیده نشده است. البته تصدیق می کنید

اگر از طرف جهال تعرضاتی نسبت به این جماعت بشود در انتظار اجانب برای دولت اسلام که ذمه دار حفظ و حراست رعایای ملل متنوعه خود است، چه اندازه موهن خواهد بود. بنابراین وظیفه علمای اعلام و دانشمندان است که جهال را به مناسبات عالم اسلامیت و اهل ذمه آگاه ساخته و آنها [را] از بعضی اقدامات که ممکن است تولید زحمت و مشکلات نماید جلوگیری بکنند.

[امضا : احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۶۶۵، تاریخ ۳۰ میزان [۱۲۹۹]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

تلگراف مبارک دایر بر مخابره تعلیمات لازمه به حکومت جلیله و اتخاذ ترتیبی که موجب نظم و آسایش عمومی باشد زیارت شد. در تلگراف سابقه عرایض خود را به عرض رسانیده، باز هم تکرار می نمایم در هیچ وقتی سوء سلوکی از مسلمانان یزد نسبت به زردشتیان بروز نکرده. آنها همیشه در صدد فساد و فتنه جویی هستند و خود را نزد دولت به وسایل مختلفه طور دیگر جلوه داده تشکیلات مضره به دیانت و سلطنت اسلام را به اسم معارف خواهی و فقط حقوق و حدود اسلامیت را به عنوان تضییقات اظهار می دارند و به واسطه پاره [ای] روابط سوء و مناسبات فتنه انگیز و مغتنم شمردن غفلت اولیای امور، بعضی تضییقات برای مسلمانان فراهم آورده و بدیهی است مسأله تغییر لباس و سلب امتیاز و اشکالات وارده در طهارت و نجاست و غیره مسلمانان [را]

دچار [محذورات نموده و از طرف دیگر مایوس از اقدامات اولیای امور در توجه به عرایض مسلمانان و ترویج احکام شرعیه، مسلمانان را مجبور ساخته که از معامله کردن و خلط و آمیزش با آنها خودداری نمایند و در اتخاذ این ترتیب هم نهایت مواظبت و مراقبت در معقولیت و نجابت به کار برده، به طوری که تا حال از جهال هیچ سوء سلوکی بروز نکرده. حکومت جلیله و رؤسای ادارات که نماینده دولتند، بلکه نمایندگان سایر ملل هم بر ضد عرایض گواهی می دهند و امیدوار هستیم خداوند ما را به وظیفه اسلامیّت و رعایت نظام مملکت اسلامی موفق بدارد و در خاتمه خاطر^(۱) اولیای امور را معطوف به این نکته می سازیم که توجهی در این مطلب بفرمایند که تا چه اندازه ماها در فشار و تضییقات واقع شده ایم، مجبور به اتخاذ این ترتیب گشته ایم.

تجار یزد [اسامی حدود ۳۰ نفر]

[مهر : تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره جنوب

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۷

وزارت داخله، نمره ۱۳۴۴۵/۳۷۱۳، به تاریخ اول عقرب ۱۲۹۹ /

۱۱ صفر ۱۳۳۹، صادره: رقیمه

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

رقیمه شریفه نمره ۴۱۰۷ راجع به لباس شاگردان مدارس زرتشتیان یزد زیب وصول

داد، راجع به این مسأله بعضی مشکلات و محذورات^(۱) محلی در پیش است که از صدور احکام سخت در منع و جلوگیری، بیم ظهور پاره [ای] انقلابات دیگر می‌رود. بنابراین احکام لازمه به حکومت یزد و اندرزهایی که مقتضی بود به آقایان علما و طبقات دیگر صادر شده است.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۲۹۸

وزارت داخله، نمره ۷۷۰، مورخه ۱۱ صفر ۱۳۹۱، سواد استخراج تلگراف یزد

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

شخص روضه‌خوانی که چند روز بود در مجالس روضه عایه^(۲) آسایش عمومی و زردشتیان صحبت می‌نمود و مردم را به بلوا دعوت می‌کرد، برای حفظ انتظامات شهری، او را امروز تبعید به محل خود که یکی از دهات نزدیک شهر است نمود. خاطر مبارک مسبوق باشد. ۳۱ میزان، نمره ۱۹۴۳

امیرحسین بختیاری

[حاشیه]: اداره جنوب

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۱ - اصل: محظورات.

۲ - اصل: برعلیه.

۲۹۹

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۱۳۴۰۲، مورخه ۳۱ میزان ۱۲۹۹، [تلگراف به] یزد

آقایان تجار محترم یزد

تلگراف جناب عالی در باب لباس شاگردان مدرسه زردشتی ملاحظه شد. آقایان تجار که به وضعیات امروزه دنیا مطلع هستند، البته راضی نخواهند شد شروع به اقداماتی نمایند که بالنتیجه برای خودشان و دولت تولید اشکال نماید. زردشتی در سایر نقاط ایران هم هست و همه جا با مسلمانان معامله و مراوده دارند و ملبس به هر لباسی هم هستند، مع ذلک هیچ گونه اعتراضی نه از طرف مقامات روحانی و نه از طرف سایرین نسبت به آنها نمی شود و علی ای حال در این باب به حکومت جلیله یزد تعلیمات لازمه داده شده ترتیبی اتخاذ نمایند که هم مسأله تمایز منظور و هم سلب آزادی از آنها نشده، اثرات سوئی در انتظار داخل و خارج ننماید. [۱۱] صفر، نمره

۳۶۹۵

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]، نمره ۲

تاریخ اوّل عقرب [۱۲۹۹]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در تعقیب تلگراف نمره ۱۸۵۷ عرض می شود، متحصنین را که منزل آقای آقاسید یحیی مجتهد بودند دیروز متفرق نمودم و غائله نزدیک به اختتام است. مخصوصاً خیلی خوشوقتم از این که در این چند روزه که این اختلاف مذهبی رخ داده بود، سوار بختیاری

و نظمیه طوری مراقبت نمودند که به هیچ وجه حرکت بی‌رویه رخ نداده و انتظام شهر در کمال خوبی باقی بوده، امید است بعدها هم جداً از بی‌نظمی جلوگیری شود که از هر جهت خیال عموم راحت باشد ۳۱ میزان، نمره ۱۹۴۱.

امیرحسین بختیاری

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - ضبط شود

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۱

وزارت داخله، نمره ۱۳۵۲۴/۳۷۵۱، به تاریخ ۲ عقرب ۱۲۹۹ /

۱۲ صفر ۱۳۳۹، صادره: تلگراف [به] یزد

حکومت جلیله یزد

تلگراف نمره ۱۹۴۱، مساعی جناب عالی در رفع غائله شایان تمجید است. البته اهتمام بکنید ترتیبی داده شود که این قبیل حوادث دیگر عرض وجود نکنند.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۴۳، تاریخ ۲ عقرب [۱۲۹۹]

مقام محترم وزارت جلیله داخله دامت شوکته، کپیه وزارت مهمه معارف دامت قدرته

تلگراف مبارک که مشعر از مظلومیت زرتشتیان یزد بود زیارت شد. لازم آمد حقیقت امر عرض شده تا رفع اشتباه از اولیای امور بشود. اولاً حضرات زردشتی کمال آزادی را

در پناه اسلام داشته و دارند و ابداً از طرف جهال، مزاحمت حضرات نشده. ثانیاً بر اولیای امور پوشیده نیست که تمام ملل در هند و سایر ممالک دارای لباس و فرم مخصوص می‌باشند و اگر مسلمانی خود را ملبس به لباس بت پرستی سازد، یقین است از دولت متبوع خود تقاضای جلوگیری خواهد نمود. ثالثاً طایفه مجوس یزد از بدو طلوع اسلام تاکنون دارای سبک مخصوص بوده و امروزه به عنوان این که از طرف اولیای دولت علیه دستور داده شده اطفال خود را ملبس به لباس مسلمین ساخته و عمامه خود را شبیه سادات معظم قرار داده. رابعاً برحسب توصیه علما و عقلا از طرف جهال اعتراض نشده فقط قطع روابط اقتصادی نموده و مادام که طایفه مجوس یزد خود را ملبس به لباس قدیم خود نسازند، افتتاح روابط تجار و معاملات ملکی و زراعتی نخواهد شد و مسلم است قانون مقدس «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم»^(۱) در تمام عالم بشریت معهود و مجرا^(۲) است. امید است مقرر فرمایید حضرات زردشتی دست از^(۳) لجاجت برداشته، جهال را به واسطه حرکات بی‌رویه خود، تحریک به بعضی عملیات ننموده، ملبس به لباس قدیم خود شوند.

انجمن طلاب یزد

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب

[حاشیه ۲]: - وارده نمرة ۴۷۹۹، قطع غائله را خبر دهید.

[حاشیه ۳]: - ضبط شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۱ - مردمان بر اموال و نفس‌های خودشان اختیار دارند.

۲ - اصل: مجری.

۳ - اصل: در.

۳۰۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۴۲، تاریخ ۲ عقرب [۱۲۹۹]

مقام منیع آقای رئیس‌الوزرا، کپیه وزارت جلیله داخله دامت شوکتها

اجمالاً معروض می‌داریم تحصن بعضی مؤمنین و کناره‌جویی مسلمین در این چند روزه از مخالطه با زردشتیان به علت اصرار عده [ای] از آنها در مشابَهت به سادات و محترمین مسلمین که از روی اضطرار و پافشاری فراهم شده بود، رفع شد و امنیت و آسایش فریقین فراهم بوده و هست. اگر امری برخلاف واقع اظهار شده است مدعا داریم توضیح بخواهید چه ضد و اذیتی از مسلمین به زردشتیان رسیده و چه ظلمی بر آنها شده تا حقیقت امر مکشوف گردد.

اقل السادات، طلبه یحیی موسوی، علی‌الحسینی

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره جنوب

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۱۳، تاریخ ۴ عقرب [۱۲۹۹]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکتها

بعد از اقدامات لازمه راجع به اختلاف بین مسلمین و زردشتیان، بالاخره امروز حضرت آقای آقا‌سید یحیی مجتهد حکمی دادند که باید روابط بین مسلمین و زردشتیان کما فی السابق به طور مودت باقی باشند و اهالی نیز با آنها معامله کرده و هم به طور

رأفت^(۱) و مهربانی نسبت به کلیه زردشتیان رفتار نمایند. حکم مزبور به تمام اهالی اعلام گردید که مسبوق شده و من بعد برخلاف رویه اقدامی ننمایند. بحمدالله تعالی به کلی رفع غائله شد و امیدوارم من بعد هم دیگر به هیچ وجه گفتگویی پیش نیاید و این کار مهم و اختلاف مذهبی هیأت محترم دولت من بعد ملتفت خواهند شد که بدون وقوع هیچ حادثه چه خدمت بزرگی را انجام داده است برای اطلاع خاطر مبارک به عرض رسانید.

۴ عقرب، نمره ۱۹۷۲

امیرحسین بختیاری

[حاشیه]: - اداره جنوب، اظهار تمجید و رضامندی بشود و در ضمن از اقدامات آقاسید یحیی که در رفع غائله و حفظ انتظامات همیشه مراقبت کرده اند اظهار امتنان و خوشوقتی بشود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۵

[اداره تلگرافی ایران، نمره ۴۶۷، تاریخ ۲۶ اکتبر / ۴ عقرب ۱۲۹۹]

[حضور مبارک حضرت اشرف آقای وزیر داخله، دام ظلّه، تهران^(۲)]

تلگراف رمز زیارت، امیرحسین مفصلاً شرح اقدامات خود را تلگرافی اطلاع داده که با کمال جدیت طرف دار زردشتی ها و کار هم تا حدی اصلاح و در این یکی دو روز رفع غائله را نموده. راپورت قبلی ماده و انجام و اصلاح را به عرض می رساند. تلگراف

۱ - اصل: رؤفت.

۲ - سربگ سند به زبان فرانسه و متن آن به زبان فارسی است که با الفبای لاتین به صورت رمز نوشته شده و در حاشیه به فارسی ترجمه آن آمده است.

سختی هم از طرف عموم فامیل به علما و اهالی یزد مخابره شد که البته از شدت بر زردشتیها صرف نظر کنید والا با قوا به یزد خواهیم آمد و عقیده بنده این است که موافق تلگراف مؤکد و مشروح حکومت یزد حتمی در این دو روز کار اصلاح و خاطر هیأت محترم دولت از نگرانی خارج خواهد شد. این نکته نگفته نماند که به سر مبارک جداً امیرحسین خان طرفدار قوی زردشتیها و فوق وظیفه یک حکومت بی طرف حمایت و اقدام شدید نموده تا سه روز دیگر نتیجه را هم به عرض می‌رساند.

خسرو

[حاشیه]: - اداره جنوب، صادره رمز بوده است در شعبه رمز مضبوط است.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۶

وزارت داخله، نمره ۱۳۶۸۹، مورخه ۵ عقرب ۱۲۹۹، [تلگراف به] یزد

جنابان مستطابان ملاذی الانام کف الاسلام، آقای آقاسیدیچی مجتهد و آقای سیدعلی مجتهد دامت برکاتهما

تلگراف جنابان مستطابان عالی راجع به زردشتیان واصل شد. با وجود جنابان عالی در یزد که مرجع مسلمانان و محل توجه عامه هستید و احاطه و بصیرت به اوضاع حاضره دنیا دارید و از مناسبات و روابط عالم اسلامیت با اهل ذمه به خوبی آگاه می‌باشید، به هیچ وجه انتظار نمی‌رفت چنین حوادثی در آن جا پیش بیاید. باز هم از حسن نیت جنابان مستطابان عالی بوده که غائله به همین جاها ختم شده و مشکلات دیگری پیش نیامده است. انتظار می‌رود با همان حسن نیت و علو مقام خودتان که مخصوص علمای اعلام است بذل مساعی بفرمایید که این غوائل تجدید نشود، [۱۵]

صفر نمره ۳۷۹۹

[حاشیه]: - از قرار راپورت‌های اخیر، این کار به کلی تمام و غائله رفع شده است و باید این تلگراف فی‌الجمله تغییری نکند.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۱۱۴، تاریخ ۶ عقرب [۱۲۹۹]

مقام منیع حضرت اشرف وزارت جلیله داخله دامت شوکته

بحمدالله از توجهات حضرت اشرف و حسن اهتمامات حضرت حکمران غائله
فیما بین مسلمین و زردشتیان خاتمه یافت، بدون آن‌که حادثه [ای] روی دهد. یقین است
شرح خدمت‌گزاری دعاگو را به عرض خواهد رساند. دیگر بسته به توجهات حضرت
اشرف است.

دعاگو صدرالعلما

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره جنوب

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۸

وزارت داخله، نمره ۱۳۹۶۹/۳۸۷۱، به تاریخ ۸ عقرب ۱۲۹۹ / ۱۸ صفر ۱۳۳۹

یزد - جواب نمره ۱۳۲۵۴۱۱۴

جناب مستطاب شریعت‌مدار آقای صدرالعلما سلمه الله تعالی تلگراف جناب عالی

واصل شد وزارت داخله مسرت و امتنان خود را از مساعی و اهتمامی که در رفع غائله مسلمین و زردشتیان مبذول داشته‌اید اظهار می‌نماید.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۰۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۱۵۲، تاریخ ۸ عقرب [۱۲۹۹]

مقام منبع حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزرا دامت شوکته، وزارت جلیله داخله دامت شوکته
این انتشاراتی که از طرف زردشتیان داده شده بی حقیقت است، به هیچ وجه اتفاقی
که منافعی با امنیت یا آسایش زردشتیان باشد نیفتاده، کسی تحمیل و تعرضی به آنها
ننموده و همه قسم مایحتاج به جهت آنها میسر و اظهارات آنها خلاف واقع. همین قدر به
واسطه اصرار آنها در مشابعت با مسلمین و تولید اشکالات عبادیه مخالطه و معاشرت با
آنها کمتر شده بود، مع ذلک نظر به مقتضیات فعلیه مملکتی و آسایش خاطر^(۱) اولیای
امور از شکایات بی‌معنی آنها، بنای مسلمین بر مماشات و معاشرت با آنها شد و
موجبات آسایش آنها کماکان برقرار است.

یحیی‌الموسوی، علی‌الحسینی

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - اداره جنوب

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۰

وزارت داخله، نمره ۱۴۱۲۳/۳۹۳۸، به تاریخ ۱۱ عقرب ۱۲۹۹ /

۲۱ صفر ۱۳۳۹، صادره: تلگراف

جنابان مستطابان ملاذی الانام، آقای آقاسیدیچی مجتهد و آقای آقاسیدعلی مجتهد دامت برکاتهما
تلگراف جنابان عالی واصل و از مساعی و اهتماماتی که در رفع غائله فی مابین
مسلمین و زردشتیان مبذول داشته‌اید نهایت امتنان حاصل است.
انشاءالله با حسن نیت جنابان عالی در آتیه این قبیل حوادث تجدید نخواهد شد.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]

نمره ۳۰، تاریخ ۱۷ قوس [۱۲۹۹]

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

تلگراف مبارک نمره ۸۹۲۲ زیارت، چنانچه کراراً تاکنون خاطر مبارک را مستحضر
داشته غائله بین مسلمین و زردشتیان مدتی است به کلی خاتمه یافته دیگر به هیچ وجه
اختلافاتی مابین آنها نیست. روابط تجارتنی و مراوده بین هر دو دسته با کمال خوبی
جریان دارد. بنده متعجبم که این عرایض بی اساس و مدارک را چه اشخاصی به آن مقام
منیع عرضه می‌دارند و همچنین تعقیب کردن به صاحبان عرایض باعث بر تخریب آنها و
هم اسباب یأس بنده خواهد شد. اگر همان طوری که عرض کرده‌ام به این کاری که با
نهایت زحمت خاتمه داده و دیگر به هیچ وجه گفتگویی در بین نیست عرض بنده را قبول

نمی‌فرمایند، خوب است مقرر فرمایند از اشخاص بی‌غرض که در یزد هستند تحقیق شود تا صدق و کذب عرایض بنده محقق و معلوم گردد، ۱۷ قوس نمره ۲۲۴۷

امیرحسین بختیاری

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه ۱]: - سواد برای ارباب کیخسرو فرستاده شود.

[حاشیه ۲]: - اداره جنوب، ۹۹/۹/۱۹

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۲

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

رقیمه از حضرت مستطاب ثقة الاسلام آقای حاجی شیخ عبدالکریم مجتهد یزدی^(۱) مدظله‌العالی که در عراق سکونت دارند به عنوان این بنده رسیده است که پیشنهادش به مقام منیع لازم و جوابش را که حاصل اقدامات سابقه و نتیجه آن که فعلاً چه ترتیب مقرر شده است منتظر است تا خدمتشان ابلاغ کند. اصل رقیمه را لفاً تقدیم داشت و مستدعی است هر چه مقرر رفته است در جواب شرف صدور یابد که حالت منتظر ایشان را رفع

۱ - در سال ۱۲۷۶ ق. در مبداء اردکان به دنیا آمد و پس از تحصیل مقدمات در یزد به عتبات عالیات رفت و نزد میرزای شیرازی و محمدکاظم خراسانی علوم اسلامی را فراگرفت و اجازه اجتهاد اخذ کرد. در سال ۱۳۱۸ ق. به ایران آمد و حوزه علمیه اراک را دایر ساخت. در سال ۱۳۴۰ ق. به قم رفت و همان جا رحل اقامت افکند. تأسیساتی در قم پی افکند که از آن جمله می‌توان به حوزه علمیه قم، بیمارستان سهامی، سد رودخانه قم، کتابخانه مدرسه فیضیه و ... اشاره کرد. وی در سال ۱۳۵۵ ق. در قم درگذشت. (مرسلوند، «زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران»؛ ج ۳، ص ۵۹ - ۶۳).

کند. خاتمه را به دعای لقای مقام منیع اختتام می دهد و عود پاکت ایشان را مستدعی است.

بیان الملک - نماینده عراق

[حاشیه]: - اداره جنوب: ۲۸ دلو ۹۹ [۱۲]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۳

[نامه میرزا عبدالکریم حائری مجتهد یزدی به بیان الملک]

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رساند امید است وجود مسعود مبارک همواره در حفظ حضرت احدیّت جل شأنه موفق و مؤید بوده باشد. ضمناً غرض از تصدیع آن که لابد خاطر شریف مستحضر است که مدتی است اهالی یزد در مقام تشکی از زردشتیان برآمده به ملاحظه ارتکاب خلاف قوانین و معاهداتی که بین مسلمین و زردشتیان بوده و مدتی مسلمین متحصن و مشغول مذاکره با اولیای امور بوده و بالاخره نتیجه ای نبخشیده و داعی هم در این مدت گرفتار اظهار تظلمات اهالی بوده و مهما آن که در مقام جلوگیری از مفسده مرتکب شدن خلاف قانون نزاکت^(۱) بوده ام و حالیه علاوه بر آن که مسلمین نائل به مقاصد خودشان نشده اند دوچار محذور دیگر شده اند درخصوص عنوان معامله جات با زردشتیان که به ملاحظه اسلامیت صلاح خودشان را در این دانسته که چندی آزاد باشند از طرف اولیای دولت آنها را اجبار بر معامله کردن نموده و مسلمین از این حیث در قید و فشار هستند و این مطلب خیلی گران و ناگوار است بر اهالی یزد که از

معامله جات شخصی هم آزاد نباشند و خدای نخواستہ احتمال مفسدہ کلی می رود. لهذا مستدعی از جناب عالی هستم کہ در مقام برآمده و از اولیای دولت آزادی مسلمین را درخواست نمایند کہ همان طوری کہ زردشتیان می خواهند آزاد باشند، مسلمانان هم آزاد باشند. تعجب دارم کہ تجافی اولیای امور از عدم آزادی مسلمین چیست و همین مطالب را هم زمان حرکت بہ جناب مستطاب جلالت مآب اجل آقای سهام السلطان دام اجلاله عرض نموده، امید است ان شاء الله بہ همراهی ایشان این مطلب را انجام داده بلکه موجب آسایش اهالی یزد و رفع غائلہ بشود و خدای نخواستہ اسباب زحمتی برای اولیای دولت فراهم نشود و مزید امتنان و تشکر این داعی هم از آن جنابان عالی باشد. ملتسم دعا هستم زیادہ عرضی نیست.

الاحقر عبدالکریم الحائری والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

[مهر: عبدالکریم ابن محمد]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۴

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۵۶۲۱، مورخه اول حوت ۱۲۹۹

جناب آقای بیان الملک نماینده عراق دام اقباله

مراسله جناب عالی محتوی مراسله جناب مستطاب ملاذالانام آقای حاجی شیخ عبدالکریم مجتهد یزدی دانت برکاته واصل شد. اختلافی که فی مابین مسلمین و زردشتیان یزد حاصل شده بود چندی هست بہ کلی مرتفع شده است. عین مراسله هم لفاً اعاده شد.

[مهر: وزارت داخله]

[امضا: عدل الملک]

[حاشیه]: - اقدامش بی موقع است.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۵

یزد، خدمت جناب مستطاب ملاذالانام آقای آقاشیخ جعفر صحنه الاسلام دامت برکاته
قضیه محصلین زردشتی موجب هیجان در اقوام زردشتی بلاد خارجه شده و باعث
زحمت امنای دولت علیه ایران صانهاالله عن الحدثان گردیده در این موقع و این زمان
تعقیب بعضی مطالب بی اثر بلکه مورث ضرر است. بر عموم علمای اعلام و حجج اسلام
دامت برکاتهم لازم است وخامت عاقبت را به مردم خاطر نشان فرموده و از ایثار فتن و
اغراض فاسده جلوگیری فرمایند و از عموم مؤمنین و مقدسین اهالی یزد استدعا داریم
که نائره این غائله را به طور ملایم خاموش^(۱) فرمایند و به امنای دولت علیه فرصتی
بدهند که با عقلای زردشتیان داخل مذاکره شده ان شاءالله رضایت مؤمنین را تحصیل
خواهند فرمود.

الفانی محمدابن الشیخ زین العابدین الحائری المازندرانی^(۲)

[حاشیه]: - اداره جنوب، در دوسیه زردشتیان یزد ضبط شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

* * *

۱ - اصل: خاموش.

۲ - در سال ۱۲۸۲ ق. در کرپلا به دنیا آمد، نزد پدرش تحصیل علوم نمود و پس از اقامتی ۱۴ ساله در هند در
سال ۱۳۲۶ ق. به ایران آمد و در صف مشروطه خواهان قرار گرفت. حدود سال ۱۳۴۰ به قم رفت و در ۱۳۵۰ ق.
وفات نمود. (مرسلوند، همان جا، ج ۳، ص ۶۴؛ به نقل از مجله وحید شماره ۲۴۴).

۳۱۶

انجمن زرتشتیان تهران، [نمره ندارد]، [تاریخ] ۲۳ ربیع الاول

[۱۳۲۹ / ۱۴ قوس ۱۲۹۹]

مقام منیع ریاست وزرای عظام مَذْطَلَّه

تصور می شود عرض حال و وضعیات اهل یزد و صدماتی که در هر وقت یک عده به هر وسیله توانسته اند به جماعت زردشتی آن جا زده اند در همه اوقات اعم از زمان استبداد یا مشروطه اگر دست قدرت و عدالت دولت جلوگیری نمی کرد، اثری از مال و جان یکی باقی نمی گذاردند حاجت به توضیح نباشد.

این اوقات که با اجازه وزارتین جلیلتین داخله و معارف و موافق حق بشریت که در نزد همه انبیا و اولیا ملحوظ و محفوظ بوده و قانون اساسی مشروطیت هم آن را تصریح کرده است، زردشتیان یزد خواسته اند اطفال مدارس خود را به ستره و شلوار ملبس نمایند و نموده اند به علت آن که یکی از بستگان شیخ عباس مرشد که جوانی تاجر است در همین موقع زن زردشتی را کتک زده و نظمیه به جهت گرفتاری او اقدام کرده و شیخ عباس در این چند ماهه به واسطه فوت پدر به تمولی سرشار رسیده، برای پایمال کردن فقره فوق چند نفر تجار را همدست کرده و در یزد به نام آن که نباید زردشتیان یزد برخلاف تمام دنیا در لباس آزاد باشند بنای شرارت گذارده و از هر قسم تضيیقاتی برای زردشتیان یزد و حتی نرفتن طبیب مسلمان به عیادت زردشتی فروگذار نکرده^(۱) تا به هر وسیله بوده با اقدامات دولت و توصیه آقایان علمای اعلام این جا و اصفهان جلوگیری و تا یک اندازه اصلاح شده. نظر به وحشتی که چند نفر سرکرده و مؤسس آن فساد از اعمال خود داشته از یزد فرار کرده در کاشان نیز خواسته اند فتنه انگیزی کنند حکومت کاشان جلوگیری

نموده به تهران آمده‌اند. چون پول زیاد دارند و نمی‌دانند چه کنند در این جا نیز بنای فساد را گذارده روزنامه گلشن را با خود همدست نموده و مجالس بین جمعی از امثال خود ترتیب داده مجدد در صدد اشتعال آتش فتنه و فسادند و بیشتر از آنها روزنامه گلشن دامن می‌زند.

در نمره ۲۸ روزنامه گلشن به عنوان (توضیح) چندین ستون را زیر توهینات و مطالب بی‌اصل و مخالف با اساس تمدن و بشریت انداخته و برای ذلت و زحمت این جماعت نشریاتی داده. مجدد در نمره ۲۹ مورخه ۲۳ ربیع‌الاول به عنوان (دفاع) و مراسله یزد شرحی درج کرده که تماماً دال بر فساد و توهین و کذب محض است. مثل این که نوشته زردشتیان با افاغنه به هم ساخته که ایران را ویران نمایند و حال آن که بالعکس قشون زردشتی از کرمان به جنگ افغان رفته و پس از قتل مرحوم نادرشاه افاغنه فرصت یافته و به کرمان تاخته محله زردشتیان را خراب و هزاران زردشتی را از زیر تیغ انتقام گذرانیده‌اند که هنوز آن محله مخروبه در کرمان موسوم به گیر محله است.

اینک به نام بشریت و به نام ایرانیت توسل به عدالت مسلمی دولت شده استدعا داریم به هر وسیله ممکن است از اجتماعات یزدیها در تهران و درج مقالات جلوگیری و از روزنامه گلشن بازخواست فرمایند که برای غرض یا دخل خود یک جماعت را بر باد نداده موجبات زحمت دولت و فتنه‌های خوابیده را بیدار کردن نشود و اگر به نحوی که در عنوان روزنامه نمره ۲۹ اعلان نموده که به منفعت روزنامه گلشن نمایش می‌دهند و بهترین دلیل بی‌پولی روزنامه مزبوره است از ممرهای دیگر راه پول را پیدا نمایند نه فتنه در مملکت انداختن.

چون قضیه شرافت اجتماعی به میان آمده و هنوز زردشتیان سایر نقاط اطلاع ندارند استدعاست تکلیف عاجلی در این باب معین و مجازات مؤسسين فساد را مقرر فرمایند والا اجازه خواهند فرمود این مسائل را به تمام زردشتیان هر جا اعلام نمایم هشیار کار

خویش بوده منتظر فتنه و فساد جدیدی باشند. زیرا بدیهی است به مجرد رسیدن این اوراق بسیار نقاط، خاصه یزد چون از مرکز منتشر شده و مانعی نداشته بی شک آتشیهای فساد روشن گردیده جمعی را خواهد سوزانید و دولت را مشغول خواهد کرد. زیاده جسارت و منتظر امر فوریت.

سپاس‌دار انجمن زردشتیان تهران

[امضا: کیخسرو شاهرخ]

[مهر: انجمن زردشتیان تهران]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۷

اعتراضات راجع به روزنامه نمره ۲۸ گلشن

اولاً در عین آن که اظهار کرده است غرض ندارد، نهایت غرض و توهین را به کار برده است. ثانیاً به قدری خرافات و دروغ نوشته است که مورد حیرت است، مثل این که نوشته است زردشتیان مرده خود را در بالای دو شاخه ایستاده یا نشسته قرار می دهند. از نویسنده این مقاله باید پرسید کجا دیده است. اولاً او مرده شوی نبوده که مشاهده نماید ثانیاً چیزی گفته است که در هیچ عصری صورت وقوع نداشته و فقط مقصودش توهین بوده.

بابت رنگ و احتیاط - اولاً به قدری خرافات نوشته که جای ترحم است. ثانیاً یقین بدانند که زردشتیان از حیث احکام مذهبی خود ممنوع‌اند در این گونه حمام‌ها، آلوده و داخل نشوند، از آب‌های به همه کس آلوده نخورند و بیش از احتیاط نویسنده خود زردشتیان احتیاط دارند. مسأله رنگ قابل ترحم بر فهم اوست. از استعمال کلمه گیر فقط

مقصودش توهین بوده. از سایر عباراتش مقصود حق شکنی و تولید مخالفت و تشجیع اشرار و اشتعال آتش فتنه و نفاق.

می گوید کسی منکر فرم جدید نبوده، کوسه و ریش پهن، زیرا تمام صحبت در مسأله فرم جدید بوده. اولاً ستره و شلوار از مختصات مسلمانان نبوده، ثانیاً در پیش کلاه، نشان با اسم مدرسه داشته اند. به علاوه یا باید گفت دنیای متمدن معنی انسانیت را نفهمیده، یا چندین ملیون مسلمانان همه جای دنیا در اسلامشان منقصت است و یا آقای نویسنده نفهمیده.

این که از حاکم شکایت کرده اند، زردشتیان باید شکایت کنند که اگر حاکم شخص لایقی می بود، کسی جرأت حق شکنی نمی داشت. به علاوه مجمع یزدی ها در پای تخت که در روزنامه تصریح شده فقط برای فتنه و هنگامه است.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۸

ریاست وزرا، نمره ۸۸۲۱، به تاریخ ۱۴ قوس ۱۳۳۹

کفالت وزارت جلیله داخله

مکرر در جلوگیری جراید محلی از درج و نشر بعضی مقالات مضره که منافی مصالح دولت و مغایر انتظام و امنیت مملکت باشد و بعضی نسبت های برخلاف واقع و حقیقت راجع به مأمورین دولت به جناب عالی دستور داده شده، حتی برای لزوم اجرای این ترتیب به جناب عالی نوشته شد آقایان مدیران جراید را احضار و موقعیت کنونی مملکت و وجوب احتراز مطبوعات از نشر مقالاتی که ممکن است مفساد جبران ناپذیری برای دولت و ملت تولید نماید به جهت آنها تشریح و مسؤولیتی که مقامات مسؤوله مملکت در قبال هر خلاف انتظامی برعهده دارند بیان داشته و آنان را به

متابعت این نظریه دولت و مراعات مقررات حکومت نظامی وادار بفرمایید و بالاخره به آنها قویاً خاطر نشان بفرمایید که برحسب تصمیم دولت تا حکومت نظامی ملغی نشده به نام مصالح مملکت بایستی تابع نظریات وزرات داخله باشند. با این تفصیل باز دیده می شود بعضی از جراید به وظایف خود عمل نکرده و از پاره [ای] نشریات سوء و درج مقالات مضره و بعضی نسبت ها و مفتریات در مورد اشخاص خودداری ندارد. از جمله روزنامه آسایش است که نسبت به کارکنان یک اداره مهم دولت اهانت کرده و از وزارت پست و تلگراف به وسیله مدعی العموم به عدلیه جلب و جداً تعقیب خواهد شد. روزنامه گلشن را هم که دیده اید راجع به زردشتی ها چه نوشته و ممکن است همین نشریات که مبنی بر اغراض و طمع ورزیست چه نتایج سوء و مفساد جبران ناپذیری برای دولت و ملت تهیه کند. در هر حال برحسب تأکید باز این شرح را زحمت داده و مؤکداً می نویسیم در صورتی که بعضی از جراید نمی خواهند مصالح مملکت و مقررات حکومت نظامی را مراعات کنند و در پاره از نشریات مضره خودداری نکرده، روزنامه آنها توقیف خواهد شد.

[امضا: فتح الله اکبر]

[مهر: ریاست وزرا]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۱۹

۱۳۳۹۲ع۲۶

هو

قربانت شوم، جناب آقای نصیرالشرف پیغام حضرت اجل عالی را رسانیدند. بدیهی است اگر جماعت زردشتی نیز دست شرکت در شرارت دیگران یا معامله به مثل نماید عریضه تظلمات به دولت عرضه نمی داشت. اما متأسفانه به قسمی که باید از طرف

دولت توجه شود نمی‌شود. زیرا یک عده بیکارهای یزد با ده بیست هزار تومان پول متمولین یزد به تهران آمده، مشغول فسادند و چون جراید معتبر اعتنایی به آنها ندارند ناچار جرایدی که به مذاق آنها همراه باشد با خود همراه می‌کنند. روزنامه گلشن که از شرحش خاطر مبارک مستحضر است دیروز باز همان لایحه را در روزنامه تهذیب انداخته و مبلغی پول به روزنامه فروش‌ها داده با صدای بلند و الفاظ رکیک در بازار فریاد می‌کشیده‌اند، بنده نیز به کلی بی‌خبر، عصری تلفن به بنده کرده‌اند که جماعت زردشتی می‌خواهد به ملاقات بنده بیاید. جواب دادم جماعت لازم نیست، دو نفر بیایند. آمده و آن روزنامه را آورده و شرح اظهارات روزنامه‌فروش را گرفته جواب دادم دولت عاجلاً اقدام خواهد فرمود. حتی خدا گواه است صبحی دسته‌هایی نزد بنده آمده‌اند همین وعده داده‌ام و اینک استدعا می‌شود برای رفع غائله و سکونت محض به عرایض ذیل بذل توجه و امر به عمل فرمایند:

- ۱- امر و مقرر شود مدیر روزنامه تهذیب را بخواهند و ملتزم نمایند.
- ۲- به تمام جراید نوشته شود مقالات یزدی‌ها را در این باب که منجر به فتنه بزرگ خواهد شد نپذیرند.
- ۳- مقرر شود وزارت پست و تلگراف به پستخانه یزد در کرمان تلگرافاً اطلاع دهند نمرة ۳۹ روزنامه تهذیب را توقیف نمایند.
- ۴- به حکمران یزد تلگراف شود به مؤسسين فساد اعلام نماید دست از تحریکات باز دارند والا مجازات خواهند شد.
- ۵- به نظمیه تهران امر شود مجمع یزدی‌ها را متفرق و سرانشان را ملتزم نمایند که دیگر از این حرکات^(۱) نکنند.

استحضاراً عرض می‌شود که از قرار خبر یک نفر گماشته آقای حاج میرزا علی صرّاف اصفهانی یزدی است و غالب این وجوه توسط او توزیع می‌شود. اگر محرمانه آقای فرّخی شاعر یزدی را بخواهید و محرمانه تحقیقاتی بفرمایید همه اشخاص و وسایل را ممکن است درست به عرض برسانند.

به هر صورت مقصود جماعت زردشتی آسایش و حفظ شرافت و عزّت اجتماعی است و از دولت آن را قبل از خرابی‌ها خواستارند و عین مقاصد را محرمانه و خصوصی عرضه داشتم. هر گاه هم لازم است عریضه رسمی عرض و تقاضاهایشان اظهار شود مقرر فرمایید.

صریحاً عرض می‌کنم اگر نیم ساعت وقت صرف و دستور کامل از هر جهت داده شود و مأمورین عملاً اقدام نمایند، به علاوه آن که طوری نمی‌شود، تمام ساکت خواهد شد و الا از آتش مشتعل هم اسباب زحمت بزرگ فراهم و هم زرتشتیان مجبور به تحصّن و اقدامات دیگر و التجای به پارسیان هندوستان و مجمع اتفاق ملل خواهند شد و کاملاً منافی ایرانیت آنهاست، ولی مجبور خواهند بود. باقی موکول به توجهات و امر مبارک است.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

* * *

۳۲۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران نمره ۵۴

تاریخ ۱۴ ثور [۱۳۰۰]

توسط وزارت جلیله داخله مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

تلگراف محترم نمره ۲۲۲۸ زیارت، پس از اقداماتی که در کشف قتل نرسس ارمنی

به عمل آمد ماشاءالله گماشته بانک و چهار نفر همدستانش دستگیر و استنطاق شدند. معلوم شد شب وارد خانه مشارالیه شده خواهرش که ده دوازده ساله بوده، از رختخواب ربوده و قصد داشتند بی سیرتش نمایند. نرسس به دست ماشاءالله مقتول و برادرش سخت مجروح می شود. به اقرار و اعتراف خود ماشاءالله چند سال است ارتکاب به این قبیل جنایات و هتک نوامیس مردم، خصوصاً زردشتی ها را شغل خود قرار داده و تا اکنون از چندین دختر زردشتی بکارت برداشته است و چند شب قبل از این که نرسس را مقتول سازد با همدستانش دو سه شب متوالاً به خانه های زردشتی رفته و به نوامیس آنها دست اندازی کرده و مهربان خیاط را چند زخم مهلک زده است. در این هفته اخیر به کلی امنیت را از شهر سلب نموده بود و تمام اهالی مشغول کشیک نوامیس خود بودند که بحمدالله با جدیتی که به عمل آمد آنها دستگیر و اسباب روسفیدی بنده فراهم گردید. با کمک هم، ماشاءالله را از استخدام خارج نمود و مجلسی از محترمین و رؤسای ادارات دولتی تشکیل دادم با حضور آنها از مشارالیه استنطاق به عمل آمد ارتکاب به این قتل و سایر جنایات عدیده را اعتراف نموده و به هیچ وجه انکار نداشت و محکوم شد. صورت استنطاقات او با پست ارسال حضور محترم می شود و خود او برای عبرت اشرار و جنایت کاران و حفظ امنیت و نوامیس مردم قبل از ماه مبارک رمضان به مجازات خواهد رسید. محض استحضار خاطر محترم معروض داشت. ۱۴ ثور، نمره ۷۳۰

جعفرقلی بختیاری

[مهر : تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه :] - اداره جنوب، ۱۵ ثور ۱۳۰۰

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۱

[تلگراف] از کرمان به تهران، نمره: ۱۳۵، [تاریخ] ۱۷ ثور ۱۳۰۰

آستان مبارک ریاست جلیله و زرای عظام دامت عظمته العالی، کبیه جناب اجل آقای ارباب کیخسرو شاهرخ، کبیه سفارت ارمنستان، کبیه انجمن ملی ارامنه

ماشاءالله نام فراش بانک شاهی چندی قبل طفل زردشتی را در ملاء عام متعرض و می خواسته است هتک ناموس کند و در نتیجه مقاومت طفل و ممانعت عابرین موفق نشده ولی کتک زیادی به او زده بودند با این که رئیس بانک شخصاً حاضر بود مجازات...^(۱) و قطع موجب درباره او مجری دارد نظر به رعایت قوانین به پارکه بدایت تظلم و رئیس بانک ماشاءالله را به نظمیه گسیل ولی پارکه بدایت از رسیدگی انتظامات و دسیسه، اغماض و برائت ذمه او را تصدیق و این عمل و مهمل گذاشتن نظایر آن موجب جرأت فوق العاده ماشاءالله شده که یک کمیته از اشرار امثال خودش تشکیل و در حین عبور متعرض زنهای این طایفه می شده عنفاً به محل های خلوت برده و هر چه می خواسته اند از اعمال شنیع مجری می داشته اند به آن هم اکتفا نکرده از قریب یک ماه قبل به خانه زردشتی ها هجوم و مرتکب چند جنایت شده که هر کدام با زخم و سوء قصد توأم شده است صدای آن بلند و آنچه که فقط با سرقت مقرون بوده است، بیچاره ها برای حفظ آبروی خود به جایی اظهار نکرده من جمله در ایام عید شبانه به خانه استاد مهربان خیاط رفته و بعد از اجرای عملیات شنیع زخم فاحش هم به شخص مهربان زده اند که هنوز در بستر است و بعد از آن هم همه شب به خانه های دیگر با همدستان خود مسلح رفته قسمی که تمام زردشتیان مجبور شدند شبها دسته دسته در

یک محل جمع و پاس جان و ناموس خود را بدارند.

اخیراً به خانه موسیو نرسس ارمنی ریختند پسر تلگرافچی اش را و پسر منشی بانکش را سخت مجروح و صبیۀ او را اختلاس و با کمال جرأت دوباره عودت داده‌اند. آنچه عرض شد صد یک از اعمال شرارت کارانه کمیته مزبور است و هرگاه جدیت ایالت جلیله و کفایت معاون نظمیه کشف مرتکبین را نکرده بود تاکنون با اصراری که موجب اظهار خودشان در تعرض به ناموس ملل متنوعه و آبا جدّاً آنها را داشته صدها فجایع و شتایع دیگر هم به ظهور می‌رسید و مسؤول تمام این فجایع و شتایع لابی‌گری مصادر مسؤوله است در موقع جنایت اولیه که موجب شوق مفرط و جرأت اشرار شده است. در این موقع هم اگر عوام فریبی و محافظه‌کاری‌های بعضی متنفذین رویه لابی‌گری سابق را تجدید نماید وای به حال بیچاره ملل متنوعه ایران، به خصوص زردشتیان و ارامنه که گناهشان فقط اینست که در وطن خود مانده و به آبادانی و کسب مشغول هستند و به کلی موجب سلب امید می‌شود. مطابق قوانین تمام ادیان عالم، زانی و سارق و قاتل و محارب محکوم اعدام و ارتکاب قتل و چندین جنایت دیگر اشرار مزبور ثابت و آفتابی، چنانچه سوای استنطاقی که در نظمیه داده‌اند خودشان در مجلس عالی در طالار ایالتی با حضور عموم رؤسا دوایر دولتی و سایرین اقرار به قتل و جنایات متعدده خودشان کرده و اشعار نموده و تأسف داشته‌اند از این که زود دستگیر شده و نتوانسته تمام مقاصد خود را انجام دهند. در این صورت استدعاست نظر به رعایت قوانین عدل و انصاف و حفظ حدود و حقوق و تأمین آسایش ملل متنوعه ضعیفه ایران، مرتکبین قتل و جنایات مزبور را امر به قصاص فوری فرموده موجب مزید امیدواری و آسایش عموم بالاخص دعاگویان و تأمین آتیه را فراهم فرمایند. بدیهی است همت والای رئیس دولت حاضره بر این است که کاپیتولاسیون را ملغی فرموده ملت ایران را هم در

جرگه ملل حیّه با حق حاکمیت داخلی و خارجی داخل فرمایند و با این مداهنه کاری‌های بعضی عوام فریب که حقوق غیرمسلم را از حیوانات بارکش هم پست‌تر قرار می‌دهند، چگونه موافقت ملل منظمه را در الغای کاپیتولاسیون می‌توان جلب نمود با امیدواری و استظهار کاملی که به عزم آهنین و فکر منور رئیس دولت داشته عطف توجه به این زاویه دوردست امیدوار فرموده هم برای قصاص مرتکبین حاضره قتل و جنایات و هم برای تشکیل ادارتین عدلیه و نظمیه قانونی صحیح با اعضای منورالفکر با وجدان که رعایت حقوق بشر را محترم می‌شمارند، مستدعی هستیم و اگر خدایی نخواست به توجه ذات مبارک اندکی دریغ شود تجربیات تلخ گذشته و رویه عدلیه سابقه موجب یأس کامل و سلب تأمین جانی و مالی آتیه خواهد بود.

در خاتمه تشکرات قلبی را از ایالت جلیله به عرض می‌رسانیم که سوای اقدامات در دستگیری ماشاءالله و چهار نفر دیگر همدستانش داداش نام قاتل دو نفر زردشتی^(۱) را که در زمان حکومت جلال‌الدوله یک نفر را علناً در وسط روز و در بازار و دیگری را در خارج شهر در قبرستان عمومی به قتل رسانده بودند در نظمیه توقیف فرموده‌اند. از آستان قدس استدعای امر رسیدگی و قصاص مشارالیه را به ایالت جلیله نموده و در هر حال به توجه و مراحم ذات مبارک در ترویج اجرای قوانین عدل و انصاف و حفظ حقوق ضعفا و مظلومین امیدواری کامل داریم.

سپاسگویان صمیمی : انجمن ناصری زردشتیان کرمان - انجمن ملی ارامنه کرمان

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران، نمره ۷۰

تاریخ ۱۷ ثور [۱۳۰۰]

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

در تعقیب نمره ۷۷۷ معروض می‌دارد، امروزی یک ساعت به غروب جماعتی از آقایان علما و وعاظ و قریب پنج شش هزار نفر از اهالی با حال هیجان به طرف دارالایاله آمده‌اند چند نفر از علما و سایرین نزد بنده آمدند و گفتگو کردم. مقصود آنها مطالبی است که امروز راپورتاً عرض شد، ولی قبل از مذاکرات معلوم شد قصدشان استخلاص و مرخصی ماشاءالله، قاتلِ نرسس ارمنی و همدستان او است. مقداری با تشدد و سختی، مقداری با ملایمت و نصیحت با آنها مذاکره به عمل آمد بالاخره قرار شد در باب مجازات او دست نگاه دارم تا آقایان علما مطالب خود را تلگرافاً به عرض برسانند و برای این که تصور نکنند به واسطه هیجان آنها تأخیر انداخته‌ام، اظهار داشتم فعلاً تصمیمی برای مجازات قاتل اتخاذ نشده است و صبح امروز هم هنگ سوار بختیاری مسلح به نظمیه فرستادم که از هر خلاف نظمی جلوگیری نماید و البته در جواب تلگراف علما، دولت هر نوع که صلاح دانند و دستور بدهند امر فرمایند فوراً اطاعت خواهد شد.

۱۸ ثور، نمره ۷۹

جعفرقلی بختیاری

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، به تاریخ ۱۹ ثور ۱۳۰۰، نمره ۲۷۶۲]

[حاشیه ۲]: - در این باب تلگراف رمز شد، ۲۲ ثور ۱۳۰۰

[حاشیه ۳]: - عیناً به اداره جنوب فرستاده شود.

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران، نمره ۱۵۷
تاریخ ۱۸ ثور [۱۳۰۰]

جواب قبول -

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته، کپیہ مقام منیع وزارت جلیله عدلیه
چند روز است پنج نفر مسلم را به اتهام قتل یک نفر ارمنی اصفهانی توقیف، نظر به
حسن ظنّ داعیان مذهب اسلامیت و دیانت آن دو مقام منیع، مستدعی است مقرر
فرمایند در محضر شرعی یا بعد از احتیاج عدلیه در محکمه قانونی به اتهام مزبور مطابق
قوانین اسلامیہ رسیدگی و پس از صدور حکم به مدلول آن رفتار شود.

الاحقر علی موسوی صحیح، اقل محمدابراهیم زین العابدین، داعی
محمدعلی شیخ رئیسی، الاحقر عبدالحسین، داعی جمال الدین
[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، تاریخ ۳۰ ثور ۱۳۰۰، نمره ۲۸۹۶]

[حاشیه ۲]: - اداره جنوب: ۲۱ ثور ۱۳۰۰

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۴

۲۹ شعبان ۱۳۳۹ / [۱۸ ثور ۱۳۰۰]

هو

مقام منیع وزارت جلیله داخله

از قرار تلگراف مشروح واصله از کرمان، در آن جا از مدتی ماشاءالله نام گماشته
بانک شاهنشاهی کرمان از بروز هرگونه فجایع و شتایع و جنایات نسبت به جماعت

زردشتی آن جا فروگذار ننموده و در این ضمن به همدستی چند تن از هم‌مسلمانان خود کمیته [ای] تشکیل داده و در حد قدرت و امکان حتی از دستبرد به نوامیس خودداری نداشته، یکی از همدستانش داداش نامی است که قاتل دو نفر زردشتی می‌باشد. بالاخره جرأت و جسارت آنان به جایی رسیده که به خانه نرسیس نام ارمنی ریخته، قتل و بی‌ناموسی و همه‌کاری کرده و نظر به لبریز شدن گناهانشان گرفتار شده و در استنطاق خود گذشته از اعتراف به همه قتل‌ها و فجایع نیز اظهار افسوس کرده‌اند که کاملاً پروگرام خود را به موقع اجرا نگذارده‌اند.

در این موقع که گرفتار شده و در استنطاق خود همه قسم اعتراف به ارتکابات نموده‌اند. آسایش عمومی و شرافت بشریت منتظر صدور امر از مجرای عدالت کبرای مرکز است تا عموماً با ترفیه خاطر از زندگانی آتیه و عبرت سایرین از مسلمیت روزگار انتقام و نتیجه اعمال، امیدوار و شکرگزار و دعاگو باشند. اینک محض مزید اطلاع آن وزارت جلیله سواد یکی از آن تلگرافات که اصل آن نیز به مقام منبع ریاست وزرای عظام تقدیم شده لفاً انفاذ و مستدعی و منتظر بذل توجهات است. ایام شوکت مستدام باد.

سپاس‌دار کیخسرو شاه‌رخ

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب، ۱۳۰۰/۲/۱۸

[حاشیه ۲]: - ضبط شود.

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۵

[اداره تلگرافی، تلگراف از کرمان به تهران، نمره ۳۳، تاریخ ۱۹۲۱/۵/۸] [۱۹ ثور ۱۳۰۰]

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت عظمته

سه روز قبل وقوعات ناگوار عرض شد. کسانی که باطناً محرک جنایت بوده‌اند این دو

روژه به بهانه مالیات جدید، غیرمستقیم اهالی و تعطیل بازارها را محرک شده باطناً قصدشان استخلاص قاتلین است و زن‌ها را محرک شده کثراً در نظمیه اجماع، عنوان می‌کنند چون مال و خون ارامنه و زرتشتی مباح است قاتل آنها را نباید کشت. ایالت جلیله تاکنون برای حفظ محبوسین مقاومت کرده اما آتش فتنه مشتعل، بعضی علما نماها و متنفذین شورش طلب در جنایت گذشته و انقلاب حالیه دست قوی دارند، این ترتیب را برای برپا شدن بلوا و پیشرفت غرض شخصی فراهم و مشغول تزیید آتش فتنه هستند. استدعا، به فوریت به ایالت جلیله فرمان نظامی شدن حکومت کرمان صادر، امر شود به کمک عده [ای] ژاندارم محرکین توقیف و مجازات و قاتلین را قصاص نمایند که از توجه مبارک رفع فتنه بشود. اکنون عموم در خطریم استدعای بذل توجه داریم.

سپاس‌گزاران صمیمی انجمن ملی ارامنه و انجمن ناصری زرتشتیان

[حاشیه]: آقای ابتهاج‌الملک فوراً ترجمه فرمایند و دستور دارند.^(۱)

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران نمره ۱۸۳

تاریخ ۲۱ ثور [۱۳۰۰]

مقام منبع ریاست جلیله و زرای عظام دامت شوکته

از آن جایی که زمام امور ملت و مملکت را پس از مدتها بدبختی خداوند متعال در

۱ - تلگراف به زبان فارسی ولی با املائی انگلیسی تحریر شده است.

کف باکفایت آن یگانه ذریه^(۱) رسول قرار داد و امیدواری عموم ملت این است که هیچ اقدامی برخلاف مذهب جعفری و قوانین مملکتی نخواهد شد. لذا خاطر مبارک را متذکر می نمایم که پنج نفر مسلم را به اتهام قتل یک نفر ارمنی اصفهانی توقیف و شهرت اعدام آنها داده شده. در صورتی که ابداً در محضر شرع و محاکمات قانونی رسیدگی نشده، از آن مقام منیع عاجزانه استدعا و درخواست داریم امر و مقرر شود محاکمه این پنج نفر مسلم را رجوع به محضر عدول مجتهدین و یا عدلیه نمایند تا به آنچه پس از رسیدگی و محاکمه، حکم صادر شد، مجری دارند.

عموم اهالی کرمان، [اسامی حدود ۱۵۰ نفر]

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - عیناً به اداره جنوب وزارت داخله فرستاده شود. ۲۴ ثور [۱۳۰۰]

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۷

وزارت داخله، [نمره ندارد]، تاریخ ۲۲ ثور ۱۳۰۰ / ۴ رمضان ۱۳۳۹

صادره: تلگراف رمز

ایالت جلیله کرمان و بلوچستان

در مجازات ماشاءالله نام فعلاً قدری تأمل لازم است. پس از رفع پاره [ای] مذاکرات محلی دستور ثانوی صادر خواهد شد.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۸

وزارت داخله، نمره ۷۸۸، تاریخ ۲۴ ثور ۱۳۰۰ / ۶ رمضان ۱۳۳۹، صادره: تلگراف

کرمان، جواب نمره ۳۳، انجمن ناصری زردشتیان و انجمن ارامنه

تلگراف شما به اسم کمپانی به عرض مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته رسید، راجع به مجازات مرتکبین قتل، پس از اجرای تحقیقات و تکمیل استنطاق حکم مجازات صادر خواهد شد.

[امضا: احمد قوام]

[حاشیه]: - نوشته شد.

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۲۹

وزارت داخله، نمره ۲۵۷۷/۸۷۷، به تاریخ ۲۴ ثور ۱۳۰۰ /

۶ رمضان ۱۳۳۹، صادره: تلگراف

جنابان مستطابان ملاذالانام آقایان حجج اسلامیه دامت برکاتهم

تلگراف جنابان عالی راجع به قاتلین زیب وصول داده، اگر چه برای مجازات این اشخاص هنوز امری نشده ولی مطابق اخبار واصله و اعتراف خود آنها این اشخاص علاوه بر ارتکاب قتل، انواع فجایع و شنايع را در کرمان مرتکب شده‌اند. قانون مقدس اسلام هیچ وقت این قبیل اشخاص جانی و شناعت کار را از مجازات معاف نداشته است. جنابان مستطابان عالی به اقتضای دیانت و فطرت اسلامیه و با احاطه‌ای که به اوضاع عالم دارید طرفدار مجازات این اشخاص و اجرای عدل خواهید بود والا اشرار تجرّی کرده سلب امنیت از کافه طبقات خواهند کرد.

[امضا: احمد قوام]

[حاشیه ۱]: - کرمان، جواب نمره ۱۷۳۸/۱۵۷ قیمت را قبول کرده‌اند.

[حاشیه ۲]: - حضوراً مذاکره نماید.

[حاشیه ۳]: - نوشته شد.

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۳۰

از دماوند به تهران، ۸ ذی حجه ۱۳۳۹ / [۲۲ اسد ۱۳۰۰]

هو

مقام منبع وزارت جلیله داخله

راجع به مرتکبین جنایات کرمان که بالاخره با توجهات آن وزارت جلیله امر به قصاص یکی از آنان، ماشاءالله نام شرف صدور یافت و به موقع اجرا گذارده شد موجب تشکر است. اما چنان که بر آن وزارت جلیله مکشوف است عده آنها منحصر به ماشاءالله نبوده و مخصوصاً یکی از آنان داداش نام قبلاً هم مرتکب قتل زرتشتیان و فراری بوده، اکنون که معاودت نموده، یا فطرت او، یا این که باید عدالت و حق کار خود را نموده باشد با ماشاءالله شرکت نموده و گرفتار شده است. مستدعی است اگر دوسیه او و سایرین هنوز مبسوطاً به آن وزارت جلیله نرسیده امر و مقرر شود آن وزارت جلیله را از چگونگی مستحضر دارند و امر حقانی عادلانه نیز نسبت به هر یک از آنان در حدود ارتکاباتشان صادر شود تا عدالت تکمیل گردد و نه فقط اجرای حق و عدالت شده بلکه بر امنیت آتیه و سلامتی جان و مال و ناموس بندگان خدا افزوده شده است. ایام شوکت مستدام باد.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب، ۲۴/اسد

[حاشیه ۲]: - سواد برای ایالت کرمان

[حاشیه ۳]: - سواد نوشته شد.

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

۳۳۱

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۷۸۸۰/۳۸۱۶، مورخه ۲۵ اسد ۱۳۰۰

ایالت جلیله کرمان و بلوچستان

سواد مراسله آقای ارباب کیخسرو راجع به داداش نام و سایر همدست‌های
ماشاءالله لفاً ارسال گردید و با اطلاعاتی که راجع به سابقه عملیات این شخص دارید،
امر به تحقیقات و استنتاجات لازمه فرموده و نتیجه را اعلام خواهید داشت تا دستور
مجدد داده شود.

[حاشیه ۱]: - به مراسله ارباب کیخسرو درست دقت فرمایید، می‌گویند از جمله اشرار کرمان
که مرتکب جنایات شده‌اند، فقط ماشاءالله به قصاص رسیده، بقیه بدون مجازات مانده‌اند و
مجازات دیگران را که از جمله داداش نام است تقاضا می‌کند. ۲۵ اسد

[حاشیه ۲]: - تجدید شود.

[حاشیه ۳]: - تجدید شد.

[۲۹۳۰۰۵۹۷۵]

* * *

۳۳۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به ط [تهران]

نمره ۶۳، تاریخ ۶ عقرب [۱۳۰۰]

حضور مبارک آقای ارباب کیخسرو شاهرخ دامت شوکته

۱۷ ماه قبل از مغازه فدویان که متعلق به تجارتخانه طاوشانجیان است واقع در بازار،

محل عبور تمام نظمیه کمیسریا، سارقین قفل درب و صندوق آهنی بزرگ شکسته، مبالغی نقد، جنس، غیره سرقت برده که هنوز جبران غرامت [به] مسامحه می‌گذرد. ثانیاً دو ماه قبل از توی اطاق کاروان سرای جدید، بناهای سردار نصرت، دیوار مغازه فدوی سوراخ نموده، مبالغی از طلاآلات نقد و جنس سرقت نمودند. با این که از طرف قونسول‌گری انگلیس اقدامات شده تاکنون از طرف ایالت جلیله آنچه که باعث آسایش فدویان باشد معلوم نشده، در صورتی که مسؤول غرامت سرقت شهری کاملاً معلوم، مستدعی هستیم از مقامات عالی‌تر امر شود که ایالت جلیله بدون ملاحظه غرامت سابق و لاحق را از مسؤولین شهر اخذ و عاید فرمایند و آتیه را هم تأمین فرمایند.

خسرو فریدون سهراب عامل طاوشانجیان

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[۲۹۰۰۰۱۹۰۸]

۳۳۳

وزارت داخله، نمره ۴۴۶۰/۱۳۱۲۳، به تاریخ ۲۳ عقرب ۱۳۰۰ /

۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۰، صادره: تلگراف

کرمان - جواب نمره $\frac{۷۴۴۴}{۶۳}$ ، توسط ارباب فریدون - ایالت جلیله

از قرار اظهار ارباب فریدون، سال گذشته مبلغی وجه نقد از مغازه او به سرقت برده‌اند. دو ماه قبل نیز دیوار مغازه را سوراخ کرده مبلغی طلاآلات و وجه نقد برده‌اند و در هیچ مورد اقدامی برای استرداد مسروقات به عمل نیامده. قدغن^(۱) فرمایید نظمیه

[به] موجب مسؤولیتی که دارد در فحص قضیه و استرداد عین یا غرامت مسروقات اقدام نماید.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۰۰۰۱۹۰۸]

۳۳۴

۲۴ع ۲/ ۱۳۴۰ [۳دی ماه ۱۳۰۰]

هو

مقام منیع وزارت جلیله داخله

در تعقیب عریضجات قبل احتراماً عرض می شود که از قرار تلگرافات واصله اخیر راجع به اموال مسروقه ارباب فریدون بعد از آن که از طرف وزارت جلیله داخله امر اکید صادر شده است برای آن که رضایت نامه اجباری از مشارالیه بگیرند مخابره نمایند بر حسب تعلیمات ایالت جلیله، نظمیه روش دیرینه را پیش گرفته و اظهار داشته یا رضایت بدهد یا خود او و برادرش سارق به قلم خواهند رفت و حبس خواهند شد تا مال پیدا شود. با این پیش آمدهای حق کشانه ناگوار آن جا، مستدعی بذل توجه است. ایام نصرت به کام باد.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - اداره جنوب، ۲ جدی

[۲۹۰۰۰۱۹۰۸]

۳۳۵

وزارت داخله، نمره ۱۵۲۹۷/۵۲۵۸، به تاریخ ۹ جدی ۱۳۰۰ / غره جمادی الاولی

۱۳۴۰، صادره: رقیمه

ایالت جلیله کرمان و بلوچستان

راجع به استرداد اموال مسروقه ارباب فریدون سابقاً زحمت داده شد. از قراری که به

وزارت داخله اظهار شده نظمیۀ علاوه بر آن که اقدامی به عمل نیاورده مشارالیه را به دادن رضایت نامه مجبور و در صورت استنکاف تهدید کرده است اگر رضایت نامه ندهد برادرش را سارق قلم داد خواهند کرد. قدغن^(۱) فرماید در این خصوص رسیدگی کرده و نظمیۀ را از این قبیل اقدامات منع نمایند و بالاخره اقدام مؤثری برای استرداد اموال مسروقه بکنند که رفع شکایت بشود.

[امضا : احمد قوام]

[۲۹۰۰۰۱۹۰۸]

۳۳۶

وزارت جلیله داخله، ایالت کرمان و بلوچستان، نمره ۶۷۶۲، به تاریخ دهم دلو

۱۳۰۰ / ۲ جمیدی الاولی ۱۳۴۰

مقام محترم وزارت جلیله داخله

مرقومه نمره ۱۵۲۹۷/۵۲۵۸ راجع به اظهارات ارباب فریدون درخصوص سرقت حجره او واصل. در باب رضایت نامه کذب محض عرض کرده و کسی قدرت این که این قبیل اقدامات بنماید ندارد. فقط مدّعی است که این حجره از داخل سوراخ شده و از خارج نبوده لهذا مقرر داشتیم یا نظمیۀ این دعوی را مدلل بدارد یا از عهده غرامت برآید.

[امضا] ، [مهر : ایالت کرمان و بلوچستان]^(۲)

۱ - اصل : غدغن.

۲ - پس از این نامه مجدداً مکاتبات در این خصوص ادامه داشته است، نامه ای از ارباب کیخسرو به وزارت داخله به تاریخ ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۴۰ و همچنین نامه از وزارت داخله به ایالت کرمان در تاریخ ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۴۰ مبنی بر دستور رسیدگی به این موضوع و ختم غائله را دادن.

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب، ۱۳۰۰/۱۲/۱۳

[حاشیه ۲]: - سواد برای ارباب کیخسرو

[حاشیه ۳]: - سواد نوشته شد. [۲۹۰۰۰۱۹۰۸]

* * *

۳۳۷

وزارت داخله، نمره ۱۷۱۲۹، به تاریخ ۱۱ دلو [۱۳۰۰] / [۳ جمادی الاولی]

۱۳۴۰، صادره: تلگراف [به] اصفهان

جناب مستطاب اجل اکرم آقای معاضد السلطنه حکمران یزد دام اقباله

از قرار اخبار اخیر چند روز است در شهر یزد جمعی اشخاص مفسده جو نسبت به جماعت زردشتی و کلیمی تضییقات نموده، دکاکین کلیمی ها را غارت کرده اند و مشغول تدارک اغتشاش آن جا هستند این طور حرکت جناب مستطاب عالی به هیچ وجه مقتضی نیست. لازم است سریعاً به مقر حکمرانی حرکت فرموده وزارت داخله را مطلع دارید. ترتیب حقوق امنیه یزد هم داده شده است از این جهت آسوده باشید. (۱۱ دلو)

[۲۹۰۰۰۵۸۸۳]

* * *

۳۳۸

ریاست وزرا، [نمره ندارد]، مورخه ۲۶ جوزای ۱۳۰۳، سواد مراسله

ارباب کیخسرو نماینده محترم مجلس شورای ملی

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت عظمته

از قرار تلگراف واصله از یزد که جمعی پارسیان هندوستان تازه وارد آن جا، به بنده نموده اند به این عبارت (در غیبت قشون و رئیس قشون، مشغول پیاده کردن زرتشتیان

شده‌اند) بدیهی است خصوصاً در موقعی که عده [ای] از متمولین و صاحب خیران پارسی وارد یزد شوند و بعد از توجهات خاص حضرت اشرف این اوضاع را مشاهده نمایند چه سوء اثری دارد.

فقط محض استحضار خاطر مبارک بود تا هر قسم رأی مبارک مقتضی است برای امنیت آن جا و آسایش زردشتیان و جلوگیری از نظایر این وقایع امر مبارک شرف صدور یابد. ایام شوکت مستدام باد.

کیخسرو شاهرخ

سواد مطابق اصل است.

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۳۹

ریاست وزرا، نمره ۲۷۰۷، به تاریخ ۲۸ جوزای ۱۳۰۳، ضمیمه ۱

وزارت جلیله داخله

سواد مشروحه آقای ارباب کیخسرو نماینده مجلس شورای ملی راجع به اقداماتی که در یزد نسبت به زردشتیان می شود لفاً ارسال گردید. موضوع خیلی قابل توجه و دقت است. به حکومت یزد دستور بدهید به وسایل ممکنه و تدابیر عملی از این قبیل پیش آمدها جلوگیری کرده مراقبت نماید که در آتیه نظایری پیدا نکند.

[امضا] ، [مهر : ریاست وزرا]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۴۰

۳۰ جوزای ۱۳۰۳

هو

قربانت شوم، اینک شرحی که از طرف حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزرا دامت

شوکت مرقوم شده لفاً تقدیم و مستدعی بذل توجه است. استحضاراً عرض می‌شود که تمام خرابی از بی‌حالی حکومت و محض غیبت آقای رئیس قشون آن جاست. باز هم از تلگرافات عدیده مضایقه نکرده‌اند و حشت شدید زردشتیان را فرا گرفته البته از سفارشات تشکر دارم ولی اساساً هم دو موضوع سریع لازم است اولاً فکری برای حکومت کردن و ثانیاً معاودت رئیس قشون. موکول به توجهات مخصوص حضرت اجل عالی است. ایام شوکت مستدام باد.

سپاس‌دار کیخسرو شاه‌رخ

[حاشیه]: - اداره جنوب، فوراً جواب بدهد که برای تغییر حاکم اقدام مقتضی می‌شود.

[۱۳۰۲]/۴/۴

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۴۱

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۳۳۲، تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۰۳، تلگراف رمز

یزد، حکومت جلیله

اخباری در باب عدم آسایش زردشتیان می‌رسد. چنان‌که سابقاً دستور داده شده و با اطلاع از نظریه دولت موجبات آسایش زردشتیان را از هر حیث فراهم و از پاره [ای] مزاحمت نسبت به آنها جلوگیری نمایید.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۴۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از یزد به ط [تهران]، نمره ۳۷۷

تاریخ ۲۸ سرطان [۱۳۰۳ ش]

وزارت داخله، نمره ۳۳۲

اخباری که راجع به عدم آسایش زردشتیان عرض کردند جداً تکذیب می نماید و اگر به دوسیه این امر در کابینه ریاست وزرای عظام در سنه ماضیه مراجعت فرمایید که پس از ورود فدوی وضعیت زردشتیان چه بوده و چه هنگام در این خصوص برپا، مدت‌ها اوقات هیأت دولت مصروف این امر بوده و پس از ورود فدوی بدون این که زحمتی برای هیأت دولت تولید شود به طوری اسباب آسایش و رفاهیت آنها را فراهم نمود که از آن به بعد و حالیه می توانم عرض کنم که از مسلمین هم از هر حیث آزادتر هستند در تمام کوچه و بازار شهر سواره گردش می کنند و احدی شکایت ندارد. بلی آنچه اطلاع دارم بعضی اشخاص برای نفع خود محرک آنها شده اند که شکایات بی اساس بنمایند، لذا مخصوصاً مستدعی است به هر وسیله می دانید تحقیق نمایید تا صدق عرایض فدوی و کذب اظهارات آنها معلوم گردد. در خاتمه جداً اطمینان می دهد که به هیچ وجه زحمتی برای آنها نیست و کمال آسایش را از هر حیث دارند بلکه می توانم عرض کنم درجه آزادی و آسایش آنها به قدری است که دیده شده نسبت به مسلمین گاهی تعدیاتی هم می کنند. ۲۸ سرطان، نمره ۱۰۳۷

سدیدالملک

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

- [حاشیه]: کشف شود، ۴/۲۸

[۲۹۰۰۰۷۴۵۶]

۳۴۳

۱۲ اسد ۱۳۰۳

هو

مقام منیع وزارت جلیله داخله

باز تلگرافات عدیده از یزد و قراء راجع به واقعه در بارجین توسط عبدالنبی شودکی رسیده. علاوه بر آن که مالکین قریه مزبوره را سلب امنیت و خسارت شدید و غارت رسمی وارد شده و جمعی مجروح آن جا افتاده‌اند. نیز این حرکت که آن را به حمایت حکومت یزد می‌دانند موجب سلب امنیت عمومی و وحشت غریبی شده. مستدعی است به طوری که در عریضه سابق هم عرض شده امر و مقرر شود ریاست قشون یزد به این امر رسیدگی و حقاً احقاق نموده، خسارات را جبران و مرتکبین را مجازات نمایند و برای آتیه وسایل تأمین عمومی را فراهم کنند که نظایری روی ندهد زیرا کاملاً از حکومت فعلی یأس و وحشت حاصل است. ایام شوکت مستدام باد.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۴۴

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۲۵۱۷، تاریخ ۱۳ اسد ۱۳۰۳

جناب آقای ارباب کیخسرو نماینده محترم زردشتیان

در جواب مراسله شریفه زحمت می‌دهد که سدیدالملک احضار و امور حکومتی یزد موقتاً به رئیس قشون محول شده است تا حاکم جدیدی تعیین و اعزام شود.

[امضا]

[حاشیه]: - به امضای وزیر - کفیل تام صوراسرافیل

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۴۵

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۱۰۵۷، تاریخ ۴ جدی ۱۳۰۳، تلگراف

یزد، حکومت جلیله یزد

به موجب شکایت واصله زردشتیان یزد اغلب مورد مزاحمت پاره [ای] اشخاص واقع و از حیث کسب و تجارت ایمن نیستند. همچنین شکایت می کنند اقدامی که در باب رعایای بارجین شده متذکر می نماید که رجوع کار به عبدالنبی با سابقه [ای] که دارد به هیچ وجه مقتضی نبوده و ممکن بود در نقطه دیگر به او کار بدهید. کلیه نسبت به آسایش زردشتیان باید کمال مراقبت را به عمل بیاورید که آسودگی آنها از حیث کسب و تجارت و جهات دیگر تأمین شود.

[امضا: احمد قوام]

[حاشیه]: - رمز شود ۱۳۰۳/۱۰/۴

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

۳۴۶

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۱۱۶۱، تاریخ ۲۱ دلو ۱۳۰۳

یزد، حکومت جلیله

علاقه مندی دولت در آسایش و تأمین زردشتیان مکرر خاطر نشان شده. مع هذا در قضیه رعایای بارجین و در باب عبای کیخسرو تیرانداز که در وسط بازار از دوش او کشیده اند و در خصوص سرقت دکان رستم اردشیر شکایاتی می رسد. قدغن^(۱) فرمایید

احقاق حق نموده آزادی و آسایش زردشتیان را از هر حیث فراهم و این شکایات را رفع نماید.

[امضا : احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۷۷]

* * *

۳۴۷

وزارت داخله، اداره جنوب، [نمره ندارد]، تاریخ ۱۶ عقرب ۱۳۰۳، رمز شود

کرمان، ایالت جلیله

اخبار حاصله حاکی است این اوقات برخلاف سابق در کوچه و بازار متعرض زردشتی ها شده و جمعی به کاروان سرای آنها حمله کرده اند. این تضيیقات سلب امنیت از آنها کرده است. با اطلاع ایالت جلیله به وضعیات تصدیق می فرمایید که این پیش آمد تا نظری که دولت به طور کلی در تأمین ملل متنوعه دارد چه انعکاس سویی خواهد داشت. قدغن فرمایید مراقبت کامله در حفظ امنیت و آسایش زردشتیان به عمل آورده مراتب را اطلاع بدهند.^(۱) [امضا]

۱ - درباره این واقعه در یکی از دفاتر کپی مراسلات انجمن زرتشتیان کرمان می خوانیم که همسر یکی از مسلمین که سابق بر این زرتشتی بوده مفقود می شود و مسلمین که این عمل را به زرتشتیان نسبت می داده اند به اقدامات فوق الذکر دست زده اند. در بین مراسلات و مکاتبات دولتی و غیره که انجمن مذکور در ارتباط با این واقعه انجام داده نامه ای موجود است به نمره ۲۰۴۹ و به تاریخ ۲۲ صفرالمظفر ۱۳۴۳ که بخشی از آن در این جا ثبت می شود:

«بسمه تبارک و تعالی. حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب عالی ملاذالانام حجة الاسلام آية الله آقای حاج سیدعلی مجتهد متع الله المسلمین بطول بقائه؛ محترماً به عرض می رساند بر خاطر محترم عالی آشکار است که ملت ضعیف زرتشتی از ایام دیرین در پرتو مراحم و عواطف برادران عزیز اسلامی به ویژه حجج ←

[حاشیه ۱]: رمز شود، ۱۶/۸/۱۳۰۳]

[۲۹۰۰۰۷۴۶۲]

* * *

۳۴۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف از یزد به تهران]، [نمره ندارد]

تاریخ ۲ سرطان [۱۳۰۴ ش]

کمیسیون از محترمین برای اصلاح و جلوگیری از اختلافات مسلمین و زردشتیان تشکیل داده و موافق نوشته آنها یک ماه استمهال کرده‌اند تا با مرکز، طی گفتگوی خود را بنمایند. بحمدالله شهر در کمال امنیت است.

محمود شبیانی

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب، ۶/۴/۱۳۰۴]

[حاشیه ۲]: - ضبط شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۶۵]

اعلام اسلام دامت برکاتهم در مهد امن و آسایش بوده و اوامر حقه و فرامین متین دین مبین و شریعت مطهره اسلام را تمکین و به مناسبت هم‌وطنی و وحدت ملی که همه زاده این خاک پاک و پرورش یافته این مهد تابناکیم، در غم و شادی یکدیگر سهیم و منتها آمال و آرزوی این ملت قدیم آبادی ایران و آزادی و سعادت ایرانیان بوده است. باری چند یوم قبل جناب آقا میرزا حسین سلمه‌الله تعالی رببورت مفقود شدن عیال خویش را که دو سه سال قبل به کیش مقدس اسلام تشرّف جسته به انجمن سپاس‌گزار مرقوم و از طرف فدویان به عموم زرتشتیان اخطار شد که هر کجا اثری از وی دیدند خبر دهند که به فوریت تسلیم شوهر محترمشان شود و در تعقیب و تجسس مشارالیه اقدامات لازمه به عمل آمد تا این که بحمدالله عصر یوم شنبه گذشته در عرض کورچه خارج از دروازه مسجد پیدا و تسلیم عده‌ای از برادران گرام اسلامی شد که به شوهر محترمش برسانند.

۳۴۹

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف از یزد به تهران]، [نمره ندارد]

تاریخ ۷ سرطان [۱۳۰۴ ش]

راپرت یزد، ۷ سرطان

شخص زرتشتی که در راه تفت مجروح کرده بودند، زخم منکر نبوده و خطر ندارد.
مرتکب هم به توسط قزاق دستگیر و در تحت استنطاق است. بحمدالله شهر و اطراف را
امنیت و انتظام حاصل است.

محمود شیبانی

[حاشیه ۱]: - اداره جنوب، مطبوعات. ۴/۹/۱۳۰۴]

[حاشیه ۲]: - به شماره ۱۹۲۷/اقدام شد.

[۲۹۳۰۰۶۰۶۵]

* * *

۳۵۰

[نمره ندارد، تاریخ ۱۳۱۳/۶/۲۴]

گروه زرتشتیان یزد شکایت دارند، چندیست عده‌ای مفتش خانه‌های آنها را جستجو
می‌نمایند. عائله و اطفال کوچک آنها همیشه متزلزل و سلب آسایش از آنها شده است،
جریمه هم مطالبه می‌کنند.

کابینه محترم ریاست وزرا

۱۳/۶/۲۴

[حاشیه ۱]: - به عرض می‌رسد.

[حاشیه ۲]: - به وزارت مالیه نوشته شود. ۱۳/۸/۲۱

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۴}$]

۳۵۱

کابینه ریاست وزرا، نمره ۵۷۲۵، تاریخ ۱۳۱۳/۸/۲۲

وزارت جلیله مالیه

عریضه منظومه شکایت آمیز زردشتیان یزد از عملیات مفتشین مالیه به خاک پای
همایونی اعلی ارواحنا فدا، لفاً ارسال می گردد که تحقیقات فرموده هر گاه این شکایت
صحیح باشد از این قسم رفتار مفتشین جلوگیری فرمایند.

[امضا]

[امضا : نصرالله سمیعی]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۸۴}$]

* * *

۳۵۲

دفتر نخست وزیر، شماره ۱۰۴۰۵، تاریخ ۱۳۲۲/۵/۱۵

اداره کل شهربانی

تلگراف انجمن زردشتیان یزد در موضوع عملیات رئیس آگاهی آن جا به ضمیمه
فرستاده می شود دستور فرمایید در این باب رسیدگی و نسبت به عمل رئیس آگاهی
اقدام لازم به عمل آورده نتیجه را اعلام دارند.

نخست وزیر

۵/۱۵

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۴}$]

۳۵۳

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، شماره ۷۳۴۱، تاریخ ۱۳۲۲/۷/۱۰

جناب آقای نخست وزیر

عطف به مرقومه شماره (۱۰۴۰۵) راجع به شکایت انجمن زرتشتیان از رئیس آگاهی آن جا معروض می دارد: طبق گزارش شهربانی یزد روز ۲۲/۵/۷ جنازه فریدون فرزند شهربار، ۲۴ ساله، بین شهر و کوچه بیوک مشاهده چون دادستان و بازپرس در شهر نبوده اند مأمورین شهربانی جنازه را با دو نفر پزشک (حافظی و دکتر نظام) معاینه و از لحاظ این که علل خارجی نداشته است اجازه حمل جنازه را به دخمه که عادت زرتشتیان است می دهند. غروب روز مزبور بازپرس به شهر مراجعت و معاینه جنازه را ضروری دانسته و صبح روز بعد بازپرس و پزشک بهداری و مأمورین مربوطه شهربانی جنازه را ثانیاً در دخمه معاینه، که صورت جلسه تنظیم و پرونده امر نیز به دادسرای آن جا احاله شده و مطابق تشریفات مذهبی که زرتشتیان دارند، جنازه خود را دفن نکرده در دخمه می گذارند و متصدی آگاهی آن جا برخلاف مقررات اقدامی ننموده است.

کفیل شهربانی کل کشور - پاسپار ۱ سیف، [امضا]

[حاشیه ۱]: - سابقه. ۲۲/۷/۱۲

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۱۴۷۹۶، تاریخ ۲۲/۷/۱۳]

[حاشیه ۳]: - بایگانی شود.

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۴

* * *

۳۵۴

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از یزد به ط [تهران]، شماره ۱۹۱

تاریخ ۱۳۲۳/۵/۴

ساحت مقدس مجلس شورای ملی، رونوشت نخست وزیر، رونوشت وزارت کشور،

رونوشت وزارت دادگستری، رونوشت دادسرای کل مملکتی، رونوشت تشکیلات شهربانی، رونوشت جریده امید، رونوشت جریده اطلاعات، رونوشت جریده کوشش.

متجاوز از یک سال است منزل زرتشتیان یزد را پی در پی سرقت می‌کنند، مراتب به شهربانی گزارش [شده]، رسیدگی مؤثر نمی‌شود. حتی در شب ۲۸ تیر ۲۳، در منزل رشید حکم سرقت واقع، دزد در موقع سرقت شناخته شده، به شهربانی گزارش [شد] دزد دستگیر، ولی اقدام برای دستگیری همدستانش و کشف اموال تاکنون نشده، ما امضا کنندگان زیر که همه شریک مال سرقت شده و اموالمان مسترد نشده، عاجزانه استدعا داریم امر اکید صادر، به گزارشات ما رسیدگی، مخصوصاً فقره اخیر تعقیب و اموال مسروقه به صاحبانش مسترد شود.

کتایون عدالت - شیرین رستم (روانتان؟) - شهریار و خشور -

رستم خدایاری - جهانیان - شیرین خسرومروزیان

[مهر : (اداره تلگراف ایران؟)]

[حاشیه]: - آقای صدیقی به شهربانی کل کشور بنویسید.

[$\frac{۱۲۵۰۳}{۱۹۵}$]

۳۵۵

دفتر نخست وزیر، شماره ۹۱۱۵، تاریخ ۱۶/۵/۲۳ [۱۳]

اداره کل شهربانی

رونوشت تلگراف مورخ ۲۳/۵/۴ از یزد به امضای کتایون عدالت و چند نفر دیگر راجع به سرقت شدن اموال خود مستقیماً به آن اداره فرستاده شده، امر فرماید نسبت به این شکایات رسیدگی و اقدام لازم در دستگیری سارقین و استرداد اموال مسروقه به عمل آورده نتیجه را اطلاع دهید.

نخست وزیر

[حاشیه ۱]: - [امضا] ۲۳/۵/۱۶

[حاشیه ۲]: - صدیقی. ۲۳/۵/۱۶

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۵}$]

۳۵۶

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، اداره آگاهی، شماره ۱۲۴۱۷/۴۲۷۰۵

تاریخ ۲۳/۸/۱۶ [۱۳]

جناب آقای نخست وزیر

عطف به مرقومه شماره ۹۱۱۵ - ۲۳/۵/۲۵، معروض می گردد مطابق گزارش شهربانی یزد سارق منزل شیرین و رستم نامان که احمد دهقان بوده در شهرستان یزد دستگیر و پرونده به دادسرای محل تسلیم و چون سارق اموال کتایون در آباده بوده به شهربانی آباده دستور لازم داده شده است. پس از حصول نتیجه به عرض خواهد رسید.

رئیس شهربانی کل کشور - سرپاس سیف

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۱۴۶۳۰، تاریخ ۲۳/۸/۱۸]

[حاشیه ۲]: - فعلاً بایگانی شود.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۵}$]

* * *

۳۵۷

وزارت کشور، اداره دفتر وزارتی، شماره ۳۱۷۶۳، به تاریخ ۱۳۲۳/۵/۲۲

اداره شهربانی کل کشور

به طوری که از بم شکایت شده است، چند نفر متعرض زرتشتیها که مشغول کسب و

داد و ستد هستند شده‌اند. لازم است فوراً به شهربانی بم دستور بدهید که هرگونه اقدامی را که برای تأمین امنیت و آسایش اهالی و جلوگیری از سوء نیت مختل‌کنندگان آرامش باشد بلا تأخیر به عمل آورد و چنانچه برای تأمین این مقصود احتیاج به استعانت از قوای ژاندارم باشد، فوراً از قوای مزبور استفاده کنند. به اداره کل ژاندارمری دستور داده شده است که در این باب همه گونه مساعدت به عمل آورد. ضمناً از نتیجه اقدامات خود وزارت کشور را مستحضر نمایید.

وزیر کشور، [امضا]

[حاشیه]: - رونوشت شرح فوق برای اطلاع و اقدام به ژاندارمری کل کشور فرستاده می‌شود که دستور لازم تلگرافی به ژاندارمری بم در زمینه تشریک مساعی با شهربانی صادر و نتیجه را به وزارت کشور اطلاع دهند.

وزیر کشور [امضا]، [مهر: ۱۳۲۳/۵/۲۵]

[۲۹۳۰۰۶۰۶۰]

۳۵۸

وزارت کشور، شماره ۳۸۹، تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۲۳

فرمانداری

شکایت واصله از بم حاکی است که چند نفر متعرض افراد زرتشتی شده‌اند. به شهربانی و ژاندارمری دستور لازم صادر گردید، البته بایستی برای تأمین امنیت و آسایش اهالی و جلوگیری از سوء نیت مختل‌کنندگان آرامش فوراً اقدام و از قوای پلیس و ژاندارمری استفاده نمایند. نتیجه را هم اطلاع دهید.

وزیر کشور

[۲۹۳۰۰۶۰۶۰]

۳۵۹

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از بیم به ط [تهران]، شماره ۳۴

تاریخ ۱۳۲۳/۶/۸

وزارت کشور، ۳۸۹

جریان آن طوری که به عرض رسانیده‌اند نیست. شهربانی تعقیب، پس از تکمیل پرونده به دادگاه برای کیفر فرستاده می‌شود. ۶۱.

نوائی

[حاشیه ۱]: - اداره انتظامات ۲۳/۶/۹

[حاشیه ۲]: - با پیشینه به عرض برسد. ۲۳/۶/۱۴

[حاشیه ۳]: - از آقای مدیرکل کلانتری پرسیده شود شکایت از چه موضوع بوده است تا اگر لازم است پاسخ داده شود. ۱۳۲۳/۶/۱۵ [

[حاشیه ۴]: - چون سوابق موضوع در اداره سیاسی است، عیناً با سوابق به آن اداره فرستاده می‌شود.

[حاشیه ۵]: - [مهر: وزارت کشور، اداره سیاسی، شماره ۴۲۴۶، تاریخ ۱۳۲۳/۸/۱۹]

[حاشیه ۶]: - با سابقه به عرض رسید، اقدامی به نظر نمی‌رسد.

[حاشیه ۷]: - بایگانی شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۶۰]

* * *

۳۶۰

انجمن زرتشتیان تهران، [نمره ندارد]، مورخه ۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۵

پیشگاه جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر معظم و محبوب ایران

محترماً به شرف عرض عالی می‌رساند به موجب نامه‌های رسیده از طرف زرتشتیان

کرمان در اثر کشف جنازه نایب اکبر خلیل کارمند دایره مالیات بر درآمد کرمان پاره‌ای عناصر ماجراجو و متعصب و مغرض که همواره منتظر فرصت بوده و همین که کوچکترین وسیله‌ای به دست آورند موضوع مذهبی را برای تحریک عوام دست‌آویز و موجبات اختلال و بی‌نظمی و شورش را فراهم نمایند. در این مورد نیز نظر به سابقهٔ اداری و همکاری که نایب اکبر خلیل فقید با دو نفر زرتشتی به نام هرمزد موبد شاهی^(۱) و افلاطون کوچکی^(۲)، کارمندان دایره مالیات بر درآمد کرمان داشتند و ضمناً موضوع اختلاسی هم در بین بوده، موقع را مغتنم شمرده دو نفر زرتشتی نام‌برده را متهم به قتل و با انتشارات و شایعات غیرواقع از قبیل قتل و احتکار خواروبار و غیره با صدور اعلامیه از ناحیه (جامعه متدینین)، اهالی کرمان را نسبت به زرتشتیان کرمان عصبانی و خشمناک نموده، به طوری که با حسن مراقبت و جدیت شهربانی کرمان که مورد تمجید و تقدیر است باز در اثر تحریکات مغرضانه و متعصبانه ماجراجویان روز به روز دایرهٔ تظاهرات شایعات غیرواقع رو به توسعه و افراد زرتشتیان را در کوچه و خیابان مورد تهدید و ضرب و شتم و لعن قرار داده و به کلی آسایش را از زرتشتیان کرمان سلب و روز و شب را با وحشت و هراس به سر برده و هر آن جان و مال خود را در معرض قتل و غارت می‌بینند و در این حال پریشانی و نگرانی تنها چشم امید آنها از راه دور به جناب اشرف که یگانه حافظ و حامی ایرانیان هستید، دوخته شده و با نهایت استرحام استدعای تأمین جانی و رسیدگی جدی و بی‌غرضانه نسبت به کشف حقیقت قضیه را دارند.

هر چند دو نفر زرتشتی نام‌برده بازداشت و خانوادهٔ آنها به وسیلهٔ بازپرس و دادستانی تحت بازپرسی هستند^(۳) ولی نظر به این که تظاهرات و تعصبات و تحریکات

۱ - هرمزد فرزند کیخسرو مشهور به موبد شاهی.

۲ - بهرام فرزند آذرباد، شهرت کوچکی که به افلاطون کوچکی معروف بوده است.

۳ - در تلگرافی به‌نمرهٔ ۱۷۱ و تاریخ ۱۳۲۵/۷/۱۵ انجمن کرمان به انجمن تهران نوشته‌است: «عیال موبد شاهی»

مغرضین شدیداً ادامه دارد از پیشگاه جناب اشرف استدعا داریم به منظور این که بازپرسان مرعوب تظاهرات نشوند امر و مقرر فرمایند موضوع بی‌غرضانه و دقیقانه رسیدگی و مأمور مخصوص بی‌غرض مأمور شوند که حقیقت قضیه کشف و مرتکب حقیقی به کیفر اعمال سیئه خود برسد.

دو سال قبل نیز قضیه قتل مرحوم دیلمقانی یکی از بازرگانان معروف کرمان را به زرتشتیان نسبت دادند و تظاهرات و جار و جنجال نظیر این قضیه در کرمان راه انداختند و چند نفر زرتشتی را هم متهم و بازداشت نمودند ولی پس از این که هیأت بازرسی از تهران مأمور بررسی و رسیدگی گردید قاتل [را] که غیرزرتشتی بود دستگیر کردند.

با عرض مراتب معروضه از پیشگاه جناب اشرف استدعا دارد امر و مقرر فرمایند وزارت کشور به استان‌داری و شهربانی کرمان دستورات لازمه از تأمین جان و مال و آسایش زرتشتیان کرمان صادر و وزارت دادگستری نیز به دادگستری کرمان تأکید نمایند که بی‌غرضانه و بی‌طرفانه حقیقت قضیه را کشف و مأمور مخصوص بی‌طرف به کرمان اعزام فرمایند.

با عرض سپاسگزاری همواره فیروزمندی و پابندگی وجود مقدس جناب اشرف را که تنها امید و پشت و پناه ایرانیان مخصوصاً زرتشتیان هستند از خداوند متعال مسألت داریم.

با تقدیم احترامات فائقه، انجمن زرتشتیان تهران

[امضا: رستم بن شاپورگیو]

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۸

← با دو طفل ۲۴ روز است بی‌گناه زندانی، فقط در این مدت دو جلسه بازپرسی نموده‌اند» (یکی از دفاتر مراسلات انجمن زرتشتیان کرمان، ص ۳۴۸).

۳۶۱

[پشت پاکت نامه]

[فرستنده :] انجمن زرتشتیان تهران، [گیرنده :] تهران

پیشگاه جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر معظم و محبوب ایران

[حاشیه] : - فوری آقای نیک پی ملاحظه نموده تلگراف فوری به استانداری صادر نمایید، کاملاً مراقب باشند خلاف انتظاری رخ ندهد و نسبت به انجمن و افراد زرتشتی کمال حفظ و حراست را به عمل آورند، نتیجه را گزارش دهند.

[امضا : احمد قوام] ۲۵/۶/۳۰

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۸

۳۶۲

انجمن زرتشتیان کرمان، شماره ۱۶۵، ساله : ۳۱ شهریور ۱۳۲۵

آستان محترم جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران

به شرف عرض انور عالی می‌رساند مراتب کفایت و درایت و عظمت زمام‌داری جناب اشرف به جماعت قلیل زرتشتیان کرمان جسارت می‌دهد که با کمال امیدواری به تقدیم این عریضه مبادرت ورزیده و بذل عطوفت و توجه جناب اشرف را خواستار آیند. اخیراً در کرمان مواردی پیش آمده است که عده معدودی از ساکنین این نقطه عمداً اتهاماتی به جماعت زرتشتیان کرمان وارد آورده و مقصود اصلی این است بغض و کینه برادران همشهری را برای پرده‌پوشی عملیات خویش علیه^(۱) این جماعت تحریک نمایند

در صورتی که جماعت زرتشتیان کرمان در ردیف سایر همکیشان خویش همواره مفتخر بوده‌اند که با همه لطمات و صدمات تاریخی، در تحت پرچم ایرانی‌گری زیسته و آب و خاک نیاکان را توتیای دیده امیدوار خویش ساخته‌اند. از موارد اتفاقی اخیر یکی هنگام قتل مرحوم احمد دیلمقانی که جماعت زرتشتیان را متهم به این جنایت دانسته و در همان روز هم با وجود مراقبت شهربانی شماره‌ای از افراد زن و مرد این جماعت در کوچه و پس‌کوچه دچار ضرب و شتم واقع گردیدند. و بعداً هم به طور کلی براءت این جماعت حاصل گردید.

قریب پانزده روز قبل در اداره درآمد دارایی اختلاسی کشف می‌شود که چند نفری از کارمندان من جمله یک نفر زرتشتی به نام موبد شاهی متهم به این عمل می‌گردند که موضوع، جریان عادی و قانونی خود را طی می‌نموده است. چند روز بعد یک نفر از کارمندان دارایی به نام اکبر خلیل که مشارالیه هم گویا متهم به اختلاس بوده است در دامنه یکی از کوههای کرمان مرده مکشوف می‌گردد که افواهاً منتشر گردید خودش را مسموم نموده است و بعداً انتشار یافت که مقتول گردیده و موبد شاهی نام‌برده بالا را با دو سه نفر دیگر متهم به این عمل دانسته و گذشته از جلب و توقیف موبد شاهی، مادر و خواهر و برادر او را که هر دو کمتر از دوازده سال دارند توقیف نموده‌اند و در ضمن همان عده معدود بلافاصله در حینی که هنوز تحقیقات بدوی به هیچ وجه آغاز نگردیده شروع به تحریک نموده و بیانه‌هایی صادر و روزنامه‌ها هم انتشاراتی درج نموده‌اند که نسخه‌هایی از آنها جوفاً از لحاظ مبارک می‌گذرد. طبیعی است که مأمورین رسیدگی نیز تحت تأثیر این اشخاص واقع شده و حقیقت به طوری که مطابق آیین دادرسی و وجدانی و عدالت می‌باشد انجام نگرفته و فعلاً در اثر این نشریه‌ها عوام‌الناس که همه وقت آلت دست اشخاص مرموز هستند، تحریک گردیده و مقدمه فحش و ناسزا و آزار بدنی به افراد زردشتی از کوچک و بزرگ در کوچه و بازار شروع و چون دستهای مرموز در کار

است بیم آن می‌رود که تولید فتنه و آشوب بنمایند.

بدیهی است که بزرگترین سند لیاقت و رشد اجتماعی هر قوم و ملت آن است که همه افراد و ساکنین یک آب و خاک در برابر قانون و عدالت یک سان بوده و بر فرض ارتکاب جرم از طرف یک فرد مطابق قانون دادرسی و کیفر به عمل آمده و دیگران کاملاً مبرا و در امان باشند. نظر به این که جناب اشرف نخست وزیر در مدت زمامداری خویش با بذل خدمات گران‌بهایی به این آب و خاک، نام جاویدی در تاریخ این کشور به یادگار گذارده، این انجمن به نام جماعت قلیل زرتشتیان با توسل و التجا به آستان جناب اشرف عاجزانه درخواست می‌نماییم که برای رسیدگی به این قضیه و قضایای دیگر مربوط به جماعت زرتشتیان کرمان بازرس ویژه اعزام گردد، تا در سایه توجهات مقام محترم نخست وزیری آبرو و جان و مال افراد این جماعت که با این قبیل جریانات دچار خطر و زوال واقع گردیده محفوظ مانده و تا ابد دعاگوی ذات مقدس جناب اشرف باشیم. در پایان دوام و بقای زمامداری و عظمت و سعادت جناب اشرف را خواستاریم.

[مهر : انجمن زرتشتیان کرمان]

[امضا : نایب رئیس رستم سهرابی]

[حاشیه] : [مهر : ورد به دفتر ریاست وزرا، شماره ۲۸۸۳۵، به تاریخ ۲۵/۷/۷]

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۸

۳۶۳

دفتر نخست وزیر، شماره ۲۸۸۳۵، تاریخ ۲۵/۷/۱ [۱۳]، تلگراف

استانداری استان هشتم - کرمان

موضوع قتل اکبر خلیل در آن جا که موید شاهی زرتشتی مورد اتهام است، گویا

موجب تحریکاتی علیه جماعت زرتشتیان شده و اشخاصی اذهان مردم را مشوّب و تعرّضاتی نسبت به آنها شروع نموده‌اند. لازم است کاملاً مراقبت نمایند خلاف انتظاری رخ ندهد و نسبت به انجمن و افراد زرتشتی کمال حفظ و حراست را به عمل آورند و نتیجه را گزارش دهند.

[حاشیه ۱: - با امضای مبارک صادر شد. ۲۵/۷/۷] امضا

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۸

۳۶۴

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از کرمان به ط [تهران]، شماره ۱۰۲۵

تاریخ ۱۳۲۵/۷/۱۴

جناب اشرف آقای نخست وزیر

۲۸۸۳۵، برای حفظ انتظامات، نهایت مراقبت شده و می‌شود. / ۴۷۱۴.

عدل اسفندیاری

[حاشیه ۱: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره: ۲۹۷۹۱، تاریخ ۲۵/۷/۱۵]

[حاشیه ۲: - بایگانی شود.

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۸

۳۶۵

وزارت دادگستری، اداره حقوقی، شماره ۹۷۰۵/ح ۳۹۴۷۲/

به تاریخ ۱۳۲۵/۱۱/۲۳

جناب اشرف آقای نخست وزیر

راجع به دستوری که در موضوع شکایت انجمن زرتشتیان تهران درخصوص اتهام

هرمزد موبدشاهی فرموده‌اید، نظر به این که طبق گزارش رئیس دادگستری کرمان تحقیقات مقدماتی از متهم تا حال خاتمه نیافته، به مشارالیه دستور داده شد که پس از ختم تحقیقات مراتب را گزارش نماید تا نسبت به دستور جناب اشرف اقدام به عمل آید.^(۱)

وزیر دادگستری، [امضا: موسوی زاده]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر نخست وزیر، شماره: ۴۳۸۸۰، تاریخ ۲۲/۱۱/۲۵]

[حاشیه ۲]: - آقای فخرایی زودتر تعقیب و نتیجه را اعلام دارید.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۲۰۱-۵}$]

* * *

۳۶۶

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از بم به ط [تهران]، شماره ۲۵

تاریخ ۱۱/۴/۱۳۲۵

جناب اشرف آقای نخست وزیر، رونوشت وزارت کشور، رونوشت آقای ارباب رستم‌گیو رئیس انجمن زرتشتیان

موسی ناصری که از متنفذین مالکین طایفه بهزادی بم می‌باشد روز دوم بهمن درب

۱ - در دفتری که مراسلات انجمن کرمان درباره این موضوع ثبت شده است آمده که دادستان کرمان کیفر حبس ابد را برای هرمزد موبدشاهی خواسته است، در تهران اقدام می‌کنند تا آقای سروش زارع - وکیل زرتشتی - را به عنوان وکیل مدافع او انتخاب نمایند اما انجمن کرمان پیشنهاد می‌کند که اگر وکیل مسلمان باشد بهتر است و بالاخره ارباب رستم گیو طی ملاقاتی با قوام السلطنه قرار را بر این می‌گذارند تا پرونده به تهران فرستاده شود (همان جا، ص ۳۵۸ - ۳۶۶). در دفاتر کبیّه مراسلات انجمن کرمان دیگر مطلبی به دست نیامد و نگارنده بالمشافهه از یکی از زرتشتیان کرمان شنید که هرمزد موبدشاهی پس از مدت کوتاهی تبرئه شد و با خانواده‌اش از کرمان مهاجرت کرد.

اداره ثبت اسناد بم، اقوام و آدمهایش را وادار [کرده] کریم داد هرزدی،^(۱) مباشر املاک سروشیان را محکم زده و توهین و بی احترامی به مذهب با حضور جماعتی نموده و سیله اداره محترم شهربانی تعقیب [شده]، چون شهر کوچک و عده زردشتیان در اقلیت، ممکن است سایر متنفذین یا اوباش ها از ایشان تأسی، به سکونت و کسب و اعتبار این جماعت سخته و دچار زحمت شود. زردشتیان خیال تحصن و استعدادی دادرسی [دارند]، آقای فرماندار جلوگیری [می نماید]. مراتب عرض [شد] عاجزانه استعدادا [داریم] امر فرمایید از حرکات ناشایسته ایشان جلوگیری [شود] که آسایش این جماعت تأمین باشد.

انجمن زردشتیان بم

[حاشیه ۱]: - [مهر: اداره تلگراف طهران]

[حاشیه ۲]: - به فرمانداری بم تلگراف شود رسیدگی و رفع شکایت نماید. ۱۱/۶

[حاشیه ۳]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره: ۳۹۵۸۹، تاریخ ۲۵/۱۱/۷]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۹}$]

۳۶۷

شماره ۳۶۲۵، [تاریخ] ۱۳/۱۱/۱۳، رونوشت نامه شهربانی

که به شماره ۲۲۸۳ ثبت شده

بعدالعنوان، پاسخ مرقومه شماره $\frac{۲۲۴۲}{۲۵/۱۱/۱۰}$ کریم داد هرزدی به این شهربانی آمده

۱ - ارباب کریم داد هرزدی که به عنوان فامیلی «طهمورثی» شناخته شده، از بازرگانان خوش نام کرمانی بود که سالها در بم زندگی کرد. مشارالیه به بخشندگی و اعانت به فقرا معروف بوده و برخی آثار خیریه او در انجمن زرتشتیان کرمان باقی و ثبت است.

شکایت نموده که به تحریک موسی ناصری گماشتگان او مراکتک‌کاری نمودند. گواهی‌نامه اخذ، بلادرنگ متهمین را جلب، پرونده تنظیم و ذیل شماره ۳۵۶۱ به دادگاه بخش بم ارسال گردیده است.

رئیس شهربانی شهرستان بم، رسدبان یکم انصاری

امضا: انصاری

رونوشت برابر اصل است. [امضا]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۹}$]

۳۶۸

وزارت کشور، فرمانداری شهرستان بم، شماره ۲۳۴۸، تاریخ ۲۳/۱۱/۲۵ [۱۳]

ریاست دفتر نخست وزیری

محترماً، بازگشت به مرقومه تلگرافی مورخه ۲۵/۱۱/۱۲، موضوع شکایت انجمن زرتشتیان، بم، به عرض عالی می‌رساند انجمن نام‌برده در تاریخ ۲۵/۱۱/۳ به این فرمانداری نیز دادخواست نموده که به اداره شهربانی برای تعقیب متهمین مراجعه، نامه شماره $\frac{۳۶۲۵}{۲۵/۱۱/۱۳}$ شهربانی که رونوشت در پیوست تقدیم می‌شود حاکی است پرونده مربوطه به دادگاه فرستاده شده است.

فرماندار شهرستان بم [امضا: محسن‌زاده]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر نخست وزیر، شماره ۴۵۲۰۰، تاریخ: ۱۳۲۵/۱۲/۵]

[حاشیه ۲]: - آقای فخرایی. ۲۵/۱۲/۶

[حاشیه ۳]: - بایگانی شود، ۲۵/۱۲/۷

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۹}$]

۳۶۹

وزارت جنگ، دایرة رکن ۲، شعبه ۲، شماره ۱۰۲۵/۱۲۲۴/۲ر

تاریخ ۱۳۲۸/۲/۸، مستقیم

جناب آقای نخست وزیر

محترماً معروض می دارد نظر به وجود تشنجاتی که در شهرستان یزد مشاهده می شد و گزارشات و اطلاعات واصله نیز مؤید وضعیت نامطلوب و متشنج آن جا بود دستور رسیدگی کامل و بررسی در اوضاع عمومی آن شهرستان به فرمانده لشکر ۹ اصفهان محول و اینک خلاصه اطلاعات حاصله از گزارش فرمانده لشکر اصفهان به پیوست تقدیم می گردد متمنی است مقرر فرمایید مستدعیات فرمانده لشکر، مورد توجه مخصوص واقع و نتیجه دستورات صادره را به وزارت جنگ ابلاغ دارند.

وزیر جنگ

[امضا]

[حاشیه]: - در موقع حرکت لطف فرمودند در قسمتهایی از این گزارش اقدام شد و موضوع منتفی شده است. در قسمت ۱ و ۷ به راه آهن و سازمان برنامه نوشته شود. ۷/۲۵

[۱۲۵۰۰۳]
۲۰۰

۳۷۰

[رونوشت گزارش فرمانده لشکر اصفهان به وزارت جنگ]

محترماً معروض می دارد متجاوز از بیست سال است که در یزد دودستگی کامل حکم فرماست (یک دسته طرف داران آقای دکتر طاهری به نام مرتجعین، دسته دیگر مخالفین ایشان به نام آزادی خواه) و طرفیت های محلی در تمام شئون اجتماعی و اداری

نیز دخالت تامّه دارد و شاید پیدایش حزب توده در یزد نتیجه همین دسته‌بندی‌ها بوده که هر کدام از طرفین خواسته‌اند از وجود نیروی ثالثی هم علیه یک‌دیگر استفاده نمایند والا موردی برای تشکیل حزب توده در یزد به نظر نمی‌رسید. ریشه اصلی اختلافات، مبارزه انتخاباتی است که از سالها پیش پیدا شده و از چندین ماه قبل به شدت خود افزوده و چند ماه بعد از خاتمه عمل، در ظاهر تقلیل پیدا می‌نماید بدین جهت طرفین در مورد فرد فرد کارمندان دولت دارای نظریات خاصی بوده و شبانه روز در تلاشند که آنها را به وسایل ممکنه به طرف خود جلب نمایند و از هر پیش‌آمد و حادثه آنّا در صدد استفاده برمی‌آیند. تعصبات شدید مذهبی فرق مختلفه یکی از علل اختلافات [و] پاره از مأمورین مثل آقای لسان سپهر فرماندار یزد که مترصدند، از اختلافات محلی به نفع خویش حداکثر استفاده را می‌نمایند بیشتر به اختلافات دامن می‌زنند.

اهالی یزد در مورد مذهب فوق‌العاده متعصب و حتی اشخاص تحصیل کرده یزد برای جلب توجه عمومی به تظاهرات مذهبی حتی خرافات معتقد می‌باشند. آقای خالصی زاده^(۱) در بدو امر با چند اقدام نیک از قبیل اصلاح کار اوقاف و غیره توجه عمومی را جلب سپس از لحاظ نظریات سیاسی شروع به تلقینات مسموم کننده در افکار عمومی نمود و اگر از یزد تبعید نمی‌شد، یک انقلاب خونین مذهبی فراهم می‌گردید. آقای لسان سپهر برای استفاده مادی خویش نام برده را تقویت و بعد از اجرای منویات خود آشوب بیشتر^(۲) را خطرناک تشخیص داده، خود را کنار می‌کشید و از این رو اختلافات و تظاهرات مذهبی شدت یافته و به خصوص زردشتیان را که تاکنون در هیچ ماجرای دخالت نداشته‌اند به کلی رنجانیده‌اند. مثلاً اعلام کرده‌اند که شیخی - زرتشتی

۱ - ر.ک : سند شماره ۲۴۲ تا ۲۵۲.

۲ - اصل : بیشتری.

و بهایی را به حمامها راه ندهند و کسبه چیزی به آنها نفروشد در صورتی که بیشتر عمران و آبادی مرهون علاقه زرتشتیهاست، مخصوصاً مؤسسات مارکار که یکی از بزرگترین سرمایه‌داران زرتشتی مهم هندوستان است، بناهای مهمی از قبیل دبستانها - دبیرستانها - دانش‌سراها و بیمارستانها - پرورشگاه شبانه‌روزی یتیمان - ساختمان برج و نصب ساعت و غیره تمام از آثار نیک زرتشتیان یزد است. حتی در قسمت آبیاری و حفر چاه از دو سال پیش قریب سی حلقه چاه حفر نموده و کمک مؤثری به عمران و آبادی یزد نموده‌اند. با این وصف مردم را اغفال و وادار به اهانت زرتشتیان می‌نمایند. لذا عموم زرتشتیان از اقدامات خالصی‌زاده متأثر بودند و از عدم علاقه فرماندار شاکی بودند.

این جانب توجهات شاهانه و علاقه تیمسار ریاست ستاد ارتش را به آنان گوشزد و برای تشویق و دلگرمی آنها مؤسساتشان را بازدید و به مراجع ملوکانه و پشتیبانی ارتش امیدوارشان ساختم. زرتشتیان استدعا دارند در مجلس مؤسسان ستادی حقوقی برای زرتشتیان قائل و ماده ۵۸ [متّم] قانون اساسی را اصلاح نمایند^(۱) و اظهار می‌نمودند که برای زرتشتیها حق وکالت در دادگستری قائل نشده‌اند - پس از رسیدن به رتبه‌های ۷ و ۸ ترفیع ندارند - و چون خود را و مذهبشان را ایرانی می‌دانند محرومیت‌های بالا را یک نوع اهانت ملی می‌دانند. البته لشکر و فرمانداری نظامی نمی‌توانست هیچ‌گونه قولی بدهد.

لشکر در خاتمه برای رفع اختلاف و دسته‌بندی‌های موجوده ۸ موضوع پیشنهاد نموده است:

۱ - در این موقع که راه آهن به کاشان متصل می‌شود اقدام گردد که هر چه سریعتر تا یزد ادامه یابد چه در غیر آن مخارج انجام شده و مؤسسات حاضره به هدر خواهد رفت.

- ۲- آقای لسان سپهر شخصی است فوق العاده مادی و ضعیف و باید سریعاً تعویض شود.
- ۳- رئیس پست و تلگراف که در جعل تلگرافات مجلس مؤسسان با فرماندار تشریک مساعی کرده تعویض شود.
- ۴- از نقطه نظر اهمیتی که یزد دارد یک گردان پادگان دائم در آن جا برقرار شود. اهالی برای ساختمان‌های نظامی کمک و اقدام خواهند کرد و به دست آنها ساخته خواهد شد.
- ۵- کاندیدهای انتخاباتی یزد که باعث اختلافات محلی هستند به نحو مقتضی و در صورت مصلحت مؤتلف شوند.
- ۶- تا خاتمه انتخابات مجلس فرماندار نظامی باقی باشد.
- ۷- معادن انارک و حدود یزد که منبع عایدی سرشار هستند استخراج شود.
- ۸- فرماندار آقای لسان سپهر چنین شایع نموده که با ستاد ارتش و مقامات عالی مکاتبه و رابطه دارد و فرماندار نظامی تحت تبعیت اوست و گزارشات برخلاف حقیقی از او داده در صورتی که این موضوع صحت ندارد.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۲۰۰}$]

* * *

۳۷۱

دفتر پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از کرمان [به تهران]، شماره ۹۹۲

تاریخ ۱۳/۹/۱۳۳۱

جناب آقای سپهبد زاهدی

استدعا است دقیقاً توجه فرمایید چه قدرتی درب کاروان سرا و حجرات اقلیت زرتشتی را امروز در کرمان بسته است و آنان را از ادامه کسب باز داشته، اقدامی فرمایید تا برای همیشه این اقلیت ایرانی با نهایت آزادی بدون بیم و هراس در همه اوقات قادر به ادامه کسب باشد و جرأت آن را داشته باشد که هر مقام و قدرتی یا شخص از ادامه کسب

او جلوگیری کرد ابراز کند. فعلاً این جرأت و شهامت را ندارند، کاملاً مرعوب شدند.

مهربان عجمی پور^(۱)

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر نخست وزیر، تاریخ ۳۳/۹/۱۸، شماره ۲۱۷۱۰]

[حاشیه ۲]: - [وزارت کشور، ۳۳/۹/۲۰]

[حاشیه ۳]: - [مهر: ثبت کل وزارت کشور، شماره ۷۵۹۰۷، تاریخ ۳۳/۹/۲۱]

[حاشیه ۴]: - [بازرسی]

[۲۹۳۰۰۶۰۴۶]

۳۷۲

وزارت کشور، [نمره] ۴۳۷۳/ب/۷۵۹۰۷، [تاریخ] ۳۳/۹/۲۲ [۱۳]

کرمان - استانداری

آقای مهربان عجمی پور تلگرافی شکایت می کند کاروان سرا و حجرات اقلیت زرتشتی را بسته اند. مقرر فرمایید چگونگی و نتیجه اقدام را در رفع شکایت اعلام دارند.

وزیر کشور [امضا] ، رئیس اداره کل بازرسی [امضا]

[۲۹۳۰۰۶۰۴۶]

فصل نهم

تجار، تجارتخانه‌ها و مسائل مالیاتی

در کتب تاریخی و مجلات زرتشتی، به جز چند مقاله کوتاه درباره اوضاع اقتصادی زرتشتیان معاصر ایران، مطلبی قابل توجه نگاشته نشده است. به همین سیاق نویسندگان زرتشتی هیچ مطلب مدون و قابل استفاده‌ای درباره نحوه رشد تجارت و تجارتخانه‌های زرتشتی به رشته تحریر درنیاورده‌اند. اکثر زرتشتیان امروز، حتی نمی‌دانند در تهران تجارتخانه‌ای به نام «یگانگی» فعالیت داشته در حالی که این تجارتخانه متعلق به تجار معروف زرتشتی بوده است. تنها درباره دو تجارتخانه «جمشیدیان»^(۱) (متعلق به ارباب جمشید بهمن) و «جهانیان»^(۲) (متعلق به برادران جهانیان: پرویز، رستم، گودرز، خسرو و بهرام) به تفصیل مطالبی توسط مورخین یا نویسندگان زرتشتی و غیرزرتشتی نوشته شده و این دو تجارتخانه نیز از آن جهت مورد توجه قرار گرفته‌اند که علاوه بر امر تجارت با مسائل سیاسی، اجتماعی و دولتی نیز پیوند داشته‌اند. درباره تجار زرتشتی یا امور تجاری که زرتشتیان بدان اشتغال داشته‌اند، می‌توان از خلال نوشته‌ها و مقالات تاریخی به صورت پراکنده، مطالبی به دست آورد که نگارنده در تدوین مقدمه این فصل و یا پانوشت اسناد از آنها بهره برده است.

بنابراین می‌توان گفت این فصل از کتاب به نوعی اولین قدم در گردآوری و تدوین اسناد تجارتخانه‌های زرتشتی است که امید است دست مایه مورخین آتی قرار گیرد و

۱- ر.ک: فصل ارباب جمشید.

۲- ر.ک: سند شماره ۳۷۸.

ایشان با جمع‌آوری اطلاعات و یا مدارک منتشر نشده به تکمیل این وجیزه ناقص، موفق گردند.

در نامه‌ای که در سال ۱۲۸۷ ه. ق. زرتشتیان تهران به «انجمن اکابر پارسیان هند» نگاشته‌اند،^(۱) می‌خوانیم: «سابق بر این که دول^(۲) خارجه در مملکت ایران پانداشتند و کشتی‌های دول خارچ در بندرهای^(۳) ایران نمی‌آمدند آن زمان این اخلاص کیشان بعضی «شال بافی» و بعضی «کچ بافی» و «پيله وری» و «دکان داری» و یک پاره‌ای «برزگری» و «بنایی» و برخی «قاصدی» و «چارواداری» می‌نمودیم و با عیال و اطفال خود هر نوعی بود گذران می‌کردیم. از ایام سلطنت مرحوم فتحعلی شاه طاب‌ثراه دول خارجه که پا وا نمودند، از مملکت فرنگستان قماش و اجناس بی‌شمار شروع به آمدن ایران شد و راه بندرها باز شده آمد و شد مردمان آسان گشت. بدین واسطه کار شال باف و کچ باف بالمره برافتاد و کاسبی پيله وری و دکان داری چنان کسر کرد که کسانی که سابق چهار شاهی اندوخته و مایه تجارت کرده بودند، روز به روز کاسته، یک پاره‌ای ورشکست شدند و بعضی کلاه کلاه کرده عزت خود را نگاه داشتند و به جهت کم شدن برف و باران برکت زمین و آسمان چنان برداشته شد که صاحب ملک نیز از عهده مالیات دیوانی برنیامده ملک را واگذار نموده، خودشان فرار کردند و کسانی که شتر و گاو و خر جهت باربرداری داشتند و چارواداری می‌نمودند، مال آنها هم از بودن کم آبی و گرانی....^(۴) ببردند و

۱ - گراور این نامه در صفحات ۲۷۴ و ۲۷۵ «تاریخ پهلوی و زرتشتیان» آمده است. مطالب این نامه بسیار مهم و جالب است و گرچه نویسندگان زرتشتی به مفاد آن استناد کرده‌اند، اما هیچ کدام به انتشار کامل آن مبادرت ننموده‌اند تنها آقای اشیدری در مهنامه زرتشتیان یا چیستا به ذکر مطالب مهم آن بسنده کرده است.

۲ - اصل همه جا: دولت.

۳ - اصل همه جا: بندرات.

۴ - یک کلمه ناخوانا.

بعضی را فروختند و بی چیز شدند و کسانی که قاصدی می‌کردند از طرف دولت علیه چاپارخانه برقرار شد که روزی آنها بالمره قطع شد. در این حالت چون راه بندرها باز شده، یواش یواش هر کس به یک سمتی فرار نمودند»^(۱)

در این دوران که دوران فروپاشی نظام سستی در ایران بود و وضع اقتصادی و اجتماعی ایرانیان رو به دگرگونی داشت، روال زندگی سستی جامعه زرتشتی که دهقانی، چارواداری، فعلگی و یاکارگری کارگاههای ابریشم‌ریسی و شال‌بافی بود نیز تغییر یافت. شماری از دهقانان یزد و کرمان زمین‌های خود را ترک کردند و برای یافتن کار و کسب به شیراز، اصفهان و تهران مهاجرت نمودند. از آن جا که مسافرت به هندوستان آزاد بود، شماری از دهقانان زرتشتی یزد و کرمان - یا فرزندان آنها - به بمبئی رهسپار شدند و در آن جا با کمک پارسیان هند به کار و کسب پرداختند. بعضی در آن جا ماندند و برخی به ایران بازگشتند اما حرفه خود را تغییر دادند و به جای رعیتی به کار داد و ستد مشغول شدند. رشته کار اینان بیشتر وارد کردن و فروش قماش بود. بدین ترتیب قشر تازه‌ای در جامعه زرتشتیان ایران پدید آمد و این قشر به زندگی کم و بیش مرفهی رسید. اما هنوز شمار زیادی از دهقانان زرتشتی در روستاها باقی بودند. در این زمان، شکاف طبقاتی در جامعه زرتشتیان در حال پدید آمدن بود.^(۲)

هر چند مدارک کمی در دست داریم اما از دیرباز فکر تجارت (خرید و فروش) در مخیله زرتشتیان وجود داشته است. لرد کرزن معتقد است که زرتشتیان از بیم مخاطرات و اقدامات خصومت‌آمیز، کارهای تجارتی خود را مکتوم می‌داشتند.^(۳) پس از ورود

۱ - اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۲۷۴.

۲ - کشاورزی، کیخسرو؛ «بنیاد اجتماعی اقلیت کنونی زرتشتیان ایران»، چیستا، س ۱۱، ش ۸ و ۹، ص ۱۰۶۹۶.

۳ - لرد کرزن، «ایران و قضیه ایران»، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۶.

مانکجی صاحب این اندیشه قوت بیشتری گرفت. مانکجی خود بازرگان بود و با بغداد، ترکیه، هند و شهرهای شمال شرقی ایران - چون بخارا - داد و ستد داشت. زرتشتیانی که از روستاها به شهرها - خصوصاً تهران - آمدند، به نحوی به این گونه اشتغال دست زدند. از آن زمان سرمایه‌گذاری خصوصاً روی زمین در میان این طایفه شکل جدی به خود گرفت. بازرگانی زمین، سرمایه‌گذاری دراز مدت بود که مانکجی صاحب و دیگران پس از او این صبر و تحمل را داشتند که به آن پردازند.^(۱) سرمایه‌داران زرتشتی به ویژه در کرمان و یزد املاک بزرگی را از فتودال‌ها یا خان‌ها خریدند و نقش بورژوا - ملاک را ایفا کردند و در پایان قرن نوزدهم (سلطنت مظفرالدین شاه) یک یا دو کلان سرمایه‌دار در میان زرتشتیان پدید آمدند. به موازات دگرگونی‌های اجتماعی - که در فصل مهاجرت اشاره‌ای کوتاه نمودیم - شمار بیشتری از روستاییان به شهرها رو آوردند و زیر حمایت سرمایه‌داران بزرگ زرتشتی به خرده‌فروشی در کاروان‌سراها پرداختند.^(۲) از این طریق شرکت‌های تجارتی زرتشتیان نضج پیدا کردند.

در زمان اسفار جاکسن امریکایی، زرتشتیان کرمان اکثراً بازرگان بودند و با هندوستان از راه دریا و چین از راه خشکی تجارت می‌کردند و خشکبار و بادام و پسته را با چرم و پارچه و ادویه و چای مبادله می‌نمودند. در سال ۱۸۹۴ م. / ۱۳۱۲ ه. ق اینان توانستند بخش مهمی در بازار را به نام «کاروان‌سرای چهارسو» خریداری کنند. تجار کرمانی آن قدر اعتبار داشتند که مسافران هند در آن روزها پول خود را به ایشان بسپردند و در

← چاپ سوم، جلد ۲، ص ۲۹۴.

۱ - ه. ر. فرهنگ، «زندگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی زرتشتیان در یک قرن ونیم پیش»؛ فروهر، س ۱۳،

ش ۶، ص ۹ - ۱۳.

۲ - کشاورزی، کیخسرو، همان جا؛

عوض حواله‌ای دریافت دارند و به محض ورود به هند این حواله‌ها را در یکی از بانک‌های پارسیان تبدیل به نقد نمایند. تجار زرتشتی کرمانی پس از پیروزی مشروطه به شهرهای بزرگتر مهاجرت کردند و در آن شهرها آسوده‌تر به تجارت و زندگی پرداختند.^(۱)

پس از انقلاب مشروطیت گرچه امکان حضور در ادارات دولتی برای زرتشتیان وجود داشت اما این حضور تا زمان پهلوی دوم قابل ذکر و توجه نیست. در این دوران تعلق خاطر زرتشتیان را معمولاً به امر خرید و فروش مشاهده می‌کنیم. دلیل این امر را «کیخسرو شاه بهرام» در نامه‌ای که به سال ۱۳۲۸ ق. برای پارسیان هند نگاشته، چنین توضیح داده است: «در ادارات دولتی هم لابد باید به طور استخدام داخل شد و کلیه عادت و حالت ایرانی بر این است که هر مخدومی از وزیر یا رئیس یا ارباب، مستخدم خود را چنان می‌خواهد که وقت به اقتضای میل و به طریق فایده شخصی او عمل نماید مادامی که این طریقه برقرار است محبت و دوستی هم برقرار خواهد بود ولی همین که از این قاعده ذره‌ای تخلف شد فوراً آن دوستی مبدل به دشمنی خواهد شد. پس بدین ملاحظات ما کار استخدام را خیلی غصه آور و بی نتیجه می‌پنداریم».^(۲)

بنابراین جهت عمده عمل کرد شغلی زرتشتیان، خرید و فروش بوده و می‌توان گفت تنها وقایع سیاسی مملکت امکان توقف یا به هم خوردن این روند را فراهم می‌کرده است. کما این که در تهران در سال‌های پس از مشروطه تجار زرتشتی که از یزد و کرمان در آن جا استقرار گرفتند، بعضاً دارای خانه بودند اما اکثراً به طور مجرد در کاروان‌سراها و تیمچه‌ها به معاملات بازرگانی مشغول بودند. این گروه پس از ماجرای التیماتوم دولت

۱ - پاول و. انگلیش، «زرتشتیان کرمان»، ترجمه شهزادی، هوخ، س ۱۳، ش ۴، ص ۲۱.

۲ - اشیدری، جهانگیر؛ «اقتصاد، امنیت و بازرگانی در ۷۰ سال پیش»؛ چیستا، س ۱، ش ۴، ص ۴۲۸ - ۴۲۹.

روسیه در سال ۱۳۳۰ ق. به علت توقف در کار تجارتیشان اکثراً به شهرهای خود بازگشتند.^(۱)

تجارت زرتشتیان یزد و شیراز نیز در زمان بین مشروطیت و جنگ بین الملل دوم رونق چشمگیر داشته است. اما به واسطه کشیده شدن راه آهن به خرمشهر و رواج تجارت از طریق آن بندر، تجارت از طریق بندرعباس به رکورد مبتلا شد و بنابراین اغلب تجار این دو شهر نیز به جاهای دیگر کوچ کردند.^(۲)

گسترده‌ی فعالیت تجاری این اشخاص نیز قابل توجه است. کیخسرو شاه بهرام در نامه‌ای که پیش از این ذکرش رفت چنین آورده: «درخصوص تجارت اولاً لازم است شما را مطلع سازیم که تجارت مال‌التجاره در ایران هر رقم جنسی اختصاص به یک نفر ندارد. یعنی سوای قند و شکر و نفت روسیه و خرازی آلات که تقریباً مخصوص یک طبقه تجار است، باقی تجار در اقدام به هر تجارتی و هر کاری مختارند و ابداً منع و مانعی نیست. مثلاً یک نفر تاجر ایرانی تجارت می‌کند و از وارد نمودن و فروختن اجناس همه قبیل از منسوجات الی مأكولات و موجودات، به هم چنین در خریدن و صادر نمودن اجناس، در انجام مرجوعات هر کس از خرید و فروش به طور امانتی و حق‌العمل کاری، در صرافی، در معاملات استقراضی و رهنی و شرطی، در خرید و فروش گندم^(۳) و جو و حبوبات، حتی در ملاکی و راه‌داری و راه‌سازی،^(۴) هر قدر و هر کار بتواند و از عهده

۱ - رشیدی، فریدون؛ «داستانی از گذشته‌ها»، هوخ، س ۱۵، ش ۶، ص ۲۴.

۲ - لهراسب، سروش؛ «یادی از گذشته» [نامه شماره ۳۲]، هوخ، س ۱۳، ش ۸، ص ۱۱.

۳ - رک: سند شماره ۷۹ تا ۸۹ و ۳۹۳.

۴ - ارباب شهریار ساسانی - صاحب تجارتخانه ساسانیان - که در خطه مازندران فعالیت می‌کرد، علاوه بر تجارت در روسیه و ترکستان، قراردادهایی را جهت ایجاد راه شوسه با دولت می‌بست. این تجارتخانه به علت ندانم‌کاری‌های مسئولین شعبات آن ورشکست شد. (خطرات اردشیر زارع، نسخه تاییبی، ج ۲، ص ۲۷۵ - ۳۱۶).

برآید اقدام می‌نماید. این را هم باید دانست که چون معمول تجارت مملکتی بر طریقۀ اختصاصی نیست و در صورتی که تاجری بخواهد یک تجارتی را مخصوص خود بکند، حاجت به داشتن یک سرمایۀ بزرگی می‌شود. بدین واسطه شخص تاجر همه کاری را با هم می‌کند و همه جنسی را توأم خرید و فروش می‌نماید تا یکی به نفع و دیگری به ضرر، چیزی از آن درآید».^(۱) سپس نویسنده مذکور واردات و صادرات اجناس را از بندرعباس، بوشهر، خرمشهر، بغداد و شهرهای شمالی به طور مفصل و مشروح تحریر نموده و گفته است که در خطوط مختلفۀ تجاری، تجارتخانه جمشیدیان در بندرعباس، کرمان، بم، سیرجان، کاشان، شیراز، اصفهان، کرمانشاه و رشت شعبه داشته و از تجار دیگر در خطۀ شمالی کشور نیز یاد می‌کند. این بازرگانان به جز کشورهای شرق ایران با کشورهای اروپایی و امریکایی نیز مناسبات تجاری برقرار می‌کردند. حتی برای ادارات دولتی نیز نقش واسطه را در خرید از کشورهای دیگر نیز بازی می‌نمودند.^(۲) زمانی که ارباب جمشید ورشکست شد، بعضی از این تجارتخانه‌ها که وابسته به او بودند و تحت نفوذ و قدرت جمشیدیان کار می‌کردند نیز از بین رفتند اما روند تشکیل تجارتخانه باز نماند و کسانی که علی‌رغم ارباب جمشید با احتیاط عمل می‌کردند توانستند در نابسامانی‌های اواخر دوران قاجار کماکان به حیات خود ادامه دهند. در دوران پهلوی بار اصلی تجارت زرتشتیان در تهران بود و تاجر زیادی به این امر اشتغال داشتند به طوری که اکثر اعضای انجمن زرتشتیان تهران تاجر بودند. و بالتبع تجارتخانه‌های تهران بیشتر از سایر شهرهای زرتشتی نشین بوده است.

نکتۀ پایانی که باید درباره تاجر زرتشتی گفت این است که این اشخاص در تاریخ

۱ - اشیدری، همان جا، ص ۴۱۹ - ۴۳۱.

۲ - ر.ک: اسناد شماره ۴۰۳ تا ۴۱۳ و ۳۸۵.

معاصر ایران به درست‌کاری و امانت‌داری معروف و مشهور بوده‌اند. مورخین ایرانی - اعم از زرتشتی و غیرزرتشتی - و مسافران خارجی و مستشرقین که منابع اطلاعاتی آنها وسیع بوده است اغلب که درباره زرتشتیان و امور تجاری آنها سخن رانده‌اند به صفت صداقت بازرگانان زرتشتی اشاره نموده‌اند. «پولاک» در سفرنامه‌اش گفته: «زرتشتیان به عنوان بازرگان و اقتصاددان از شهرت بسیار برخوردارند و پشتکار، تحمل و درستی آنها زبان‌زد است. در کار تجارت با هندوستان دلالتی می‌کنند و صاحب چند کاروان‌سرا در تهران، اصفهان و شیراز هستند».^(۱) در خلال اسناد این فصل نیز می‌توان از اعتماد ادارات مهمه دولتی از بازرگانان زرتشتی استحضار حاصل کرد.

اما در این فصل علاوه بر اسنادی که مربوط به تجار یا تجارتخانه‌های زرتشتی است، اسناد مطالبات مالیات دولتی و محلی نیز گنجانده شده‌اند. از آن جا که دو موضوع تجارت و مالیات می‌توانند از اوضاع کلی اقتصادی جامعه زرتشتی حکایت کنند لذا این سری اسناد در یک جا گرد آمده‌اند.

۱ - پولاک، «ایران و ایرانیان» (سفرنامه پولاک)؛ به کوشش کیکاوس جهان‌داری؛ خوارزمی، ۱۳۶۸، چاپ دوم،

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران، نمره ۱۱
تاریخ ۴ ذی قعدة ۱۳۲۷

توسط انجمن زردشتیان به حضور مبارک وزارت جلیله مالییه مَظَلَّه العالی

سه سال قبل حضرت اقدس والا فرمانفرما^(۱) به اصرار یک دانگ مزرعه سعیدی که رود آب است به جان نثاران فروخته با مالیات و جنس معین به موجب کتابچه دیوانی سنه ماضیه و هذه السنه به واسطه خشک سالی محصول به عمده نیامده، سنه ماضیه جنس را عیناً با جنس تسعیری که فی السابق نقداً اطاعت کردیم و حال آن که بذر و مخارج ملکی بیشتر نشده و مالیات را از کیسه داده شده.

در هذه السنه همچنان باید از خارج فراهم آورده و اطاعت می شود. ایالت جلیله به الغای جنس تسعیری عیناً جنس و کاه و غیر معمول مطالبه می فرمایند. استدعای چاکرانه این که امر شود رسیدگی فرمایند. چنانچه عایدی داشته اطاعت داریم والا در صورتی که کلیه عمل دیوانی آن را از کیسه

۱ - «فیروز میرزا نصره الدوله پسر ارشد عبدالحسین میرزا فرمانفرما که در سال ۱۳۲۳ ق. به نیابت پدرش حاکم کرمان گردید و در اوایل مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ق. عزل شده به تهران آمد». (بامداد، مهدی؛ همان جا؛ ج ۳،

اطاعت نماییم کما فی السابق معمول فرمایند که قوه جان نثاران به بیش^(۱) خسارت نیست.

جمشیدیان جان نثاران سروشیان، جهانیان، کیانیان^(۲)

[مهر : تلگرافخانه مبارکه]

[۲۴۰۰۶۹۵۱]

۳۷۴

وزارت امور خارجه، نمره ۲ دولتی، مورخه ۹ شهر ذی قعدة ۱۳۲۷

سواد تلگراف کارگزار کرمان

به توسط جناب اجل معاضدالسلطان، مقام منیع وزارت جلیله خارجه روحی فداه

چهار نفر از تجارتخانه های زردشتیان یک دانگ از مزرعه سعیدی را در سنه ۱۳۲۴ از حضرت والا فرمانفرما خریده اند. دفترخانه کرمان تصدیق در همان وقت برطبق فرمان همایونی و کتابچه دستورالعمل دیوانی به اسم و رسم از نقد و جنس به آنها داده، سه سال است به همین منوال معمول بوده و مطلقاً اسمی از کاه نبرده در هذه السنه دفتر کرمان برات کاه به اسم آنها حواله داده و مطالبه نموده اند تجارتخانه از کارگزاری شکایت نمودند. مراتب با ایالت جلیله مذاکره شد ایالت جلیله هم تصدیق دارند از کاه معمول نبوده ولی فرمودند به تهران عرض شود در هر صورت پنج روزه از ایالت جلیله مهلت برای آنها گرفته مراتب را به عرض مبارک برساند و با وزارت جلیله مالیه مذاکره نماید که

۱ - در متن چنین است.

۲ - مقصود از جمشیدیان تجارتخانه جمشیدیان است و سروشیان، جهانیان و کیانیان از ملاکین زرتشتی و اعضای انجمن ناصری کرمان بوده اند.

برخلاف معمول با آنها سلوک نکند. ولی در باب قیمت جنس با آن که سعیدی رودآب است و محصول آن معادل بذر و انضباط شده از قرار سایرین اطاعت دارند. فقط رفع کاه را که در کتابچه دستورالعمل دیوانی نبوده و نیست مستدعی شد.

معتمد حضور

[۲۴۰۰۰۶۹۵۱]

۳۷۵

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۳۱۳۳، تاریخ ۱۰ شهر ذی قعدة ۱۳۲۷

تلگراف به کرمان، جواب نمره ۱۱

عالی جنابان جمشیدیان، سروشیان، جهانیان، کیانیان

تلگراف شما را ملاحظه کردم چون در زمان مشروطیت به هیچ وجه نقض احکام صادره از مجلس نمی توان کرد به ایالت جلیله کرمان نوشتم که جنس بدهی شما نقداً از قرار عادله محل مأخوذ دارند.

[امضا: حسن بن یوسف]

[مهر: حبیب الله]

[۲۴۰۰۰۶۹۵۱]

۳۷۶

وزارت مالیه، نمره ۳۸۳۸، تاریخ ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۷، تلگراف

کرمان، پیشکار مالیه

زردشتیان، مالک قسمتی از سعیدی تظلم دارند که در هذه السنه به واسطه آفت زدگی

زراعات قادر بر ادای عین جنس نیستند و در این باب سابقاً به ایالت جلیله تلگراف شد که به قیمتی عادلانه از آنها مسعراً دریافت فرمایند و در مسأله کاه هم تظلم دارند برخلاف معمول از آنها مطالبه می‌شود. هر گاه در دستورالعمل دیوانی سعیدی کاه جمع ندارد، البته مطالبه نکرده و کلیه رفاهیت زردشتیان را مرعی فرمایند.

وثوق الدوله

[مهر: حبیب‌الله]

[۲۴۰۰۰۶۹۵۱]

۳۷۷

وزارت مالیه، نمره ۷۳۷، تاریخ ۲ شهر صفر ۱۳۲۸

هو، وزارت جلیله داخله

سواد تلگراف ورثه حاج سهراب‌خان کرمانی در لف رقمه نمره (۶۴۴۶/۵۳۰) وصول داد. مأخذ این تلگراف آنها معلوم نیست چیست و این نسبت خلاف اعتدالی که از ملاحظه حالت زردشتیان به وزارت مالیه داده‌اند مبنی بر چه قاعده است. موضوع مطلب زردشتیان این بوده که تظلم نموده‌اند یک قسمتی از سعیدی که ملک آنها است و به واسطه حدوث آفت نتوانسته‌اند مالیات جنس آن جا را عیناً پردازند خواسته بودند به قیمت عادلانه قیمت جنس را پردازند در مسأله کاه هم تظلم کرده بودند که این ملک هیچ وقت کاه جمع دستورالعملی نداشته. در شهر ذی‌القعدة به پیشکار مالیه کرمان از وزارت مالیه در مقابل اظهارات آنها تلگراف شده است که در مسأله نقد جنس چون به قیمت عادلانه تسعیر می‌کنند و برای دیوان ضرری متصور نیست تسعیر نمایند و کاه را هم اگر هیچ وقت جمع نبوده کما فی السابق معمول داشته مطالبه نمایند. این حکم چه ربطی به ورثه حاج سهراب‌خان دارد که می‌نویسند مگر ما از زردشتیان کمتر هستیم. هر گاه آنها

هم مطلب صحیحی دارند باید توضیحاً اظهار نمایند. وزارت مالیه پس از تحقیقات لازمه البته به آنها جواب کافی خواهد داد.

[مهر: شهاب‌الممالک]

[حاشیه]: - ارسال در ساعت ۱ بعد از غروب لیل ۷ شهر صفر. [امضا]

[۲۴۰۰۰۶۹۵۱]

* * *

۳۲۸

به تاریخ غره صفر ۱۳۲۸ از کرمان جواب نمرة ۹۸، در (صفحة؟) ۱۴۰ / نمرة ۱۹۸۶

مقام متیع وزارت جلیله داخله

تلگراف شماره ۱۹۶۲ را زیارت کرد. عرایض جهانیان^(۱) صحیح بوده و تمام به

۱ - ارباب خسرو شاه جهان که به اتفاق برادرانش (پرویز، رستم، بهرام و گودرز) تجارتخانه جهانیان را بنیاد نهاد از موفق‌ترین تجارتخانه‌های دوران قاجار را سرپرستی می‌کرد. این تجارتخانه در نقاط مختلف ایران شعبه داشت و با تشکیلات منظم خود با هند، انگلیس و امریکا روابط تجاری برقرار کرد. در صادرات - به خصوص پنبه عدل‌بندی شده با دستگاه‌های پرس دستی - موفقیت‌های شایانی به دست آورد. در تأسیس شرکت تلفن دخالت داشت (الف) در تأسیس شرکت گوشت نیز دخیل بود. خوش نامی این تجارتخانه به حدی بود که رسید صندوق آن چون اسکناس اعتبار داشت و دست به دست می‌چرخید (ب) در زمانی که پارسیان قصد داشتند پس از تأسیس بانک ملی در سرمایه‌گذاری در آن بانک نقشی داشته باشند پرویز، مدیر تجارتخانه یزد را ابادیان صنیع حضرت - از عمال محمدعلی شاه - در ۱۳ فوریه ۲۹/۱۹۰۷ ذی‌حجه ۱۳۲۵ به قتل رسانیدند. قتل او موجب یأس پارسیان گردید و از تصمیم خود انصراف جستند (ج) این تجارتخانه در کمک به آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان دریغ نداشت، در امور فرهنگی پیشقدم بود و در حفر قنوت و آباد کردن دهات اطراف یزد همت داشت. خسرو پس از قتل برادرش به اروپا رفت و در زمان سلطنت احمدشاه بازگشت و بالاخره در سال ۱۳۰۰

تحریک آقا محمود است که برای جلب منفعت خود رعایا را تحریک کرده. ولی چون رعایت رعیت خودشان نیز لازم بود به تصویب بنده و سایرین آب را در برقی دوازده از جهانیان اجاره کردند. اراضی را نیز به خودش واگذار می‌کند.

حبیب‌الله

[۲۴۰۰۰۶۹۵۱]

۳۷۹

(تجارخانه خسرو شاه جهان و برادران)، تهران، عنوان تلگراف جهانیان،^(۱)

[نمره ندارد]، به تاریخ ۱۶ صفرالمظفر ۱۳۲۸

به مقام منیع وزارت جلیله مالییه دامت شوکته

در پشتکوه خییص کرمان به موجب قبالة معتبره ملکی این جان نثاران که سالها تصرفات مالکانه همه قسم بوده و مالیات آن جا را به موجب برات ایالتی پرداخته است، در هذه السنه محمود نام که در موقع انعقاد انجمن ایالتی تفتین کرده بود، گفتند خارج بشود و به پشتکوه رفت. وقتی به آن جا رسید که مدیر اداره جان نثاران به آن جا رفته

← ۱۲۹۵ش درگذشت. برادران و اعقاب او کماکان به کار تجارت مشغول بودند. (د) مقاله‌ای مفید درباره اسنادی

که از شعبه اصفهان این تجارخانه به دست آمده در «گنجینه اسناد، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۴۷-۵۲» به چاپ رسیده است.

(الف) ر.ک: سند شماره ۹۱

(ب) شهردان، فرزندگان زرتشتی، ص ۴۶۷-۴۷۳

(ج) ادوارد براون، «انقلاب ایران» ترجمه احمد پژوه، کانون معرفت، بی‌تا، ص ۱۳۵-۱۳۶

(د) شهردان، همان‌جا

۱- آرم سند به دو زبان فارسی و فرانسه است.

برای عمل اجاره و استجاره آن جا پیغام داد که باید مقداری از آب و اراضی آن جا را به من بدهید یا تعارف نقدی، مدیر اداره دید که امروز روزی نیست که این عناوانات پیشرفت نماید جواب سخت داد. چون مایوس شد چند نفری از رعایای مفسد آن جا را با خود همدست نموده و می‌رود روی منبر و بد می‌گوید به مجتهدی که اجاره خط حقیران را مهر کرده است. چون از این کار نتیجه‌ای نبرد به کرمان آمده تلگرافی به توسط جناب آقای تقی‌زاده به وزارت جلیله داخله نمودند مبنی بر شکایت از دست فدویان و کلیه مقصودشان بر این بود که املاک فدویان را خراب کرده باشند و وزارت جلیله داخله جواب داد که عدلیه کرمان رسیدگی شود. مدیر اداره، اسناد و قبالة معامله‌جات اجاره و استجاره آن جا را ارائه داده محقق داشتند که عرض آنها خلاف و بدون جهت آغاز نموده‌اند. عدلیه آنها را هم جواب سخت داده سواد تلگرافی که از کرمان شده است لفاً تقدیم داشت. چند نفری از رعایا که به تحریک محمود نام آمده بودند خودشان مجدداً رفته عمل اجاره و استجاره خود را چون کلیه رعایا تجدید و به سررعتی خود رفته مشغول شدند. محمود دید که به این وسیله نتوانست کاری صورت بدهد رعایا هم رفتند تلگرافی به مقام منیع مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه نموده و از مجلس هم به وزارت جلیله مالیه فرستاده شد به موجب سواد تلگرافی که از نظر مبارک می‌گذرد و از وزارت مالیه به پیشکار مالیه کرمان تلگرافی مخابره شده است. بدیهی است حرکات محمود و اشتباه کاری او نقصی بر ملک متصرفی حقیران وارد نخواهد نمود، فقط تولید زحمت و تصدیع برای اولیای دولت خواهد شد و مسلم است که از جواب تلگراف صادره از وزارت جلیله مالیه از پیشکار صدق عرض حقیر خواهد رسید. مع ذلک مستدعی است امر مقرر فرماید تلگرافی از وزارت جلیله مالیه صادر گردد که گوش به اشتباه کاری این آدم که سوء اعمال او بر همه کس معلوم است نداده و بدون جهت تولید اشکال نمایند و چون همشیره زاده حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حاجی میرزا محمدرضا

می باشد مردم قدری محض احترام آقا ملاحظه دارند. پس لازم است که پیشکار مالیه یا ایالت آن تلگراف را هم از دست مشارالیه گرفته باشند که اسباب تولید زحمت برای فدویان و اولیای دولت نشده باشد.

[مهر : خسرو شاه جهان و برادران تهران]

[امضا]

[۲۴۰۰۰۶۹۵۱]

۳۸۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران، نمره ۱۰۲

تاریخ ۱۶ صفر ۱۳۲۸

در باب تلگراف رعایای خبیص، مجلس مقدس شیدالله ارکانه که مالیات خبیص نقد را نقد و جنس را جنس، به علاوه دو هزار تومان تقدیم می دهد تفصیل از این قرار است که خالصه خبیص را جهانیان از معتضد دیوان از وزیر بقایا و وزیر بقایا از دولت به مالیات نقد و جنس معین خریده که دویست و هشتاد و هشت خروار از جنس را در فرمان خرواری دو تومان تسعیر کرده اند. در سنه قوی ثیل^(۱) که بر حسب تصویب مجلس مقدس جنس تسعیری برگشت کرد، نقدی را نقد و جنس را جنس پرداخته اند، ولی مفاصای آن از دفتر نگذشته. در سنه بیچی ثیل^(۲) تمام جنس را در تهران از قرار خرواری سه تومان تسعیر و تنخواه آن را برات خزانه آوردند. در هذه السنه هم در اول سال آقای

۱ - سال ۱۲۸۶ ش.

۲ - سال ۱۲۸۷ ش.

نظام السلطنه سیصد و بیست و هشت خروار و هفت من غله بده جهانیان را در تهران از قرار سه تومان نیم، تسعیر و به انضمام مالیات نقدی مأخوذ و از وزارت جلیله مالییه هم امضای مأخوذ معظم‌الیه شده است. چون کلیه آب خبیص پنج هزار و کسری برق است و دوهزار و پانصد و نود و کسری از آن خالصه و متعلق به جهانیان و مابقی اربابی است رعایای خبیص به جهاتی که فیما بین آنها گفتگو شده بود این عنوان را به مجلس مقدس عرضه کرده‌اند، خالصه خبیص ملک جهانیان است و حکم این فقره با وزارت جلیله مالییه دامت شوکته است. هر قسم صلاح و صرفه دولت و ملتی را بدانید معمول و مجرا فرمایند. اطلاعات چاکر این بود که به عرض رسانید.

موقرالملک

[مهر : تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه] : - ورود به کابینه وزارت مالییه، به تاریخ ۲۶ صفر ۱۳۲۸، نمره : ۹۴۹۲]

[۲۴۰۰۰۶۹۵۱]

۳۸۱

شماره : ۱۰۴۰، [تلگراف به] کرمان

حکومت کرمان

یک هزار و هفتصد و پنجاه و هشت تومان و چهار هزار و چهارصد و پنجاه دینار از بابت مالیات املاک جهانیان، جناب مستطاب اجل نظام السلطنه دام اجلاله در تهران مأخوذ نموده‌اند که حساب آن را به وزارت مالییه خواهند پرداخت و چون جهانیان از مالیات املاک خود معادل مبلغ پرداخته، لهذا از وزارت مالییه این تلگراف صادر می‌شود که سند خرج هذه السنه تخاقوی ثیل خودتان دانسته و معادل مبلغ مزبور را از بابت مالیات املاک جهانیان محسوب فرمایند.

وزیر مالییه

[مهر : حسن ابن یوسف]

[حاشیه]: - قیمت مخایره با فاعل است. [۲۴۰۰۰۶۹۵۱]

* * *

۳۸۲

۲۹ ع ۱ [ربیع الاول] ۱۳۲۸

هو، قربانت شوم

امیدوارم وجود مبارک پیوسته قرین استقامت است. ضمناً آقا بهرام کاووس شرحی به بنده نوشته عیناً لفاً انفاذ و تمناست کاملاً غور و در احقاق حق او توجه مخصوص شود. بنده اطلاعات وافی دارد که این برادران هستی و اعتبار خود را روی معامله با لیوان گذارده‌اند و عجب آن جاست در صورتی که طرفین در این جا حاضرند و هیچ کدام سمت رعیتی دولت بهیه فرانسه ندارند از روی چه مأخذ آنها را به پاریس به جهت محاکمه احضار می‌نمایند. امیدواری است نظر به حفظ حقوق رعایای ایران چنان که سزاوار حقانیت و عدالت است از تعدیات دیگران جلوگیری و واقعاً احقاق حق شود. مسلماً فطرت پاک حضرت عالی هم جز آن مقتضی قسمی دیگر نخواهد بود. ایام اقبال مستدام باد.

اقل کیخسرو شاهرخ

مجدد تمناست بنده را از نتیجه مستحضر فرمایید.

[۳۶۰۰۰۰۳۸۵]

۳۸۳

مجلس شورای ملی، اداره دارالانشا، نمره ۴۷۷۸، مورخه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۸

سواد عرض حال بهرام کاووس پاریسی

عاجزانه عرض می‌شود، مدت چهار سال قبل با شخصی ارمنی لیوان نام تبعه دولت عثمانی طرف معامله بودم. در آن اثنا بنده را مجبور کرد با خودش به جهت فروش اشیای

موجوده به پاریس بروم. بنده نیز به اطمینان صحت عمل مشارالیه روانه شدم. همین که به پاریس رسیدیم، مشارالیه موقع را به دست آورده مال‌الاجاره بنده را توقیف و دعوی ملکیت کرد و کار به محاکمه کشید تا آن که بنده غریب و از دانش زبان عاری بودم. بعد از سه سال محاکمه و معطلی عاقبت حکم بر حقانیت بنده صادر شد. به مجرد صدور حکم مشارالیه فوراً به تهران آمد. بنده نیز با احکام صادره به تهران آمده به وزارت جلیله امور خارجه عارض شدم و احکام و اسناد را ارائه دادم که مشارالیه سی و دو هزار تومان مدیون است و به علاوه مال‌التجاره در پاریس توقیف. در این مدت هر قدر بیشتر متظلم شدم کمتر مشارالیه حاضر شد. دیگر نه اعتباری برای بنده باقی است نه صبر. لهذا با کمال انکسار و عجز درخواست دارم توجه مخصوص به عرض بنده فرمایید یا مقرر شود عاجلاً در وزارت امور خارجه بدون ملاحظه احقاق حق بنده بشود والا حال دیگر که نه اعتباری برای بنده باقی مانده و نه صبر ناچار است یا به هلاکت خود اقدام نماید یا به یکی از سفارتخانه‌ها^(۱) متحصن شود، محضاً لله احقاق حق نمایند. تاکنون حق ایرانیت بنده اجازه نداده بود نه چنان عرضی و نه اقدامی خارجی بکنم ولی کاردم به استخوان رسیده و چاره‌ام منحصر به این عرض حال شده تا بعد در نزد خدا و خلق شرمسار نباشم. الباقی امر مبارک مطاع است.

ندوی بهرام کاووس پارسی

سواد مطابق اصل است. [امضا]

[حاشیه ۱]: - وزارت جلیله امور خارجه

[حاشیه ۲]: - ثبت و صادر شده است. نمره ۶۴۷۷۸، [امضا]

[۳۶۰۰۰۳۸۵]

۳۸۴

وزارت امور خارجه، اداره محاکمات، نمره ۱۴۱، به تاریخ ۵ شعبان ۱۳۲۸

مراسله به سفارت عثمانی در مسأله طلب بهرام از لیون

با کمال احترام در جواب گرامی مراسله محترمه آن جناب مستطاب عالی مورخه ۲۶ شهر رجب ۱۳۲۸، نمره ۱۳۸/۱۵۴۲ متضمن عرض حال لیون کیورکیان زحمت افزا می شود پس از این که روز دوم شهر رجب لیون کیورکیان به محکمه وزارت خارجه حاضر شد، با حضور مجدد همراه تاجرباشی آن دولت علیه، بهرام کاووس سند چهارصد و نود و هفت تومان به امضای لیون به محکمه ارائه داشت. لیون اعتراف بر صحت سند و دین خود نمود و التزام نامه رسمی که مشعر از محکومیت اوست به امضای تاجرباشی و دو نفر دیگر از اتباع آن دولت علیه که حضور داشتند به محکمه سپرد که دو روزه یا وجه را بپردازد یا ضامن بدهد که دو ماهه از عهده برآید. بر خاطر محترم جناب مستطاب عالی خوب واضح است که اقرار بر دین و این طور التزام رسمی که مدیون می دهد البته به قاعده [ای] که محکمه محکومیت آن مبرهن و خالی از خلل است پس از آن در خصوص سایر دعاوی چون بدو محل وقوع معامله که این جا بوده و طرفین این جا هستند و طرح دعوی این جا شده است یقین است به قاعده حقوقیه، محکمه حق دارد که دقایق خود را با ملاحظه اعتبارات محلیه معامله در اظهارات و استنادات طرفین به کار ببرد و احقاق حق من له الحق را بدانچه احراز کند بنماید. در این موقع احترامات فائقه را تجدید می نماید.

[امضا]

[حاشیه]: - پاک نویس به مهر حضرت وزارت پناهی برسد.

[۳۶۰۰۰۰۳۸۵]

* * *

۳۸۵

[اداره گمرکات ایران]، نمره ۳۱۶۳، [تاریخ] ۱۴ رجب ۱۳۲۹ / ۲۱ ژوئیه ۱۹۱۰

حضور جناب مستطاب اجل اکرم امجد افخم آقای وزیر داخله دامت شوکته

تجارتخانه خسرو شاه جهان و برادران اطلاع می دهد که پنج صندوق اسلحه [ای] را که گمرک بوشهر به عنوان اداره مرکزی گمرکات ارسال داشته، کمیسر نظمیه حضرت عبدالعظیم ضبط نموده است. با این پنج صندوق دو صندوق دیگر بوده که یکی به سفارت انگلیس و دیگری به سفارت بلژیک تعلق داشته، آن دو را نیز توقیف نموده اند. با وجود آن که به نظمیه آن نقطه اخبار شده است که صندوق ها متعلق به گمرک می باشد، مع ذلک اصرار و ابرام نموده و صندوق ها را به قوه جبریه نگاه داشته اند. محل تحیر است که نظمیه حضرت عبدالعظیم صندوق ها را چگونه مشاهده نکرده است که به عنوان گمرک بوده و دارای سرب این اداره است. مستدعی است احکام....^(۱) صادر فرمایند که کلیه امانات و بسته هایی که گمرک سرب نموده و دارای اسناد صحیح [ای] که از طرف این اداره توزیع شده باشند در هیچ مورد آن بسته ها را ضبط و توقیف ننمایند. امر امر مبارک است.^(۲)

از طرف مدیر کل که به مرخصی رفته اند (وکالتاً رئیس) [امضا]

[۲۹۳۰۰۴۸۴۱]

* * *

۱ - ناخوانا.

۲ - مورخین زرتشتی در بیان واقعات مشروطه گفته اند که تجارتخانه جهانیان اسلحه و مهمات در لابلای عدل های پنه گذاشته برای مجاهدان مشروطه می آورده اند و به همین علت عوامل حکومت استبداد در یزد ارباب پرویز - مدیر تجارتخانه جهانیان - را به قتل رسانیدند. (الف) نگارنده در مطلبی که جداگانه و مفصل ←

۳۸۶

غره رمضان ۱۳۲۸

هو، وزارت جلیله مالیه

اولاً ورقه [ای] در باب اراضی خالصه عزآباد از یزد فرستاده‌اند لفاً تقدیم و مستدعی است مقرر شود چنان که حق مطلب است در جواب آن پرسش‌ها مرقوم و مرحمت نمایند. ثانیاً از قراری که انجمن ناصری زردشتیان کرمان نوشته‌اند دو فقره وجه به اسم موضوعی که عبارت از تخفیف مالیات باشد یکی مبلغ شصت و یک تومان توسط انجمن مزبور و دیگری یک صد و بیست و شش تومان توسط کیخسرو گشتاسب^(۱) نام از سوابق مقرر بوده که آن وجوه به مصرف فقرای طایفه زردشتی می‌رسیده است و همه ساله قبض رسید می‌داده‌اند. چون امساله موجب اعلان مقرر شده است قبوض رسید تخفیف باید در مرکز حاشیه شود. لهذا قبض رسید آن را فرستاده‌اند. لهذا مستدعی است مقرر شود حاشیه نموده عودت دهند تا به جهت آنها ارسال شود در کرمان تسلیم مأمور مالیه نمایند. فزون ایام اقبال مستدام باد.

[حاشیه]: [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۳ رمضان ۱۳۲۸، نمره ۱۲۸۶۸]

[۲۴۰۰۱۵۴۵۹]

«درباره نقش اقلیت‌های مذهبی در مشروطیت نگاشته، در این باره بحث نموده که قتل ارباب پرویز شاه جهان نمی‌تواند به علت کشف این کمک‌ها توسط مستبدین - در صورت صحت - باشد.

این سند نیز به عقیده نگارنده در تأیید مطلب فوق قابل دقت است که تجارتخانه جهانیان، تجارت اسلحه و مهمات را برای تجارت صورت می‌داده نه برای کمک به مشروطه‌خواهان.

(الف) (اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۲۴۰ - ۲۴۸ و همچنین سخنرانی فرهنگ مهر مندرجه در هوخ، س ۲۰، ش ۳).

۱ - از اعضای انجمن ناصری کرمان که ضمناً نظامت یکی از مدارس زرتشتیان را نیز عهده‌دار بوده است. (برداشت از یک گزارش مندرج در یکی از دفاتر خلاصه مذاکرات انجمن زرتشتیان کرمان به تاریخ ۸ رجب ۱۳۲۹ بایگانی شده در آرشیو انجمن مذکور).

۳۸۷

وزارت مالیه، اداره تحریرات ولایات، نمره ۱۲۸۶۸، به تاریخ ۲۰ شوال ۱۳۲۸

آقای ارباب کیخسرو شاهرخ

جواب مطالب اظهاریه ارباب سهراب صادر و لفاً ارسال شد. در موضوع تخفیف فقرای زردشتی کرمان تحقیقات نمود، معلوم شد تخفیف آنها خرج آمده دستورالعمل نبوده و اگر تخفیفی داشته‌اند جزء^(۱) تخفیفات محلی و حقوق سرکاری کرمان بوده است که هنوز جزء آن حقوق به وزارت مالیه نرسیده که تکلیفی در کلیه حقوق سرکاری معین شود. قبضی را که ارسال داشته بودید لفاً عودت داده پس از رسیدن صورت جزء حقوق سرکاری کرمان هر تکلیفی که برای کلیه ارباب حقوق سرکاری معین شد فقرای زردشتی آن جا هم در حکم کلیه خواهند بود.

[امضا]

[۲۴۰۰۱۵۴۵۹]

۳۸۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران، نمره ۷۹

تاریخ ۱۶ دلوایت نیل [۱۲۸۹] / [۶ صفر] ۱۳۲۹

شاهرخ. ۲۳۲ تومان تخفیف و موضوعی موجب کتابچه تهران مالیه کرمان خواست حواله دهد، چون انجمن محترم ایالتی حاشیه رسیدمان را امضا نفرمود مالیه حواله نداد.

تکلیف وصولش از وزارت جلیله مالیه بخواهید توسط انجمن به مالیه و ایالت کرمان تلگرافید، پردازند.

انجمن ناصری

[مهر : تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه ۱]: - [مهر : ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۶ صفر ۱۳۲۹، نمره: ۲۳۲۸۵]

[حاشیه ۲]: - کابینه. به پیشکار مالیه کرمان به توسط زردشتیان مخابره نمایند در صورتی که به خرج دستورالعمل آمده است به چه علت تخفیف را به خرج منظور نمی دارد؟ قدغن^(۱) می شود مطابق دستورالعمل معمول دارد. [امضا]

[حاشیه ۳]: - نوشته شود.

[۲۴۰۰۰۱۶۶۱]

۳۸۹

وزارت مالیه، اداره تحریرات ولایات، نمره ۲۳۲۸۵، مورخه ۱۶ صفر ۱۳۲۹

جواب نمره ۷۹ زردشتیان

آقای اعتبارالملک پیشکار مالیه کرمان

اگر تخفیف زردشتیان کرمان خرج آمده دستورالعمل است البته قرار تأدیه وجه آن را به فوریت داده، آنها را آسوده نمایند والا مطلب را توضیح بدهید معلوم شود. شماره

۲۳۲۸۵

[مهر : وزارت مالیه]

[۲۴۰۰۰۱۶۶۱]

هو

۱۶ صفر ۱۳۲۹

۳۹۰

احتراماً عرض می‌شود تلگرافی که خطاب به کابینه فرموده بودید فرستاده شد و نوشته‌اند و اینک لفاً انفاذ است ملاحظه خواهید فرمود همان طور که عرض کردم اشتباه می‌نمایند، اشتباه کرده‌اند.

در صورتی که کتابچه دستورالعمل از تهران فرستاده می‌شود دیگر چه سؤالی است از کرمان می‌شود و نیز لازم است مجدد توضیح دهم، این تخفیفی است که به املاک زردشتیان داده می‌شود برای فقرای زردشتی. لهذا مستدعی است نظر به آن مرحمت مسلمی نسبت به بنده و توجه به حال فقرا نوعی^(۱) مقرر شود همین جا رسیدگی به مواد دستورالعمل شده بالصراحه مرقوم شود فلان مبلغ که از مالیات ملکی زردشتیان جهت فقرای زردشتی جزو دستورالعمل منظور است نامه سنوات قبل بدون معطلی منظور شود و آن تلگراف مرحمت شود. مقصود بنده این است اسباب زحمت و سرگردانی نباشد والا در استقرار تخفیف مزبور حرفی نیست و از جایی قطع نشده است. مستدعیم مقرر شود تلگراف مزبور امروز مرحمت شود.

اقل کیخسرو شاهرخ

مجدد، مبلغ کل تخفیف ۲۳۲ تومان است مستدعی است مبلغ هم رسیدگی و در تلگراف قید شود. نیز لازم است یادآور خاطر مبارک شود که مدتی قبل به عرض رسانید از کرمان تلگرافی کرده‌اند. دوایر ثلاثه می‌خواهند از جزئی مشروبات مصرف خانه‌های^(۲) زردشتیان مالیات بگیرند و وعده فرمودید تلگرافی مرحمت می‌فرمایید که

۱ - اصل : نوع.

۲ - اصل : خانهای.

موقوف شده است. چون اسباب زحمت آنهاست مستدعی است مقرر شود آن تلگراف هم مرحمت شود، متشکر خواهد بود.

[کیخسرو شاهرخ]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، ۹ ع ۱۳۲۹، نمره: ۸۲۹]

[حاشیه ۲]: - ارباب صحیح نوشته اگر تاکنون تلگراف مطابق دلخواه ارباب صادر نشده فوراً مطابق یادداشت که داده نوشته بفرستید امضا شده به جهت ارباب بفرستید و تصریح کنید تخفیف زردشتیان که معادل فلان مبلغ و خرج آمد دستورالعمل است به چه علت نپرداخته. اکیداً قلعغن^(۱) می شود بپردازند. [امضا]

[۲۴۰۰۰۱۶۶۱]

۳۹۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان به تهران، نمره ۱۴۹

به تاریخ ۳۰ [دلو] ایت نیل [۱۲۸۹] / [۲۰ صفر] ۱۳۲۹

شاهرخ. ۲۳۲ تومان کرمان وصول نخواهد شد. ۴۵ تومان سخت مطالبه دارند. آن جا اقدام، صدور حکمی فرمایید.

انجمن

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۲۵ حوت ۱۳۲۹، نمره: ۲۳۸۶۸]

[حاشیه ۲]: - کابینه - فوراً مخابره نمایید مطابق خرج آمد دستورالعمل دوست و سی و دو

تومان را مقرر دارند. پیشکار مالیه مطالبه نکنند و به قسمی که تخفیف داده شده معمول دارد.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۱۶۶۱]

۳۹۲

وزارت مالیه، اداره تحریرات ولایات، نمره ۲۳۸۶۸، به تاریخ ۲۳ صفر ۱۳۲۹

تلگراف، جواب نمره ۱۴۹

هو

آقای اعتبارالملک پیشکار مالیه کرمان

دوستان وسی و دو تومان تخفیف زردشتیان کرمان را البته مطابق خرج آمده دستورالعمل معمول داشته نگذارید دیگر در این باب اظهار نمایند.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۱۶۶۱]

* * *

۳۹۳

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۲۵۳۷۹، مورخه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۹

سواد مرقومه وزارت مالیه

تجارخانه جهانیان

مطابق قرارداد شفاهی درخصوص مقدار پانصد خروار گندمی که قرار بود برای دولت در ظرف دو ماه بطور امانت تهیه کرده حمل تهران نمایند، من باب تذکار یادآور می‌شود که لازم است از امروز شروع به این کار نموده و مقدار جنس مزبور را زودتر از

هر محلی که می‌دانید خریداری کرده حمل نمایید.

به موجب همین مراسله هر قدر گندم مزبور از برای شما از بابت قیمت و کرایه و سایر مخارج تمام می‌شود، مطابق صورت و دفتری که دارید وجه آن را دولت به این ترتیب می‌پردازد که پس از ورود جنس به حواله وزارت مالیه، گندم را تحویل خبازها داده وجه آن را به نرخى که وزارت مالیه معین می‌کند از خباز دریافت دارید و هر مقدار تفاوت قیمت پیدا کرد، جزء حساب دولت محسوب نمایید وزارت مالیه وجه آن را به شما خواهد پرداخت.

وزارت مالیه

سواد مطابق اصل است. [امضا]

[حاشیه]: - امر به ضبط فرماید.

[۲۴۰۰۰۷۸۳۲]

* * *

۳۹۴

تجارخانه خسرو شاه جهان و برادران، تهران، [نمره ندارد]، تاریخ ۱۸

جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ / [۲۵ اردیبهشت ۱۲۹۰]

به مقام منیع وزارت جلیله مالیه دام شوکت‌العالی

تاکنون چندین یادداشت به مقام منیع وزارت جلیله مالیه عرض و ارسال نموده، استدعا می‌نماید که امر و مقرر فرمایند که جواب لازمه هر یک از آنها را مرقوم فرموده و مرحمت فرمایند. عرض دیگر درخصوص قبض بیست و دوهزار و پانصد و نود و یک تومان^(۱) و کسری که آن وزارت جلیله مرحمت فرموده‌اند، الی حال هیجده‌یوم از وعده آن

می‌گذرد و فدوی بلا تکلیف مانده است. مستدعی است که در جواب این عریضه حواله آن را مرحمت فرمایند که مزید امتنان و تشکر خواهد بود. زیاده جسارت است. ایام جلالت مستدام باد

[مهر: خسرو شاه جهان و برادران تهران]

[امضا]

[حاشیه ۱]: - دفتر محاسبات کل. ۲۷ ثور [۱۲۹۰]

[حاشیه ۲]: [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۲۸ ثور ۱۳۲۹، نمره ۵۱۷۴]

[حاشیه ۳]: - جواب نوشته شود که این وجه از اعتباراتی پرداخته خواهد شد که برای تأدیه مخارج قشونی مقرر است به وزارت جنگ داده شود. ترتیب این کار عنقریب صورت انجام خواهد پذیرفت و طلب آن تجارتخانه تماماً پرداخت خواهد شد. [امضا]

[۲۴۰۰۰۳۷۰۴]

* * *

۳۹۵

(کیخسرو رستم پاریسی)، نمره ۵۶، به تاریخ هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۹

به مقام وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

این بنده گمان می‌کرد غرض اصلی عقلا و سران آزادی خواه از مجاهدت و خون‌ریزیها در تغییر سلطنت مستبدّه به مشروطه، فقط: رای، انضام، دستگاه دولت و آسایش افراد ملت بوده است و هرگاه از آن مقدمه این نتیجه مطلوبه حاصل نگردد، تمام مجاهدت و کوششها بی‌ثمر خواهد بود.

بعد از این مقدمه معروض می‌دارد، چنانچه کراماً عرض شده است اداره نظمیه به

حواله دواير ثلاثه به موجب قبضی که در دست می باشد غره رمضان المبارک ۱۳۲۸ مبلغ یک هزار و پانصد تومان از شعبه تجارتخانه بنده در ساری گرفته و از آن تاریخ تاکنون مبلغ مذکور بلاهیچ علت از وزارت جلیله مالیہ لاوصول مانده. اینست گناه کسی که یک اداره رسمی دولت را معتبر دانسته و به عنوان قرض به اداره رسمی دولت خود پول داده وزارت جلیله مالیہ به جواب عریضه بنده ۱۸ ربیع الاول شماره ۲۵۲۶۶ مرقوم داشته اند «اسناد خودتان را به اداره محاسبات کل وزارت مالیہ بفرستید تا در آن جا رسیدگی کرده تکلیف معین شود». اسناد به اداره محاسبات کل فرستاده شد. از آن جا رجوع به اداره خزانه کرده اند که این پول را دواير ثلاثه به جمع آورده یا نه. از خزانه راپورت داده شده است به محاسبات کل که رئیس دواير ثلاثه مازندران اظهار داشت «من این پول را از تجارتخانه ارباب کیخسرو گرفته ام و به نظمیه هم داده ام ولی چون اداره به هم خورد من به جمع خود نیاوردم» در هر صورت تکلیف این بنده نیست در این جزویات داخل شود این راپورت هم حق من نبود بدهم با اداره محاسبات کل بود ولی می گویم به موجب قبض رسمی اداره دولتی پول داده ام اداره ثلاثه و نظمیه مازندران یا این پول را به خرج دولت آورده یا نیاورده، اگر به خرج دولت آورده، بده دولت است^(۱) و باید وزارت جلیله مالیہ به من بدهد. اگر به خرج نیاورده باز باید وزارت مالیہ پول مرا بدهد و از مأمور خود بگیرد برای این که من به اداره پول داده ام نه به شخص رئیس اداره و باز عرض می کنم من در وصول طلب خودم غیر از دولت هیچ کس را نمی شناسم امید است که بیش از این وزارت جلیله مالیہ زحمت یک نفر تاجر ایرانی را نخواهد و مجبورم به اظهار

۱ - مقصودش این است که «بدهی، بدهی دولت است».

عرض حال به مقامات بالاتر نفرماید.

اقل کیخسرو رستم پارسی^(۱)

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۵ ع ۱۳۲۹، نمره ۱۲۴۵]

[حاشیه ۲]: - دفتر محاسبات کل [۲۴۰۰۰۱۱۹۵]

۳۹۶

وزارت مالیه، خزانه کل ممالک محروسه، نمره ۲۷۹، به تاریخ ۲۱ حمل [۱۲۹۰] /

[۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹]

دفتر محاسبات کل وزارت جلیله مالیه

در نمره ۱۶۳ راجع به یک هزار و پانصد تومان استقراضی دواير ثلاث مازندران از

۱ - از مطالعه این اسناد و همچنین اوراق تاریخی زرتشتی برمی‌آید که «ارباب کیخسرو رستم پارسی» از شخصیت‌های مهم زرتشتی بوده اما جز اشاره‌هایی کوتاه در مقالات مجلات زرتشتی درباره او شرحی نیافتم. آن گونه که از کتاب «قانون نامه» مانکجی صاحب برمی‌آید، ارباب کیخسرو از شاگردان او بوده است. وی در جریان مشروطه کمک‌هایی را به مشروطه‌خواهان انجام داد. (الف) هنگام ورود باقرخان و ستارخان به تهران که «انجمن زرتشتیان تهران» تصمیم به پذیرایی از ایشان گرفت، مشارالیه مخارج این کار را تقبل کرد تا بعداً جمع‌آوری و به ایشان مسترد گردد (ب) در تاج‌گذاری احمدشاه جهت مخارج به دولت کمک نمود (ج) ظاهراً با ورشکست شدن ارباب جمشید، تجارتش که در خطه مازندران بوده نیز دچار وقفه شد و طلبکاران از او شکایت کردند و دولت حکم توقیفش را صادر نمود که به وساطت ارباب کیخسرو شاهرخ این حکم لغو گردید. (د) این اسناد نشان می‌دهند که او از کمک به ادارات دولتی در هنگام تنگ‌دستی دریغ نداشته است.

(الف) اشیدری، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، ص ۲۵۱

(ب) مهنامه زرتشتیان، فروردین ۲۵۳۶، ص ۲۳

(ج) آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۲۴۰۰۰۰۳۶۴

(د) ر.ک: اسناد شماره ۴۰۲ و ۴۰۳

تجارتخانه ارباب کیخسرو، لزوماً آن اداره محترم را مستحضر می سازد قبل از آن که دوایر ثلاث آن محل الحاق به نظمیه شود برای مصارف لازمه نظمیه وجهی لزوم به هم رسانید که باید از دوایر ثلاث پرداخت شود. در آن موقع دوایر مزبوره وجه موجودی نداشت، رئیس دوایر ناچار از ارباب کیخسرو قرض نموده و به نظمیه آن جا پرداخت. اکنون چون این وجه به مصرف اداره نظمیه رسیده و بالفعل هم عمل دوایر راجع به نظمیه است و مبلغ مزبور را هم دوایر مازندران به جمع و خرج خود منظور نداشته، پرداخت آن به عهده نظمیه خواهد بود که از عایدات آن جا به ارباب کیخسرو کارسازی شود.

[مهر: از طرف رئیس خزانه]

[امضا]

[۲۴۰۰۰۱۱۹۵]

۳۹۷

ریاست وزرا، تاریخ ۱۷ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹، سواد مشروحه کیخسرو پارسی

به مقام منبع هیأت وزرای عظام دامت شوکتهم

به عرض می رساند از غره رمضان المبارک ۱۳۲۸ اداره نظمیه مازندران به حواله دوایر ثلاثه مازندران مبلغ یک هزار و پانصد تومان از تجارتخانه این بنده در ساری به موجب قبض دوایر ثلاثه که در دست می باشد دریافت نموده و پس از آن دوایر ثلاثه به هم خورده و از آن تاریخ تاکنون، چندان که به وزارت جلیله مالیه کتباً و شفاهاً عرض و اظهار شده، غیر از سرگردانی و معطلی نتیجه حاصل نگشته. لهذا این محاکمه را به محضر وزرای عظام آورده طلب یک حکم عادلانه می کنم. پس از آن که شخصی تاجر قبض اداره دولت خود را معتبر دانسته و یک اداره دولتی را در مازندران معطل نگذاشته و وجه

داده است، سزاوار نیست این همه مدت وزارت جلیله مالیّه وجه بنده را معوق و معطل بگذارند و مسامحه و تعلّل در پرداخت وجه جائز دانند. این بنده از دولت پول، مستمری یا مقرری نمی‌خواهد که باید تا این پایه قبول این همه خسارت و معطلی نماید فقط پولی که به اداره دولتی داده مطالبه می‌نماید. از هیأت وزرا عاجزانه استدعا می‌شود که به عرایض صادقانه این بنده غور فرمایند و از وزارت جلیله مالیّه آسودگی بنده را بخواهند. باقی اوامر وزرای عظام مطاع است.

اقل دعاگو کیخسرو ابن رستم پارسی، تهران

سواد مطابق اصل است.

[مهر: کابینه ریاست وزرا]

[۲۴۰۰۰۱۱۹۵]

۳۹۸

وزارت مالیّه، اداره محاسبات کل، به تاریخ ۷ ثور [۱۲۹۰] / [۲۹ ربیع الثانی] ۱۳۲۹

وزارت جلیله

سواد سند یک هزار و پانصد تومان استقراضی نظمیه مازندران، به ضمانت دوایر ثلاث آن جا، لغاً ارسال شد. تجارخانه ارباب کیخسرو چندی است این وجه را از وزارت مالیّه مطالبه می‌نماید. چون صورتی از جمع و خرج هیچ یک از نظمیه ولایات به دفتر محاسبات کل نیامده تشخیص نمی‌شود داد که نظمیه آن جا این تنخواه را علاوه برنامه بودجه مصوبه دریافت داشته یا از بابت حقوق حقّه محسوب شده است. لهذا قدغن فرماید به محاسبه نظمیه مازندران رسیدگی نموده هرگاه این مبلغ از بابت حقوق مصوبه استقراض شده باشد سند خرج به دفتر محاسبات کل ارسال دارند که تنخواه آن به

تجارتخانه ارباب کیخسرو تأدیه شود.

[امضا]

[حاشیه]: - اسناد به آقای کمالی داده شد. [امضا]

[۲۴۰۰۰۱۱۹۵]

۳۹۹

(کیخسرو رستم پاریسی)، نمره ۱۸۸، به تاریخ ۲۱ ج ۱۳۲۹

به مقام منیع وزارت جلیله مالیه

البته آن وزارتخانه جلیله می داند که اداره نظمیه مازندران به ضمانت دوایر ثلاثه و شهادت حکومت محلی، در غره رمضان المبارک ۱۳۲۸، یک هزار و پانصد تومان از شعبه تجارتخانه بنده در ساری به موجب سند کتبی مأخوذ داشته و هنوز مبلغ مذکور از طرف وزارت جلیله مالیه به تجارتخانه بنده عاید نگشته. با آن که تقریباً سه ماه متجاوز است، جناب آقای میرزا حیدرعلی کمالی برای وصول این وجه از طرف این تجارتخانه نامزد گشته اند و در تمام این مدت یا به وزارت مالیه یا وزارت جلیله داخله یا اداره نظمیه طرف بوده اند. به عبارت اخری برای تهاون وزارت جلیله مالیه در دوندگی و زحمت بوده اند. به علاوه عریضجاتی هم که در این خصوص از طرف تجارتخانه بنده به وزارت جلیله مالیه عرض شده جواب نمی رسد. اینست که لزوماً استدعا می شود که اولاً وزارت جلیله مالیه معین بفرمایند که طرف من برای وصول این پول تا کی باید در زحمت باشد. ثانیاً بفرمایند بدانم که یک تجارتخانه به گناه این که دولت خود را معتبر دانسته و به اداره رسمی دولت پول داده چقدر معطل بماند.

اقل کیخسرو ابن رستم پاریسی

[امضا]

[حاشیه ۱]: - اداره دفتری محاسبات کل. ۳۰ ثور

[حاشیه ۲]: - شعبه حوالات ملاحظه فرمایند، فوراً با سابقه به عرض برسد. [امضا]

[حاشیه ۳]: - در بوثه اجمال ماندن این وجه بیش از این روا نیست، مگر هر بی دست و پای که تکیه به یک جایی ندارد باید الی ماشاءالله از طلب خود محروم بماند؛

[حاشیه ۴]: - جناب آقای آقامیرزا یحیی خان. در این موضوع به واسطه تحصیل سند خرج شرحی به وزارت داخله نوشته شده که آن وزارتخانه مأخوذی نظمیه مازندران را تصدیق نموده، سند خرج برای تأدیه این مبلغ در وجه تجارتخانه به وزارت مالیه ارسال دارد. عجله تا وزارت مالیه تحصیل سند خرج نماید نمی تواند مبلغ مزبور را تأدیه نماید، خوب است سابقه را رجوع فرموده مراسله‌ای که چند روز قبل نوشته شده جداً تعقیب فرمایید که زودتر جواب برسد و وزارت مالیه از شکایات تجارتخانه آسوده شود.

[۲۴۰۰۰۱۱۹۵]

* * *

۴۰۰

وزارت داخله، نمره [ندارد]، مورخه ۱۹ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۱

سواد مشروحه اداره جهانیان

هو، تهران، به عرض اعضای محترم کمیسیون می‌رساند

البته اعضای کمیسیون که برای ترتیب و تقویت کار تجارتخانه این بنده از طرف دولت معین شده‌اند هیچ تردید نیست با آن وقتی که در معاملات این تجارتخانه فرموده‌اند اعتباراتی قلم داد کرده‌ام، هرگز حاضر برای توهین و هتک آبروی خود و اجزای تجارتخانه خود نیستم. بنده به ملاحظه این که پاره [ای] اشخاص کم حوصله بی تربیت بعضی از اوقات به الفاظ زشت درب حجره زحمت فراهم می‌کردند، داوطلبانه از دولت تقاضا نمودم که مراجعه به امور تجارتخانه بکنند و هرگاه بنده را به اعتبارات کافی دیدند

رفع این عناوین شرارت آمیز مردم را بنمایند. امروز از طرف اداره رسمی دولت اکرم الممالک که جزء اجزای خبّازی است به استناد مطالبه قبض یازده خروار [و] کسری جو که آقای سردار ناصر به آن اداره داده‌اند تقریباً ده نفر پلیس و ژاندارم به حجره بنده فرستاده بدون هیچ مقدمه [ای]، هیچ از شرارت و بی‌شرمی باقی نگذاشتند و شیشه درب حجره را شکسته، اجزای اداره را قهراً از حجره بیرون کرده و کتک زده درب حجره را قفل کرده‌اند. پس از آن یک نفر را از اجزای اداره، سروش نام، کلید درب حجره را از مأمورین گرفته، مأمورین مذکور نیز مشارالیه را کتک زده و برده‌اند نزد اکرم الممالک و در آن جا خواسته‌اند کلید را از مشارالیه اخذ نمایند، نداده، بعد از آن اکرم الممالک به مأمورین حکم می‌کند فشنگ را به تفنگ گذاشته باشند، از عقب یک نفر مأمور دست به جیب مشارالیه کرده کلید را بیرون آورده‌اند و یک نفر دیگر از اجزای اداره با قنذاق تفنگ زده‌اند که آثار آن معین است.

این است که این مسأله فقط اسباب توهین و خرابی کار بنده است بلکه اجازه شرارت آتیه به اهالی مملکت خواهد داد، در صورتی برای کمیسیون مجازات و جبران این حرکت که از غرض شخصی اکرم الممالک بروز کرده ممکن باشد رفع مفاسد آتیه را نتوانند بفرمایند، لازم است صریحاً بفرمایند تا پس از عرض به هیأت دولت چاره دیگر برای نگاه‌داری خود بنمایم. در موضوع قبض هم اینست که آقای سردار ناصر یازده خروار و هفتاد [و] هشت من جو به اداره جهانیان تحویل داده قبض گرفته و در مقابل هم حساب به اداره دارند و بدهکار می‌باشند علاوه بر آن به موجب اجازه شفاهی خودشان این جو فروخته شده و از بابت حساب محسوب شده است معلوم نیست به چه نیت این اقدام را فرموده‌اند. در حیرتم اداره خبّازخانه از روی چه قاعده این حرکات را کرده است عاجلاً مجازات و جبران این اقدام را تقاضا می‌نماید.

محل امضای بهرام شاه جهان

سواد مطابق اصل است. [امضا]

[۲۴۰۰۰۴۶۴۶]

۴۰۱

وزارت داخله، اداره مرکزی، نمره ۱۲۳۴، مورخه ۲۲ جمادی الآخر ۱۳۳

ضمیمه: سواد

جناب مسیو مرنارد خزانه‌دار کل

سواد مراسله آقای معذل الدوله رئیس کمیسیون مراجعه به حساب اداره جهانیان به ضمیمه شرحی که از اداره مذکوره در موضوع حرکات بی‌رویه اکرم‌الممالک به وزارت داخله رسیده است جوفاً ملاحظه می‌نمایید چون مشارالیه برخلاف ترتیب مأمور به اداره جهانیان فرستاده و نسبت به اجزای اداره بدرفتاری کرده و درب پنجره و شیشه‌ها را شکسته، لهذا لازم است که جداً از مشارالیه مؤاخذه نموده و نتیجه را به وزارت داخله اطلاع دهید.

[مهر: وزارت داخله]، [امضا: سلطان عبدالمجید]

[۲۴۰۰۰۴۶۴۶]

* * *

۴۰۲

[جمادی الآخر ۱۳۳۱]، ^(۱) خیلی فوری

به حکومت مازندران رمز شود

در باب توقیف ارباب کیخسرو رستم‌پارسی از وزارت خارجه تلگراف رمزی به

کارگزاری^(۱) آن جا شده است. اینک لزوماً زحمت می‌دهم که از طرف حکومت جلیله نیز باید در توقیف مشارالیه با کارگزاری مساعدت بشود و بعد از توقیف باید فوراً او را تحت‌الحفظ به تهران بفرستید که به حساب و دفاتر او رسیدگی و بعضی شکایات که از او دارند رفع شود. قبل از توقیف او هم نباید که این حکم توقیف او انتشار پیدا کند. منتظر نتیجه اقدامات حکومت جلیله هستم.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۵۸۱۸]

* * *

۴۰۳

۱۴ جمیدی‌الآخری ۱۳۳۱

هو

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف امجد عالی آقای قوام‌السلطنه مدظله وزیر مالیه

۱- از آن جایی که گاهی کثرت وجد، شخصی را مبهوت می‌سازد به واقع بنده نیز خصوصاً در این موقع که از عنایات حضرت مستطاب عالی، کیخسرو^(۲) از توقیف خارج شد، از کثرت خیال که به چه وسیله عرض تشکر نماید مات و مبهوت گردیده همین قدر از خدای توانا بیش از اینها توانایی و کامکاری و فیروزی وجود مبارک را درخواست و التماس دارم.

۲- درخصوص حفریات از قرار معلوم موسیو داشر وارد شده باقی موقوف به بذل توجهات حضرت مستطاب عالی است.

۱- اصل همه جا: کارگزاری.

۲- ارباب کیخسرو رستم کرمانی.

۳- بابت معامله موزر بین خزانه‌داری کل و شرکت یگانگی پارسیان^(۱) حسب الامر مبارک عین صورتی که داده‌اند لفاً تقدیم و استدعاست حال که اعطای اجازه برای خودشان ممکن نیست، مقرر شود اولاً تتمه حساب آنها را بپردازند و ثانیاً یا جواز آن به خود این شرکت مرحمت شود ارسال دارند. چون جواز باید همراه جنس باشد و پس از ورود دولت ضبط و هر مخارجی از آن بابت وارد آید مرحمت فرماید و یا شرکت خطاب نامه بدهد که در برلین عین جنس را تحویل مأمور دولت کنند. علی ای حال هر قسم رأی مبارک مقتضی است مقرر شود به این کار خاتمه دهند که بیش از این به حضور مبارک جسارت نشود.

اقل کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - به خزانه بنویسید.

[حاشیه ۲] (که در کنار شماره ۳ از نامه فوق‌الذکر نوشته شده): - از جمله اخیره باید سواد نوشته شود.

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

۱- مؤسس این شرکت ارباب گیو شاهپور در سال ۱۲۵۵ ه. ش در یزد به دنیا آمد. در حدود ۲۰ سالگی به تهران آمد و در حجره پدرش واقع در دالان امین‌الملک به کار بازرگانی مشغول گردید. او اولین زرتشتی بود که باب بازرگانی با اروپا را مستقیماً باز کرد. به زبان‌های روسی و فرانسه آشنایی داشت و در سال ۱۳۲۸ ق / ۱۲۸۹ ش «شرکت یگانگی پارسیان» را تشکیل داد و تا سال ۱۳۱۱ ش که در قید حیات بود در آن شرکت به امور بازرگانی رسیدگی کرد

از بدو تأسیس «انجمن زرتشتیان تهران» تا پایان عمر به عضویت آن انجمن انتخاب شد. وراثت پس از درگذشتن او در سال ۱۳۲۷ ش ساختمان دبستان گیو را به یاد او تأسیس نمودند و به انجمن زرتشتیان واگذار کردند. برادر او ارباب رستم گیو بود که پس از کشته شدن ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده مجلس شورای ملی گردید.

(برای اطلاع از احوال او رک: «ارباب گیو شاهپور گیو»؛ مهنامه زرتشتیان، شهریور ۱۳۵۳، ص ۴ و برای اطلاع از احوال ارباب رستم گیو رک: سند شماره ۴۸۷)

۴۰۴

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۲۳۸۸، تاریخ ۴ جوزا [۱۲۹۲] /

۱۸ جمادی الاخری ۱۳۳۱

اداره خزانه داری کل

در باب اسلحه راجع به شرکت یگانگی پارسیان که قرار شده بود قیمت اسلحه داده شود و اسلحه را پس از ورود برای دولت ضبط کنند، از قرار توضیحاتی که آقای ارباب کیخسرو داده اند، کلیه قیمت و مخارج حمل اسلحه مزبوره، دوهزار و هشتصد و هشتاد و یک تومان و سه هزار و کسری است و از این مبلغ معادل دوهزار و ششصد تومان به اداره شرکت پارسیان رسیده و تتمه باقی است که باید پرداخته شود و چون ورقه جواز برای حمل اسلحه مزبوره لازم است، تقاضا کرده اند که تتمه قیمت اسلحه پرداخته شود و جوازنامه را به خود شرکت بدهند که اسلحه را حمل نموده، پس از ورود به سرحد تحویل اداره گمرک نمایند که برای دولت حمل به تهران شود. یا این که شرکت مزبور چیزی بنویسند که در برلن این اسلحه را به مأمور دولتی ایران تحویل و تسلیم نمایند حالا لازم است که خزانه داری اولاً هر چه از بابت قیمت اسلحه باقی است زودتر به اداره شرکت مزبور پرداخته ختم عمل نمایند، ثانیاً برای حمل اسلحه هم هر یک از این دو شق را صلاح و مقتضی می دانند، ترتیب آن را داده نتیجه اقدام را اطلاع دهند که در جواب به آقای ارباب کیخسرو اعلام شود.

[امضا]

چون دولت این موزرها را لازم خواهد داشت و از طرف خزانه داری سابق خواسته شده است لازم است زودتر ترتیب فسخ این معامله و آوردن اسلحه مزبوره را بدهید.

[امضا]

[۲۴۰۰۵۵۰۲]

۴۰۵

نمره ۶۶۱۹، مورخه ۱۷ ژون ۱۹۱۴ / [۲۸ خرداد ۱۲۹۳]، سواد

مراسله خزانه‌داری کل

وزارت جلیله مالییه

مرقومه نمره (۲۳۸۸) مورخه ۷ جوزا زیارت شد. نمی‌دانم خاطر مبارک از اقداماتی که این بنده در خصوص کمپانی یگانگی پارسیان نموده‌ام برای این که نگذارم این شرکت بدون جهت مبلغ ۳۱۷۰ تومان از خزانه بگیرد مسبوق هست یا نه. به هر جهت لازم است به حضور مبارک عرض نمایم که در این مسأله بنده زیاده از حد خودداری و غمض عین نموده‌ام فی‌الحقیقه خزانه دولت نباید آن قدرها با اشخاص متفرقه که می‌خواهند بای نحو کان و به نقل پاره‌ای قصص وجهی برای نفع شخصی جلب نمایند مذاکره و مباحثه لایتناهی نماید و حضرت اجل امجد عالی نیز قدری دورتر رفته و اظهار دلسوزی و ترحم به این گونه اشخاص فرموده بخواهند احسانی درباره آنها منظور فرمایند. امیدوارم پس از ملاحظه سواد مراسلاتی که ملفوف است تصدیق خواهید فرمود که فرستادن ژاندارم تنها چاره است برای رفع پاره اقدامات که ناگزیر خواهد بود. خزانه‌دار کل

[حاشیه]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالییه، به تاریخ ۲ عقرب ۱۳۳۲، نمره: ۶۰۶۶]

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

۴۰۶

شرکت یگانگی پارسیان - تهران، نمره ۴۳۷/۴، تاریخ ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۳۲ /

[۱۹ مرداد ۱۲۹۳]

مقام منیع وزارت جلیله مالییه

در موضوع خرید اسلحه، حسب‌الفرمایش مسیو شوستر خزانه‌دار سابق که مراتب^(۱)

سابقاً به آن وزارت جلیله عرض شده است، الی کنون به همین قسم بلا تکلیف و اسلحه‌ها نزد فابریک^(۱) در آلمان توقیف است. لهذا برای عدم مسؤولیت خود شرایح ذیل را به عرض می‌رساند:

اولاً: به واسطه بی‌روغنی و رطوبت ممکن است اسلحه‌ها خراب و به کلی فاسد شود. دویم: به قسمی که فابریک هر شش ماهه صورت می‌دهد، عنقریب مطابق قیمت اسلحه خرج انبار و بیمه و غیره به آنها تعلق خواهد گرفت.

سوم: در این موقع که در آلمان جنگ شروع شده است ممکن است که خطرات از جمله چپاول و سوختن و غیره به میان آید و به کلی مال از میان برود. بدیهی است که در این موقع کمپانی بیمه به واسطه جنگ از عهده خسارات به طوری که مرسوم است بیرون نخواهد آمد. البته بر اولیای آن وزارت جلیله فرض است که هر قسم صلاح دولت می‌دانند معمول دارند، این تجارتخانه به کلی خود را مسؤول هیچ گونه خرج و خطری نمی‌داند.

[مهر: از طرف شرکت یگانگی پارسیان]

[امضا: اقل گیوشاپور پارسی]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ: ۲۶/ اسد ۱۳۳۲، نمره ۳۲۷۷]

- جواب نوشته شود توضیح بدهید اسلحه چیست، چقدر است، با اجازه کی می‌خواستید وارد نمایید اگر اجازه از دولت داشتید چرا تا به حال وارد نکردید برای کی می‌خواستید وارد نمایید لازم است تفصیل را شرح بدهید تا به طوری که مقتضی است اقدام شود.

[حاشیه ۲]: ریزکل سابقه را طلب کنید با کمال دقت جواب نوشته شود. ۲۶/اسد

[۲۴۰۰۵۵۰۲]

۴۰۷

شرکت یگانگی پارسیان - تهران، نمره ۱۸/۵، تاریخ ۱۷ شهر شوال ۱۳۳۲

مقام منیع وزارت جلیله مالیه

مراسله جوابیه شماره ۳۱۹۳ واصل و زیارت گردید. درخصوص اسلحه‌های موجودی در آلمان که در خط شماره ۴۳۷/۴ عرض شده است توضیحات خواسته‌اید اگر چه توضیحات آن^(۱) کاملاً قبلاً به وزارت جلیله مالیه و خزانه‌داری کل داده شده است، مع‌هذا برحسب مقرر آن وزارت جلیله تکرار می‌شود.

میستر شوستر خزانه‌دار سابق در زمان خزانه‌داری اش مبلغ دوهزاروششصد تومان وجه به ارباب گیو که یکی از شرکای این شرکت است داد که موازی ۱۵۰ عدد موزر و سی‌هزار عدد فشنگ از فرنگ خریداری و بقیه هر چه می‌شود دریافت داریم. اسلحه مذکور خریداری و با کلی پستال^(۲) به طریق معمول حمل به ایران شد. اتفاقاً به سرحد روسیه که رسید مسئله التیماتوم دولت روس به دولت ایران پیش آمد و عبور اسلحه‌ها با یامرگ و یا استقلال ایران مصادف شد و روسها در سرحد مانع از عبور اسلحه‌ها شدند و به کارخانه مرجوع داشتند. کارخانه تلگرافاً خبر داد. ما هم به شخصی که میستر شوستر معین کرده بود اطلاع دادیم که به تکلیف خود عمل نمایند. ولی متأسفانه اقدامی ننمودند

۱- اصل: آن را.

۲- کلی پستال = امانت پستی که با راه‌آهن جابجا می‌شود.

و هر گونه پیشنهادی هم از طرف این تجارتخانه برای اتمام آن شد نپذیرفتند و مال در کارخانه توقیف ماند در چندی قبل فشنگ ها چون نزدیک به خراب شدن بود و مخارج زیاد هم برمی داشت، لابداً به میزان نازلی به خود کارخانه واگذار نمودیم که از بابت وجه بیمه و غیره محسوب نماید. ولی موزرها تا قبل از جنگ به حال خود باقی بود که مراتب را به آن وزارت جلیله عرض نمودیم تا به تکلیف خود عمل نمایند. واضح است که مطابق همان خط این اداره به کلی مسؤول هیچ گونه خرج و خطری نخواهد بود.

[مهر: از طرف شرکت یگانگی پارسیان]

[امضا: اقل گیوشاپور پارسی]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ: ۱۸ سنبله ۱۳۳۲، نمره: ۳۸۱۶]

[حاشیه ۲]: - باسابقه به عرض برسد. ۱۸ سنبله

[حاشیه ۳]: - این کار سابقه دارد، در وزارت مالیه هم موجود است. جواب کاغذ اولی شرکت پارسیان بی ربط نوشته شده است. به هر حال سواد همان کاغذ را در آن جا لحاظ بفرمایند و تحقیق نمایند که بالاخره چه قراری برای این کار دادند.

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

۴۰۸

خزانه داری کل ایران، نمره ۱۷۱۱۵، ۱۷ برج میزان [۱۲۹۳] /

[۱۹ ذی قعدة] ۱۳۳۲

وزارت جلیله مالیه

در جواب مرقومه محترمه نمره (۳۷۳۷) مورخه ۲۴ سنبله با کمال افتخار خاطر مبارک را مستحضر می سازد که خزانه داری کل مایل به تحصیل صدوپنجاه قبضه رولور

ماوزر نبوده و از طرف دیگر مایل نبوده است که خود مستقیماً آنها را از خارجه وارد نماید. لهذا به گيو سفارش تهیه آنها را داده و مشارالیه تعهد نموده که ماوزر و فشنگ آنها را به خزانه‌داری کل تهران تحویل بدهد. در تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۱۱ مبلغ دوهزار و ششصد تومان علی الحساب به گيو پرداخته شد، پس از آن گيو به خیال این که ماوزرهای مذکور را خود برداشته و به فروش برساند، (مراسلاتی که به خزانه‌داری نوشته و تقاضای اجازه برداشتن ماوزرها را برای خود نموده این مسأله را ثابت و محقق می‌دارد) انواع تدابیر برای تأخیر ورود آنها به عمل آورده، چون از ابتدای امر خزانه‌داری کل مایل نبود که در مسأله ورود ماوزرهای مذکور به هیچ وجه خود مستقیماً داخل شود و به همین جهت اسم سفارش ورود آنها را خود مستقیماً نداده با ادای حق الزحمه‌ای به گيو واگذار نمود. لهذا مداخله در جزئیات و علت تأخیر ورود آنها برای خزانه‌دار کل غیرممکن می‌باشد. اکنون چون این امر مدت زمانی است که به طول انجامیده و به علاوه نظر به احتیاج فوری که خزانه‌دار کل به وصول مطالبات خود دارد، لهذا این بنده به اداره اجرای خزانه‌داری امر نمودم که جداً برای وصول دوهزار و ششصد تومان اصل به علاوه تنزیل سه ساله آن از قراری صدی دوازده که جمعاً ۳۵۳۶ تومان می‌شود گيو را تعقیب نماید. سواد مراسله که سابقاً راجع به همین مسأله از طرف خزانه‌داری کل به وزارت جلیله مالیّه ارسال شده است لفاً تقدیم حضور مبارک می‌نمایم.

کفیل خزانه‌دار کل

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیّه، به تاریخ: ۲ عقرب ۱۳۳۲، نمره ۶۰۶۶]

[حاشیه ۲]: - با سابقه به عرض حضور مبارک برسد. ۲۰ میزان

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

۴۰۹

وزارت مالیه، نمره ۵۵۹۸، تاریخ دوم ذی حجه ۱۳۳۲ / ۲۹ میزان [۱۲۹۳]

در باب گفتگوی شرکت پارسیان راجع به خرید یک صد و پنجاه قبضه موزر

کفیل خزانه داری کل

از شرح مراسله جوابیه نمره (۱۷۱۱۵) راجع به خرید یک صد و پنجاه قبضه موزر که مربوط به تجارتخانه پارسیان است اطلاع حاصل شد. سواد مراسله سابق را هم که به عنوان وزارت مالیه و به امضای موسیو مرنارد بوده، تلواً ارسال داشته بودید ملاحظه شد. با دوسیه و سوابق که راجع به این مسأله در وزارت مالیه موجود است معلوم می شود که مندرجات دو فقره مراسله فوق را بدون مراجعه به سابقه نوشته اند. در مراسله اخیر اظهار داشته اید که خزانه داری کل مایل به تحصیل این مقدار ماوزر نبوده و حال آن که مستر شوستر در اوایل تشکیل خزانه داری این مقدار اسلحه را به اطلاع دولت لازم دیده و مستقیماً به تجارتخانه مزبور سفارش داده. تجارتخانه هم پس از اخذ دو هزار و ششصد تومان به رسم علی الحساب به کارخانه برلن تلگرافاً دستور العمل داده و کارخانه هم تلگراف قبول را جواباً مخابره کرده و تقریباً به فاصله دو ماه اسلحه مزبور وارد سرحد شد. چون در نقاط سرحدی آشوب و انقلاب بوده مأمورین دولتی روس گلی پستال های اسلحه را برگرداندند. بعد که تجارتخانه مطلع شد اقدامات آن تجارتخانه به انفصال مستر شوستر و خزانه داری مسیو مرنارد مصادف گردیده فقرات ذیل را به خزانه داری پیشنهاد کرده :

- ۱- تمدید و تجدید اجازه ورود اسلحه که هر زمان ممکن شد برای دولت حمل کنند.
- ۲- تأدیه باقی قیمت اسلحه و حواله دادن تجارتخانه به کارخانه برلن که عین صندوقهای اسلحه را به نماینده دولت ایران تحویل بدهند.

۳- اجازه حراج کردن که در برلن به اسم دولت ایران اسلحه را حراج کنند هر چه شد پولش به دولت برسد.

۴- تنخواهی که از این بابت به تجارتخانه داده شده پس بدهند و اسلحه به خودشان واگذار و اجازه نامه داده شود که در موقع [مقتضی] وارد کنند.

از خزانه‌داری ابداً جوابی به تجارتخانه نداده‌اند. چنانچه این تفصیل را وزارت مالیه در هفتم جوزای اودئیل به نمره (۲۳۸۸) به خزانه‌داری نوشته، ابداً جواب نرسید که حالا سواد جواب آن نمره را ضمن مراسله آخره ارسال داشته‌اید. دیگر این که تجارتخانه منکر است از این که به تنهایی وبالخصوص اجازه تفویض اسلحه را در حق خود تقاضا کرده باشد. به هر حال سفارش این اسلحه از طرف خزانه‌داری دولت بوده است و هرگز سزاوار نیست در این صورت ضرر آن متوجه به تجارتخانه شود. به نظر من اصلح آن است که قدغن نمایند عجاله مأمورین اجرا مزاحم گویو نباشند و خودتان گویو را خواسته با او قراری بدهید که هم حق دولت ضایع نشود و هم به تجارتخانه بی‌جهت ضرر وارد نیاید.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

۴۱۰

خزانه‌داری کل ایران، نمره ۲۱۷۸۷، تاریخ ۹ برج قوس [۱۲۹۳] /

[۱۵ محرم] ۱۳۳۳

وزارت جلیله مالیه

در جواب مرقومه محترمه آن وزارت جلیله نمره (۶۰۵۲) خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که بعد از امتحان عمیق دوسیه خزانه‌داری کل تمام دعوی دولت را تصدیق و

شکایات کمپانی یگانگی پارسیان را به کلی رد می‌کند. چرا که توضیحات آن کمپانی هیچ اساس و مدرکی ندارد و این مطلب بسی واضح است که تأخیر در رسیدن اسلحه و فشنگها فقط تقصیر کمپانی مزبور است و مشارالیه از اول این عمل تاکنون سعی کرده خطاهایی که از نفهمیدگی حامل در برلن شده و اسلحه را بدون اجازه حق‌العبور روسیه فرستاده به گردن دولت بیندازد.

کمپانی مزبور این سفارش اسلحه را از مسیو شوستر بدون هیچ شرطی قبول کرده و این واقعه در ایامی شده است که روابط مابین دولتین ایران و روسیه قدری تاریک بوده و مسیو شوستر نه خودش خواسته که از دولت روسیه تقاضای بکند و نه راضی شده که دولت تمنایی نماید. اما بعد از برگرداندن صندوقها به برلن کمپانی مزبور برای این که از عهده قرارداد خود برآید می‌بایستی که یا خودش اجازه حق‌العبور از روسیه را تحصیل کند و یا آن که از راه دیگری صندوقها را با پول خودش به ایران حمل نماید.

به دو خیال باطل اقدام به این عمل نکرده، یکی آن که شاید مخارجش را تحمیل دولت کند یا آن که یک مساعدت جدید به او بشود، ولی چون دعاوی کمپانی بی‌اساس بوده بدین جهت مقبول نیفتاده. از آنچه در فوق عرض شد معلوم می‌شود که این قبیل اشخاص به واسطه سستی و اقدامات دولت و طمع زیاد از راه راست خارج شده یا خود را به سبب عدم بصیرت متضرر می‌سازند و یا آن که منافع بی‌حساب می‌برند.

کمپانی یگانگی پارسیان از سه سال [پیش] به این طرف برای رسیدن موزرها و فشنگها به تهران هیچ اقدامات جدی نکرده و خیلی مضحک است که در این موقع جنگ اروپا را دلیل قرار می‌دهد و حال آن که هنوز چهار ماه نیست که جنگ شروع شده است. دولت هم در مقابل کمپانی هیچ تعهدی نکرده، جز این که عده‌ای اسلحه سفارش شده را در تهران تحویل بگیرد و قیمتش را بپردازد. در این صورت خزانه‌داری کل تصمیم کرده

است که پس از این به واسطه تأخیر بی‌جهتی که در این امر شده دیگر اسلحه‌ها را هم تحویل نگیرد و مبلغ دوهزاروششصد تومانی را که دولت به رسم مساعده به کمپانی مزبور داده است با تنزیل معمولی مطالبه نماید. در این موقع نمی‌توانم تصور بکنم که چطور وزارت جلیله مالیّه در صورتی که دعاوی خزانه‌داری ثابت و حقه است راضی شده که به حرفهای بی‌اساس کمپانی توجه نموده و پول مستمری بگیران ناتوان یا پولی که باید به مصارف لازمه زده شود در چنین موقعی نزد کمپانی یگانگی پارسیان بگذارد. برای گذشتن عمل فقط از راه خیرخواهی و برای این که وزارت جلیله مالیّه وساطت کرده، خزانه‌داری کل حاضر است که از کمپانی تنزیل فوق‌العاده نخواهد و ضرری که از تأخیر حمل اسلحه به دولت وارد آمده ادعا نکند و ضمناً پیشنهاد بکند که به کمپانی اجازه ورود اسلحه به ایران برای تجارت شخصی در صورت پرداخت حق معافیت داده شود، به شرط این که فوراً مبلغ دوهزاروششصد تومان که مدتی است بی‌جهت نزد مشارالیه مانده کارسازی دارد. اگر کمپانی مزبور این شرایط مساعدت‌آمیز و خیرخواهانه را بدون تأخیر قبول نکند خزانه‌داری کل مجبور خواهد بود که این وجه را در کمال سختی مطالبه نماید.

کفیل خزانه‌داری کل، [امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیّه، به تاریخ: ۱۰ قوس ۱۳۳۳، نمره: ۷۸۹۶]

[حاشیه ۲]: - به عرض حضور مبارک برسد. ۱۰ قوس

[حاشیه ۳]: - فرمودند آقای معاون اقدام فرمایند. ۱۴ قوس

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

۴۱۱

وزارت مالیه، نمره ۳۹۳۸۵، به تاریخ ۲۷ دلو ۱۲۹۶ / [۴ جمادی الاول]

۱۳۳۶، ضمیمه سواد مراسله نمره ۲۱۷۸۷ خزانه داری کل، موضوع حمل

اسلحه به توسط کمپانی یگانگی پارسیان

اداره شرکت یگانگی پارسیان

در جواب مراسله نمره (۱۸/۵) آن اداره درخصوص خرید اسلحه و ادوات جنگی و مهمات از دولت آلمان که می بایستی به توسط آن اداره حمل به ایران شده باشد، سواد مراسله اخیر اداره خزانه داری کل که در جواب مشروح این وزارت خانه در طی نمره ۲۱۷۸۷ نوشته است برای اطلاع و استحضار آن تجارتخانه لفاً ارسال و لزوماً اشعار می دارد که هرگونه اقدامی را در باب انجام و ختم آن عمل نموده اید، هر چه زودتر وزارت مالیه را مستحضر نموده و از کیفیت آن توضیح بدهید.

[امضا]

[حاشیه]: - سواد مراسله خزانه نوشته شد.

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

۴۱۲

شرکت یگانگی پارسیان - تهران، نمره ۱۸۳/۸، تاریخ ۳ جمادی الثانی ۱۳۳۶

مقام منیع وزارت جلیله مالیه

مرقومه محترمه مورخه ۸ حوت نمره $\frac{۳۹۳۸۵}{۱۹۹۱۲}$ به انضمام سواد مراسله خزانه داری

کل واصل و جواباً عرض می شود:

اولاً از نسبت هایی که خزانه داری کل به این تجارتخانه داده جداً تکذیب می نمایم و تعجب

می‌نماییم خزانه‌داری کل چگونه راضی شده است بدون رعایت شرافت تجارتخانه این گونه نسبت‌های بی‌اساس بدهد.

ثانیاً در موضوع اسلحه استفسار فرموده‌اند اینک اختصاراً به عرض می‌رساند اسلحه‌ها به موقع خود در برلین به امانت دولت خریداری و حمل شده، ولی چنان که خود خزانه‌داری کل تصدیق فرموده‌اند در آن زمان به واسطه تیرگی مناسبات بین دولتين ایران و روس از سرحد روسیه نگذاشتند عبور نماید و مرجوع به آلمان نموده‌اند و این تجارتخانه به حدود قوه خود و آنچه به قانون تجارتی وظیفه امانت کاری‌اش بوده عمل نموده و ذره‌ای غفلت نکرده. حتی مکرر به موسیو مرنارد خزانه‌دار و غیره پیشنهاد کرده، اجازه بدهند از طریق بنادر دیگر حمل شود متأسفانه تمام به مسامحه گذشته و اجازه ندادند و موقع جنگ هم موانع عمومی پیش آمد و راه چاره بسته شد و به همان حال باقی است تا جنگ خاتمه یابد و راه آلمان باز شود که به مساعدت دولت و سفارت ایران در برلین اقدامات لازمه به عمل آمده نتیجه حاصل شود. البته تصدیق خواهند فرمود آن قسمی که مسأله دولتی است اقدامات آن فقط منحصر به دولت بوده و هست و به کلی از عهده این تجارتخانه خارج بوده و می‌باشد. البته واضح است و لازم به تکرارش نیست که این تجارتخانه اسلحه نداشته که به دولت بفروشد و فقط به امانت دولت اسلحه‌ها را به کارخانه سفارش داده و کلیتاً از هر حیث راجع به دولت است. ضمناً لزوماً به عرض می‌رساند که این تجارتخانه مبالغی علاوه از وجه دولت بابت خرید و خرج پرداخته و طلبکار است. زیاده جسارت است.

[مهر: از طرف شرکت یگانگی پاریسیان]

[امضا: اقل گیوشاپور پاریسی]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ: ۲۱ حوت ۹۶، نمره: ۴۲۹۳۳]

[حاشیه ۲]: - [مهر: دفتر اداره محاسبات کل مالیه، به تاریخ ۱۲/۲۱، نمره: ۲۱۶۶۸]

[حاشیه ۳]: - به سابقه رجوع شود. ۲۷ حوت

[حاشیه ۴]: - سابقه. ۲۹ حوت

[حاشیه ۵]: - سابقه ضمیمه شد.

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

۴۱۳

وزارت مالیه، اداره محاسبات کل، نمره ۷۸۹۶/۴۲۱۳۳، تاریخ ۷ حمل ۱۲۹۷^(۱) /

[۱۵ جمادی الثانی] ۱۳۳۶، ضمیمه: سواد مراسله نمره (۱۸۳/۸)

شرکت یگانگی پارسیان، موضوع: خرید اسلحه از آلمان

اداره خزانه داری کل

در جواب مراسله نمره (۲۱۷۸۷) اداره خزانه داری کل مورخه ۹ برج قوس سنه ماضیه ۱۳۳۳ راجع به خریداری اسلحه و مهمات جنگی دولت ایران از آلمان از قبیل شش هزار قبضه تفنگ و سه میلیون عدد فشنگ تفنگ و بعضی اسبابهای احتیاطی برای توپ مسلسل و فشنگ....^(۲) و آلات و ادوات توپ و تفنگ که خاطر اداره خزانه داری کل کاملاً مستحضر است اخیراً توضیحی از اداره شرکت یگانگی کمپانی پارسیان از طرف وزارت مالیه خواسته شده، اینک در طی مراسله نمره (۱۸۳/۸) از شرکت مذکور شرحی واصل گردیده است. برای تکمیل اطلاع و استحضار آن اداره سواد آن را لغاً ارسال و اشعار می دارد که در ثانی عقیده و اطلاعات خود را برای حصول اطلاع و

۱ - اصل: ۱۲۹۶.

۲ - ناخوانا.

استحضار وزارت مالیه کاملاً اشعار داشته توضیحاتی که لازم است در این باب بدهید که در ثانی هر طور مقتضی باشد اقدامات مفیده به عمل آید.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۵۵۰۲]

* * *

۴۱۴

انجمن زرتشتیان تهران، نمره $\frac{۱۴۹}{۴}$ ، به تاریخ دهم ذی قعدة ۱۳۳۱، تهران

مقام منبع وزارت جلیله داخله

در سنه ماضیه مبالغی مال التجاره زردشتیان در حوالی یزد به دست سارقین عرب باصری به سرقت رفته، در همان اوقات که مسؤولیت امور فارس و نیابت ایالت با آقای قوام‌الملک بود این انجمن تلگرافاً از معزی‌الیه درخواست اقدام در وصول و ایصال نمود. جواب تلگراف را به این مضمون مخابره نمودند که صاحبان مال دو نفر نماینده به ده‌بید نزد رضاقلی نام بفرستند اجناس را تحویل گیرند و تجار صاحب مال نمایندگان خود را روانه کردند متأسفانه در آن اثنا نایره جدال در آن صفحات به شدت مشتعل گردید و نمایندگان تجار موقع اقامت را ناصواب دیده ترک آن جا کردند.

در هذه السنه مراتب به ایالت جلیله فارس عرض شد، مجدد مقرر فرمودند نماینده تجار معین شود و شده و امر به استرداد اموال فرمودند لکن از قرار تلگرافی که نماینده تجار از آباده کرده بدون مساعدت و تقویت ریاست ژاندارمری آن صفحات کامرانی کامل برای او بی‌اشکال نیست. بدان روی استدعاست از طرف آن وزارت جلیله امر و مقرر شود از جانب ریاست کل ژاندارمری مرکزی به ریاست ژاندارمری آن صفحات امر

شود در وصول و ایصال مال التجاره مزبوره که شصت....^(۱) بوده لازمه مساعدت را بنمایند تا یک درجه جبران خسارات کلی تجار بیچاره به عمل آمده، آسوده مشغول کسب و دعاگویی باشند.

رئیس انجمن زردشتیان تهران

[امضا: کیخسرو شاهرخ]، [مهر: انجمن زرتشتیان تهران]

[حاشیه ۱]: - اداره ولایات

[حاشیه ۲]: - جنوب، باید از ایالت استعلام شود.

[۲۹۳۰۰۶۰۴۴]

* * *

۴۱۵

وزارت داخله، نمره ۸۹، تاریخ ۱۰ ثور [۱۲۹۳] / ۴ جمادی الاخر ۱۳۳۲

صادره: تلگراف، فوری است

به حکومت یزد رمز می شود

در کمیسیونی که برای تحقیق بروات و گفتگوی حاجی جلیل و سروشیار مرکب از تجار مسلمان و زردشتی تشکیل داده اید، نسبت اعمال غرض به حکومت و اجبار به امضاکنندگان صورت مجلس می دهند. لازم است با دلایل مثبت وزارت داخله را از برائت ذمه خودشان از این نسبت مطمئن نمایند.

[امضا]

[۲۹۰۰۰۰۵۷۹]

۴۱۶

وزارت داخله، نمره ۱۱۵/۸۹۱، تاریخ ۱۳ ثور [۱۲۹۳] /

۷ جمادی‌الآخر ۱۳۳۲، صادره: تلگراف

به حکومت جلیله یزد رمز می‌شود

در مسأله حاجی جلیل و سروشیار بعضی تلگرافات مخابره شده است. ولی بهتر این است، به طور اصلاح به این کار خاتمه بدهید.

[امضا]

[۲۹۰۰۰۰۵۷۹]

* * *

۴۱۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره [تلگراف] از کرمان به تهران، نمره ۲۶۲

تاریخ ۲۸ جوزا [۱۲۹۳] / [۲۴ رجب] ۱۳۳۲

مقام مقدس والا حضرت نیابت سلطنت عظمی دامت عظمته، کپیه^(۱) مقام منیع هیأت وزرای عظام، کپیه وزارت مالیه دامت شوکتهم، کپیه مقام رفیع خزانه‌دار کل دامت شوکت، کپیه جناب اجل آقای آقامیرزا کیخسرو شاهرخ نماینده عموم زرتشتیان ایران دام اقباله‌العالی

املاک ابتیاعی از دولت علیه، [به] موجب فرامین صادره از دولت، مالیات جنس ندارد و تمام جنس و کاه هر چه بوده تسعیر شده است. جان نثاران به اعتبار فرمان دولت املاکات را به قیمت املاک اربابی خریداری نموده‌ایم و تاکنون مبالغ‌های عمده مخارج قنات و قلعه و برج، مستحفظ، آبادانی و غیره نموده‌ایم. حالیه اداره مالیه مقداری عین

جنس و مقداری در مقابل قیمت معینه در فرمان، بل متجاوز، مطالبه دارند. کاه هم اضافه بر کلی مالیات می‌خواهند. مطابق فرامین صادره از عدالت خارج است که برخلاف فرمان دولت رفتار شود. استدعای عاجزانه داریم که عادلانه مقرر فرمایند قسمی که فرمان دولت مالیات را معاف کرده مطالبه شود. دیگر جانی و رمقی برای ما باقی نیست. چنانچه مقتضی عدالت است دادرسی فرمایند. باقی الامرالمطاع.

جان‌ناران جمشید جهانگیر، تجارتخانه جمشیدیان کرمان،
شهریار بهمن بهرام، دینیار مهربان، کیانیان کرمان،
جهانیان کرمان، (جهانگیر؟) کیخسرو

[حاشیه]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۳ سرطان ۱۳۳۲، نمره ۲۱۹۸]

[۲۴۰۰۰۱۱۳۹]

۴۱۸

وزارت مالیه، نمره ۲۳۴۱، تاریخ ۷ شعبان ۱۳۳۲ / ۱۰ سرطان بارس‌نیل [۱۲۹۳]

در باب اظهارات شعبه تجارتخانه جمشیدیان و جهانیان کرمان

راجع به املاک خالصه ایتبای آنها

کابینه محترم ریاست وزرای عظام

سواد تلگراف شعبه تجارتخانه جمشیدیان و جهانیان کرمان و بعضی از زردشتیان آن جا را که در طی نمره (۶۶۵) ارسال داشته بودید ملاحظه و جواباً زحمت می‌دهد که مستقیماً به وزارت مالیه هم همین اظهارات را نموده بودند و این مسأله راجع به خالصجات انتقالی است که هیأت وزرای عظام در اخذ مالیات آن موادی تصویب

فرموده‌اند و در کلیه نقاط مملکت به موقع اجرا گذاشته شده و اختصاص به شعبه تجارخانه‌های^(۱) مزبور و غیره ندارد و باید از همان قرار مالیات املاک ایتیاعی خودشان را بپردازند. به همین طور هم به آنها جواب داده شده است.

[امضا]

[۲۴۰۰۰۱۱۳۹]

۴۱۹

۲۱ شوال ۱۳۳۲

هو

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

تلگرافی از کرمان رسیده از لحاظ مبارک می‌گذرد. اگر چه عنوان آن تلگراف به اسم وزارت جلیله داخله است ولی گویا اشتباه کرده‌اند.^(۲) به هر صورت اینهایی که در تلگرافخانه متحصن هستند تمام مالکین و از اشخاص محترم کرمان‌اند. در این که پیشکارهای مالیه عصر تمدن جدید تجاوزاتی نموده خود را فعال مایشاء می‌دانند و عطف توجه وزارت جلیله مالیه لازم و شرط است، شبهه نیست. لهذا استدعاست بذل توجهی مخصوص فرمایند و امر و مقرر شود علی‌العجاله پیشکار مالیه کرمان رجوعی نداشته باشند تا وزارت جلیله مالیه رسیدگی و حکم آن را صادر فرماید والا بیم آنست روز به روز بر عده آنها افزوده و اسباب زحمت دولت فراهم گردد. تجدید استدعا به توجه عاجل می‌نماید.

اقل کیخسرو شاهرخ

۱ - اصل : تجارخانه‌های.

۲ - اوراق دیگری نیز در این پرونده بود که به دلیل تشابه مطلب، درج نگردید و تلگراف مذکور نیز به علت یکی بودن مضامینش با تلگرافی که به احمدشاه مخابره شده (سند ۴۲۰) حذف شد.

- [حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۲۳ سنبله ۱۳۳۲، نمره ۴۰۵۴]
- [حاشیه ۲]: - به ارباب کیخسرو جواب نوشته شود، سواد تلگرافات....^(۱) به انضمام یک جلد قانون لفاً ارسال می‌دارد که ملاحظه [فرمایند].
- [حاشیه ۳]: - ارائه داده شده، ضبط شود.

[۲۴۰۰۰۱۱۳۹]

۴۲۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از کرمان [به تهران]، نمره ۲۳۵
تاریخ ۲۴ سنبله [۱۲۹۳] / [۲۳ شوال ۱۳۳۲]

به خاک پای مبارک اعلی حضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه

حمد خدا را که این مبارک روز فیروز جلوس همایون تخت باعظمت سلطنت را زیارت نمودیم که عرایض عاجزانه وعیدانه خود را به خاک پای مبارک عرض نماییم. حاصل و استعداد املاک خالصه کرمان بالنسبه به سایر خالصجات ولایات کمتر از نصف بلکه معادل ربع است و قبل از فروختن دولت علیه حاصل این املاک در هیچ سالی به نصف جمع آنها وفا نمی‌کرد، به طوری که تا در ضبط حکام بود همه ساله مقداری از جمع آنها را از دولت تخفیف می‌گرفتند و مقداری را هم اولیای دولت علیه به تسعیرات نازل تسعیر می‌نمودند. در زمانی که کارگزاران^(۲) دولت خالصجات را به غلامان فروختند به تصدیق مالیه کرمان مقداری از جنس دهات مذکور را مقتصدانه مسعر فرمودند که جبران کسر و نقصان آنها را بنماید و چاکران به اعتبار فرمان دولت به قیمت

۱ - چند کلمه ناخوانا.

۲ - اصل: کارگزاران.

املاک اربابی خریده و مبلغهای گزاف مخارج آبادی این املاک نموده و برطبق فرامین صادره مالیات پرداخته.

دو سال قبل اداره مالیه کرمان خواست بر تسعیر معمولی اضافه نماید ناچار به مقام اولیای دولت علیه تظلم نمودیم، در آخر، اداره مالیه کرمان با اطلاع قونسولگری دولت فخیمة انگلیس به موجب نوشته که نزد چاکران است قرارداد که محض خدمت به دولت غله دو ساله تنگوزیل^(۱) و سیچقانزیل^(۲) خرواری چهار تومان تسعیر باشد و از سنه اودیل^(۳) به بعد موافق مدلول فرامین عمل شود یا به طریق ممیزی علمی رفتار نمایند. حال در هذه السنه مسیو لکفر مدیر مالیه کرمان، غلات مسعری دهات معروضه را اضافه بر تسعیر فرامین و قرارداد سابق اداره مالیه می نماید. به علاوه این مدیر متعدی و اتباع و انصارش تحمیلاتی بر کلیه مستملکات غلامان وارد نموده و طوری از هر جهت فشار آورده اند که فوق الطاقه و تحملش بالمره از قوه و رمق افتاده ایم از اول محصول مأمورین مالیه روی خالصجات ابتیاعی و علاقجات ملکی و موروثی چاکران خسارتها وارد آورده به درجه [ای] صدمه و اذیت رسانیده اند که دیگر هیچ رعیت این دهات را زراعت نخواهند کرد. لاعلاج شده چند روز قبل در موضوع مالیات املاک ابتیاعی دولت به مقام وزارت جلیله داخله و وزارت مالیه تظلم نموده و تاکنون جواب زیارت نشده است. ناچار گردیده که اختصاراً کلیه اوضاع این مملکت را به خاک پای همایونی عرض نماییم، اجمال حال آب خاک است قطعه معظم او بلوچستان بوده است که به واسطه مجاورت با اجانب فلج شده و بقیه آن که رعیت و هواخواه دولت محسوب است هر روز به لطمات و صدمات گرفتار، گاهی عرصه تاراج اهالی فارس و بلوچستان، گاهی گرفتار زحمات داخلی، از آن جمله مدیر مالیه کرمان که هر روز به عنوانی یک وقت به اسم مالیات

غیرمستقیم گاهی به عنوان جریمه قاچاق که به خانه‌های مردم می‌ریزند و همه نوع هتک نوامیس می‌کنند. گاهی به عنوان جنس و کاه و غیره برخلاف قرارداد دولت و برخلاف عدل و قانون به طوری که فوق طاقت و فوق قوه کلیه اهالی است. گاهی به اضافه کردن مالیات بر دهات با این که خلاف قانون مقرر دولت مشروطه است قسمی فشار آورده که مافوق آن متصور نیست اگر کمیسیون که برای محاسبات مرئوس معین شده برای رسیدگی به اعمال مدیر مالیه کرمان هم امر و مقرر شود اولیای امور ملاحظه می‌فرمایند و مطلع می‌شوند که این مدیر مالیه چه به روز این رعیت بیچاره آورده و به همراهی و کمک دسته غارتگری که اعضای او هستند چه از این مملکت اخذ کرده‌اند. چند روز است در تلگرافخانه مبارکه متحصن و استدعای غوررسی و حکم عادلانه از خاک پای مبارک داریم.

عموم غلامان ملاکین کرمان

غلامعلی خان، مجتبی خان، نصرت الممالک،
نورالله خان، سردار نصرت، سالار مفخم، عدل الملک،
بهادرالملک، مجدالعلماء، عدل السلطان، محمد مهدی
نصرت السلطان، اداره جهانیان، اداره کیانیان، عبدالله،
حبیب الله، علی، مصطفی، غلام حسین، عبدالعلی،
علی قلی، علی، حاجی میرزا عبدالرحیم، غلام حسین

[حاشیه ۱]: - هو، وزیر مالیه، عریضه تلگرافی را ملاحظه نموده به طوری که مقتضی بداند

در اسکاات متظلمین مراقبت نموده نتیجه را به عرض برسانید. ۲۹ شهر شوال المکرم ۱۳۳۲

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۸ میزان ۱۳۳۲، نمره ۵۲۰۴]

[حاشیه ۳]: - به عرض حضور مبارک برسد. ۱۸ میزان

[حاشیه ۴]: - متعاقب مراسلات قبل....^(۱) به خزانه‌داری کل فرستاده شود که زودتر در اسکات اهالی اقدام نمایند. ۲۰ میزان

[۲۴۰۰۰۱۱۳۹]

* * *

۴۲۱

۱۹ ذی حجه ۱۳۳۲

هو

مقام منیع وزارت جلیله داخله

از قرار تلگرافات یزد از طرف حکومت آن جا فشار به اهالی خصوص زردشتیان آورده، تومانی سی شاهی اضافه بر مالیات حق حکومت مطالبه دارند و ضباط هر محل اختیاراتی مخصوص راجع به هر قسم اجحافات و تحمیلات از حکومت مرکزی یزد دارند و گذشته از این گونه اجحافات غیرقانونی فوق‌الطافه نیز در مقابل انجمن زردشتیان آن جا که نماینده عموم جماعت یزد و مضافات هستند بی‌اعتنایی را پیشه کرده، جوابی به عرایض آنها نمی‌دهد و فرامینی که زردشتیان آن جا در موضوع ارث و میراث و غیره از سلاطین سلف دارند و محل اعتبار و اعتنا بوده، حالیه برای مداخلات حکومتی وضعی نمی‌گذارند و خود مدعی تراشی می‌کنند. بدیهی است این رویه حکومت برخلاف اوامر وزارت جلیله متبوع خود و قانون و هر روش خیری و موجب یأس بیچارگان است. لهذا استدعا است امر اکید عاجل تلگرافی شرف صدور یابد حکومت دست از تعدیات برداشته و در مورد انجمن زردشتیان و امور این طایفه طریق محاصمه و روش دخل را مسدود داشته آنها را به حال خود بگذارند و مخصوصاً آقای مدبرالدوله که نیابت

حکومت آن جا ویدی طولاً در طرّاری دارند جلوگیری شوند.

اقل کیخسرو شاهرخ

[۲۹۳۰۰۲۶۷۲]

۴۲۲

وزارت داخله، نمره ۴۱۹۵، به تاریخ ۱۶ عقرب [۱۲۹۳] /

۱۹ ذی حجه ۱۳۳۲، صادره: تلگراف

آقای مدیرالدوله

مطابق اطلاعاتی که از یزد می‌رسد شما مطالبه تومانی سه‌شاهی اضافه بر مالیات از عموم ملاکین یزد مخصوصاً جماعت زردشتی نموده و به ضبّاط و مباشرین محل اختیارات داده و انواع تحمیل و تعدی به رعایا می‌کنند و علاوه بر این نسبت به مسائل ارثی جماعت زردشتی برخلاف فرامین و ترتیبات مذهبی که دارند بعضی مداخلات نموده و مدعی تراشی کرده و نسبت به اظهارات انجمن که نماینده زردشتیان هستند وقعی نمی‌گذارد. این مطالبی را که نسبت به شما می‌دهند چه صورت دارد؟ البته فوراً این حرکات [را] ترک کرده، سرخود کاری ننموده و مطالبه تومانی سی‌شاهی و سایر اجحافات و مداخله غیرقانونی در امور زردشتیان را به کلی متروک دارید که اگر ثانیاً چنین اخبار برسد اکیداً مسؤول خواهید بود.

[امضا]

[حاشیه]: - آقای میرزاکیخسرو

[۲۹۳۰۰۲۶۷۲]

۴۲۳

تهران ۱۳ محرم ۱۳۳۹ / [۵ مهر ۱۲۹۹]

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

یک نفر از تجار زرتشتی کاشان موسوم به (اریاب شهریار بهرام) قصد عزیمت یزد و استدعای صدور حکمی از آن مقام منبع به عنوان حکومت جلیله یزد مبنی بر بذل توجه و مساعدت حکمران در امور خویش دارد. لہذا به موجب درخواست مشارالیه مستدعی است امر و مقرر فرمایند حکمی خطاب به حکومت جلیله یزد صادر و مرحمت شود که لازمه مساعدت را در امور مشارالیه بفرمایند که از طرف احدی اجحافی به مشارالیه نشود مورد ازدیاد تشکر است. هر چند این حکم عمومیت دارد و تقاضای مشارالیه چندان مورد ندارد مع هذا چون موجب اطمینان خاطر خود را با وضعیات یزد که سابق دیده، به این درخواست تسلّی داده، مستدعی بذل عنایت است.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه]: - اداره جنوب ۱۲/۹۹/۷/۵

[۲۹۳۰۰۶۰۶۳]

۴۲۴

وزارت داخله، نمره ۱۱۲۱۷/۳۱۰۳، به تاریخ ۶ میزان ۱۲۹۹ /

۱۴ محرم ۱۳۳۹، صادره: رقیمه

حکومت جلیله یزد

اریاب شهریار بهرام تاجر زردشتی عازم یزد است و مطالبی دارد که اصلاح و انجام آن موقوف به مساعدت اداره حکومتی است. قدغن نمایند به اظهارات حق مشارالیه

رسیدگی کرده و در مواقع لازمه کمال مساعدت را در ثبوت کارهای او داشته باشند که
آسوده باشند.

[امضا : احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۶۳]

* * *

۴۲۵

وزارت داخله، نمره ۱۰۰۴۹، به تاریخ ۴ سنبله ۱۳۰۰ / ۱۹ محرم
۱۳۴۰، صادره: تلگراف

جناب مستطاب اجل اکرم آقای قوام‌الملک دام اقباله

سارقین فارس در بین شمش‌ی و مهدی‌آباد خاک کرمان دویست و پنجاه شتر
مال‌التجاره به سرقت برده‌اند. ایالت کرمان برای دادن توضیحات لازمه نماینده
مخصوص نزد جناب عالی خواهد فرستاد. چون مرتکبین از ایالات ابواب جمعی جناب
عالی بوده‌اند و [به] موجب مسؤولیتی که دارید باید کمال اهتمام و جدیت در گرفتاری
سارقین و استرداد تمام مال‌التجاره مسروقه به عمل آورده و از نتیجه این جانب را
مستحضر نمایید و برای آتیه البته ترتیب صحیحی در انتظام ایالات ابواب جمعی خودتان
بدهید و از تجاوزات آنها جلوگیری نمایید.

[امضا : احمد قوام]

[حاشیه]: - امضای حضرت اشرف

[۲۹۱۰۰۰۲۸۲]

۴۲۶

۲۷ سنبله [۱۳۰۰] / [۱۲ صفر] ۱۳۴۰

هو

مقام منیع وزارت جلیله داخله

از قرار تلگرافات واصله، قافله [ای] که مشتمل از دویست و پنجاه نفر شتر و حامل مال‌التجاره و عمدۀ آن متعلق به تجار زرتشتی بوده، در خاک کرمان بین شمش و مهدی‌آباد به سرقت رفته. راه یزد به کاشان نیز مسدود و استدعای بذل توجه عاجل است. بیش از این تجار بیچاره از پای درنیایند و سکتۀ [به] اساس [و] وسایل مملکت وارد نیاید. سارقین شمش از خاک فارس بوده‌اند. مستدعی توجه فوری است. ایام نصرت به کام.

سپاس‌دار کیخسرو شاه‌رخ

[حاشیه]: - اداره جنوب، ۲۸ سنبله

[۲۹۱۰۰۰۲۸۲]

* * *

۴۲۷

مجلس شورای ملی، نمره ۱۱۸۸، تاریخ ۷ رمضان المبارک ۱۳۴۰

سواد عرض حال انجمن ناصری زرتشتیان

توسط آقای ارباب کیخسرو - مقام منیع و ساحت مقدس مجلس شورای کبرای ملی ایران شیدالله ارکانه

توقیراً و تکریماً به عرض می‌رساند از شش ماه قبل به این طرف سارقین چهارراهی و فارسی چند قافله که متجاوز از پنجاه هزار تومان باشد اموال زرتشتیان به سرقت بردند که به هیأت محترم دولت متظلم شده و در نتیجه حکمی به ایالت جلیله فارس صادر و

مأمور برای استرداد اموال مسروقه فقره اولی که مبلغ هشت هزار و پانصد تومان اموال و سی و پنج نفر شتر مال زرتشتیان بوده فرستادند. در نتیجه عوض اموال تجار تفنگ و الاغ و اثاثیه بی مصرف را تومانی شش تومان قیمت گذاشته به مبلغ شش هزار و دویست تومان جمع بستند که از این مبلغ هم سه فقره، ده یک نقداً به عنوان حق مأموریت گرفته‌اند به این معنی که در مقابل شش هزار و پانصد تومان بیشتر از هزار تومان عاید صاحبان آن نشده است. سرقت فقرات دوم و سوم که به کلی بلا تعقیب ماند ولی «مست علی» دزد معروف به مکافات عمل خود رسید. اموال مسروقه تصرف او معلوم نیست کجا رفت و چه شد که تجار زرتشتیان اکنون باید تحمل خسران آن را بنمایند. فقره اخیر که مبالغ عمده از تجار زرتشتی و مسلمان بردند قبل از آن که مأمور ایالت به معیت نمایندۀ زرتشتیان به چهار راه برود، صمصام نظام حاکم چهارراه مبالغی عمده از جنس و نقد و شتر و غیره از سارقین گرفته همراهی با آنها نمودند و در عوض بیست و دو هزار تومان مال التجاره مسروقه زرتشتیان، سه هزار و دویست تومان به عنوان غرامت اشیا و اسباب مأخوذ به شیراز حمل شده در تنگ سعادت آباد مجدداً همان سارقین برده و به علاوه دو نفر مقتول و چند نفر مجروح گردیده. بدیهی است تا امثال صمصام نظام رشوه‌بگیر و طرف‌دار سارقین باشد جرأت و جسارت سارقین زیاد شده عاقبت کار تجار جز افلاس و ورشکستگی نخواهد بود، چنان که چند نفر از تجار از هستی ساقط شده‌اند. علی‌هذا مستدعی و ملتمس چنانیم که به هیأت معظم دولت مقرر شود صمصام نظام را در تحت محاکمه آورده گناهش معلوم و رشوت مأخوذ را استرداد و مجازات فرمایند و نیز برای تأمین طرق و اطمینان تجارت و جلوگیری از خرابی تجار اقدامی عاجل فرمایند که اگر حال بدین منوال باشد به کلی رشته امور تجارت از هم گسیخته، تجار یزد از بین خواهند رفت. امیدواریم توجه کامل خواهند فرمود که امنیتی حاصل شود. در خاتمه رجای واثق

از توجه کامل آن نمایندگان معظم نسبت به تجارت و امنیت طرق داریم.

فدویان انجمن ناصری زرتشتیان - رئیس خدارحم^(۱) - مهر انجمن ناصری زرتشتیان

مقابلہ شد، سواد مطابق اصل است.

رئیس دارالانشا

[امضا]

[۲۹۳۰۰۶۰۵۵]

۴۲۸

مجلس شورای ملی، نمره ۷۷۳۰، مورخه ۹ جوزای ۱۳۰۱

وزارت جلیله داخله

انجمن ناصری زرتشتیان یزد در باب اموال مسروقه که از آنها به سرقت رفته شرحی نوشته و ضمناً از عملیات صمصام نظام و همدستی او با سارقین چهارراهی شکایت نموده‌اند. سواد عرض حال انجمن مزبور لفاً ارسال می‌شود تا در رفع شکایت و استرداد اموال تجار اقدامات لازمه به عمل آورده نتیجه را به مجلس شورای ملی اعلام نمایند.

رئیس مجلس شورای ملی، [امضا]

[حاشیه]: - اداره جنوب، ۱۰ جوزا

[۲۹۳۰۰۶۰۵۵]

۱ - ارباب خدارحم هرمزان در ۱۲۵۲ ش. در یزد به دنیا آمده پس از طی تحصیلات مقدماتی نزد ماستر خدابخش، به اصفهان رفت و در شعبه تجارتخانه جهانیان مدیریت کرد و بعد از ۱۵ سال به یزد آمد و به تجارت پرداخت. حدود ۲۰ سال ریاست انجمن زرتشتیان یزد را عهده‌دار بود و کتابخانه‌ای به نام هورشت (کردار نیک) بنیاد نهاد و در سال ۱۳۳۴ ش. دار فانی را وداع گفت. (هوخ، س ۲۴، ش ۷، ص ۷۲)

۴۲۹

وزارت داخله، نمره ۳۶۹۲/۱۳، به تاریخ ۱۱ جوزای ۱۳۰۱ /

۴ شوال ۱۳۴۰، صادره: رقیمه

ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی

در جواب رقیمه رفیعہ نمره ۷۷۳۰ محتوی سواد مشروحہ انجمن ناصری زرتشتیان تصدیع می‌دهم که ایالت فارس آنچه را که ممکن بوده است غرامت اموال مسروقه را از سارقین گرفته به نماینده صاحبان اموال داده، قلاع و اماکن آنها هم در ضبط و تصرف دولت درآمده است، باز هم مأمورین ایالت در تعقیب قضیه اقدامات دارند و از وزارت داخله هم تأکیدات می‌شود. بدیهی است آنچه ممکن الوصول باشد به صاحبان اموال مسترد و قبض دریافت خواهد شد.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۳۰۰۶۰۵۵]

* * *

۴۳۰

[تاریخ ۳۰ جوزای ۱۳۰۱]

قانون منع صدور پوست برّه

ماده اول - برای جلوگیری از کشتار برّه و حفظ منافع عموم آنچه پوست برّه اعم از تودلی و غیر آن به خارجه حمل می‌شود مأمورین گمرکی مکلفند که در سرحد به نفع دولت ضبط نمایند.

ماده دوم - مأمورین گمرک مکلفند پوستهای بره که از خارجه وارد خاک ایران می‌شود مهر سربی نمایند. برای این که از پوستهای داخله ممتاز بوده و در موقع خروج از سرحد از ضبط معاف باشند.

ماده سوم - وزارت مالیه مکلف است در هر محل از روز اعلان این قانون تا پنج ماه به دارندگان پوست بره مهلت دهد که پوستهای موجود خود را به اداره مالیه یا گمرک برده مهر سربی مخصوص نمایند. پوستهایی که در مدت مزبوره مهر شده باشد از ضبط در سرحد معاف خواهند بود.

ماده چهارم - وزیر مالیه مأمور اجرای این قانون خواهد بود.
این قانون که مشتمل بر ۴ ماده است در جلسه ۳۰ جوزای سنه ۱۳۰۱ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

رئیس مجلس شورای ملی

[سواد]: امضای مؤتمن الملک، مهر مؤتمن الملک

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۱

اداره گمرکات، نمره ۳۵۶۰، [تاریخ] ۱۳ سرطان ایت‌ئیل ۱۳۰۱ / ۴ ژوئیه ۱۹۲۲

وزارت جلیله مالیه

در طی راپورت‌های ۲۸ مه و ۱۶ مه^(۱) تحت نمرات (۲۳۴۰ و ۱۹۵۷) توجه خاطر محترم را به این نکته معطوف داشت که باید موضوع صدور پوستهای بره را که فعلاً در ایران موجود و خروج آن مقتضی به نظر می‌آید مجدداً تحت مطالعه و مذاقه قرار داد. اینک مکتوب جدیدی از طرف بهمن کیخسرو به نام تجارتخانه بهرام و برادران در شیراز رسیده و در آن جا درخواست اجازه نموده که ۱۶۲۰ زوج پوست بره حمل به خارج نماید. تمنا آن که اطلاع دهند آیا اولیای معظم دولت با نظریه این اداره موافق یا مایل اند

حکم ممنوعیت را کما ینبغی به قوت و شدت خود باقی نگاه دارند.

رئیس کل گمرکات [امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، ۱۵ سرطان ۱۳۰۱، نمره: ۱۰۴۳۸]

[حاشیه ۲]: - اداره کل مالیات غیرمستقیم. ۱۵ سرطان

[حاشیه ۳]: - دایره....^(۱) برای مطالعه و جواب. ۱۷ سرطان

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۲

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۱۱۰۸۳، تاریخ ۱۷ سرطان ایت نیل [۱۳۰۱]

جناب مستطاب آقای ارباب کیخسرو نماینده محترم مجلس شورای ملی

از مفاد مراسله محترمه راجع به توقیف شش هزار زوج پوست بره متعلق به ارباب فریدون در شیراز استحضار حاصل و جواباً توضیح می دهد که وزارت مالیه در زمینه قانون موضوعه مورخه ۳۰ جوزا مشغول مطالعه و تدوین نظام نامه ای است که در حدود مقررات قانون به موقع اجرا گذارد بدیهی است به محض ختم آن تعلیمات مقتضی به عموم سرحدات ابلاغ و از نتیجه خاطر عالی را نیز مطلع خواهد نمود.

[امضای ۳ نفر، ۱۴ سرطان]

[مهر: به امضای وزیر]

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۳

۲۶ سرطان ۱۳۰۱ از دماوند به تهران

هو، مقام منیع وزارت جلیله مالیه

راجع به پوستهای بره موجودی ارباب فریدون در بوشهر که مرقوم فرموده‌اند مشغول ترتیب و تدوین نظام‌نامه‌ای بوده‌اند، تصدیق خواهند فرمود اگر تأخیری حاصل شود پوستهای مزبور که با هوای مرطوب آن جا منافی است به کلی فاسد خواهد شد. لهذا مستدعی است مقرر شود چون صدور این اجازه برای پوستهای موجوده در گمرک منافی مصوبه مجلس نیست از طرف گمرک کل به گمرک بوشهر امر و اجازه تلگرافی صادر شود مانع از خروج نباشند [تا] موجب زیانی برای مشارالیه نشود. البته بعد هر نظام‌نامه‌ای مدون شود برای معاملات بعد خواهد بود. مستدعی و منتظر صدور اجازه است.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - کابینه. ۳۱ سرطان

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۳۱ سرطان ۱۳۰۱، نمره: ۱۳۵۹۵]

[حاشیه ۳]: - به عرض برسد، صدور اجازه که خواسته شده است موقوف به تصمیم مساعد

اولیای امور است. اول اسد

[حاشیه ۴]: - به عرض برسد. به عقیده بنده این عنوان آقای ارباب کیخسرو که عجله هر

نظام‌نامه مقرر شده برای بعد خواهد بود بی‌مورد است. و ماده ۳ قانون هر چند شامل آن نیست

که در موقع مهر سربی زدن حق هم ندهند ولی چون برای دولت و مأمورین گمرک این عمل

بی‌خرج و بدون زحمت نخواهد بود البته تعیین حقی که باید به دولت برسد برطبق نظام‌نامه

معین می‌شود، چنانچه آقای ارباب ضمانت نمایند که بعد از تدوین نظام‌نامه هر حقوقی برای

پوست خروجی معین شود خواهد پرداخت می‌توان به گمرک اجازه داد. اول اسد [امضا]

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۴

مورخه ۲۵ ذی حجه ۱۳۴۰

هو

مقام محترم ریاست وزارت جلیله مالییه تهران دامت توفیقها

احتراماً به عرض می‌رساند به موجب خطی که از شیراز تجارتخانه آقاسروش بهرام و برادران رسیده موازی یک هزار و ششصد و بیست زوج پوست بره طیاری شده موجود دارد و می‌خواهد حمل به خارجه نماید به توسط بنده تقاضای جواز عبور آن را از اداره گمرکات نمودند و بنده خطی به اداره محترم گمرکات عرض و درخواست جواز شد. در جوابم مرقوم فرموده بودند مشروحه بنده را به آن مقام محترم درخواست فرموده‌اند. چون مدتی است جواب آن به تأخیر انجامیده تمنا دارم جواز عبور آن را التفات فرمایید تا اداره گمرک بوشهر عشور^(۱) آن را دریافت نموده، رد نماید. زیاده تصدیع نمی‌دهد.

بهمن کیخسروی

[حاشیه ۱]: - دایره....^(۲) برای ملاحظه و جواب. ۲۸ ب اسد

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالییه، به تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۰۱، نمره: ۱۴۰۸۴]

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۵

تهران، (شرکت تجارتی زرتشتیان)، شماره ۴/۷۰۲، مورخه ۲۵ ذی حجه

۱۳۴۰ / ۲۷ برج اسد ۱۳۰۱

مقام منبع وزارت جلیله مالییه دامت شوکته

احتراماً در تعقیب خط مورخه سلخ ذی‌قعدة تحت شماره ۴/۶۱۵ در مقام تصدیع

۱ - محتملاً منظور نویسنده مالیات گمرکی است که $\frac{۱}{۱۰}$ می‌گرفته‌اند.

۲ - ناخوانا.

برآمده مستدعی است جواز تلگرافی نوزده هزار پست بره در تحت دوفقره به شرح ذیل خطاب به اداره گمرک بوشهر به اسامی ذیل صادر فرمایید مزید بر تشکر و سپاس‌گزاری است.

— توسط آقامیرزا محمود کازرونی مقیم بوشهر پست بره خالصه یگانگان تهران: ۵۰۰۰ عدد
— " حاجی میرزا غلامحسین کازرونی " " " " " آقافریدون بهرام مقیم شیراز: ۱۴۰۰۰ عدد

[مهر: مدیر]، [امضا: افلاطون کیخسرو] (۱)

[حاشیه ۱]: — کابینه. ۲۸/اسد

[حاشیه ۲]: — [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ: ۲۹/اسد ۱۳۰۱، نمره: ۱۷۲۴۳]

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۶

از دماوند به تهران ۲۶ ذی حجه [۱۳۴۰] / [۲۸ اسد ۱۳۰۱]

هو

مقام منیع وزارت جلیله مالیه

سابق راجع به پوستهای بره موجودی در گمرک بوشهر متعلق به ارباب فریدون و

۱ - افلاطون کیخسرو (پسر ارباب کیخسرو شاهرخ) مدیر «شرکت تجارتی پارسیان» بود که این شرکت در اواخر عمر ارباب کیخسرو متوقف ماند. ارباب در خاطرات خود نگاشته: «در این موقع که من برای معالجه به آلمان آمدم [۱۳۱۷ش] خبر رسید که محض سخت‌گیری بانک ملی به بهانه این که وضعیت تجارتخانه زرتشتیان خراب است و ضمانت‌های من در دست مردم، من جمله یک فقره ۵۵ هزار تومان ضمانت بانک سپه و ۱۲ هزار تومان رضا افتخاری و ۱۰ هزار تومان متفرقه و ۳۵ هزار تومان ضمانتی ارباب رستم شاهپور نزد بانک ملی است که در خارج من ضمانت کرده‌ام [...] افلاطون به مدیریت تجارتخانه عرض حال توقف داده» (اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو، ص ۱۷۴).

شرکا، شرحی عرض و استدعا شد به گمرک امر شود مطابق قانون مصوبه در مجلس شورای ملی جواز عبور آن داده شود. در جواب مرقوم شده بود مشغول تهیه نظام نامه هستند. مجدد در آن باب عریضه ای عرض شد، با آن که نزدیک به یک ماه است به زیارت جوابی نایل نگردیده و تکلیف آن تجار بیچاره معلوم نیست. چنان که قبلاً عرض شده است یکی از موجبات بدبختی و فقر مملکت سرگردانی تجار است که رغبت تجارت نمی نمایند و مأمورین دولت در ازای تسهیل بر مشکلات و زیان و سرگردانی آنان می افزایند. مستدعی است امر عاجل به گمرک صادر شود، تلگرافاً مقرر دارند جواز بدهند و رفع این مشکلات بنمایند و بنده را نیز لطفاً از نتیجه مستحضر فرمایند متشکر خواهد بود. ایام فیروزی مستدام باد.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - کابینه، به موجب پیشنهاد گمرک قبول شد عجالاً پوستی یک قران پرداخته خارج نمایند. ۲ سنبله [امضا]

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۳ سنبله ۳۰۱، نمره ۱۷۸۴۷]

[حاشیه ۳]: - فرمودند باید تأمل بشود تا احکام لازمه برسد. ۳ سنبله

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۷

وزارت مالیه، اداره کابینه، [نمره ندارد]، [تاریخ: آخر ماه اسد ۱۳۰۱]

شرکت تجارتی زرتشتیان

از شرح مندرجات مراسلات شماره ۴/۶۱۵ و شماره ۴/۷۰۲ استحضار حاصل و جواباً توضیح می دهد که چون موضوع تاکس صدور پوست در وزارت مالیه برحسب

پیشنهاد اداره گمرکات مطرح و در این باب راپرتی به مقام منیع ریاست وزرای عظام عرض و کسب تکلیف شده است. لازم است تا حصول تصمیم چند روزی تأمل نمایید تا قریباً بر طبق مقررات اجازه آن داده شود.

[حاشیه ۱]: - تاکس پوست یک قران در هیأت وزرا تصویب شد. اول سنبله

[حاشیه ۲]: - در صورت تعیین تاکس و تصویب آن در هیأت چنان که مقرر فرموده‌اند خوبست به گمرک ابلاغ و تکلیف تجار و گمرک هم معلوم بشود. ۴ سنبله ۱۳۰۱ [امضا]

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۸

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۱۷۸۴۷، تاریخ ۵ سنبله [۱۳۰۱]

جناب مستطاب آقای ارباب کیخسرو نماینده محترم مجلس

در جواب دو فقره مراسلات راجع به حواله صدور شش هزار زوج پوست‌های ارباب فریدون در شیراز، اینک توضیحاً جناب عالی را مستحضر می‌سازد که در همین تاریخ دستور مقتضی برای خروج آنها به اداره کل گمرکات صادر گردید. علت تأخیر اقدام برای تخفیف تاکس مقرر پوست‌های موجوده در ولایات بود که برحسب تصمیم دولت مسأله ختم و به اداره کل گمرکات ابلاغ گردید. قدغن فرمایید برای دریافت جواز به اداره مزبوره مراجعه نمایند.

[امضای ۳ نفر]

تجارتخانه محترم زرتشتیان

از شرح مفاد مراسلات راجع به جواز خروج نوزده هزار پوست موجودی در بوشهر مستحضر شده جواباً توضیح می‌دهد که در تاریخ امروز تعلیمات لازمه به اداره کل

گمرکات داده شده است لازم است برای دریافت جواز به اداره مزبوره مراجعه نمایند.

[امضای ۳ نفر]

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۳۹

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۱۷۸۴۷، تاریخ ۵ سنبله [۱۳۰۱]

اداره کل گمرکات

مدلول پیشنهاد شماره ۱۹۵۷ آن اداره راجع به جواز صدور پوست های موجوده در ولایات در هیأت محترم وزرای عظام مطرح و تصویب فرمودند که برای رفع زیان تجار پوست فروش و برای این که اگر پوست های موجوده فاسد شود و حمل نشود منافعی برای دولت از این راه متصور نیست، اداره کل گمرکات مجاز است به طور رژیم موقت از هر عدد پوست به جای دو قران و پانصد دینار، یک قران مأخوذ و جواز صدور دهد. قدغن دارید مدلول آن را به موقع اجرا گذارند. ضمناً دوفقره درخواست یکی از آقای ارباب کیخسرو راجع به شش هزار زوج پوست ارباب فریدون در شیراز و دیگری از تجارتخانه زرتشتیان راجع به نوزده هزار پوست در بوشهر به وزارت مالیه رسیده و تقاضای جواز صدور آنها را نموده اند لازم است نسبت به دوفقره موضوع فوق نیز مطابق مقررات تعلیمات لازمه به مأمورین سرحدات صادر نمایند.

[امضای ۳ نفر]

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۴۰

اداره گمرکات، نمره ۶۴۹۷، [تاریخ] ۲۰ سنبله ۱۳۰۱ /

۱۲ سپتامبر ۱۹۲۲، خیلی فوری است

وزارت جلیله مالیه

مع التوقیر به استحضار خاطر محترم می‌رساند، نماینده کمپانی یگانگی پارسیان به اداره آمده و درخصوص تفسیر تصمیم وزارتی نمره ۱۸۷۴۷ مورخ ۸ سنبله جاری راجع به صدور پوست بره سؤالاتی نمود. کمپانی مزبور مدعی است که تاکس یک قران از هر عدد پوست شامل پوستهای شیراز هم می‌گردد. این جانب موفق به ترضیه شرکت مزبور نگردید زیرا مقصود اداره گمرک از تخفیف تاکس ۲/۵۰ قران که فعلاً از اقسام مختلفه پوست مأخوذ می‌گردد، آن بوده است که به جهت پوستهای کم قیمت که عددی بیش از یک الی پنج قران ارزش ندارد تخفیفی داده شود نه به جهت پوستهای شیراز که قیمت آنها خیلی زیادتر بوده و از طرف این اداره پیشنهاد تخفیف تاکس ۲/۵۰ قران درباره آنها نشده است. چیزی که هست در پروژه تعرفه جدید پیشنهاد شده است که از پوست شیراز عددی ۱/۵۰ قران گرفته شود و چنانچه اولیای محترم دولت با این پیشنهاد موافق می‌باشند ممکن است اجازه زحمت فرمایند اداره گمرک از پوستهای شیراز عددی ۱/۵۰ قران دریافت دارد ولی نه یک قران، به طوری که شرکت مزبوره مدعی است. زیرا اخذ تاکس یک قران از پوست شیراز مطلقاً غیرمکفی بوده و ابداً متناسب با قیمت آن نسبت به سایر پوستهای داخلی نمی‌باشد. علی‌هذا از سرر - پارک مستدعی است تصمیم آن وزارت جلیله را در این موضوع به فوریت اطلاع دهند زیرا مقادیر هنگفتی پوست شیراز در گمرک بوشهر معطل می‌باشد.

از طرف رئیس کل گمرکات. مدیر مرکز [امضا]

[حاشیه]: - فوریت. جواب بدهید مطابق پیشنهاد اولی گمرک و تصویب نامه هیأت از پوست شیراز هم یک قران اخذ شود. ۲۱ سنبله [امضا]

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

۴۴۱

وزارت مالیه، اداره کابینه، نمره ۱۸۱۱۶، تاریخ ۲۷ سنبله [۱۳۰۱]

اداره کل گمرکات

با استحضار از مفاد راپورت شماره ۶۴۹۷ راجع به تقاضای نماینده کمپانی یگانگی پارسیان مبنی بر صدور اجازه خروج پوستهای شیراز اشعار می دارد: نظر به این که رعایت حال تجار ایرانی مخصوصاً بعد از خسارات مهمی که در طی سنوات اخیر به مشارالیه هم وارد شده از هر جهت واجب به نظر می رسد. لذا لازم است مطابق پیشنهاد اولیه آن اداره و مفاد تصویب نامه هیأت محترم وزرای عظام از پوست شیراز هم یک قران پول خروجی دریافت دارید.

[مهر: به امضای وزیر]، [امضا]

[حاشیه]: این حکم مطابق یادداشت ضمیمه تهیه شده است.

[۲۴۰۰۰۸۷۳۵]

* * *

۴۴۲

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۱۸۰، تاریخ ۲۹ ثور ۱۳۰۳، تلگراف

شیراز، کفالت ایالت جلیله

به طوری که اظهار شده، رئیس نظمیه مایل بود خانه فریدون زرتشتی را اجاره نماید.

پذیرفته نشدن این تقاضا موجب مخالفت رئیس نظمیه با فریدون و چند نفر از تجار زردشتی شده است. در صورت صحت به رئیس نظمیه اخطار نمایند که هرگاه رفتار خود را تعدیل و به وظیفه خود عمل نکنند، مسؤول و مورد مؤاخذه خواهد شد.

[امضا : احمد قوام]

[۲۹۰۰۰۵۱۵۲]

* * *

۴۴۳

مجلس شورای ملی، [نمره ندارد]، سواد سؤال آقای ارباب کیخسرو

مقام منیع ریاست معظم مجلس مقدس شورای ملی

راجع به تعدیات مأمورین مالیه در رفسنجان کرمان که در یک سال می خواهند دو مالیات بگیرند و مردم را تحت فشار آورده‌اند و عرایض در مرکز منتج نتیجه نیست، بنده از حضرت آقای وزیر مالیه سؤال دارم. مستدعی است مقرر شود در مجلس حضور یافته جواب بدهند.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

مطابق اصل است. مدیر دایره قوانین. [امضا]

[۲۴۰۰۱۵۶۰۸]

۴۴۴

وزارت مالیه، اداره کل عایدات، نمره ۴۶۹۷۲، تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۰۶

جناب آقای ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده محترم مجلس شورای ملی

در جواب مراسله جواب مورخه ۱۹ بهمن ماه راجع به شکایت ارباب جمشید از

اقدام مالیه رفسنجان در مطالبه مالیات جدید از املاک ممیزی شده آن جا زحمت افزا می شود درخصوص ترتیب معامله مالیات ۱۳۰۶ املاک ممیزی شده رفسنجان دستور لازم به مالیه کرمان داده شد که رسیدگی نموده، مقررات قانون را در این موضوع به موقع اجرا گذارد. متمنی است به ارباب جمشید اطلاع بدهید به مالیه کرمان مراجعه نماید.

وزارت مالیه، [امضای ۲ نفر]

سواد مراسله فوق به ضمیمه سواد مراسله آقای ارباب کیخسرو به اداره مالیه کرمان برای رسیدگی ابلاغ می شود. در صورتی که قبل از انقضای موقع آخرین اقساط مالیات ممیزی تکمیل شده باشد مالیات را مطابق قانون وصول نماید والا به دریافت مالیات معمول سابق اکتفا نموده و مالیات قانونی را از ابتدای ۱۳۰۷ مجری بدارد.

وزارت مالیه، [امضای ۴ نفر]

[حاشیه]: - با موافقت دایره ممیزی.

[۲۴۰۰۱۵۶۰۸]

۴۴۵

۱۳۰۶ اسفند ۱۵

مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

در ۱۹ بهمن شرحی عرض شد^(۱) که از قرار شکایات ارباب جمشید هر مزدیار از رفسنجان در صورتی که عمل ممیزی رفسنجان تکمیل نشده بوده است کمیسیون منحل گردیده و تمام مطالبات ۱۳۰۶ را مطابق سنوات سابق اخذ نموده اند. لهذا در آن جا مالیه محل مطالبه دارد که مالیات مجددی از ۲۴ پارچه املاک که ممیزی شده مطابق ممیزی

۱ - نامه ارباب کیخسرو شاهرخ که به تاریخ ۱۹ بهمن نگاشته شده در اسناد موجود است و مفادش مطابق همین نامه می باشد.

دریافت دارد. معلوم نیست مطابق چه اصل مالیه می‌خواهد از یکی دو مالیات بگیرد. ماشاءالله هر عریضه [ای] هم که به وزارت جلیله مالیه عرض می‌شود بعد از مدت‌های طولانی فقط جوابی می‌رسد که از محل تحقیق شده است و دیگر بلاجواب می‌ماند و مأمورین هم مردم را به خدا می‌رسانند در صورتی که عمل خیلی روشن است که نباید در یک سال [دو] مالیات بگیرند. این فقط یک حکم لازم دارد که نباید دو مالیات بگیرند و در ضمن تحقیقات و مواخذہ بشود. فعلاً ارباب جمشید و جمعی مالکین دیگر در فشارند و استدعای بذل توجه فوری است. ایام شوکت مستدام باد.

سپاس‌دار کیخسرو شاه‌رخ

[حاشیه ۱]: - ممیزی، ۶/۱۲/۱۳۰۶ [۱۳۰]

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۸ اسفند ۱۳۰۶، نمره ۴۹۴۱۰]

[۲۴۰۰۱۵۶۰۸]

۴۴۶

وزارت مالیه، اداره عایدات، [نمره ندارد]، تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۰۷

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

راجع به سؤالی که آقای ارباب کیخسرو درخصوص ترتیب معامله مالیات املاک اربابی رفسنجان کرمان از وزارت مالیه نموده، معروض می‌دارد در سال ۱۳۰۶ به مناسبت این که کمیسیونهای ممیزی ولایات به واسطه اتمام اعتبار اجرای قانون مزبور موقتاً منحل گردید ممیزی بعضی از ولایات ناقص ماند از آن جمله ممیزی املاک اربابی رفسنجان نیز تکمیل نشد و فقط قسمتی از املاک اربابی آن جا مطابق قانون جدید ممیزی شد. پس از آن که مالیه کرمان از املاک ممیزی شده رفسنجان مالیات جدید را مطالبه

نمود مالکین به ملاحظه این که مالیات املاک مزبوره نسبت به مالیات قدیم اضافه شده بود از پرداخت مالیات جدید استنکاف نموده اظهار داشتند املاک دیگری دارند که ممیزی نشده و تقاضا کردند مادام که کلیه املاک اربابی رفسنجان آنها ممیزی نشده مالیات املاک آنها مطابق جمع قدیم معامله شود. چون به موجب ماده پنجم متحدالمال نمره $\frac{۶۴۱۵}{[۱۹]۳۷/۲/۶}$ که راجع به ترتیب معامله مالیات سال ۱۳۰۶ املاک اربابی صادر گردیده در جایی که چندین ملک متعلق به یک نفر مالک باشد و تمام املاک مزبوره ممیزی نشده باشد باید جدیت کنند که ممیزی آنها تکمیل شود اما قبل از موقع وصول مالیات قانون نسبت به آنها اجرا شود به طوری که وصول مالیات مطابق قانون جدید تأمین شود. در صورتی که اقدام فوق امکان پذیر نباشد و در جایی که تکمیل ممیزی ممکن نباشد نباید مالیات را از روی مأخذ سابق وصول نمایند. لهذا طی تلگراف نمره ۳۸۲۵۴ به مالیه کرمان دستور داده شد مالیات ۱۳۰۶ املاک ممیزی شده رفسنجان را که مالکین آن املاک دیگری دارند که ممیزی نشده و یا ممیزی شده ولی اوراق ممیزی تصدیق نشده، برطبق ماده پنجم متحدالمال نمره ۶۴۱۵ مطابق جمع قدیم دریافت دارند و به این ترتیب شکایت متظلمین مرتفع گردیده است. اکنون جواب آقای ارباب کیخسرو که در این باب مستقیماً نیز به وزارت مالیه تظلم نموده اند از همین قرار داده می شود و ضمناً به مالیه کرمان که طی تلگراف نمره ۲۴۵۴۱ راجع به اجرای ماده پنجم متحدالمال نمره ۶۴۱۵ نسبت به املاک ممیزی شده رفسنجان که مالکین آن در سایر نواحی کرمان دارای ملک ممیزی نشده می باشند کسب تکلیف نموده است. در صورتی که اقدامات مذکوره [را] تصویب می فرمایند برای سایر نواحی هم مثل رفسنجان حکم صادر شود و

مراسلات ضمیمه را....^(۱) فرماید.

رئیس اداره عایدات

[امضای ۳ نفر]

[حاشیه]: - با اطلاع دایره محترمه ممیزی

[۲۴۰۰۱۵۶۰۸]

* * *

۴۴۷

به تاریخ ۹/۹/۱۳۰ [تهران]

مقام منبع حضرت اشرف ارفع عالی آقای هدایت رئیس الوزرا دامت شوکت‌العالی

محترماً به عرض حضور مبارک می‌رساند تقریباً دو ماه است از تجاوزات بلدیۀ کاشان و حکومت که در رأس^(۲) بلدیۀ قرار گرفته و عوارض به طور دلخواه فوق طاقت اهالی مطالبه می‌نماید به عرض حضور مبارک رسانیده متأسفانه در مقابل سفسطه حکومت به وزارت جلیله داخله من جمله که آنها ۴ نفر زیاده‌تر نیستند و انعکاس توضیحات وزارت معزی‌الیها در خاطر مبارک هیچ توجه به عرایض فدویان نشده و نهایت بدبختی است اگر بتوانیم عرایض و دردهای خود را به شخص شخیص حضرت اشرف که منبع درایت و فراست و بهترین طبیب حاذق مملکت هستید واضح نمایم.

فدویان عرض می‌کنیم عوارض قانونی بلدیۀ را برطبق تصویب هیأت معظم دولت راغبانه می‌پردازیم. فدویان عرض می‌کنیم عوارض بلدیۀ کاشان مطابق یک مالیات غیرمستقیم این شهر است. فدویان عرض می‌کنیم عوارض بلدیۀ کاشان را از روی قم و سایر ولایات می‌پردازیم. آیا این عرض اخیر از طرف یک شهر فقیر بی‌مورد است؟

۱ - ناخوانا.

۲ - اصل: رثس.

استدعا می‌کنیم بدون مراجعه به وزارت جلیله داخله حکم فرمایید مثل قم و قزوین با فدویان معامله نمایند. من باب اطلاع شخص حضرت اشرف عرض می‌کنیم که عایدات بلدی، آن چه تا به حال گرفته‌اند حساب کتاب صحیحی نداشته و به جیب متصدیان فرو رفته. لکن چون حالیه برای هر ادعایی مدرک می‌طلبند و البته هر...^(۱) سند و مدرک نمی‌دهد این مطلب [را] و امی‌گذاریم که اگر اراده حضرت اشرف تعلق گرفت یک مفتش عالی رتبه حرکت بدهید که تا وارد نشده حکومت مستحضر نباشد دفتر محاسبات عایدات و مخارج را فوراً بخواند کشف خواهد شد.

[امضا و مهر حدود ۳۵ نفر از تجار کاشی من جمله : مهربان شاهرخ - اردشیر اسفندیار - اردشیر مهربان - شهریار اردشیر - هرمزدیار اسدیار]

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۹۴-۱۴}$]

۴۴۸

۱۰ دی ۱۳۰۹

هو، مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

عریضه‌ای از جمعی تجار کاشان رسیده منضمماً تقدیم است. از طرف تجار زرتشتی کاشان هم شرحی شکایت آمیز به بنده رسیده که مالیات موضوعه طاقت فرساست و هم شکایت نموده‌اند که آقای حکم‌ران کاشان (که نمی‌دانم کیست) خیلی به خشونت رفتار کرده در منزل خود می‌طلبد و به فحاشی و حرکات زمان استبدادی برگزار می‌نماید. تصور می‌شود مانعی نخواهد داشت اگر به طوری که در عریضه منضمه تقاضا کرده‌اند یک نفر مفتش امین بی‌طرف و بی‌طمع اعزام و خارج از معرفی خود به هر

طرف، حقایق را کشف نموده به عرض برساند تا هر نحو مطابق عدالت و حق باشد امر و مقرر شود. ایام عظمت مستدام باد.

سپاس دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ: ۹/۱۰/۱۰، نمره: ۶۹۹۶]

[حاشیه ۲]: - به عرض برسد. ۹/۱۰/۱۰ [۱۳۰]

[حاشیه ۳]: - به وزارت داخله رجوع شد. ۹/۱۰/۱۱ [۱۳۰]

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۹۴-۱۴}$]

۴۴۹

ریاست وزرا، نمره ۶۹۹۶، تاریخ ۱۳ دی ۱۳۰۹

جناب آقای ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده محترم

مراسله مورخه دهم دی ماه به ضمیمه مشروحه تجار کاشان که از گزافی مالیات بلدی آن جا شکایت کرده بودند زیب وصول بخشید. جواباً اشعار می شود که قضیه چون مربوط به وزارت جلیله داخله است به وزارت معزی الیها مراجعه و نتیجه بعداً معلوم می شود.

[امضا]

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۹۴-۱۴}$]

۴۵۰

وزارت داخله، اداره مرکز و انتخابات، دایره بلدی، نمره ۲۱۸۹۱

به تاریخ ۲۱ دی ۱۳۰۹

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

مرقومه مطاعه نمره (۶۹۹۶) متضمن سواد عرض حال تجار زردشتی مقیم کاشان

شرف وصول داد. در مقابل تجار زردشتی و مسلمانان کاشان که از بدو تصویب عوارض بلدی به آن مقام منیع رسیده و به وزارت داخله ارجاع فرموده‌اند توضیحات حکومت و بلدیۀ متناوباً تقدیم شده و اینک بر اثر شکایتی که به وسیله آقای ارباب کیخسرو مجدداً نموده بودند به حکومت کاشان دستور داده شد که شورای اداری ولایتی را با حضور اعضای انجمن بلدی تشکیل داده و معترضین را نیز خواسته به اظهارات آنها دقیقاً رسیدگی نمایند و نتیجه را اطلاع دهند تا به عرض برسانند. عین عرض حال نیز حسب‌المقرر تقدیم گردید.

[امضا] . [مهر : وزارت داخله]

[حاشیه ۱]: - سواد برای کیخسرو ارسال شود، ۹/۱۰/۲۱ [۱۳۰]

- [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۹/۱۰/۲۲، نمره: ۷۲۸۱]

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۹۴-۱۴}$]

۴۵۱

ریاست وزرا، نمره ۷۵۶۶، تاریخ ۱۳۰۹/۱۱/۶

آقای ارباب کیخسرو نماینده محترم مجلس شورای ملی

سابقاً تجار زردشتی کاشان شکایت از ترتیبات بلدی آن جا نموده بودند و به وزارت جلیله داخله مراجعه شده بود. اخیراً از وزارت معزى الیها اطلاع می‌دهند که در انجمن بلدی کاشان با حضور نمایندگان تجار زردشتی و مسلمان مجلسی تشکیل و ترتیب برای رفع اختلافات اتخاذ نموده‌اند. اینک سواد صورت مجلس که حاکی از تسویه اختلافات است برای استحضار جناب عالی ارسال می‌گردد.

[امضا]

[حاشیه]: - با سواد ارسال شده است. [امضا]

[$\frac{۱۱۶۰۰۳-۱۸}{۷۹۴-۱۴}$]

فصل دهم

اسناد متفرقه

نگارنده در مقدمه کتاب متذکر گردید که مجموعه اسناد این کتاب، تنها بخشی از اسنادی است که درباره زرتشتیان در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران وجود دارد. در هر فصل از ۹ فصل گذشته، اسناد مهمی که به نحوی مربوط به یک فرد یا یک جریان تاریخی بود گردآوری شد.

گرچه این امکان وجود داشت که فصول دیگری نیز به کتاب افزوده شود اما محدودیت حجم کتاب مانع آمد و امید است این مهم در آینده ایام صورت وقوع پذیرد. در این فصل اسنادی ارائه می شود که از لحاظ تاریخ معاصر زرتشتیان یا تاریخ اجتماعی ایران دارای اهمیت است اما در ذیل ۹ فصل دیگر قرار نمی گیرد. این گونه اسناد نیز در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران بسیار است و حجم محدود کتاب اقتضای آن نداشت که بیش از این سندی تقدیم خوانندگان گردد.

به حضور مراحم ظهور بندگان حضرت اجل اکرم افخم سردار اسعد وزیر داخله ایران دام
اقباله‌المتعالی پذیرا آید

تصدق حضور مهر ظهور مبارکت گردم. جسارت به عرضه داشت این که داعی
دستور خدایار دستور شهریار ایرانی^(۱) مدت ۱۲ سال در بمبئی در الفتتن کالج
حکومتی و در مدرسه ملافیروز معروف در تحصیل و اکتساب علم انگلیسی و اوستا

۱ - فرزانه دستور خدایار پور دستور شهریار و برادر کوچکتر دستور نامدار (سند شماره ۱) است. در کودکی به
بمبئی شتافت و در اوستا و پهلوی و انگلیسی و گجراتی استاد و لیسانسیه دانشگاه بمبئی گشت. هنگام کشته
شدن فرزانه ماستر خدابخش مشارالیه در یزد رئیس انجمن ناصری بود. در دبستان دینیاری (آموزشگاه موبدان
زرتشتی یزد) به تدریس اوستا و انگلیسی پرداخت. جای آن داشت که موبدان ایران او را به مقام دستوران
دستوری برگزینند اما به واسطه ناسازگاری‌های جماعت و مخالفت‌های شدید دلتنگ شد و به هندوستان
مراجعت کرد و به سمت استادی در دانشگاه کراچی به خدمت فرهنگ مشغول گردید ولی عمرش وفا نکرد و در
حدود سال ۱۳۰۸ ش دار فانی را وداع گفت. آثار زیادی را به زبان‌های مختلفه درباره آیین زرتشتی نگارش کرده
است. (شهمردان، فرزنانگان زرتشتی، ص ۴۶۶).

شرح احوال این دانشمند زرتشتی مفصل و خارج از حوصله این مختصر است. برای اطلاع بیشتر می‌توان به
مراجع زیر مراجعه نمود:

(الف) نسیمی، پریرز؛ «دستور خدایار دستور شهریار»، فروهر، س ۲۵، ش ۷ و ۸، ص ۲

(ب) شهمردان، رشید؛ «فرزانه دستور خدایار پور دستور شهریار»؛ هوخ، س ۳۲، ش ۱، ص ۱۷ - ۲۱

(ج) آذرگشسب، فیروز؛ «زندگی دستور خدایار دستور شهریار»، مهنامه زرتشتیان، فروردین ۲۵۳۶، ص ۹۰ - ۹۱

(د) لهراسب، سروش؛ «یادی از گذشته» [نامه شماره ۲۴]، هوخ، س ۱۳، ش ۱۲، ص ۷

و پهلوی کوشیده، به درجه فارغ التحصیلی (بی‌ا)^(۱) نایل شده دارای دیپلوم گشته چهار سال است که به وطن مألوف خود رجعت نموده، اینک در ذیل ظل عاطفت بندگان حضرت اجل اکرم آقای سردار جنگ روحی فداه به تعلیم و تدریس انگلیسی به فرزانه جوان جوان‌بخت کامکار اقبال السلطان برومند نهال و فرزانه فرزند ارجمند معظم‌الیه مشغول است و منتظر فرصت است که در یکی از ادارات دولتی مستخدم شود و از آن جایی که امروزه به توفیقات الهی و همت و غیرت وطن‌پرستان غیور دوره خوشبختی، ایمنی، مساوات و حریت در رسیده ملل متنوعه را تساوی حقوق عاید شده می‌توانند از ثمرات و فواید مشروطه مستفیض و متمتع شوند. فلذا داعی با رجای واثق و کمال خضوع و خشوع از آستان مبارک عرض و درخواست می‌نماید که آیا موقع آن نرسیده است که زرتشتیان برای خدمت در ادارات دولتی مثل ممالک متمدنه خود را پیشنهاد کرده مستدعی شوند؟ چنانچه موقع آن رسیده قبول می‌شوند این چاکر خود را برای خدمت در اداره جلیله داخله پیشنهاد کرده مستدعی است که بنابر مرحمت و الطاف مخصوص که چه در بمبئی و چه در تهران نسبت به این گروه ضعیف مبذول داشته‌اید اذن و مژده فرموده اولین سرمشق را در صفحه تاریخ برای دیگران به یادگار گذاشته این گروه را رهین مرحمت خویش فرمایند.

قربان حضور مبارکت شوم چاکر در ترجمه انگلیسی به پارسی و پارسی به انگلیسی و کلیتاً نوشت و خواند انگلیسی می‌تواند کار بکند و از آن جایی که درجه فارغ التحصیلی مستلزم اطلاعات در شعبات هر علمی است چنانچه لازم باید تعلیم و تدریس هم باشد این چاکر می‌تواند در هیأت و جغرافی و هندسه و جبر و مقابله و اقلیدس و پولیتیکل

اکانامی^(۱) به طرز انگلیسی درس بدهد مستدعی و مسترحی این که این چاکر را به جوابی مفتخر و متباهی فرموده مرهون الطاف خود نمایند.

الباقی امرکم الاجل الاکرم الافخم العالی مطاع مطاع المطاع

[۲۹۳۰۰۶۰۵۴]

* * *

۴۵۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف] از زنجان به تهران، نمره ۱۲

تاریخ ۱۲ دلو تنگوزنیل [۱۲۹۰] / [۱۳ صفر] ۱۳۳۰

آقای مستر (کزلی؟) رئیس کل مالیات دام اقباله

هنگامی که چاکر قزوین بودم حکومت قزوین مقدار شصت خروار و پنجاه و شش من یک چارک از گندم معمولی به تهران را برای اردوی روس عتفاً تصرف کرده، چاکر ناچاراً از ارباب جمشید^(۲) مدیر خط بهمن^(۳) در قزوین سند دریافت نمودم که یک ماهه به انبار

۱ - Political economy = اقتصاد سیاسی.

۲ - مقصود جمشید شهریار است.

۳ - مقصود ارباب بهمن بهرام است. آقای اردشیر زارع در خاطرات خود چنین نوشته: «در اوایل دی ماه ۱۲۸۷ به واسطه راه‌نمایی یگانه مرد نیک نام و یاری‌کننده خواص و عوام، آقای ارباب بهمن بهرام و جوان خجسته فرجام جمشید شهریار که ریاست حمل و نقل پستی دولتی و اختیار خطوط پستی از تهران به رشت و انزلی و از قزوین به همدان با ایشان بود و پست به پست و منزل به منزل اسب بسته بودند و به واسطه رفع احتیاج مسافران و حمل و نقل پست مال‌التجاره دارایی تقریباً ۸۰۰ اسب و ۳۰۰ نفر اجزا و اعضا می‌باشند که روی هم رفته روزی ۶۰۰ تومان مخارج اسب و اجزا و اعضای اداری دارند» وی در ادامه مطلب توضیح می‌دهد که اداره ارباب بهمن تعمیرات و عوض کردن چوب خط تلفن را عهده‌دار بود، تعمیر راه شوسه تهران، قزوین و انزلی که به دولت ←

دیوانی تهران تحویل داده از قرار خرواری پنج تومان و پنج هزار کرایه دریافت دارد. متمنی است مقدار مزبور را از گندمی که ارباب جمشید تحویل نماید کسر و به اداره مالیه خمره رسید مرحمت فرمایید پس کرایه را هم به طوری که عرض شده بپردازید. شماره

۳۷۹۱

محمدرضا

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[حاشیه]: - [مهر به زبان انگلیسی: خزانه داری کل، نمره: ۹۰۸۳، تاریخ: ۱۷ دلو]

[۲۴۰۰۰۵۸۳۸]

۴۵۴

خزانه داری کل ایران، نمره ۹۰۸۳، به تاریخ ۱۲ دلو تنگوزئیل [۱۲۹۰] /

[۱۳ صفر] ۱۳۳۰، موضوع: شصت خروار و پنجاه و شش من و یک چارک

گندم جنس مالیاتی خمره که به موجب سند جمشید باید حمل تهران شود

آقای ارباب بهمن

به موجب تلگرافی که از پیشکار مالیه زنجان به اداره کل مالیات رسیده است موازی شصت خروار و پنجاه و شش من و یک چارک گندم از بابت جنس مالیات خمره حمل به تهران می شده و در قزوین، حکومت آن جا با استحضار ارباب جمشید، نماینده جناب عالی توقیف و در عوض نماینده جناب عالی سند سپرده است که مقدار گندم مذکور را به تهران حمل و کرایه را از قرار خرواری پنج تومان و پنج قران از دولت دریافت نماید

← روسیه تعلق داشت را نیز در کنترات خود گرفته بود. ضمناً مشارالیه در جابه جا کردن مال التجاره تجار زرتشتی یا اموال زرتشتیان مبلغ کمتری از ایشان دریافت می نموده است. (خاطرات اردشیر زارع، نسخه تایی،

جلد ۲، ص ۳۱۷ - ۳۱۹).

حال متمنی است به موجب سند....^(۱) نماینده خودتان مقدار شصت خروار و پنجاه و شش من و یک چارک را زودتر به انبار دولتی تحویل و کرایه را از قرار شرح فوق دریافت فرمایند. مخصوصاً متمنی است که در این خصوص اقدامات سریعه فرموده هر چه زودتر گندم را به انبار دولتی برسانید تا رسید مقدار مذکور را به پیشکار مالیه خمسہ داده شود. زیاده زحمت است.

رئیس کل مالیات

[۲۴۰۰۰۵۸۳۸]

* * *

۴۵۵

[نامه‌ای از کمیسیون ختم محاسبه ارباب بهمن بهرام زرتشتی با اداره خزانه‌داری مالیه
به وزارت مالیه بدون نمره که در اواخر آذرماه ۱۲۹۴ نگاشته شده]

مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

در تعقیب حکم مطاع نمره ۱۵۰۶۰ راجع به تشکیل کمیسیون برای ختم محاسبه ارباب بهمن در خصوص کتترات حمل جنس از قزوین و ساوجبلاغ^(۲) در سنه توشقان‌نیل و بقیه علیق چاپارخانه محترماً به عرض می‌رساند، مطابق کتتراتی که در سنه ماضیه توشقان‌نیل مابین خزانه‌داری کل و اداره ارباب بهمن بسته شده قرار بود جنس مالیاتی قزوین و ساوجبلاغ را مشارالیه حمل نموده و در عوض یک مقدار جو به او پرداخته شود. برطبق ماده ۱۱ کتترات که ذیلاً درج می‌شود: «خزانه‌داری کل حق خواهد داشت از اقل مقدار سه هزار خروار جنس از ساوجبلاغ و پنج هزار خروار از قزوین

۱ - ناخوانا.

۲ - اصل همه جا: ساوجبلاغ.

توسط ارباب بهمن حمل به تهران نماید». خزانه‌داری پیش‌بینی کرده بود مقادیر فوق را به تهران حمل نماید ولی نظر به واقعات و پیش‌آمدهای سنه ماضیه توشقان‌نیل دولت امر فرمودند مقدار کلی از جنس محال قزوین و ساوجبلاغ حواله قشون روس شود و بدین جهت از جنس مالیاتی قزوین و ساوجبلاغ به جای ۸۰۰۰ خروار فقط مقدار ۵۴۰ خروار توسط اداره ارباب بهمن حمل به مرکز شد. نظر به مندرجات ماده ۱۱ فوق‌الذکر و ماده ۳: «ارباب بهمن متعهد می‌شود که مقدار ۳۰ خروار از قزوین و ۳۰ خروار از ساوجبلاغ روزانه حمل نماید»، مشارالیه مدعی است برای حمل مقادیر مزبوره ۲۵ الی ۳۰ عدد گاری و سی صد الی چهارصد اسب تهیه و حاضر کرده بود که مقدار ۶۰ خروار روزانه وارد انبار مرکزی شود و از این رو مخارج گزاری را متحمل شده و در صورتی که مقدار فوق‌الذکر توسط ایشان قابل حمل بوده، به شرایط مندرجه در کتترات راضی نمی‌شده، به علاوه اظهار می‌دارد عمال قشون روس چند مرتبه به او پیشنهاد نمودند که لوازم جنگی آنها را با کرایه عالی حمل نماید و چون با خزانه‌داری کل کتترات بسته بود، جنس دولت را حمل نماید، مجبور شده است پیشنهاد آنها را رد و از این نفع صرف نظر نماید. ارباب بهمن برای اثبات عرایض فوق عنوان می‌نماید خزانه‌داری کل به دفاتر حساب و دفاتر خروج و دخول گاری در قزوین و ینگ‌امام و تهران رجوع نماید.

کمیسیون پس از تدقیق به عرض می‌رساند که رسیدگی به این مطلب چه از طرف خزانه‌داری کل و یا وزارت جلیله مالیه غیرممکن است و ضمناً خاطر نشان می‌نماید که در کتترات مزبور شرط نشده و ماده [ای] درج نیست که اگر از مقدار مندرجه در ماده ۱۱ حمل شود خزانه‌داری کل مکلف به پرداخت یک قسمت یا تمام کرایه بشود. از طرف دیگر چون در بدو امر خزانه‌داری در نظر داشت مقدار ۸۰۰۰ خروار مزبور را حمل نماید مقداری جو به عنوان پیش‌کرایه به ارباب بهمن تحویل نموده و چون از مقدار مزبور فقط ۲۵۵۰ خروار حمل به مرکز شده از این جهت ارباب بهمن از مقدار جوی که

دریافت نمود مبلغی مدیون است. چون ارباب بهمن در مقابل، از حوالجات توشقان‌نیل بابت علیق چاپارخانه خط رشت و همدان مقدار ۲۴۰ خروار طلبکار است و در عوض مبلغ چهارهزار و ششصد و دو تومان بدهی دارد، لذا محاسبه معوق ایشان از بابت توشقان‌نیل از قرار ذیل است :

بدهی ارباب بهمن از بابت بقیه قیمت جو علیق توشقان‌نیل ۴۶۰۲۸

از بابت حمل جنس قزوین ۲۶۶۱۰/۴۰

از بابت حمل جنس ساوجبلاغ ۴۱۷۵۱/۴۵

جمع بدهی ۱۱۴۳۸۹/۸۵

الحال برای ختم محاسبه فوق‌الذکر این جانبان طریق ذیل را پیشنهاد می‌کنیم : ارباب بهمن ۲۴۰ خروار جو از بابت سنه توشقان‌نیل از دولت طلبکار است که مطابق تصمیم کمیسیون مورخه دویم برج عقرب ماضی که برحسب امر وزارت جلیله مالیه در خزانه‌داری کل منعقد گردید که باید در تهران یا در همدان به مشارالیه تحویل شود. نظر به این که جو در توشقان‌نیل ارزان بوده، ممکن [است] به ارباب بهمن جو را امروز از قرار خرواری ۲۵ تومان تسعیر نمود که قیمت آن بالغ بر ۶۰۰۰ تومان می‌شود. این مبلغ که از بدهی فوق ارباب بهمن کسر گردد، باقی ۵۴۳۸۹ قران طلب دولت است. نصف این مبلغ اخیر را نیز به عنوان خسارت وارده کسر نموده و باقی ۲۷۱۹۵ قران را از مشارالیه نقداً دریافت دارند، ولی این مطلب را خاتمه معروض می‌داریم در صورتی که ارباب بهمن این پیشنهاد را نپذیرد،^(۱) این محاسبه نه به نفع دولت خاتمه داده شده که امروز قیمت جو از ۳۵ الی ۴۰ تومان است و اگر نرخ تسعیر را حد متوسط ۳۷ تومان قرار دهیم قیمت کلیه ۸۸۸۰ تومان می‌شود و این مبلغ که از بدهی ارباب بهمن کسر گردد، طلب

دولت ۳۵۵۸۹ قران باقی می ماند و هنوز جواب خسارت وارده به ارباب بهمن را نیز نداده ایم.

[امضا و مهر]

[حاشیه ۱]: - به عرض برسد.

[حاشیه ۲]: - نظر به اطلاعات سابقه، ارباب بهمن در تمام عملیات خود برخلاف کنترات رفتار نموده و به هیچ یک از تعهدات خود عمل ننموده، در حمل جنس اعتراضات و یادداشت‌های خود من به خزانه داری که البته در دوسیه ضبط است، شاهد این قضیه است. خسارت کلیه متوجه دولت شده نه بهمن، حتی کمیسیونی هم که اخیراً در خزانه [تشکیل] شده بود، تصور نمی‌کنم برحسب امر وزارت مالیه بوده، چنان که به قرارداد آن کمیسیون همان وقت اعتراض نموده‌ام. با این تفصیل چون کمیسیون مالیه این قسم صلاح بینی برای ختم این عمل نموده‌اند تصویب می‌نماید که به موقع اجرا^(۱) گذاشته شود در صورتی که عالماً عامداً مبلغ کلی بر ضرر دولت می‌شود زیرا جو طلب بهمن به قیمت همان سال باید محسوب شود که خرواری پنج شش تومان بیشتر نبوده. ۲ جلدی ۳۴

[۲۴۰۰۰۳۷۱۵]

۴۵۶

وزارت پست و تلگراف، نمره ۲۰۶۵، به تاریخ ۲۵ ذی حجه ۱۳۳۵ /

[۲۰ مهر ۱۲۹۶]، سواد مشروحه ارباب بهمن بهرام مدیر خط تلگراف

مقام محترم ریاست اداره جلیله کل پست

محترماً عرض می‌شود که در سنه توشقان‌نیل ۱۳۳۳ که اداره جلیله پست مداخله در

کار علیق ننمود، بنده مستقیماً با اداره خزانه‌داری کل طرف معامله شد و جو برای مصرف چاپار خانه از آن اداره محترمه خریداری کردم مقداری دادند و مقدار یک هزار و چهارصد خروار کسری جو باقی ماند. اداره خزانه‌داری کمیسیون کردند و قرار بر این گذاشتند که نصف مقدار جو مزبور که عبارت از هفتصد و سی و چهار خروار و پنجاه من باشد در سنه لوی‌ئیل^(۱) بدهند، چندین حواله دادند که هر کدام به موقع خود برگشت نمود. با هزار زحمت تقریباً پانصد خروار دریافت شد. دویست و چهل و چهار خروار کسری جو باقی است و هم‌چنین بابت ارباب رستم مدیر خط اصفهان هم پانصد و شانزده خروار بابت سنه توشقان‌ئیل باقی است به ترتیبی که با بنده معمول داشتند که نصف بدهند به همان ترتیب با ارباب رستم قرار گذاشتند، با این حال دو فقره را هم تاکنون نداده‌اند. [به موجب کترات در موقع لزوم باید اداره جلیله پست همراهی بکند و عرض این مدت تقاضای همراهی نشده خواهشمندم به اداره خزانه‌داری کل تأکید بفرمایید که دویست و چهل و چهار خروار کسری جو باقی مانده این جانب و دویست و پنجاه و هشت خروار ارباب رستم را حواله بدهند که دریافت شود. چون به این اطمینان، جو، از هر کس قرض گرفتم که باید عین جو بدهم.

اقل بهمن بهرام

[مهر : پست، دایره تحریرات]

سواد مطابق با سواد است. [امضا]

[۲۴۰۰۰۳۷۱۵]

* * *

۴۵۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، [تلگراف از یزد به تهران]، تاریخ ۱۶ حمل [۱۳۰۳]

راپورت یزد به تاریخ ۱۶ حمل

جمعیت متحصنین امروز زیاده‌تر از همه روز اجتماع کرده، طبقه زردشتی‌ها هم چادر جداگانه و جمع بودند. تلگرافی هم از طرف اهالی به مقامات عالیّه نموده‌اند.^(۱)

مقبل السلطان

[۲۹۳۰۰۱۴۸۰]

* * *

۴۵۸

ریاست وزرا، [نمره ۳۳۰۵]، [تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۰۸]

وزارت جلیله مالیه

وزارت جلیله امور خارجه بنابر تقاضای سفارت انگلیس شرحی اظهار نموده است که مطب خیریه زردشتیان یزد که با اعانه (سررتن تاتا)^(۲) دادشاهی، که یکی از ممولین

۱- این تحصن و تلگراف زدن مربوط است به قضیه جمهوری‌خواهی پیش از سلطنت رضاشاه پهلوی که گرچه در این تلگراف ذکری از آن نیست اما پرونده‌ای که این تلگراف در آن موجود است تماماً مربوط به همین جریان است.

۲- در فصل وقایع و حوادث، ماجرای تغییر لباس شاگردان مدارس یزد را بررسی کردیم. این واقعه تبعات زیادی داشت. من جمله باعث مهاجرت زرتشتیان یزد شد. (الف) از دیگر مسائلی که پس از جریان تغییر لباس حادث گردید تشکیل مطب خیریه «سررتن تاتا» است. علت تشکیل این مطب آن بود که مسلمانان بعد از حادثه مذکور طبیبان شهر یزد را وادار کردند که از پذیرفتن بیماران زرتشتی خودداری کنند این خبر که به گوش پارسیان هند رسید، بلافاصله توسط «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی» اقداماتی صورت داده و دکتر «جمشیدجی پتل» را از بمبئی با مقدار زیادی دارو به ایران اعزام کردند. دکتر مزبور در منزل «خدایار شاه کاووس» (خدایاری) ←

هندوستان است تأسیس شده است. ادویه و اشیا و ادواتی که برای دواخانه و جراحی مطب احتیاج است بر طبق تبصره (۲) قانون ۱۳۰۷ مستثنیات گمرکی معاف گردد. لهذا لازم است قدغن فرمایید اگر تجویز قانونی موجود است معافیت داده شود.

[۱۲۵۰۰۳]
۱۷۹

۴۵۹

وزارت امور خارجه، اداره: تذکره - تابعیت و سجات، نمره ۱۱۹۸۲/۳۲۰۶

به تاریخ ۱۳۰۸/۶/۲۳، ضمیمه: ۲ [برگ]

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

در تکمیل معروضه مورخه ۸/۵/۶، نمره ۹۸۱۶/۲۰۹۱، اینک سواد شرحی که در موضوع مطب زردشتیان یزد از وزارت جلیله داخله رسیده با ضمیمه آن لفاً تقدیم می دارد و

مطب را رسماً افتتاح و به مداوای بیماران به طور رایگان و مجانی - اعم از زرتشتی و غیرزرتشتی - پرداخت. این مطب چندین بار تعویض محل پیدا کرد و بالاخره به علت قطع بودجه از هندوستان تعطیل گردید. (ب) جادارد در این جا از مؤسسين این مطب نیز سخنی به میان آید. «نواز بانو» (دختر اردشیر مروانجی) در دسامبر ۱۸۷۷ به دنیا آمد و در جوانی با «سررتن تاتا» ازدواج نمود. پس از مرگ شوهرش بنیاد خیریه «سررتن تاتا» را تأسیس کرد و مبلغ ۲۰ میلیون روبیه برای کارهای خیریه به آن مؤسسه پرداخت. همچنین مؤسسه صنعتی به همین نام به راه انداخت و در آن دختران و زنان زرتشتی را به کارگمارد. سپس مشارالیها تمام دارایی و زمینهای خود در شهرهای مختلف هند را وقف زرتشتیان کرد و خدمات خیریه ای زیادی را انجام داد من جمله به راه انداختن مطب فوق الذکر در یزد از بخشش های او بوده است. این خانم در سن ۸۸ سالگی در ۱۹۶۵ م. / ۱۳۴۴ ش. وفات کرد. (ج)

(الف) رک: اسناد شماره ۱۸۶ تا ۱۹۳

(ب) نامه ای از سروش لهراسب، هوخت، س ۲۹، ش ۶، ص ۳۸ - ۴۰

(ج) هوخت، س ۱۶، ش ۸، ص ۵۱

مستدعی است نظریات هیأت معظم دولت را زودتر اعلام فرمایند که جواب مراسلات سفارت انگلیس داده شود.

[امضا] ، [مهر : وزارت امور خارجه]

[حاشیه ۱] : - [مهر : ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۸/۶/۲۴، نمره ۴۸۲۸]

[حاشیه ۲] : - به عرض برسد. ۸/۶/۲۴

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۷۹}$]

[حاشیه ۳] : - سابقه چیست؟ ۸/۷/۱

۴۶۰

وزارت مالیه، اداره گمرکات، نمره ۳۴۹۰۵، به تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۰۸

مقام منبع ریاست وزرای عظام

در تعقیب مرقومه مبارکه نمره ۴۸۲۸ مورخه ۸/۷/۶، محترماً مبادرت می شود پس از وصول مرقومه سابق نمره ۳۳۰۵ از وزارت امور خارجه در مقابل شرحی که راجع به همین موضوع ارسال داشته بودید تقاضا شد که صورت اشیا را از مطب خیریه بخواهند و آن وزارتخانه جواباً از کیفیت امر اظهار بی اطلاعی نموده، لذا مستدعی است امر و مقرر فرمایند وزارت جلیله داخله صورت ریز اشیا و دواجات را از مطب خیریه تقاضا و به این وزارتخانه ارسال و ضمناً معلوم بدارند این اشیا از کدام دفتر گمرک وارد خواهد شد.

[امضا] ، [مهر : وزارت مالیه]

[حاشیه ۱] : - [مهر : ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۸/۷/۲۱، نمره ۵۹۴۳]

[حاشیه ۲] : - به عرض می رسد. ۸/۷/۲۱

[حاشیه ۳] : - وزارت داخله، سابقه اطلاعی در این خصوص ندارد تا بتواند صورت ریز اشیا را

معلوم نماید بهتر اینست که به وزارت خارجه امر داده شود که صورت جزء و توضیحات لازمه را از سفارت انگلیس بخواهند و اطلاع بدهند. ۲۱ مهرماه ۱۳۰۸

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۷۹}$]

۴۶۱

وزارت امور خارجه، نمره ۳۸۴۵، مورخه ۱۹/۵/۱۳۰، سواد راپورت حکومت یزد
مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در جواب مرقومه نمره ۲۷۵۳، راجع به مطب زردشتیان یزد، در این باب تحقیقات لازمه از ارباب خدارحم هرمزان رئیس و نماینده انجمن زردشتیان یزد به عمل آورده و تحقیقاتی هم که در خارج خود بنده نموده‌ام، به طور است که مشارالیه توضیح داده که سواد لفاً تقدیم می‌دارد. خاتماً معروض می‌دارد که معاملات حکومتی و مأمورین دولتی نسبت به مطب مزبور با سایر مطب‌های یزد تفاوتی ندارد.

۸/۵/۲ نمره ۱۵۹۶ حکومت یزد

سواد مراسله حکومت یزد و راپورت ضمیمه آن راجع به مطب زردشتیان به وزارت جلیله امور خارجه ارسال می‌شود ۱۹/۵ نمره ۳۸۴۵ مهر و امضای وزارت داخله سواد مطابق اصل است.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۷۹}$]

۴۶۲

وزارت امور خارجه، [نمره ندارد]، مورخه: ۸/۵/۸، سواد تحقیقات

۱- تاریخ تأسیس زمان حکومت میرزاسلیمان خان میکده ۱۳۰۱ شمسی است.

- ۲- بنا و عمارت مطب و دواخانه اجاره و از مال ولدان شهریار بهمن ایرانی است.
- ۳- مؤسسن مطب رئیس انجمن زردشتیان ایرانی در بمبئی که جناب دینشاه سیلیستر^(۱) است که از پارسیان هندوستانی و تبعه خارجه است. اعانه که جمع آوری می شود در بمبئی اعانه دهندگان هم زردشتیان تبعه ایرانی و هم زردشتیان تبعه خارجه.
- ۴- مصارف و مخارج مطب (بعد از وضع آنچه از مردم در یزد از متمولین گرفته می شود که تقریباً از قیمت دوا زیادتر نمی گیرند و فقرا مجانی هستند) بقیه از وجوه خیریه انجمن زردشتیان ایرانی بمبئی است که تبعه خارجه و ایرانند.
- ۵- طبیب مطب دکتر منوچهرجی^(۲) هندوستانی و تبعه انگلیس است که از طرف آن انجمن آمده و کارکنان مطب زردشتی ایرانی یزدی تبعه ایران می باشند و دکتر مزبور در تحت تعلیمات اداره معارف و اگر در مواقعی کارهایی هم داشته باشند اداره حکومتی مداخله و انجام می دهد.
- سواد مطابق سواد اصل است.

[۱۲۵۰۰۳]
۱۷۹

۴۶۳

وزارت امور خارجه، نمره ۲۳۵، مورخه ۱۰ تیر ۱۳۰۸، سواد مراسله سفارت انگلیس

آقای کفیل

محترماً خاطر جناب مستطاب عالی را مراجعه می دهم به مکاتباتی که به مراسله آن

۱- اصل: مولیتر.

۲- پس از دکتر جمشیدجی پتل، دکتر «سهراب تچاگندی» و سپس دکتر «منوچهر وسونا» برای اداره مطب آمدند بعد از این شخص نیز کسان دیگر آن را اداره کردند. (لهراسب، سروش، «یادی از گذشته» [نامه شماره ۲۹]، هوخت، سن ۱۳، ش ۵، ص ۹).

جناب مورخه ۲۰ فروردین (۹ آوریل) نمره ۴۰۷ ختم می شود و راجع است به وارد کردن لوازم طبی بدون ادای حقوق گمرک جهت دواخانه خیریه زردشتیان یزد.

۲- خیلی ممنون خواهم شد که آن جناب محبت فرموده بر طبق مندرجات تبصره ۲ قانون مورخه اول اسفندماه ۱۳۰۷ اقدامات لازمه را به عمل آورند که در نتیجه مؤسسه خیریه مزبور بتواند تخفیفی از بابت حقوق گمرکی تحصیل نماید.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می نمایم.

سواد مطابق اصل است. صدیقی

[۱۲۵۰۳]
۱۷۹

۴۶۴

وزارت امور خارجه، اداره تذکره، تبعیت و سجلات، نمره ۹۸۱۶/۲۰۹۱

به تاریخ ۱۳۰۸/۵/۶، ضمیمه: ۱ [برگ]

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

در مهرماه ۱۳۰۷ سفارت انگلیس شرحی به وزارت امور خارجه نوشته و تقاضا نمود که ادویه و اشیای طرف احتیاج مطب خیریه زردشتیان یزد مطابق تصویب نامه دی ماه ۱۳۰۵ هیأت محترم وزرای عظام از معافیت محدود حقوق گمرکی بهره مند گردد. ضمناً نیز اشعار داشته بودند که مؤسسه مزبوره از طرف (سررتن تاتا دادشاهی) [از] پارسیان هندوستان تأسیس گردیده است و در تحت نظر «انجمن زردشتیان ایرانی در بمبئی» اداره می شود. در موضوع مؤسسه مزبور تحقیقاتی به عمل آمده و مطابق اطلاعاتی که از قنصلگری بمبئی رسیده، معلوم می شود «انجمن زردشتیان یزد» نظر به این که مطب و دواخانه نداشته اند، از موقعی که (سررتن تاتا) که از متمولین زردشتیان هندوستان است به ایران آمده تقاضای تأسیس یک باب دواخانه عمومی می نمایند.

مشارالیه مبلغ بیست و پنج هزار روپیه یک مرتبه و دفعه دیگر هفده هزار روپیه به اسم عیالش می‌پردازد، به علاوه خانمهای پارسی بیست و پنج هزار روپیه دیگر نیز برای تکمیل و دوام اداره این دواخانه پرداخته‌اند. عجله مؤسسه مزبور ۳۳ هزار روپیه سرمایه دارد و سرلوحه‌ای دارد که تأسیس آن را به واسطه اعانه (سررتن تاتا) اعلام می‌دارد و سرپرستی آن با «انجمن زردشتیان ایرانی در بمبئی» می‌باشد و هرگونه کسر و نقصانی داشته باشد به واسطه جمع‌آوری اعانه در خود انجمن جبران می‌شود. از وزارتین مالیه و داخله نیز تحقیقاتی شده بود. وزارت داخله سواد مشروحه «انجمن زردشتیان یزد» را مبنی بر این که مطب مزبور مطابق تابلویی که در سردرب آن نصب شده و اطلاعات حاصله، متعلق به سررتن تاتا هندوستانی و در تحت نظارت انجمن زردشتیان اداره می‌شود، ارسال داشته و از وزارت مالیه نیز جواباً می‌نویسند که دولت می‌تواند برطبق تبصره ۲ قانون اول اسفند ماه ۱۳۰۷ اجازه دهد ادویه و اشیایی که اختصاص به مؤسسات صحی خیریه دارد به معافیت در حقوق گمرکی وارد شود و مطب خیریه زردشتیان نیز در این خصوص باید به هیأت محترم دولت مراجعه نمایند نظر به تقاضای مکرر سفارت انگلیس که اشعار داشته‌اند همان طور که مریضخانه‌های خیریه دعاة مسیحی انگلیس در اصفهان - یزد و کرمان از معافیت محدود حقوق گمرکی برای ادویه و سایر اشیایی که جهت مریضخانه‌ها لازم است معاف شده‌اند، دواخانه و مطب و جراحی سررتن تاتا نیز مورد توجه واقع شود و از مدلول تبصره قانون اول اسفند ماه که فوقاً معروض گردید بهره‌مند گردد. با تقدیم آخرین مراسله سفارت برای مزید استحضار خاطر مبارک به عرض می‌رساند سال گذشته در جواب اولین رقعہ سفارت انگلیس نوشته شد که مطب خیریه زردشتیان یزد چون مطب ایرانی است باید مستقیماً به مقامات مربوطه مراجعه و تقاضای خود را توضیح بدهند. از سفارت انگلیس مراسله مشروحه رسید که استناد تأسیس مطب خیریه مزبور از طرف سررتن تاتای پارسی

هندوستانی مداخله سفارت را به مورد دانسته بودند و به همین لحاظ تحقیقات مجددی در اطراف قضیه به شرح معروض در فوق به عمل آمد و اینک نتیجه تحقیقات به عرض رسید. در هر حال نظر به تبصره مزبوره ممکن است معافیت محدود نسبت به حقوق گمرکی ادویه و اشیای وارده برای مؤسسه خیریه مذکور اعطا شود و در جواب سفارت نوشته شود که در تابعیت مؤسسه مزبوره تحقیقات لازمه به عمل خواهد آمد.

[امضا] ، [مهر : وزارت مالیه]

[حاشیه ۱] : به عرض می رسد. ۸/۵/۶

[حاشیه ۲] : - [مهر : ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ ۸/۵/۷، نمره ۳۳۰۵]

[حاشیه ۳] : - به مالیه نوشته شود اگر تجویز قانونی دارد، داده شود.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۷۹}$]

* * *

۴۶۵

[شهریور ماه ۱۳۰۹]

به آستان اعلی حضرت قدر قدرت همایونی پهلوی شاهنشاه اسلام پناه قبله عالم و عالمیان ارواحنا
فداه

صدشکر، زنجیر عدل اعلی حضرت پهلوی تمام عالم را فرا گرفته. این کمینه مضطرّه
بیچاره شوهرم چندین سال هست علیل هست یک پسر ۱۴ ساله دارم، مردّم هست
سیدعلی نام. اردشیر جان ماز^(۱) مبارکه [ای] زیرنشین پسر شده و یک در میان آمده این
بچه را یک باری می برده و صحبت زیاد با او می داشته من ملتفت نبودم که قصد او چه
می باشد تا شبی بچه ام نزد خودم خوابیده بود آخر شب بچه ام را به جای خود نمی بینم و

اولاد منحصراًست به همین یک پسر، دیگر ابداً اولاددار نشده‌ام و در تفت پنج فرسخی شهر یزد سکنی دارم. خود را به شهر رسانیده‌ام اداره عدلیه و نظمی و امنیه و حکومتی همه جا اطلاع داده‌ام. اردشیر مجوس را حاضر کردند با وجودی که یقین است بچه‌ام را همین مجوس برده است و او را مرخص کردند و چهل روز است معطل و سرگردان مانده‌ام و از بس که به اداره جات رفته‌ام عاجز شده‌ام. تماماً به وعده می‌گردانند. این بچه چند سال در بمبئی شاگرد مهربابا بوده به قدر پنجاه نفر از سادات و بزرگان تفت استشهاد نوشته‌اند، مهر کرده که دزد پسر من همین اردشیر است و پسر من سجل نداشته ورقه عبور^(۱) نداشته خودش به راحتی نمی‌تواند برود، مگر آن که این گبر به پول خرج کردن بیراهه به یک راهی این بچه را از شهر بیرون برده. آیا می‌پسندید ذریه حضرت رسول و پسر یگانه مرا این قسم گبری در آخر شب در منزل کمینه سرقت کند و ببرد و کسی به فریادم نرسد. زیاده جسارت و سوء ادب است. الامرالاعلی مطاع

کمینه والدہ سیدعلی

[۲۹۰۰۰۷۴۵۵]

۴۶۶

[دفتر مخصوص شاهنشاهی]، [نمره ۵۲۸۹]، [تاریخ ۱۳۰۹/۶/۱۱]

وزارت جلیله داخله

والده سیدعلی نام از یزد متظلمه است پسر چهارده ساله او را اردشیر نام زردشتی برده و پنهان کرده است. به ادارات دولتی مراجعه و شکایت نموده، اردشیر را جلب و

بعد بدون حصول نتیجه مرخصش کرده‌اند دو فقره عریضه مشارالیها لفاً ارسال می‌گردد
امر لازم و رسیدگی به قضیه و صدور جواب عارضه صادر فرماید.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا : حسین]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ثبت کل وزارت داخله، نمره ۲۱۱۶۹، تاریخ ۱۳۰۹/۶/۱۳]

[حاشیه ۲]: - اداره دویم، ضمیمه دارد، ۹/۶/۱۳

[حاشیه ۳]: - یک طغرا عریضه عیناً برای حکومت یزد فرستاده شد.

[۲۹۰۰۰۷۴۵۵]

۴۶۷

وزارت داخله، اداره دویم، نمره ۷۹۷۵، تاریخ ۱۳۰۹/۶/۱۷

یزد، درب حمام محله کارزگاه، توسط استادحسین حقّامی، والده سیدعلی

عریضه که در باب سیدعلی پسر خودتان نوشته بودید، به عرض خاک پای مبارک
همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه رسید. به حکومت جلیله یزد شرحی که لازم بود نوشته
شد. شما هم به حکومت رجوع نمایید.

[امضا: احمد قوام]

[۲۹۰۰۰۷۴۵۵]

* * *

۴۶۸

وزارت داخله، [نمره ۱۷۰۰]، [تاریخ ۱۳۱۲/۲/۳۰]

در وزارت داخله، آقای زرّین کفش - آقای عزیز

مراسله [ای] از جامعه ایرانیان بمبئی در شکایت از تقلیل زیاد در حقوق و خدمات

مستخدمین پارسی در راه آهن جنوب رسیده که محترماً توجه خاطر عالی را به مندرجات آن معطوف می دارد. سوادى از مراسله یکی از مستخدمین پارسی موسوم به Mr. F.S.Madon را که مبنی بر توضیحاتی راجع به موضوع مزبور است لفاً تقدیم داشت.

نظر به این که منتهای کوشش این جانب این است که قلوب هیأت پارسیان را همیشه نسبت به ایران مجذوب و مجلوب نموده و همواره ساعی بوده ام که آنها را در طریق اجرای حسن نیت و صداقت و موافقت و عشق و علاقه به وطن بومی خود محرک و مشوق گردم که اراضی لم یزرع و بایر صنعتی و زراعتی به کمک سرمایه و اطلاعات و تجربه آنها آباد شوند. امیدوارم که از چنین اقدامات تقلیلیه نسبت به مستخدمین پارسی از طرف مأمورین راه آهن جنوب خودداری شود که موجب سلب اعتماد آنها نشده و به اقداماتی که برای تشویق اشخاص مزبور به عمل می آید لطمه وارد نسازد. بنابراین خیلی ممنون خواهم شد اقدامی را که لازم است در این مورد به عمل آورده و توجه اشخاص مربوطه را که مستخدمین پارسی را برای راه آهن جنوب استخدام نموده اند جلب فرمایند تا روابط و مناسبات دوستانه و اعتماد بین الطرفین باقی بماند. قبلاً مراتب تشکرات خود را در ارسال جواب مساعد اظهار می دارد.

[امضا]

[حاشیه ۱]: - محرمانه سواد برای ملاحظه وزارت طرق بفرستید.

[حاشیه ۲]: - شماره ۲۸۳، ۱۲/۲/۲۷، ریاست اداره دویم.

[حاشیه ۳]: - [ناخوانا]

[۲۹۰۰۰۴۶۲۵]

۴۶۹

وزارت داخله، [نمره و تاریخ ندارد]، [سواد نامه آقای مادن]

خدمت رئیس جامعه ایرانیان بمبئی

نظر به این که ساختمان راه آهن بین بندر شاهپور و دزفول در ظرف مدت چند روز کاملاً خاتمه و اکنون تردد در خط اصلی افتتاح یافته است. فعلاً این قسمت به وسیله ایرانیان اداره می شود. قسمت مزبور اداره عملیات فنی نامیده می شود و کلیه رؤسای این قسمت ایرانی هستند. کتترات برای ساختمان بعدی آن طرف دزفول به مهندسین دانمارکی محول شده. امریکایی ها قرار است در ظرف چند روز به امریکا روانه شوند. از وقتی که ایرانی ها کنترل این قسمت راه آهن را عهده دار شده اند شروع به تقلیل حقوق با بی عدالتی فوق العاده شده است. زمینه های قویه موجود است و بیم آن است که اکثر پارسیان بدون این که هیچ تقصیر متوجه آنها شده باشد، در صورت تقلیلیه منظور شده اند کما این که عده [ای] از آنها از دیروز از خدمت معاف گردیده اند و معدودی و بقیه هم در صورتی که در حقوق قلیل فعلی آنها هم تقلیل بیشتری داده شود مجبور خواهند شد که استعفا بدهند زیرا دلایل متقنه برای این موضوع در دست است. گمان دارم این نوع معامله نسبت به پارسیان پس از آن همه ملاطفاتی که برای دعوت آنها به این سرزمین به عمل می آمد مستحسن نباشد. هر یک از پارسیان را ممکن است در حدود مشاغل خود به جای هندیان شیعی که در شغل خود باقی مانده اند به سهولت همراه نمود. با این حال تا حدی که در حیطه قدرت این جانب است سعی خواهم نمود حتی مختصر وقفه [ای] هم در جریان امور حاصل نشود و امیدوارم موفق شوم. زیرا که نهضت جامعه شما را در قلب خود دارم^(۱) و می توانم تصور کنم که ضربت مزبوره علاوه بر این

۱ - جمله به همین شکل است و شاید مقصود نویسنده شور و شوق بوده است.

که به مقاصد عالیه شما لطمه می زند بهانه انتقاد به دست طرف مقابل خواهد داد. در مصاحبه [ای] که سابقاً این جانب با آقامیرهادی مدیر نموده بودم، مشارالیه وعده داده است اقدامی در این موضوع بنماید ولی نمی دانم چه وقت ابقا خواهم شد. با این حال اگر پارسیان مجبور به ترک ایران شوند به شما تلگراف خواهم کرد و جواب شما را قبل از آن که به هندوستان حرکت کنم انتظار خواهم داشت ولی رجای واثق دارم که منجر به این جریانات نشود.

امضای F.S. Madon

[امضا]

[۲۹۰۰۰۴۶۲۵]

۴۷۰

وزارت طرق و شوارع، نمره ۱۷۳۲، تاریخ دوّم خرداد ماه ۱۳۱۲، محرمانه

وزارت جلیله داخله

معطوفاً به مرقومه نمره ۱۷۰۰ مورخه ۳۰ اردیبهشت ماه متضمن سواد مراسله برادران بادی میقیم تهران زحمت اشعار می دهد.

ابتدای سال ۱۳۱۲ در تشکیلات راه آهن شمال و جنوب تجدید نظری به عمل آمد بدین مقصود که خارج زائده حذف و اعتبارات صرف منظور اصلی که ساختمان راه آهن است بشود. در نتیجه عده کثیری که وجودشان مورد احتیاج نبود از خدمت معاف شدند که برحسب اتفاق در میان آنها چند نفر پارسی نیز بوده اند. در سایر مصارف نیز صرفه جویی های معتابه به عمل آمده بنابراین به طوری که ملاحظه می فرمایند در این اقدام هیچ نظری جز تقلیل مخارج نبوده و عده [ای] که از خدمت معاف شده اند منحصر

به دوسه نفر پارسی نبوده است.

در این موضوع توضیحات بیشتری از اداره راه آهن جنوب خواسته شده که قریباً
واصل و ملاحظه خواهد شد که مستخدمین پارسی در تشکیلات جدید نیز مورد همه
قسم رعایت واقع شده اند.

[امضا و مهر]

[حاشیه ۱]: - ریاست اداره دویم جواب وارده را بدهند.

[حاشیه ۲]: - سابقه [۲۹۰۰۰۴۶۲۵]

* * *

۴۷۱

۱۳/۵/۲۵ [۱۳]

هو

قربانت شوم، به نحوی که خاطر محترم آگاه است از چندی قبل پارسیان هندوستان
در نظر داشتند مجسمه فردوسی را از برنز درست و تقدیم نمایند^(۱) در جلو بهارستان
نصب شود. چون دیر شده است اکنون نمی دانم اجازه داده می شود در آن جا یا در یکی

۱ - پس از جشن هزاره فردوسی، پارسیان هند ابتدا برج ساعتی را در یزد برای تجلیل از مقام فردوسی
ساختند (الف) و همچنین به فکر افتادند مجسمه ای از او در تهران نصب کنند. این اندیشه توسط ارباب کیخسرو
شاهرخ به مقامات مزبور ابراز شد و پس از موافقت و انتخاب نمونه ای از عکس های فردوسی انجام کار به
«انجمن ایران لیگ» بمبئی (ب) واگذار گردید. در دهم بهمن ماه ۱۳۲۲ نخستین کلنگ بنا در حضور عده ای از
نمایندگان مجلس و اعضای انجمن زرتشتیان تهران به زمین زده شد و در مهرماه ۱۳۲۳ نخست وزیر از مجسمه
مذکور در میدان فردوسی پرده برداری کرد. (ج) در سال ۱۳۳۸ این مجسمه را از میدان فردوسی انتقال داده در
دانشگاه تهران در مقابل دانشکده ادبیات نصب نمودند (د) (الف) رک: اسناد شماره ۱۶۸ تا ۱۷۳

(ب) رک: سند شماره ۱۸۰

(ج) مهنامه زرتشتیان، دی ماه ۱۳۵۲، ص ۳۵

(د) هوخ، س ۱۰، ش ۷، ص ۱۵

از فلک‌ها یا خیابانهای دیگر نصب شود زیرا شرحی به بنده نوشته و کسب تکلیف نموده‌اند. لذا مستدعی است به هر نحو مقتضی است در این باب بذل توجه و تکلیف جواب را معین فرمایید مورد نهایت تشکر است.

روزگار فیروزی پاینده باد

سپاس‌دار کیخسرو شاهرخ

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، به تاریخ: ۱۵/۶/۲، نمره ۶۷۹۳]

[حاشیه ۲]: - دوست عزیزم، مرقومه جناب عالی راجع به تصمیم پارسیان هند در تهیه مجسمه فردوسی و نصب آن در جلو بهارستان یا یکی از میادین دیگر واصل گردید در این باب استمراجی حاصل نمود، اجازه فرمودند مجسمه در میدان دانشگاه نصب شود. در این باب دستور لازم به جناب آقای وزیر معارف داده شد. به ایشان مراجعه و ترتیب اجرای امور را بدهید. [امضا]

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۷}$]

۴۷۲

ریاست وزرا، نمره ۶۷۹۳، [تاریخ] ۱۵/۶/۲ [۱۳]

جناب آقای وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

پارسیان هندوستان به وسیله آقای کیخسرو شاهرخ نماینده زرتشتیان استدعا کرده بودند مجسمه فردوسی^(۱) که به خرج آنها از (برنز) ساخته شده، در جلو بهارستان یا در یکی از میدانهای شهر نصب شود. موضوع به عرض پیشگاه ملوکانه رسید. مقرر فرمودند مجسمه مزبور در دانشگاه تهران نصب شود. مقتضی است در تعیین محل

نصب مجسمه فردوسی با آقای ارباب کیخسرو شاهرخ مذاکره فرموده، ترتیب اجرای امر مبارک را بدهند.

رئیس الوزرا

[حاشیه]: تجدید شد. ۱۵/۶/۱

[۱۲۵۰۰۳]
۱۹۷

* * *

۴۷۳

وزارت دارایی، اداره مالیات بردرآمد تهران، شماره ۳۱۷۰۹

به تاریخ ۱۳۲۰/۸/۲۶، ضمیمه: پیش نویس است

اداره کل مالیات مستقیم

چون از نظر تعیین سهام وارث درگذشتگان مذاهب متنوعه کلیمی - مسیحی و زردشتی فهرست تقسیمات قانونی ارث هر یک مورد نیاز می باشد، علی هذا متمنی است مقرر فرمایید صورت تقسیم ترکه مذکوره را تهیه و به این اداره ارسال دارند. (۱)

رئیس اداره مالیات بردرآمد تهران - علی محمد مولانا

[۲۴۰۰۱۹۷۲۳]

۱ - پس از آن که علی اکبر داور در سال ۱۳۰۶ ش. دوایر عدلیه را منحل کرد، شروع به ساختن تشکیلات جدید اداری نمود من جمله تأسیس اداره کل ثبت اسناد که در سال ۱۳۰۸ صورت گرفت. پس از آن قانون حصر وراثت تنظیم و تصویب شد. مطابق ماده ۵ قانون نام برده که می نویسد (کلیه ساکنین ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود، اعم از این که مذاهب آنها مسلمان و یا غیرمسلمان باشد؛ میزان سهم الارث ورثه طبق مذهب اسلام تعیین و در حکم دادگاه تصریح می گردد) اداره ثبت نیز مطابق این حکم رفتار می نمود. وکلای اقلیت های مذهبی در مجلس شورای ملی به این دستور اعتراض (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

۴۷۴

وزارت دارایی، [نمره و تاریخ ندارد] رونوشت شرحی که آقای آیت الله زاده داده‌اند

اداره کل ثبت

نامه شماره ۲۹۶۰۶۰ و رونوشت نامه اداره حقوقی وزارت دادگستری دایر بر این که

نمودند و پس از تلاش‌های ایشان در ۳۱ تیرماه ۱۳۱۲ قانونی تصویب گردید که طبق آن به اقلیت‌های مذهبی اجازه داده شد مطابق اصول شخصیه خود حکم دریافت دارند. (الف) ارباب کیخسرو شاهرخ در خاطرات خود در این باره نوشته: «موقعی که قانون مدنی در تاریخ ۱۳۱۲/۴/۳۱ از مجلس شورای ملی می‌گذشت من و نمایندگان ارامنه و کلیمی در آن جا پیشنهاد می‌دادیم که در قضایای مذهبی و احوالات شخصیه مثل عقد و نکاح و طلاق و ارث باید محکمه برطبق مقررات آن مذهب رسیدگی کرده حکم بدهد و همین نحو تصویب شد. البته برطبق این مصوبه بایستی مقررات را جمع و تدوین نمود و به دست عدلیه داد که برطبق آن ادا شود. چنان جمع‌آوری، با تشنت افکار و مخالفت نظر اشخاص، کار مشکلی است زیرا طبعاً قسمت‌هایی به منافع اشخاص برخورد کرده است. به هر صورت برای این کار چند روزی درب را بر روی خود بسته و در خانه نشسته از روی آثار و مقررات و صلاحیت و با مراجعه به آنچه در دسترس بود، ۷۷ ماده نوشته و به «آیین‌نامه زرتشتیان» نامزد کرده و در انجمن طرح نمودم و نسخی به انجمن‌های کرمان و یزد فرستاده [...] بالاخره یزد و کرمان هم اختیار را به برگزیدگان تهران دادند و آنها نیز تمام بار را به گردن من انداختند [...] بعد از مطالعات و جرح و تعدیل زیاد یک نسخه پاکنویس و به جناب آقای محسن صدر وزیر عدلیه داده شد [...] ۲۵ ماده آن را حذف نموده و بقیه را عیناً موافقت کرده بودند [...] به هر صورت خاتمه یافت و به انجمن زرتشتیان بردم که تجدید نظر آخری بشود. اشکال در قسمت پُل‌گذاری یا فرزند خواندگی و طرز آن بود که در عدلیه نیز به همین شکل برخورد بودیم. از انجمن خواستیم ایشان هم نتوانستند حل کنند و موکول به این نمودند که به یزد رفته با آقای دستور نامدار، دستور بزرگ یزد (ب) مذاکره کنند. از آن جا هم گره‌ای گشوده نشد که در این ضمن من برای معالجه در ۷ فروردین ۱۳۱۷ از تهران به اروپا حرکت کردم» (ج) این آیین‌نامه بالاخره در ۶۵ ماده چاپ و منتشر گردیده همچنین کتابی تحت عنوان «احوال شخصیه زردشتیان ایران» مشتمل بر قواعد ازدواج، طلاق، ارث، وصیت، فرزندخواندگی و تطبیق آن با قواعد حقوقی مدنی ایران، (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

از وزارت دارایی طرز تقسیم ترکه درگذشتگان ملل متنوعه کلیمی - مسیحی - زردشتی و نقل و انتقالات بلاعوض آنها را خواسته‌اند ملاحظه شد. بیان کلیه مسائل و فروع توارث و طرز تقسیم ترکه در ملل متنوعه رساله مفصلی می‌خواهد که با فقدان وسایل، مجالی برای تألیف آن حاصل نیست ولی با این حال به روی مطالب و قسمتهایی که اساس و مبانی کیفیت توارث را در هر یک از ملل متنوعه روشن می‌نماید در این مقاله اشعار می‌دارد: [.....].^(۱)

قسمت سوم - طرز تقسیم ترکه در ملت زردشتی

اگر چه در ترجمه کتابهای زند و اوستا و کتابهای دیگر زردشتیان که دسترسی به آنها هست از مقررات ارث، بلکه سایر احکام و فروع مذهبی آنها، خصوص در قسمت معاملات چیز مهمی دیده نمی‌شود و از آقای پورداد که در اطلاع به اوضاع احوال و کتب آنها سالها زحمت کشیده‌اند و تألیفاتی هم دارند «کیفیت توارث در ملت زردشتی» اشعار شد اظهار بی‌اطلاعی در این زمینه نموده و به کتاب روایات (مجموعه فتاوی و بیانات موبدان زردشتی ایران که در ظرف سالهای متمادی به توسط اشخاص برای زردشتیان هندوستان فرستاده‌اند) و بعضی کتابهای دیگر مراجعه شده چیز قابل توجهی

توسط آقای محمدتقی دامغانی در آبان ۱۳۳۴ توسط انتشارات امیرکبیر چاپ و منتشر گردیده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که گرچه این قوانین رسمی شدند اما بعضاً در شهرهایی چون یزد، احوالات شخصیه زرتشتیان نادیده انگاشته می‌شده که نمونه آن در سال ۱۳۳۸ در یزد اتفاق افتاده است.^(د)

(الف) زارع، سروش؛ «تاریخچه قانون احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه»؛ هوخ، س ۱، ش ۳، ص ۱۸.

(ب) رک: سند شماره ۱، پاورقی صفحه ۲۲.

(ج) اشیدری، یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ، ص ۱۰۹ - ۱۱۲.

(د) هوخ، س ۱۰، ش ۴، ص ۱۷.

۱ - در این جا مؤلف‌نامه، درباره قوانین تقسیم ما ترک در یهود و مسیحیت مطالبی دارد که چون مربوط به بحث ما نبود، آورده نشد.

بدست نیامد و آنچه از زبان زردشتیان هم نقل می‌شود چندان مورد اعتماد نیست. فقط در کتاب دبستان المذاهب از کتاب ویندایشت ذکر شده که خواهر و مادر و زوجه میّت، در مذهب زردشت ارث بر نیست و فقط اولاد میّت وارث او می‌باشد و اگر اولادی ندارد و کسی را هم به فرزندخواندگی خود معین نکرده باشد در شب سوم فوت (شب دیجور) می‌گویند شخصی را (اگر از اقربای میّت باشد بهتر است) به نام فرزندی برای میت تعیین می‌کنند که وارث او بوده و تمام حقوق خانوادگی^(۱) او را خواهد داشت.

به طوری که تحقیق شد، اخیراً بزرگان زردشتیان ایران انجمنی تشکیل داده و از کلیه احکام مذهبی خود و آنچه را که به عنوان احکام مذهبی در آنها عملاً جریان داشته و دارد قسمت‌هایی را با رعایت تناسب اوضاع و احوال امروزه آیین‌نامه تنظیم نموده‌اند که قسمتی از مواد مربوطه به ارث از آن نقل می‌شود:

ماده ۱- پس از وضع مخارج کفن و دفن و مبلغی که برای ادای رسوم معموله مذهبی به جهت میت لازم است و قروض او و مبلغی که برای امور خیریه یا تقسیمات خصوصی اختصاص داده باشند، بقیه ترکه به عنوان دارایی خالص میت به تصرف وارث درمی‌آید.

ماده ۲- کسی که بمیرد و از او پدر و مادر بیوه و فرزندان مانده و وصیتی نکرده باشد، نخست از دارایی خالص او یک ششم بهره زن و بقیه به پدر و مادر هر یک یک دهم و اگر هر دو نباشند یک هشتم به آن که زنده است داده می‌شود و سهم هر پسر دو مقابل سهم دختر است و اگر متوفی صغیر دارد به هر یک در حدود متعارف و اوضاع و احوال خانوادگی به عنوان حق‌التربیه و نگاه‌داری مبلغی اضافه داده می‌شود.

ماده ۳- زن زردشتی که بلاوصیت بمیرد و از او پدر و مادر و فرزندان بازمانده باشند به هر یک از پدر و مادر یک دهم و اگر یکی از آنها زنده باشد یک هشتم و بقیه

سهم شوهر و پسر و دختر مساوی خواهد بود.

ماده ۴- اگر شوهری مرده و زنش هم بعد از او بمیرد، دارایی باقیمانده از زن بین پدر و مادر و اولاد بازمانده از او به شرح ماده قبل تقسیم خواهد شد.

ماده ۵- هرگاه در اثر حوادث زن یا شوهرش بمیرند، نسبت به ارثیه از پدر سهم پسر معادل دو سهم دختر است و نسبت به ارثیه از مادر متساوی است و نسبت به پدر و مادر، زن و شوهر با رعایت مواد ۲-۳-۴ عمل می شود.

ماده ۶- فرزندی که قبل از پدر و مادر خود فوت کرده و از او زن و فرزند باقیمانده باشد سهم او به بیوه و فرزند یا فرزندان او تعلق خواهد گرفت و در صورت نداشتن فرزند بیوه او مطابق ماده زیر ارث می برد. در مرگ زن یا شوهری که بدون اولاد باشند یک دوم دارایی نصیب زن یا شوهری که باقی مانده و نصف دیگر بهره پدر و مادر متوفی خواهد بود و اگر هیچ یک از پدر و مادر در حیات نباشند، خویشان پدری به ترتیبی که در ماده ۱۳، درجه تقدم آنها تعیین شده، ارث می برند.

ماده ۷- هرگاه زن یا شوهر یا هر دو از ازدواج با دیگری اولادی داشته باشند اولاد هر یک از آنها از نامادری و ناپدری خود ارث نمی برند.

ماده ۸- کسی که به فرزندخواندگی حق ارث از پدر و مادری که او را به فرزندی خوانده اند دارد، این حق مانع از ارث بردن او از والدین و خویشاوندان حقیقی خود نخواهد بود.

ماده ۹- اگر وارث میت منحصر به چند برادر و خواهر باشد، چنانچه میت زن بوده سهم الارث هر یک از برادران و خواهرانش مساویست و هرگاه مرد بوده هر یک از برادران دو برابر خواهر ارث می برند.

ماده ۱۰- چنانچه فرزند خوانده قبل از فوت پدر خوانده و یا پدر و مادر حقیقی خود بمیرد که از او زن و فرزندی باقی نباشد، یک دوم از دارایی او متعلق به پدر و مادر

حقیقی و یک دوم دیگر به پدر و مادر خوانده و یا هر یک از آنها که سمت فرزندخواندگی او را داشته است تعلق خواهد گرفت و اگر زنی از او باقی باشد یک دوم از کل دارایی او نصیب زن و یک دوم دیگر دو قسمت می‌شود، یک چهارم سهم پدر و مادر حقیقی یا ورثه آنها و یک چهارم دیگر سهم کسی که فرزندخوانده اوست خواهد شد.

ماده ۱۱ - اگر فرزندخوانده بعد از فوت پدر و مادر خوانده یا یکی از آنها بمیرد و از او زن و فرزندی باقی نباشد، دارایی او بین پدر و مادر حقیقی یا وارث آنها قسمت خواهد شد.

ماده ۱۲ - اگر در میان وراث غایب مفقودالثری باشد سهم او کنار گذاشته می‌شود تا حال او معلوم گردد.

ماده ۱۳ - طبقه اول ورثه مقدم بر طبقه دوم و دوم بر سوم و به همین نحو طبقات بعدی به شرح زیر؛ طبقه اول: زن یا شوهر - اولاد - پدر و مادر و اولادزاده، در مواردی که مطابق این آیین‌نامه قائم مقام اولاد متوفی می‌شوند، طبقه دوم برادر و خواهر متوفی و اولاد آنها هر قدر پایین برود، طبقه سوم: جد و جده، طبقه چهارم: اعمام و عمات و خالوها و خاله‌ها و اولاد آنها.

کیفیت فرزندخواندگی و پُل‌گذاری^(۱)

ماده ۱۴ - در موردی که زن و شوهر بی‌اولاد با موافقت یکدیگر، کسی از زردشتیان را به سمت فرزندی خود اختیار کند آن فرزندخوانده وارث شخصی او است و اگر بعداً ازدواج کند و فرزندی از او بوجود آید فرزندخوانده نیز در ردیف فرزندان او بشمار و در حقوق و مقررات مانند فرزند حقیقی محسوب است.

۱ - پُل‌گذاری همان پسرخواندگی است.

ماده ۱۵ - در موقعی که زن بیوه یا شوهر بیوه کسی را به فرزندی اختیار نماید آن فرزند خوانده فقط وارث همان زن یا شوهر خواهد بود که او را به فرزندی خوانده است مگر در موردی که وارث زن یا شوهری که او را به فرزندی نخوانده موافقت نماید که همان شخص معین، فرزندخوانده زن و شوهر هر دو بشمار آید.

ماده ۱۶ - در موردی که مردی بی‌اولاد فوت نماید و فرزندخوانده هم نداشته و وصیتی هم نکرده باشد، ورثه می‌توانند در صبح روز چهارم فوت او، با حضور موبد و حضار، پسر و یا هر زردشتی را به سمت پل‌گذاری شخص متوفی تعیین کنند و در این صورت، سمت فرزند حقیقی را خواهد داشت.

ماده ۱۷ - هر زردشتی می‌تواند به موجب وصیت اموال خود را میان ورثه و یا اشخاص دیگر تقسیم کند و یا به هر مصرف خیریه دیگری که بخواهد بعد از مرگ خود تعیین نماید و تخلف از وصیت جازز نیست.

ماده ۱۸ - در صورتی که موصی بعد از وصیت اولادی پیدا کند یا پس از فوت او حاملی ظاهر شود و مسلم نباشد که موصی قصد محروم کردن اولاد بعدی یا حمل را از ارث داشته به هر یک از آنها به قدر سهمی که با فرض نبودن وصیت از ترکه بهره‌ور می‌شد سهم می‌گردند.

ماده ۱۹ - در تعیین پل‌گذاری و فرزندخواندگی بستگان متوفی مقدم‌اند و با نبودن بستگان مرد از بستگان زن و چنانچه زن اختیار نکرده و یا زن او بستگانی ندارد از میان سایر زردشتیان کسی را انتخاب می‌کنند.

ماده ۲۰ - در مورد فوت پسر اگر از خود به قدر کفایت دارایی نداشته باشد اگر پدر او زنده است نگاه‌داری فرزند پسر متوفی تا موقع رشد برعهده پدر پسر متوفی می‌باشد و همچنین نسبت به زن پسر متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده و هرگاه پدر فوت نموده

و سهم الارث پسر متوفی کافی به معاش و تربیت فرزند متوفی و نگاه‌داری زن او نباشد برعهده مادر متوفی است و چنانچه مادر بی بضاعت یا فوت نموده برعهده جد پدر است و در صورت فوت یا نادانی جد پدری برعهده اولاد جد پدری است با رعایت تقدم ذکور بر اناث و ارشدیت و تمکن و همچنین است نسبت به نگاه‌داری زن پسر متوفی.

نقل و انتقال بلاعوض در ملت زردشتی

اگر چه نسبت به این موضوع هم حکم مخصوص در مذهب زردشتی و نیز در آیین‌نامه که اخیراً تنظیم نموده‌اند دیده نمی‌شود ولی از این که در وصیت به اموال خود به هر کیفیت آزادند استنباط می‌گردد که می‌توانند نقل و انتقالات بلاعوض هم بنمایند و شروط و قیود مخصوصی در آن نباشد و البته در این قسمت هم تنظیم اسنادی که اعتبار آنها مسلم باشد رعایت گردد و در هر حال چون این موضوع (هبه و بخشش و صلح بلاعوض) از احوال شخصیه شمرده نمی‌شود مشمول ماده واحده قانونی لزوم رعایت احوال شخصیه ملل متنوعه نخواهد بود.

این است خلاصه قسمت‌هایی که در زمینه طرز تقسیم ترکه درگذشتگان ملل متنوعه و انتقالات بلاعوض آنها از کتب و مآخذ معتبره استخراج شده و تصور می‌رود برای منظور وزارت دارایی کافی باشد و چنانچه اداره حقوقی وزارت دادگستری جرح و تعدیلی یا اضافه قسمت‌های دیگری را لازم بدانند ممکن است اقدام شایسته نموده و لطف برای اداره کل ثبت هم بفرستند که موجب تکمیل این مقاله گردد.

آیت‌الله زاده مازندرانی

۴۷۵

وزارت دارایی، شماره ۴۶۸۲۹/۹۶۶۳، تاریخ ۱۳۲۱/۱/۸

رونوشت [گزارش] وزارت دادگستری

وزارت دارایی

پاسخ شماره ۳۰۴۱۴/۲۰۹۳۹، به تاریخ ۱۳۲۰/۹/۴، موضوع طرز تقسیم ماترک و نقل و انتقالات بلاعوض تبعه غیرشیعه ایرانی که نوشته بودند آقای آیت الله زاده^(۱) اطلاع کامل بر این موضوع دارند، اینک شرحی که نامبرده نوشته اند به پیوست ارسال می گردد با تذکر به این که آیین نامه احوال شخصی زرتشتیان هنوز به تصویب وزارت دادگستری نرسیده است برای اطلاع بیشتری بر احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه و طرز تقسیم ماترک آنها می توانند به دفاتر رسمی مربوطه به هر یک از آن ملل نیز مراجعه نمایند.

از طرف وزیر دادگستری

رونوشت برابر با اصل است.

[امضا]

[۲۴۰۰۱۹۷۲۳]

۱ - از قضات دیوان عالی کشور که به عنوان مشاور عالی ثبت اسناد و املاک، استاد فقه و اصول در دانشکده حقوق و مدرسه عالی سپهسالار خدمت می کرد. (مرسلوند، حسن؛ «زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران» تهران؛ الهام؛ ۱۳۷۳؛ جلد ۳؛ ص ۳۰).

۴۷۶

وزارت دارایی، قسمت مالی، شماره ۴۷۹، به تاریخ ۱۳۲۱/۱/۳۱، ضمیمه: دارد -
۲ نسخه رونوشت نامه

اداره مالیات بر درآمد تهران

پاسخ نامه شماره ۴۳۶۶۹ - ۲۰/۱۰/۳۰ راجع به طرز تقسیم ترکه و مقررات مربوطه به نقل و انتقالات بلاعوض در مذاهب کلیمی، مسیحی و زردشتی، با ارسال رونوشت نامه شماره ۹۶۶۳ ح / ۴۶۸۲۹ / ۱۳۲۱/۱/۸ وزارت دادگستری و رونوشت مشروح پیوست آن مشتمل بر توضیحاتی که آقای آیت الله زاده در این باب داده اند اشعار می دارد: همان طور که مفاد نامه ارسالی نیز حاکی است چون اطلاعات مذکور رسمیت نیافته لازم است در مواردی که کیفیت تقسیم ترکه یا سایر امور مربوطه به ایرانیان غیرشیعه برای اداره روشن نمی باشد مؤدیان مربوطه را موظف نمایید تا گواهی نامه ای حاکی از چگونگی تقسیم ماترک و کیفیت نقل و انتقال از مراجع صلاحیت دار تحصیل و ارائه دهند تا طبق آن عمل مالیاتی آنان واریزی شود.

رئیس اداره کل مالیات مستقیم - محمد نجم آبادی [امضا]

[حاشیه]: - [مهر: دفتر اداره مالیات بر درآمد تهران، به تاریخ ۲۱/۲/۷، شماره ۴۹۹۲]

[۲۴۰۰۱۹۷۲۳]

* * *

۴۷۷

تلگراف، از عباسی [بندرعباس] به ط [تهران]، نمره ۴۲۰، تاریخ ۱۳۲۱/۶/۲۱

پانزده ریال / ۷۵ اعتبار دارد

مقام منبع جناب وزیر، رونوشت وزارت بهداشت، رونوشت مجلس شورای ملی

مفتخراً معروض می‌دارد جمعیت زردشتیان خیراندیش مقیم بمبئی همیشه مقادیر عمده دواجات ضروری جهت بیمارستان^(۱) و زایشگاه عمومی یزد^(۲) می‌فرستند و اخیراً نیز مقداری ارسال به گمرک عباسی وارد، استدعا دارد اقدام عام‌المنفعه ایرانیان را که در چنین روز نیازمندی داروی کافی به رایگان به کشور عزیز ما فرستاده‌اند با حسن نظر تلقی و به منظور کمک بیشتری به عموم تصویب فرمایید داروی مزبور از عوارض گمرکی و پروانه ورود معاف دارید تا بتوان به وجه اَکمل مستمندان را از این رهگذر مساعد نمود.

نماینده انجمن زردشتیان بمبئی

مهرجی، اردشیر

[حاشیه ۱]: - به عرض برسد. ۲۱/۶/۲۲

[حاشیه ۲]: - مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا، شماره ۱۳۶۹۹، تاریخ: ۲۱/۶/۲۳

[۱۲۵۰۰۳ / ۱۹۳]

۱ - شرح تأسیس بیمارستان گودرز که هنوز به کار خود ادامه می‌دهد توسط سروش لهراسب به رشته تحریر درآمده است. رک: (هوخت، س ۱۲، ش ۹، ص ۷-۱۰).

۲ - عمارت زایشگاه بهمین به دست «همابای مهتا» با حضور آقای مارکار در سال ۱۳۱۳ آغاز و در سال ۱۳۱۵ به بهره‌برداری رسید. برای راحتی حال بیمارانی که در دهات بودند «اریاب بهرام دینیار» و چند تن دیگر آمبولانسی خریده و تقدیم زایشگاه نمودند. این زایشگاه در سال ۱۳۳۳ تعطیل شد و در سال ۱۳۳۵ با اقدامات مسؤولین وسایلش را به زایشگاه شیر و خورشید سپردند. (هوخت، س ۱۳، ش ۵، ص ۹).

۴۷۸

دفتر نخست وزیر، نمره ۱۳۶۹۹، تاریخ ۱۳۲۱/۶/۲۴

وزارت بهداشت

تلگرافی به امضای مهرجی اردشیر نماینده انجمن زرتشتیان از بمبئی رسیده و تقاضا می نماید دارویی که از طرف انجمن برای بیمارستان و زایشگاه زرتشتیان یزد فرستاده می شود، از عوارض گمرکی و تصدیق صدور معاف گردد. رونوشت این تلگراف $\frac{۴۲۰}{۲۱/۶/۲۱}$ به آن وزارت خانه فرستاده شد. قدغن فرماید نسبت به تقاضای نام برده توجه نموده، با نظر مساعدت طبق مقررات اقدام نماید و نتیجه را نیز اطلاع دهید تا پاسخ تلگراف داده شود.

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۳}$]

۴۷۹

وزارت بهداشت، نمره ۷۲۴۵، به تاریخ ۱۳۲۱/۱/۲۷

جناب آقای نخست وزیر

بازگشت به امریه شماره ۱۳۶۹۹ درخصوص تقاضای مهرجی اردشیر نماینده انجمن زرتشتیان مبنی بر معاف شدن از عوارض گمرکی، به طوری که خاطر مبارک مستحضر است عوارض گمرکی و تصدیق صدور کلیه هزینه های عوارضاتی دیگر برابر مقررات قانون برای عموم یکسان است و حتی سفارشات دارویی وزارت بهداشتی هم مطابق قانون گمرکی خارج می شود. بنابراین مقرر خواهند فرمود پس از رسیدن دارو به گمرک سرحد یا مرکز برابر مقررات گمرکی اظهارنامه تنظیم و از گمرک خارج نمایند.

وزیر بهداشت

[امضا : اسمعیل مرزبان]

[حاشیه ۱]: - مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۱۷۱۹۸، تاریخ: ۲۱/۷/۲۷]

[حاشیه ۲]: - با سابقه به عرض برسد. ۲۱/۷/۲۷

[حاشیه ۳]: - مستوفیان [ناخوانا]، ۷/۲۸

[$\frac{۱۲۵۰۰۳}{۱۹۳}$]

* * *

۴۸۰

استانداری استان دهم [اصفهان]، شماره ۸۴۰۸، تاریخ ۱۳۲۴/۱۰/۱۶

انجمن نظارت انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی

عطف به نامه شماره ۱ اشعار می دارد که نسبت به مواد ۶ و ۷ قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی از ادارات دارایی و دادگستری اطلاعات لازم خواسته شد، پس از وصول جواب، نتیجه اعلام می گردد. ولی نسبت به معتقدین مذاهب سه گانه (مسیحی، کلیمی، زردشتی) چون مذاهب نام برده را قانون به رسمیت شناخته است، خواهشمند است موضوع را در انجمن مجدداً مطرح نموده و مورد بررسی بیشتری قرار دهند.

استاندار استان دهم - وارسته

[امضا]، ۲۴/۱۰/۱۶

[۲۹۱۰۰۳۳۵۱]

۴۸۱

[انجمن نظارت انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی]، [نمره ۵]

[تاریخ] ۲۴/۱۰/۲۰ [۱۳]

جناب آقای استاندار استان دهم

بازگشت به نامه شماره ۸۴۰۸ - ۲۴/۱۰/۱۷ موضوع مذاهب سه گانه (مسیحی،

کلیمی، زردشتی) موضوع در جلسه ۲۴/۱۰/۲۰ انجمن نظارت مورد بررسی و مطالعه کامل قرار گرفت. انجمن به نظریه سابق خود باقی، بعلاوه طبق تحقیقات هم که شده در دوره‌های اول انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی دارندگان مذاهب سه‌گانه در انتخابات شرکت نکرده‌اند، بنابراین در صورتی که اظهار نظر قطعی برای جناب آقای استاندار مقدور نباشد، مستدعی است مراتب را به وزارت کشور مراجعه و تکلیف قطعی این قسمت را تعیین و به انجمن ابلاغ فرمایند که طبق آن عمل گردد.

رئیس انجمن نظارت انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی

[امضا]

[حاشیه ۱]: - از وزارت کشور تلگرافاً کسب تکلیف شود، ۲۴/۱۰/۲۰

[حاشیه ۲]: - [مهر: ورود به دفتر حکومت اصفهان، به تاریخ: ۲۴/۱۰/۲۲، نمره: ۱۵۶۵]

[۲۹۱۰۰۳۲۵۱]

۴۸۲

استانداری استان دهم، [نمره ۵۵۸۱۰/۵۶۶۶]، [تاریخ ۱۳۲۴/۱۰/۲۲]

تهران - کشور - ۵۵۸۱۰
۵۶۶۶

انجمن نظارت اظهار می‌کند مذاهب سه‌گانه، طبق ماده ۷، حق شرکت در انتخابات را

ندارند. متمنی، تکلیف [را تلگراف نمایید].^(۱)

وارسته، [امضا]

۲۴/۱۰/۲۲

[۲۹۱۰۰۳۳۵۱]

۴۸۳

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف از ط [تهران] به [اصفهان]

شماره ۹۲۰، تاریخ ۱۳۲۴/۱۰/۲۹

استانداری، ۸۵۶۵

در قانون استثنایی ندارد، تبعه ایران حق انتخاب دارد. ۶۰۸۲/۶۶۲۲۵

فریدونی

[مهر: اداره تلگرافی اصفهان]

[حاشیه ۱]: - آقای قائدی، به اطلاع انجمن برسانید، ۲۴/۱۰/۲۹

[حاشیه ۲]: - [نمره ۸۷۸۰]، [تاریخ ۲۴/۱۱/۱]، رونوشت فوق در جواب نامه شماره ۵ به

انجمن نظارت انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی فرستاده می‌شود.

استاندار استان دهم، وارسته

[۲۹۱۰۰۳۳۵۱]

* * *

۴۸۴

[دفتر مخصوص شاهنشاهی]، نمره ۱۰۱۶، تاریخ ۱۳۲۸/۲/۱۲ [۱۳]

جناب آقای نخست وزیر

سرجهانگیر بهمن بهرام^(۱) از طرف زرتشتیان ایرانی مقیم بمبئی عریضه راجع به

۱ - رئیس «انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی»، اصل نامه انجمن مذکور در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران موجود است اما چون طولانی و در عین حال حاوی مطالبی خاص نبود، در این جا ذکر نشد. زرتشتیان در زمان تشکیل مجلس سنا در مجلات و مکاتبات خود، اصرار ورزیدند که اصل ۵۸ متمم قانون اساسی که طبق آن وزرا باید مسلمان باشند، را تغییر دهند. اما هیچ گاه توفیقی حاصل ننمودند.

اصلاح قانون اساسی در مجلس مؤسسان به پیشگاه مبارک ملوکانه معروض داشته است که حسب الامر شاهانه عیناً برای صدور پاسخ مقتضی به پیوست ارسال می‌گردد.

از طرف رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا]

[حاشیه ۱]: - [مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۲۰۹۷، تاریخ ۲۸/۲/۱۳]

[حاشیه ۲]: - به وزارت کشور فرستاده شود که رسیدگی نمایند. ۲۸/۲/۱۴

[حاشیه ۳]: - عیناً به وزارت کشور ارسال می‌گردد، ۲۸/۲/۱۴

[حاشیه ۴]: - دفتر، نامه دیگری هم رسیده بود، نمی‌دانم پاسخ صادر شد یا خیر؟ رسیدگی و

اقدام نمایند. [امضا]، ۲۸/۲/۱۵

[حاشیه ۵]: - پاسخ داده بشود چون مجلس مؤسسان برای تصمیمات خاصی تشکیل شده

بود و غیر از موارد معین نمی‌توانستند نظری اتخاذ نمایند، به این جهت انجام این تقاضا مقدور

نگردیده است. [امضا]، ۲۸/۲/۲۰

[۲۹۳۰۰۶۰۵۹]

۴۸۵

وزارت پست و تلگراف و تلفن، [تلگراف] از تهران به ط [تهران]

شماره ۱۸۰، تاریخ ۱۳۲۸/۲/۱۵

پیشگاه مقدس اعلی حضرت همایون شاهنشاه فیروزبخت ایران محمدرضا شاه پهلوی

در این هنگام که در اجرای متویات مقدس ملوکانه مجلس مؤسسان برای اصلاح و

تکمیل بعضی از اصول قانون اساسی تشکیل یافته است زرتشتیان شاهپرست امیدوار

بوده و هستند که استدعایشان نسبت به اصلاح اصل پنجاه و هشتم متمم قانون اساسی

مورد توجه قرار گرفته زرتشتیان بار دیگر فرصت یافته با اتکا به خون پاک ایرانیّت و به رهبری شاهنشاه جوان‌بخت در صف نخستین خدمت‌گزاران این سرزمین مقدس قرار گیرند متأسفانه قبل از این که این آرزوی حقه ملی و دیرینه این جماعت در ظل شاهنشاه جوان‌بخت جامه عمل بپوشد، در جلسه ۱۴ اردیبهشت ۲۸ مجلس شورای ملی در ضمن تصویب ماده واحد راجع به آیین نامه مجلس سنا محرومیت جدیدی برای این جماعت ایجاد شده است محرومیتی که حقوق سیاسی این جماعت ایرانی‌الاصل را در ردیف بیگانگان قرار داده است برای گروه زرتشتی ایران که در طی متجاوز از ۱۳ قرن با همه مصائب ساخته و حاضر نشدند مرز و بوم مقدس نیاکان خود را ترک گویند برای جماعتی که در نماز روزانه خود ایران را به نام پیشگاه ویژگان می‌ستایند برای کسانی که شاه‌پرستی و میهن‌دوستی را به مثابه گران‌بهارترین سنن ملی و مذهبی خود برای همیشه نگاه‌داری کرده و می‌کنند این محرومیت جدید از هر حیث گران و غیرقابل تحمل است. اینست که بار دیگر بدین وسیله مظلومیت خود را به پیشگاه مقدس همایونی عرضه داشته استدعا داریم امر مبارک خسروانه شرف صدور یابد که مجلس شورای ملی این بی‌عدالتی را جبران و نسبت به اصلاح ماده ۹ آیین‌نامه مجلس اقدام لازم به عمل آورند موجب نهایت سپاس‌گزاری خواهد بود.

به نمایندگی زرتشتیان ایران جان‌نثار رستم‌گیو

[مهر: اداره تلگراف تهران]

[حاشیه ۱]: - به عرض پیشگاه مبارک ملوکانه، ۲۸/۲/۱۷

[حاشیه ۲]: - [مهر: دفتر ریاست وزراء، شماره ۱۵۹۵/۵، تاریخ ۲۸/۳/۷]

[حاشیه ۳]: - اداره انتخابات، ۱۳۲۸/۳/۹

[حاشیه ۴]: - سابقه، ۲۸/۳/۱۰

[۲۹۳۰۰۶۰۵۹]

۴۸۶

وزارت کشور، نمره ۲۳۸۳۱، تاریخ ۱۳۲۸/۳/۱۶

آقای ارباب رستم گیو نماینده محترم مجلس شورای ملی

در جواب تلگراف شهری مورخه ۲۸/۲/۱۵ که به پیشگاه مبارک اعلی حضرت
همایون شاهنشاهی تقدیم داشته‌اید، اشعار می‌دارد: چنان که مستحضری در ضمن
تبصره‌ای که برای اصلاح.....^(۱) نظامنامه مجلس سنا به مجلس شورای ملی تقدیم شده،
حتی استفاده ایرانیان زردشتی مذهب و سایر مذاهب نیز منظور گردیده و البته در
صورت تصویب از این حق قانونی استفاده خواهید کرد.

مدیر کل، عماد ممتاز

وزیر کشور، [امضا]

[۲۹۳۰۰۶۰۵۹]

* * *

۴۸۷

[تاریخ ۱۳۳۳/۳/۶]

اعتبارنامه

ما امضاکنندگان زیر کارمندان انجمن نظارت حوزه مرکزی انتخابات زرتشتیان گواهی
می‌دهیم که جناب آقای ارباب رستم گیو^(۲) پسر روانشاد شاپور که کارش بازرگانی است

۱ - چند کلمه ناخوانا.

۲ - در سال ۱۲۶۷ ش در یزد به دنیا آمد و در مدرسه کیخسروی نزد ماستر خدابخش تحصیل کرد. در سال
۱۲۸۷ ش به تهران آمد و به تجارت پرداخت. در سال ۱۳۱۲ ش در گردش چهاردهم انجمن زرتشتیان به
عضویت انجمن درآمد و پس از مرگ ارباب کیخسرو شاهرخ (۱۳۱۹ ش) تا پایان گردش بیست و هشتم در این
سمت خدمت کرد. (الف) مشارالیه بسیار ثروتمند بود و در عین حال بسیار بذال و دهشمند، درباره یکی از

و سنش شصت و شش سال و ساکن تهران - خیابان شاهرضا است، در انتخابات این حوزه انتخابیه که در تاریخ ۱۳۳۳/۱/۱۴ تا ۱۳۳۳/۲/۱۳ واقع شده به اکثریت ۲۴۱۴ رأی از ۲۵۰۴ رأی دهندگان به نمایندگی برای مجلس شورای ملی منتخب گردید و شهادت می‌دهیم که انتخاب مشارالیه موافق مقررات قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهرماه شمسی ۱۳۰۴ و قانون دهم مهرماه ۱۳۱۳ و قانون ۲۷ مرداد ماه ۱۳۲۲ اصلاح و به تصویب مجلس شورای ملی رسیده انجام یافته و تفصیل این انتخاب در صورت مجلس انتخابات این حوزه مندرج است. به تاریخ ۱۳۳۳/۳/۶ خورشیدی

مهر و امضای کارمندان انجمن نظارت

[امضای : رستم گیو، گشتاسب فروتن، شاهجهان گودرز، رستم ماونداد،

مهربان مهر، رستم آبادیان، وفادار تفتی، فریدون زرتشتی، سهراب سفرنگ]

[مهر : انجمن نظارت مرکزی انتخابات دوره ۱۸ قانون‌گذاری زرتشتیان ۱۳۳۳]

این اعتبارنامه صحیح است

مهر و امضای فرماندار و مهر فرمانداری

[۲۹۳۰۰۵۰۲۹]

[امضا] ، [مهر : فرمانداری تهران ۱۳۱۸]

بخشش‌های او چنین آمده است : «جناب آقای ارباب رستم گیو که از دهشمندان و نیکوکاران به نام این کشور و جامعه زرتشتی هستند و تاکنون متجاوز از سیصد میلیون ریال در کارهای خیریه سرمایه‌گذاری نموده‌اند نیز اینک پانزده هزار متر زمین محصور واقع در تهران پارس به ارزش سی میلیون ریال و مبلغ پانصد هزار ریال نقد برای امور تربیت بدنی در اختیار آموزش و پرورش ناحیه ۹ گذاشته است.» (ب) مشارالیه همچنین پس از ارباب کیخسرو شاهرخ از دوره چهاردهم مجلس شورا تا دوره نوزدهم نماینده زرتشتیان بود و سپس به علت کهولت از این سمت خود را کنار کشید. (ج) او از معدود کسانی است که در ایام حیاتش تجلیل و قدردانی شایسته از او به عمل آمد که شرح آن در ماهنامه هروخت سال ۱۹، شماره دهم به تفصیل آمده است. مجموعه‌ای نیز در

۴۸۸

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، [نمره ندارد]، تاریخ ۱۳/۴/۳۸ [۱۳]

گزارش

محترماً به استحضار می‌رساند آقای فلسفی واعظ در ساعت ۲۰ روز ۳۸/۴/۱۸ در مسجد جامع در حضور قریب دوهزار نفر جمعیت به منبر رفته و پس از ذکر مقدمه‌ای اظهار داشته است که این چه مملکتی است که دنیا در مقابل کمونیست مجهز به جت و موشک قاره‌پیما می‌شوند ولی دولت ما می‌خواهد جشن آتش‌پرستی در این مملکت که

«بزرگداشت او به چاپ رسیده که در کتابخانه اردشیر یگانگی تحت شماره ۷۵ ثبت است. مشارالیه در سال ۱۳۴۲ به عضویت مجلس سنا و در سال ۱۳۴۵ به عضویت شورای عالی سازمان حفاظت آثارباستانی نیز و بالاخره به تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۳۵۹ در ۹۴ سالگی در امریکا درگذشت (د) در گزارش جامعی که به تاریخ ۸ آذر ۱۳۴۰ توسط «اداره کل آمار و ثبت احوال» از اوضاع کلی دماوند (از لحاظ تاریخی، وضعیت محلات، آب، ارزاق و...) داده شده و این گزارش در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران به شماره تنظیم ۲۹۳۰۰۴۶۸۱ بایگانی است، درباره ارباب رستم‌گیو چنین آمده است: «[....] ۱۱ - خرده مالکین معروف و کشاورزان عمده و سرشناس: ۱ - آقای ارباب رستم‌گیو در قریه کوهان، مجاور گیلان دماوند مقدار قابل توجهی ملک مزروعی و باغ میوه دارد. مشارالیه که قراراً رئیس انجمن زرتشتیان تهران است و چند دوره وکیل مجلس اقلیت زرتشتی بوده است، غالباً هفته‌ای یکی دو روز به سر ملکش می‌آید. هم مالک و هم کشاورز بسیار خوبی است که به قول اهالی کوهان، مردی خیرخواه و مورد احترام و رضایت کشاورزان می‌باشد. در قریه کوهان یک باب مدرسه و یک باب حمام و یک باب مسجد به خرج خود ساخته است. مشارالیه زن دارد اما فرزند ندارد [....]».

(الف) «رستم‌گیو»؛ فروهر، س ۱۵، ش ۷ و ۸، ص ۳۰۹ - ۳۲۰

(ب) هوخت، س ۲۳، ش ۱، ص ۱۰

(ج) هوخت، س ۲۳، ش ۸، ص ۲۲

(د) هوخت، س ۳۱، ش ۸، ص ۱ - ۳

متعلق به علی علیه السلام است برگزار^(۱) کند و تمام هوش و فکر جوانان ما به دنبال ستارگان سینماست. دنیا به ما می خندد. پیغمبر اسلام آتش پرستی را منع و آتش پرستان را به دین مبین اسلام آورده در حالی که این مملکت تازه [به] زمان آتش پرستی برمی گردد و ضمناً نام برده در ساعت ۱۰ صبح روز ۳۸/۴/۲۱ نیز در تیکه دالان امین الملک به منبر رفته و اظهار داشته است که تشکیل حزب به صلاح مملکت نیست و برای اجتماع خطرناک است کما این که حضرت علی علیه السلام نیز حزب خوارج را ممنوع کرده و بساط حزب بازی را برهم زده. رونوشت برابر اصل است.

[امضا]

[۲۹۰۰۰۷۲۳۵]

۴۸۹

وزارت کشور، اداره سیاسی، شماره ۲/۷۳۳۹، تاریخ ۱۳۳۸، خیلی محرمانه

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

رونوشت اطلاعیه مورخ ۳۸/۴/۲۲ واصله از شهربانی کل کشور جهت استحضار به ضمیمه ایفاد می گردد.

وزیر کشور - اتابکی

[۲۹۰۰۰۷۲۳۵]

۱ - اصل: برگزار، توضیحی در باب اعتقاد غلط راجع به آتش پرستی زرتشتیان در سند شماره ۲۹۱ آورده شده است.

تصاویر و گزیده اسناد

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

شرکت یکانکی پارسیان - طهران
منوال تلگراف یگانگان - طهران

The Parsis' „YAGANEGI“ Company

Telegr: „Yaganegan, Teheran“
Code A. B. C. 5th. Edit.

از طهران به طهران تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۳۲
Teheran, (Persia) 191

شماره ۱۳۳۲

شماره ۱۳۳۲

در اینجا به وزارت مالی

تاریخ ۲۵ - ۲۶ ۱۳۳۲ تمام حقوق محفوظ است

شماره ۳۲۶۷۷

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

کتاب به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

در این سند به شرح زیر میسر شده است که در این سند به شرح زیر میسر شده است

ل-۱

در جواب مراسله حروف و
اعداد میزه که منتم شماره
است با شماره ذکر شود



وزارت کشور

شهر بانی کل کشور

نست

وزارت کشور

اداره - اطلاعات

دائرة ۵۰۰۰۰۰۰۰

تاریخ

شماره ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰

پیوست

موضوع

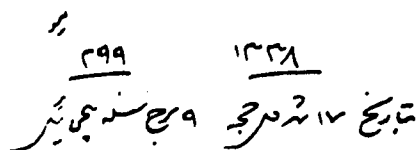
(معرمانه)

آقای رستم ماونداد فرزند خدا بخش دارنده شناسنامه شماره ۲۰۰۴۲
صادره تهران با تسلیم مدارک مربوطه تقاضای تشکیل هیئتی بنسب
(هیئت گنگاش موه بدان) بعد یرت خود و عضویت اشخاص مشروحه زیر را
نموده است :

فریدون صداقت . اردشیر آذرکسب . رستم بهرام زرتشتی مطابق
گزارش ادارات مربوطه با تحقیقاتیکه بعمل آمده از نامبردگان پیشینه نمونی
بدست نیامده و شهرداری کل نسبت به تشکیل هیئت مزبور نظر خاصی ندارد
لذا با تقدیم يك نسخه اسانامه هیئت مزبور منعی است مقرر فرمائید
تصمیم متخذه را بشهرمائی کل ابلاغ نمایند . مع

از طرف رئیس شهرداری کل کشور - معزی

۱۹۴۶
دفتر محرمانه وزارت کشور
شماره ۱۰۴۴۶
۱۳۲۵/۱



مقام منع درارت صلیہ مالہ دیت عظمیٰ

آقای میرزا حبیب به خان میگوید که سابقاً خبر کرده بودم که در کربلا

چشمه منبع محمد در غنچه آستان صده دوازدهم به ن ب ج ه و کار مجاهد و سرفراز مطهر است.

چند نوشته که از مرتضی است بابت حقوق و غیره طلبکارند دارند آن مضمون بر دارند و بر سر مطالبه شش مبالغه

الوقت کہ را میزد و با جمال میرد چرخه نهد و سده مندی به روح است چون سجده آن در درگاه است

منشی است طبعاً منبہ او علم فہمید و حجاب حق تعالیٰ فراموشی را از او مبرا گردانید

آدرس تلگرافی (N° 1000)

9a, 9/11/11
! Logo

١٢٠

X

۱۴ خبیر ۹۹
۸۰۲۷

1. Содержание
 2. Введение
 3. Глава I
 4. Глава II
 5. Глава III
 6. Глава IV
 7. Глава V
 8. Глава VI
 9. Глава VII
 10. Глава VIII
 11. Глава IX
 12. Глава X
 13. Глава XI
 14. Глава XII
 15. Глава XIII
 16. Глава XIV
 17. Глава XV
 18. Глава XVI
 19. Глава XVII
 20. Глава XVIII
 21. Глава XIX
 22. Глава XX
 23. Глава XXI
 24. Глава XXII
 25. Глава XXIII
 26. Глава XXIV
 27. Глава XXV
 28. Глава XXVI
 29. Глава XXVII
 30. Глава XXVIII
 31. Глава XXIX
 32. Глава XXX
 33. Глава XXXI
 34. Глава XXXII
 35. Глава XXXIII
 36. Глава XXXIV
 37. Глава XXXV
 38. Глава XXXVI
 39. Глава XXXVII
 40. Глава XXXVIII
 41. Глава XXXIX
 42. Глава XL
 43. Глава XLI
 44. Глава XLII
 45. Глава XLIII
 46. Глава XLIV
 47. Глава XLV
 48. Глава XLVI
 49. Глава XLVII
 50. Глава XLVIII
 51. Глава XLIX
 52. Глава L
 53. Глава LI
 54. Глава LII
 55. Глава LIII
 56. Глава LIV
 57. Глава LV
 58. Глава LVI
 59. Глава LVII
 60. Глава LVIII
 61. Глава LIX
 62. Глава LX
 63. Глава LXI
 64. Глава LXII
 65. Глава LXIII
 66. Глава LXIV
 67. Глава LXV
 68. Глава LXVI
 69. Глава LXVII
 70. Глава LXVIII
 71. Глава LXIX
 72. Глава LXX
 73. Глава LXXI
 74. Глава LXXII
 75. Глава LXXIII
 76. Глава LXXIV
 77. Глава LXXV
 78. Глава LXXVI
 79. Глава LXXVII
 80. Глава LXXVIII
 81. Глава LXXIX
 82. Глава LXXX
 83. Глава LXXXI
 84. Глава LXXXII
 85. Глава LXXXIII
 86. Глава LXXXIV
 87. Глава LXXXV
 88. Глава LXXXVI
 89. Глава LXXXVII
 90. Глава LXXXVIII
 91. Глава LXXXIX
 92. Глава LXXXX
 93. Глава LXXXXI
 94. Глава LXXXXII
 95. Глава LXXXXIII
 96. Глава LXXXXIV
 97. Глава LXXXXV
 98. Глава LXXXXVI
 99. Глава LXXXXVII
 100. Глава LXXXXVIII
 101. Глава LXXXXIX
 102. Глава LXXXXX
 103. Глава LXXXXXI
 104. Глава LXXXXXII
 105. Глава LXXXXXIII
 106. Глава LXXXXXIV
 107. Глава LXXXXXV
 108. Глава LXXXXXVI
 109. Глава LXXXXXVII
 110. Глава LXXXXXVIII
 111. Глава LXXXXXIX
 112. Глава LXXXXXX
 113. Глава LXXXXXXI
 114. Глава LXXXXXXII
 115. Глава LXXXXXXIII
 116. Глава LXXXXXXIV
 117. Глава LXXXXXXV
 118. Глава LXXXXXXVI
 119. Глава LXXXXXXVII
 120. Глава LXXXXXXVIII
 121. Глава LXXXXXXIX
 122. Глава LXXXXXXX
 123. Глава LXXXXXXXI
 124. Глава LXXXXXXXII
 125. Глава LXXXXXXXIII
 126. Глава LXXXXXXXIV
 127. Глава LXXXXXXXV
 128. Глава LXXXXXXXVI
 129. Глава LXXXXXXXVII
 130. Глава LXXXXXXXVIII
 131. Глава LXXXXXXXIX
 132. Глава LXXXXXXXI
 133. Глава LXXXXXXXII
 134. Глава LXXXXXXXIII
 135. Глава LXXXXXXXIV
 136. Глава LXXXXXXXV
 137. Глава LXXXXXXXVI
 138. Глава LXXXXXXXVII
 139. Глава LXXXXXXXVIII
 140. Глава LXXXXXXXIX
 141. Глава LXXXXXXXI
 142. Глава LXXXXXXXII
 143. Глава LXXXXXXXIII
 144. Глава LXXXXXXXIV
 145. Глава LXXXXXXXV
 146. Глава LXXXXXXXVI
 147. Глава LXXXXXXXVII
 148. Глава LXXXXXXXVIII
 149. Глава LXXXXXXXIX
 150. Глава LXXXXXXXI
 151. Глава LXXXXXXXII
 152. Глава LXXXXXXXIII
 153. Глава LXXXXXXXIV
 154. Глава LXXXXXXXV
 155. Глава LXXXXXXXVI
 156. Глава LXXXXXXXVII
 157. Глава LXXXXXXXVIII
 158. Глава LXXXXXXXIX
 159. Глава LXXXXXXXI
 160. Глава LXXXXXXXII
 161. Глава LXXXXXXXIII
 162. Глава LXXXXXXXIV
 163. Глава LXXXXXXXV
 164. Глава LXXXXXXXVI
 165. Глава LXXXXXXXVII
 166. Глава LXXXXXXXVIII
 167. Глава LXXXXXXXIX
 168. Глава LXXXXXXXI
 169. Глава LXXXXXXXII
 170. Глава LXXXXXXXIII
 171. Глава LXXXXXXXIV
 172. Глава LXXXXXXXV
 173. Глава LXXXXXXXVI
 174. Глава LXXXXXXXVII
 175. Глава LXXXXXXXVIII
 176. Глава LXXXXXXXIX
 177. Глава LXXXXXXXI
 178. Глава LXXXXXXXII
 179. Глава LXXXXXXXIII
 180. Глава LXXXXXXXIV
 181. Глава LXXXXXXXV
 182. Глава LXXXXXXXVI
 183. Глава LXXXXXXXVII
 184. Глава LXXXXXXXVIII
 185. Глава LXXXXXXXIX
 186. Глава LXXXXXXXI
 187. Глава LXXXXXXXII
 188. Глава LXXXXXXXIII
 189. Глава LXXXXXXXIV
 190. Глава LXXXXXXXV
 191. Глава LXXXXXXXVI
 192. Глава LXXXXXXXVII
 193. Глава LXXXXXXXVIII
 194. Глава LXXXXXXXIX
 195. Глава LXXXXXXXI
 196. Глава LXXXXXXXII
 197. Глава LXXXXXXXIII
 198. Глава LXXXXXXXIV
 199. Глава LXXXXXXXV
 200. Глава LXXXXXXXVI
 201. Глава LXXXXXXXVII
 202. Глава LXXXXXXXVIII
 203. Глава LXXXXXXXIX
 204. Глава LXXXXXXXI
 205. Глава LXXXXXXXII
 206. Глава LXXXXXXXIII
 207. Глава LXXXXXXXIV
 208. Глава LXXXXXXXV
 209. Глава LXXXXXXXVI
 210. Глава LXXXXXXXVII

دار الفکر و الفیض
از کمال مرید و اعیان الزمان
تحت تحریر و تالیف
محمد رفیع خورشید
۱۳۸۵

طهران

خیابان باغ وحش
شرکت لنگن کل مالک محروم - تهران

تاریخ ۲
پنج خرداد ۱۳۳۲
نمبره

تقدم فیج وزارت معینه بد

تاریخ ۱۳۳۲

۷ خرداد ۱۳۳۲

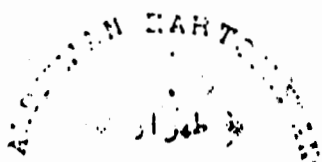
۷۸۱۰

آقای باب کنجی و آقای تیغ امیر خوار ۱۳۳۲ از طرف
دبیر اداره شرکت شون که ملک محروم تهران مشایقه
مقدود در امور مربوط به شون را باید با هیئت شون مشورت
میکند

Admin. Centre (Centre des Religieuses)
900 de Poste Téhéran 900



کپی



شماره ۱۹۰

مورخه ۱۲ شهر حوت ۱۳۴۳

تحت در آستان

۱۱۱۱۱

کتاب بیخ فدا رسیده و در دسترس است

بدان نفاست ۲۰۰ دفعه من در دستن انچه با رشتن در دستن
 باست تبهیه شد و در دست تبهیه نیز جبه است و در دست
 از قرار طبع مده انچه در دستن رمان در دست مده یازده و بیست
 است تا در دست مده که در دست است تبهیه مده و در دست
 ندرت در دست مده و در دست مده و در دست مده و در دست
 در دست مده و در دست مده و در دست مده و در دست مده
 انچه باست محفوظ بهند لهنه است مده و در دست مده و در دست
 مده و در دست مده که در دست مده و در دست مده و در دست
 که در دست مده و در دست مده و در دست مده و در دست مده
 تا در دست مده و در دست مده و در دست مده و در دست مده
 در دست مده و در دست مده و در دست مده و در دست مده



مانکجی صاحب و همسرش (فرنگیس هرمزدیار بندگان کرمانی)



تصویر مانجی صاحب، کارکنان و شاگردان مدرسه مزیدستان تهران که در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۸۸۸ برداشته شده است. کسانی که در عکس فوق ملاحظه می شود به ترتیب شماره عبارتند از:

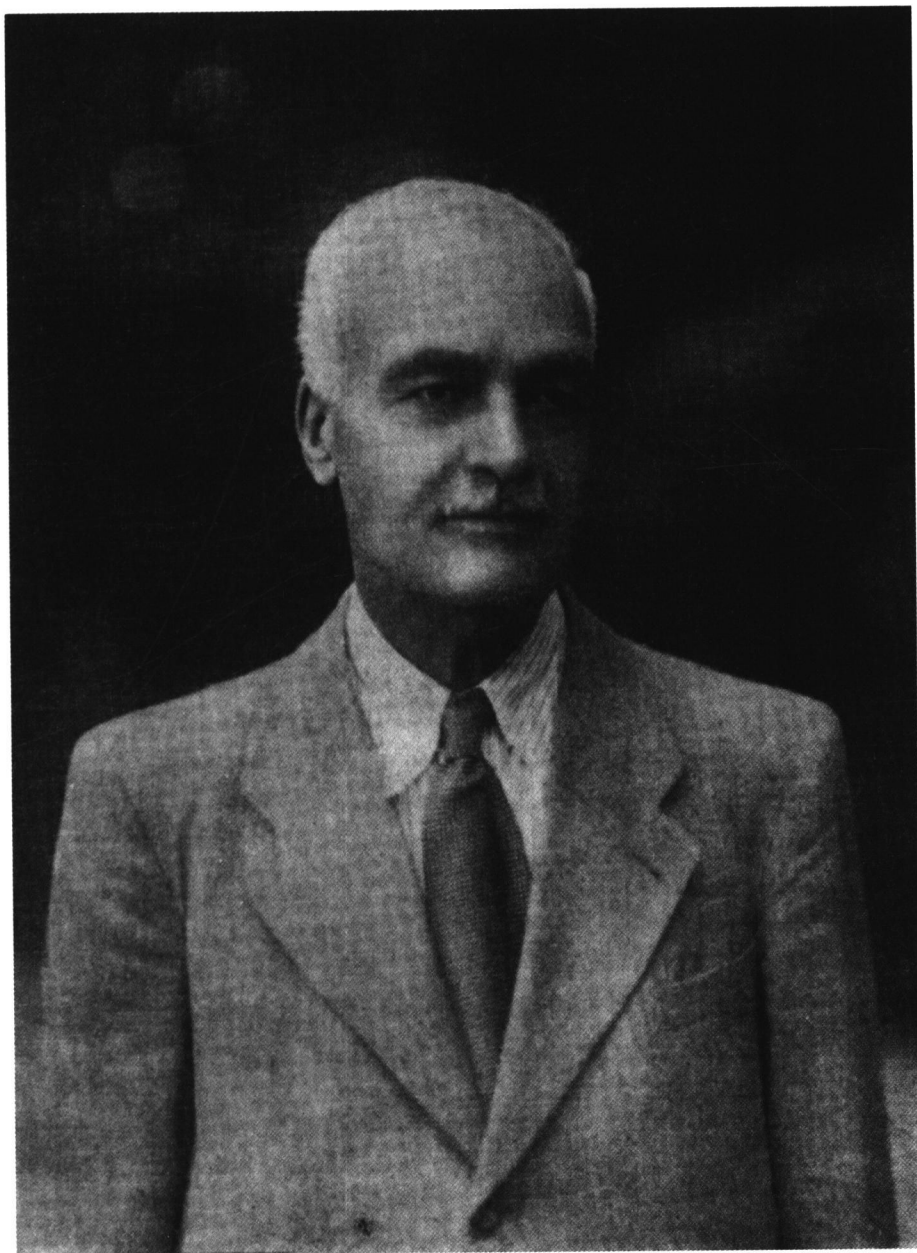
- ۱- مانجی صاحب
- ۲- عبدالکریم (معلم عربی)
- ۳- محمدعلی منشی زاده
- ۴- اسفندیار رستم (معلم فارسی)
- ۵- عباس خان (منشی مخصوص)
- ۶- خدایار نوشیروان (معلم و ناظم)
- ۷- مهربان خدابخش (کارپرداز مدرسه)
- ۸- کاظم (کارپرداز اداره)
- ۹- بهرام کرمانشاهی (مستخدم اداره)
- ۱۰- خداداد کیخسرو (کارپرداز کهنبار و تشریفات دینی)
- ۱۱- علی اکبر (مستخدم منزل)
- ۱۲- محمد ابراهیم (نگهبان پرورشگاه)
- ۱۳- فریدون خسرومزیان (مدرس)
- ۱۴- اردشیر خداداد (اردشیر اهرستانی)
- ۱۵- کیخسرو رستم خدابخنده کرمانی
- ۱۶- شهریاری بهمد رستم
- ۱۷- گشتاسب خداداد کیخسرو
- ۱۸- ماهیار بهمد رستم
- ۱۹- دینیار رستم خدابخنده کرمانی
- ۲۰- رستم بهرام یامس اهرستانی
- ۲۱- جمشید بهرام شهریاری
- ۲۲- بهرام ماندگار
- ۲۳- بهمان مهربان
- ۲۴- اردشیر رستم
- ۲۵- سهراب اردشیر
- ۲۶- سهراب اردشیر
- ۲۷- بهمن رستم خدابخنده کرمانی
- ۲۸- بنیوتن خداداد رستم
- الله آبادی



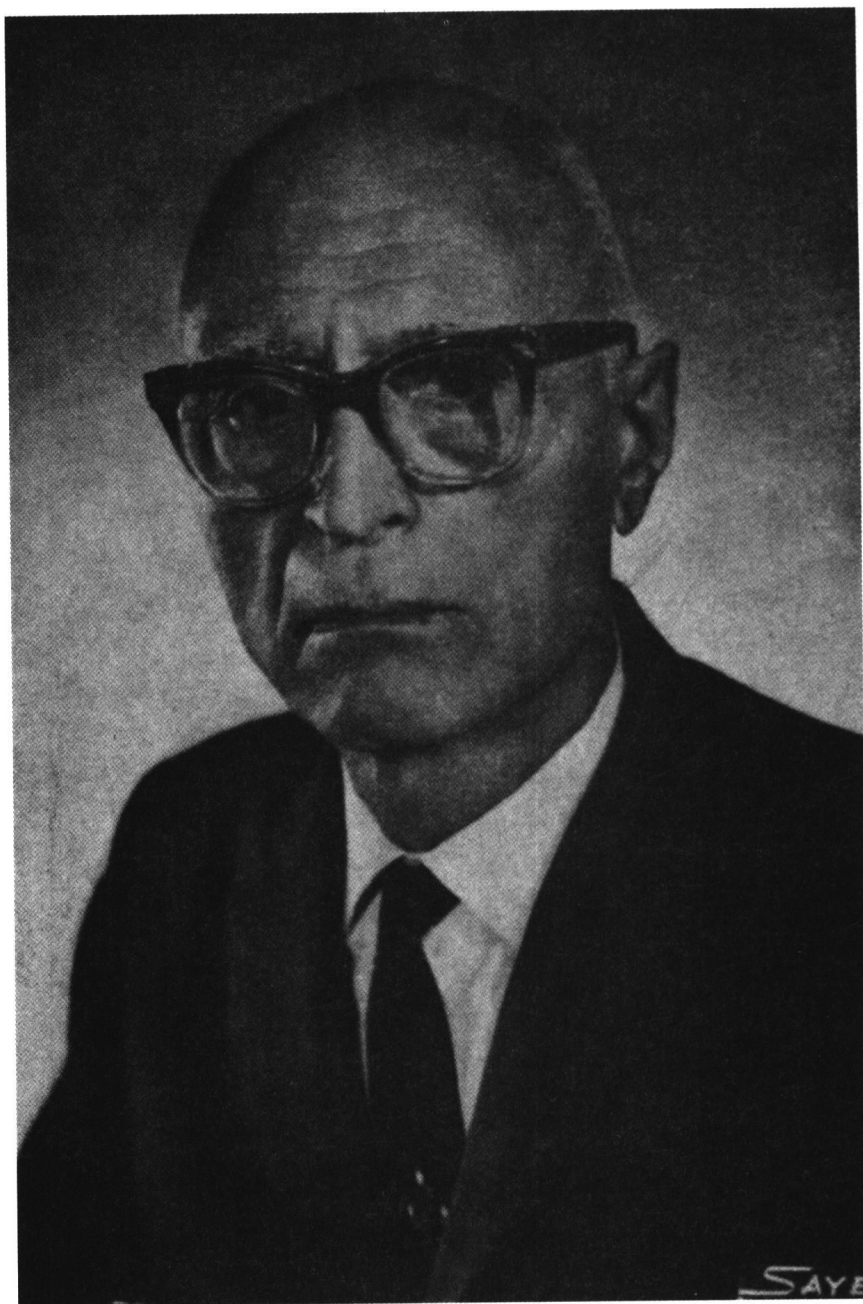
ارباب جمشید جمشیدیان



این عکس در نوروز سال ۱۲۷۸ ش. گرفته شده و ارباب جمشید با لباس سفید در جلوی تصویر معلوم است.
ارباب جمشید جمشیدیان و کارمندان تجارتخانه اش در تهران.



ارباب کیخسرو شاهرخ



ارباب رستم گیو



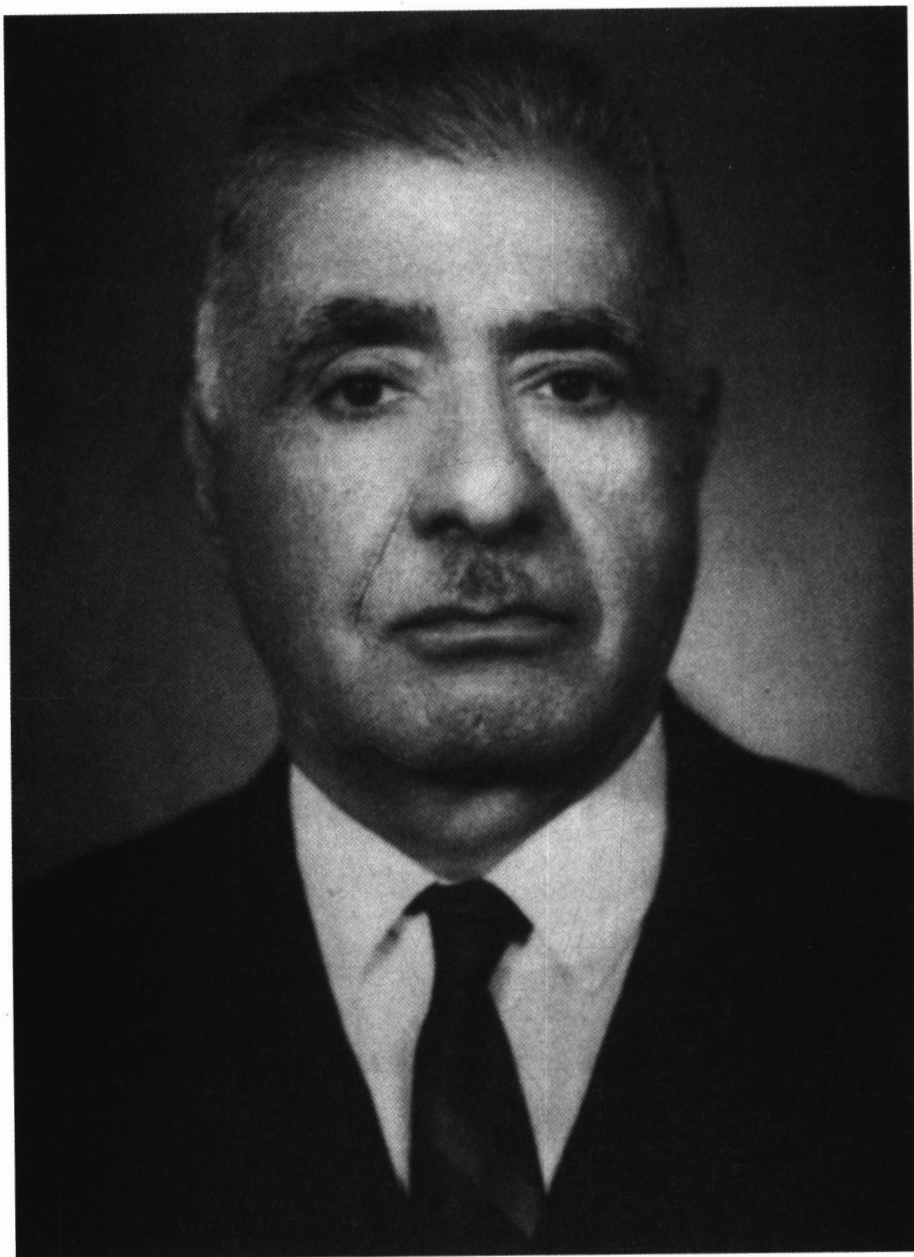
ارباب گھو شاہپور



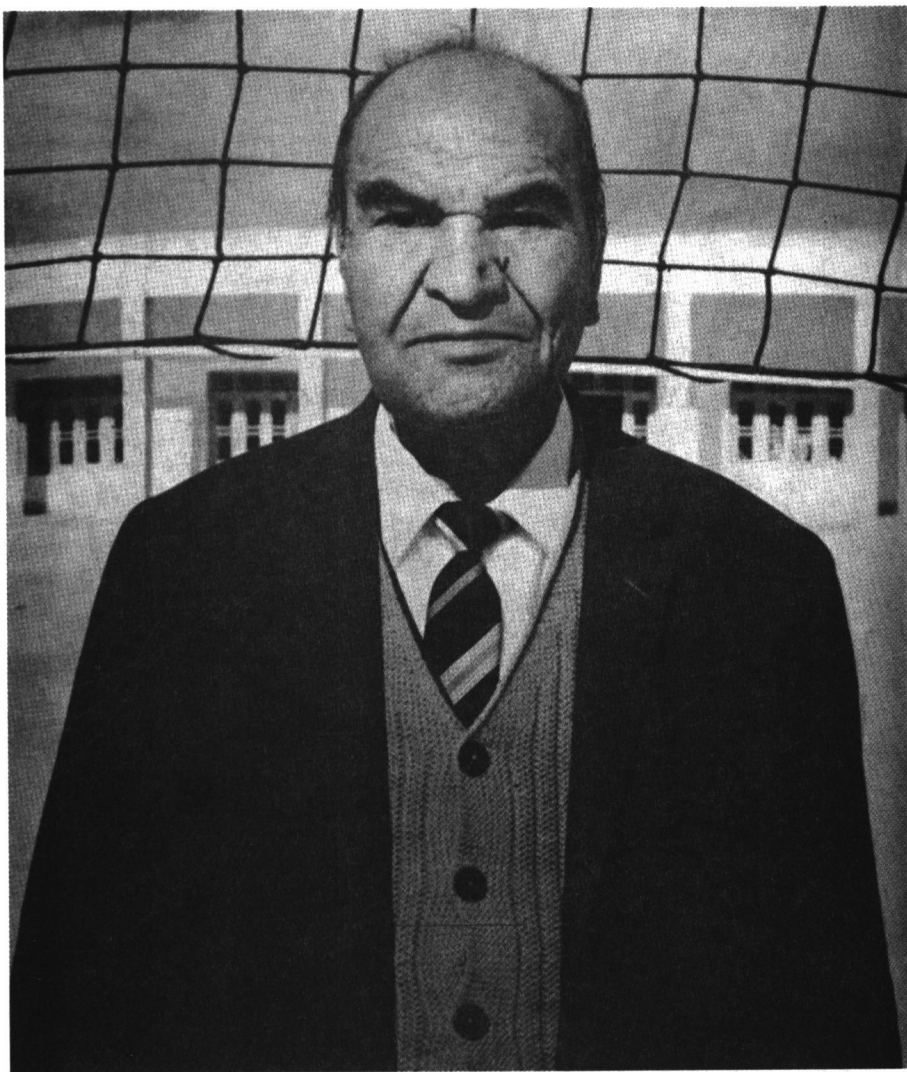
دین شاه سلیسیت



پشوتن جی دوسابایی مارکار



میرزا سروش لهراسب



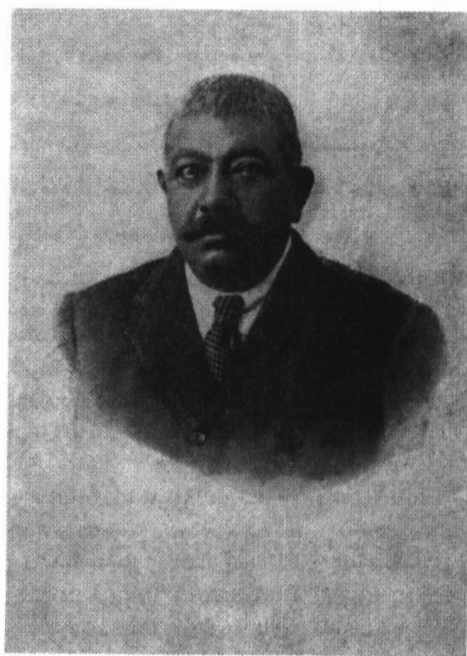
برزو آمیغی



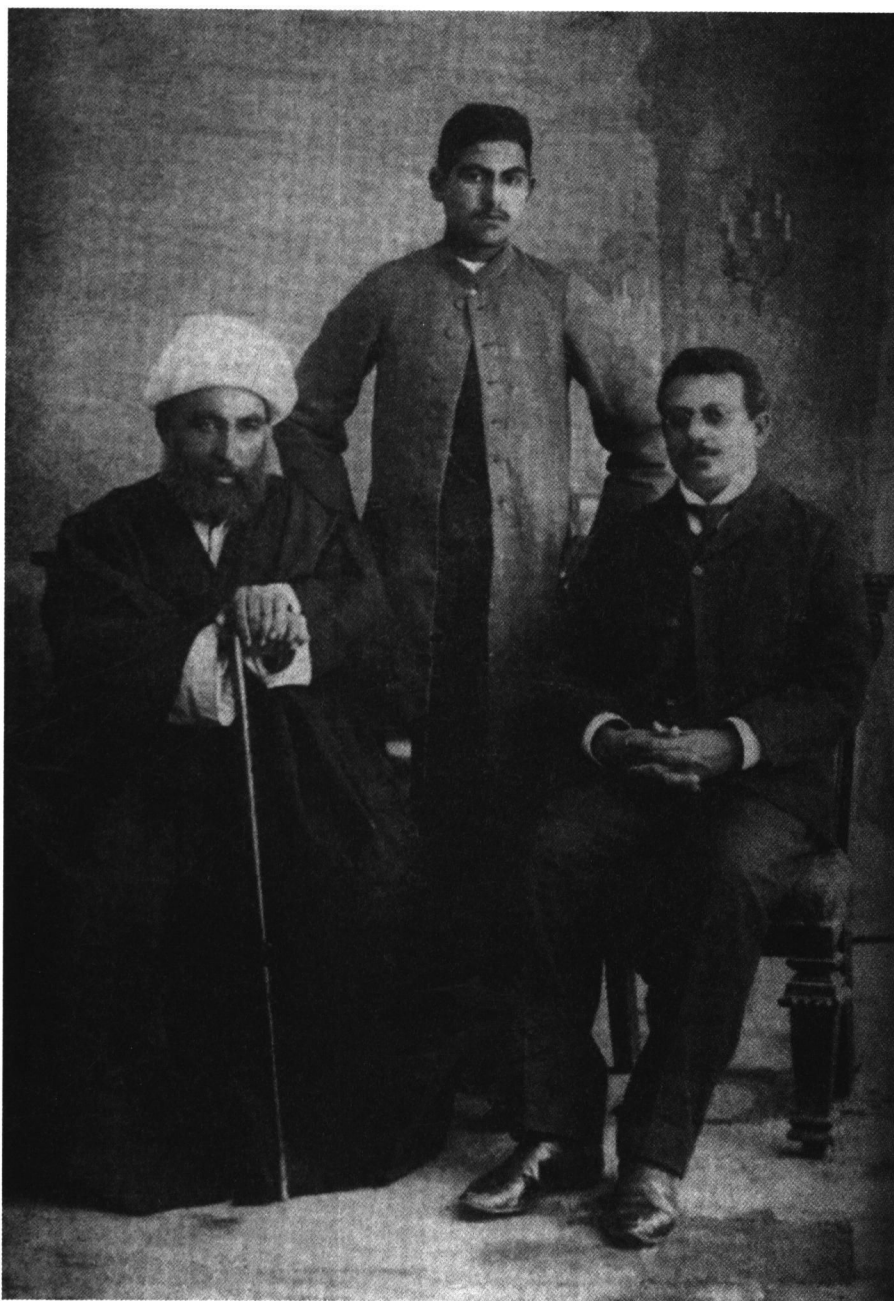
خسرو شاه جهان



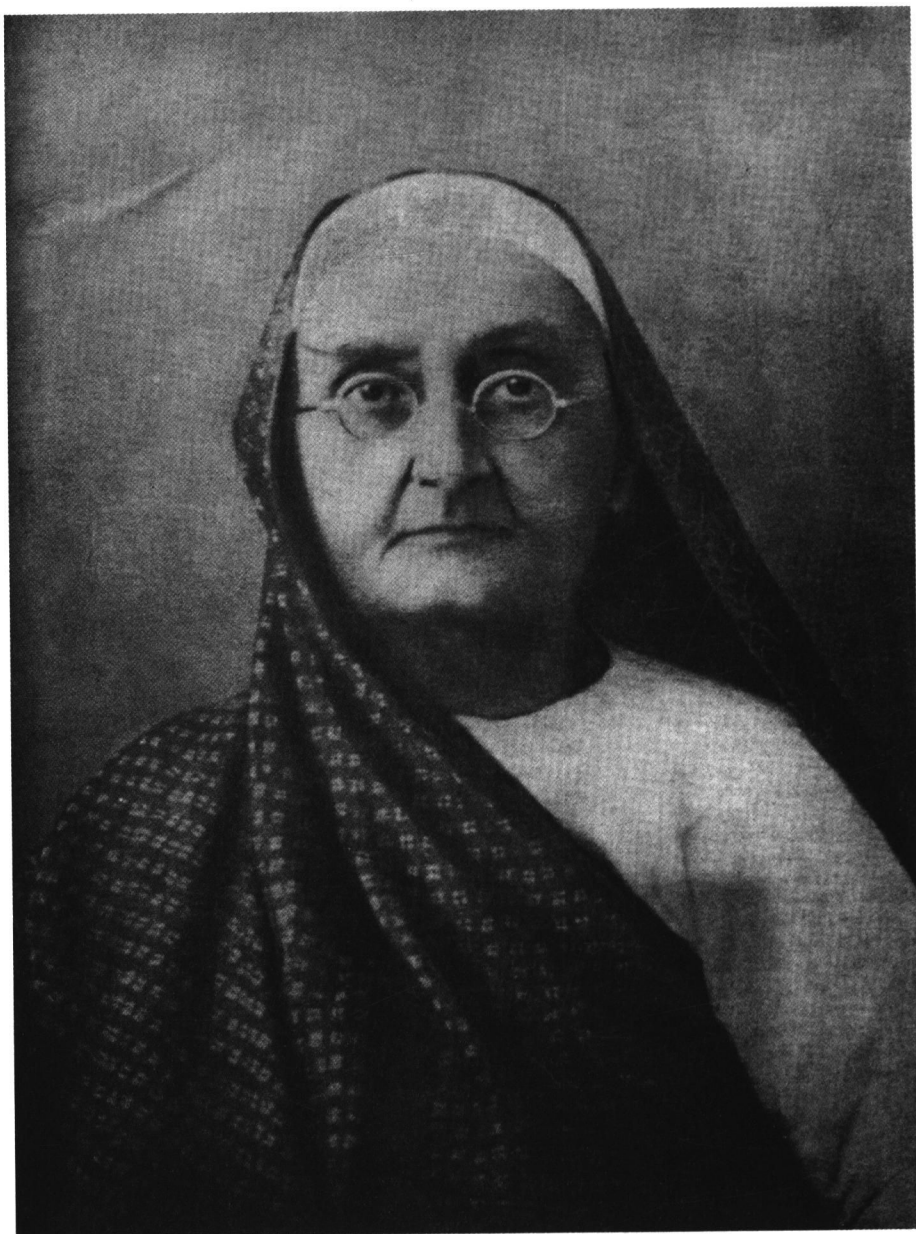
پرویز شاه جهان



رستم شاه جهان



از راست به چپ : اردشیر جی ریپورتر ، مهدی ملک زاده و ملک المتکلمین



راتن بایی ایدلجی بامجی (سرمایه گذار دبیرستان انوشیروان دادگر)

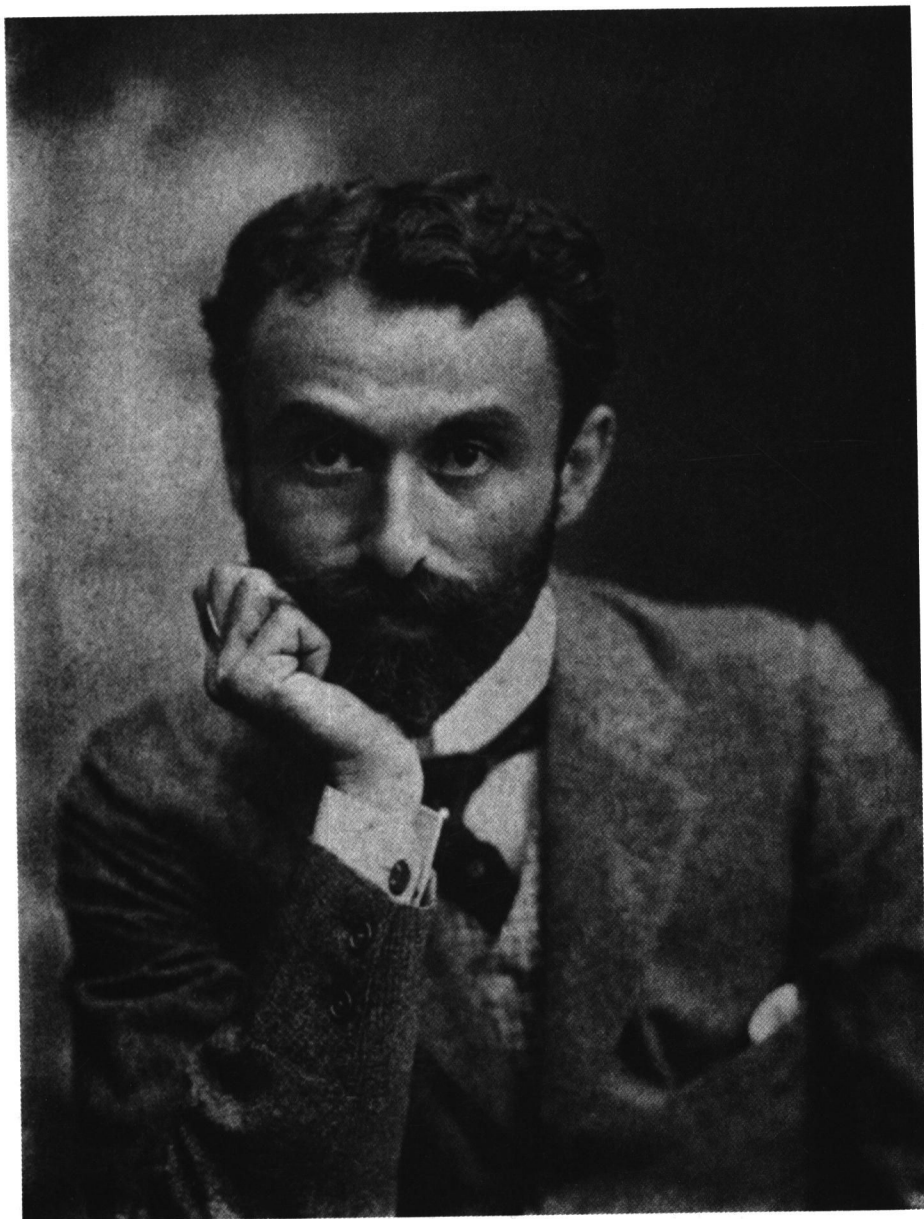


اعضای انجمن زرتشتیان و کمیته تشکیل دبیرستان انوشیروان دادگر.
 نشسته از راست به چپ: گشتاسب فیروزگر - منیره شاهرخ - رضا قلی خان هایت - شیرین بایی ریوتر (همسر اردشیر جی) - ارباب کیخسرو شاهرخ مستوره افشار -
 فیروز گزدر - رستم گیو شاهپور* - تیر افشار آرش - مهربان شاهویز - اردشیر کیانفش - مهربان مهر - منوچهر شاهرخ - گشتاسب فروتن - رستم آبدیان - خداداد سیروس -
 ایستاده از راست به چپ: سهراب سفورک

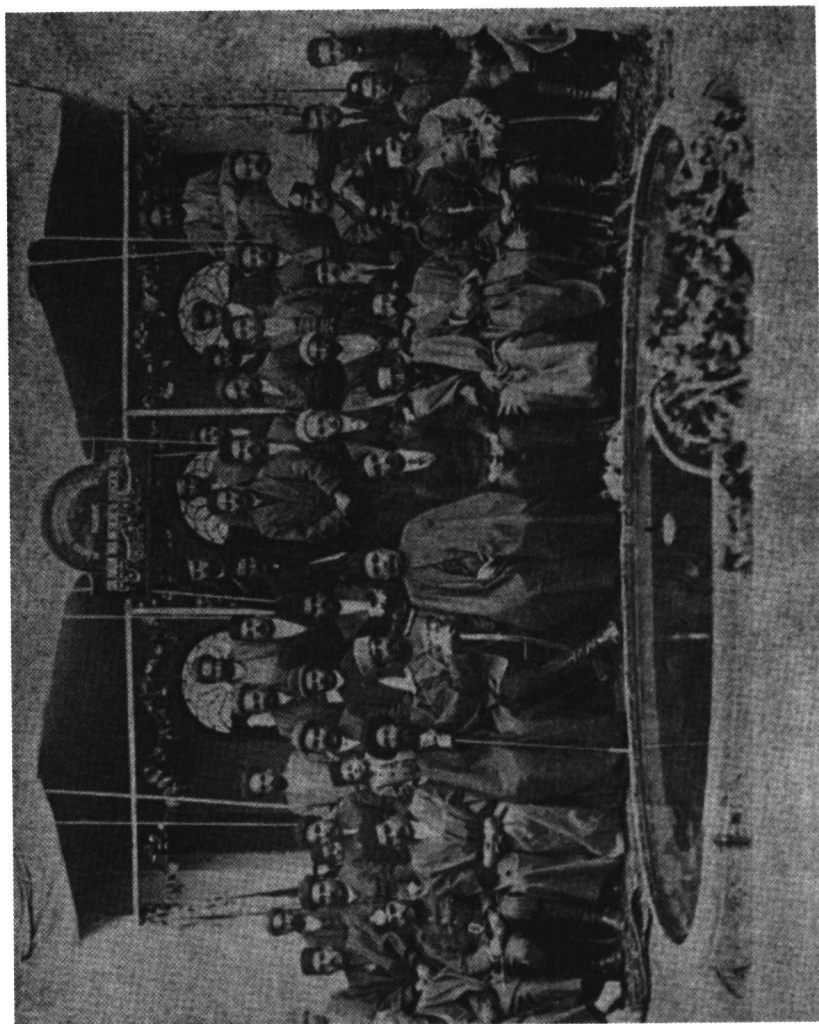
* به نظر می رسد در ثبت اسم این شخص اشتباهی صورت گرفته است.



نواز بانو (همسر راتن تاتا و مؤسس مطب خیریه در یزد)



سیراقتن تاتا

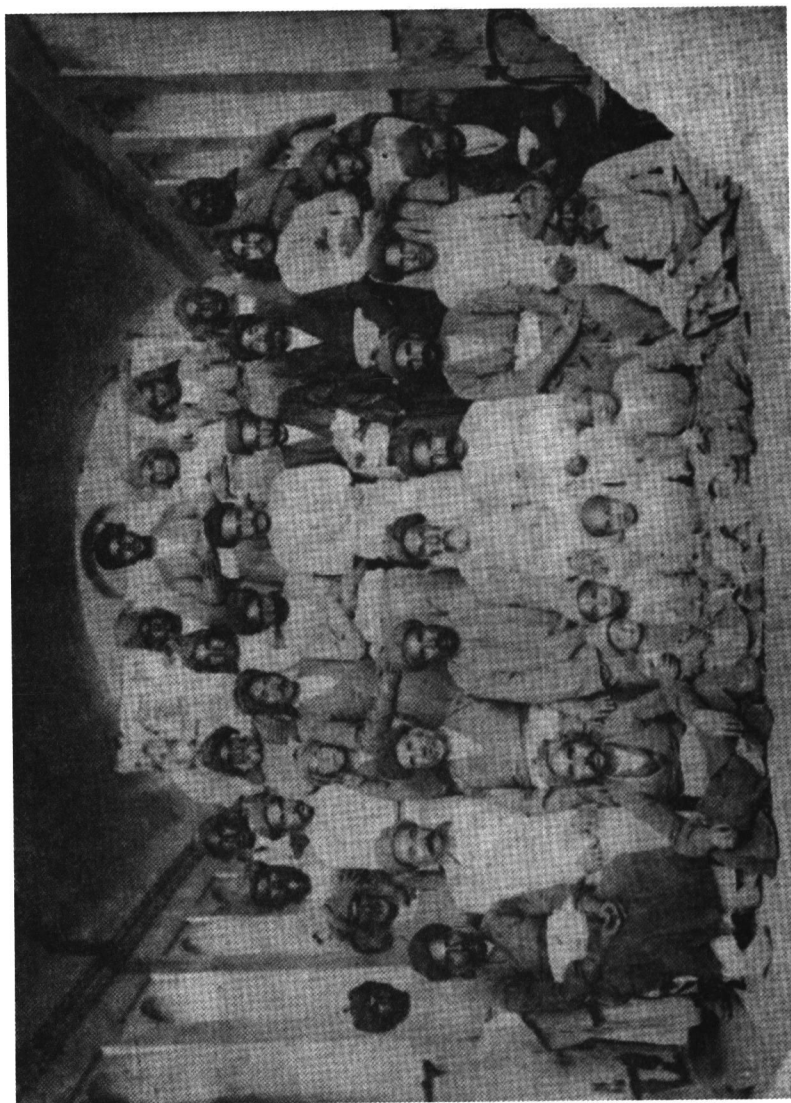


این تصویر مربوط است به روز گشایش مطب سر راتن تاتا . در ردیف جلو از راست به چپ ، افراد ششم ، هفتم و هشتم به ترتیب عبارتند از : دکتر جمشید پتل - میرزا اسلیمان خان میکده (حاکم یزد) - سرهنگ باقرخان (رئیس قشون)

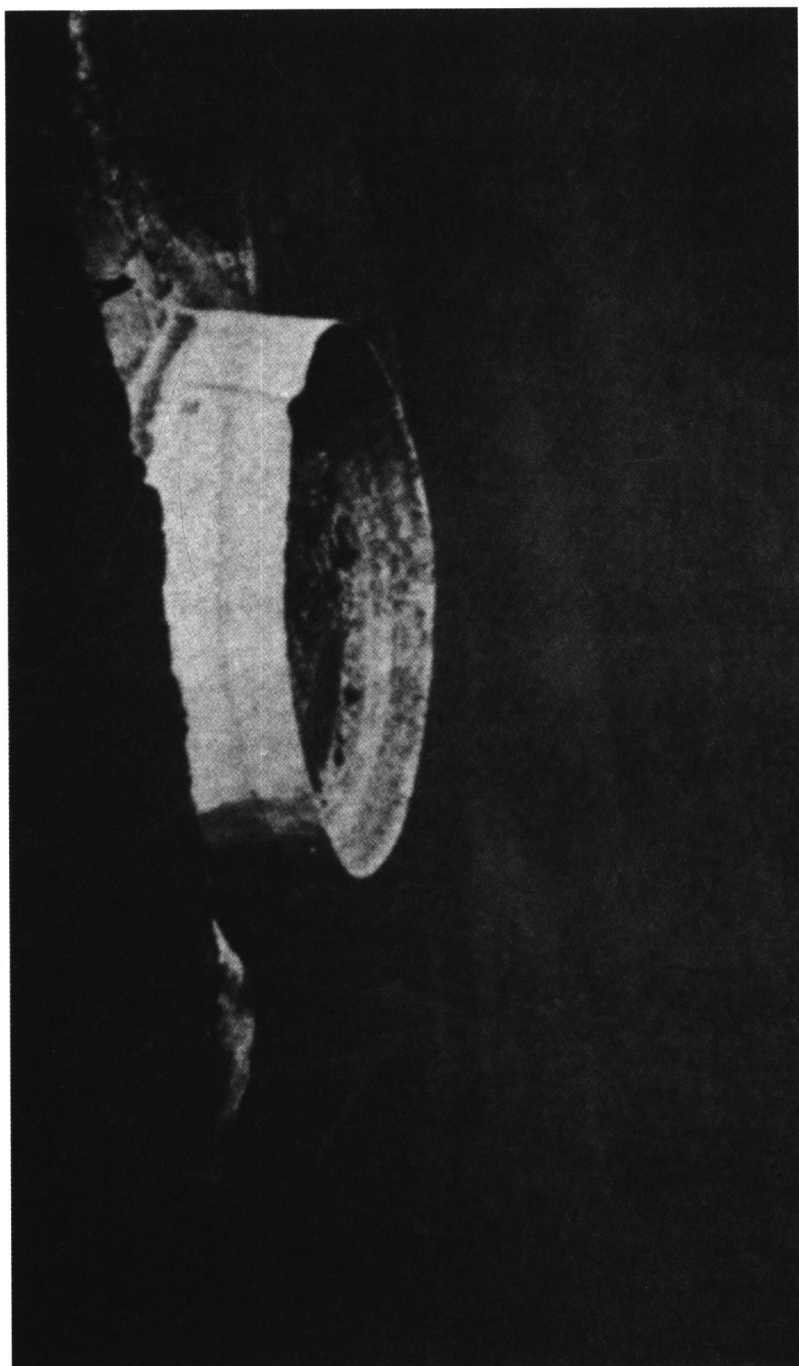


اعضای انجمن زرتشتیان یزد در زمان سفر جکسن. از راست به چپ
 ردیف جلو: خداینده بهمن - دستور تیرانداز دستور اردشیر - دیندار کلانتر - گوهرز مهریان - رستم خدامراد بامس - شهریار بهرام بلندی
 ردیف وسط: نوشیروان شهریار - رستم شهریار اوج - شهریار بهمن (شه کل) - بهمن جشمید - رستم مهریان بامس - اورمردنار جشمید
 ردیف عقب: کجسور و خداداد بیجانی - خدایار رستم - پرویزشاه جهان* - مهریان کاووس - استادکیومرس وقادار - استادامستق خدایجش - استادجو انور دشتیرورد

* به نظر می رسد در ثبت اسم مشارالیه اشتباهی صورت گرفته چه که مشارالیه به خسرو شاه جهان شبیه تر است تا پرویز شاه جهان .



مجلس امتحان شاگردان دبستان خرمشاه یزد
در این تصویر در ردیف دوم از راست به چپ اشخاص چهارم، پنجم و ششم به ترتیب
عبارتند از: استاد ماستر خدا بخش، استاد جواهر د شیر مرد و استاد کیومرث وقادار



نمایی از دخمه (محلّی که در قدیم زرتشتیان اجساد مردگان خود را در آن می نهادند)

فهرست اعلام

شامل:

— اشخاص، عناوین

— مکان‌ها

— کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها

اشخاص - عناوین

آ	آبادی (پیغمبران)	۴۴، ۴۳، ۳۶
	آبادیان (پیغمبران)	۴۱
	آخستره دوم (اردشیر دوم)	۶۴
	آدخت نمیرانیان	۳۷۶، ۲۷۳
	آدم (حضرت)	۳۵
	آذرسانان	۸۰
	آذرکیوان	۸۸، ۸۵، ۸۰، ۷۵، ۳۶
	آذرمیدخت کی نژاد	۳۷۹، ۳۴۸، ۲۶۴، ۲۶۰
	آرتجر سیس (سروش)	۶۳
	آرتجر غسیس آقس (داریوش سوم)	۶۴
	آرتجر غسیس نمن (اردشیر دوم)	۶۴
	آرتخستره اول (اردشیر درازدست)	۶۴
	آرسیس (اردشیر چهارم)	۶۴
	آرشاک	۱۵۵، ۱۵۳
	آرشم دتیکران	۴۶
	آسوزس (گودرز)	۶۳
	آصف الدوله	۱۲۸ - ۱۲۲، ۹۸
	آصف الممالک	۴۲۷، ۴۲۱
	آل بویه	۵۶
	آلمانی	۱۹۶
آلمانی (زبان)		۴۰۵، ۱۴۳
آیت الله زاده مازندرانی		۶۱۸ - ۶۱۶، ۶۱۰
الف		
	ابتهاج الملک	۴۶۰
	ابراهیم پورداود	۶۱۱، ۸۵، ۱۷
	ابراهیم حکیم الملک ← حکیم الملک	
	ابوالحسن جلوه (میرزا)	۱۴۳
	ابوالفضل گلپایگانی (میرزا)	۴۱، ۳۴، ۱۳
		۸۹، ۸۷، ۸۵، ۷۶، ۷۲، ۵۴
	ابوالقاسم (حاج میرزا - خان)	۱۰۶
	ابوالقاسم فرهنگ	۸۷
	ابوالقاسم قائم مقام فراهانی	۵۴
	ابوالقاسم ناصرالملک	۱۵۱
	ابوتراب (کربلایی)	۳۹۳
	ابوتراب حکیم (میرزا)	۳۸، ۳۴
	ابوذر جمهر	۵۵
	اتابکی	۶۲۹
	احتشام السلطنه	۱۴۳، ۱۴۱
	احمد (میرزا - خان)	۳۹۸

احمد بیرشک	۱۳۲	دراز دست	
احمد پژوه	۵۱۰	اردشیر	۶۰۲، ۶۰۱، ۴۰۱
احمد تفرشی	۲۰۳، ۲۰۱	اردشیر (میرزا)	۱۹۰
احمد دهقان	۴۸۰	اردشیر (دستور)	۲۶
احمد دیلمقانی	۴۸۶، ۴۸۴	اردشیر (داریوش سوم)	۶۴
احمد سعدلو	۳۶۳	اردشیر آذرگشسب	۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸
احمد شاه قاجار	۵۰۹، ۴۰۵، ۱۶۶، ۱۴۴	اردشیر اسفندیار	۵۸۰
۵۵۳، ۵۲۷		اردشیر بهرام	۳۲۶
احمد صدری	۳۶۷	اردشیر جهانیان	۴۱۳
احمد علی ریسمان فروش	۳۶۵	اردشیر جی رپورتر	۲۵۳، ۲۵۲، ۲۱۰
احمد قوام	۳۱۸، ۳۱۴، ۲۹۰، ۱۸۸ - ۱۸۵		۴۰۱، ۴۰۰، ۲۹۲ - ۲۸۹، ۲۸۵
	۴۳۰، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۳، ۴۱۶، ۴۱۳، ۴۱۰، ۴۰۴	اردشیر چهارم	۶۴
	۴۶۷، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۶۱، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۴، ۴۳۲	اردشیر خاضع	۴۱۳، ۴۱۲
	۵۶۰، ۵۳۴، ۴۸۹، ۴۸۵، ۴۸۲، ۳۷۴، ۴۷۳، ۴۷۰	اردشیر خداداد اهورایی	۳۰۵، ۳۰۴
۶۰۳، ۵۷۵، ۵۶۴		اردشیر خسرو	۲۱۳
احمد کسروی	۱۴۱	اردشیر خسرو مریابادی	۲۱۵
احمد منشورالملک	۹۶	اردشیر خسرو همتی	۲۲۴
اخوان الصفا	۳۰	اردشیر دراز دست	۶۳
ادوارد براون	۵۱۰، ۸۷	اردشیر دوم	۶۴
ادهم (دکتر)	۳۵۸	اردشیر رستم	۲۱۴
ادیب السلطنه	۱۹۵، ۱۹۴	اردشیر رستم خان	۲۱۴
ارامنه	۴۶۰، ۴۵۵، ۱۸۲، ۹۳، ۵۶، ۵۴، ۱۹	اردشیر زارع	۵۰۲، ۲۸۴، ۹۷، ۹۵، ۹۲، ۹۱
۶۱۰			۵۸۸، ۵۸۷
ارتجر غسیس ← اردشیر دراز دست		اردشیر سروشیار	۲۱۴
ارتجر غسیس لانجی مانس ← اردشیر		اردشیر کیامنش	۲۵۵

۲۶۴، ۲۶۳	اسلامی	۵۹۵	اردشیر مروانجی
۴۵۸، ۴۳۸، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۷	اسلامیت	۵۸۰	اردشیر مهربان
۵۴	اسلامیه	۴۰۵	اردشیر مهربان (اریاب)
۲۳۶	اسماعیل مرآت	۳۰۵، ۳۰۴	اردشیر یزدانی
۵۶	اسمعیل بن عباد	۷۹	اردو (زبان)
۶۲۰	اسمعیل مرزبان	۶۳	اردوان
۵۸، ۵۲، ۱۲، ۷، ۶، ۲	اشیدری (جهانگیر)	۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۲	ارفع الدوله
۹۱ - ۹۳، ۹۶، ۱۳۹ - ۱۴۸، ۱۶۷، ۱۷۸، ۱۷۹		۴۵۷، ۴۵۵، ۴۵۲، ۳۵۹ - ۴۶۱	ارمنی
۱۸۳، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۲۳، ۲۲۵		۵۱۴	
۲۴۱، ۲۵۳، ۲۶۵، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۰۹		۳۰۸، ۳۱۰، ۵۰۳	ارویایی
۳۱۰، ۳۸۵، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۷، ۴۱۳، ۴۹۸، ۴۹۹		۷۹	از دارشت (زبان)
۵۰۱، ۵۰۳، ۵۱۸، ۵۲۷، ۵۶۹، ۶۱۱		۹۴	استبداد صغیر
۴۵۸، ۴۶۱	اصفهانی	۱۳۶، ۱۳۷	اسدالله (شیخ)
۱۲۹	اضحی (عید)	۲۴۲	اسدالله (میرزا - مجتهد)
۵۲۳، ۵۲۰	اعتبارالملک	۱۶۶	اسدالله شهاب الدوله
۳۸۹ - ۳۹۱	اعتضادالدوله	۴۰۸	اسدالله فاضل مازندرانی
	اعتلاءالدوله ← صادق	۱۷۷	اسدالله مشارالسلطنه
۱۱۸، ۱۱۳	اعتماد حضرت	۲۱۴	اسفندیار خان رستم
۴۴۷، ۳۰۹، ۴۰	افاغنه	۲۱۳	اسفندیار خداداد
۲۵۰، ۲۳۶	افتخار	۲۱۵	اسفندیار رستم ماندی
	افریدون ← فریدون	۳۴۵	اسفندیار زرتشتی
۳۰۹	افشاریه	۲۱۵	اسفندیار کریم داد
۲۴	افلاطون (ملا)	۶۴	اسکندر (مقدونی)
۴۸۳	افلاطون کوچکی	۳۰	اسکندر (نقش مجلس)
۵۶۹، ۱۹۴	افلاطون کیخسرو		اسلام

در بسیاری از صفحات

انجمن خیریه عمومی پارسیان هند	اکابر صاحبان ← انجمن اکابر پارسیان
۲۹۳، ۲۵۲، ۲۵۱	اکبر
انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی ۳۶	اکبر محمدرضا
۲۴۹، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۶، ۲۹۵ - ۲۹۷	اکرم الممالک
۳۳۰ - ۳۳۵، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۵	الله وردی خان
۳۷۶، ۴۲۰، ۴۲۶، ۵۹۴، ۵۹۸ - ۶۰۰، ۶۱۹	امام جمعه خویی (حاج)
۶۲۰، ۶۲۳	امریکایی
انجمن زرتشتیان بم ۴۹۰، ۴۹۱	امشا سپندان
انجمن زرتشتیان تهران ۹۷، ۱۴۴، ۱۸۸	امیر (حاج)
۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۱ -	امیر اعتماد
۲۵۵، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۱ - ۲۹۴، ۳۲۳، ۳۲۷	امیر اعظم ← نصرالله خان
۳۶۵، ۳۹۳، ۴۱۴ - ۴۱۷، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۸۲ -	امیر المؤمنین ← علی (ع)
۴۸۵، ۴۸۸، ۴۸۹، ۵۰۳، ۵۲۷، ۵۳۵، ۵۴۹، ۵۵۰	امیر جنگ بختیاری
۶۰۷، ۶۱۰، ۶۲۸	امیر حسین بختیاری ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۱۱
انجمن زرتشتیان شیراز ۳۰۴، ۳۰۵	۴۱۲، ۴۲۴، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۲
انجمن زرتشتیان کرمان ۵۷، ۱۴۰، ۱۸۴	امیر خان سردار ← نصرالله خان
۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۳۵ - ۲۳۹، ۲۹۳	امین السلطان
۲۹۴، ۳۴۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۷۴	امین الملک
۴۷۵، ۴۸۳ - ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۶	امین لشکر
۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۲، ۶۱۰	انجمن آثار ملی
انجمن زرتشتیان یزد ۵، ۱۵، ۲۵، ۲۲۰	انجمن اکابر پارسیان ۳، ۷، ۸ - ۱۰، ۱۲
۲۴۹، ۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۲، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۸	۳۲، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۱۳۹، ۲۱۰، ۲۸۳، ۲۸۴
۳۴۹، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۷۷، ۳۷۸ - ۳۸۰	۲۸۹، ۳۹۱، ۴۰۵، ۴۱۱، ۴۹۸
۳۸۲، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۰۵ - ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۲۹	انجمن ایران لیگ
۴۷۷، ۴۷۸، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۸۵	انجمن حق گوی یزد
	۴۰۷

ب		۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۱۰	
۷	بایان	۴۳۵، ۴۲۹، ۴۲۷	انجمن طلاب یزد
۶۰۶	بادنی	۲۸۲، ۲۸۱	انجمن مازدیسنان
۱۲۰	بارون داود	۴۵۴	انجمن ملی ارامنه
۳۴۱، ۲۴۱، ۲۱۲، ۱۰	باستانی پاریزی	۴۶۲، ۴۶۰، ۴۵۶	انجمن ملی ارامنه کرمان
۴۲۶، ۴۰۱		۲۸۲، ۲۸۱	انجمن مهان
۵۲۷	باقرخان (سالار ملی)		انجمن نظارت بر انتخابات زرتشتیان
۱۹۶	باقر کاظمی	۶۲۷، ۶۲۶، ۱۹۴ - ۱۸۹	
۵۳	بت پرستان	۴۹۱	انصاری
۳۹۴	بجاقچی (ایل)	۳۸۷، ۳۱۲ - ۳۱۰، ۲۵۳	انقلاب اسلامی
۴۳۳، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۱	بختیاری (سوار)	۱۴۳، ۷۹	انگلیسی
۴۵۷		۲۲۴، ۲۱۰، ۷۸، ۷۷، ۲۴	انگلیسی (زبان)
۶۳	بردیه (سروش)	۳۵۱، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۵۸، ۲۴۱، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۱	
۲۴۵ - ۲۴۳، ۲۴۱	برزو آمیغی	۵۸۸ - ۵۸۵، ۴۶۰، ۴۲۶، ۴۲۰، ۴۰۵	
۲۱۴	برزو شاهپور	۱	انگلیسیان
۳۳۵	برومند	۲۵۱	انوشیروان جی
۳۱، ۱۱	بشوتن	۸۸، ۷۵، ۳۶	انوشیروان دادگر
۳۹۴	بلوچ امروغی (ایل)	۷۴	اورنگ زیب
۲۰۹	بودایی	۴۰۵	اوستا (زبان)
۷	بهاء الله	۶۳	اوکستاریرتس
۵۵۶	بهادرالملک	۵۳	اهل کتاب
	بهادر لشکر ← معتمدالسلطان	۲۵۵	ایرج دوباش
۴۹۴، ۴۰۷، ۴۰۶، ۱۸۲	بهایی	۳۰۵، ۳۰۴	ایرج فریدون سروشیان
۴۰۷، ۴۰۶، ۷	بهاییان	۹۰	ایزدیار
۴۰۶	بهائیت	۳۷۴	ایلخانی

بهرام	۲۱۳	بهمرد نوشیروان یزدانی	۲۹۵، ۲۶۷
بهرام (میرزا)	۵۷	بهمن	۶۳
بهرام آذرباد ← افلاطون کوچکی		بهمن (نیرۀ گشتاسب)	۶۲
بهرام اختر خاوری (آقاملا)	۱۱۹	بهمن (پدر ارباب جمشید)	۱۳۷
بهرام اردشیر خرمشاهی	۲۱۵	بهمن بهرام (ارباب)	۵۸۷، ۱۹۲، ۱۷۴، ۹۵
بهرام اورمزدیار	۲۱۵	- ۵۹۳	
بهرام بهمرد قاسم آبادی	۲۱۵	بهمن بهرام فریدون	۲۱۴
بهرام بهمن مریابادی (ملا)	۲۱۴	بهمن جمشید کرمانی	۲۱۳
بهرام جی بیکاجی	۲۵۵	بهمن خسرو (میرزا)	۲۴۶
بهرام خدارحم	۲۱۴	بهمن خسرو پولاد	۲۱۵
بهرام دینیار (ارباب)	۶۱۹	بهمن دوم	۶۴
بهرام رئیس	۴۰۵	بهمن رستم دینیار	۲۱۴
بهرام رئیس پارسی	۳۰۵، ۳۰۴	بهمن سروشیار بهمن	۲۱۴
بهرام رتیشتری (راتستاری)	۳۵۹	بهمن سروشیار وفادار	۲۱۵
بهرام رستم (ملا)	۳۰۸، ۲۷، ۲۶، ۱۵، ۱۰	بهمن کیخسروی	۵۶۸، ۵۶۵
بهرام شاه جهان (جهانیان)	۴۹۷، ۱۷۹	بهمن کیقباد	۳۰۷
۵۳۲، ۵۰۹		بهمن وصدی	۳۶۵
بهرام شهریار تفتی	۲۱۶	بهمنیار	۲۶۱
بهرام ظهراب	۲۱۵	بیان الملک	۴۴۴، ۴۴۳
بهرام ظهراب خدامراد	۲۱۴	بیستون (خط)	۶۳
بهرام کاووس	۵۱۶-۵۱۴		
بهرام موبد اسفندیار بهرام	۲۱۴	پ	
بهرام موبد اورمزدیار	۲۱۴	پارسی (زبان)	۶۸ - ۷۵، ۷۷ - ۸۱، ۸۴، ۸۶
بهرام (ملا)	۲۲۳	۴۰۵، ۱۴۶، ۸۸	
بهراد	۶۴	پارسی (زرتشتی)	۴۶۹، ۶۰۰، ۶۰۴

پارسیان ۱، ۲، ۵، ۳۶، ۸۰، ۱۴۸، ۲۰۹، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۵، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۶، ۲۸۲، ۲۹۶، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۲۹، ۳۵۱، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۷۴، ۴۵۲، ۴۶۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۹، ۵۹۴، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۴-۶۰۸	پهلوی (حکومت) ۹۰، ۲۳۳، ۲۵۲، ۲۷۸، ۲۸۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۸۶، ۴۰۶، ۵۰۳، ۶۰۱
پازند (زبان) ۴۰۵، ۸۲	پهلوی دوم ۵، ۲۱۱، ۲۸۶، ۳۱۰، ۳۸۷، ۵۰۱
پاول و. انگلیش ۵۰۱	پهلوی (زبان) ۷۳، ۷۵، ۸۲، ۸۸، ۴۰۵، ۵۸۵
پرویز (خسر و پرویز) ۸۸، ۷۵، ۳۵	پیمان ۲۰۳، ۲۰۱
پرویزخان ۱۲۶	
پرویز شاه جهان (جهانیان) ۵۰۹، ۴۹۷	ت
۵۱۷	تاجرباشی ۵۱۶
پرویز میرزا بهمن ۱۹۶	تازی (زبان) ۶۸-۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۱-۸۳، ۸۸، ۸۶
پروین شاهرخ ۲۰۷	تازیان ۷۸
پریرز نسیمی ۵۸۵	تجارتخانه جمشیدیان ۹۲، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۹-۱۲۱، ۱۳۷، ۱۴۰-۱۴۲، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۵۲
پستن جی تاسکر ۴۱۱	تجارتخانه جهانیان ۹۵، ۱۰۷، ۱۷۹، ۴۹۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۳-۵۲۵، ۵۳۱-۵۳۳، ۵۵۶، ۵۶۳
پشتون جی خورشید جی ایرانی ۲۶۹	تجارتخانه ساسانیان ۵۰۲
پشتون جی دوسابایی مارکار ۳۶، ۲۶۵، ۲۶۸-۲۷۸، ۲۹۵، ۴۹۴، ۶۱۹	تجارتخانه سروش بهرام و برادران ۵۶۵
پطروسیان (مسیو) ۱۷۶	۵۶۸
پوران دخت دینیار ۲۳۸، ۲۲۶، ۲۲۴	تجارتخانه طاوشانجیان ۴۶۵، ۴۶۴
پورداد ← ابراهیم	
پولاد اسفندیار ۲۱۵	
پولاد تیرانداز ۲۱۳	
پولاک ۵۰۴	
پهلوی اول ۵، ۳۱۰، ۳۸۷	

۶۵	جشن جمشیدی (نوروز)	۹۵	تجارتخانه فرامرزبان
۴۴۵	جعفر (شیخ - صحة الاسلام)	۳۹۳	تجارتخانه کاووسیان
۹۰	جعفرخان	۵۵۶	تجارتخانه کیانیان
۱۵۱	جعفر بن محمد		تجارتخانه یگانگی ← شرکت یگانگی
۳۹۹ - ۳۹۷	جعفر سبزواری (شیخ)		پارسیان
۴۵۷، ۴۵۳، ۱۹۶	جعفرقلی بختیاری	۱۴۳، ۸۱، ۷۹	ترکی (زبان)
۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۳	جعفرقلی شاهسون	۱۸۲	تقی خان
۴۶۱	جعفری (مذهب)	۳۱۰، ۳۰۹	تقی خان امیرکبیر (میرزا)
۵۰۰، ۴۰۶	جکسن (پرفسور)	۱۲۰	تکران (مسیو)
۴۵۶، ۳۹۴، ۵۸، ۲۵	جلال الدوله	۴۹۳	توده (حزب)
۱۹۵	جلالی		تهران
۵۵۱، ۵۵۰	جلیل (حاجی)	۱۷۹	تهرانچی
۴۱۱	جمال اصفهانی (حاج آقا)	۲۶، ۲۵	تیرانداز (دستور)
۴۵۸	جمال الدین	۲۴۹	تیرانداز مهربان
۳۵۰، ۵۰	جمشید	۲۱۵	تیرانداز مهربان قاسم آبادی
۲۱۴	جمشید استاد جوانمرد	۲۱۵	تیرانداز گشتاسب
	جمشید بهمن پاریسی ← جمشید جمشیدیان	۳۶۱، ۳۵۸	تیمور
	جمشید جمشیدیان (ارباب) ۹۱ - ۱۰۵	ج	
	۱۰۸ - ۱۱۲، ۱۱۵ - ۱۱۷، ۱۲۱ - ۱۴۲، ۲۱۳	۳۹۴	جاخویی (ایل)
	۵۲۷، ۵۰۳، ۴۹۷، ۳۹۱، ۲۸۹	۱۱۴، ۱۱۳	جان علی
۵۵۲	جمشید جهانگیر	۴۸۳	جامعه متدینین
۵۹۸، ۵۹۴، ۲۹۵	جمشید جی پتل	۶۳	جرغیس (بهمن)
۲۱۵	جمشید خداداد بهمن		جرغیس یار سفد یانس (بهمن دوم)
۲۱۳	جمشید خداداد پولاد	۶۴	

۲۲۳	جهانگیر مرزبان (موبد)	۲۱۶، ۲۱۴	جمشید رستم
۴۷۹	جهانیان	۲۲۴	جمشید رستم عیش آبادی
۵۵۲، ۵۰۷، ۵۰۶	جهانیان کرمان	۳۹۴، ۳۹۳	جمشید زرتشتی
		۳۴۲	جمشید سروشیان
		۲۱۴	جمشید شهریار
		۵۸۸، ۵۸۷	جمشید شهریار (اریاب)
		۲۱۵	جمشید ماندگار
		۲۱۴	جمشید موبد بهمن
		۲۱۵	جمشید مهربان خرمشاهی
		۲۱۳	جمشید مهربان کرمانی
		۲۱۴	جمشید نامدار ماونداد
		۵۷۷، ۵۷۶، ۵۷۵	جمشید هرمزدیار (اریاب)
		۲۱۵	جمشید هرمزدیار مریابادی
			جمشیدیان ← تجارتخانه جمشیدیان
		۱۱۸، ۱۱۶	جواد (میرزا)
		۱۰، ۷	جواد امام جمعه (حاجی سید)
		۱۷۹	جواد منشی باشی (میرزا)
		۴۰۷، ۴۰۶، ۲۴	جوانمرد شیرمرد (ملا)
		۳۰۵، ۳۰۴	جهانگیر استواری
			جهانگیر اشیدری ← اشیدری
		۲۵۳	جهانگیر بادنی
		۶۲۳	جهانگیر بهمن بهرام
		۲۲۴	جهانگیر رستم فروهر (اریاب)
		۲۳۸	جهانگیر فروهر
		۵۵۲	جهانگیر کیخسرو
چ-ح			
۱۴۹، ۱۴۳	چاپخانه مجلس		
۲۹۷	حافظ (لسان الغیب)		
۴۷۸	حافظی (دکتر)		
۵۵۶، ۵۱۰، ۵۰۸، ۵۰۷	حبیب الله		
۴۰	حبیب (کربلایی - تاجر)		
۱۳۸، ۱۳۷	حبیب الله خان (میرزا)		
۱۴۹	حبیب الله مختاری		
۲۳۶، ۲۳۲	حبیب الله مظفری		
۳۶۵	حبیب حمامی		
۲۴۴، ۲۴۲	حبیب یغمایی		
۸۴، ۷۲	حجازی (زبان)		
۴۲۶	حجرالاسود		
۵۱۳، ۵۰۷	حسن ابن یوسف		
	حسن اسفندیاری ← محتشم السلطنه		
۹۹	حسن خان (شیخ)		
۵۱۱، ۲۵۳، ۲۵۲، ۱۹۹	حسن تقی زاده		
۴۴۲	حسن شیرازی (میرزای شیرازی)		
۴۴۵، ۴۴۲، ۶۱۷	حسن مرسلوند		
۱۹۹	حسن مستوفی الممالک		
	حسن مشیرالدوله ← مشیرالدوله		

حسین	۴۲۸، ۳۶۵	خان صاحب ← کیخسرو جی
حسین (آقامیرزا)	۴۷۵	خبرگان (مجلس) ۲۸۲
حسین (میرزا سید - خان)	۱۷۶	ختمی مآب ← رسول اکرم (ص)
حسین آقا امین‌الضرب (حاجی)	۱۲۴، ۹۶	خدابخش ۲۹۸
حسین امیدیانی	۲۱	خدابخش سامیا کلاتری ← خدابخش
حسین تبریزی	۲۰۳، ۲۰۱	مهریان
حسین حمامی (استاد)	۶۰۳	خدابخش مهریان ۳۶۰ - ۳۵۵، ۳۴۷
حسین خان جودت	۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۲	خدابخش نوذر ۲۱۳
حسین خان سپهسالار (میرزا)	۴، ۱۵، ۲۱	خدابنده رستم رحمت آبادی ۲۱۴
	۹۹، ۴۷، ۳۲، ۲۸	خداداد بهرام کوچه بیکی ۲۱۵
حسین خان عدل‌السلطنه	۳۹۲ - ۳۹۴، ۴۶۵	خداداد خسرو قاسم آبادی ۲۱۵
۵۵۶		خداداد هرمزدیار مریابادی ۲۱۴
حسین خواجه‌نوری	۱۹۶	خداداد یزدانی ۳۸۳، ۳۸۲
حسین سمیعی	۶۰۳، ۳۶۸، ۳۳۴	خدارحم اسفندیار تیرانداز ۲۱۴
حسین علا	۱۹۹	خدارحم اسفندیار نوشیروان ۲۱۴
حسین علی‌نوری ← بهاء‌الله		خدارحم خداداد خورسند مریابادی ۲۱۵
حسین کردی عطار	۳۷۳	خدارحم هرمزان (اریاب) ۵۹۷، ۵۶۳
حشمتی (سرهنک ۲)	۳۸۳	خدارحیم بهمن ۱۹۲
حکیم‌الملک	۱۹۹، ۱۶۰	خداامراد خسرو ۲۱۴
حمید کریم‌خانی	۱۴۷	خدایار خسرو آبادیان ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۴
حیدر علی‌کمالی	۵۳۰	۳۰۵، ۳۰۴
خ		خدایار دستور شهریار (دستور) ۵۸۵
خالصی‌زاده ← محمد مهدی		خدایار شاه کاووس ۵۹۴
خان‌ملک	۲۴۴، ۲۴۳	خراس ۱۱
		خساسیرس (بهمن) ۶۳

۴۳۸	خسرو	۴۳۸	داریوش سوم	۶۴
۲۱۴	خسرو اردشیر اهرستانی	۲۱۴	داریوش شاهرخ	۲۰۷
۲۴۹	خسرو باستانی فر	۲۴۹	دانمارکی	۶۰۵
۲۱۵	خسرو خدایار	۲۱۵	داشر (مسیو)	۵۳۴، ۱۱۷
۲۹۵	خسرو رشیدی نرسی آبادی	۲۹۵	داود پیرنیا (میرزا)	۳۶۰، ۳۵۸ - ۳۵۵
۵۰۹، ۴۹۷	خسرو شاه جهان (جهانیان)	۵۰۹، ۴۹۷	داور	۱۱
۵۲۵، ۵۱۲		۵۲۵، ۵۱۲	درگاهی	۳۲۲، ۳۲۱
۴۶۵	خسرو فریدون سهراب	۴۶۵	درویش خان	۱۴۷
۱۹۵	خطیبی	۱۹۵	دفتری	۲۳۲
۳۱	خواجه ایوانی تاجرباشی	۳۱	دموکرات (حزب)	۴۲۲
۶۲۹	خوارج	۶۲۹	دوست محمد خان معیرالممالک	۱۷۹
۳۷۶	خورسند	۳۷۶	دوسی بایی	۱۱
۳۳۷، ۳۳۶	خوش کیش	۳۳۷، ۳۳۶	دولت بهار گشتاسب	۳۷۰، ۳۶۶ - ۳۶۴
			دولت شاهی	۲۴۶
			دولت کی نژاد	۲۶۰
	د - ذ			
۴۶۴، ۴۶۳، ۴۵۶، ۳۹۴	داداش	۴۶۴، ۴۶۳، ۴۵۶، ۳۹۴	دولت ماهیار	۳۵۲
۶۲	دارا	۶۲	دینشاه ایرانی	۰۳۳۱، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۳، ۲۵۳
۶۴	دارا (پسر اردشیر چهارم)	۶۴	۵۹۸، ۴۲۶، ۴۲۰	
۶۲	داراب	۶۲	دینیار اردشیر ملّا	۲۳۸
۶۳	داراب (داریوش)	۶۳	دینیار اسفندیار کسنویه	۲۱۵
۶۴	دارایش توتریس (داریوش دوم)	۶۴	دینیار جهانیان	۳۰۵، ۳۰۴
۶۴	دارایش قدمانس (اردشیر چهارم)	۶۴	دینیارخان اردشیر رستم	۲۱۳
۶۳	داریوش	۶۳	دینیار شهریار (میرزا)	۹۲
۳۰۵، ۳۰۴	داریوش جهانیان	۳۰۵، ۳۰۴	دینیار مرحوم بهرام	۲۱۵
۶۴	داریوش دوم	۶۴	دینیار مرحوم بهرام (ملا)	۵۸، ۵۷، ۲۲

۲۲۳	رستم (ملا)	۵۵۲	دینیار مهربان
۶۲۷	رستم آبادیان	۲۲۴	دینیار مهربان رشید
۴۷۳	رستم اردشیر		ذکاءالملک ← محمدعلی فروغی
۲۱۵	رستم بمان‌گیو		
۲۱۵	رستم بهرام خرمشاهی		
۲۹۸	رستم بهرام زرتشتی		
۲۱۴	رستم بهمن	۲۹۷	رابیندرانات تاگور
۲۲۳	رستم جمشید خداداد (ملا)	۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۱	راتن‌بایی بامجی
۲۱۴	رستم جمشید رستم	۹۳	رئیس‌التجار
رستم جمشیدیان (پسر ارباب جمشید)		۳۵۰	ربابه
۹۷		۱۷۹	ربیع آقا (حاج)
۱۱	رستم جی	۳۸۹ - ۳۹۱	رجب‌علی
۲۱۵	رستم خان بهمرد شریف‌آبادی	۴۰۰	رحمت‌الله خان
۴۱۸، ۲۱۴	رستم خدابخش	۶	رحمت علی شاه
۲۱۴	رستم خداداد	۳۳۳	رخشانی
۲۱۵	رستم خدارحم		رضا ارفع ← ارفع‌الدوله
۴۸۰، ۴۷۹	رستم خدایاری	۵۶۹	رضا افتخاری
۲۱۵	رستم خسرو اردشیر	۷۲، ۶۸	رضاخان افشار قزوینی (میرزا)
۲۲۳	رستم دستور جهانگیر	۷۶	
۳۱۰، ۲۹۹	رستم صرفه (دکتر)	۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۴، ۹۸	رضاشاه پهلوی
۴۸۷	رستم سهرابی	۵۹۴، ۳۴۸، ۲۷۹، ۱۹۶	
۵۶۹	رستم شاهپور (ارباب)	۵۴۹	رضاقلی
۴۱۸، ۴۱۱	رستم شاه جهان (جهانیان)	۷۴	رضاقلی خان هدایت
۵۰۹، ۴۹۷		۱۰	ر.ف. تامسون
۲۱۵	رستم شهریار نرسوآبادی	۵۹۳	رستم (ارباب)

۲۴۸	رهنما	۲۸۲، ۲۸۳، ۳۲۰، ۳۴۱	رستم شهزادی
۲۱۴	زال استاد بهرام	۳۴۲، ۳۴۳، ۵۰۱	
۴۹۵	زاهدی (سپهبد)	۲۱۵	رستم کیقباد
۲۵۵	زریابی دیویش	۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰	رستم گیو (اریاب)
۸۲، ۵۰، ۳۸، ۳۷، ۳۶	زرتشت (حضرت)	۴۰۶، ۴۸۴، ۴۸۹، ۵۳۵، ۶۲۵-۶۲۸	
۱۴۶، ۲۰۹، ۲۸۱، ۲۹۶، ۳۰۹، ۳۳۹		۲۹۸، ۴۱۲، ۶۲۷	رستم ماونداد (اریاب)
در بسیاری از	زرتشتی، زرتشتیان	۲۰	رستم مقنی نصرآبادی
	صفحات	۴۱۸	رستم موبد خسرو
۶۰۳	زرین کفش	۲۱۵	رستم مهربان
۸۸، ۸۲، ۷۹، ۷۵	زند (زبان)	۹۱	رستم مهربان (اریاب)
۳۸۰، ۳۷۲	زندى (سرهنگ ۲)	۵۷، ۴۹	رستم مهربان (ملا)
۳۰۹	زندیه	۲۱۶	رستم نوشیروان شهریار اهرستانی
۳۶۵	زهرادست فروش	۲۹۸، ۳۰۰	رستم وحیدی
		۲۱۶	رستم وفادار
	س-ش	۱۷، ۳۶، ۴۳، ۵۳، ۸۴	رسول اکرم (ص)
۴۲، ۳۵، ۱۷	ساسان پنجم (حضرت)	۴۰۸، ۴۲۶	
۳۰۷، ۲۸۲، ۲۸۱، ۹۳، ۸۲، ۶۵، ۳۶	ساسانیان	۳۹۱	رشید زرتشتی
۱۷۳	سالار شجاع (حاج)		رشید شهرمدان ← شهرمدان
۵۵۶	سالار مفخم	۴۱۲	رشید هماوند
۱۸۳	سپهدار اعظم	۸۷	رشید یاسمی
۵۲۷	ستارخان (سردار ملی)	۱۰۷	رکن الدوله
۴۷۲، ۴۷۱	سدیدالملک	۱۴۷، ۲۵۸	رکن الدین مختار
۵۸۵	سردار اسعد	۳۳۴	روحانی
۵۸۶	سردار جنگ	۱۴۳، ۵۳۵	روسی (زبان)
۴۲۲، ۴۱۱	سردار ظفر بختیاری	۳۸۲، ۳۸۳	روشن خداداد یزدانی

۲۵۵	سونابایی دوباش	۵۳۲	سردار ناصر
۴۴۴	سهام السلطان		سردار نصرت ← حسین خان عدل السلطنه
۶۴	سهراب	۶۰۰، ۵۹۹، ۵۹۵، ۵۹۴	سر رتن تاتا
۸۱	سهراب (پور رستم دستان)	۳۷۱	سرور زرتشتی
۵۱۹	سهراب (ارباب)	۵۳۲	سروش
۵۹۸	سهراب تچاگندی	۶۳	سروش (پادشاه)
۵۰۸	سهراب خان کرمانی (حاج)	۵۶۸	سروش بهرام
۶۲۷، ۴۱۱، ۲۵۵، ۲۴۶	سهراب سفرنگ	۶۱۱، ۴۸۹	سروش زارع
۲۶۱	سهراب یزدانی	۰، ۲۶۵، ۲۴۹، ۲۲۵، ۹۸	سروش لهراسب
۳۷۱	سهیلی	۰، ۴۱۱، ۴۰۷، ۳۴۲، ۲۹۸، ۲۹۵، ۲۷۹، ۲۷۱، ۲۶۹	
۲۱۳	سیاوش رستم	۶۱۹، ۵۹۸، ۵۹۵، ۵۸۵، ۵۰۲، ۴۱۳	
۹۷	سید الشهدا (ع)	۵۵۱، ۵۵۰	سروشیار
۶۳	سیرس	۲۱۳	سروشیار اردشیر
۳۰۵، ۳۰۴	سیروس شهریاری	۲۱۶	سروشیار اسفندیار کسنویه
۴۸۰، ۴۷۸	سیف (پاسیار ۱)	۲۱۵	سروشیار خداداد قاسم آبادی
۳۹۲	سیف الله خان کلاتر سلیمانی	۵۰۷، ۵۰۶، ۴۹۰، ۲۲۴	سروشیان
	سیف الملک ← نصر الله خان	۹۲	سعد الملک
۳۷۲	سیک (فرقه)	۲۹۷، ۲۰	سعدی
۱۴۷	سیوشانس	۵۵، ۹	سعید خان انصاری (میرزا)
۹۶	شاپلین	۳۵۰، ۳۴۶، ۳۴۵	سعید غرور آبادی (سید)
۶۲۶	شاپور گویو	۳۰۹	سلطان حسین صفوی
۲۱۶	شاه بهرام اسفندیار	۵۳۳	سلطان عبدالمجید (عین الدوله)
	شاه بهرام کیخسرو (پسر ارباب کیخسرو)	۵۹۷	سلیمان خان میکده (میرزا)
۱۴۶	شاهرخ	۶۳	سمردیس (سروش)
۲۱۳	شاه بهرام مهربان	۴۰۵، ۷۹	سنسکریت

۲۱۳	شهریار ابن بهرام	۲۲۳	شاهرخ اسکندر (ملا)
۵۸۰	شهریار اردشیر		شاهرخ کیخسرو (پسر اریاب کیخسرو
۲۱۵	شهریار اردشیر رحمت آبادی	۱۸۸ - ۱۸۲، ۱۴۶	شاهرخ)
۵۵۹	شهریار بهرام (اریاب)	۲۱۵	شاه جهان کیخسرو
۲۱۴	شهریار بهرام پولاد	۶۲۷	شاه جهان گودرز
۵۹۸	شهریار بهمن ایرانی	۴۲۶، ۴۲۱	شاهرخیان
۵۵۲	شهریار بهمن بهرام	۱۸۵	شاه ولی
۲۱۳	شهریار جمشید	۲۱۵	شاهویر نامدار
۲۳۰، ۲۲۴	شهریار خدابخش (اریاب)	۲۲۴	شاه هرمز زرند
۲۱۴	شهریار خدابخش نرسو آبادی	۵۷۲ - ۵۶۸، ۱۶۲	شرکت تجارتی زرتشتیان
۲۱۴	شهریار خداداد	۱۹۶	شرکت کامپاکس
۲۱۵	شهریار خداداد کوچه بیکی	۵۳۵، ۴۹۷ -	شرکت یگانگی پارسیان
۲۱۴	شهریار خدامراد کرمانی	۵۷۴، ۵۷۳، ۵۶۹، ۵۴۹	
۲۳۹	شهریار خسرو راوری	۱۹۶	شقاقی (مهندس)
۵۷، ۴۹، ۴۶، ۲۵	شهریار دستور نامدار	۱۸۴	شکوه الملک
۲۲۴	شهریار راوری (اریاب)	۱۶۳	شنلر (مسیو)
۵۰۲، ۹۵	شهریار ساسانی (اریاب)	۲۸۲	شورای نگهبان
۲۱۴	شهریار موبد اسفندیار کرمانی	۵۴۴، ۵۴۲، ۵۳۹، ۵۳۷، ۳۳۱، ۱۵۱	شوستر
۲۱۴	شهریار نوشیروان ماونداد	۵، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۴ - ۲۶،	شهمردان
۴۷۹	شهریار وخنشور	۳۸۵، ۳۱۰، ۳۰۸، ۲۹۷، ۲۹۵، ۹۶، ۹۱، ۸۵	
۲۱۵	شیرمرد تیرانداز مهربان	۵۸۵، ۵۱۰، ۴۲۶، ۴۱۳، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۶	
۴۵	شیرمرد نوذر	۱۲۴	شهاب الملک
۲۵۲	شیرین خانم ایدلجی	۵۰۹	شهاب الممالک
- ۳۵۴، ۳۵۲ - ۳۵۰، ۳۴۸	شیرین خدابخش	۳۵۸، ۳۵۷	شهابی
۳۶۱		۳۶۵	شهربانو

۳۹۶، ۳۹۵	ضیغم الدوله قشقای	۴۷۹	شیرین خسرو مروزیان
			شیرین راتستاری ← شیرین خدا بخش
	ط - ظ	۴۸۰، ۴۷۹	شیرین رستم
۴۲۸	طاهر ضیاء شیرازی	۲۶۱	شیمی
۳۷۳	طاهره	۴۹۳	شیخی (فرقه)
۴۹۲	طاهری (دکتر)	۷	شیخیه
۳۳، ۳۱	طامسن	۶۰۵	شیعی (مذهب)
۱۹۵	طباطبایی		
۴۴	طیطوطلیان		
	ظفر ایلخان ← امیرحسین خان بختیاری		
۵۹، ۵۱	ظل السلطان	۱۶۶	صاحب اختیار
۲۲۳	ظهرب (ملا)	۹۶	صادق اعتلاء الدوله
۶۲، ۶۱، ۲۴، ۱۰	ظهیرالدوله	۹۹	صادق مستشارالدوله
	ع - غ	۴۲۸	صدرالشریعه
۲۹۷	عارف قزوینی	۴۳۹، ۴۹، ۲۸	صدرالعلماء
۶۳	عاشورش (بهمن)	۲۸	صدر شریف
۲۰۵ - ۲۰۳، ۲۰۱	عالیه اتاییکی	۵۹۹، ۴۸۰، ۴۷۹	صدیقی
۳۵۷، ۳۵۰، ۱۵۴	عباس	۳۸۵، ۳۰۸، ۱۷، ۱	صفویه
۶۰	عباس خان تفرشی (میرزا)	۵۶۳، ۵۶۲	صمصام نظام
۳۰۹	عباس صفوی (شاه)		صنیع الدوله ← محمدحسن خان
۳۰۹	عباس صفوی (شاه - دوم)	۵۰۹، ۲۱۳	صنیع حضرت
۱۷۹، ۱۱۸، ۱۱۳	عباس قلی آقا تاجر	۲۹۴، ۱۹۶	صوراسرافیل (ابوالقاسم)
۹	عباس قلی خان معتمدالدوله	۳۹۳، ۳۹۲	صولت الملک
۴۱۷، ۴۱۶، ۴۱۴	عباس مرشد (شیخ)	۳۷۳	ضرابی
		۳۹۲	ضرغام نظام

۳۰۷	عرب	۴۴۶، ۴۲۲
۴۰۵، ۲۸۹، ۱۴۳	عربی	عباس مسعودی ۱۴۷
۱۳۷ - ۱۳۵	عزیزالدوله	عباس میرزا (نایب السلطنه) ۵۶، ۵۴
۴۲۲	عزیزالله	عبدالحسین ۴۵۸، ۱۹۳
۳۹۴	عطاءاللهی (ایل)	عبدالحسین تیمورتاش ۲۵۳، ۱۹۹
۲۰۳، ۲۰۱	علاءالدین بهبهانی	عبدالحمید ملک الکلامی ۲۷۷، ۲۰۴، ۲۰۳
۲۹۲، ۹۶	علاء السلطنه	۳۶۱
۵۵۶	علی	عبدالرحیم (حاجی میرزا) ۵۵۶
۶۲۹، ۸۳، ۴۳	علی (حضرت)	عبدالرحیم خان ضرابی ۱۲
۶۰۳، ۶۰۲، ۶۰۱، ۴۲۸	علی (سید)	عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی ۷۴
۴۷۴	علی (حاج سید - مجتهد)	عبدالعلی ۵۵۶
۲۹۰	علی اشرف	عبدالعلی خان (میرزا) ۱۶۰
۲۶۶، ۲۶۰، ۲۵۷، ۲۲۴	علی اصغر حکمت	عبدالکریم حائری (حاجی شیخ - مجتهد
۶۰۹، ۱۹۶	علی اکبر داور	یزدی) ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲
۲۷۹	علی اکبر طهماسبی	عبدالکریم یزدی (ملا) ۴۲۴
۱۷	علی ترک (آقامیرزا)	عبدالله ۵۵۶
۳۴۵	علی چوبدار	عبدالله بهبهانی (سید) ۹۴، ۹۳
۳۵۰	علی خان	عبدالله خلعت بری ۲۵۹، ۲۵۸
۱۸۳	علی دهباشی	عبدالله قطب شاه ۷۴
۱۳۶	علی شیرازی (میرزا سید)	عبدالنبی شودکی ۴۷۳، ۴۷۲
۴۵۲	علی صراف اصفهانی (حاج میرزا)	عبری (زبان) ۷۹
۵۵۶	علی قلی	عدل اسفندیاری ۴۸۸
۹۶	علی قلی خان انصاری	عدل السلطان ۵۵۶
۸۴	علی قلی میرزا (وزیر علوم)	عدل السلطنه (حاجی) ۱۰۵ - ۱۰۲
۴۳۶، ۴۲۴	علی لب خندقی (میرزا سید)	عدل الملک ۵۵۶، ۴۴۴

۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۸	فارسیان (زرتشتیان)	۷۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۳۷
علی محمد مولانا	فاضل عراقی	۱۳۵
علی مرشد تاجر	فاطمه	۳۷۲
علی معتمدی	فتح الله اکبر	۴۵۰، ۱۶۸
علی منصور	فتح علی شاه	۴۹۸، ۳۰۸
علی موسوی	فخرایی	۴۹۱، ۴۸۹
علی نقی	فرامجی بیکاجی	۲
عماد ممتاز	فرانسوی	۸۱، ۷۹، ۶۵، ۹
عمیدالدوله	فرانسه (زبان)	۰۲۳۵، ۰۲۳۱، ۰۱۵۶، ۰۱۴۳، ۰۱۱۵
عنایت الله سمیعی		۵۳۵، ۵۱۰، ۴۳۷، ۴۰۵، ۲۹۶
عیسوی	فرّخ زاد	۲۷۹
عیسی قائم مقام (میرزا)	فرّخی یزدی	۴۵۲، ۳۹۵
غبوزیا (گودرز)	فردوسی	۰۲۷۰، ۰۲۰۰، ۰۱۹۹، ۰۱۴۸، ۰۱۴۳، ۸۱
غفاری (مهندس)		۶۰۹-۶۰۷، ۲۷۸، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۱
غلام حسین	فُرس	۶۳، ۳۵
غلام حسین غفاری	فرمانفرما	۵۰۶، ۵۰۵، ۲۸
غلام حسین کازرونی (میرزا)	فرنگی، فرنگیان	۷۸، ۷۴
غلام رضا	فرنگیس (همسر مانکجی)	۱۱
غلام علی خان (میرزا)	فروید آبادان	۲۵
غلام علی وحید مازندرانی	فرهنگ ← ابوالقاسم فرهنگ	
غنج علی خان	فرهنگ مهر	۵۱۸
	فره وشی (مترجم همایون)	۹۷
	فریدون (پادشاه)	۳۷، ۳۶، ۳۵
	فریدون	۵۷۵، ۵۷۴
	فریدون (اریاب)	۵۶۷، ۵۶۶، ۴۶۷-۴۶۵
	فارسی (زبان)	۰۷، ۰۷۰، ۰۱۱۵، ۰۱۴۳، ۰۱۵۶
		۵۸۶، ۵۱۰، ۴۶۰، ۴۳۷، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۸۹

ف-ق

۱۴۶	فیروزه (همسر ارباب کیخسرو)	۳۰۹	فریدون آدمیت
۶۲۳	قائدی	۵۷۲، ۵۷۱، ۵۶۹	فریدون بهرام (ارباب)
۱۴۷	قائم (حضرت)	۳۱۱	فریدون بهمنی
۲۱۱، ۹۰، ۸۷، ۶۱، ۲	قاجار، قاجاریه	۲۳۱	فریدون خان بهمنیار
۵۰۳، ۴۰۶، ۳۸۷، ۳۸۶، ۳۱۱، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۸۴		۲۱۸، ۲۱۳	فریدون خسرو اهرستانی
۵۰۹		۳۰۵، ۳۰۴	فریدون خسرو بنداریان
۷۰	قابوس	۴۰۸، ۴۰۷	فریدون رستم کرمانی
۱۹۸	قدیمی	۲۱۴	فریدون رشید قاسم آبادی
۳۹۴	قرایی (ایل)	۵۰۲، ۳۲۳، ۳۲۱، ۳۲۰	فریدون رشیدی
۱۸۵، ۱۸۲	قشقایبی	۶۲۷، ۴۱۰	فریدون زرتشتی
	قوام السلطنه ← احمد قوام	۲۰۷	فریدون شاهرخ
۵۶۰، ۵۴۹، ۱۸۳	قوام الملک	۴۷۸	فریدون شهریار
۲۳	قهرمان قمشهای (میرزا)	۲۹۸	فریدون صداقت
		۲۳۲، ۲۳۱	فریدون فرهمند
		۴۱۱	فریدون کیامنش
	ک - گ		
۴۵۶، ۴۵۵	کاپیتولاسیون	۲۱۵	فریدون کیخسرو
۴۲۲	کاظم	۲۱۵	فریدون گشتاسب بهرام
۴۲۷، ۴۲۱	کاظم یزدی (آقاسید)	۲۱۶	فریدون موبد شهردین
۳۸۹، ۱۵۲	کامران میرزا	۶۲۳، ۳۷۰، ۳۶۹، ۲۷۸	فریدونی
۲۴۴	کامجو		فلسفی (واعظ) ← محمدتقی فلسفی
۶۹	کاوس	۲۷۹	فوزیه
۲۷	کاووس جی	۱۶۲	فهیم الملک
	کتایون (همسر ارباب کیخسرو شاهرخ)	۵۸۵	فیروز آذرگشسب
	۲۰۷	۲۵۵	فیروز بیکاجی
۴۸۰، ۴۷۹	کتایون عدالت	۱۹۹	فیروز میرزا نصرت الدوله

۴۰۶، ۴۰۵، ۲۸۹، ۲۸۵	۴۱، ۲	کریم خان زند
۲۹۴، ۲۹۳، ۲۱۴	۴۹۰	کریم داد هر مزدی
۵۷	۵۸۷	کزلی (مستر)
کیخسرو رستم	۷۰	کسری (پادشاه)
کیخسرو رستم پارسی کرمانی (اریاب)	۲۶۲	کسری
۵۳۴، ۵۳۳، ۵۳۰ - ۵۲۵، ۹۵	۲۴۱	کشور مزدیسنا
۲۴۱	۳۶	کلیم (حضرت موسی)
کیخسرو سهراب کرمانی	۶۲۲، ۶۲۱، ۶۱۸، ۶۱۱ - ۶۰۹، ۴۶۸	کلیمی
۲۱۳		
کیخسرو شاه بهرام		
۵۰۲، ۵۰۱		
کیخسرو شاهرخ (اریاب) در بسیاری از صفحات	۶۳	کمپاسیس (گودرز)
۲۳	۱۹۶	کمپانی ونکھوس
کیخسرو کاوس (ملا)	۶۲۸	کمونست
۵۰۰، ۴۹۹، ۲۱۱	۱۴۴	کمیته دفاع ملی قم
کیخسرو کشاورزی	۹	کنت دوگو بینو
۵۱۸	۳۰۰، ۲۹۹	کنکاش موبدان تهران
کیخسرو گشتاسب	۳۰۰، ۲۹۹	کنکاش موبدان یزد
کیخسرو مزدیسنا	۲۹۹	کنگره اتورنان
۲۴۴	۶۸	کوفی
کیخسرو ملامهربان (ملا)	۵۵۲، ۵۰۷، ۵۰۶	کیانیان
۲۵	۲۵	کیخسرو (دستور)
کیخسرو مهربان (اریاب)	۲۱۵	کیخسرو اسفندیار
۱۳۹	۲۳	کیخسرو بهرام (دستور)
کیخسرو نامدار	۴۷۳	کیخسرو تیرانداز
۲۱۳، ۱۴۱	۲۳	کیخسرو جمشید
کیقباد (اریاب)		
۲۰۷		
کیقباد کنکا		
۳۳۰ - ۳۲۸		
کیکاووس		
۶۳		
کیکاوس جهاننداری		
۵۰۴		
کیوان فر		
۲۶۷		
کیومرث		
۳۵		
کیومرس وفادار		
۴۰۶		
۶۰۲، ۴۴۸، ۱۸۲، ۸۲، ۳۴	۵۲۸۴، ۲۱۰	کیخسروجی خان صاحب
گیر		

۵۴۷، ۵۴۳، ۵۴۱ - ۵۳۸، ۵۳۵، ۲۹۳، ۱۹۲	گجراتی (زبان)	۷، ۷۷، ۷۹، ۲۹۶، ۴۰۵
	۵۸۵	
ل	گدار (مسیو)	۱۹۹
۴۳۷، ۷۹	گرشاسب ماونداد	۲۱۵
۴۹۹	گشتاسب (پادشاه)	۶۲
۱۵۷	گشتاسب (هیستاسبیس)	۶۳
۱۹۲	گشتاسب (ارباب)	۲۹۳
۴۹۵، ۴۹۳، ۳۸۲	گشتاسب خداداد	۲۱۴
۲۸۶	گشتاسب دینیار (ارباب)	۲۲۴
۱۰۵ - ۱۰۲	گشتاسب دینیار (ملا)	۵۷
۵۵۵، ۱۱۳	گشتاسب فروتن	۶۲۷
۵۱۶، ۵۱۴	گشتاسب فریدون الله آبادی	۲۱۴
	گل اردشیر	۴۰۹، ۴۰۶، ۴۰۵
	گلبهاری	۳۶۵
م	گلچهر خدایار شاه کاوس	۳۵۲
۶۰۶، ۶۰۵، ۶۰۴	گلستان بانو	۲
۲۵۳، ۲۵۱	گلشاه (حضرت)	۵۰، ۳۵
۴۰۶، ۴۰۵، ۲۴	گنج علی خان	۴۰۱
۶۲۶، ۵۸۵، ۵۶۳، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۷	گودرز (پادشاه)	۶۳
۴۶۱، ۴۵۸ - ۴۵۶، ۴۵۴، ۴۵۳	گودرز شاه جهان (جهانیان)	۱۷۹، ۴۹۷
۴۶۴، ۴۶۳	۵۰۹	
۴۰۴، ۴۰۲	گودرز مهربان (ملا)	۴۶، ۴۵، ۲۳
مانکجی صاحب از صفحه ۱ تا ۶۲ در اغلب	گوهر خداداد زارع	۲۴۹
صفحات، ۶۸، ۷۲، ۷۷، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۱۳۹	گهنبار	۲۱
۳۰۸، ۲۸۴ - ۲۸۲، ۲۲۳، ۲۱۳، ۲۱۰، ۲۰۹	گیو شاهپور پارسی (ارباب)	۱۸۹، ۱۹۱

۷۴	محمد حسین بن خلف تبریزی	۵۲۷، ۵۰۰، ۴۰۶، ۳۸۶، ۳۴۱ - ۳۳۹، ۳۱۰
۳۹۲، ۱۲۷	محمد خان	۵۵۶
۵۸۸	محمد رضا	۵۵۶
۴۰۰	محمد رضا (شیخ)	۱۱۸، ۱۱۵
	محمد رضا (حجة الاسلام حاجی میرزا)	۴۷۶، ۴۷۵، ۱۸۰، ۱۷۹
۵۱۱		۲۶۵
۶۲۴	محمد رضا پهلوی	۲۰۶، ۱۶۷، ۱۴۶
۴۱، ۳۹	محمد زمان میرزا	۱۵۱
۳۷۷	محمد ساعد	۷۵
۳۷۱	محمد سریزدی (حاج میرزا)	۴۹۱
۳۰۸، ۶۰	محمد شاه	۶۱۰، ۳۵۵
۳۶۵	محمد طاهری	۴۲۸، ۴۲۲
۹۳	محمد طباطبایی (میرزا)	۴۵۸
۳۸۳	محمد علومی (شیخ)	۸۹، ۴۱
۱۲۴	محمد علی خان (میرزا)	۱۷۹
۱۶۶	محمد علی خان علاء السلطنه	۳۶۵
۱۹۹	محمد علی خان فرزین	۳۷۶، ۳۷۳، ۳۶۶
۱۵۳، ۱۵۲، ۹۵، ۹۴	محمد علی شاه قاجار	۳۰۸
۵۰۹، ۱۵۹		۴۰۱، ۴۰۰
۴۵۸	محمد علی شیخ رئیسی	۴۴۵
۱۹۶	محمد علی فروغی (ذکاء الملک)	۳۲۷
۳۵۳، ۳۵۱، ۲۵۳، ۲۰۰، ۱۹۹		۳۷۲
۴۴۲	محمد کاظم خراسانی (آیت الله)	۶۱۰
۷۴	محمد کریم تبریزی	۶۲۸
۷	محمد کریم خان کرمانی (حاجی)	۸۴، ۷۴، ۶۲
		محمد حسن خان صنیع الدوله
		مجتبی خان
		مجد العلماء
		مجلل السلطنه
		محاسب الممالک
		محبوبی اردکانی
		محتشم السلطنه
		محسن آبان (میرزا)
		محسن خان معین الملک (حاج میرزا)
		محسن زاده
		محسن صدر
		محمد (سید)
		محمد ابراهیم زین العابدین
		محمد اسمعیل خان زند
		محمد اسمعیل مغازه
		محمد باقر لب خندقی (مجتهد)
		محمد باقری
		محمد بن حسن
		محمد بن زین العابدین حائری
		محمد تقی
		محمد تقی خردنژاد (سید)
		محمد تقی دامغانی
		محمد تقی فلسفی
		محمد حسن خان صنیع الدوله

محمد مهدی خالصی زاده ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۵۵۶	۵۵۶	
۴۹۳ مری بویس	۵-۲	
محمد مهدی نصرت السلطان ۵۵۶	م.س. ایرانی	۳۰۸
محمد نجم آبادی ۶۱۸	مست علی	۵۶۲
محمود ۵۱۱، ۵۱۰، ۱۹۳	مستوره خانم افشار	۲۵۲
محمود جم ۳۶۳	مستوفی	۳۷۶
محمودخان (میرزا) ۱۷۶	مستوفی الممالک	۳۹۹، ۱۴۴، ۶۰
محمودخان بدر (میرزا) ۱۹۶	مستوفیان	۶۲۱
محمود خردمند ۱۸۹-۱۹۲	مسلم، مسلمان ۴، ۱۰، ۲۰، ۲۱، ۵۲	
محمودشیانی (میرزا) ← محاسب الممالک ۵۶۹	۱۴۵-۱۴۷، ۱۸۲، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۲	
محمود کازرونی ۵۶۹	۲۴۴، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۸	
محمود مدیرالملک ۱۵۸، ۱۵۹	۳۵۰-۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۹	
محمود میرزا ۱۸۲	۳۹۴، ۴۴۶، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۸۹، ۵۵۰، ۵۶۲	
مخبر السلطنه ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۴۳	۵۸۲، ۶۰۹، ۶۲۳	
مخبر حکمت ۲۷۹، ۳۶۲	مسلمانان، مسلمین ۳، ۵، ۷، ۱۷، ۱۸	
مختارخان (حاجی) ۱۷۹	۲۴، ۶۵، ۸۲، ۹۳، ۱۴۱، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۲۰	
مختارالدوله ۱۵۲	۴۲۱، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۳۸-	
مختار السلطنه ← حبیب الله مختاری ۵۵۸، ۵۵۷	۴۴۴، ۴۴۹، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵، ۵۹۴	
مدبرالدوله ۱۴۷	مسلمانی ۵۲، ۴۳۵	
مدرس (آیت الله) ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۲	مسیح (حضرت) ۳۶	
مرآت الممالک ۲۳۰، ۲۲۸، ۲۲۶	مسیحی ۲۰۹، ۶۰۰، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۸، ۶۲۱	
مرتضوی ۳۴۱، ۳۴۰، ۷	مسیحیان ۴	
مرتضی انصاری (شیخ) ۱۶۵، ۵۳۳، ۵۴۲، ۵۴۷	مسیحیت ۶۱۱	
مرسلوند ← حسن ۳۱۸	مشارالدوله ۱۹۹، ۳۱۵	
	مشار السلطنه ۳۱۸	

مشاور الممالک	۹۶	مقبل السلطان	۵۹۴، ۳۹۷
مشروطه، مشروطیت	۵، ۹۳، ۹۴، ۱۴۰	مقتدر الملک	۱۷۸
۲۱۲، ۲۱۵، ۲۸۹، ۳۱۰، ۳۸۵، ۴۴۶، ۵۰۱		مکیک	۱۸۱
۵۰۲، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۵۶		ملک آرا	۱۳۶، ۱۳۵
۵۸۶		ملل متنوعه (مذاهب)	۴۳۰، ۴۵۵، ۴۷۴
مشیر الدوله	۱۵۲، ۱۵۸، ۱۹۹، ۳۵۶، ۳۶۰	۵۸۶، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۶	
مشیر الممالک	۱۰۱-۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۳۹۵	ممتاز الدوله	۱۶۷
مصدق السلطنه	۱۸۳، ۱۸۶	منتخب الدوله	۱۱۰، ۱۰۶
مصطفی	۵۵۶	منشور الملک ← احمد	
مصطفی قلی	۱۲۷، ۴۰۹	منصور الملک	۳۱۸
مظفر الدین شاه قاجار	۹۳، ۵۰۰	منوچهر	۴۵
مظفری	۲۵۰	منوچهر (پسر ارباب کیخسرو شاهرخ)	
معاضد السلطنه	۳۱۹، ۳۹۹، ۴۶۸	۱۹۶	
معاون الملک	۶۰	منوچهر جی و سونا	۵۹۸
معتضد دیوان	۵۱۲	منوچهر خسرو اردشیر پور	۳۰۴-۳۰۵
معمد السلطان	۱۲۲	منوچهر کنتر اکتور	۲۶۱
معمد السلطنه	۱۲۴	منیژه خانم شاهرخ	۲۵۲، ۲۸۶
معمد حضور	۵۰۷	منیف افندی پاشا	۷۵
معدل الدوله	۵۳۳	مؤتمن الدوله	۱۵۹
معزی	۲۹۹	مؤتمن الملک	۱۵۷، ۵۶۵
معصومه (حضرت)	۳۸۹	موثق الدوله	۱۶۶
معین التجار بوشهری (حاجی)	۱۲۴	مؤسان (مجلس)	۱۴۴
معین الملک	۷۵	موسوی زاده	۴۸۹
معین الممالک	۳۱۶	موسی مرآت الممالک ← مرآت الممالک	
مفتاح الملک	۱۵۸	موسی ناصری	۴۸۹، ۴۹۱

۳۹۳	مهربان زرتشتی	۵۱۳	موقرالملک
۲۵	مهربان رستم (ملا)	۳۵	مه آباد (حضرت)
۲۱۶	مهربان رستم پولاد خرمشاهی	۱۳۶	مهدی (آقاسید)
۲۱۶	مهربان رستم کرمانی	۱۶۰	مهدی خان (میرزا)
۵۸۰	مهربان شاهرخ	۱۷۹، ۱۱۳	مهدی بازرگان (مهندس)
۴۰۸، ۴۰۷	مهربان شهروینی	۱۴۶، ۹۴، ۹۳، ۷۵، ۲۳، ۹	مهدی بامداد
۴۹۶	مهربان عجمی پور	۳۹۵، ۱۴۷	
۲۶۸، ۲۶۷	مهربان گیل	۴۲۸	مهدی تهرانی (شیخ)
۲۶۷	مهربان گشتاسب پور	۴۲۸	مهدی تهرانی زاده (شیخ)
۶۲۷	مهربان مهر	۲۴۲	مهدی سهیلی
۲۴	مهربانو (دستور)	۱۹۶	مهدی فرخ
۶۲۰، ۶۱۹	مهرجی اردشیر	۳۴۶	مهدیقلی
۶۷، ۶۵	مهرنگان (مهرگان)	۵۷۹، ۱۹۶	مهدیقلی هدایت
۲	مهر وانجی	۲۴۴، ۲۴۳	مهران (دکتر)
۶۴	میخکی (خط میخی)	۶۰۲	مهربابا
۲۸	میر عبدالرحیم معین التجار	۱۹۲	مهربان (ارباب)
۶۰۶	میرهادی	۲۵۳	مهربان ایرانی (کلنل)
۳۱	میکایل (خواجه)	۲۱۵	مهربان اردشیر
		۲۶۸، ۲۶۷	مهربان بیوکی
	ن	۲۱۴	مهربان جمشید خرمشاهی
۳۲۸	نادر آراسته	۲۱۴	مهربان خدا بخش وکیل الرعایا
۴۴۷	نادر شاه افشار	۱۹۲	مهربان خداداد (میرزا)
۹۲، ۶۰، ۱۰، ۸، ۶	ناصرالدین شاه قاجار	۴۵۴، ۴۵۳	مهربان خیاط
	۳۹۱، ۳۸۵، ۲۸۴	۲۱۴	مهربان دستور تیرانداز
۷۷	ناصر خسرو	۴۰۸، ۴۰۷	مهربان رئیس (میرزا)

۲۶	نمرود	۳۱۶	ناظم الممالک
۵۹۵	نوازیانو	۰۲۵، ۰۲۴ (دستور)	نامدار دستور شهریار
۴۸۲	نوایی	۶۱۰، ۵۸۵، ۲۹۹، ۱۶۲	
۵۷، ۴۵	نوذر مهربان (ملا)	۲۱۵	نامدار کیخسرو
۵۵۶	نورالله خان	۴۸۷، ۴۸۶، ۴۸۳	نایب اکبر خلیل
۶۵	نوروز	۱۶۱، ۱۲۸	نجفقلی بختیاری
۲۷۲، ۲۷۱	نوری	۲۳۶	نجم آبادی
۳۵۰	نهادندی	۲۰۳، ۲۰۱	نجیبه اتحادیه
۲۵۲	نیرالملک	۴۵۹، ۴۵۷، ۴۵۵، ۴۵۳، ۴۵۲	نرسس
۴۸۵	نیک‌پی	۲۹	نصاری
		۱۴۳	نصرالله (حاجی سید)
و		۳۹۵	نصرالله خان امیراعظم
۶۲۳-۶۲۱	وارسته	۴۷۷، ۳۵۳، ۳۲۳	نصرالله سمیعی
۵۰۸، ۱۸۱، ۱۷۲، ۱۶۶، ۱۴۴	وثوق الدوله	۳۲	نصرت الدوله فیروز میرزا
۳۹۵	وجیه‌الله میرزا سپهسالار	۳۲۰، ۱۸۵	نصرت السلطنه
۵۱۲	وزیر بقایا	۵۵۶	نصرت الممالک
۸۷	وصال شیرازی	۴۵۰	نصیرالشرف
۶۲۷	وفادار تفتی	۴۷۸	نظام (دکتر)
۳۹۲	وکیل‌الملک ثانی		نظام‌الدین حکمت ← مشارالدوله
۴۴	ویزیته بلیان	۱۲۶	نظام‌الدین خان
		۵۱۳، ۹۲	نظام السلطنه
ه		۶	نعمت‌اللهی
		۱۴۷	نکویی
۱۹۹	هرتسفلد	۲	هاشم رضی
۵۰۰، ۳۹۱، ۳۴۰، ۳۰۹	ه.ر. فرهنگ	۲۹۳	هاوارد

۶۳	هیستاسیسیس	۷۵	هرمزد
		۳۸۶، ۲۱۰، ۱۲، ۱۱	هرمزدجی
	ی	۴۸۹، ۴۸۷، ۴۸۶، ۴۸۳	هرمزد موبد شاهی
۵۳۱	یحیی خان (میرزا)	۴۱	هرمزدیار
۲۵۱	یحیی خان قراگزلو (اعتمادالدوله)		هرمزدیار ← هرمزدجی
۴۱۳، ۴۱۲	یحیی مجتهد یزدی (آقاسید)	۲۱۴	هرمزدیار اردشیر بهمن
۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۸ - ۴۳۶، ۴۳۳، ۴۲۴		۵۸۰	هرمزدیار اسدیار
۱۸۲	یدالله (آقاسید)	۱۱	هرمزدیار بندار کرمانی
۳۰۷، ۶۹	یزدگرد	۲۱۴	هرمزدیار خدابخش خرمشاهی
۲۴۶	یکسان	۲۱۵	هرمزدیار رستم خان
۱۰۱، ۱۰۰	یوسف خان	۶۲	هما (دختر بهمن)
۶۰	یوسف خان آشتیانی	۶۱۹	همابای مهتا
۶۴، ۶۳، ۳۵، ۱۸	یونانیان	۳۷۲، ۳۳۷، ۲۰۹	هندو
۶۱۱، ۹۳، ۲۹، ۱۹	یهود	۳۸ - ۳۵	هوشنگ
۳۳۹	یهودیان	- ۳۰۱، ۲۹۸، ۲۸۵	هیأت کنکاش موبدان
		۳۰۳	
		۱۱	هیرابابی

مکان‌ها

آ	آباد	۵۴۹، ۱۸۲	افغانستان	۲	۴۰
	آدریان تهران	۱۴۶	الله‌آباد	۴۱۲	
	آذربایجان	۵۶، ۵۴، ۷	امام‌زاده حسن	۲۰۵، ۲۰۴	
	آفریقا	۳۱۲	امریکا ۱۵۳، ۲۸۵، ۳۱۰، ۳۱۲، ۴۱۱، ۵۰۹		
	آلمان ۱۴۶، ۲۸۵، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۶۹	۶۲۸			
			امیرآباد	۹۷، ۹۳	
الف			امین‌الملک (دالان)	۶۲۹	
	اتازونی	۱۵۵	انارک	۴۹۵، ۳۹۹	
	اراک	۴۴۲	انزلی	۵۸۷، ۴۲۰	
	اردکان	۴۴۲، ۳۵۷، ۳۵۰	انگلستان، انگلیس ۳، ۹، ۳۱، ۳۳، ۱۴۸		
	ارمنستان (سفارت)	۴۵۴	۰۱۶۶، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۳		
	اروپ، اروپا ۹، ۳۵، ۷۸، ۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲	۱۸۲، ۱۸۰، ۷۹، ۳۵، ۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲	۳۱۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۵۰۹، ۵۵۵		
	استانبول ← اسلامبول	۶۱۰، ۵۴۴، ۵۳۵، ۵۰۹، ۱۹۶، ۱۹۴	انگلیس (سفارت) ۱۳۷، ۲۸۹، ۲۹۳، ۴۶۵		
	استرالیا	۲۸۵	اهواز	۳۳۱، ۳۲۰	
	استکهلم	۱۹۸	ایتالیا	۲۸۵	
	اسلامبول	۷۹، ۷۵، ۷۱، ۶۸، ۳	ایران	در بسیاری از صفحات	
	اسماعیل آباد جویبار	۲۲۳	ایزد خاست	۱۸۲	
	اصفهان	۴۴۶، ۴۱۱، ۳۱۹، ۳۰۹، ۲۸۵، ۹۲			
		۵۹۳، ۵۶۳، ۵۱۰، ۵۰۴، ۵۰۳، ۴۹۹، ۴۹۲، ۴۶۸			
		۶۲۳-۶۲۱، ۶۰۰			
ب	بابل				۲۶

بوشهر ۳، ۴، ۴۶، ۹۲، ۹۷، ۳۱۳ - ۳۱۶، ۳۱۸،	۴۷۲، ۴۷۳	بارجین
۳۲۹، ۳۳۰، ۵۰۳، ۵۱۷، ۵۶۷ - ۵۷۳	۳۰۴، ۳۰۵	باغ وقفی زرتشتیان شیراز
بهارستان (عمارت) ۹۹، ۱۶۱، ۶۰۷، ۶۰۸	۹۵	بانک انگلیس
بیمارستان گودرز ۶۱۹، ۶۲۰	۹۵، ۹۶، ۱۵۲	بانک روس
	۵۶۹	بانک سپه
پ - ت	۱۸۱، ۴۵۴، ۴۵۸	بانک شاهنشاهی
پاریس ۵۱۴، ۵۱۵	۲۵۳، ۳۰۲، ۵۰۹	بانک ملی
پاکستان ۲۸۵	۵۰۰	بخارا
پرورشگاه مارکار ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹	۵۴۲، ۵۳۶، ۵۳۵، ۱۴۶ - ۵۴۴	برلن - برلین
۲۷۱	۵۴۷	
پشتکوه خبیص ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳	۲۷	بروج هندوستان
پیروزآباد ← فیروزآباد	۹۱، ۱۳۷	بروجرد
تالار ایرج ۲۵۵	۳، ۳۱۲	بریتانیا
تبریز ۷۴، ۹۲	۳، ۷، ۱۸۲، ۵۰۰، ۵۰۳	بغداد
ترکستان ۸۶، ۵۰۲	۴۰۱	بفرویه
ترکیه ۵۰۰	۶۳	بلخ
تفت ۲۶۶، ۲۶۸، ۳۶۲، ۴۷۶، ۶۰۲	۱۷۹	بلژیک
	۵۱۷	بلژیک (سفارت)
ج - چ	۱۶۰، ۲۲۳، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۶۶	بلوچستان ۳۲، ۱۶۰، ۲۲۳
جعفرآباد (یزد) ۱۴۴	۴۶۷، ۵۵۵	
جمالزاده (خیابان) ۹۳	۳۷۳	بلوچستان هند
جمشیدآباد ۹۷، ۹۳	۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۹ - ۴۹۱، ۵۰۳	بم ۹۲، ۲۸۵
جوپار ۲۲۳	در بسیاری از صفحات	بمبئی
جیرفت ۳۹۲	۶۰۵	بندر شاهپور
چهارراه ۵۶۱ - ۵۶۳	۹۲، ۹۷، ۲۷۰، ۵۰۲، ۵۰۳، ۶۱۹	بندرعباس

چین	۵۰۰	دانشگاه تهران	۶۰۸، ۶۰۷
		دبستان ایرانشهر	۲۲۴
		دبستان ایرج	۲۵۶، ۲۵۵
حاجی آباد	۱۱۳-۱۱۹	دبستان پسرانه اردشیر همتی	۲۲۴
حجاز	۸۲	دبستان پسرانه چم	۲۶۶
حسین آباد میبد	۳۴۵	دبستان پسرانه ذین آباد	۲۶۶
حوزه علمیه اراک	۴۴۲	دبستان پسرانه شیرین بابا خندان تفت	
حوزه علمیه قم	۴۴۲		۲۶۶
خاتون آباد	۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰	دبستان پسرانه علی آباد	۲۶۶، ۲۶۸
خبیص ← پشتکوه		دبستان پسرانه نصرت آباد	۲۶۶، ۲۶۸
خراسان	۳۱، ۲۰۰، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۹۹	دبستان پسرانه مارکار	۲۶۷
خرمشاه	۲۶۶	دبستان جمشید جم	۹۷، ۲۴۶
خرمشهر	۵۰۲، ۵۰۳	دبستان خسروی	۴۱۱
خلیج فارس	۳۱۶	دبستان دخترانه استثنایی مریم	۲۲۴
خمسه ← زنجان		دبستان دخترانه الله آباد	۲۶۸
خوار	۱۷۲	دبستان دخترانه خرمشاه	۲۶۶، ۲۶۸
خور و بیابانک	۲۴۲	دبستان دخترانه خیر آباد	۲۶۶، ۲۶۸
خوزستان	۳۲۰-۳۲۳، ۳۳۱-۳۳۴	دبستان دخترانه زرتشتیان	۳۶۶
خیر آباد	۲۶۶	دبستان دخترانه شهر یاری	۲۲۳، ۲۲۴
			۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۵
		دبستان دخترانه قاسم آباد	۲۶۰، ۲۶۶، ۲۶۸
داراب	۳۰	دبستان دخترانه کوچه بیک	۲۶۶
دارالفنون	۲۴۹	دبستان دخترانه مرواریدی	۲۶۶
دانشکده حقوق	۶۱۷	دبستان رستمی اهرستان	۲۶۰
دانشگاه بمبئی	۴۰۵	دبستان کاوایی	۲۲۳-۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۴

ح-خ

د-ذ

۵۷۸-۵۷۵، ۹۲	رفسنجان	۲۴۵، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۸	
۵۸۷، ۵۰۳، ۴۲۰، ۹۲	رشت	۵۳۵	دبستان گیو
۲۳۰	رنگون	۴۰۶	دبستان ماستر خدابخش
۵۴۲، ۵۳۹، ۵۰۲، ۱۶۶، ۱۴۰	روس، روسیه	۲۶۰	دبستان نرسی آباد
۵۹۰، ۵۸۷، ۵۴۷، ۵۴۴		۵۸۵، ۴۱۱، ۲۴۹	دبستان دینیاری
۳۳۰-۳۲۸	زاهدان	۲۵۷-۲۵۲	دبیرستان انوشیروان دادگر
۶۲۰، ۶۱۹	زایشگاه بهمن	۲۴۰، ۲۳۸، ۲۲۴، ۲۱۲	دبیرستان ایرانشهر
۶۱۹	زایشگاه شیر و خورشید	۲۴۵	
۵۸۸، ۵۸۷، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۹	زنجان	۲۶۸-۲۶۶	دبیرستان پسرانه مارکار
		۲۴۴	دبیرستان دخترانه کیخسرو شاهرخ

س-ش

۵۳۰، ۵۲۸، ۵۲۶	ساری	۲۶۸-۲۶۶	دبیرستان دخترانه مارکار
۴۱، ۱۳، ۱۲، ۷	سازمان اسناد ملی ایران	۲۳۷	دبیرستان زرتشتیان کرمان
۶۲۸، ۶۲۳، ۵۸۳، ۳۵۱، ۲۶۱، ۲۰۷، ۱۴۸، ۹۸		۲۵۵، ۲۵۲، ۲۴۶	دبیرستان فیروز بهرام
۴۰۷	سازمان جوانان زرتشتی یزد	۶۲۶، ۴۱۱، ۴۰۶، ۲۹۲	دبیرستان کیخسروی
۲۹۹	سازمان فروهر	۱۸۲	دز آشوب
۵۹۱-۵۸۹	ساوجبلاغ	۶۰۵، ۳۳۱	دز فول
۱۷۳، ۱۶۹	ساوه	۷۴	دکن
۹۱	سرای مشیرخلوت	۶۲۸، ۵۶۹، ۵۶۷، ۴۶۳	دماوند
۵۶۲	سعادت آباد	۵۴۹	ده بید
۵۰۸-۵۰۵، ۲۰۵-۲۰۰	سعیدآباد	۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۲، ۳۶۹، ۳۶۸	دهلی
۳۰۷	سنجان	۲۶۶	ذین آباد
۱۹۸-۱۹۶، ۱۴۸	سوئد		
۱۵۴	سوئیس		
۱	سورات	۳۰۷	رامهرمز

ر-ز

سیرجان	۵۰۳، ۹۲	ف-ق
سیریا	۶۴، ۶۳	فارس ۳۰، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۸۳ - ۱۸۷،
شاه آباد	۲۰۲	۳۱۹، ۳۲۰، ۳۹۴، ۵۴۹، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۴
شاهپور (سد)	۳۳۳	فرانسه ۲۸۵، ۵۱۴
شرف آباد	۲۰، ۱۶	فرح آباد ۱۶۶، ۱۶۷
شمشی	۵۶۱، ۵۶۰	فرنگ ۱۸۲
شمیران	۳۹	فرنگستان ۳۵، ۴۴، ۱۸۱، ۴۹۸
شیراز ۴، ۳۰، ۹۲، ۹۳، ۱۸۳ - ۱۸۹، ۱۹۲		فرون آباد ۹۸، ۱۱۰ - ۱۲۱
۱۹۴، ۲۸۵، ۳۰۴، ۳۱۹، ۴۹۹، ۵۰۲ - ۵۰۴		فیروز آباد ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۵۷
۵۷۴ - ۵۶۵، ۵۶۲		فیروز بهرام (روستا) ۲۰۱
		قاسم آباد ۲۶۶
		قزوین ۱۲۲، ۱۶۹، ۱۷۲ - ۱۷۴، ۵۸۰، ۵۸۷ -
ط		
طرقان	۱۷۳	۵۹۱
طوس	۲۰۰، ۱۴۸، ۱۴۳	قم ۹۲، ۱۷۳، ۳۸۹، ۳۹۱، ۴۱۰، ۴۴۲، ۴۴۵
		۵۸۰، ۵۷۹
ع-غ		قمشه ۱۸۲
عبدالعظیم (ری)	۵۱۷	قنات غسان ۲۲۳
عتبات عالیات	۴۴۲، ۷	
عثمانی	۵۱۶، ۵۱۴، ۱۶	ک-گ
عدن	۳۱۲	کاتیاور ۳۰۷
عراق عرب	۴۴۴ - ۴۴۲، ۳۷۳، ۷	کاخ فیروزه ۱۴۶
عراق عجم	۱۷۵، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۹، ۱۶۶	کارون (رود) ۳۲۰، ۳۳۱
عربستان	۳۱۶	کاشان ۱۲، ۹۲، ۱۲۳، ۴۴۶، ۴۹۴، ۵۰۳، ۵۵۹
علی آباد	۲۶۶	۵۸۲ - ۵۷۹، ۵۶۱
غار	۲۰۲	کالج البرز ۲۴۹، ۲۵۵ - ۲۵۸

۱۸۲	مدرسه بهایان	۳۱۲، ۲۸۵	کانادا
۲۵۳	مدرسه پندارنیک	۳۰۷، ۲۸۴، ۸	کتابخانه اردشیر یگانگی
۲۳۶، ۲۳۵	مدرسه پهلوی	۱۴۳	کتابخانه ملی
۲۴۸	مدرسه ذکور ابتدایی	۵۶۳	کتابخانه هورشت
۲۲۴	مدرسه راهنمایی شهید راسخی	۵۸۵، ۳۳۶، ۳۲۹، ۳۲۸	کراچی
۶۱۷	مدرسه عالی سپهسالار	۴۴۵	کربلا
۱۴۱	مدرسه پسرانه زرتشتیان تهران	۱۴۷	کرج
۲۴۹، ۲۴۷، ۲۴۶		۳۳۱، ۳۲۳	کرخه (سد)
۲۲۷، ۲۲۴، ۲۲۳	مدرسه ملی زرتشتیان	۷	کردستان
۲۳۴، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۲۸		در بسیاری از صفحات	کرمان
۲۴۸	مدرسه نسوان زرتشتیان	۵۰۳، ۴۰۸، ۷	کرمانشاه
۵۸۵، ۴۰۵	مدرسه ملافیروز	۶۲۸	کوهان (روستا)
۶۴، ۶۳	مدیا	۳۲۰	کیان آباد
۴۰۱	مریاباد	۳۰۹	گبر آباد
۳۵۷، ۳۵۶، ۳۵۱، ۳۴۸، ۳۴۷	مزرعه کلاتر	۴۴۷	گبر محله
۳۹۹، ۳۲۸، ۲۰۰، ۱۴۸	مشهد	۳۰۷	گجرات
۳۲۸	مکران	۳۳۶ - ۳۳۴، ۶۹	گرگان
۱	موراسومالی	۶۲۸	گیلان (روستا)
۳۹۳	موغان		
۵۶۱، ۵۶۰	مهدی آباد		
۴۴۲، ۳۴۷، ۳۴۵	مید	۹۲	لنجه
		۲۷۲، ۱۸۲، ۱۸۰	لندن
		۵۳۳، ۵۳۱ - ۵۲۶، ۵۰۲	مازندران
۴۰۵	نرسی آباد	۶	ماهان
۲۰	نصر آباد	۶۴	مد

ل-م

ن-و

۱۹۶	هامبورگ	۳۷۲، ۲۶۶	نصرت آباد
۴۰	هرات	۱۵	نعیم آباد
۵۹۱، ۵۸۷، ۱۵۷، ۹۲	همدان		نمسه ← اطروش
در بسیاری از صفحات	هند، هندوستان	۲۵۳، ۲۵۱	نوساری
۲۶۹	هنرستان جهانگیری	۴۱	نهادند
۱۱۸	هوسنه	۶۳	نینس
در بسیاری از صفحات	یزد	۱۵۵، ۱۵۳	نیویورک
۵۹۰	ینگه امام	۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۱، ۱۱۰، ۹۸	ورامین
۶۳	یونان		۱۷۲، ۱۲۱، ۱۲۰

ه-ی

هاشم آباد ۲۰۱

کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها

۴۹۹	ایران و قضیه ایران	آ	
		۴۵۰	آسایش (روزنامه)
	ب - پ	۶۱۰	آیین‌نامه زرتشتیان
۷۴	برهان جامع	۱۴۶	آیینۀ آیین مزدیسنی
۷۴	برهان قاطع	۸۸، ۷۵، ۳۹، ۳۶، ۳۴، ۲۹، ۲۲	آیین هوشنگ
۴۰۶	بندهش (ترجمه)		
۴۰۷	پندار (نشریه)	الف	
۲۹۹	پیک کنکاش موبدان (فصلنامه)	۶۱۰	احوال شخصیه زردشتیان ایران
	۳۰۰	۲۹۷	اخلاق ایران باستان
	ت	۷۴، ۷۱	اطلاع (روزنامه)
		۴۷۹، ۲۷۸، ۲۳۶	اطلاعات (روزنامه)
۸۷	تاریخ ادبی ایران	۱۱	اظهار احقاق الحق
۱۴۹	تاریخ بیداری ایرانیان	۳۸۶، ۳۰، ۷، ۶	اظهار سیاحت ایران
	تاریخ پهلوی و زرتشتیان ← اشیدری	۴۷۹	امید (روزنامه)
۴۰۸	تاریخ ظهور الحق	۳۰۹	امیرکبیر و ایران
۱۲	تاریخ کاشان	۷۴	انجمن آرای ناصری
۱۴۱	تاریخ مشروطه ایران	۴۰۸	اندیشه ما (نشریه)
۴۵۱	تهذیب (روزنامه)	۵۱۰	انقلاب ایران
	ج - خ	اوستا	۲۶۲، ۲۶۰، ۸۲، ۷۵، ۲۶، ۲۲، ۲۱
			۶۱۱، ۵۸۵، ۲۹۶، ۲۶۳
۷۶	چهل کلمه	۲۷۸	ایران (روزنامه)
۳۰۸، ۲۱۲، ۱۴۷، ۴۵، ۱۰، ۲	چیستا (مجله)	۵۰۴	ایران و ایرانیان

س - ش		۵۰۱، ۴۹۹، ۴۹۸، ۴۰۱، ۳۴۱، ۳۱۱	
۲۵۵	سال نامه دبیرستان فیروز بهرام	۴۱۳	خاطرات اردشیر خاضع
۲۶۵	سال نامه فرهنگ یزد	۵۸۸، ۵۸۷، ۲۸۴، ۹۱	خاطرات اردشیر زارع
۲۹۷	سخنوران دوران پهلوی	۱۸۳	خاطرات پرنس ارفع الدوله
۸۱، ۳۵	شاهنامه فردوسی	۷۵، ۷۱	خرده اوستا
شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری		د	
۱۴۶، ۹۴، ۷۵، ۹	۱۴ هجری		
۲۷۹	شیرکوه (روزنامه)	۶۱۲، ۵۰	دبستان المذاهب
		۵۰، ۷۱، ۴۲، ۳۹، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۱۷	دساتیر
		۸۵، ۷۵	
ظ - ف - ق			
۲۸۹	ظهور و سقوط سلطنت پهلوی	۲۹۷	دیوان حافظ
۷۶، ۴۱	فرازستان	۲۹۷	دیوان سعدی
فرزندگان زرتشتی ← شهرمدان		۲۹۷	دیوان عارف قزوینی
۱۴۶	فروغ مزديسنی		
فروهر ۱، ۱۰، ۱۷، ۲۴، ۲۶، ۵۸، ۵۹، ۱۴۰			
۱۶۶، ۲۰۹ - ۲۱۱، ۲۲۵، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۳		ر - ز	
۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۲		۷۶	راز یزدان
۳۴۰، ۳۴۲، ۳۹۱، ۴۰۷، ۴۲۶، ۵۰۰، ۵۸۵، ۶۲۸		۴۰۶	رساله در باب ارث
۲۹۷	فلسفه ایران باستان	۴۰۶	رساله در نکوهش قربانی
۷۴	فرهنگ رشیدی	۶۱۱	روایات
۶۱، ۵۶، ۳۵	فرهنگ معین	۳۹، ۳۷، ۳۶، ۳۴	زر دست افشار
قانون نامه دبیرستان مزدیستان تهران		۶۱۱، ۲۶۳، ۲۶۲	زند
۵۲۷، ۱۳، ۸		۴۴۲	زندگینامه رجال و مشاهیر ایران
قرآن		۶۱۷	
۳۹۲، ۲۶۳، ۸۰، ۵۴، ۳۶			
۳۰۸، ۴۰۷	قصه سنجان	۳۹، ۳۷، ۳۶	زوره باستان

ک-گ

کلام الله مجید ← قرآن

کوشش (روزنامه)

۴۷۹

گانه‌ها (ترجمه)

۴۰۶

گزارش پیشینه، کارکرد و دیگر

خصوصیات کنکاش موبدان تهران ۲۹۹

گل دسته چمن آیین زرتشت

۴۰۶

گلشن (روزنامه)

۴۵۱، ۴۵۰، ۴۴۸، ۴۴۷

گنجینه اسناد (فصلنامه)

۵۱۰

گواه زناشویی

۴۰۶

م-ن

معجم البلدان

۵۳

مهنامه زرتشتیان ۱۷، ۹۷، ۱۴۲، ۲۸۹، ۲۹۸

۳۱۰، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۳۵، ۵۸۵، ۶۰۷

میراث جاویدان (فصلنامه)

۲۱

میزان مانک

۷۶، ۷۴

نامه خرده

۷۶

نوآیین

۸۷، ۸۶، ۷۴، ۷۳، ۷۱

و-ه-ی

وحید (مجله)

۴۴۵

ویندایش

۶۱۲

هوخت ۹۸، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۷۹، ۲۲۵، ۲۴۱

۲۴۲، ۲۴۶، ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۷۱، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۵

۳۰۰، ۳۰۸ - ۳۱۰، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۳۹، ۳۴۱ -

۳۴۳، ۳۸۵، ۴۰۷، ۴۱۳، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۱۸، ۵۶۳

۵۸۵، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۱۹، ۶۲۷، ۶۲۸

یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ ←

اشیدری

یادنامه پشوتن جی دوسابایی مارکار ۳۶

یغما (مجله) ۲۴۲، ۲۴۳

Some Records
on
The Iranian Contemporary Zoroastrians
(1879 - 1959)

by : T. Amini

Iran National Archives Organization

« Records Research Center »

2001